

Ketabton.com

سالنامه کابل

۱۳۱۵

الشـرـفـةـ الـجـمـعـيـةـ الـكـافـلـانـ

باہتمام سید قاسم (رشتیا) عضو انجمن

مطبوعہ عمومی کابل

تاریخ ۲۲ حِبْر ۱۳۴۷



آدرس: جاده ارگ انجمن ادبی کابل

عنوان تلگرافی: کابل ۱۱۰۰۰

٦٠٢

انجمن ادبی کابل
شبه (زیرینه)

حسب عبد الحکیم خان!

بسیح پانزده زنگ تسبیت کاب سید ساند مر نشر چهارم و بضم مرکه نایبر ۲۷ در خو در روزه خویم دعوه و مهر آمد

اینکاب سید ساند مر نکه و مریض مرکه نشر خویان فرم رسیده خویم نایبر نهادست صدر از ش

ر عطبری است دلخ خویند دروده وی اخیر نشر عازمه ایشان کل عطبری

ALMANACH DE KABOUL

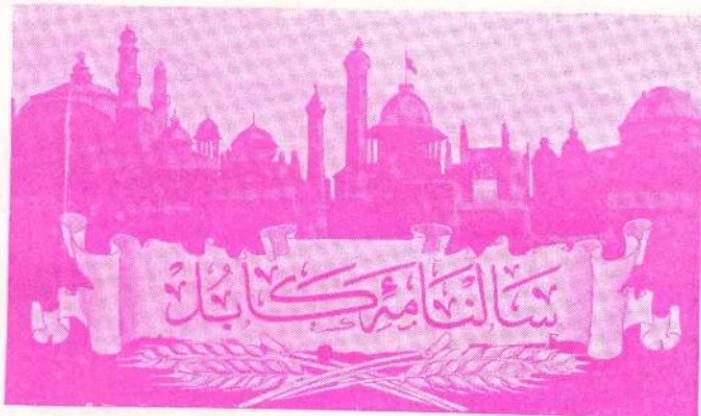
1936-1937

ÉDITE PAR LE CERCLE LITTÉRAIRE
DE KABOUL

Rédacteur en Chef: S. KASSÈM RECHTIA
membre du Cercle Littéraire de Kaboul

Imprimerie Générale

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مقدمه

بعون و عناست خدای بیچون و حسن توجهات حکومت معظم عرفان
بروز سالنامه کابل چهارمین دوره سنتی خود را بیان رسانیده اینک قدم
به ورده سال پنجم میگذارد .

سالنامه های منتشره سالهای سابق از جمن از لحاظ تقطیع و حجم و از
جهت قیمت نیز نظر بحیم آن گر اتر بود . ولی در آغاز طبع و تدوین
سالنامه حاضره سفارش و خواهش غالب مشتریهای باذوق اعمارا و ادار نمود

الف

سالنامه « نابل »

که از جنبه رسیدن سالنامه در دست روس علوم و از سب سهولت بردن و نقل آن در هر جایی، ارتقطبع و حجم آن کاسته و یک سالنامه نفس تری تدوین نماییم - لهذا این خواهش اهل ذوق را با کمال متن یند بر فته و بشوین و طبع سالنامه حاضر مواقف منضور مذکور یرداختیم ! این سالنامه از جهت داشتن مضمون مهندس خصوصاً اطلاعات راجع با فغانستان و مجاری سال ۱۳۱۰ داخلی این کشور و تها ویر نقیس شاهان افغانستان و عمارت و متناظر مختنفه از همه جهت ممتاز است .

ایند واریم با کمی قیمت و مرایایی طباعتی و تناسب حجمی که دارد این سالنامه جلب توجه مشرکین محترم خود را کرده بتواند .

در خاتمه از صراحت و فوازش حضور همایون اعلیحضرت ید ر تاجدار خود المولک‌الله که همواره مساعدت و شفقت ذات شاهاه شان موجب نشویق و قوت قلب و قلم خدام این انجمن واقع میشود، سیاست گذاری نموده بقای عمر ذات همایونی را از ایزد یا ک تمنا عی نماییم ! و نیز از مقامات عالیه و معظم دولتی خاصتاً مقام صهارت‌جلیله عظمی، نسبت به کمک‌ها و ابراز لطف و مرحتی که در جم و تدوین معلومات مفیده داشتی مندرجه این سالنامه بما فرموده اند، واز باقی فضلاً و ارباب قلم محترم که از اظهار لطف و کمک‌های قلی خود شان مضا پیه ننموده و بسا منت گذاشته اند، شکر گذاشته بوده سعادت و موفقیت شان را از درگاه الهی نیاز می نماییم .

(هیئت انجمن ادبی کابل)

پروردگار فوج پرو رئیس اسلامی
شان میراث اسلامی علیه السلام شاهزاد
بادیه بالله خدا

LADGEUSE SOUVIRAIN D'AFGHANISTAN
SA MAJESTE MOHAMMAD ZAHER SHAH



پادشاه افغانستان

شهر پار جوان و پادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه و اطال الله عمره و دو اته که ذات همایونش درین سنه قدم بمرحله پیست و دو مین حیات شریف خود میگذراند ، ذات همایونی متولد در ۲۲ میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در کابل و پس از سن مقضی تعلیم شا مل مکاتب مقدماتی و متوسط و بالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی در مکاتب عالی کابل با اختتام رسانیده موقعيه والد ماجد فقیدشان اعلیحضرت محمد نادرشاه کبیر عازم سفارت افغانستان در پار پس گردیدند ، ذات همایونی نیز بعیت آن شهر پار فقید بفرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه و علوم عالیه را در رشته های مختلف بمکاتب عالی و خاندان های با دانش و معظم آن مملکت تحصیل ، و تریه خصوصی را نسبت بوسائل داخلی وطن و اخلاق ملی و ادارا ک مطالب لارمه راجم بوطن و خصایص

سالنامه «کابل»

را از والد بزرگوار خود حاصل فرمودند.

اس از واقعه شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت مددوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای که بل گردیده محض عشق بهالم عسکری افغانستان و تعقیب سنت سنیه یدر بزرگوار خود در شعبه عسکری شا مل تعلیمگاه عالی نظامی کا بل شده و بعد قلبی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند و در سنه ۱۳۱۰ شمسی با صیبه معظمه والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده و در اخیر همین سنه چندی بوکال و زارت جلیله حریه و بعداً بوکال و وزارت معارف مؤذن بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی در حسن اداره و صحبت ایفا کی خدمات این دو وزارت خانه بخوبی و درستی معلوم گردیده در سال ۱۳۱۲ یعنی پس از شهادت شهریار شهید بتاریخ ۱۶ عقرب با تقاض و درخواست کلا و بزرگان ملت و عموم افراد عسکری و کشوری اریکه پیرای سلطنت سنیه افغانستان شده سال حاضر چهار مین سال از جلوس میمنت ما نوس این شهریار جوان محسوب میشود.

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

- ۱ - شهزاده یکم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲ - والاحضرت شهزاده محمد اکبر خان » ۱۳۱۲ «
- ۳ - والاحضرت شهزاده احمد شاه خان » ۱۳۱۳ «
- ۴ - شهزاده یکم سریم » ۱۳۱۵ «



افغانستان

بقام جناب غلام جیلانی خان
اعظمی معاون انجمن

افقانستان در آسمای مرکزی در تحت (۲۹) درجه و (۳۰) دققه و ۸۰
درجه و (۳۵) دققه عرض و (۶۰) درجه و (۵۰) دققه طول البلد واقع است
جوانب این مملکت محمد و د است : شرقاً با پنجاب هند که کوهستان افغانان
سرحدی آنرا از پنجاب و سند جدا می نماید ، از چهت شرق شمالی با
تورکستان چین اتصال دارد . شمالاً بصرهای خوارزم و مملکت بخارا که
رودخانه آمو آنرا از خاک بخارا فصل می نماید ، غرباً بخارا ابران ،
جنوباً ملحق است با بلوچستان .

این مملکت با فراخی (۷۰۰ ، ، ۷۰۰) کیلو متر سریج دارای سطوح
مرتفع و کوهای بلند است که مهم ترین آن سلسله هند و کش بطراف شمال
و سلسله سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد . بلند ترین ارتفاعات این
مملکت کوهستانی ای (۷۳۰۰) متر بشمار آمده . ضمناً صحاری فراخ ،
بنگه های سر سبز ، کوه یابه های خاکی نیز داشته ، رودخانه های آب های
خوشگوار که غالباً داخله خاک را مشروب میباشد فراوان دارد . منبع اکثر
واهم این رودخانها کوهستان مرتفع مرکزی مملکت است که اگر بقاعدۀ
آباری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتواند .

سالنامه «کابل»

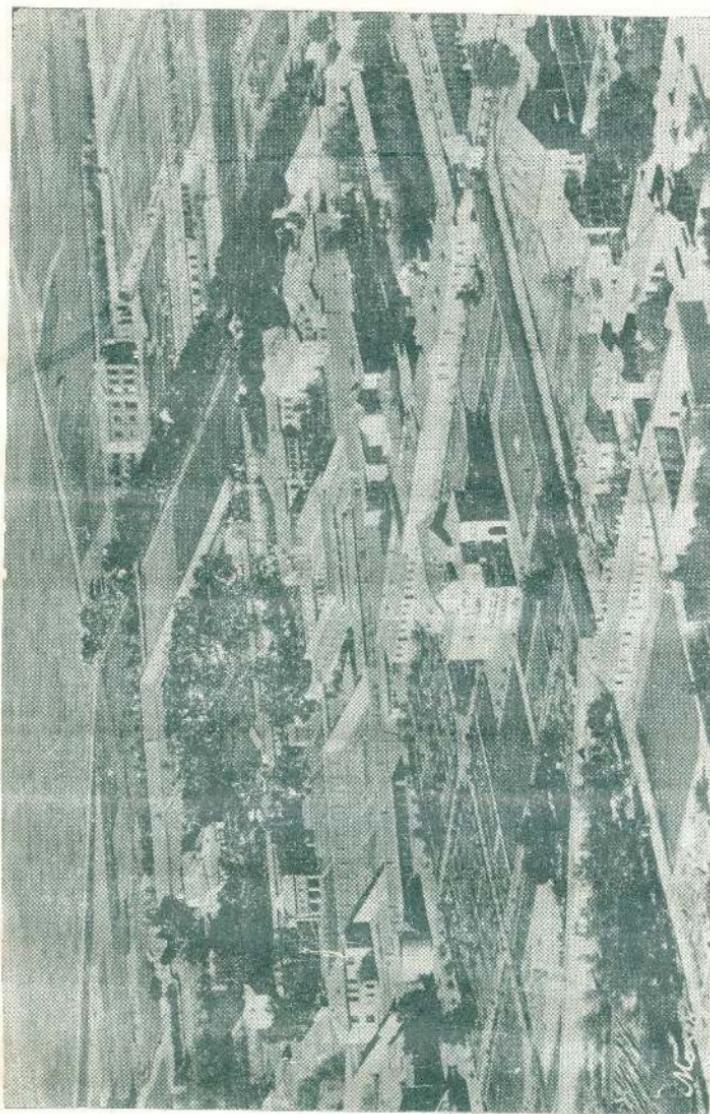
آب و هوای ملک گرچه از لحاظ یستی‌ها و باندیهای و ضعیت طبیعی مختلف موتفاوت گرم سیر و سرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازه حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالک طاقت‌فراساده نمیتواند. بعلت همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات مالک گرم سیر و سرد سیر هردو درین مملکت بعمل می‌آید. رو به مر فته درجه حرارت بحساب سانتیگرید در تابستان از (۴۲) درجه فوق و در زمستان از (۲۰) درجه تحت الصفر متباو و نبی شود.

از نقطه نظر اقتصاد این کشور عنیز خبلی غنی و بهترین و دایم فرست را دارا است مثلاً؛ زراعت، فلاحت، معادن بکر، حیوانات اهلی و دشمنی، اقسام طبور و جنگلات میوه و غیر میوه، ادویه جات طبی، سبز یعجات، در هر نقطه آن موجود و مورد استفاده است.

قسمت اعظم و عمده جیات اهالی را زراعت و فلاحت و ما لداری

تأمین می‌نماید. از بارز ترین بیان و از ملک به مقصد تجارت، پشم، پنبه قالین، اپر پشم، یوست قره قلی، پوست دیگر حیوانات، ادویه جات، میوه های خشک و تازه است که بخارج میرود، اما بر ترازان موادیکه مهم ترین سرمایه مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن و مس و ذغال سنگ و نفت و غیره معادنیات است که تاهنوز بکار نیفتد. افغانستان از حيث دارائی معادن مختلف و متعدد و بینا وار زراعتی و حیوانی اهمیت بسزا دارد.

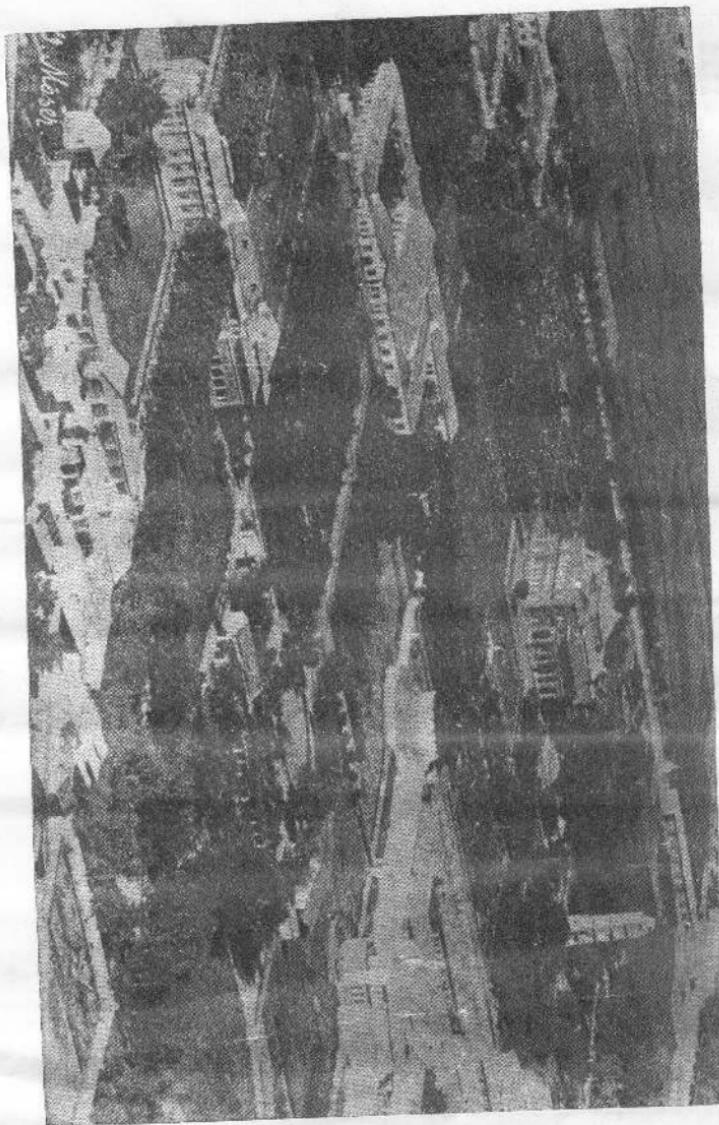
صنایع در افغانستان خیلی سابقه دارد. چه از اعصار قبل‌الاسلام الی دوره های چهار قرن، سه قرن قبل، صنایع بومی نزقیل معماری، مجسمه سازی، نقاشی



از متأثر شهرباشه کابل که از طیاره عکس گرفته شده

Kaboul moderne et pittoresque (photo-avion)

از منظر قنگی و عالی شهر کی بل که از طباره عکس گرفته شد.
Vue panoramique de Kaboul (photo prise par avion)



افغانستان

منتبت کاری ، حجاری ، نساجی ، خامک دوزی و سایر کنارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدرت رونق و ترقی داشت که امروز آثار و مقابای آن زیب موزه ها و اسباب استعجاب تمام شاپیان میشود . صنایع حاضره عبارت است از اقسام صنایع قدیمه فوق و بعضی صنایع حصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق صنایع قدیمه کاسته شده است صنایع قدیمه افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریان نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیار اندازه مکفی حوایج حیات اهالی شده میتواند . تجارت امتعه مالک خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچه افغانستان بمالک مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفة اروپیا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیره و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتی افغانستان غالباً بوسیله شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد و تحت کنترول حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تا هنوز نمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار و سپین تور کستان است که راه های آن تر منز ، کشکی و بندر کرکی میباشد ، و بعد خاک ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سیستان بشمار میبرود . نفوس افغانستان بتعداد ۲۱ میلیون واساساً دارای نژاد واحد آریائی و بطور عمومی متکلم بدوزبان پشتون و فارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد و نیز بطور اقلیت بعضی لغات از قبیل نورستانی پیشی ، ارسی وغیره درین اقوام محدودی صریح است ولی عموماً لغات مذکورة

نحوه منشعب از لغات اصل پشتو که یکن با خیلی فدیم این ندیکت است و زبانهای « هندوارانی » شناخته میشوند.

تحصیل زبان یشتو و فارسی در جزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است. دین رسمی ملت افغانستان دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی است. پیروان ادیان جزئیه از قبیل هند و یهود که یکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند، بجز تحکیم تأثیر گرفته می‌شود.

حکومت افغانستان شاهی مشروطه و مستقل است. بارگان مرکب از مجلس شورای ملی و اعیان است. وکلای مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت می باشند که بلا واسطه برای سعیان از طرف ملت انتخاب می شوند. حقوق و حدود ملت و دولت در قوهون اساسی بواسطه نخستین بار لایحه در سال ۱۳۰۸ باراده شهر بار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعیین گردیده مجلس اعیان که اعضای آن از بر جسته گان هستند است از حضور پادشاه تعیین می شود.

یا تخت مملکت شهر کابل است . ولایات نائب الحکومه نشین افغانستان بعد از کابل ، قندهار ، هرات ، مزار شریف ، فضفون و بدخشان است . کذا حکومات حاکم اعی نشیت آن جنوی ، مشرقی ، میمه ، فراه و چخانسور میباشد . شرقی تقسیمات منکیه ، افغانستان منقسم است به نایب الحکومه گی ها ، حکومتی های اعلی ، حکومتی های کلان ، حکومتی های درجه اول و دوم و سوم . شیلا زد داری ها .



از مناظر جلال آباد : اثر خاتمة جناب غلام محمد الدین خان معاون مکتب صنایع
Paysage de Djelalabad: Peint par le vice-directeur de l'Ecole des Arts et Métiers.

مراتب عسکری در افغانستان عبارت است از: سیه سالار، نایب سالار فرقه، مشراول و ثانی، غند مشراول و ثانی، کنند کشتر، تولی مشر، بلو کمشر اول و ثانی، پر کشتر، دلگیم شر و مراتب رسمی کشوری عبارت است از: مقام صدارت عظماً، وزیرها، معینها، رئیسها، مدیرهای عمومی، مدیرهای شعبه، معاونین ریاستها، معاونین شعبه، مامورها، سر کاتب، کاتبها، کایپنه دولت مرکب است از: صدر اعظم، وزیر خارجه، وزیر خارجه، وزیر داخله، وزیر عدیله، وزیر مالیه، وزیر معارف، وزیر تجارت، وزیر فوائد عامه، وزیر صحیه، وزیر پست و تلگراف.

امود دربار و دفتر شاهی بوسیله وزارت دربار و دارالتحریر شاهی اداره میشود.

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاہر شاه خلد الله تعالی ملکه خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی محصل استقلال افغانستان است که در سال ۱۳۱۲ بعد از شهادت والد تورگن خود بنی ۲۰ سالگی برخواست هلت زینت بختی تخت شاهی افغانستان گردیدند. درین سنه از سلطنت همایونی سومین سال منقضی و سال چهارم جلوس اعلیحضرت شان میباشد.

خدمت عسکری ویولیس در مملکت اجباری است. یک قسم عسکر خوش برخای دایمی نیز دولت دارد.

کذا تعلیم علوم عصری در مکاتب جبری و مصارف تعلیم و تربیت از طرف دولت پرداخته شده محصول از اولیای اطفال اخذ نمی شود. اقسام مکاتب در افغانستان: دارالفنون، مکتب صنایع، مکاتب اعدادی، رشدی، مقدماتی است و بشعبه عسکری افغانستان بر علاوه مکاتب اعدادی و رشدی و مقدماتی

سالنامه «کابل»

تعلیم گاه ها نیز موجود میباشد . در افغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است مرضیه که بشفاخانهای دولتی مراجعه کنند معالجه بطور مجانی می شود علاوه بر معالجه آزاد بوسیله داکتر نیز برای مرضیا در هر نقطه مملکت ممکن و میسر است .

اخبارات پستی ، تیلفونی ، تلگراف بطور شخصی و در ازای محصول معینه در هر نقطه مملکت آمده و ممکن است ، حمل و نقل پستی و تجارتی و مسافرت در تمام مملکت غالباً بوسیله موتر می شود .

خطوط سرک وسیمهای تیلفون در تمام نقاط مملکت کشیده شده هوتلها و جاهای رهایشی در راهها و شهرهای کشور موجود است .

مصارف حد متوسط یکنفر در افغانستان ازینچ افغاني «شلنگ» شب و روز تجها وز نیکنند و مصارف ساده تر ازان خود بر اتاب کثیر ازین است . طرز معشیت ، البسه ، عمارت در افغانستان بد و صورت سابق وجدید (عصری) متداول است . اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه با تغلیب اسلوب حیاتی آزاد و تکلیفی در ینخصوص داده نمی شود . از مهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض مالک خارجی محصول سرانه گرفته نمی شود . تجارت و سیاحین خارجی بوجب اجازه نامه های یولیس محلی بر احت توقف کرده میتوانند . اسلوب تجارت و داد و ستد تماماً در افغانستان عصری و برای رسیدگی با مردم دعاوی تجارت محاکم در هر شهر افغانستان موجود است .

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

- صدر اعظم : ج، ع، ج، ا، ا. نشان والاحضرت سردار محمد شاه خان .
- مشاور اول : ع ، ص ذوالقمار خان .
- مشاور دوم : ع ، ص سید احمد خان .
- رئيس ضبط احوالات : ع ، ص محمد شاه خان .
- مدیر شعبہ اول : ع ، خلیل اللہ خان .
- مدیر شعبہ دوم : « ، محمد صدیق خان .
- مدیر شعبہ سوم : « ، محمد فاروق خان .
- مدیر اوراق : « ، محمد اسماعیل خان .

سالنامه « کابل »

مدیر عرب ارض : ع ، میر عبدالله خان .
سرکاتب شعبه شفر : ص ، خواجه محمد نعیم خان ،
وقلم مخصوص
مامور محاسبہ : « ، خواجه ذکر الله خان ،
سرکاتب مجلس عالی : « ، ظهر محمد خان .
وزراء





این مرد بزرگ
از داشتن نیات
پاک خدا برستی و
حس سر شار وطن
دوستی از بد و
تکفل مقام جلیل
صدارت عظمی
تا حال با برآز
خدمات بزرگ
و افادات سترگ
بملکت نایل
گردیده و در تبعه
این زحمات و صرف
مساعی جمبله
و جود ذی قیمت
والای شان علیل
گردیده در سال
۱۳۱۵ بمقصد
معالجه عازم

مسافرت اروپا
و آخرآ بعنایت
خداآوندی صحبت

ج، ع، ج، ۱۰، ۱۱، ۱۲ نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم
S.A.R. «A.A.» Sardar Mohammad Hâchém Khan
premier ministre
کماله را دارا و با نظریات و معلومات تازه‌تری عودت بوطن فرموده اینک مصروف
اجرای مهامات ملکتی می‌باشد. ذات والا شان قبل از مسافرت از وی بتقدیر خدمات ذی قیمت خود
از حضور اعلیحضرت همایونی به نشان ذیشان المراعلی نیز افتخار حاصل نموده اند

وزارت حربیه

وزیر : ع ، ج ، ا ، نشان والا حضرت سید سالار غازی
سردار شاه محمود خان

معاون : ع ، ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار

یاور وزیر حربیه : ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی

مدیر تحریرات : ش ، محمد فاسیخان کند کمتر

مدیر مخصوص : « ، محمد یوسف خان کنند کمتر

دائرۃ استخارات :

مدیر : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

آمر شعبۃ الف :

آمر شعبۃ ب :

آمر شعبۃ ج :

ریاست ارکان حربیہ عمومیہ :

رئیس : ع ، ش ، محمد عمر خان فرقہ مشر اول

معاون : ح ، مصطفی خان غند مشر اول

دائرۃ عمومی حركات :

مدیر : ح ، سراج الدین خان غند مشر ثانی

سالنامہ « کابل »

آمر شعبہ ۲ تشکیلات : ش ، محمد امین خان کند کمشر

آمر شعبہ ۳ تحشیدات :

دائرۃ عمومی تعلیم و تربیہ :

مدیر عمومی :

آمر شعبہ پیادہ و سواری : ش ، آقا محمد خان کند کمشر

آمر ہوا بازی :

آمر ترجمہ : ش ، ذکریا خان کند کمشر

مدیر خریطہ : ش ، میر عبدالسلام خان کند کمشر

ریاست اردو :

رئیس : ع ، ش ، س ، ع ، احمد علیخان فرقہ مشر اول

مدیر عمومی مامورین : ح عبد الغالق خان غند مشر ثانی

مدیر اخذ عسکر : « حبیب اللہ خان غند مشر اول

مدیریت صحیہ :

مدیر : ح ، حسین علیخان غند مشر ثانی

سر طبیب : عزت مند انتظار الاسلام داکٹر فریشی

سر بیطار

مدیر انشا آت : ح ، میر اعظم شاہ خان غند مشر اول



ع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان
غا زی سپه سالار و وزیر حرب

S. A- R. «A. A.» Sardar Choh Mahmoud Khan
ministre de la guerre

نسبت به اوضاع عسا کر دول بزرگ است بوطن مراجعت و باشوق و جدیت
مفرطی مشغول تنظیمات امور عسکری وطن عنزین شده‌اند.

این سر بازنامی و
این فرزند رشید
افغانستان که تمام
عمر شریف
خویش را بخدمت
وطن صرف نموده
و کار ذاته های
قابل تقدیری را
در عالم عسکری و
غیره شعبات
ملکتی انجام
داده چنان ذکر
میدانیم در سال
گذشته از اثر
زحمتکشی های
شار و زی وجود
مبارت شان علیل و
برای معالجه بار و یا
عنیمت فرموده
اخیراً مع الخیر
با صحت کامل
و ار مقان قیمت
داریکه عبارت از
معلومات تازه

تشکیلات مملکتی

معاون تعمیرات : ش ، محمد ابا ز خان کند کمشر

مدیریت عمومی نقلیه :

مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غند مشر اول

مدیر نقلیه شعبه : ش ، ذ کریا خان کند کمشر
میخانیکی

مدیر نقلیه شعبه حیوانی : « ، محمد حسن خان »

ریاست حریمه :

رئیس : ع ، ش سید حسن خان فرقہ مشر ثانی

امر شعبه هیئت معاینه : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
و تدقیق

امر شعبه اسلحه : ش ، سر بلند خان کند کمشر

امر « جبا خانه » : ح ، عبد الرحیم خان غند مشر ثانی

امر « آلات » : « ، محمد اسلم خان » « .. »
وادوات فنیه

اسلیحہ دار : ح ، عبدالرشید خان غند مشر ثانی

جبا دار : ح ، محمد عثمان خان غند مشر اول

ریاست لوازمات :

رئیس : ع ، ع ، ش شیر احمد خان نائب سالار

سالنامه « کتابل »

مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقيوم خان کند کشر

مدیر لوازم : « حبیب الله خان کند کشر

ریاست قبایل :

رئیس : ح ، سید محمد حسین خان غند مشر ثانی

معاون : « شیر باز خان غند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علیخان غند مشر اول

معاون : ش ، عبدالنافی خان کند کشر

وکیل ریاست انجمن : ع ، ش ، محمد شاه خان فرقہ مشر ثانی

اصلاح و ترقی

مدیر اوراق : ش ، عبدالشکور خان کند کشر

مدیر کلوپ : « ظہیر الدینخان »

شفاخانہ عسکری :

سر طبیب : عزت مند داکتر عبدالغنی شاه خان

سر جراح : « نور محمد خان »

معاون : سید صالح خان

جراح : اسماعیل جوهری



ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی
اقفانستان فاتح کابل وزیر مختار و ناینده فوق العاده اعلیحضرت
همایونی دریاریس ، برن و بروکسل
S. A. R. «A. A.» Sardar Chah Vali Khan envoyé
extraordinaire et ministre plénipotentiaire de
Sa Majesté à Paris, Berne, Bruxelles,

این رجل نامدار

بر علاوه خدمات

و بجهات

ذیقت گذشته

درین سنه عهدہ

و کالت صدارت

عظمی وزارت

خریب رادر کابل

متکفل بوده و

بایافای خدمات

بر جسته این

ذو مقام عالی منت

هزایدی به عموم

ملت قدر شناس

تشکیلات مملکتی

قوماندانی طیاره :

قوماندان : ح ، محمد احسان خان غند مشر اول
مدیر دسته : « ، غلام دستگیر خان غند مشر ثانی
مدیر لوازم : ش ، غلام به اوالدین کند کشر

قومندانی مکاتب حریمه :

قومندان : ع ، ش ، س ، ع سردار علی شاه خان فرقہ مشر اول
معاون :
مدیر داخلہ : ح ، محمد هاشم خان غند مشر اول
مدیر لوازم : ش ، عبدالحسین خان کند کشر
معالم صنف پیادہ : ح ، لطیف احمد خان غند مشر ثانی
معالم صنف توبیچی : « ، علی احمد خان غند مشر ثانی
سر دعلم صنف استحکام : عزت مند مکنی احمد یگد
سر دعلم صنف توبیچی : « ، ظفر حسن خان
معالم سپورت : « ، محمد افضل خان
« اسنان روسی : « ، عبدالرحمن خان
« جو حید سو : « ، عبد الله خان

سالنامه « کابل »

مدیریت مکتب رشدیه :

مدیر : ش ، احمد سیر خان کند کمشر
علم : « افتخار الدین خان کند کمشر
« لسان انگلایسی : عزت مند محمد اعظم خان
« فریل و کیمیا : « چود هری عبدالعزیز خان
مکتب احضاریه :

نگران : ع ، ش ، عبدالطیف خان فرقہ مشر ثانی
مدیر داخله : ش ، عبدالرشید خان کند کمشر
سرمعلم : عزت مند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیک : ش ، محمد یعقوب خان کند کمشر
« کورس عالی : ح محمد عمر خان غند مشر ثانی
ریاست فابریکات حرbi :

رئیس : ع ، ع ، ش سبد عبد الله خان نائب سالار
معاون :
مدیر تحریرات و اوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کمشر
قومندانهای عکری مرکز :
قوماندان فرقہ شاهی : ع ، ش ، سردار اسد الله خان فرقہ مشر اول

تشکیلات مملکتی

قوماندان قول اردو : ع ، ع ، ش ، س ، ا ، محمد غوث خان نائب سالار

فرقه اول قول اردو : ع ، ش عبد الغنی خان فرقہ مشر اول

وکیل قوماندان فرقہ ۲ : « ، د عبد اللہ خان » « ثانی قول اردو

قوماندان فرقہ ۳ : « .. نور محمد خان » « اول قول اردو

قوماندان فرقہ توپیچی : « ، » عبد القبیوم خان « »

قوماندانہای عسکری اطراف :

قوماندان عسکری غزنی : ع ، ش عبد القبیوم خان « » ثانی

عسکری قندھار : « ، » سردار محمد داود خان فرقہ مشر اول و فراء

قوماندان عسکری : « ، » عبد الاحمد خان « » هرات

قوماندان عسکری : « ، » اللہداد خان « » ثانی منزاوشیرف و میمنہ

قوماندان عسکری : « ، » محمد قاسم خان « » قطنن و بد خشان

بيانات «كابل»

قومندان عسکری : ع ، ش محمد جعفر خان

قوماندان قول اردوی : ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان « اول جنو بی

قوماندان فرقہ اول : ع ، ش ، پیر محمد خان فرقہ مشر ثانی
فول اردوی جنوہی

قوماندان فرقہ دوم : « ، عبدالقوبم خان » قول اردوی جنوبی

صاحب منصب احتیاطی :

ع	ش ، مهردل خان	فندهاری
»	« ، محمد نعیم خان	بدخشی
»	« ، محمد سعید خان	محمد زائی
»	« ، غلام نبی خان	ناصری
»	« ، سر بلند خان	جاجی
»	« ، نزر خان	وزیری
»	« ، زلمی خان	منگلی
»	« ، عبدالقافی خان	محمد زائی
»	« ، اعظم گلخان	طو طا خبل
»	« ، غلام نبی پیکت خان	ع

سالنامه « کابل »

- سرکاتب : ص، عبدالوهاب خان
- کاتب : ص، فضل احمد خان
- سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :
- سفیر کبیر : ع، ج، سردار شیراحمد خان
- سرکاتب : ص، فضل احمد خان
- کاتب : ص، جمه خان
- سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :
- سفیر کبیر : ع، ج، عبدالحسین خان
- سرکاتب : ص، سید محمد عثمان خان
- کاتب : «، عبدالصمد خان
- » : «، محمد یونس خان
- وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :
- وزیر مختار : ع، ج، ا، اشان والا حضرت سردار شاه و لیخان غازی (که سمت وزارت مختاری بمن و بروکسل را نیز دارد)
- مستشار : ع، ص، س، ع، اسلام بیگ خان
- سرکاتب : ص، محمد عمر خان
- کاتب : «، علی خان
- » : «، محمد شدیب خان

« سالنامہ کابل »

وزارت خارجیہ

وزیر : ع ، ج فبض محمد خان ۔

معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان ۔

معین دوم : « ، محمد عثمانخان ۔

الف - مدیریت عمومی سیاسی :

۱: مدیر عمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان ۔

۲: مدیر شعبہ شرق : ص ، محمد اسماعیل خان ۔

۳: مدیر « غرب » : « ، عبدالحکیم خان ۔

۴: مدیر « مطبوعات » : « ، عبدالرؤف خان ۔

و اطلاعات و ترجمہ

ب - مدیریت عمومی تشریفات :

۱: مدیر عمومی : ع ، عبدالجید خان ۔

۲: معاون : ص ، عبدالقادر خان ۔

ج - مدیریت عمومی امور یمن الملکی :

۱: مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان ۔

۲: معاون معاہدات : ص ، محمد رحیم خان ۔

وزارت خارجیہ

- وزیر : ع ، ج فیض محمد خان .
معین اول : ع ، ص سردار محمد نعیم خان .
معین دوم : « ، محمد عثمان خان .

الف - مدیریت عمومی سیاسی :

- ۱: مدیر عمومی سیاسی : ع ، محمد کریم خان .
۲: مدیر شعبہ شرق : ص ، محمد اسماعیل خان .
۳: مدیر « غرب » : « ، عبدالحکیم خان .
۴: مدیر « مطبوعات » : « ، عبدالرؤف خان .
و اطلاعات و ترجمہ

ب - مدیریت عمومی تشریفات :

- ۱: مدیر عمومی : ع ، عبدالجید خان .
۲: معاون : ص ، عبدالقادر خان .
ج - مدیریت عمومی امور بین المللی :
۱: مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان .
۲: معاون معاہدات : ص ، محمد رحیم خان .

سالنامه « کابل »

- سرکاتب : ص ، عبدالوهاب خان
- کاتب : ص ، فضل احمد خان
- سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :
- سفیر کبیر : ع ، ج ، سردار شیراحمد خان
- سرکاتب : ص ، فضل احمد خان
- کاتب : ص جمه خان
- سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :
- سفیر کبیر : ع ، ج ، عبدالحسین خان
- سرکاتب : ص ، سید محمد عثمان خان
- کاتب : « ، عبدالصمد خان »
- وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس :
- وزیر مختار : ع ، ج ، انشان والاحضرت سردار شاه و لیخان غازی (که سمت وزارت مختاری بمن و بروکسل را نیز دارد)
- مستشار : ع ، ص ، س ، ع ، اسلام ییگ خان
- سرکاتب : ص ، محمد عمر خان
- کاتب : « ، علی خان »
- « ، محمد شدیب خان »

تشکیلات مدنگشته

وزارت مختاری اعلیحضرت در لندن :

وزیر مختار : ع، ج، علی محمد خان

سرکاتب : ص، جعه خان

کاتب : «، محمد سرور خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیر مختار : ع، ج، عبدالصمد خان

کاتب : ص، محمد رسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین :

وزیر مختار : ع، ج، الله نواز خان

سرکاتب : ص، حفیظ الله خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در توکیو :

وزیر مختار : ع، ج، حبیب الله خان

سرکاتب : ص، عبدالرؤف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جده :

وزیر مختار : ع، ج، محمد صادق خان مجددی

سرکاتب : ص، عبدالرحمن خان

نهاینده دایمی افغانستان : ع، ج محمد حیدرخان

در جامعه ملل

سالنامه «کابل»

کاتب امور جامعه مملک : ص ، عبدالقیوم خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت دہلی :

جنرال قونسل : ع ، ص ، صلاح الدین خان

سر کاتب : ص ، صالح محمد خان

کاتب : « ، عبد الغالق خان

« : صالح محمد خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در تاشکند :

جنرال قونسل : ع ، ص محمد ابراهیم خان

سر کاتب : ص ، محمد انور خان

جنرال قونسلگری اعلیٰ حضرت در مشهد :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان

سر کاتب : ص ، عبدالقدوس خان

کاتب : « ، محمد عزیز خان

« : محمد سعید خان

قونسلگری اعلیٰ حضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبدالرحمن خان

تشکیلات مملکتی

- سرکاتب : ص ، عتاید الله خان
کاتب : « ، عبدالصمد خان
آتشه اقتصادی : « ، میر حسن شوکت
قونسلگری اعلیحضرت در کراچی :
قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب : « ، ص محمد نعیم خان
قونسلگری اعلیحضرت در مرو :
قونسل : ع ، عبدالودود خان
سرکاتب : ص ، عطا محمد خان
قونسلگری اعلیحضرت در سیستان :
قونسل : ع ، عبدالغفور خان
سرکاتب : ص ، محمد طاهر خان
کفیل قونسل افغانی : ص ، حاجی محمد اسحق خان
درجه
ماموریت ویزه افغانی در پشاور :
مامور ویزه : ص ، محمد یوسف خان .

سالنامه « کابل »

سرکاتب
کاتب
»

: ص ، عبدالقيوم خان
: « ، محمد انور خان
: « ، محمد نعيم خان

ماموریت ویزه افغانی در چمن :

مامور ویزه : ص ، میر غلام فاروق خان
کاتب : « ، عبدالرشید خان



تشکیلات ممنکتی

وزارت داخلہ

وزیر : ع ، ج ، ا ، نشان محمد گلخان
معین : ع ، ص عبد الرحیم خان
مدیر عمومی پولیس : ع ، عبد العزیزم خان
مدیر عمومی احصائیہ : « ، عبدالرحیم خان
مدیر مامورین : ض ، عبد الوود خان
مدیر حاسبہ : « ، بدر الدین خان
مامور اوراق : د ، غلام نقشبند خان
سر کاتب قلم مخصوص : د ، محمد حسن خان



سالنامه « کابل »

وزارت عدليه

وزير : ع ، ج فضل احمد خان مجددی
معين : ع ، ص امين الله خان
رئيس تيز : ج ، ف عبد الرحيم خان
كفيل رئيس جمعيت العلماء : « ملا بزرگ خان
مدير تحريرات واوراق : ص ، عبدالسلام خان
مدير مامورين : « ، محمد مير خان
مدير محاسبه : د ، محمد ناصر خان





ع . س . نشان محمد گل خان وزیر داخلہ
S.Ex. «A.A» Mohammad Gul Khan
ministre de l'intérieur.



ع . ج . فیض محمد خان وزیر امور خارجہ
S.Ex. Faiz Mohammad Khan *Ministre des affaires étrangères.*



مَعْجَنْ فَضْلِ اَحْمَدْ خَانْ جَعْدُونْ وَزَرْ عَدْلَه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre
de la justice,



مَعْجَنْ سِرْدَارْ اَحْمَدْ عَلَىْ خَانْ وَزَرْ مَعَارِفْ
S.Ex. Sirdar Ahmad Ali Khan ministre
de l'instruction publique

تشکیلات مملکتی

وزارت مالیہ

کفیل وزارت : ع، ج میر زا محمد خان

ریاست اجرائیہ :

معین اول و رئیس اجرائیہ : ع، ص محمد حسین خان

مدیر تصفیہ ماضیہ : «، قطب الدین خان

مدیر اوراق : «، فقیر محمد خان

مدیر مامورین و معاش : «، محمد افضل خان
و مصرف

مدیر املاک : «، محمد نعیم خان

مدیر احصائیہ : «، عبد الرحیم خان

مدیر مالیات و محصولات : «، غلام حسن خان

ریاست محاسبات :

معین دوم و رئیس محاسبہ : ع، ص غلام مجتبی خان
و کنٹرول

مدیر عمومی کنٹرول : ع، محمد اسلم خان

مدیر عمومی بودجہ : «، محمد انور خان

مدیر تغییش : ص، محمد حسن خان

سالنامه « کتابل »

مدیر خزانه : ص ، سید کمال خان

مشاور مالی : عنتمند شینو مانچولی .

ترجمان مشاور مالی : « ، محمد عثما نخان

ریاست عمومی مطابع :

رئیس : ع ، ص ، عبدالحمید خان

معاون اول و وکیل ریاست : ع ، ص ، سید محمد ایشا نخان

معاون دوم : ع ، سید محمد رسول خان

مدیر زنگو گرافی : ص ، بای محمد نوری

خطاط : « ، سید محمد داود خان

متخصص :

مدیر حسابه و کنترول : ص ، میر حسام الدین نخان

خزانه دار : « ، محمد سرور خان

ریاست ضرا بخانه :

رئیس : ع ، ص ، غلام قادر خان

مدیر حسابه و کنترول : ص ، محمد سرور خان

متخصص : « ، عبدالنبی خان

تشکیلات مملکتی

خزانه دار نقدی : ص ، سید مقصود خان

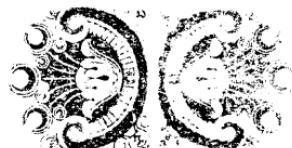
« جنسی » : غلام حیدر خان

« مواد خام » : احمد جان خان

ریاست خزانه عمومی

وئیس ع : ص نظر محمد خان

معاون : ص ، عبد الحنан خان



سازمانه « سابل »

وزارت معارف

وزیر : ع ، ج ، سردار احمد عینیخان
معین : ع ، س ، عبدالجبارخان
کفیل و معاون ریاست : ع ، س ، هاشم شایق خان
تعلیم و تربیه
عضو ریاست تعلیم و تربیه : ص ، محمد قاسم خان
« » : « شیخ محمد رضا خان
» : « عبدالجبار خان
» : « محمد بنی خان
مدیر تفتیش و تدریس : « ، عزیز الرحمن خان
ومامورین
مفتش علمی و اداری : « ، عبدالغفار خان
» : « ، محمد آصف خان
مدیر تنظیمات : « عبدالله خان
مدیر محاسبہ : « ، محمد یونس خان
مامور اوراق : « ، عبد الله خان
سرکاتب قلم مخصوص : « ، عبدالقبو خان

نشکیلات مملکتی

مدیر موزه و حفريات : ص غلام محی الدین خان

مامور تحویلخانه عمومی : « محمد یونس خان

مامور محافظه آثار عتیقه : « محمد حسین خان

بامیان

مامور انتظام کلوب : « احمد علیخان

معارف

مامور نگران ابنيه : « عبد الرحیم خان

دارالفنون

« دایرہ لابوراتوار : « داکتر حافظ انور علیخان

داکتر شفاخانه معارف : عزت مند احمد علیخان

مامور کتابخانه وزارت : ص ، محمد زمان خان

مامور کتابخانه ملی : ص ، عبد الفتی خان

رئیس انجمن ادبی پشتو : ع ، ص ، محمد عثمان خان

عضو « » : ص ، محمد اعظم خان

« » : « » ، قیام الدین خان

« » : « » ، محمد گل خان

وزارت تجارت

- وزیر : ع ، ج ، میر ز احمد خان
معین اول : ع ، ص محمد حسین خان
معین دوم : « » غلام غوٹ خان
مدیر عمومی گمرکات : ع ، عبدالقیوم خان
واحصائیہ مدیر عمومی زراعت : « ، محمد زمان خان
و معادن و جنگلات
مدیر تجارت : ص ، میر ضباء الدین خان
کفیل مدیر ترجمانی : « ، محمد علیخان
مدیر مجلس اقتصاد : « ، محمد زمان خان تره کی
متخصص زراعت : « ، محمد کریم خان
» : « ، نور محمد خان
مدیر مامورین : « ، مهتاب الدین خان
مدیر محاسبہ : « ، محمد عنایت اللہ خان
مدیر اوراق : « ، عبدالوالود خان
سرکاتب قلم مخصوص : « ، صالح محمد خان

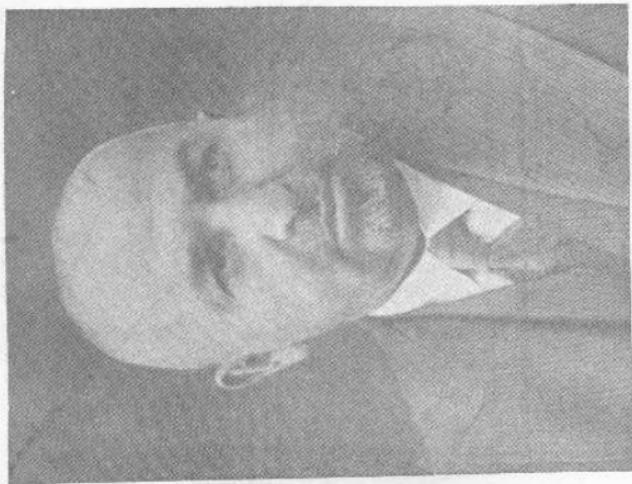
تشکیلات مملکتی

وزارت تجارت

- وزیر : ع، ج، میر زا محمد خان
معین اول : ع، ص محمد حسین خان
معین دوم : ع، غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات : ع، عبدالقیوم خان
واحصائیه
مدیر عمومی زراعت : «، محمد زمان خان
و معادن و جنگلات
مدیر تجارت : ص، میر ضیاء الدین خان
کفیل مدیر ترجمانی : «، محمد علیخان
مدیر مجلہ اقتصاد : «، محمد زمان خان ترہ کی
متخصص زراعت : «، محمد کریم خان
» : «، نور محمد خان
مدیر مامورین : «، مہتاب الدین خان
مدیر محاسبہ : «، محمد عنایت اللہ خان
مدیر اوراق : «، عبدالودود خان
سرکاتب قلم مخصوص : «، صالح محمد خان

تشکیلات مملکتی

- مدیر موزه و حفريات : ص غلام محمد الدین خان
- مامور تحویلخانه عمومی : « محمد یونس خان
- مامور محافظه آثار عتیقه : « محمد حسین خان
بامیان
- مامور انتظام کلوب : « احمد علیخان
معارف
- مامور نگران انبیه : « عبد الرحیم خان
دارالفنون
- « دایرہ لابوراتوار : « داکتر حافظ انور علیخان
- داکتر شفاخانه معارف : عنزت مند احمد علیخان
- مامور کتابخانه وزارت : ص ، محمد زمان خان
- مامور کتابخانه ملی : ص ، عبد الغنی خان
- رئيس انجمن ادبی پشتون : ع ، ص ، محمد عنان خان
- عضو « » : ص ، محمد اعظم خان
- « » : « ، قیام الدین خان
- « » : « ، محمد گل خان



ع، میرزا محمد خان وزیر تجارت و کنفیل مالیہ
S.Ex. Mirza Mohammad Khan ministre
de commerce et gérant du ministère
des finances.



ع، عبدالرحیم خان وزیر فوائد عامہ
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre
des travaux publics.



ع، ج رحیم الله خان وزیر پست، تکراف و تبلیغون

S.Ex, Rahimullah Khan ministre
des P.T.T.



ع، ج غلام یحیی خان وزیر صحیہ

S.Ex, Ghulam Yahya Khan ministre
de l'hygiène.

نشکلات مملکتی

وزارت فوائد عامه

وزیر : ع ، ج عبد الرحيم خان

معین : ع ، ص نصر الله خان

مدیریت عمومی فابریکات :

مدیر عمومی : ع ، سردار غلام محمد خان

معاون : ص ، امیر محمد خان

مدیر فابریکه گوگرد : د ، محمد حسین خان
سازی

مامور فابریکه نجاری : « ، نور احمد خان
دار الفنون

مدتخصص حکاکی : عزت مند اتوار کونزر
وستگه لا جورد

مدیر فابریکه نختابی : ص ، محمد ابراهیم خان
جبل السراج

مدتخصص فابریکه نختابی : عزت مند ، ما نیکه
جبل السراج

مامور فابریکه نجاری : ص ، عبد الغفور خان
مرکزو مربوطات آن حکاکی
سنگه تراشی و رنگالی

سازمانه « کابل »

مدیر اجراییہ فابریکہ : ص ، محمد اسلم خان
بوت دوزی

مدیر محاسبہ فابریکہ : . . .
بوت دوزی

مدیر اجراییہ فابریکہ : ص ، میر صاحب خان
نساجی سرکن

مدیر محاسبہ فابریکہ : « یعقوب علیخان
نساجی سرکن

مدیریت عمومی معابر :

مدیر عمومی : ع : سعد الدین خان
مهندس : عنانمند نسیمہ

معاون مهندس : « محمد شفیع خان

معاون مهندس : ص ، احمد شاہ خان

مدیر سرکہ مشرقی : « عبد الرسول خان
حصة ولايت کابل

مدیر سرکہ مشرقی حصة : « ، محمد کبیر خان
حکومت اعلائی مشرقی

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبد الغیاث خان

تشکیلات حملہ کسٹی

مامور محاسبہ : ص ، محمد موسی خان

مدیریت جشن و احتفالات :

مدیر : ص ، غلام محمد الدین بخاری

معاون : نور احمد خان

مدیریت برق :

مدیر : ص ، عبد العلی بخاری

انجینئر سب استیشن : « غلام محمد خان

مدیر مهندسی : ص ، فظر محمد خان

مدیر محاسبہ : ص عبد الکریم خان

مامور محاسبہ : « عبد الاحد خان

مدیر مامورین : ص عبد الحسین خان

مدیر اوراق : ص حبیب اللہ خان

سرکاتب قلم مخصوص : ص غلام رسول خان

ہترجم انگلیسی : ص محمد افضل خان

سالنامہ « کابل »

وزارت صحیہ

وزیر : ع ، ج ، غلام بھی خان
معین : ع ، ص ، سردار محمد کریم خان
مدیر مشاورہ فی : « جلال الدین خان
مدیر مجموعہ صحیہ : « عبدالرشید خان
مدیر محسابہ : ص ، محمد محسن خان
سرکاتب شعبہ مامورین : « ، محمد ابراهیم خان
» تحریرات : « ، فقیر محمد خان
» اوراق : « ، صالح محمد خان

شعبات مر بوطہ مرکز :

مدیر شفاخانہ ملکی : ص ، عبدالغفار خان
سرطیب شفاخانہ : « ، دکتور ریبع حکمت یسگ
مدیر شفاخانہ مستورات : « ، زینب ییگم
کفیل مدیر دواخانہ : « ، محمد علیخان
عمومی
معاون شعبہ اکسیریز : « ، عنبر اللہ خان
ورادیو
دکتور دندان : عزتمند محی الدین یسگ

تشکیلات مملکتی

- دکتور دندان : ص ، عبدالله خان
دکتورس دندان : عزت مند ، خانم بای محمدالدین خان
کفیل سرطیب رفقی : « ، نوزاد یگ
ستا توریم
معاون فنی و اداری : ص ، محمد عمر خان
رفقی ستا توریم
سرطیب شفا خانه : عزت مند ، نوزاد یگ
امراض عقلیه و عصبیه
معاون فنی و اداری شفا خانه :
امراض عقلیه و عصبیه : ص ، سید قیوم خان
مامور ستا توریم : « ، روح افزا یکم
مستورات
معاون فنی و اداری :
ستا توریم مستورات : « ، محمد موسی خان
معاون معاینه خانه واقع : « ، محمد ابراهیم خان
شهر آرا
« معاینه خانه واقع : عزت مند داکتر کرم الهی خان
قلعه هزاره های چند احوال
معاون معاینه خانه واقع : ص محمد موسی خان
بالا حصار

وزارت پست وتلگراف و تیلفون

وزیر : ع ، ج ، رحیم اللہ خان

معین

مدیر شعبہ ارتباط : ص ، محمد سعید خان

خارجی

مدیر شعبہ پست : « احمد شاہ خان

مدیر شعبہ تلگراف : « عبدالغالمخان

و تیلفون

مدیر حسابہ : « غلام احمد خان

مدیر حمل و نقل : ص ، غلام چیلانی خان

سرکاتب شعبہ مامورین : « محمد ایوب خان

و تحریرات

سرکاتب شعبہ اوراق : « یائیدہ محمد خان

شعبہ مشاوری پست :

مشاور

: عنزتمند ، فون زیکنس

ترجمان

: ص ، غلام فاروق خان

شعبہ را دیو تھنیک :

متخصص خارجی : عنزتمند ، بوم

و داخلی : ص ، عطاء اللہ خان

تشکیلات مملکتی

شعبهٔ فنی تیلفون :

متخصص خارجی : عن تمدن ، لار سون
داخلي : ص ، عبدالجید خان

شعبات مر بوطهٔ مرکز :

مامور فابریکهٔ رمیم موتور : « ، عبد العزیز خان
انجینیر » « » : عن تمدن ، اسگا کا
مامور شعبهٔ هو تلمها : ص ، امین الله خان
کفیل مامور تیلفون : « ، عبدالاحد خان

خانهٔ مرکز

نگران‌های تیلفون اطراف :

نگران تیلفون سمت : ص ، محمد افضل خان
مغربی

نگران تیلفون سمت : « ، غلام حضرت خان
مشرقی

نگران تیلفون سمت شمالی : « ، حاجی محمد خان

نگران تیلفون سمت : « ، عبدالاحد خان
جنوبی

سالنامه « کابل »

ریاست مبایعات :

رئيس : ع ، ص عبدالرسول خان
مدیر محاسبہ و کنترول : ص ، غلام معروف خان
مأمور اجرائیہ : « کل ایاز خان
ریاست نسلگردی و تربیۃ حیوانات :

رئيس : ع ، ص محمد یوسف خان
معاون : ص ، فاروق شاه خان
مدیر محاسبہ : د ، غوث الدین خان



تشکیلات ولایات و حکومتی های ولایات اعلی و حکومتی های کلان ولایت کابل

والی : و ، ج محمد عمر خان
مستوفی : ع ، ص سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت : ص ، میر امام الدینخان
« اجراییه » : « عزیز الدینخان
« تحصیلی » : « محمد رضا خان
« تدقیقیش » : « امیر محمد خان
قاضی مرافقه : ف ، ملا صالح محمد خان
فوماندان کوتوالی : ح ، طره باز خان
سرما مور فوماندانی کوتوالی : ش ، میر عبد العزیز خان
مدیر جزا : ص ، خیر محمد خان
« تعلیم و تربیه » :
« محاسبه » : ص ، غلام رضا خان
« مخدس » : سید کمال خان

سالنامه « کابل »

- وکل رئیس گمرک : ع ، خواجه تاج الدین خان
 مدیر مخابرات : ص ، فخر الدین خان
 قاضی ابتدائیه : ف ، ملا احمد خان
 مدیر تحریرات : ص ، عبدالواحد خان
 مدیر خزانه : « محمد اسماعیل خان
 منتظم تلگراف سیدار : محمد امان خان
 « بی سیم : « علی گلخان
 مامور معاشر : « دلادر خان

حکومت کلان سمت شماری :

- حاکم کلان : ع ، خواجه محمد خان .
 مدیر کنترول : ص ، محمد عنان خان .
 قاضی ابتدائیه : ف ، عبد الجبیل خان .
 قوماندان کوتوالی : ش ، شیر احمد خان .
 مامور گمرک : ص ، علی محمد خان .
 کفیل مدیر صحیحہ : « ، نصر اللہ خان .

حکومت کلان غزنی :

- حاکم کلان : ع ، محمد هاشم خان .
 مدیر کنترول : ص ، فتح محمد خان .
 قاضی ابتدائیه : ف ، محمد علی خان .
 قوماندان کوتوالی : ش ، عن الدین خان .

تشکیلات مملکتی

مامور گمرک

کفیل مدیر صحیہ

: ص ، محمد عمر خان .

: د ، سلطان احمد خان .

حکومت کلان دایزنگی :

حاکم کلان دایزنگی : ع ، غلام محی الدین خان .

مامور کنترول

: ص ، محمد سعید خان .

قاضی ابتدائیہ

: ف ، ملا دین محمد خان .

فوماندان کوتوالی : غ ، محمد نبی خان .

حکومت کلان لوگر :

کفیل حاکم کلان

: ع ، محمد حسن خان .

مامور کنترول

: ص ، محمد حسین خان .

قاضی ابتدائیہ

: ف ، ملا صالح محمد خان .

فوماندان کوتوالی

:

مامور گمرک

: ص ، نورالحق خان .

کفیل مدیر صحیہ

: « ، محمد نبی خان .

ولايت قندھار

نائب الحکومہ

: ع ، ش ، سردار محمد داؤد خان

مستوفی

: ع ، ص ، محمد اسلم خان

مامور کنترل مستوفیت : ص ، عبدالحمید خان

مامور اجرائیہ : « ، عبدالله خان

سالنامہ « کابل »

- سرکار تھیصلی مستوفیت : ص ، باز محمد خان
مامور تقیش « » : محمد حسین خان
قاضی صرافیه : ف ، ملا اختر محمد خان
قوماندان کوتولی : ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرک : ع ، فخر الدین خان
قاضی ابتدائیہ : ف ، ملا صاحب خان
مدیر خارجہ : ص محمد امین خان
مدیر تحریرات : « » ، محمد اسماعیل خان
مدیر مخابرات : « » ، پاییندہ محمد خان
منتظم تبلیغات : « » ، عبداللہ خان
کفیل مدیر صحیہ : « » ، محمد یوسف خان
مدیر خزانہ : « » ، سیف اللہ خان
مدیر معارف : « » ، غلام حیدر خان
رئیس فیصلہ منازعات تجارتی : « » ، حاجی جان محمد خان
مدیر معابر : « » ، محمد اصغر خان
مدیر زراعت : « » ، مسجدی خان
مامور برق :
متخصص برق : عنت مند آ و گست اوبل
مامور فاریکہ نساجی : ص ، نظام الدین خان
متخصص « » : عنت مند کمپر

تشکلات مملکتی

حکومت کلان گوشک :

- | | |
|------------------------|------------------|
| : ع : ع دوست محمد خان | حاکم کلان |
| : ص ، احمد علیخان | مامور کنترول |
| : ف ، محمد فیض بیم خان | قاضی ابتدائیہ |
| : غ ، عیدی احمد خان | قومندان کو توالی |
| : ص ، محمد رضا خان | مامور گمرک |
| : « ، محمد صدیق خان | مامور صحیہ |

حکومت کلان اروزگان :

- | | |
|----------------------|------------------|
| : ع ، ع شاہ بزرگ خان | حاکم کلان |
| : ص ، نظام الدین خان | مامور کنترول |
| : ف ، عبدالحلیم خان | قاضی ابتدائیہ |
| : غ ، تاج محمد خان | قومندان کو توالی |
| | مامور گمرک |

حکومت کلان قلات :

- | | |
|------------------------|------------------|
| : ع ، ع میر اکبر خان | حاکم کلان |
| : ص ، محمد یعقوب خان | مامور کنترول |
| : ف ، ملا نور الحق خان | قاضی ابتدائیہ |
| : غ ، خان محمد خان | قومندان کو توالی |
| : ص ، محمد شریف خان | مامور گمرک |

سالنامه « کابل »

ولایت هرات

: و ، ج ، س ، ا ، غلام فاروق خان	نایب الحکومه
: ع ، ص ، محمد علی خان	مستوفی
: ص ، محمد عثمان خان	مامور کنترول مستوفیت
: د ، عبدالقدوس خان	مامور اجرائیہ »
: « ، حاجی عطاء محمد خان	مامور تحصیلی »
: د ، محمد جان خان	مامور تفتیش »
: ف ، احمد علی خان	قاضی صرافہ
: ح ، حاجی محمد عظیم خان	قوناندان کوتولی
: ع ، غلام جبار خان	رئیس گمرک
: ف ، ملا عبدالباقی خان	قاضی ابتدائیہ
: ص ، محمد صدیق خان	مدیر خارجہ
: د ، عبدالقدیر خان	« تحریرات
: « ، عبدالوهاب خان	« خزانہ
: « ، نظام الدین خان	کفیل مدیر مخابرات
: « ، عبدالاحد خان	منتظم تغراف
: « ، عبدالمجید خان	مدیر زراعت
: « ، عبدالنبی خان	کفیل مدیر صحیہ
: « ، عبدالواحد خان	مامور معارف
: « ، گل محمد خان	رئیس فیصلہ منازعات تجارتیہ

سالنامه « کابل »

ص ، سرفراز خان	مامور تقیش مستوفیت :
ف ، ملامیر محمد خان	قاضی صرافیه :
ح ، محمد جانخان	قوماندان کوتوالی :
ص ، عبد الحق خان	مدیر گمرک :
ف ، ملامحمد رجب خان	قاضی ابتدائیه :
ص ، سید عبد المومن خان	مدیر خارجہ :
« ، عبد السمیع خان	« تحریرات :
« ، عبد الفتاح خان	« مخبرات :
« ، میر سکندر شاہ خان	« خزانہ :
« ، غلام سرور خان	منتظم تلگراف :
« ، میرزا محمد خان	کفیل مدیر صحیہ :
« ، محمد زمان خان	مدیر زراعت :
« ، عبدالسلام خان	مامور معارف :
د ، عبد الاحد خان	رئیس فیصلہ منازعات تجارتیہ :
« ، غلام رسول خان	مدیر معابر :
« ، حاجی محمد سلیم خان	مامور موذیم :

حکومت کلان شہر غان :

حاکم کلان	: ع ، ع سید آقا خان
مامور کستروں	: ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	: ف ، ملامحمد امین خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، محمد اسحق خان
مامور گمرک	:

سامانة «كابل»

ص ، سرفراز خان	مامور تقىش مستوفيت :
ف ، ملامير محمود خان	قاضى مرافقه :
ح ، محمد جانخان	قوماندان كوتوالى :
ص ، عبد الحق خان	مدیر گرگ :
ف ، ملامحمد رجب خان	قاضى ابتدائى :
ص ، سيد عبد المولى من خان	مدیر خارجه :
« ، عبدالسميم خان	« تحريرات :
« ، عبد الفتاح خان	« مخابرات :
« ، مير سکندر شاه خان	« خزانه :
« ، غلام سرور خان	منتظم تلگراف :
« ، ميرزا محمد خان	کفبل مدیر صحیہ :
« ، محمد زمان خان	مدیر زراعت :
« ، عبدالسلام خان	مامور معارف :
« ، عبد الاحد خان	رئيس فیصلہ منازعات تجارتیہ :
« ، غلامرسول خان	مدیر معاشر :
« ، حاجی محمدسلیم خان	مامور موذیم :

حكومة کلان شهر غان :

حاکم کلان	: ع ، مع سید آقا خان
مامور کشتیول	: ص ، عبد الله خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملامحمد امین خان
قوماندان کوتوالی	: غ ، محمد اسحق خان
مامور گرگ	:

ولایت قطعن و بدخشان

نائب الحکومه : وج شیر محمد خان
 مستوفی : ع ، ص محمد سرور خان
 مامور کنترول مستوفیت : ص ، میر محمد نبی خان
 مامور اجراییه « » ، غلام بھی خان
 سر کاتب تحصیلی « » ، میر عبداللطیف خان
 مامور تفتیش « »
 فاضی مرافقه : ف ، ملا گلدست خان
 قومندان کوتوالی : ح ، فقیر شاه خان
 مدیر گمرک : ص ، محمد انور خان
 فاضی ابتدائیه : ف ، ملا علی محمدخان
 مامور خارجه : ص ، سید عبدالسمیع خان
 مدیر تحریرات : « » ، شاه عبدالله خان
 کفیل مدیر مخابرات : « » ، گل احمد خان
 منتظم تلگراف : د ، محمد عنمان خان
 سفیل مدیر وصحیه : « » ، عبدالرحیم خان
 مدیر زراعت : « »
 مدیر خزانه : « » ، خواجہ عبدالرشید خان
 مدیر معارف : « » ، عبد القدر خان
 مدینس فیصلہ ممتازات تجارتی : « » ، میان فضل احمد خان

سالنامہ « کابل »

حکومت کلان بد خشان :

حاکم کلان	: ع ، سید عباس خان
مامور کنترول	: ص ، فضل احمد خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا محمد غوث خان
فوماندان کوتوالی	: غ ، غلام محی الدین خان
مامور گرک	: ص ، غلام فاروق خان
« صحیہ	: « ، محمد جعفر خان

حکومت اعلائی سمت مشرقی

حاکم اعلیٰ	: ع ، ص محمد فاسخان
سر رشتہ دار اعلیٰ	: ص ، شیر احمد خان
مامور کنترول سر رشتہ داری	: « ، شیر احمد خان
سر کاتب اجرائیہ « »	: « ، سید محمد اکبر خان
» تحصیلی « »	: « ، میرزا محمد خان
مامور تفتیش « »	: « ، غباٹ الدین خان
قاضی مرافقہ	: ف ، ملا عبد اللہ خان
فوماندان کوتوالی	: ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گرک	: ص ، عبدالکریم خان
قاضی ابتدائیہ	: ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجہ	: ص ، سلطان عنزیز خان
کفیل مدیر صحیہ	: « ، محمد اسماعیل خان

تشکیلات مملکتی

مدیر زراعت : ص ، سید حب علیشاه خان
» معابر : « ، عبدالوالو کیل خان
» . . .
مامور تحریرات : ص ، محمد جانخان
» خزانه : « ، عبدالعلیخان
» معارف : « ، نیک محمد خان
» مخابرات : « ، محمد حسین خان
منتظم تلگراف تورخم : حکومت کلان اسمار :
حکومت کلان

مامور کنترول : ع ، سید جلال خان
قاضی ابتدائیه : ص ، گل احمد خان
قومندان کوتواں : ف ، ملا عبد الغفور خان
مامور گرفت : غ ، شیر محمد خان
» . . .
» صحیہ : ص ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلای سمت جنو بی

حاکم اعلیٰ و قوماندان عسکری : ع ، ش ، س ، ع محمد افضل خان
فرقه مشر اول
سر رشته دار اعلیٰ : ص ، عبدالمجید خان
مامور کنترول سر رشته داری : « ، احمد خان
سر کاتب اجرائیہ » : « ، عبدالمجید خان

« سالنامه کابل »

سرکاتب تحصیلی سرشنہ داری	: ص ، حسن علیخان
مامور تفییش	: « ، سید علم خان
قاضی صافعہ	: ف ، ملاسید کاظم خان
قوماند ان کوتولی	: ش ، مدد خان
قاضی ابتدائیہ	:
مدیر گمرک	: ص ، عبدالمجید خان
مدیر خارجہ	: « ، محمد اکبر خان
کفیل مدیر صحیحہ	: « ، عبدالغفور خان
مدیر معابر	: « ، دلاور خان
مامور زراعت	: « ، محمد کریم خان
« خزانہ	: « ، جمال الدین خان
« تحریرات	: « ، غلام حیدر خان
« معارف	: « ، علی جان خان
« نخبارات	: « ، محمد بنی خان

حکومت اعلایی میدمنہ

حاکم اعلیٰ	: ع ، ع ، ص محمد عنزیزخان
سر رشتہ دار اعلیٰ	: ص ، نورمحمد خان
مامور کنٹرول سرشنہ داری	: « ، محمد حسن خان
سرکاتب اجرائیہ	: « ، عبدالروف خان
سرکاتب تحصیلی	: « ، سکندرخان
سرکاتب تفییش	: « ، میر اکبر خان

تشکیلات مملکتی

- قاضی صرافعه : ف ، ملا محمد یوسف خان
 قو ماندان کوتولی : ش ، عبد النقور خان
 مدیر گمرک اند خوی : ص ، محمود خان
 هامور گمرک مینه : « ، محمد اسماعیل خان
 قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالرؤف خان
 مدیر خارجه : ص ، عبد الشکور خان
 کفیل مدیر صحیحه : « ، محمد شریف خان
 مامور تحریرات : « ، عبد الحمید خان
 کفیل مامور خبربرات : « ، غلام غوث خان
 مامور زراعت : آقارحیم خان
 « خزانه : « ، محمد اسلام خان
 « معارف : « ، محمد طاهر خان
 رئیس فیصله منازعات تجارتی : « ، محمد عمر خان
 مامور معاشر : « ، سلطان عنز خان

حکومت اعلای فراه و چخانسور

- حاکم اعلیٰ : ع ، ص عبدالرزاق خان
 سر شته دار اعلیٰ : ص ، نور احمد خان
 مامور کنترول سردشته داری : « ، عنیز احمد خان
 سر کاتب اجرائیه : « ، جبار علیخان
 « ، تحصیلی : « ، شیخ احمد خان
 « ، تفتیش : « ، محمد افضل خان

سالنامه « کابل »

- قاچى صرافىه
[قو ماندان كوتاولى
مدیر خارجه
کفبل مدیر صحبه
[مدیر زراعت
مامور گرگ
قاضى ابتدائى
مامور تحريرات
مامور مخابرات
منتظم تلگراف سيدار
مامور خزانه
مامور معارف
- : ف ، ملا عبد اللطيف خان
: ش ، غلام حبدر خان
: ص ، محمد صديق خان
: د ، عبد اللطيف خان
: د ، عبد الباقى خان
: د ، شير احمد خان
:
: ص ، غلام محمد خان
: « ، محمد علم خان
: د ، فيض محمد خان
: « ، محمد عمر خان
: « ، گلبند خان



مجلس عال اعيان

: ع ، ج مير عطا محمد خان	رئيس
: ع ، ص حاجي محمد أكبر خان	معاون اول
: ع ، ص عبد الرحيم	معاون دوم
: ف ، حافظ عبدالفار خان	رئيس تميز
: ص ، سردار گل محمد خان	اعضای مجلس
: د ، حاجي خير محمد خان	»
: د ، حاجي عطا محمد خان	»
: د ، عبدالحکیم خان	»
: د ، معاذ الله خان	»
: د ، جان محمد خان	»
: د ، سيد یاقوت شاه خان	»
: د ، ملک رحمن خان	»
: د ، ايشان امام الدین خان	»
: د ، شاه محمود خان	»
: د ، حاجي عبدالرحيم خان	»
: د ، غلام معروف خان	»
: د ، عبدالحمید خان	»
: د ، خان آقا خان	»

سالنامه « کابل »

وکیل میدان	:	ص ، مولوی عبدالقدوس خان مربوط ولایت کابل
« سیغان و کهرد	:	» ، احمد جا نغان
« بامیان	:	» ، سلطان علیخان
« چهار یکار	:	» ، عبدالستار خان
« نجراب	:	» ، احمد علیخان
« تگاب	:	» ، سید اکبر خان
« ریزه کوهستان	:	» ، عبدالقدوس خان .
« سرخ و پارسا	:	» ، عبدالمیخان
« جبل السراج	:	» ، سر فراز خان
« کوهدامن	:	» ، سید احمد خان
« غزنی	:	» ، شهاب الدینخان
« غور بند	:	» ، فقیر محمد خان
« مقر	:	» ، حاجی عبدالقيوم خان
« جاغوری	:	» ، نادر علیخان
« دایرنگی	:	» ، سید غلام رضا خان
« بهسود	:	» ، میر محمد علیخان
« یکاولنگ	:	» ، میر حبیب الله خان
« سروی	:	» ، محمود خان
« کوچی دامانی کتواز	:	» ، عبدالرحمٰم خان
« کتواز	:	» ، محمد قپچر خان

تشکیلات دوائر ملی

»	»	» ، گلبدين خان	و کیل دند
»	»	: » ، محمد هاشم خان	» کشک نخود
»	»	: » ، محمد فضل خان	» فلات
»	»	: » ، محمد اقبال خان	» گرمییر
»	»	: » ، آقا محمد خان	» سپین بولدک (کدنی سابق)
»	»	:	» دهرا هود
»	»	: » ، فیض الله خان	» تبرین
»	»	: » ، حاجی گل محمد خان	» دهله
»	»	: » ، عبدالعزیز خان	» آن زک و چندک
»	»	: » ، عبدالصمد خان	» ارغستان
»	»	: » ، محمد موسی خان	» گرشک
»	»	: » ، عبد الرزاق خان	» زمینداور
»	»	: » ، محمد شاه خان	» ارزگان
»	»	: » ، عبدالعزیز خان	» گزاب
»	»	: » ، میر افضل خان	» اجرستان
»	»	: » ، دوست محمد خان	» کوچی پشت رود
»	»	: » ، محمد شریف خان	» مرکز هرات
»	»	: » ، فضل حق خان	» بلاوکات
»	»	: » ، میر محمد محسن خان	» غور
»	»	: » ، محمد سرور خان	» سبزوار
»	»	: » ، محمد عنیز خان	» غور یان

سالنامہ « نابل »

- جوکلیں کشات و گلران : ص ، محمد یعقوب خان مربوط ولایت هرات
 « قلعہ نو : سلطان محمد خان
 « بالا مرغاب : عبد الباقی خان
 « او به : سید محمد عمر خان
 « تو لک و تکا بستان : دوست محمد خان
 « شهرک : رحمت اللہ خان
 « چقیران : غلام رسول خان
 « مركز مزار شریف : عبد الکریم خان مربوط ولایت
 مزار شریف :
 « نهر شاهی : رجب علی خان
 « سنگچهارک : محمد طریف خان
 « تاشقرغان : محمد ناصر خان
 « سر پل : محمد عظیم خان
 « افچه : صالح محمد خان
 « بلخ :
 « دولت آباد : نور اللہ خان
 « درہ صوف : طورہ ییک
 « شبرغان : میر محمد اسلم خان
 « ایک : میرزا کلان خان
 « مركز خان آباد : غلام حیدر خان مربوط ولایت
 فاطمین و بد خشان

تشکیلات دو ایرانی

سالنامه «کابل»

- وکیل کامه : ص، میا عبدالغفورخان مربوط حکومت اعلایی مشرفی
- » » : « عبدالقادر خان لفمان
 - » » : « مشتک عالم خان نورستان
 - » » : « شیر علیخان خو گیانی
 - » » : « محمد امیر خان حصارک
 - » » : « مجاهدین خان مرکز حکومت کلان کنرها
 - » » : « سید جانخان کنر خاص و کوز کنر
 - » » : « محمد امین خان بر کنر دره سین
 - » » : « محمد حسن خان دره پیچ
 - » » : « میا جانخان رو دات
 - » » : « محمد هاشم خان کوچی نشک نهادی
 - » » : « امیر محمد خان گردیز مربوط حکومت اعلایی جنو بی
 - » » : « سید حبیب شاه خان ار گون
 - » » : « صاحب جانخان خوست
 - » » : « میرزا محمد خان »
 - » » : « بدک خان منگل
 - » » : « صاحب گل خان جاجی

تشکیلات دوازد ملی

وکیل جدران	: ص ، نیک محمد خان	مربوط حکومت	اعلای جنوبی
« چمکنی	: « ، محمد عزیز خان	»	»
« زرمت	: « ، محمد ذعیم خان	»	»
« وکیل مرکز و علاقه جات	: « ، ابوالقاسم خان	مر بوط حکومت	اعلای مینه
پیرون سونه پشتوں کوت			
« قیصار	: « ، عبدالرحمن خان	»	»
« درزاب و گرزویان	: « ، عبدالرحمن خان	»	»
« اند خوی	: « ، چار یار قل خان	»	»
« تگاب شیرین	: « ، سید ابوالغیر خان	»	»
« مرکز فراه	:	مربوط حکومت	اعلای فراه
« چخانسور	:	»	»
« بکواه و خاشرود	: ص ، غلام سرور خان	»	»

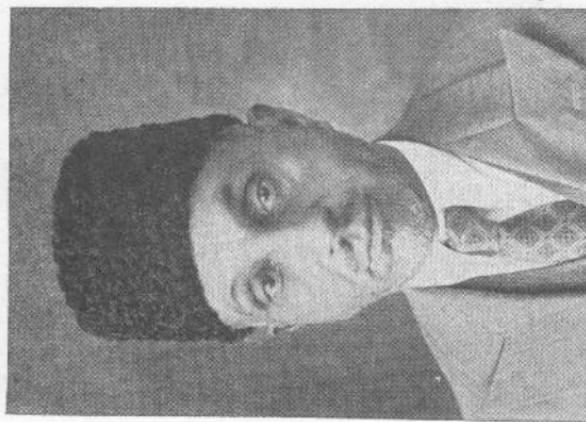


مجلس عال اعيان

: ع ، ج میر عطا محمد خان	رئيس
: ع ، ص حاجی محمد اکبر خان	معاون اول
: ع ، ص عبدالرحیم	معاون دوم
: ف ، حافظ عبدالغفار خان	رئيس تمیز
: ص ، سردار گل محمد خان	اعضای مجلس
: د ، حاجی غیر محمد خان	»
: د ، حاجی عطا محمد خان	»
: د ، عبدالحکیم خان	»
: « ، معاذ اللہ خان	»
: « ، جان محمد خان	»
: د ، سید یاقوت شاه خان	»
: د ، ملک رحمن خان	»
: د ، ایشان امام الدین خان	»
: د ، شاه محمود خان	»
: د ، حاجی عبدالرحیم خان	»
: د ، غلام معروف خان	»
: د ، عبدالحیمد خان	»
: د ، خان آقا خان	»



مَعْدُولٌ عَلَيْهِ خَان رَئِيسٌ شُورَىٰ مَلِي
S. Ex. Abdoul Ahad Khan président
du Conseil National.



مَعْدُولٌ عَلَيْهِ خَان رَئِيسٌ بُجَّالٍ اِعْبَان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
Président du Sénat.



ع ، ح والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار
S. A. Ahmad Chah Khan Ministre
de la Cour.

ع ، ح محمد نوروز خان سرمشی حضور همایونی
ورئیس انجمن ادبی کابل
S. Ex. Mohammad Naouroz Khan
secrétaire privé de S. M. et président
du Cercle Littéraire de Kaboul

اعضای مجلس	:	ص ، محمد رسول خان
»	:	عبدالعمرد خان
»	:	عبدالغفور خان
»	:	حاجی عبدالحکیم خان
»	:	سید فیض الله خان
»	:	حاجی میرزا محمود خان
»	:	عبداللطیف خان
»	:	امین الله خان
»	:	محمد عمر خان
»	:	میرمحمد علیخان آزاد
»	:	عبدالستار خان
»	:	سید احمد شاه خان
»	:	علی احمد خان
»	:	عبد الرحمن خان
»	:	محمد حسن خان مهمند
»	:	خداداد خان
»	:	نظر محمد خان
»	:	ملک محمد اصغر خان
»	:	جلال الدینخان
»	:	محمد حسن خان وردک
»	:	سید شمس الدین خان

اعضای مجلس	: ص، سید محمد خان
»	: د، سید احمد خان
»	: د، مولوی محمد پذیر خان
»	: د، نور الدین خان
»	: د، حاجی محمد شریف خان
»	: د، یار محمد خان
»	: د، سردار گل محمد خان
»	: د، محمد اکبر خان
»	: د، غلام رسول خان
»	: د، دیوان حکم چند

هیئت اداری:

منشی مجلس اعیان	: ص، محمود خان
سر کاتب تحریرات	: د، محمد حسین خان
» انجمن تحقیقیه	: د، محمد انور خان
» انجمن تدوین و اصول	: د، سید محبوبخان
» دائرة تمیز	: د، غلام رسول خان
» محاسبہ	: د، محمد یوسف خان
» اوراق	: د، محمد اکبر خان

دیاست بلدیه کا بل

رئیس	: و، ج عبدالرزاق خان
معاون	: ص، سید جلال الدین خان
مدیر تحریرات	: «، عبداللہ خان
محاسبہ	: «، محمد رفیق خان
مامور تحصیلی	: «، محمد رفیق خان
نمبر موڑو گادی	: «، میر عبدالفتاح خان
نگران	: «، قبیر محمد خان
مهندس خارجی	: عنزت مند مستر سایل اوف
داخلی	: ص ناج الدین خان
پیماشی ها	: «، محمد حسین خان، غلام غوث خان حضرت شاه خان و علام والدین خان
کشہ کش ها	: «، رمضان خان، عبدالمجید خان عبدالغفور خان و عبد الرحمن خان
مقتی کار میزی	: ف، عجب گلخان
معمار باشی مہندسی	: ص، محمد نعیم خان
« میزی	: «، عبدالرؤف خان
نجار	: «، محمد ہاشم خان
سرکاتب تفتیش و سنچش	: «، محمد نعیم خان
اوراق	: د، محمد حسین خان
مامور تنظیفات	: «، عبدالرشید خان
پتیم خانہ نادری	: «، محمد ابراهیم خان

روسا و مامور های بلدیه مراکز ولایات و حکومتی های اعلی و کلان

- رجیس بلدیه فند هار « ع ، محمد ناصر خان .
 » هرات « غلام یحیی خان .
 » مزار شریف « فراح الدین خان .
 » خان آباد « میر عبدالسلام خان .
 » جلال آباد « ص ، سلطان احمد خان .
 » گردیز « محمد رضا خان .
 » مینمه «
 مامور فراه « محمد حسین خان .
 چهار یکار « عبد الرسول خان .
 » فرنگی « عبد السلام خان .
 » دایزنگی «
 » لوگر « ص ، لطف الله خان .
 » گرشک «
 » ارزگان «
 » قلات «
 » فورات «
 » باد غیستان «
 » شیرغان «
 » بدخشان (فیض آباد) « ص ، بزرگ خواجه خان .
 » کنرها و اسمار «

تشکیلات دوائر حسنور

وزارت دربار

وزیر	:	مع، ج، والاحضرت سردار احمد شاه خان
معین	:	ع، ص غلام احمد خان
مدیر تنظیمات	:	ص، عبدالرحیم خان
معاون تنظیمات	:	«، محمد اکرم خان
»	:	«، غلام نبی خان
»	:	«، عبدالحیب خان
مدیر تشریفات	:	«، عبدالرشید خان
د عموی محاسبہ	:	«، عبدالوهاب خان
« خزانہ	:	«، سراج الدین خان
« نقایہ	:	«، محمد اکبر خان
ناظر کارخانہ طباخی	:	«، ساجی نظر محمد خان
خانہ سامن باشی عموی	:	«، صالح محمد خان
فراشباشی	:	«، عبدالرشید خان

عرض بیکی حضور : ص ، محمد اسماعیل خان
همايونی

مور ران باشی : « ، خواجہ محمد خان

سرکاتب اوراق : « ، محمد عظیم خان

مصاحیین حضور همايونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

د ، حاجی محمد نواب خان

د ، صالح محمد خان

د ، محمد سرور خان

د ، سلطان احمد خان



دارالتحریر شاهی

سرمنشی حضور همایونی: ع ، ج محمد نوروز خان

مدیر قلم مخصوص : ع ، نور محمد خان

« شعبه اول : « حافظ نور محمد خان

» دوم : « عبدالاحد خان

» سوم : « سراج الدینخان

» چهارم : « غلام قادر خان

مترجم زبان عربی و ترکی: ص ، سید مبشر خان طرازی

« زبان انگلیسی و اردو: « یعقوب حسن خان

» فرانسوی : « محمد حیدر خان

» مشاور امور شرعیه : « احمد علیخان

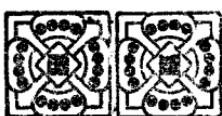
مشاور امور اقتصادی : ص ، حبیب اللہ خان

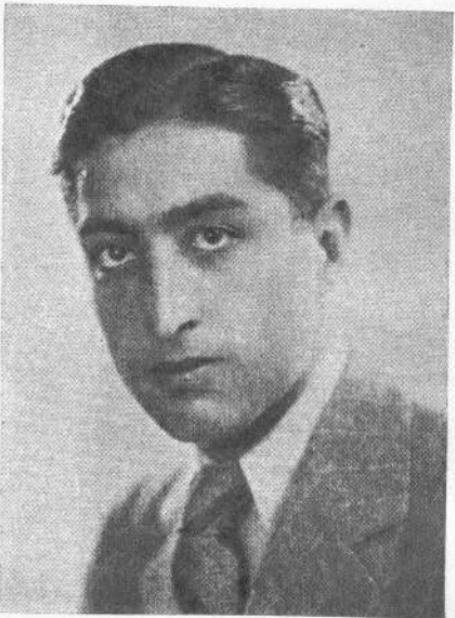
رئیس دائره خصوصی: ع ، ص ، خواجه جانگل خان

حضور همایونی

سریا وریت حربی حضور هما یونی

سریا ور حربی حضور : ع ، ش ، عبد القفور خان فرقہ مشر ثانی
 معاون سریا ور : د ، د ، محمد لطیف خان د د
 هبور حربی حضور : د ، د ، فیض محمد خان د د
 د د : ح ، محمد صفر خان غند مهر اول
 د د : سید صالح محمد خان د د
 د د : عبد الغنی خان د د ثانی
 د د : عبداللہ خلیل د د
 د د : ش ، محمد حسین خلیل د د
 د د : غ ، غلام محمد خان تولیمہر
 سرکاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان



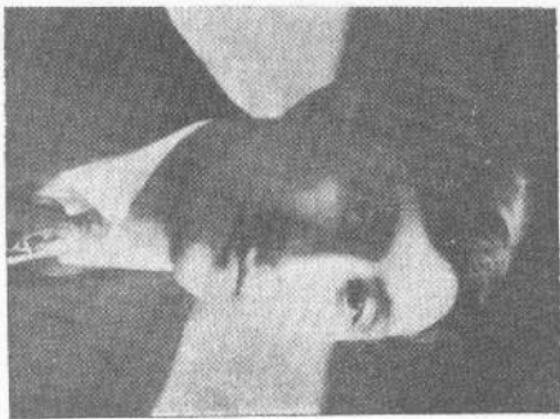


ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیر معارف
S. Ex. Sardar Mohammad Naïm Khan
le nouveau ministre de l'instruction
publique

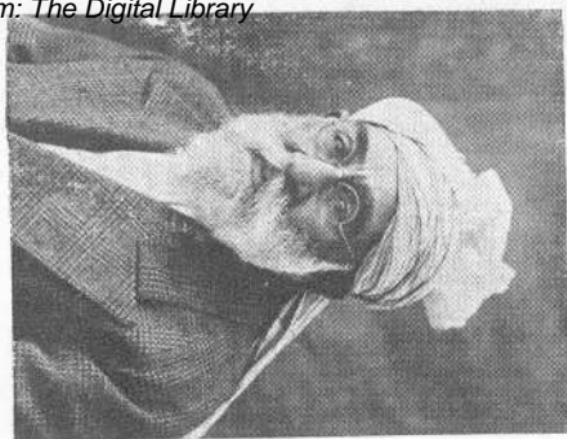
در موقعیکه ساختامه
از طبع فارغ و
مستعد نشر بود،
گنال مسرت
اطلاع گرفتم که
عالیحضرت جلال‌ال تعالیٰ
سردار محمد نعیم
خان پسر عم
اعلیحضرت
همایونی معین اول
وزارت امور
خارجیه که بکی از
جوافان تعلیمه بافت
کارآگاه ولائق
و فعال مملکت ما
میباشد، از حضور
اشرف ملوکا به
بوزارت معارف
عن تقدیر حاصل

نموده - اینست که یک فضمه عکس جلال‌ال تعالیٰ ب مو صوف را بدست
آورده باین معرفی مختصر بر داختیم و ضمناً مراتب مسرت و امتنان
خود را نسبت باین انتخاب نیک اظهار و ابدیفوی داریم که امور معارف
افغانستان که طرف تو جه مخصوص اعلیحضرت همایونی و سائر رجال
بهیخواه وطن عن یزد ما میناشد، از اثر مساعی ع، ج سردار
محمد نعیم خان وزیر معارف بیش از ییش حائز ترقی و توسعه گردید.

از مقر ریهای صمهه سال ۱۳۱۵

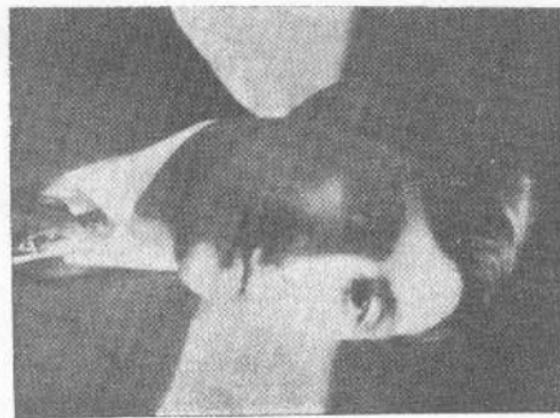
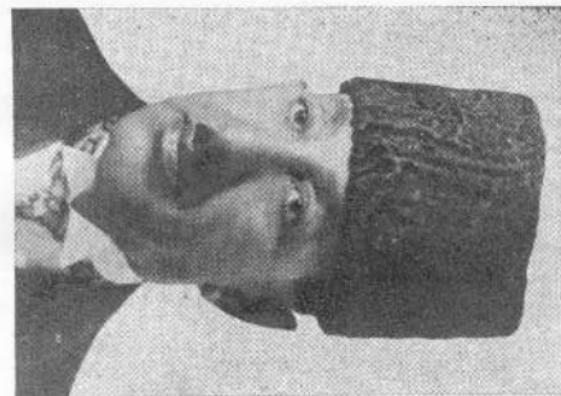


مع ، مس امین الله خان معین
وزارت عدلیه



مع ، مس محمد اکبر خان مصاحب
حضور همایونی

از مقر ریهای سمهه سال ۱۳۱۵



مع ، ص امین الله خان معین
وزارت عدلیہ

مع ، ص محمد اکبر خان مصاحب
حضرور ہمایوں

مع ، ح محمد حبیر خان ناینده دائمی
اونسان دو رجامعہ مملل

از مقریهای مهم سال ۱۳۱۵



ع ، ش عبدالقادر خان سریاور
ع ، ش محمد قاسم خان قومندان فرقہ
ع ، ش محمد قاسم خان قومندان فرقہ
حربی حضور همایونی
فرقہ غزی



ع ، س عبدالرسول خان رئیس مبارک

ع ، س محمد علی خان مستوفی هرات



از مقربهای مهمه سال ۱۳۱۵

از مقرریهای سال ۱۳۵۱



جناب عبدالله خان دکتور معدان نژیم
بانفه آلمان که در سال ۱۳۵۱ بوطی
سراجت و مشغول کسار شده اند



ع. محمد کریم خان مدیر عمومی سیاسی
وزارت خارجه که اخیراً باین
عمله مقرر شده اند

اجرا آت دوائر مملکتی

در سال ۱۳۱۵ بتوجه حکومت معظم متبع و مسامعی وز حات قابل قدر هیئت محترم دولت و مامورین دوایر، امور مملکتی اعم از قسمت های کشوری و لشکری دارای ترقیات محسوسی شده و در اثر همین نظم و پیشرفت های امور دولتی ملت در کمال امینت و آسایش برتری امور جانی و معاشرتی خود سرگرمی و توجه دارند و این حبیش و توجه دولت و ملت برتری مملکت، افغانستان عزیز را باقدمهای صحیح و صرتی بطرف سعادت وار تقاضی کشاند.

هیئت انجمن ادبی کتابخانه از توجهات ترقی خواهانه حکومت مهربان خود سپاس گذاری نموده اینک مختصر شرح کار روائی دوایر محترم مملکتی را فرار آنی بلاحظه قارئین سالنامه میرسانیم:

امور حربیه

امور حربیه که بزرگترین و مهم ترین شعبات مملکتی را تشکیل داده حفظ و استقرار امنیت در داخل و تأمین صلاح و حفظ حقوق و منافع مملکت در خارجه بسته به آن میباشد، همانطور یکه از بد و تاسیس حکومت موجوده یعنی از اول زمامداری مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی فقید و هیچنان از روز جلوس اعلیحضرت معظم همایونی محمد ظاهر شاه خلدالله ملکه بزیر نظر رجل نامدار و فرزند رشید وطن والاحضرت سردار شاه محمود خان غازی

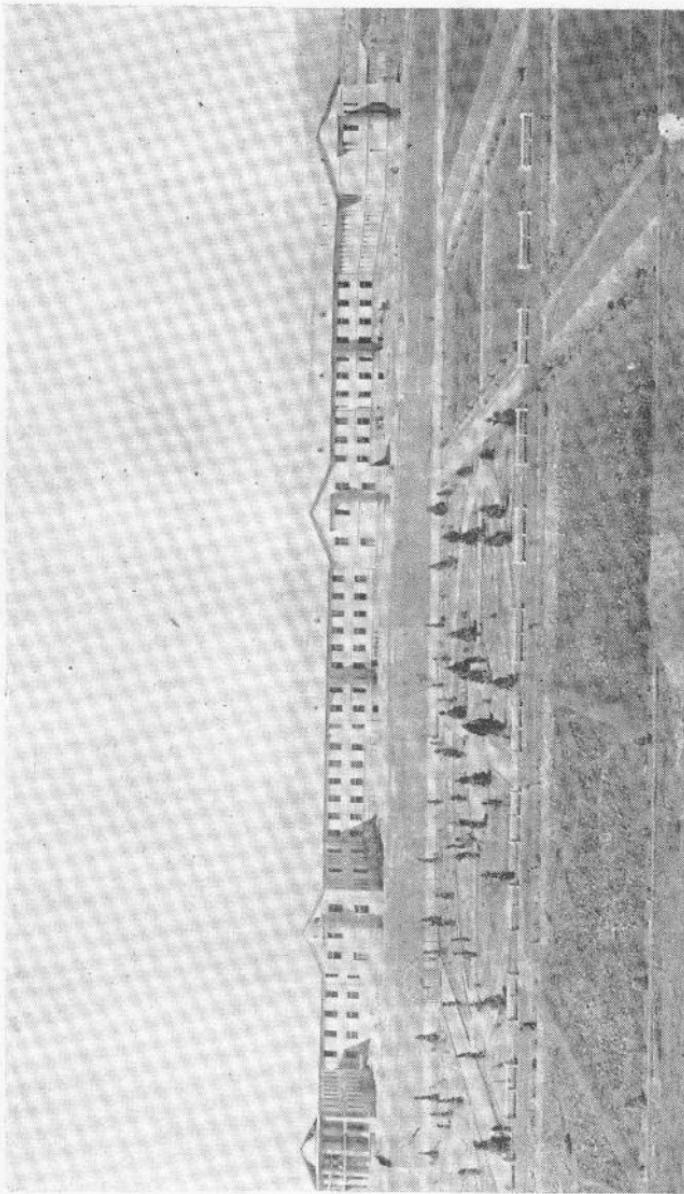
سپه سالار و وزیر حربیه طرف توجه خاص قرار گرفته ، طوریکه مشاهده میکنیم و امنیت اسروزه وطن و موقعیت عسکر افغانستان در عالم بهترین شاهد آن است ، درین رشته ترقیات قابل تقدیری بوجود آمد و می توان گفت که عسکر موجوده ما از هر چهت دارای تشکیلات صحیح و فراخور حال مملکت ما شده و هم امید قوی می رود که از اثر توجهات حکومت متبوع «و مسامعی والاحضرت افخم وزیر صاحب حربیه و تجارت و معنومنات جندیکه این مرد بزرگ در ضمن ممتازت اروپائی خود حاصل فرموده اند ، عسکر افغانی بیش از پیش حائز ترقیات مطلوبه گردیده موجات متعدد اطمینان آلت و حکومت و اسیاب انتشار همکلت افغانستان را فراهم سازد .

ناگفته نماند که در مدت ۹ ماهیکه والاحضرت افخم سردار شاه و لیخان غازی بکفالت وزارت حربیه کار میکردند ، از توجه وزیرت ذیقیمت معظم له امور حربیه بکمال خوبی در حربان بوده پیشرفت های جالب توجهی درین رشته بظهور رسیده است که ذیلاً طور خلاصه اجرا آت هر شعبه از شبكات وزارت حربیه درین سال از نظر خواندن گران عنز بز گذارش داده میشود :

ریاست ارکان حربیه عمومیه :

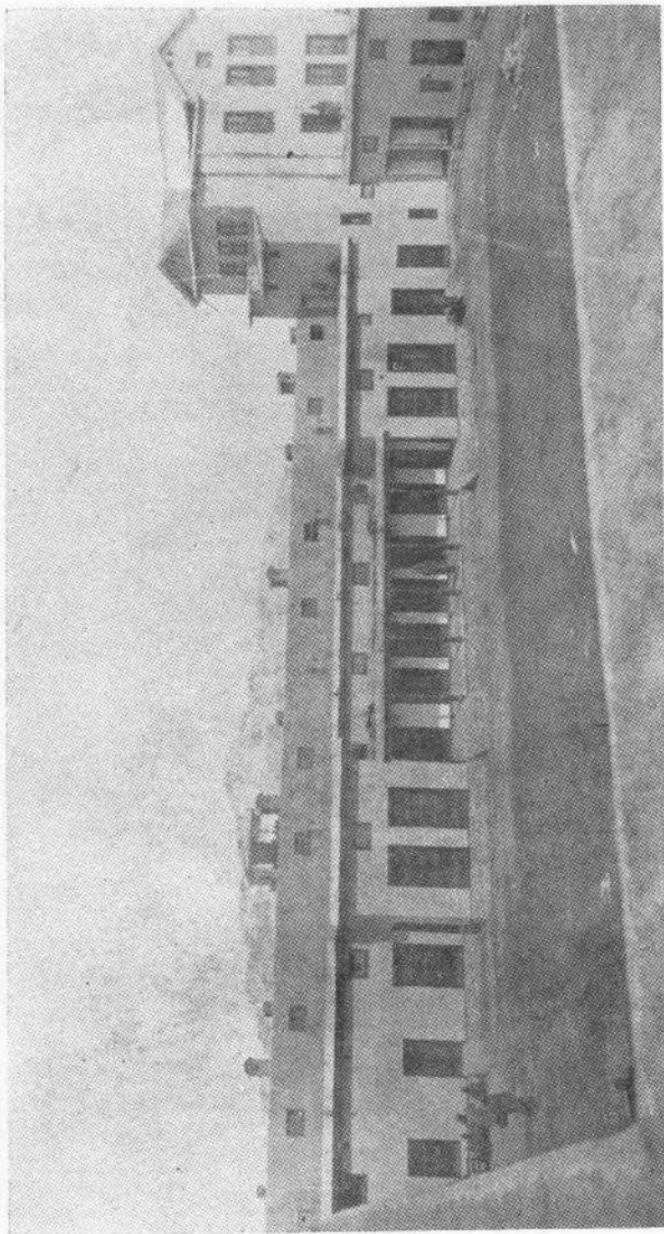
برای اینکه از اجرا آت وفعالیت دوازه مختلف ریاست ارکان حربیه عمومیه بصورت سریعه اخذ مطلب کرده بشود چنین مصیب دانسته شد که باید فعالیت دوازه مذکوره بطور خاص و ماده وار در قید تحریر آورده شود :

۱- نظریه تجارتیکه در ظرف یک سال استعمال کرده شده بود ، اصلاحات لازمه در بعضی تشکیلات قطعات اردو



از عمراً نات مهندس کر : منظره عمومی مکان سربیه واقع بالا حصادر کابل

Vue générale des nouveaux bâtiments de l'école militaire à Kaboul

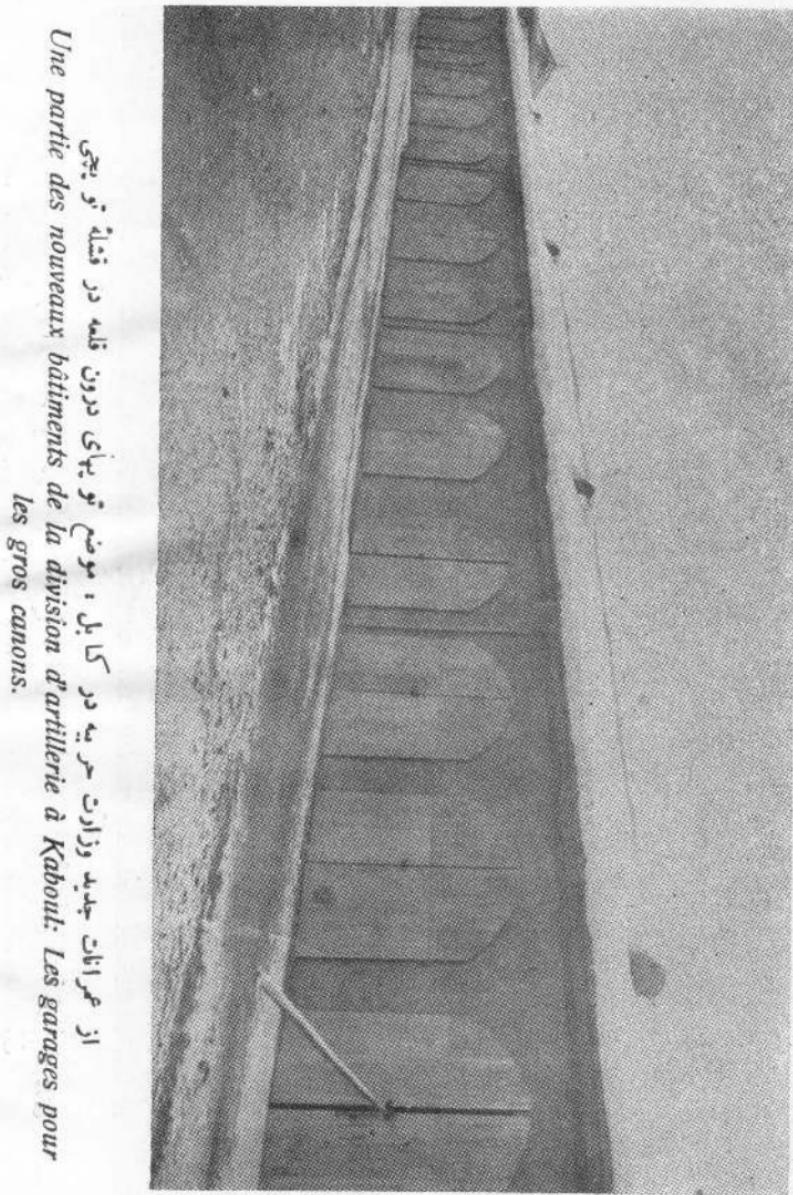


از عمارات جدید وزارت حربه در کابل : فرارکاه فره توپخانی : حصہ نشین دوائی واقع زندہ بنا
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul

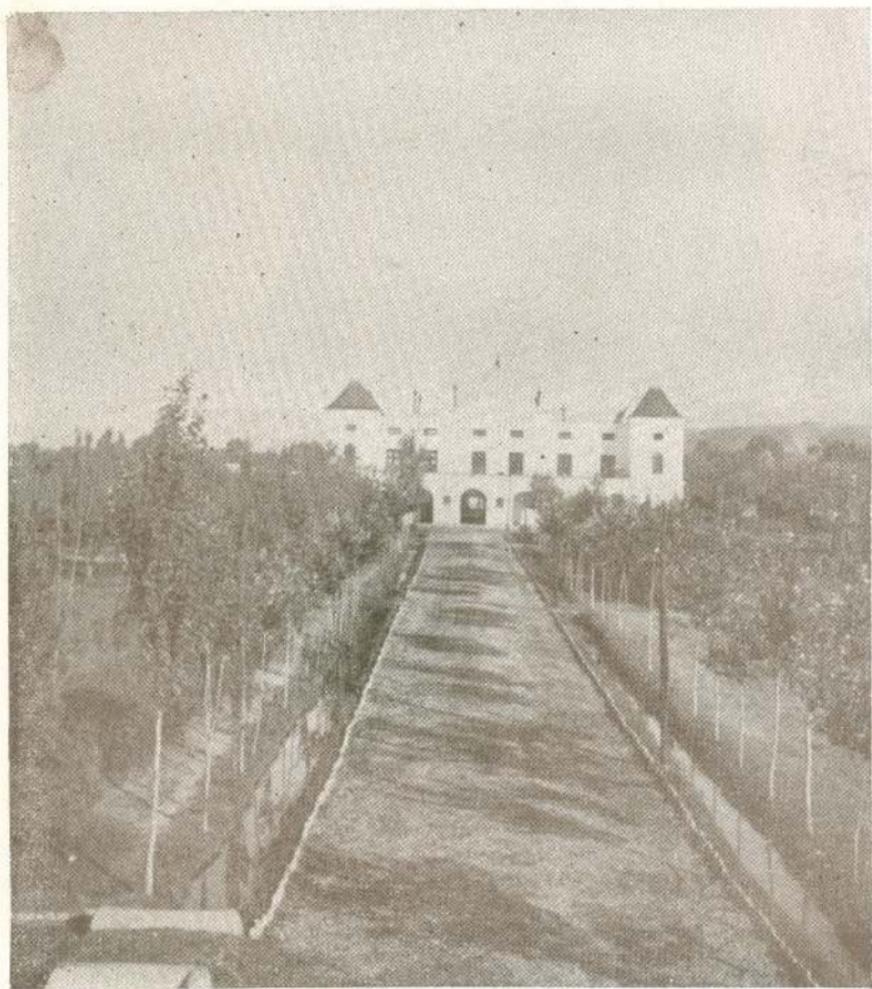


از عمرانات جدید وزارت حربه در کابل، در رخ داخلی بیک فسمت از عمارات قدیمه فرهه توپیمی
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul

از عمرانات جدید وزارت سریه در کابل، موضع توپخانه درون قلعه در قشنه توپخانه



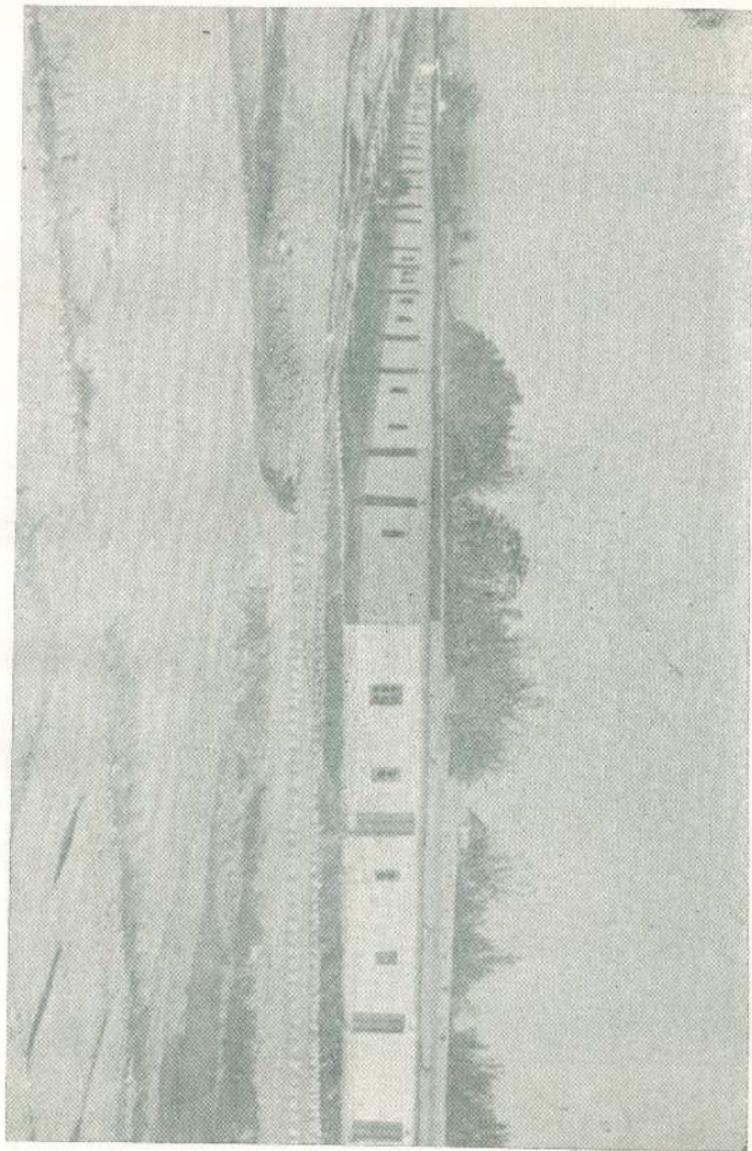
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour les gros canons.

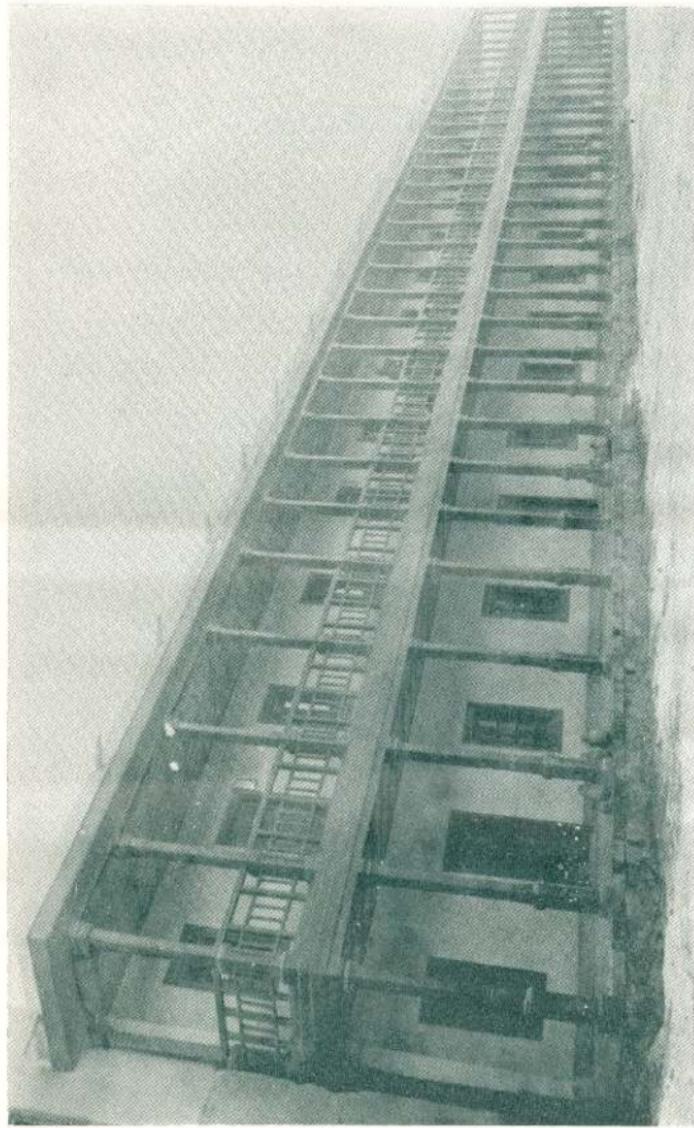


قۇماندانى فرقە عسکرى درخان آباد (عمارت حیات آباد)
Immeuble du commandement de la division de Khanabad

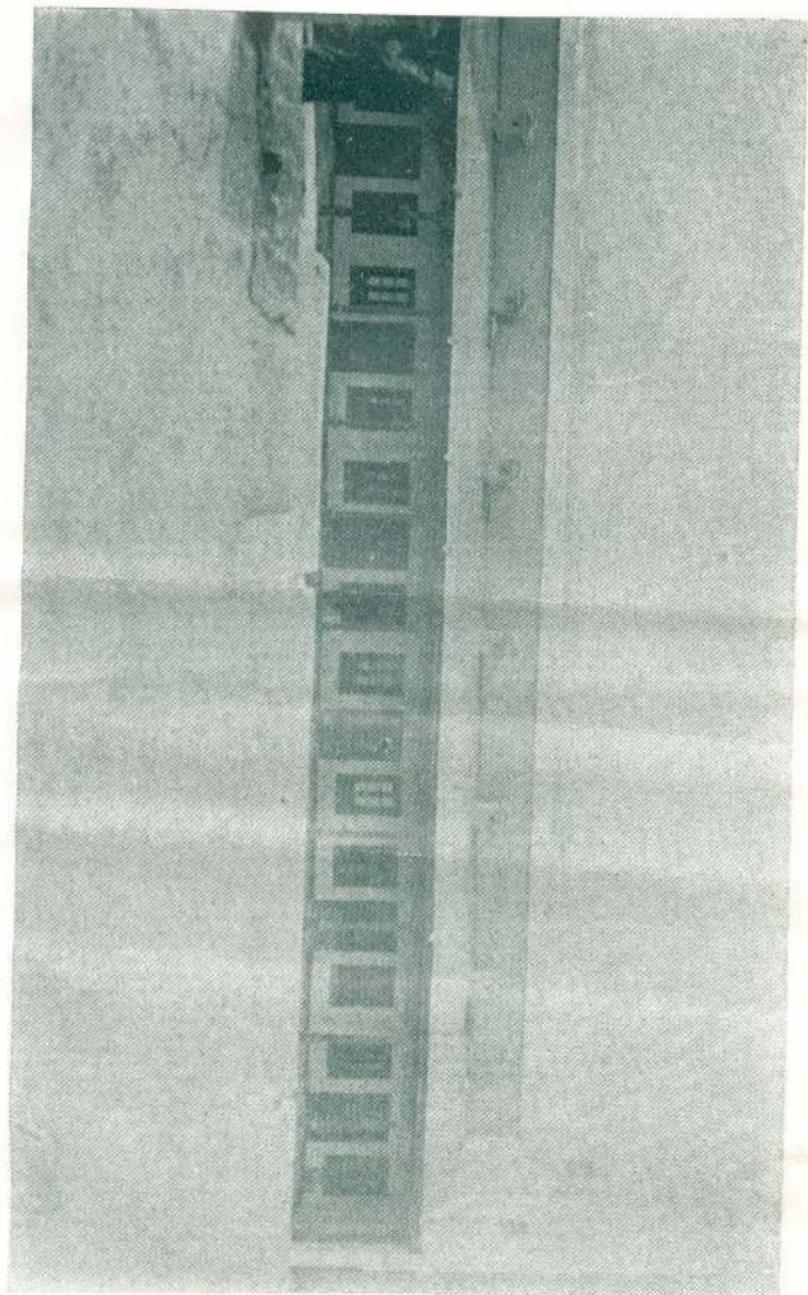
از عمر ایات جدید ولاست قصائض و بخششان : ۳۴۰۰ عسکری در خان آباد

Une partie des nouveaux barqaquement à Khanabad

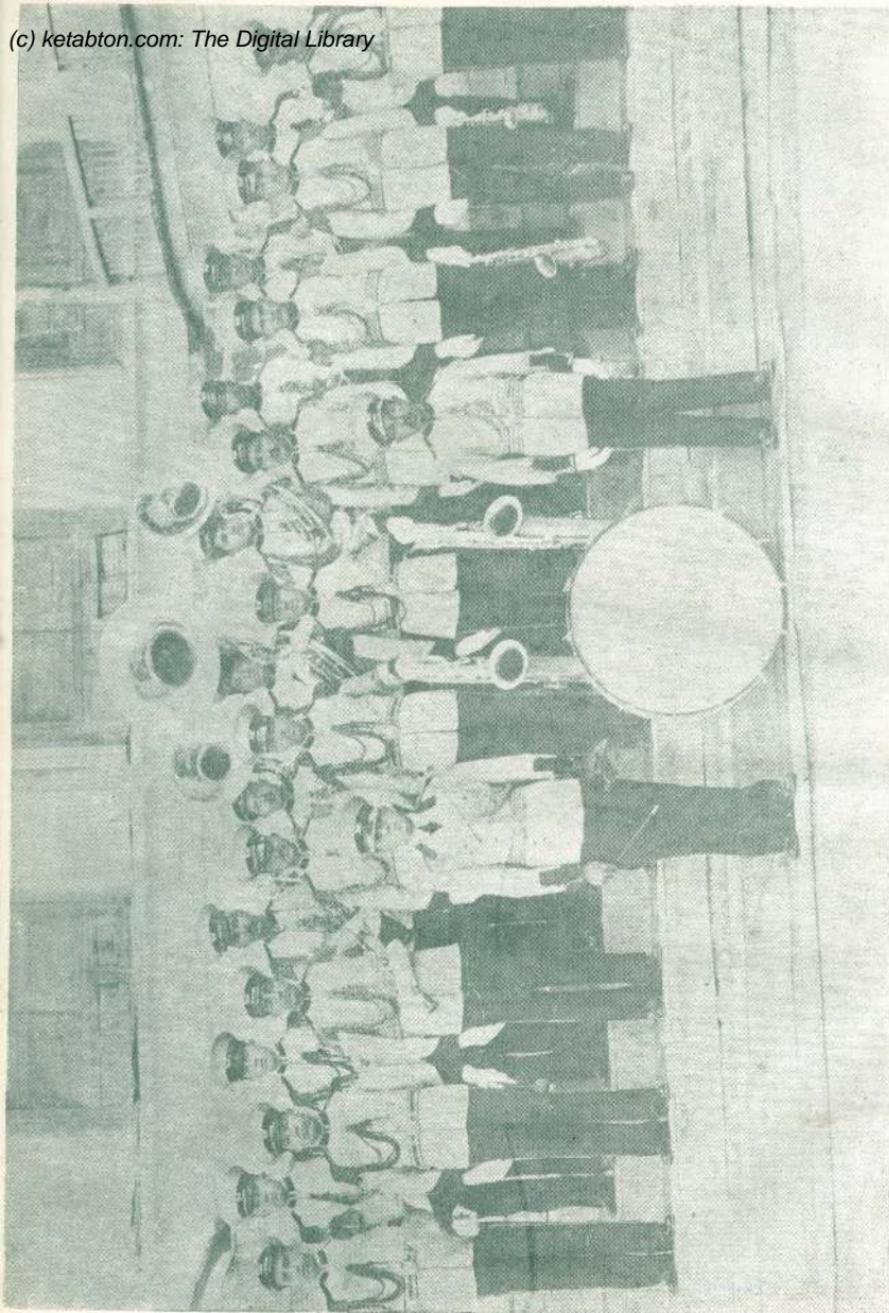




از عمرانات جدید وزارت حربه در کابل : فشله دو هزار فوت نو میگزین
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kâbol:



از عمرانات جدید وزارت سریه در کابل؛ سمت داخلی یکی قسمت از عمارت راست نشانه توپخانه
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul.



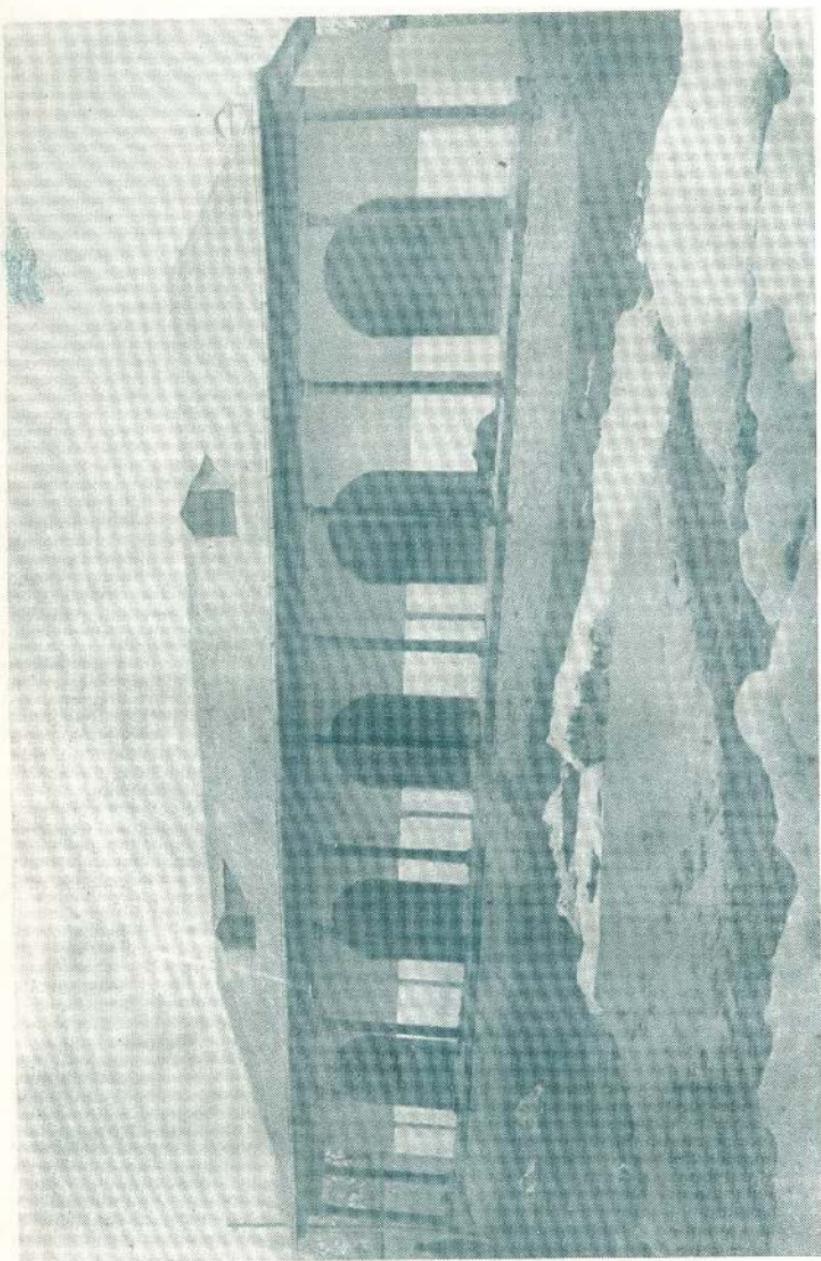
موزیک سالون مخصوص وزارت حرب
Orchestre du salon du Ministère de la Guerre



اورکسترای آرمونی وزارت جنگ
Orchestre Harmonie du Ministère de la Guerre



از عمارات جمهوری وزارت حربی در کابل: دروازه بزرگ قلعه فردوس توپخانی
Le grand portail de la nouvelle forteresse de la division d'artillerie à Kaboul



از عمرانات جدید وزارت حمایه در کابل: موصوع توپها در داخل قلعه فریزه تو پیچی
Une partie des nouveaux bâtiments de la division d'artillerie à Kaboul: Les garages pour les gros canons

اجرا آت دوازه همکنستی

- ۲- بعضی اصلاحات لازمه در تشکیلات دوازه مربوط وزارت حربیه وقرار گاه های قطعات اردو .
- ۳- اصلاحات در تجهیزات قطعات اردو .
- ۴- برای مقاصد خصوصیه، سوقیات بعضی قطعات از دیگر محل به دیگر نقاط.
- ۵- برای تأمین اضباط حدود، اعطای لوایح وهدایات لازمه .
- ۶- نظریه تجارت، تبدیل بعضی قطعات از نقطه نظر سوق العیش .
- ۷- اعطای پروگرام های تعلیم و تربیه برای قطعات اردو .
- ۸- اخذ دیپلمه یعنی شهادتname کروپ طلاب موزیک از مکتب موزیک و توزیع آنها به غند های قطعات مرکز .
- ۹- اخذ امتحان طلاب انженیری و ابراز موفقیت آنها .
- ۱۰- برای پیدا کردن اختصاص در مسالک طویلی اعزام چند نفر طلبه از شاگردان افغان که در تور کیه میباشد به آلمان .
- ۱۱- افادمات لازمه برای تکمیل دیگر طلاب مکتب موزیک .
- ۱۲- جلب و استخدام بعضی معلمین .
- ۱۳- تجدید قرارداد بعضی معلمین و مستخدمین سابقه .
- ۱۴- طبع و نشر بعضی آثار مفیده .
- ۱۵- توزیع بعضی آثار لازمه مفید برای قطعات اردو .
- ۱۶- اجرای بعضی تطبیقات به قطعات اردو .
- ۱۷- اخذ امتحان تعلیمگاه های ضابطان قطعات اردو .
- ۱۸- نشر و توزیع بعضی لوایح تطبیقات به قطعات .
- ۱۹- جلب واشتراک صاحب منصب اطراف به تدقیق فرقه شاهی .

- ۲۰- تعدادیلات لازمه درا ابسه ضابطان و منسو بین قطعات اردو .
- ۲۱- برای ترقی و تعالی قوای هوائیه اردو ، اعضاي اعانته از طرف ذات شاهانه و خاندان شاهی و منسوبيین عسکري و دیگر طبقات افراد ملت ..
- ۲۲- برای تعلیم و تربیه هوائی جلب واستخدام بعضی پیلوت های خارجی .
- ۲۳- برای تسهیل بعضی امور طباعتی قطعات دادن ماشین گستنر .
- ۲۴- شمولیت نامی صاحبمنصبان به مجله اردو .

ریاست حربه :

- ۱- : تورید یك تعداد تندگ های جدید ۳۰۳ بور .
- ۲- : « « « جبه خانه » » »
- ۳- : تشبیث در باب اكمال تندگ های ماشیندار .
- ۴- : ترمیم بعضی اسلحه خفیفه و تقبیله ترمیم طلب بتوسط فابریکه حری و کارگران مگزین ارگ
- ۵- : تحصیل یك مقدار اسلحه پرا گنده شده زمان انقلاب .
- ۶- : « « « جبا خانه های پرا گنده شده زمان انقلاب .
- ۷- : معاینه اسلحه جدید ا لورود .
- ۸- : « تندگ های دستی ماشیندارها و غيره آلات و ادوات عسکريه که خواه بطورونه از خارج آمده و خواه در داخل تهیه شده .
- ۹- : تهیه و تادیه يك مقدار جبه خانه تقبیله و خفیفه حریه مانوره قطعات .
- ۱۰- : تشبیث در خصوص خریداري یك مقدار با رود تو پچی .
- ۱۱- : خریداري يك مقدار با رود سیاه برای امور عمرانیات داخل مملکت .
- ۱۲- : تهیه و تدارک بعضی انواع جبه خانه و مواد ناریه تو سط

اجرا آت دوازه مسلکتی

- فابریکه آلات حریبی .
- ۱۳ - تصفیه و تنظیم جبهه خانه ها .
- ۱۴ - اکمال بعضی ادوات استحکامیه .
- ۱۵ - تثبیت در خصوص اکمال بعضی آلات مخابره و موافله .
- ۱۶ - معاینه کارهای عسکریه حریبی و اصلاح بعضی اعمالات مذکوره .
- ۱۷ - ترمیم بعضی جبهه خانه ها .
- ۱۸ - تهیه و تدارک آلات و ادوات لازمه کسبه های قطعات .
- ۱۹ - تثبیت در باب تاسیس فابریکه بارود سفید .
- ۲۰ - ساختمان کار طوس های طوبهای عادی آتش بواسطه کارگران جبهه خانه .
- ۲۲ - ترتیب و تنظیم راپورهای قوه های عمومیه اسلحه و جبهه خانه و آلات و ادوات عسکریه و تقدیم آن بمقامات لازمه .

ریاست اردو

تعییراتیکه در سال ۱۴۱ از طرف مدیریت تعییرات وزارت حریبی اجرا شده :

الف - تعییرات جدیده :

- ۱ - کارات باقیمانده فشله توپیچی واقع زنده بانان که از سازگند شته ۱۳۱۴ باقی مانده بود درین سال با دو باب دکان متعلقه فشله مذکور تعییر و تکمیل گردیده است .
- ۲ - تکمیل عمارت پیست باب موتور خانه های شیر پور که از سال گذشته باقی مانده و درین سال تمام شده است .

سالنامه « کابل »

۳ - کار آهن یوش دیوار احاطه وزارت حربیه درین سال اجرا شده .

ب : ترمیمات :

۱ - ترمیمات جباخانه بالاحصار .

۲ - ترمیمات قوماندانی طیاره .

۳ - ترمیمات شفاخانه عسکری .

۴ - ترمیمات عمارت وزارت .

۵ - ترمیمات عمارت قول اردو .

۶ - ترمیمات بعضی عمارت دیگر مربوطه وزارت حربیه .

مقرریها و ترفيعات جدید وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبدالغفور خان فرقه مشر و کیل ریاست ارکان حربیه عمومیه وزارت حربیه بسر یاوری حربی حضور اعلیحضرت همایونی .

ع ، ش ، محمد شاه خان فرقه مشر از جمله منصبداران احتیاطی بوکا لت ریاست اصلاح و ترقی عسکری وزارت .

ع ، ش ، عبدالقیوم خان فرقه مشر غزنی که سابق غند مشر ووکیل قوماندانی فرقه مذکور بود ترفيعاً برتبه فرقه مشری ثانی قوماندان عسکری غزنی .

ع ، ش ، محمدقاسم خان فرقه مشر قوماندان فرقه قطعن و بدخشان که سابقاً برتبه غند مشری و کیل قوماندانی مذکور بود ترفيعاً فرقه مشر ثانی و قوماندان عسکری قطعن و بدخشان .

ح ، محمد امین خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی بفرقه عسکری سمت مشرفی .

اجرا آت دوازه مملکتی

- ح ، محمد حیم خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی به قول اردوی جنوبی ۰
» ، عبد الله خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی بفرقة مشرقی ۰
» ، محمد ایوب خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی به فرقه
هزار شریف ۰
» ، سید عبد الصمد خان غند مشر غند ۳ پیاده فرقه شاهی تبدیل به غند
اول فرقه مذکور ۰
» ، عبد الرحمن خان غند مشر از جمله منصبداران احتیاطی به فرقه
عسکری هرات ۰
» ، محمد ایاز خان غند مشر غند اول سوار فرقه فراه به غند مشری غند
احتیاط قند هار ۰
» ، سید صالح محمد خان از جمله منصبداران احتیاطی به یاوری حری
حضور همایونی ۰
» ، محمد اختیر خان برتبه غند مشری ثانی کیسارسیاه گرد سربوطر مزار شریف ۰
» ، محمد کبیر خان بسرحد داری دکه سربوط قومانداني مشرقی ۰
» ، غلام سرور خان برتبه غند مشری ثانی کیسار فرقه تی سربوط ولایت هرات ۰
» ، خدا بخش خان کمند کمند کیسار اسلام قلعه سربوط ولایت هرات
تر فیعاً برتبه غند مشری ثانی کیسار موضع مذکور ۰
منصبدار اینکه در سال ۱۳۱۵ داخل بست احتیاطی وزارت حری
گرفته شده است :
- ع ، ش ، محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست
اصلاح و ترقی منفات درجه منصبداران احتیاطی و وزارت حری منظور گردیده ۰

سالنامه کابل ،

ع ، ش ، محمد هاشم خان فرقه مشر اول عضو انجمن اصلاح و ترقی از بست ریاست مذکور منفک و در جله منصبداران احتیاطی وزارت حریه شامل و منظور شده .

ح ، محمد حسین خان غند مشر اول غند ۴ - ۳۵ پیاده فرقه مشرقی از بست فرقه مشرقی منفک و در جله منصبداران احتیاطی منظور گردیده . « ، محمد ابراهیم خان غند مشر معاون تعلیم گاه خورد ضا بطان از آنجا منفک و در بست احتیاطی منظور شده .

» ، عبدالوهاب کبل خان غند مشر غند احتیاطی فرقه قند هار از آنجا منفک و در جله منصبداران احتیاطی وزارت حریه منظور گردیده . « ، غلام جیلانی خان غند مشر غند اول فرقه اول جنو بی ، در جله منصبداران احتیاطی منظور گردیده .

» ، شیر محمد خان یاور حریه حضور هما یونی ، در جله منصبداران احتیاطی وزارت حریه شامل گردیده .

» ، شیرین گل خان غند مشر ساق فرقه فقطن و بد خشان ، در بست منصبداران احتیاطی شامل و منظور شده .

» ، احمد شاه خان غند مشر فرقه مشرقی از بست قوانداني مذکور منفصل و شامل بست احتیاطی شده .

امور خارجیه

حكومة متبعه ما از بدوار تا اصریونه تنها در مقابل ممالک همچوار و دولیکه با آنها علايق سیاسی دارد ، بلکه در مقابل همه ممالک جهان بازها به ثبوت

اجرا آت دوازه مملکتی

رسانیده است که طرفدار آرامش و هواخواه تعاون و تساند عمومی مینماید و سیاست خارجی افغانستان بر مقررات جامعه اقوام و آرزوهای صلح پرستی ملت افغان یا بیدار و استوار است .

یگانه آرزوی افغانستان امروز ، آن است که همه احتیاجات خویش را تکمیل و تمام شعب لازمه حیات ملی افغانی را تامین نموده حقوق دیگران را محترم شمارد و بهیچگونه مزاحم شان نذکر نماید و دیگران نیز حقوق و مصیو نیت او را احترام نمایند .

از آغاز دوره نادرشاهی تا امروز که سال چهارمین فرمان روائی اعلیحضرت الموقل علی الله محمد ظاهرشاه است حکومت متبعه ما همیشه نظریه فوق الذکر را خط مشی قرار داده و در هر آن بتامین وسائل تطبیقیه آن پرداخته است ، خصوصاً از اخیر ماه سپتامبر ۱۹۳۴ مطابق ۲۴ سنامبر ۱۹۳۴ به بعد که در جامعه اقوام داخل گردیده وزارت امور خارجه و سائر وزارات و دوازه دولتی مقررات جامعه ملل را مورد غود و تعقی و حتی الامکان اصول متذکره آنها را مداراجرا آت خویش فرارداده اند . در سال ۱۹۳۵ نیز علاوه بر اجراء آت روزمره و تطبیق مقررات جامعه ملن در شعب سیاسی ، صحی ، عرفانی ، صنعتی ، تجارتی ، زراعتی و امور عامه ، حکومت ما در اجراء آت ذیل مبادرت نموده است :

۱ : حکومت متبعه ما به پنج طرح و پیشنهاد فراردادها و هدایات ذیل که در نزد همین جلسه کنفرانس بین المللی کار در ماه جوزا (۱۹۳۴) ۲۵ جون (۱۹۳۵) قبول شده بود اظهار موافقت نموده است :

الف : طرح فرارداد منع بکار بردن زنان در کارهای زیر زمینی

ب : « تحدید ساعت کار در معدان زوغال »

سالنامه « کابل »

ج : طرح فرار داد تقلیل ساعات کار و تحدید آن به هفتاه ۴۰ ساعت .

د : « تقلیل ساعات کار در کارخانه های شیشه سازی .
ه : هدايات در باب یکباری جوانان .

۲ - نماینده مادریستمن لیفرانس بین المللی کار که از تاریخ ۱۴ جوزا
تاریخ سلطان ۱۳۱۵ (چهارم ای پیست وینچم جون سال ۱۹۳۶) منعقد
شده بود شمولیت ورزیده است .

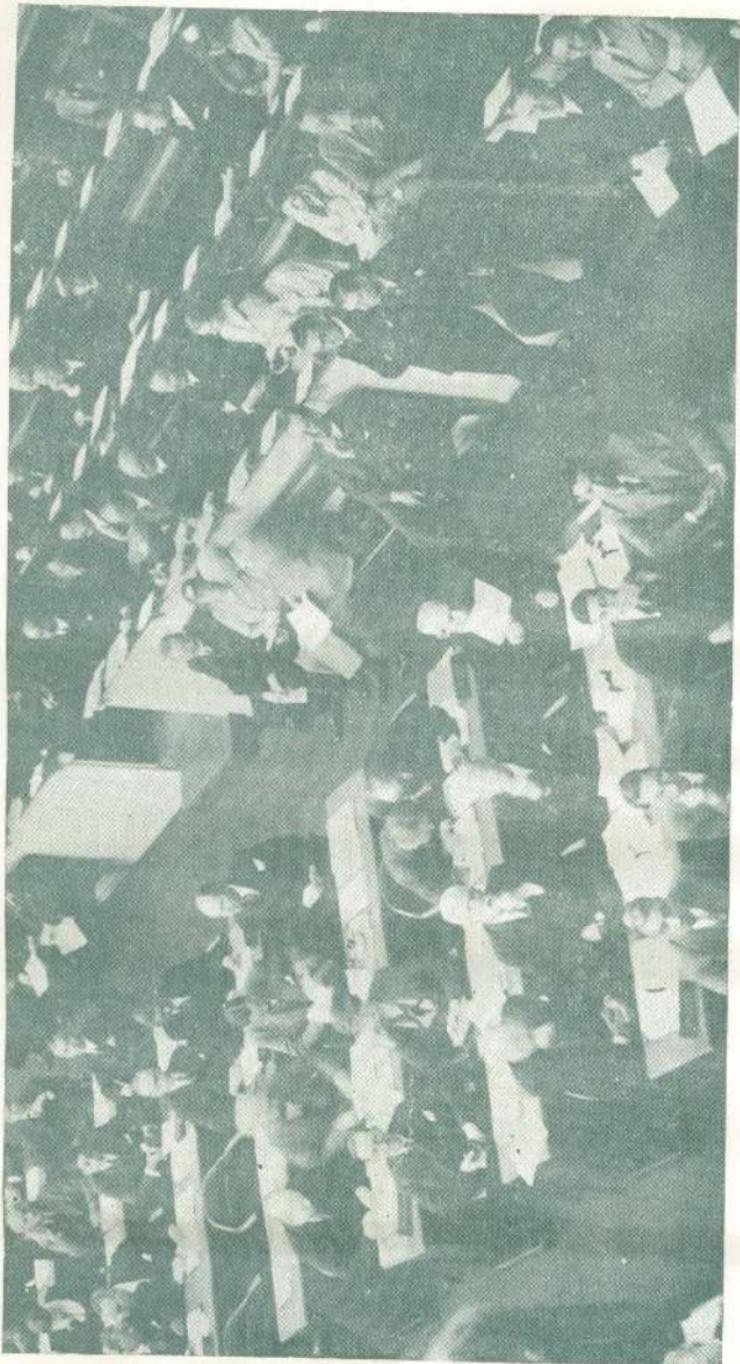
۳ - نماینده ما در کنفرانس ۱۸ جوزا تاریخ ۲۱ جون (۱۹۳۶)
که راجع به انسداد تجارت غیر مشروع اد و به مخدوه انعقاد یافته ود شامل گردیده
و مکذا فرار دادی که برای جلوگیری از تجارت نامشروع اد و به مخدوه در کنفرانس
مذکور عقد شده است در تحت غور حکومت متبوءه ما میباشد .

۴ - نماینده ما در مجلس فوق العادة مورخه ۲۵ جوزا (۱۵ جون) که راجع
به مسئله ایطالیا و جبهه در جینوا عقد شده بود شامل شده و در تبیجه چون بموافقت
کثیریت اراء رفع (تعزیرات اقتصادی) پیشنهاد گردید ، حکومت افغانستان
نیز رفع تعزیرات مذکور را بتاریخ ۲۳ سلطان (۱۵ جولائی) ابلاغ نمود .

۵ - نماینده حکومت متبوءه ما در کنگره مهندسی شیمیائی اندن که بتاریخ
۳۲ جوزا (۲۲ جون ۱۹۳۶) شروع و به ۵ سلطان (۲۷ جون)
خاتمه یافته شامل شده است .

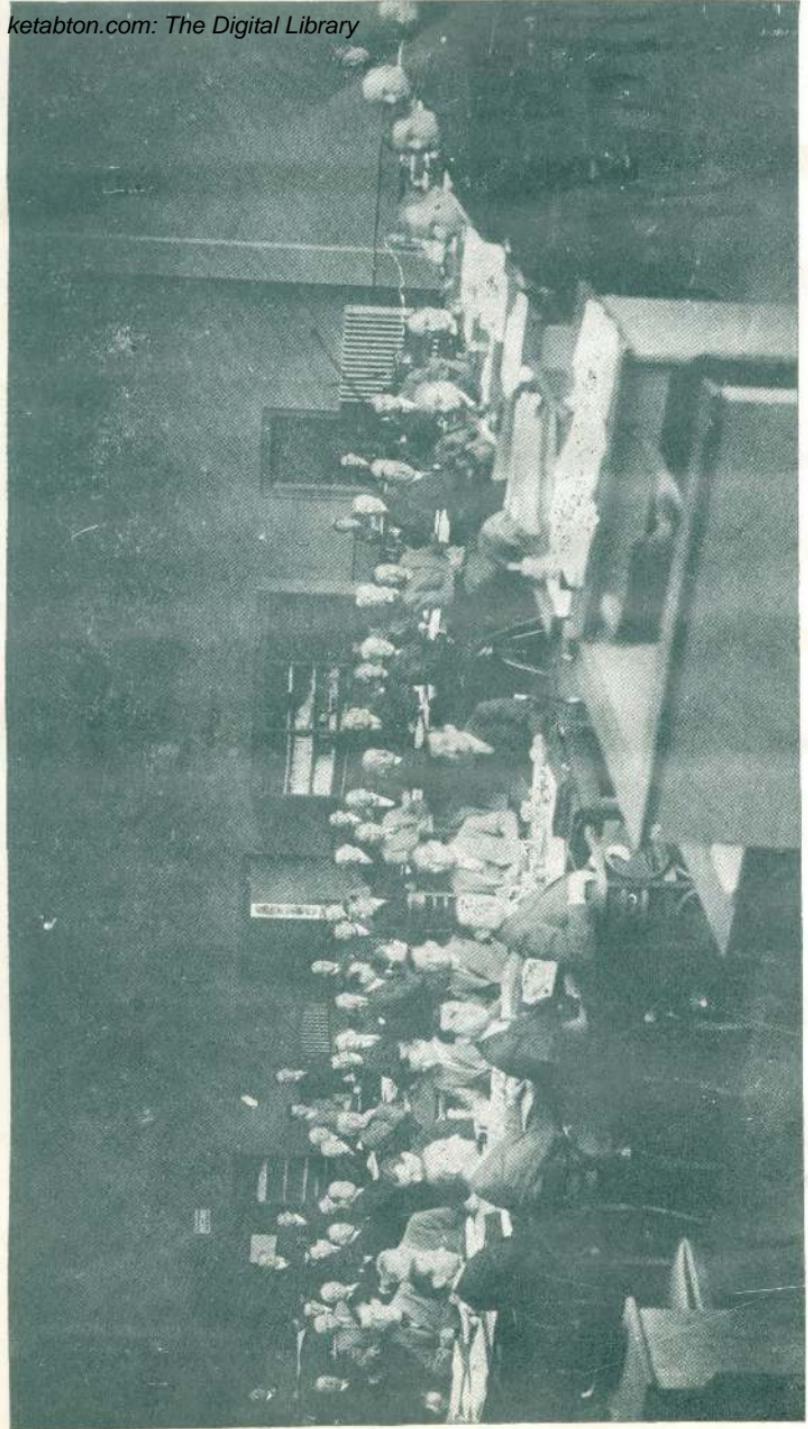
۶ - نماینده افغانی در کنفرانس بین المللی عمر فانی که بتاریخ ۲۱
سلطان (۱۳ جولائی ۱۹۳۶) در جینوا انعقد نافته بود شمولیت ورزیده است .

۷ - از حضور اشرف ملوکانه ، برای تمولیت در مجلس سالانه جامعه
ملل که بتاریخ ۲۹ سپتامبر (۲۱ ستمبر ۱۹۳۶) در جینوا افتتاح و بتاریخ



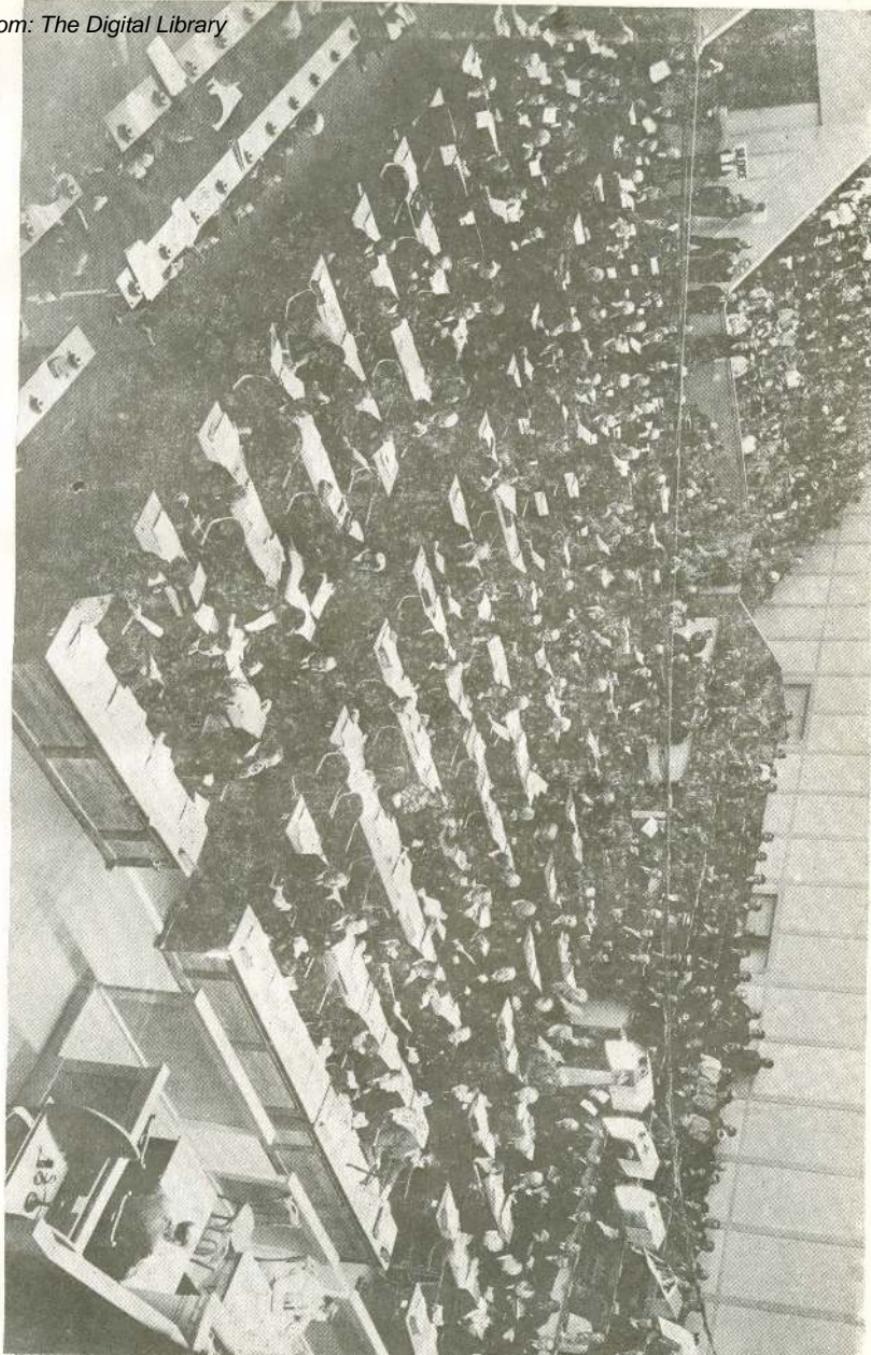
جلسه سالانه جامعه مل : در ظار و سطلي اول ع ، ج فرض محمد خان و زير امور خارجه و نمائنه اول افغانستان - دوم ع ، ج على محمد خان وزير ختا و اعيضه رت در لندن نمائنه دوم - سوم ع ، ج محمد حیدر خان نمائنه دائمي افغانستان در جامعه مل نمائنه سوم - جارم من ، عبد القيوم خان كاتب نمائنه کي افغاني در جامعه مل نمائنه جارم .

L'Assemblée plénière de la S. D. N. à Genève (sep. 1936) les délégués afghans au premier plan



کنفرانس بین المللی جلوگیری از تجارت غیر مشروع ادویه مخدوہ که ع.ش محمد عمر خان ناینده افغانی دران شمولیت ورزی
Conférence internationale pour empêcher le trafic illicite des stupéfiants à Genève (Le délégué afghan est marqué par une croix)

نادنستان در جامع بین المللی : اجلاس عمومی سلامه جامنه ممل (نایبته افغانی در صفت اول فکار و سلطی شخص اول از طرف را)



فغانستان در مجامن ین الملکی : مجلس عمومی جامعه ممل برای مطالعه قضیه حبیه و ایطالیا (۳۰ جون تا ۴ جولائی ۱۹۳۶) و فنک، امیر افغانستان در نطق خود را فراگت می کند (ناینسته افغانی در صف اول قمار و سملی مشخص اول از طرف راست)



Ed. Boissier
H.

اجرا آت دوازه مملکتی

۱۷ میزان (۱۰ اکتوبر) مذکور ختم شد ، ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه رئیس هیئت افغانی و نماینده اول ، ع ، ج علی محمد خان و وزیر مختار اعلیٰ حصرت همایو نی در لندن نماینده دوم و ، ع ، ج ، محمد حیدرخان نماینده دایمی افغانستان در جامعه ملل نماینده سوم انتخاب گردیده و در اجلاس سالانه مجمع ملل از ۲۹ سپتامبر تا ۱۷ میزان شوالیت و رزیدند و علاوه نتاً بنا بر در خواست جامعه ملل ، ع ، ج وزیر امور خارجه افغانی در مجلس انتخاب رئیس کمیسیون ششم (مسائل سیاسی) ریاست فرمودند و در غیاب وزیر خارجه ع ، ص سردار محمد نعیم خان معین اول وزارت خارجیه بصورت کفالت ایقای وظیفه می فرمودند .

۸ - بقرار تصویب مجلس ۱۲ سلطان (۴ جولائی ۱۹۳۶) که شورای جامعه ممالک را برای تطبیق مقررات میثاق جامعه مطابه نموده بود حکومت متبوءة ما نیز بوسیله ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه ذیلاً بجواب سرمنشی جامعه پرداخت :

« بجواب مراحله ۱۹۳۶ C.O. 124-XII شما در موضوع تصویب مجلس ۱۲ سلطان ۱۹۱۵ (۴ جولائی ۱۹۳۶) افخار دارم با طلاع شما بر سانم که بمقیده حکومت من مواد میثاق بحال امروز یش اگر کاملاً وبوفت مناسب تعیین و تطبیق یا بد ، محتاج به تعدیل نبوده بطور قطعی می تواند از تعریض جلوگیری نماید ، با آنهم افغانستان برای یذریش همه ترتیبات جدیدی که جهت تقویه میثاق از طرف بهی خواهان جامعه افواه گرفته شود حاضر است ». ۹ - حکومت متبوءة ما تصویب نموده است تا وزارت امور خارجہ بنماینده دایمی خویش در جامعه ملل اختیار دهد که قرار داد انسداد تجارت و نشر یات فحش را امضاء نماید .

سالنامه « کابل »

۱۰- اخیراً حسب تصمیم وزارت پست، تلگراف و تیلفون بوزار تمثّلاري افغانی مقیم یا ریس هدایت داده شده تا از جانب وزارت مو صو فه برمعاهده عمومی پستی و پارسلات پستی قاهره (منعقده در سال ۱۲۱۳) مطابق (۱۹۴۴) الحال نماید .

۱۱- مصدقة پروتوکول معاهده بیطرافی و عدم تجاوز فیما بین دولت یاد شاهی افغانستان و دولت اتحاد جاہیر اشتراکیه شوروی که پروتوکول مذکور بتاریخ ۹ جمل از طرفع، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجه ما و موسیو (کرستنسکی) کقبل وزارت امور خارجه دولت شوروی در مسکو امضاشده بود بعد از طی مراتب اصولی ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز ینچشمبه ۱۱ سنبله با تشریفات معموله بین ع، ص سردار محمد نعیم خان کفیل وزارت امور خارجه ما و موسیو (کویرسکی) سفیر کبیر دولت اتحاد جاہیر اشتراکیه شوروی در فصر استور (وزارت خارجه) تعاطی گردید .

۱۲- بتاریخ ۸ حوت وزارت امور خارجه ما نظر به علاقه هم کشی که افغانستان با ممالک اسلامی و شرقی شخصیه آململکت مصر دارد به تقریب درخواست شمولیتیکه حکومت مصر از جامعه ملل نموده بود، یعنای سفارشی بنام سرمنشی جامعه ملل صادر نموده است تا جلسه فوق العاده بران یزد برپش مملکت مصر هر چه زودتر انعقاد بیاید .

امور داخله

درین سال به فضل خداوندی و توجه مامورین صبوطه اعم از وزارت داخله و نائب بحکومه ها و حکام اعلی و کلان و محالی و علاوه داران که به کمال وظیفه شناسی

اجرا آت دوازه مملکتی

در اجرا و تدویر امور و انتظام امنیت و تهیه وسایل رفاهیت اهالی ابراز فعالیت نموده اند ، امور داخلیه بصورت اطمینان بخش در جریان بوده ، از هر جهت موجبات آرامی و خاطر جمعی ملت و حکومت را فر اهم نموده است . خلاصه اجرا آت وزارت داخله در سال ۱۳۱۵ فوار ذیل است :

۱ - شعبه پولیس :

قسمت اول اجرا آت امور اداری :

اول : نسبت به تحقیم و قیام امنیت عمومیه مملکت مطابق تدا بیر نافعه تجربه شده ، مثل کشتوول و احصائیه برداری عموم واقعات و جرائم و صورت تحقیق و فصله و باز خواست آن حتی از فقرات تمام و ناتمام و صورت اقدامات مامورین مسئول امنیت و مقایسه و موازنۀ تعدادی واقعات و ملاحظه در جات امنیت هر علاقه و حکومات و ولایات درین سال چنان اقدامات نافعی اتخاذ شده است که به فضل ایزد متعال و توجهات حکومت متبعه ما در سر تاس سر مملکت امنیت کلی و سکون کار فرما بوده است چنانچه احصائیه واقعات جرایم این سال و قبیله با سالهای ما قبل مقایسه شود بدرجۀ نصف و اگر با سقوط ماضی تطبیق کشیم بد رجۀ ثلث و ربیع هم نمیرسد .

دوم : راجع به تهیه لباس یوشاشا که بهاری و زمستانی محبوسین و تهیه خوراکه وجیره آنها درین سال نیز اهتمامات شایانی بعمل آمده است چنانچه از فرم الیس محبوسین ولایات و حکومات اعلی تخت یاک حسن انتظام و سرشته خوبی بعمل آمده است .

۳ : راجع به تهذیب اخلاق و اصلاح حال و تعلیم و تربیة محبوبین در محبس خانه‌ها و هم چنان تو جهات مزید با مور دینی و مذهبی شان و تهیه کتب تحریسیه برای محبوبین و آموختن فتون و حرفت و صنعت ذریعه معلمین مخصوصیکه برای شان مقرر است مزید آقدامات درستی بعمل آمده هکذا ۱۱ امور صناعتی محبوبین بخصوص محبوبین عمومی معرفت در اثر تربیات درستی که درین سال از طرف حکومت اتخاذ شده است خیلی منفعت بخش میباشد چنانچه ذیلاً امور صنعتی محبس مرکزی علیحده ذکر می شود .

۴ : نسبت به تعلیم و تربیة افراد و اصلاح وضع و لباس و اسلحه عمومیه افراد درین سال نیز تربیات شایانی اتخاذ و دستاورد درستی صادر شده است ، گفته میتوانیم که درین سال تشکیلات و تعلیمات و اصلاح وضع و اخلاق و حسن اداره و ضبط و ربط سائر امور افراد کوتوالی و پلیس بی سابقه است و هم بروی همین اساسات مفیده روز بروز رو یهر فته دارای یک نسق و نظم اطمینان بخش شده مبرود .

۵ : در صنف تهانه جات مملکتی و تشکیلات افرادی آن و ضبط و ربط و حسن اداره آنها و تجویز البسه و اسلحه شان نیز درین سال اقدامات مناسبی بعمل آمده است .

۶ : نسبت به حسن اداره امور راجعه به پاسپورت و میر عائدات آن بمقصد افرونی واردات دولت و وصول رایورهای احصائیه وارد و صادره اتابع داخله و خارجه از طرف نقاط سرحدی و تهیه مواهیر جدید رسمی مخصوص پاسپورت باصول عصری به نقاط صلاحیت دار اعطای پاسپورت اقدامات

اجرا آت‌دوا ئىر مەلکىتى

صەجىدىنى بىعمل آمده است .

٧ : نسبت بە حسن ادارە امور راجمە بىسائل حقوقى و مەر عائىدات آن بېقىصد افزونى واردات دولت و وصول راپورهای احصائىيە عائىدات آن از طرف قاطۇر بوطە در يىن سال نىز توجه شىيانى شدە است چنانچە ادارە آن تخت ياك ترتىب در ستى بىعمل آمده است .

قىسىت دوم : تاسىسات تعليمىنى و تشکىلات قواه پلىيس و كوتولى مەلکىت :
اول - تاسىس ياك تعلمىگاه منظم پلىيس بىر كىز برای تحصىيل تعلميات مىغىدە عصرى پلىيسى .

الىف : تشکىيل تعلمىگاه پلىيس عبارت از تشکىلات و سېع و منظمى بىودە از قبىل مدیر و معلمىن و سرمعاون و معماون و ضابط و كتاب و منسوبين و مستخدمن بىن بىن قدر لازوم شامل و تمامًا اشىاي ما لازمه تدریسات و تىچەزىات و مصارف عمومىيە آن بە اندارە مىكەنە منظور و تېھىيە شدە است .

ب : از تمام مناطق قوماندانى هاي كوتولى ولايات و حکومات اعلى بقدر لازوم ياك عىدە متعلەمەن از صنف ضابطان و خورد ضابطان و سلاح اندازان شامل و داخل تعلمىگاه مىكۈر شدە مصروف تعلميات مىباشدند .

دوم - در بىست فوماندانى كوتولى مىكىزى كابىل بە اندارە ياك تولى پلىيس سەمتى برای شهر جىيد و دكانەر بازارچىن حضورى جىيد تشکىيل و منظور شدە بە تشکىيل آن ياك عىدە ضا بط و خورد ضابط و مطابق بىست مقرە سلاح انداز منظور و فرق و اليس و اسلەخ و تمامًا لو ازم و تىچەزىات ما لازمه آن منظمنا تېھىي و تدارك گىرىدە مصروف خدمت شدە اند .

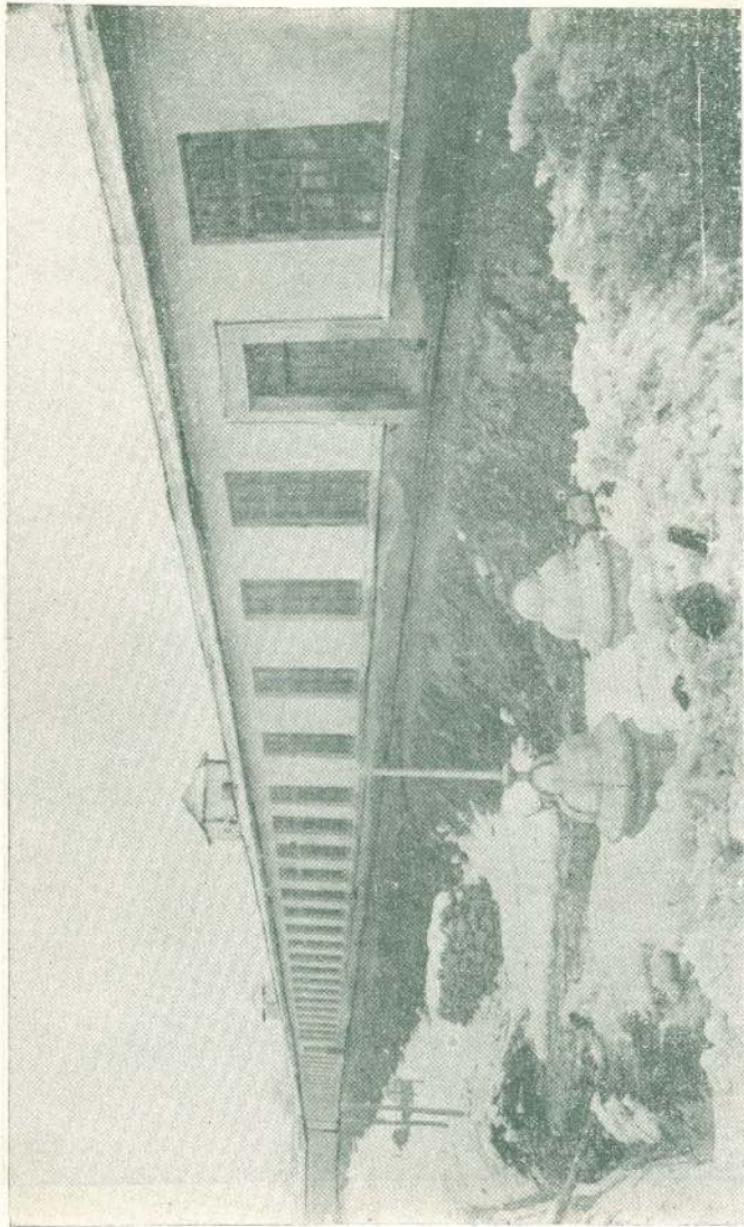
۳ - تشکیل تولی اطفاییه ناریه قوماندانی کوتولی مرکزی کابل درین سال خیلی وسیع شده است چنانچه موتر های اطفاییه جدید اضافه بر موترهای سابقه که در دیگر شبکه موجود بود نیز به آن مربوط و افروز گردیده و به تشکیل آن تولیمیر و بلوکمشران میخانیکی و خورد ضابط و یک عدد موتر ران و فیز دست موتران و افراد بقدر لزوم منظور لوازم و مصارف لازمه اطفاییه نیز باصول درست تهیه و تنظیم گردیده است.

۴ - یک تعداد محافظتیکه برای حفاظت سیم برق جبل السراج جدید منظور گردیده است به اندازه یک بلوک نفری است که عبارت از ضابط و سلاح انداز باشد. آنهم دربست کوتولی کابل منظور گردیده چنانچه نفرات و البه و غیره مایحتاج شان تدارک شده است.

۵ - یک تعداد کتاب ها و یکسفر زیر دست بر قی محبس خانه دههز نگ چدید منظور گردیده تا کارات افروده و اداره میر های صناعتی را بغوی با خبری نموده باشند و امور تزویریه آنهم درست باشند و هم چنان یکسفر باشی برای کار خانه نل و خشت سنت سازی منظور شده است.

۶ - یک عدد نفری کبارای کارات محافظی ذر وزارت فوائد عامه موجود بود فرار بست منظوری بودجه در بست افراد کوتولی ولایت کابل گرفته شده هم چنان حمالان ریاست گمرک کابل داخل بست کوتولی و پلیس آمده انتظام تکمیل نفر و غیره مایحتاج اداری شان بعمل آمده است.

۷ - برای تشکیل پلیس های دائمی در من که حکومات کلان شمالی، غزنی، لوگر توپیاتی گرفته شده و دران جله افراد سائر و خورد ضابطان و منصبداران با موتر های لاری و تجهیزات درست و مصارف لازمه تشکیل گردیده است.



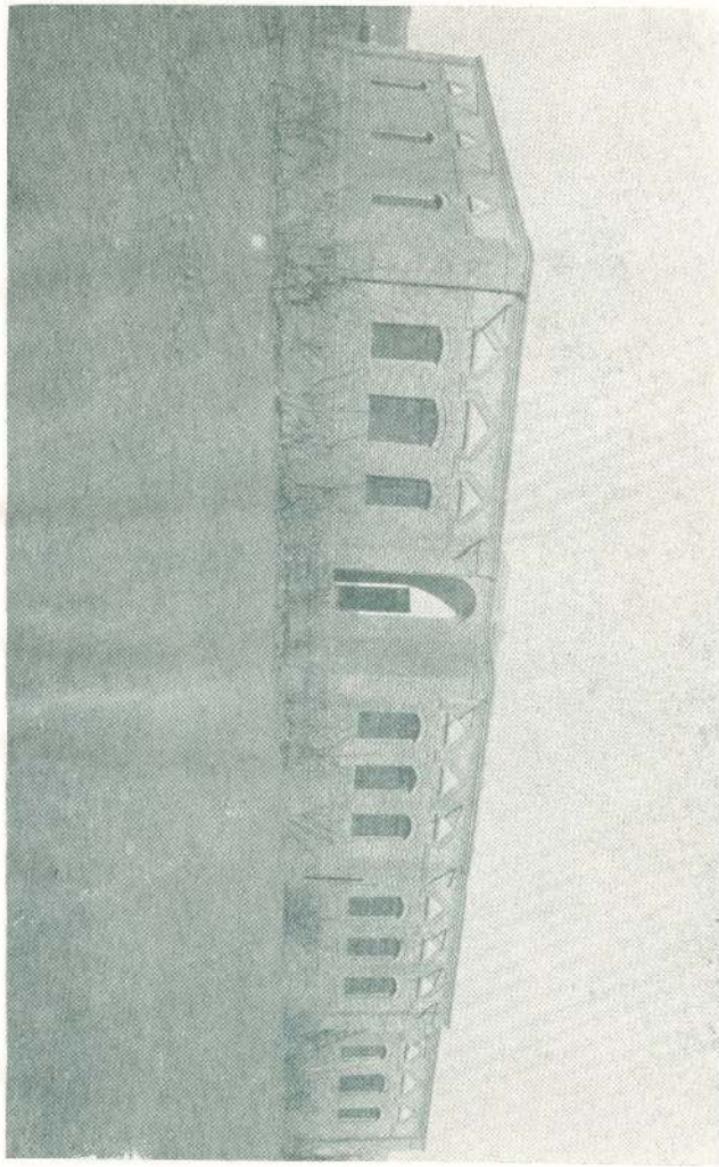
از عمر ایات جدیده قومانانی کوتولی کابل : فابریکه نساجی محبس عمومی که بطرف شمالی تعبیر محبس واقع است
Dans la prison centrale de Kaboul: Nouvelle fabrique de tissage.



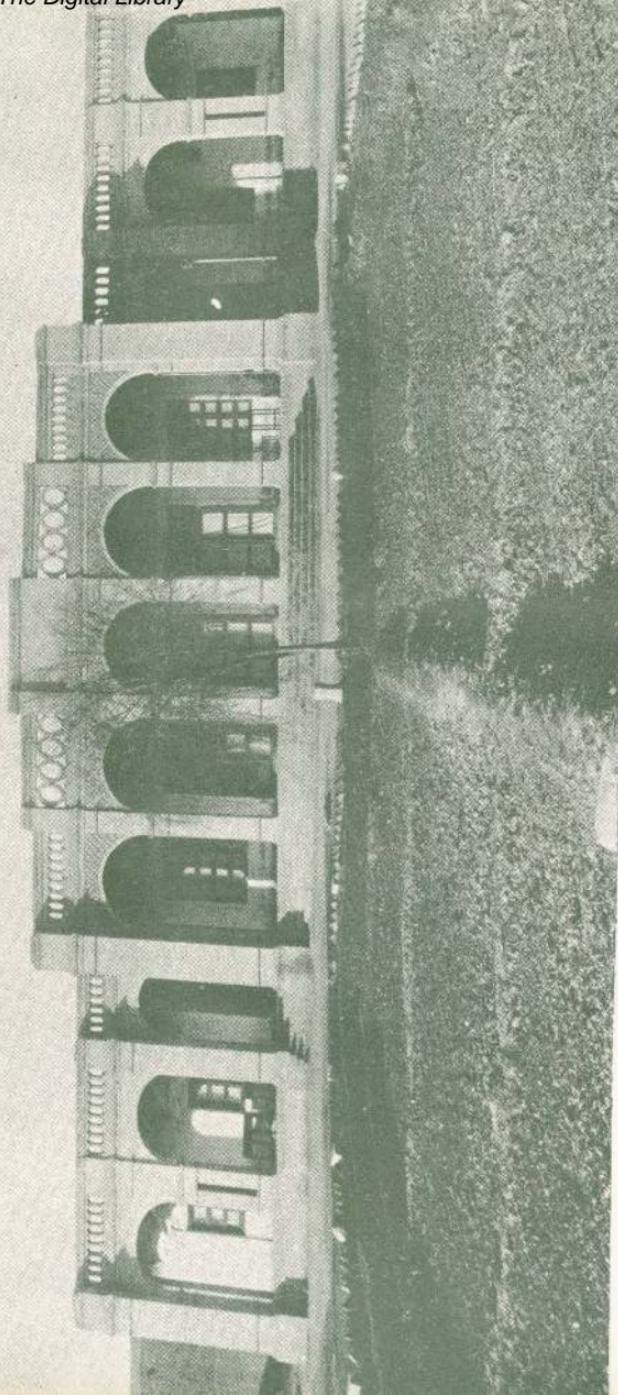
از عمرانات جدید فرمانداری کوټوالی کابل : مدخل عمومی و برج سگار دار شمالی غربی محبس دهور نکه
L'entrée principale de la nouvelle prison de Kaboul

از عمارات هرات : عمارت نائب‌الحاکمی که در زمان عج، عبد‌الرّحمن خان نائب‌الحاکمه ساخته باشد ، ساخته شده
Palais du gouverneur nouvellement construit à Hérat

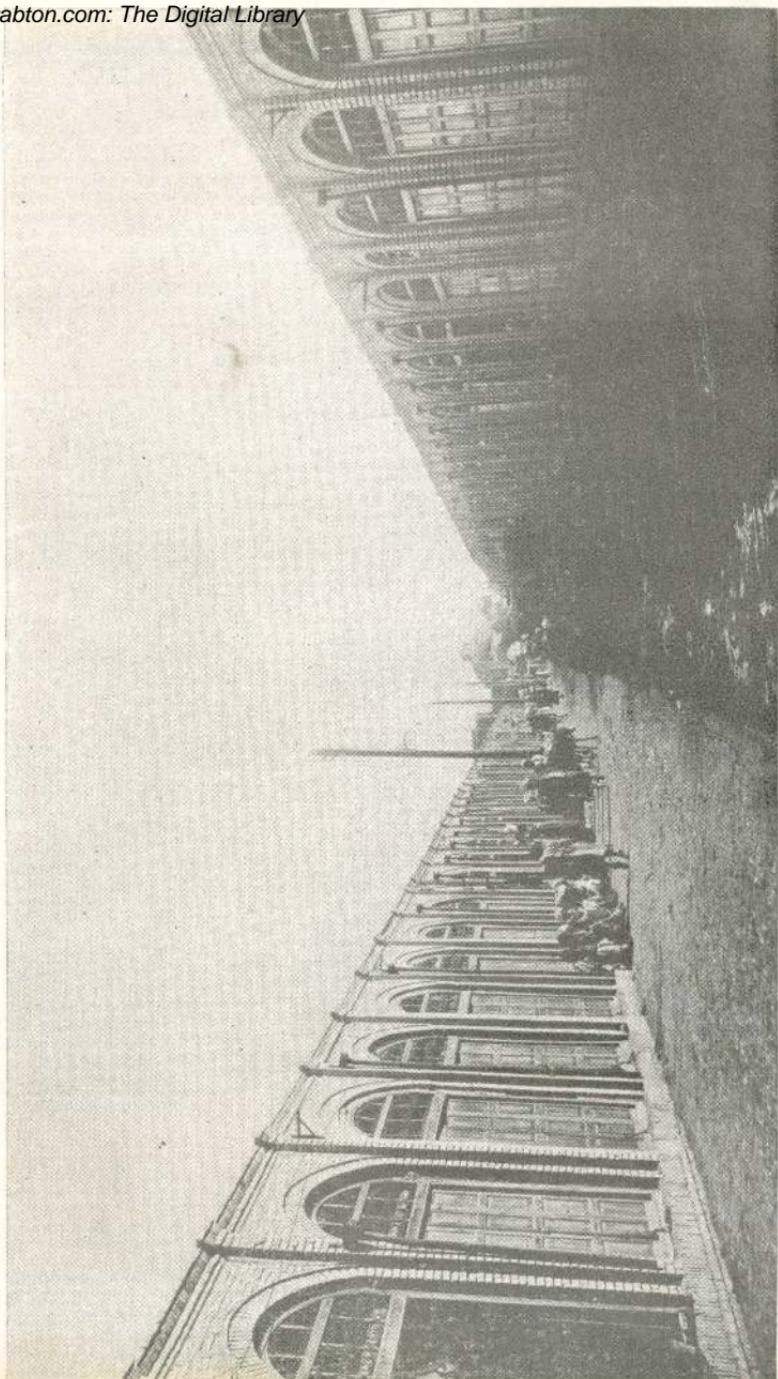




نو
مکتب در شهر هرات، ولایت هرات، از عمرانات چهل بهه
École nouvellement construite à Herat



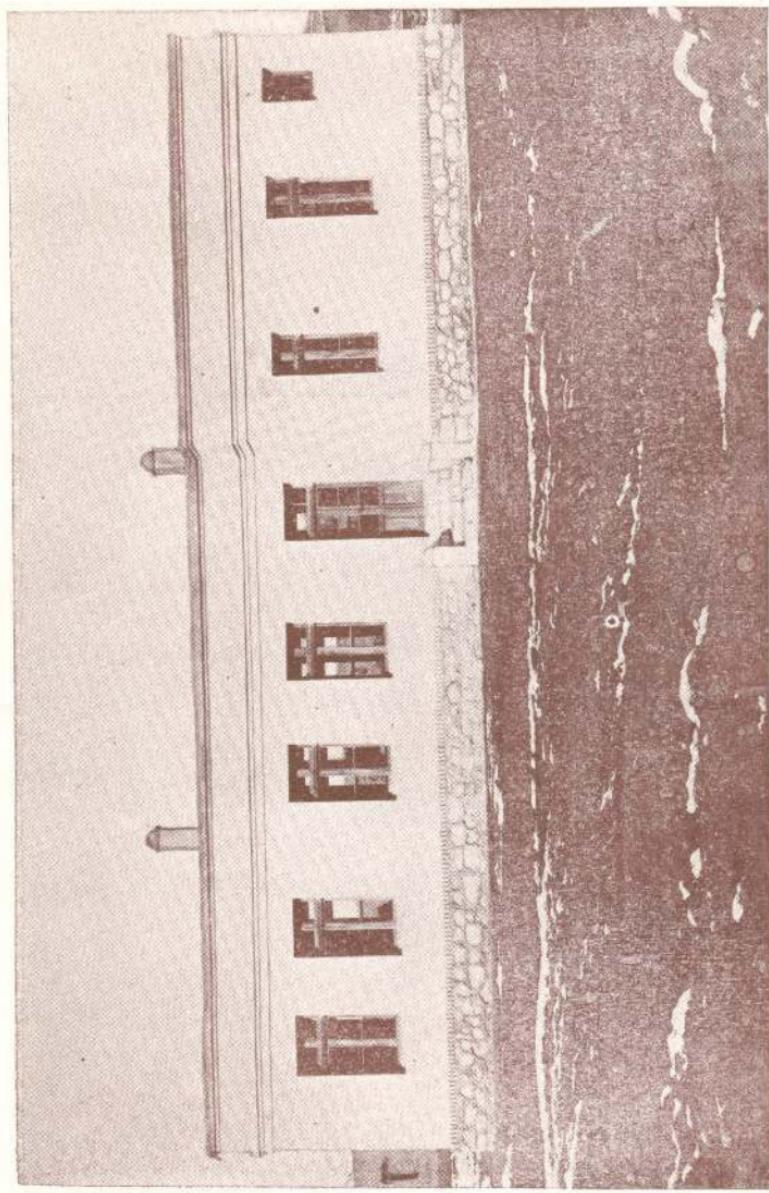
از تعمیرات جدید ولایت هرات ، محلات ریاست بلدیه در شهر نو
Nouvel immeuble de la municipalité d'HÉRAT



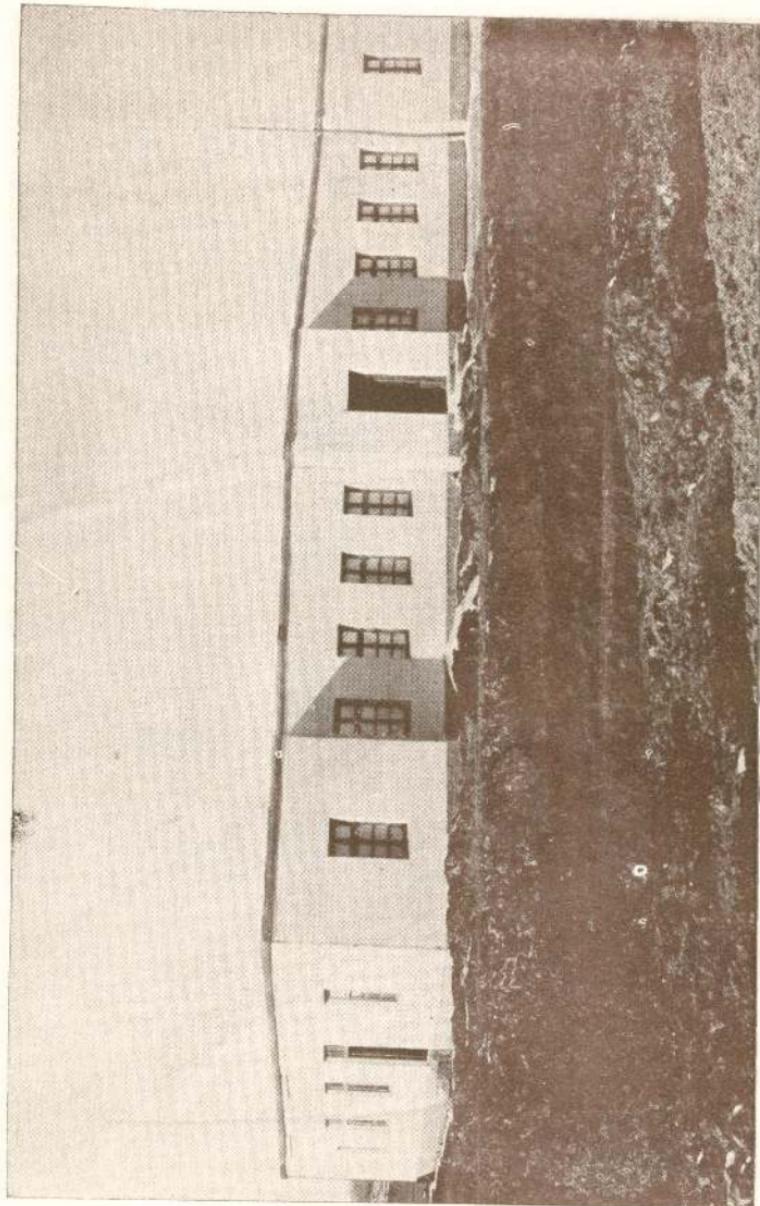
از عمر اقتات جاده و لایت هرات : یکی از بازارهای جدید شهر نو
Un des nouveaux bazars de la ville d'HÉRAT

از میراث جدید ولایت هرات : بازار نور حکومی غور یان
Nouveaux bazars à GHORIAN (Prov. d'HÉRAT)





از عمرانات سال ۱۳۱۵ حکومت اسلامی مینه : عمارت تلگرافخانه مرکزی
Station télégraphique nouvellement construite à Maimanah



از مرا نات سال ۱۳۱۵ حکومت املای مینه : عمارت حکومتی درجه اول پشتون کوت
Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Maimana

اجرا آلت دوائر مملکتی

۸- قوهٔ صابطهٔ حکومتی درجهٔ ۳ جدید تشکیل (اژرو) سربوط حکومتی کلان اهواز و هم‌چنان قوهٔ صابطهٔ علاوهٔ داری جدید تشکیل (امنه) سربوط حکومتی کتسواز درین سال جدید تشکیل و تنظیم و نفرات و اسلحه و البسه و غیره شان تهیه شده است.

۹- برای اصلاح امور حسایهٔ فومندانی‌های کوتولی مطابق اصول جدید محاسبات در مرکز فومندانی‌های کوتولی ولايت قند هار و هرات و مزار شریف و قطنن و بد خشان و حکومتی اعلانی سمت جنو بی ترتیبات لازمه اتخاذ و شعبات اجرایی و کترنول تاسین و وظایف هر شعبه از هم تفریق و مستویت تعین گردیده است تا امور حسایهٔ فومندانی‌های پو لیس بصورت درستی در تدویر بیاید البته در سال ۱۳۱۶ شعبات محاسبه باقی فومندانی‌ها نیز به اصول جدید تعدیل خواهد یافت.

۱۰- قوهٔ صابطهٔ سه حکومتی محلی و یک علاوهٔ داری جدید تشکیل سربوط مرکز ولايت هرات تکمیل و تنظیم شده است.

۱۱- به فومندانی کوتولی مرکزی و ولايت قطنن یکسر سرماور پلیس بدرجہ کند کمشر و یکسر کات پلیس بدرجہ ۴ و به فومندانی کوتولی مرکزی حکومتی کلان شمالي و فومنانی کوتولی فراه و میمنه یک یک نفر مأمور پلیس بدرجہ تولی مشر و یک یک نفر کات پلیس بدرجہ ۴ برای حسن انتظام امور جزایی و رفاه عامه منظوری یافته است.

۱۲- به فومندانی کوتولی مرکزی حکومتی اعلانی سمت مشر فی یک عده پلیس که عبارت از یک تولی و از درجهٔ صابط و خورد صابط و سلاح انداز باشد و یکسر تولی مشر بیاده قسم حاضر باش جدید منظور و هکذا

سالنامه « کابل »

در حکومتی درجه ۳ جدید التشكیل نورستان فوۀ ضا بطۀ حکومتی مطابق بست یک حکومت محلی منظور گردیده است .

۳ - : حکومتی درجه اول چخانسور یکنفر تولی مشر پیاده و یک بلوک سواره جدید منظور شده است .

۴ - : برای رفاهیت عامه در چند نقطه ذیل : دروازه قم ، میرزاپلی ، آبدان میر علم ، دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) ، چنگالی و چلوگیری - دولت آباد (در حکومتی اعلای مینه) تهانه چات مخصوصه ناسیس و قوه ضا بطۀ آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صنعتی مجبس عمومی :

مجبس عمومی که در اثر افکار ترقی خواه حکومت متبوءه ما از عرصه چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خیالات محبوسین تقریباً از سه سال باینظرف کارخانه های بافتگی و تجارتی و معماری و رنگ و ریزی وغیره دران تأسیس و محبوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثریه ما هر کار شده اند ، در عرض سال ۱۳۱۵ تأسیس بعضی دستگاهها و کارخانه های جدید که بعمل آمده و محبوسین دران مشغول و مصروف شده و به اکثریه بقیه که ما هر کار شده اند اجرت کار شان اجوره هم داده می شود فرار ذیل است :

الف - کارخانه های جدید التأسیس :

۱ : کارگاه بافتگی تسر دو بره پشمی و بختی .

۲ : کارخانه خیاطی .

۳ : بوت دوزی .

اجرا آت دوامز مملکتی

۴ : کارخانه خشت کپریل برای پوشش عمارت .

۵ : « آهنگری .

۶ : « بوریا باف .

۷ : « ساخت بند تفنگ و امثال آن .

ب - کارخانه های سابقه که وسعت داده شده :

۱ : کارخانه شترنجی باف و سمعت کافی داده شده

۲ : « تسر باف »

۳ : « الچه باف »

۴ : « نل و خشت سنتی »

۵ : « گلیم باف »

۶ : « کاشی سازی »

۷ : « تابلو نویسی »

۸ : « نجاری »

۹ : « خراذی »

۱۰ : « رنسگر بزی »

۱۱ : « حلیبی سازی »

۱۲ : « قالین باف »

ج - زراعت ترکاری در باغ محبس مطابق فن زراعت خوبتر شده است .

د - اجرا آت شعبه معماري که در همین سال ۱۹۱۵ به عمل آمده عبارت

از سلسله تعییرات از قبیل تعییر جدید توقيف خانه و اكمال بعضی نواقص

مثلًا تعییر چاه حمام محبس و غيره مینیاشد .

سالنامه « گابل »

در حکومتی درجه ۳ جدید التشكیل نورستان فوّه ضا بطہ حکومتی مطابق بست یک حکومت محلی منظور گردیده است .
۱۳ - : حکومتی درجه اول چخانسور یکنفر تولی مشر پیاده و یک بلوک سواره جدید منظور شده است .

۱۴ - : برای رفاهیت عامه در چند نقطه ذیل : دروازه قم ، میرزاپلی ، آبدان میر علم ، دشت خیر آباد (در ولایت مزار شریف) ، چنگالی و جلوگیری - دولت آباد (در حکومتی اعلای میمنه) تهانه جات مخصوصه ناسیس و قوّه ضا بطہ آنها تشکیل شده است .

قسمت سوم : امور صفتی مجلس عمومی :

مجلس عمومی که در اثر اذکار ترقی خواه حکومت متبوّعة ما از عرصه چهار سال است تشکیل و برای مشغولیت و اصلاح خلالات محبوسین تقریباً از سه سال باینطرف کارخانه های بافندگی و نجاری و معماری و رنگ دربزی وغیره دران تأسیس و محبوسین مشغول گردیده اند اکنون اکثريه ما هر کار شده اند ، در عرض سال ۱۳۱۵ تأسیس بعضی دستگاهها و کارخانه های جدید که بعمل آمده و محبوسین دران مشغول و مصروف شده و به اکثريه نفری که ما هر کار شده اند اجرت کار شان ايجوره هم داده می شود فرار ذیل است :

الف - کارخانه های جدید التأسیس :

- ۱ : کارگاه بافندگی تسر دوبره پشمی و نخی .
- ۲ : کارخانه خیاطی .
- ۳ : بوت دوزی .

اجرا آت دوازه مملکتی

- ۲ - علاقه داری انجیل و آنجلان، حکومت درجه اول تشکیل گردیده
مرکوز حکومت مذکور انجیل تعین شده .
- ۳ - علاقه داری جوی نو و آتشان حکومت درجه ۲ تشکیل گردیده
مرکوز حکومت مذکور جوی نو تعین شده .
(هر سه جدید تشکیل حکومات مذکور مصبوط مرکز دارالحکومه گی هرات است)
- ۴ - علاقه داری کرخ که از سابق منظوری داشته و مصبوط مرکوز
دارالحکومه بود اکنون مصبوط حکومت جوی نو شده .
- ۵ - حکومت اعلایی مشرقی :

علاقه داری های نورستان لغمان و کامدیش نظر بوسعت محیط و اینکه
از مرکوز حکومات مصبوطه بعید بود برای اینکه در امور اداری حکومت
و معاملات اهالی تسهیلات بوده باشد بد و حکومت درجه ۳ تشکیل
گردیده به این تفصیل :

علاقه داری نورستان لغمان بحیث حکومت درجه ۳ مصبوط حکومت
اعلا، و علاقه داری کامدیش بحیث حکومت درجه ۳ مو سوم (لندی سین)
مصبوط حکومت کلان اسمار و کنترهای سمت مشرقی .

۶ - حکومت اعلایی فراه :

علاقه داری انار دره مصبوط ولایت هرات نظر بمعالمات اداری ازوایات
هرات منفک و به حکومت اعلایی فراه مصبوط شده .

از مقرریها و تر فیعات جدید وزارت داخله :

و، ج، شیر محمد خان وکیل نائب الحکومه قطعن و بد خشان نظر بر اتاب
خد متکذاری و صداقتیکه از مشارا الیه بمشاهده پیوسته تر فیعاً بنائب الحکومه

سالنامه « کابل »

۲- صورت تبدیل و تشکیلات جدید ملکه :

الف : ولایت کابل ،

۱- یک علاقه داری بنام (امنه) سر بوط حکومت درجه اول کتواز از حیث اهمیت موضع تشکیل یافته .

۲- اسم علاقه داری سه پایی سر بوط حکومت کلان دایزنگی از نقطه نظر تاریخی بنام شارستان تبدیل گردیده .

۳- مناسبتاً ریشخور سفلی بنام حضرت سلطان و ریشخور علیا بنام سلطان قلمه تبدیل در نظر گرفته شده

ب : ولایت قندهار :

۱- اسم حکومت درجه اول کدنی سر بوط سرکن دار الحکومه گئی به نسبت عدم موزنیت اسم ساقه حکومت مذکور و اتساع زبان ملی (پشتون) بنام (سین بولدک) تبدیل یافته .

۲- سرکن حکومت درجه ۲ غورک به علاقه داری خاکریز و علاقه داری خاکریز به غورک تبدیل شده که خاکریز حکومت و غورک علاقه داری نامیده میشود.

۳- علاقه داری نیش که سابق به غورک سر بوط بود کنون بحکومت خاکریز ارتباط یافته .

۴- افلاک فریبه یا تان ولنگراز حکومت گیزاب به نسبت بعد مسافت و ارتباط آن از حیث نزدیکی بعلاقه داری چوره ارز گان .

ج : ولایت هرات :

۱- علاقه داری های: گذاره وادوان و تیز وان و کبراق حکومت درجه اول تشکیل گردیده سرکن مذکور گذاره تعین شده

اجرا آت دوازه ملکتی

عایدات شان علاوه از سال گذشته میباشد، چنانچه احتمالیه اخراج آت
و عایدات محاکم که سنجیده شده فرار ذیل است،
الف: ریاست عالیه تمیز:

تعداد فیصله جزائی - ٦٠ فقره - تعداد فیصله حقوقی - ٣٨ فقره
پول عایدات (٢٤٥٢) افغانی

ب: محکمه صرافه و ابتدائیه مرکز کابل و محکم شرعیه مربوطه آن:
تعداد فیصله حقوقی ١٩٠٤ فقره - تعداد فیصله جزائی ٨٧٨ فقره
« وثائق شرعی ٥١٣٦١ قطعه - « نکاحنامه باکره ٥٦٢١
« نکاحنامه ثیبه ٣٢٥١ » - پول عایدات (٤٠١٢٦٠) افغانی.

ج: محکمه صرافه و ابتدائیه مرکز و محکم شرعیه مربوشه ولايت فندکار:
تعداد فیصله حقوقی ٧٠٩ فقره - تعداد فیصله جزائی ٥٦٦ فقره
« وثائق شرعی ٩٧٥٥ قطعه - « نکاحنامه باکره ١٥٨٧ قطعه
« نکاحنامه ثیبه ٨١٠ » - پول عایدات (٨٦١٥٢) افغانی.

د: محکمه صرافه و ابتدائیه مرکز و محکم شرعیه مربوشه ولايت هرات:
تعداد فیصله جزائی ٦٤٥ فقره - تعداد فیصله حقوقی ٥٢٩ فقره
« وثائق شرعیه ٨٦٨٤ قطعه - « نکاحنامه باکره ١٥٧١ قطعه
« نکاحنامه ثیبه ٧٠٨ » - پول عایدات (١٠٧٥٠) افغانی.

ه: محکمه صرافه و ابتدائیه مرکز و باقی محکم شرعیه مربوطه
ولايت منار شریف:

تعداد فیصله حقوقی ٦٧٨ فقره - تعداد فیصله جزائی ٧٧٢ فقره
« وثائق شرعی ١٢٢٢٨ قطعه - « نکاحنامه باکره ٣٦٤٦ قطعه

و لا يات مو صوف . . .
 ع ، ع ، محمد هاشم خان حاكم کلان بد خشان بحکومت کلان غزنی .
 د ، د ، نلام محی الدین خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان دابوغی .
 د ، د ، میر اکبر خان حاکم شتواری سمت مشرقی تر فیما به حکومت
 کلان فلات مر بوط و لا يات فند هار .
 د ، د ، سید عباس خان وکیل شورای ملی بحکومت کلان بد خشان .

امور عدليه

وزارت عدلیه در سال ۱۳۱۵ به تعقیب خیالات شریعت بر راهه و
 نبات حسته عدالت گسترانه اعلیحضرت همایونی مثل سنوات ماضی در صد و ر
 اوامر لازمه و اعطای هدایات مکلفه و استفتاء شرعیه به تمام محاکم شرعیه
 اعم از ریاست تمیز ، محاکم صرافه و ابتدائیه ، اقدامات ، و قضاۃ محاکم
 شرعیه را به اجرای امور مرجوعه و وظائف مخولة به شان اساس مقررات شرعیه
 بصورت صحیح و حقاً تو صیه و مسامی شان را بفرار آوردی رفاه وامنیت
 همومنیه و عدم فر و آنذاشت از جلوگیری و قواعات مضره و تعیین جزای
 لازمه شرعیه برای امر تذکین قتل ، سرقه ، اخلال امنیت و غیره عطف
 کرد و به عدم صد و اوامر در کاغذ های غیر رسمی و تعیین و فروش
 و تأثیق شرعیه و نسخاً حنامة رسمیه مکلف شان ساخته . و درین حال به اجرا آت
 و فیصله جات شرعاً کم شرعیه غور و دقت بکار برده شد و من توان
 گفت که بخاری امور محاکم شرعیه درین سال از فضل و مراجحت خداوند
 متعال و نبات حسته بحکومت متبوعه نه تنها مثل دیگر سنوات ماضی
 بصورت صحیح و حسب لغواه بوده ، بلکه در امسال اجرا آت محاکم و

اجرا آت دوائر مملکتی

ی : محکمه مرافقه ابتدائیه مرکز و باقی محاکم شرعیه مربوطه حکومت
اعلای فرآوه :

تعداد فیصله حقوقی ۱۶۲ فقره - فیصله جز اینی ۶۱ فقره
و تأثیر شرعی ۲۰۷۳ قطعه - نکاخنامه با کر ۶۴۷ قطعه
نکاخنامه ثیه ۷۰۶ قطعه - یول عایدات (۲۰۰۰۸) افغانی
جمع کل فیصله جات حقوقیه : (۶۱۱۴ فقره)

« « جز اینیه : (۴۲۷۹) »)

« وثائق شرعیه : (۱۲۰۰۶۷) قطعه)

« نکاخنامه ها : (۳۶۸۶۶) »)

« عایدات نقدی : (۱۰۰۰۹۰۳۰۷) افغانی
اضافه گی عایدات نسبت به سال ۱۳۱۴ (۶۰ فیصد)

از مقرری ها و ترقیعات جدید وزارت عدله

ف ، ملا محمد محسن خان قاضی محکمه ابتدائیه دای چو پان (قندھار) تبدیلاً
به قضای محکمه دند مربوط ولایت قندھار .

د ، ملا کریم الله خان قاضی محکمه ابتدائیه تیرین (قندھار) تبدیلاً به قضای
محکمه دای چو پان مربوط ولایت قندھار .

د ، ملا فضل حق خان قاضی محکمه ابتدائیه نوزاد (قندھار) تبدیلاً به قضای محکمه
تیرین مربوط ولایت قندھار .

د ، ملا ، عبدالله خون قاضی محکمه ابتدائیه خاکریز (قندھار) تبدیلاً به
قضای محکمه گرمیسر مربوط ولایت قندھار .

شاتامة « کابل »

- ف ، ملا صالح محمد خان به قضای محکمة نوزاد مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا عبدالقدوس خان فاضی محکمة ابتدائیہ کشک نخود تبد ملا به قضای محکمة دهله مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا عبد الوهاب خان مفتی محکمة صرافیہ قندھار تر فیما به قضای محکمة سین بولدک (کدنی سابق) مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا سید خان فاضی محکمة ابتدائیہ قلات به قضای محکمة دهراوڈ مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا نو رالحق خان فاضی محکمة ابتدائیہ جلد ک تر فیما به قضای محکمة قلات مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا عبد الخلیم خان تر فیما به قضای محکمة ارغستان مر بوط ولایت قندھار .
- « ، ملا آفغان محمد خان مفتی محکمة ابتدائیہ شورا بک قندھار تر فیما به قضای محکمة دهله مر بوط ولایت قندھار
- « ، ملا محمد عمر خان مفتی محکمة ابتدائیہ هرات تر فیما به قضای محکمة جدید التشكیل حکومتی گذاره مر بوط ولایت هرات .
- « ، ملا شیر محمد خان مفتی محکمة ابتدائیہ هرات تر فیما به قضای محکمة جدید التشكیل حکومتی جوی نو مر بوط ولایت هرات .
- « ، ملا نصر الدین خان فاضی محکمة ابتدائیہ او به هرات تبدیل به قضای محکمة جدید التشكیل حکومتی انجلیل مر بوط ولایت هرات .
- ف ، ملا عبدالله خان به قضای محکمة ابتدائیہ درہ صوف مر بوط ولایت مزار شریف .
- « ، ملا فیض محمد خان مفتی محکمة ابتدائیہ اشکمش (مزار) تر فیما به قضای

اجرا آت دیو اور مملکتی

محکمة مذکور .

د ، ملا عبدالرحیم خان قاضی محکمة ابتدائیہ اندراب (قطعن) تبدیلًا به فضای
محکمة دوشی مربوط ولایت قطعن .

« ، ملا بسم اللہ خان قاضی محکمة ابتدائیہ دوشی (قطعن) تبدیلًا به فضای
محکمة اندراب مربوط ولایت قطعن .

» ، ملا عبدالسلام خان قاضی محکمة ابتدائیہ تالقان (قطعن) تبدیلًا به فضای
محکمة کشم مربوط ولایت قطعن .

ف ، ملا عبدالحليم خان قاضی محکمه ابتدائیہ حضرت امام صاحب ، (قطعن)
تبدیلًا به فضای محکمة قندوز مربوط ولایت قطعن .

« ، ملا محمد جان خان قاضی محکمة ابتدائیہ کشم (قطعن) تبدیلًا به فضای
محکمة تالقان مربوط ولایت قطعن .

د ، ملا عبدالصمد خان قاضی محکمة ابتدائیہ قندوز (قطعن) تبدیلًا به فضای
محکمة حضرت امام صاحب مربوط ولایت قطعن .

امور مالیہ

امور حسایہ و معا ملات عایدات و مصارف و توازن بودجه ، یکی از
بزرگترین شببات اداری یک مملکت بشمار رفته ، حسن انتظام حسابات
و جمع و خرج یک مملکت از یکطرف برای سائز اجرا آت و اقدامات آن
ملکت سهولت زیادی پیش میکنند ، از طرف دیگر از حسن جریان امور
منزبور که منتج به افزونی محاصل عمومی و رفاه عامه میگردد نمایندگی مینماید .

سالنامه « کابل »

خو شیختانه درین چند سال اخیر امور حسا بیه در ردیف سائز امور مملکت مورد توجه خاص اولیای دولت واقع و برای اصلاح و تسهیل اصول محاسبات مملکتی تهاب بر درستی اتخاذ گردیده که از اثر مطالعات و تحقیقات چند ساله درسال ۱۳۱۵ تحول خوبی در اصول حسا بیه مطابق سیستم های عصری وارد آمده و امید مبرود که از اثر این اقدامات امور حسا بیه مملکت دونق و انتظام صحیحی را مالک نشده در تبعیه ترقیات و افزونی قابل ملاحظه در عایدات مملکتی وارد و هم موجبات منید رفاهیت اهالی گردد . خلاصه اجرای آت سال ۱۳۱۵ وزارت مالیه قرار ذبل است :

- ۱ - ترتیب بود به مملکتی باست سال ۱۳۱۵ که بوقت مقرره و بصورت موازنۀ صحیح عایدات و مصارف تدوین و پس از طی مراتب اصولی و احراز تصویبات لازمه ، به عموم دوازه مملکت توزیع گردیده و نیز در طول سال مذکور بصورت صحیح در اجرای آن تدقیق و نگرانی بعمل آمده است .
- ۲ - عملی ساختن طرز جدید محاسبات که از ۲ سال باينظرف زیر مطالعه بود پس از تجارت لازمه در سال ۱۳۱۵ ابتداء در ولایت کابل و بعد در تمام ولایات و حکومات اعلی مورد تطبیق واقع گردیده و در اخیر سال مذکور محاسبات بعضی دوائر دیگر از قبیل وزارت مالیه و وزارت تجارت و وزارت پست و تلگراف و مطبوعه عمومی کابل وغیره نیز مطابق اصول جدید مذکور تحت اجراء گرفته شد و در همه دوازه مذکوره نتائج اطمینان بخش بدست آمده - چنانچه از اثر این کامیابی در ابتدای سال ۱۳۱۶ دفاتر حسا بیه باقی دوازه ممکنی هم بهمین طرز نو تعديل داده شده - گویا اکنون تما

اجرا آت دوائر ملکتی

دوازهسا بی و طن عن بز ما بیک اصول واحد و مطابق طرز جدید که نظر بشوره مشاور مالی وزارت مالیه بر حسب طرز محاسباتی معمولة امن وزه دول هالم و نظر به تطبیقات و تجارب اساسیه، ترتیب یافته، در جریان میباشد.

این اصول جدید که در دوازه مالیاتی مملکت اجرا آت امور را بصورت صحیح، سریع، واضح و ساده جریان میدهد، طوریکه شایسته است طما نیت وضمانت بزرگیرا راجع به صفت اجرا آت دوائر متضمن میباشد - قواعد اساسی و تشکیلات جدیده آن فرار آفی است :

- ۱ - تقسیمات صحیح وظایف در بین مامورین .
 - ۲ - تقریب و تشخیص مسئولیت های اشخاص .
 - ۳ - کنترول سریع، ساده و موثر قبل از شروع و بعد از انجام هر یک از امور .
 - ۴ - ارتباط نزدیک و صحیح بین دوائر مختلفه بصورتیکه اگر برای هر کدام از دوائر مذکوره بر حسب صلاحیت خصوص او اختیارات داده شود البته از نتیجه آن یک کار صحیح و مرتب بوجود خواهد آمد .
- وظائف مربوطه در هر یک از دوائر (مرکزی و محلی) در بین مامورین به چهار فریق ذیل منقسم است .
- الف - وظائف اجر ائمه .
 - ب - « محاسبه .
 - ج - « تحصیلی واردات .
 - د - « تحويلات و تادیات .

سالنامه « کابل »

از اثر تقسیم طبقات فوق الذ کر و ظائف مذکور در بین چهار دسته :
مامو رین اجراییه ، مامورین محاسبه ، تحصیلداران وار داتی . و خزانه داران
مقسم گردیده است . ترتیب از سال صورت های حساب از محلات پر اکثر
و صراجع بوا سطه فرستادن ثاباوی های موعدی (جد اول) مخصوصه است که
اطور خلس ترتیب و وقتاً فوقتاً ارسال میگردد .

۳ - عوائد حکومتی از اثر حسن انتظام امور و مساعی مأمورین صریحه
اعم از مأمورین وزارت مالیه و مستوفیان و سرداشته داران اعلی و غیره
در سال ۱۳۱۵ نسبت به سال ۱۳۱۴ (۷ و نیم) فیصد اضافه شده است .

۴ - باقیات دولت در سال ۱۳۱۵ به نسبت ۱۳۱۴ (۱۷) فیصد زیادتر
حصول شده است .

امور مطابع و صکوکات :

درین سال امور مطابع ، ترقیات زیادی را حائز گردیده و علاوه از جدید
و فعالیتیکه در طبع جراند و مجلات و کتب و تهیه جداول و اقسام منشورات
وغیره کار آمد دوائر دولتی و اشخاص انفرادی به عمل آمده ، یک عدد ماشینهای
طباعتی جدید که مطابق تازه ترین اصول عصری میباشد ، خریداری و وارد شده
که بعضی از آن نصب و دایر گردیده و باقی در شرف نصب است . گویا
درین سال یک مطبوعه مکمل با تمام لوازم ضروریه آن تهیه گردیده که البته
آخرات مفید و موزونی که در مطبوعات و نشریات و عموم کارات طباعتی

اجرا آت دوائر مملکتی

- وطن عزیز ما ازان وارد خواهد شد ، بزودی بهمه کس معلوم خواهد گردید . درینجا تنها به ذکر اسمای ماشین های عمده جدید الورود اکتفا می ورزیم :
- ۱ - ماشین های زینکو گراف مکمل با تمام لوازم از (قسم ماشینها و سامان عکسی و « هلیوگبولوشه سازی » و گمره های « روپرود کسیون » (طبع مجدد) و « رتیکال » و « ردوسکسیون » (خوردن کردن) و کلیشه سازی و شبیه گراف و تو ش و کایانی سنگ و جست والمو نیم وغیره ادویه و دیگر لوازم کیمیاوی) (۲۰) پایه
 - ۲ - ماشین های صحافی مکمل از فیل ماشین های دوخت تار و شیرازه بندی اتو ماتیک (خود کار) و دو خت سیم و ماشین های بر ش اتو ماتیک و قات کردن و و فایه سازی به انواع مختلف برای هر گونه کار و فایه و شبکه کردن تک های پستی و غیره (۱۴) پایه
 - ۳ - ماشین (آف سیت) برای طبع مضامین و تصاویر ساده و زنگه از روی جست که در هر ساعت ۴ و نیم هزار نسخه طبع میکند (از کارخانه رولند) (۱) پایه
 - ۴ - ماشین های طبع حر و فی از قسم « گودرون » و « استرا » و « فولی » و « اتومان » و « ریو » و « و تیکل » همه اتو ماتیک (خود کار) از بهترین و اعلا ترین رقم ماشین های عصری (۱۴) پایه
 - ۵ - ماشین چاپ بر جسته (حر و ف و تصاویر و غیره) و « کبر دروک » (۳) پایه

سالنامه «کابل»

- ۶ - ماشین های پتوگراف گراویر (تصاویر) از فابریکه « دکل » برای کار (گراویر) هموار و بزر جسته بر فولاد و مس و جست و سنگ و شیشه - با موثر های برقی (۲) پایه
- ۷ - ماشین های گراویر (تصاویر) از فابریک « کلامش » برای گراویر سنگ و شیشه . (۲) پایه
- ۸ - ماشین های گیولوشی سازی صکوکات از فابریکه « ندرنای وین » از بهترین و اعلا ترین ماشین های عصری (۲) پایه
- ۹ - ماشین های متفرقه برای کارات طباعت و حروف چینی وغیره (۱۲) پایه
- ۱۰ - سامان متفرقه از قسم سامان رسامی و عراده های حمل و نقل کاغذ و سنگ و غیره وغیره .

مقرزیها و ترفیعات جدید وزارت مالیه :

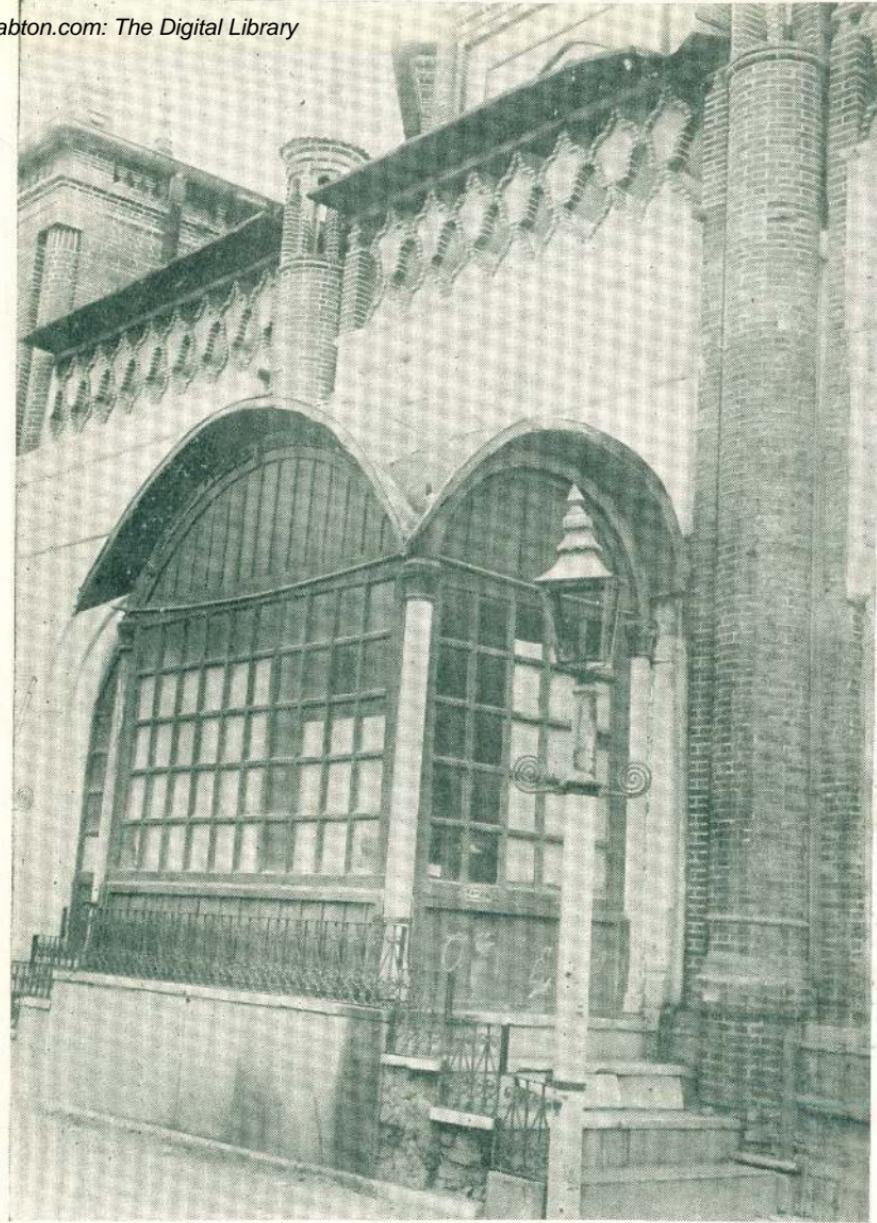
مع ، ص محمد علیخان سابق مدیر محاسبه وزارت دربار به مستوفیت ولایت هرات .

ض ، فقیر محمد خان سابق منشی شورا بمدیریت اوراق وزارت مالیه .

د محمد نعیم خان سابق سر رشته دار اعلای فراه بمدیریت جدید التشكیل املاک وزارت مالیه .

ض ، نور الحمدخان سابق مدیر مالیه گرشدک به سرتهمداری اعلای فراه .

د ، عبدالحنان خان به معاونی خزانه نهومی .

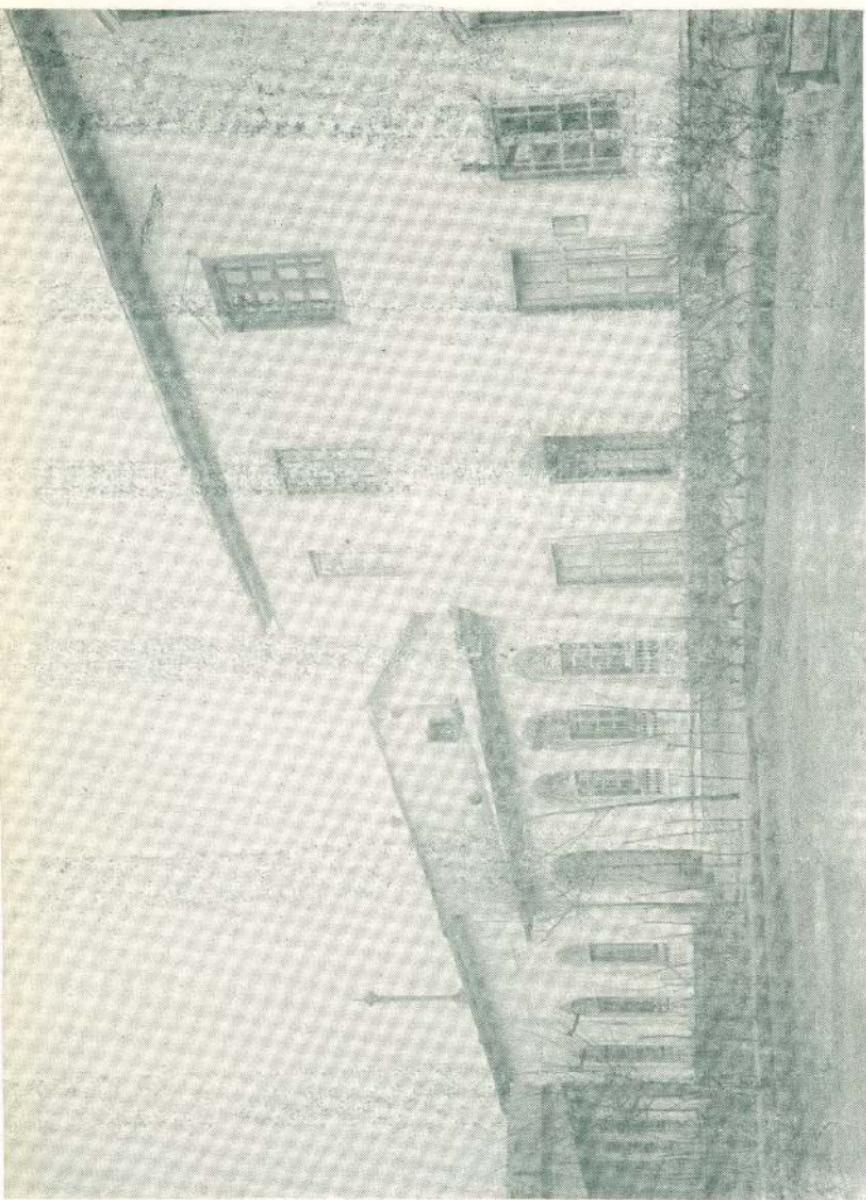


یک حصه از عمارت کتابخانه وزارت معارف در کابل

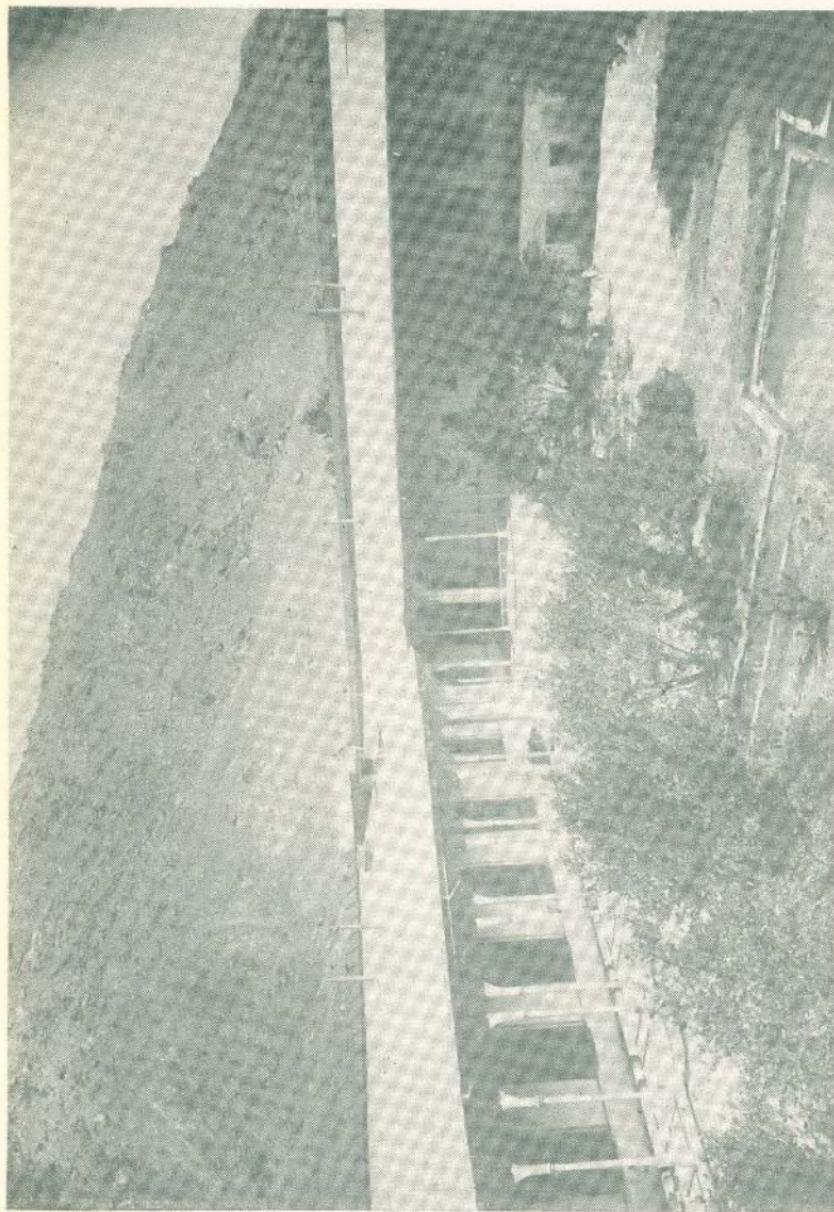
Une partie des bâtiments de la bibliothèque du ministère de l'instruction publique à Kaboul:



منظره خارجي عمارت كلوب معارف در کابل
Vue externe de l'immeuble du club de l'instruction public à Kaboul



منظره داخلی یک حصه از عمارت مکتب عالی جنده در کابل
Une vue des bâtiments du Collège Habib-iyah à Kaboul.



عارت مکتب زراعت در کابل (وائے باغ بارشاہ)
Vue interne des bâtiments de l'Ecole de l'Agriculture à Kaboul

اجرا آت دوانر مملکتی

امور معارف

افغانستان طوریکه در هر شعبه مدنی خود حرکت قابل توجهی کرده در شعبه معارف نیز از حيث کیفیت و کیفیت ترقی شایانی نموده و تعداد مکاتب و موسسات عرفانی به بیمانه جالب توجهی افزود گردیده است.

این معارف موجوده فی الحقیقت بعد از اختلال ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ که اثری ازان نبود بتوجهات فیتمدار اعلیحضرت شهید سعید بوجود آمده، و علاوه مندی ذات با برکات اعلیحضرت المتوکل علی الله بمعارف آزاد است بخشیده، چنان‌گه می‌بینم معارف درین سال نسبت بالا گذاشته ترقی نمایانی کرده بر عده مکاتب فی صد (ینجاه) و بر عده طلبه فیصد (هفتاد) افزوده، وتاریخ معارف افغانستان این سرعت سیر را - راغ ندارد. بلی هر حکومتی دارای مکتب گردیده میان اهالی هرست و حکومت معارف پرور، گویا یک نوع مسابقه واقع شده، حکومت هرست همینکه یک مکتب تاسیس میکند اهالی آنست برای تشکیل مکتب دیگر محل و طلبه دیگر تهیه می‌بینند. در صورتیکه چند سال قبل تناسب بر عکس بود. مسرت بخش تر آنکه در بعضی فرای دور از سرکر حکومت، نیز برخلاف موقع مکاتب متعددی دیده میشود، این حال بجایی رسیده که قبلاً اسم مکتب رسمی در بعضی فرای از جمله مجردات شمرده میشود اکنون یک امر عادی واژه مهندس امور روز مردم بقلم میرود.

دو یهر فه درین سال تقریباً (شصت) مکتب ابتدائی و (شش) مکتب رشدی در ولايات روی مکاتب ابتدائی و رشدی سال قبل تاسیس یافته که هر کدام ازین مکاتب دارای صد ها طلبه بوده و نیز در هر مکتب (یکصد و ینجاه)

سالنامه «کابل»

قر طلبه اضبای شده و در نظر است که در سال آتی (۱۳۱۶) طلاب نو وارد نیز در هر مکتب قبول و برای صنف اول (۴۰) قدر دیگر اضافه شود. طبیعی است که این تعداد غیرار تاسیس مکاتب ابتدائی است که درنظر میباشد. این نکته را نیز درینجا باید علاوه کرد که رشدهای ولایات دوره دوم سال خود را طی مینمایند، و با خرسان ۱۳۱۶ دوره خود را تمام خواهند کرد. علاوه بر مکاتب ابتدائی و رشدی، کورس های مسلکی و عالی که در عرض سال تاسیس یافته از قبیل کورس عالی پست و تلگراف و کورس عالی تجارتی و کورس حفظ الصحفه و زبان وغیره نیز قابل تذکر است.

چون تعیین زبان پیشتو در عرض همین سال طرف توجه قرار داده شد لذا از یکطرف در مرکز و از طرف دیگر در ولایات کورس های متعددی برای آنایکه تا حال پیشتو یاد نداشتند. تشکیل گردیده اهالی از مامور تغییر آن همه با یک حرارت روز اخرون مشغول تعلیم میباشند.

درین سال پاک عده طلاب برای تحصیل عالی در ترکیه فرستاده شده، این دسته علاوه بر محصلین سابق اند که در آنجا مشغول تعلیم بوده اند، و یکمده طلاب افغانی که در خارج تحصیلات خود را در شعبات اقتصاد، نساجی معدن شناسی به تکمیل رسانیده اند وارد وطن شده و مشغول کار در شعبات خود میباشند.

مکاتب جدید التأسیس:

الف: ولایت کابل:

- ۱- تاسیس یک شعبه مهندسی در مکتب صنایع مرکز بکتاب
- ۲- «ایتوگراف و چاپ سنگی در مکتب صنایع مرکز»

اجرا آت دو اثر مملکتی

یکباب

- ۳ - تاسیس مکتب ابتدائی در نجف اب
- ۴ - » » شریعت محمود عراقی
- ۵ - » » بیانی ورد اک
- ۶ - » » بگرامی
- ۷ - » » زر غون شهر لوگر
- ۸ - » » پادخواب شاهه »
- ۹ - » » داغی جان
- ۱۰ - » » ریزه کوهستان
- ۱۱ - » » استالف
- ۱۲ - » » گل بهار
- ۱۳ - » » کتواز غزنه
- ۱۴ - » » چهار آساب
- ۱۵ - » » خواجه مسافر پیمان
- ۱۶ - » » سرای خواجه
- ۱۷ - » » بامیان
- ۱۸ - » » دایکنندی

جله ۱۸ باب

ب : ولایت فندهار :

- ۱ - تاسیس مکتب رشدی در خود من کش
- یکباب
- ۲ - » » ابتدائی
- » - » » : ۳

سالنامه « کابل »

۴ :	تاسیس مکتب	ابتدائی	-	یکباب
»	-	-	-	-
»	-	-	-	-
»	-	-	-	-

جله ۶ باب

ج : ولایت هرات :				
۱ :	تاسیس مکتب	رشدی در خود مرکز	-	یکباب
۲ :	-	در گلران	-	-
۳ :	-	در حکومتی کشک	-	-
۴ :	-	در من غاب	-	-
۵ :	-	در غورات	-	-
۶ :	-	در حوض پریان	-	-

جله ۶ باب

د : ولایت منار شریف :				
۱ :	تاسیس مکتب	رشدی در خود مرکز	-	یکباب
۲ :	-	-	-	-
۳ :	-	-	-	-
۴ :	-	-	-	-
۵ :	-	-	-	-
۶ :	-	در ایک	-	-
۷ :	-	در دولت آباد	-	-
۸ :	-	در سنگچهارک	-	-

احرا آت دوازه مملکتی

۹ : تاسیس مکتب ابتدائی در ده دادی - یکباب

جله ۹ باب

۱۰ : ولایت قطعن و بدختان :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز (خان آباد) - یکباب

۲ : « » ابتدائی در غوری -

۳ : « » در فرخار -

جله ۳ باب

۱۱ : حکومت اعلای سمت مشرقی :

۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود مرکز (جلال آباد) - ۱ - باب

۲ : « » ابتدائی در چار باخ صفا -

۳ : « » در اسلام یگ آباد -

۴ : « » در سمر خبل -

۵ : « » در سنگر سرای کامه -

۶ : « » در قلعه آخند -

۷ : « » در کنتر خاص -

۸ : « » در چقتو السراج -

۹ : « » در بهسود مشرقی -

۱۰ : « » در سلطان پور علیا سرخ رود -

جله ۱۰ -

۱۱ : حکومتی اعلای سمت جنوبی :

۱ : تاسیس مکتب ابتدائی در حصة دوم چمکنی - ۱ -

۲ : « » در رود احمد زانی -

سالنامه « کابل »

- ۳ : تاسیس مکتب ابتدائی در زرمت
۴ : » » » در حصة ۲ زرمت
۵ : » » » در آسمعیل و مندو زائی
جمله - ۰ - »

ح : حکومتی اعلای میمه :

- ۱ : تاسیس مکتب رشدی در خود سر آزاد - ۱ - »
۲ : » » ابتدائی در پستون کوتا - ۲ - »
جمله - ۳ - »

جمع کل : - ۵۹ - *

فعالیت تالیف و ترجمه نیز درین سال قابل ذکر و بشرح آتی است.
اولاً - یکدسته کتبی که توسط وزارت معارف برای مکاتب در فارسی
تألیف و ترجمه یافته .

ثانیاً - یکدسته کتبی که برای تبعیم زبان پشتوبانی برای مکتب و خارج مکتب
تألیف شده .
ثالثاً - یکدسته کتبی که بدراو طلبی برای جشن استقلال تألیف و ترجمه
گردیده .

رابعاً - یکدسته کتبی که ادب و فضلا برای تربیة ادبی و فکری انشا و تحریر
نموده اند .

در دسته اول می توان کتب عمدۀ ذیل را نداش :
۱ - حساب اول رشدی در حدود یکصد و پنجاه صفحه مقتنه
۲ - دوم » » یکصد و هشتاد »

احرا آت دوازد مملکتی

- ۳ - حساب سوم رشدی در حدود دو صد صفحه مقنیه
- ۴ - « چهارم » « » « »
- ۵ - دینبات رشدیه اول که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منهیات را در بر گرفته .
- ۶ - دینبات رشدیه دوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منهیات را در بر گرفته .
- ۷ - دینبات رشدیه سوم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منهیات را در بر گرفته .
- ۸ - دینبات رشدیه چهارم که مباحث عقائد ، احکام ، معاملات ، اخلاق و منهیات را در بر گرفته .
- ۹ - تاریخ رشدیه اول مشتمل بر مباحث قرون اولی آسیای وسطی .
- ۱۰ - « » دوم « » « وسطی » « »
- ۱۱ - جغرافیه ، اول ، « طبیعی
- ۱۲ - « » دوم « » امریکا ، افریقا ، استرالیا .
- ۱۳ - فرائت فارسی رشدیه اول مشتمل بر نظم و نثر فضلای وطنی
- ۱۴ - « » « دوم « » « » « »
- علاوه بر کتب فوق یکدهسته کتب تاریخ ، جغرافیا ، حساب ، هندسه ، نباتات ، حیوانات ، معرفه اراض ، تشریح و فیزیولوژی وغیره ، تعدیل و اصلاح و بقالب نو ریخته شده است .
- در دسته دوم یعنی زبان پشتون میتوان کتب ذیل را بطور نمونه نشانداده :

سالنامه « کابل »

الف : - کتب مکتبی :

- ۱- دینبات صنف اول ابتدائی
- ۲- » » دوم »
- ۳- » » سوم »
- ۴- » » چهارم »
- ۵- حساب » اول »
- ۶- » » دوم »
- ۷- » » سوم »
- ۸- اخلاق مدنی » »
- ۹- معلومات عمومی » »

ب - کتب غیر مکتبی :

- ۱- پشتو شو و نگی تالیف محترم محمد عثمان خان رئیس انجمن ادبی پشتو.
- ۲- نادری ادب ترجمه » » »
- ۳- تفسیر سوره فاتحه » » »
- ۴- لوی اصلاحا بان » محترم مولوی قیام الدین خان عضو » دردو جلد.
- ۵- نوی زوندون تالیف » » »
- ۶- دمرغلو امبل از طبع » » » (منظوم).
- ۷- دیشتو لمی کتاب (برای استفاده طلبای) تالیف محترم مولوی قیام الدین خان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد.
- ۸- پشتوریاد (برای استفاده طلبای) از طبع محترم محمد گل خان عضو انجمن ادبی پشتو در دو جلد.

اجرا آت دوازه مملکتی

- ۹ - الفاروق - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتون در دو جلد .
- ۱۰ - داسلام خوزی خبری - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتون .
- ۱۱ - اصول تعلیم و تربیه در مکاتب ابتدائی - ترجمه محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتون .
- ۱۲ - رساله راجح بعلم - تالیف محترم محمد اعظم خان عضو انجمن ادبی پشتون .
- ۱۳ - دیشتو لوست (برای استفاده طلباء) که از طرف مدیریت معارف فند هار تهیه و تالیف شده .
- ۱۴ - دیشتو خبری - تالیف محترم پاینده محمد خان معلم مکتب استقلال که از طرف انجمن پشتون حلبه طبع یوشیده .
در دسته سوم یعنی کتبی که بدا و طلبی در جشن استقلال تالیف و ترجمه یافته :
 - ۱ - مکانیک تو پیچی - اثر محترم روز نار دی ایتا لوی انجینیر تو پیچی ترجمه محترم محمد آصف خان ییلوت .
 - ۲ - معلومات عمومی تو پیچی - اثر محترم محمد غوث خان رشداد (که از کتاب « دوح توپیچی » اقتباس و تغذیل شده) .
 - ۳ - نظریات انداخت تو پیچی - ترجمه محترم محمد ناصر خان که از منسوخین همین مسالک است .
 - ۴ - تعلیم نامه سوار کاری - ترجمه محترم خواجه محمد خان کند کشر معلم سواری مکتب حریبه .
 - ۵ - اصول استفاده از تاریخ عسکری - تالیف و ترجمه محترم احمد الله خان فوqازی
 - ۶ - پسیکو لوژی « علم الروح » عسکری

- ۷ - کیمیای تخلیلی - اور یوفسورد توماس انگلیزی ، ترجمه محترم محمد عظیم خان متعلم فاکولته طب .
- ۸ - فیزیو لوژی « علم تشریح » تالیف سترلنگ عالم انگلیزی ، ترجمه باعلاءات از طرف محترم عبد الرحمن خن متعلم فاکولته طب در دو جلد .
- ۹ - ذراعت تجارتی - تالیف محترم حسن علیخان معلم سابق مکتب زراغت و کتاب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف .
- ۱۰ - دکچنیا و اخلاقی پالنه - اولسپنسر ترجمه و تعدلیل مطابق محیط زبان پشتون از طرف محترم قیام الدین خان عضو انجمن پشتون .
- ۱۱ - نجوید کافی - اول محترم فاری محمد ابراهیم خان که مستقیماً در پشتون تالیف بافته .
- ۱۲ - گلستانه حکمت - جمع و ترتیب محترم علی احمدخان احراری متعلم مکتب ذراعت .
- ۱۳ - ادبیات - اول محترم عبد الحی خان حبیبی مدیر طابع اذفان .
- ۱۴ - گلستانه د پشتون - تالیف محترم محمد اعظم خان عضو انجمن پشتون (متعلق صرف و نحو زبان ملی) .
- ۱۵ - رهنمای پشتون - جمع و تالیف محترم پاینده محمد خان معلم مکتب استقلال .
- ۱۶ - مکن همشیره گریان - اول طبع محترم محمد حبیر خان شاعر ملی و ترجان دارالتعزیر شاهی .
- ۱۷ - چمنستان - منتخبات نظام و نشر ادبی جمع و ترتیب محترم محمد دشمانخان سر کاتب و میر ابو طالب خان کاتب ریاست تعلیم و تربیه وزارت معارف .
- ۱۸ - مهر سرخ : ترجمه محترم میر محمد امین خان متعلم مکتب استقلال .
- ۱۹ - مدنیت اسلامی اندلس : اول فاضل مصری احمد زکی پاشا و ترجمه محترم غلام جیلانی جلالی عضو انجمن ادبی کابل .

احرا آت دوازه همایکشی

- ۲۰- سخنان محسود غزنوی : تالیف دکتور محمد ناظم هندی و ترجمه محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .
- ۲۱- شیر شاه سوری : تالیف محترم محمد عثمان غدن سرگاتب ریاست تعلیم و تربیة وزارت معارف ، تعلیم را فه مکتب عالی حبیبه در دسته چهارم یعنی کتبیکه برای تربیة ادبی و فکری انسان و تحریر یافته بطریق محمد میتوان کتب ذیل را از آن کرد :
- ۲۲- سخنان فارس : تالیف فاضل هندی محمد حسین آزاد سر حوم ترجمه محترم قاری عبدالله خان ملک الشعرا عضو انجمن ادبی کابل .
- ۲۳- شعر العجم : (حصہ سوم) تالیف علامہ شبلي اعتمانی و ترجمه محترم سرور خان گوریا عضو انجمن ادبی کابل .
- ۲۴- حکیم سنائی : تالیف محترم خلیل الله خان خلیلی مدیر شعبه اول صدارت عظمی .
- ۲۵- بامیان : تالیف مسیوها کن و ترجمه محترم احمد علیخان مترجم دارالتحریر شاهی .
- ۲۶- هیکل سازی قدیم افغانستان : تالیف دا کتر هنری هراس معلم دار الفنون باماںی و ترجمه محترم عبدالغفور خان مترجم انجمن ادبی کابل .
- ۲۷- آثار عتیقه کوتول خبر خانه : تالیف پروفسور ها کن عضو هیئت علمی، شناسی فرانسه در افغانستان ، ترجمه سید قاسم رشیدی عضو انجمن ادبی کابل .

وزارت معارف در ترمیم و تعمیر بناءهای مکاتب نیز حسب مقررات و اختباراتی که برایش داده شده است بعض بناءهای را تعمیر و بعض مکاتب را ترمیم نموده است .

ترمیمات بالجمله مکاتب سرکن و حتی الا مکان مکاتب اطراف را در

سالنامه « کابل »

هر پن سال آغاز کرده در اثنای تدریس با نظام رسانیده است . در ترمیم و اصلاح بعض مقامات آثار عتیقه بامیان مصارف هنگفتی بخر ج رسانیده است . بنا برین در ظرف این سه سال اخیر تنها برای قدر شناسی از آثار عتیقه وطن لکها افقانی تخصیص و بمصرف رسیده است . خلاصه زیارات علمی و مدنی که درین باب بخر ج رسیده نظر علمای دنیا را بخود جلب کرده .

مرغ خانه مکملی مربوط به مکتب زراعت که قبل از پهلوی بنا شده بمعیر زراعت (بین ده بوری و علی آباد) تعمیر شده بود ، اکنون در چمن میر واعظ بنا یافته که برای پرورش تقریباً (۲۰۰۰) مرغ آماده و مستعد می باشد .

عمارتی برای پرورش حیوانات جهت مواد آبله کوبی و چیچک که با اندازه کافی لازم بود تعمیر نموده .

تعمیر لا بورا تور (تجزیه خانه کبیاوی) عمومی و مسکنی را که از سه مصالی با این طرف زیر تعمیر بود امسان پیوشش سوم رسانیده ساختمان آنرا بوره کرده است .

تعمیر فابریکه را که برای شعبه نجاری صنایع درنظر بود آغاز گذاشته است . عمارتی برای کورس عالی تختنیک گذر حقیقت فابریکه تختنیکی میباشد : در عرض سال تاسیس و دروس آن در عمارت مکتب صنایع آغاز یافته بود اساس گذاشته به تعمیر آن شروع کرده است .

تعمیر بنای فاکولتة طبی و دارالفنون که مدت چهار سال در بناهای مختلف دارالفنون در سخانه ها ولا بورا تورهای خود را داده و اجر امیکرد با تمام مربطا تش آغاز یافته . در باب حفاظت آثار عتیقه و حفريات نیز وزارت معارف اقدامات نموده نتائج

اجرا آت دوائر مملکتی

مفیدی بدست آورده صه‌ها و تأثیر تاریخی را که راجع به دور بر امامی و بودائی وزرد شتی و نیز راجع به دورهای هنگامه‌نشوها؛ یونانیان، ساسانیان و اسلامیان وطن بود، کشف کرده در اثبات تاریخ مدنیت قدیمه آسیای وسطی و جنوی صفحات ممتازی علاوه نموده است. حفر یاتی که بعمل آمده است در نقاط ذیل بوده: در بگرام یا کپیسا که متعلق بقبل از میلاد عیسیٰ علیه السلام بوده.

در چخانور که قسمتی از دوره‌های امنشیان، ساسانیان و قسمتی متعلق دور اسلامی بوده در قندوز که منوط به دوره یونانی بوده علاوه برین در نقاط مختلف مملکت جهت بدست آوردن آن تاریخی حفریات جزوی زیادی شده که از تفصیل آن درینجا صرف نظر کرده شد.

مقریها و ترفیعات جدید وزارت معارف:

ص، محمد قسم خان مدیر تحریرات وزارت به عضویت رباناست تعلیم و تربیه، «، غلام حیدر خان مدیر مکتب غازی مدیریت معارف ولایت قندھار»، «عبدالواحد خان معلم مکتب غاری بامروریت معارف ولایت هرات»، «غلام محی الدین خان معلم مکتب صنائع به معاونی مدیریت مکتب مذکور».

امور تجارت و فلاحت و صنائع

امور تجارت و فلاحت و صنائع که اقتصادیات عمومی مملکت را تشکیل میدهد همانصوریکه از بدو تأسیس حکومت موجوده، مورد توجه خاص اولیای امور قرار گرفته، دو ائم حکومتی بالخصوص وزارت تجارت نیز درین رشته له داخل وظائف آن میباشد، اقدامات بسیار جدیانه بعمل آورده که از برگت آن

سالنامه « کمال »

روز بروز اوضاع اقتصاد عمومی کمالکت شکل بهود بخون گرفته و مخصوصاً در سال ۱۳۱۵ در شعب اقتصادی ارقابیل ساختمان شدها و نهرها، ترقی صادرات و تشویق صنایع و تشکیل و تعمیم شرکت‌ها و اصلاحات تعریف و امور یوپی و غیره و غیره اقدامات خوبی بعمل آمده است که ما ذبلاً بطور مختصر فقرات عمدۀ آن را شرح میدهیم:

شعبة تجارت:

تأسیس شرکت‌های جدید:

بنابر تشویق و ترجۀ وزارت تجارت که به مقصد تمرکز سرمایه و اصلاح امور تجاری بعمل آورده در سال ۱۳۱۰ پیش از سال‌های گذشته در توسعۀ مؤسسات تجارتی و اصلاح اصول تجارت و اجتماع سرمایه افزونی خوبی رخ داده است. شرکت‌های جدیدیکه درین سال تأسیس گردیده ذیلاً امبرده میشود:

۱: تأسیس و افتتاح شرکت اتحادیه شمال؛ که از اجتماع شرکت‌های سابقۀ ولایات شمالی بوجود آمده و در ابتدای سال ۱۳۱۵ افتتاح گردیده کار صادرات فره کلی و یشه و پشم و واردات اموال زراعت و غیره را مینماید.

۲: شرکت اتحادیه هرات؛ که آنهم از اجتماع شرکت‌های سابقۀ هرات تشکیل و از یکطرف صادرات پوست فره کلی و یشه و از طرف دیگر واردات اجناس رخت باب و غیره را عهده دار میباشد.

۳: شرکت «وطن» قندهار؛ برای واردات اموال جایانی و صادرات پشم قندهار و غزنی و اثار دره (فراء) و معدنیات و یشه و تریاک که در سال ۱۳۱۵ تأسیس گردیده.

اجرا آت دوازده میلادی

۴ - اجتماع شرکت « رشیا » (بالخ) و « متوكین » (مزاد) و « افغان » (مینه) که باهم دست اتحاد داده اند و کنار واردات اجنا س رخت باب و صادرات قره فلی را میکنند .

(تفصیل تشکیل و سرمایه و اجرا آت شرکت های مذکور در جمله ذکر دیگر شرکت های داخلی در تحت عنوان « شرکت های تجارتی » درج شده است)

۵ - تجدید و تمدید امتیاز شرکت پشتوان فند هار ، که چون مدت امتیاز شرکت مذکور در اول سال ۱۳۱۶ خاتمه میباشد ، بنابر درخواست شرکت مذکور و مطلاعات وزارت نجارت امتیاز صادرات میوه خشک فند هار برای سال دیگر و انحصار واردات شکر و یطرول و سائفر روغذیات موثر برای سه سال دیگر بشرکت پشتوان داده شده است .

چون روده یکی از صادرات مهم مملکت بشمار رفته حاصلات آن سال به سال ترقی کرده مبرود باز اقدامات وزارت تجارت حق الاجاره آن نسبت بسابق ترقی و برای سه سال به اجاره داده شده است .

شعبهٔ زراعت و فلاحت :

الف : امور بند ها :

چون ازدیاد گروت یک مملکت منوط به ترقی زراعت و وابسته به یک مقدار کفايت پخش آبست لهذا حکومت ترقی پرورها در صدد تعهیر یک علیه بند های مهم برآمده اساس تعمیراً کشیره آنها : (بند فرغه ، خروار سرخاب زنه خان ، بند سراج غزنی ، مچلغو) در عصر سلطنت بازی ترقی وطن یعنی اعلیحضرت شهید سعید نهاده شده در عصر اعلیحضرت الملوک کل علی الله

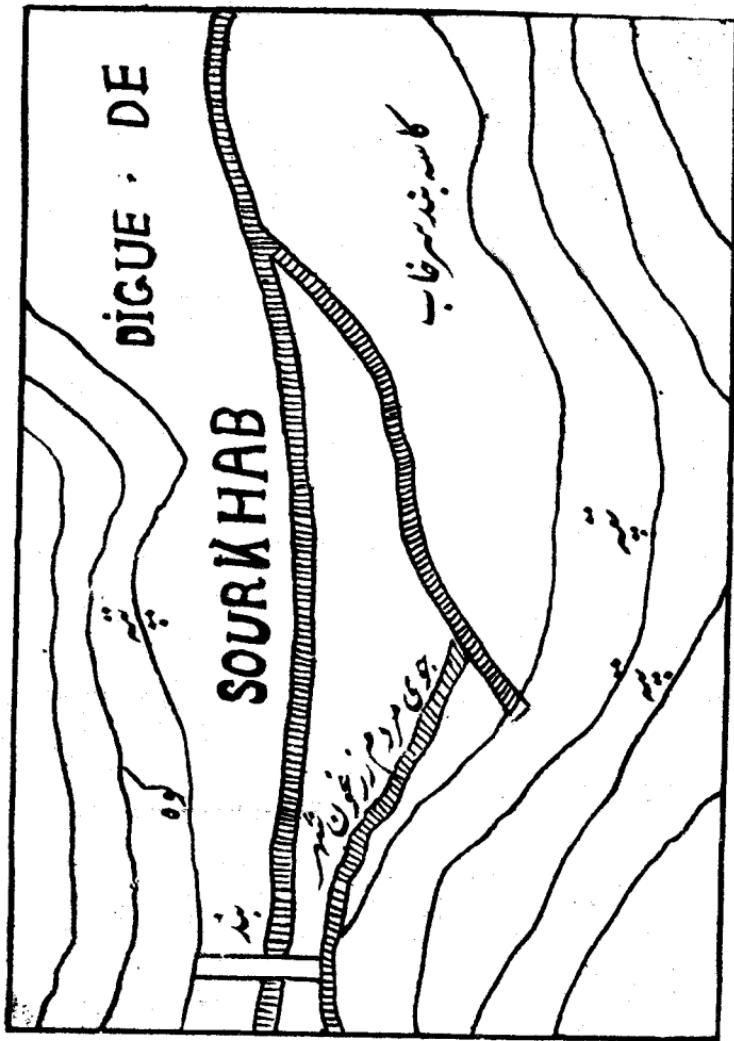
سالنامه «کتابل»

به عمر آن بندهای مذکور ادامه داده شده کار تعمیر بعضی از آنها نیز مثلاً بند سرخاب با تمام رسیده و ترمیم بند سراج غزنی تمام است. مادرانه اینجا درجه بیشترت تعمیر واستعداد آیاری و غیره خصوصیات بندهای جدید التعمیر را ذیلاً شرح میدهیم:

۱ - بند سرخاب لوگر:

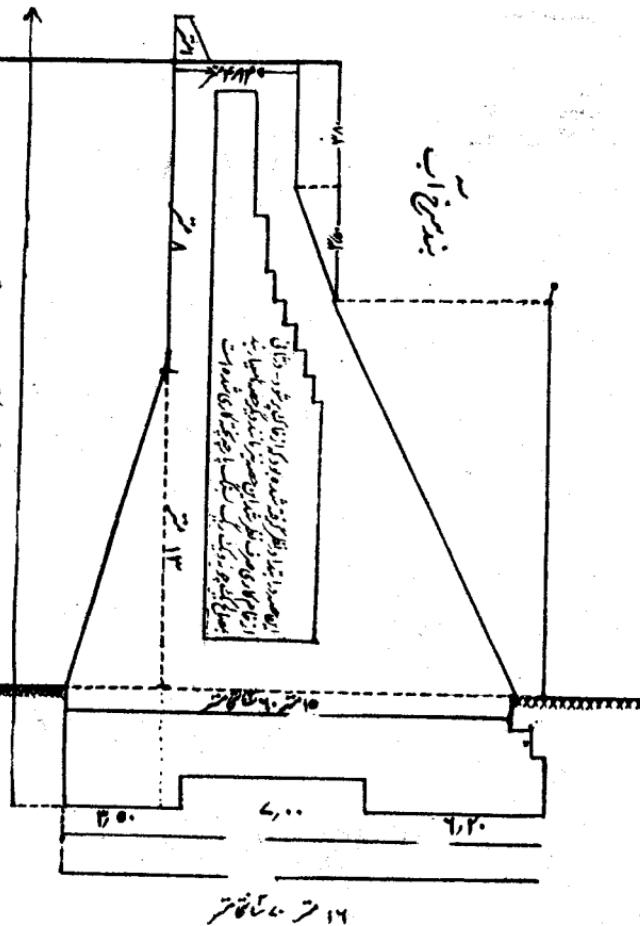
کار بند سرخاب یتاریخ روز سه شنبه ۱۶ سپتامبر ۱۳۰۹ شروع شده و به اخیر میزان ۱۳۱۴ اختتام یافته در ماه فوس به نگران بند مذکور از وزارت تجارت امر داده شد تا دروازه بند را حکم نموده بدون یک مقدار آب ضروری اهالی ما بقی آن را در کاسه بند برای سنه ۱۳۱۶ ذخیره نماید. طول آن ۱۱۴ متر و ارتفاع آن را ۲۰ متر سانتی و عرض دیوار بسطح زمین ۱۷ سانتی متر است. شکل دیوار بند خروطی بوده هر قدر که بالا میرود درضخامت کشتر شده میرود. حصة پخته کاری یعنی جسم بند ۲۳۰۷۲ متر مکعب است.

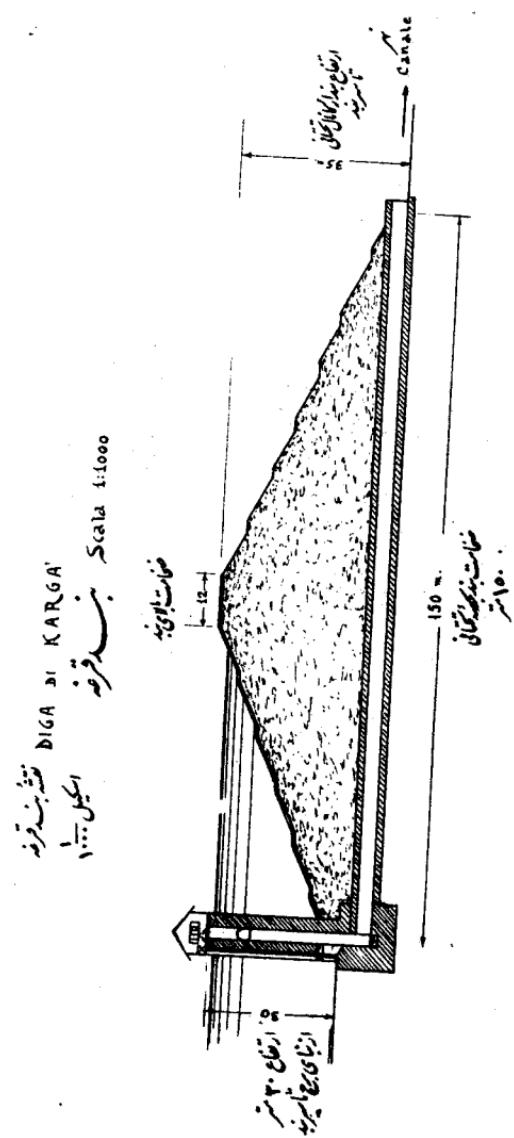
عرض کاسه بند باوسط ۱۴۴ متر است و طول آن ۱۵۰۰ متر و ارتفاع آن ۲۰ متر ۷۰ سانتی میباشد باینحساب ظرفیت کاسه بند یعنی مقدار آیکه دران گنجایش دارد ده میلیون (۱۰۰۰،۰۰۰) متر مکعب آب میشود. مقدار آب مذکور درصورتیکه عوارض بیخبر و نفوذ در خاک وغیره کشیده شود یکبار ده هزار (۱۰۰۰۰) جریب زمین را آب داده میتواند وچون کاسه بند را در یکسال سه دفعه قرار بیان مهندس رو کرده میتوانیم لهد مقدار آب سالانه به یازده میلیون (۱۵،۰۰۰،۰۰۰) مکعب متر میرسد که آیاری سی هزار (۳۰،۰۰۰) جریب زمین را فی سال تکافو کرده میتواند.



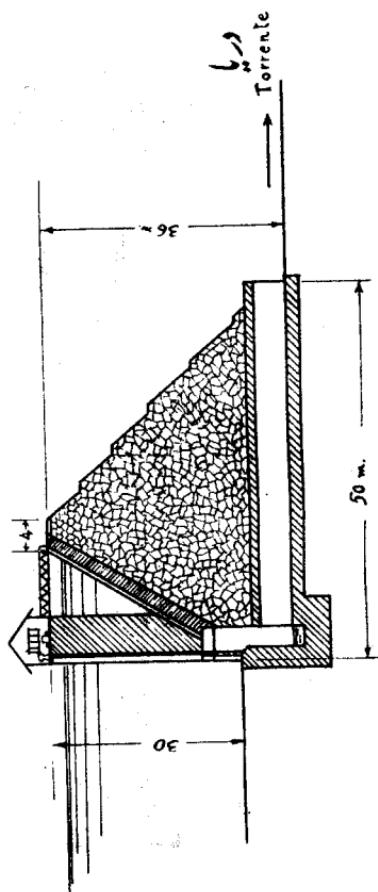
DIGUE · DE - SOURKAB —

اپنے بندیوں پر اپنی کاری پیدا ب کیتے تکارہ = ۶۴ ستر





DIGA di KARWAR
کاروار: Scala 1:1000



اجرا آت دوازه مملکتی

بند سه خاب یکی از عمرانات مهم زراعتی است که از فیض توجهات حکومت مبتنیه مایه حصول پیوسته است. فائدۀ خوبی که از تعمیر بند ها به ملت میرسد همانامسکون ساختن نواحی و پابند ساختن یکعده زیاد هموطنان ما است بکار زراعت له خوشترين و بهترین مشاغل میباشد: سی هزار جریب زمین تکافوی حوالج حیاتیه یک عده عائله های کشیر را نموده آنها را بزمین داری مشغول میسازد.

۲- بند خروار لوگر :

بند خروار از حیث میانه و موقعیت و فراخی کاسه بند در جمله بندها درجه اول را تخلاص نموده وهم یکی از شاه کارهای عمرانات عصر حاضر بشمار میرود. بند خروار در یک تنگی واقع بوده طول حصة تھتانی آن ۲۰ متر و ارتفاع آن ۳۰ متر و طول حصة فوقانی آن ۲۵۰ متر معین شده است. چنانچه از روی نقشه آن معلوم میشود طرفین تنگی مذکور سنگلاخ بوده برای تعمیر بند خیلی موزون و مستعد است. متن بند از سنگ خشکه تعمیر گردیده لاکن آن بندنه بند که رخ به آب و متصل به آب است بعرض ۲ متر و ۵۰ سانتی متر پخته کاری شده است و مخلوطی مصالح پخته کاری مذکور از چونه و سمنت و سندله و ریگک است که علاوه بر ان جهه منع نفوذ آب بقدر پنجاه سانتی ورق سمنتی دیگر نیز دارد. بند خروار که ضخامت حصة تھتانی یک دیوار آن ۵۰ متر و عرض حصة فوقانی آن یعنی بارتفاع ۳۰ متر میباشد دارای ظرفت (۷۵،۰۰۰،۰۰۰) متر مکعب آب خواهد بود و (۷۵۰۰۰) جریب زمین را آب داده خواهد توانست و اگر بدو دفعه پر شود (۱۴،۰۰۰) جریب زمین را آبیاری خواهد کرد. برج مجرای آب بند مذکور ۳۰ متر بلندی دارد. مخلوطی مصالح تعمیر برج مذبور از سنگ و سمنت و

سازنده « کابل »

ویگ است و ماشین حرکت دروازه بند بالای همین برج نصب خواهد شد.
دروازه برج ۴ در ۴ متر بوده از فولاد ساخته شده است. مجرای آب
بقسم صوف (تونل) سنگی بطرف چپ دیوار بند درمیان تکه های سنگلاخ
و بطور خیلی مضبوط تعبیه شده است که بدنه آن دروازه بند نصب شده از
طرف بالا حرکت داده میشود. طول صوف ۵۰ متر و ارتفاع آن ۴ متر و
عرض آن ۳ متر است و فی تابه ۱۳ صوف مذکور ۱۲ مکعب متر آب
خارج میشود. بایان تراز بند بعد از علاقه چرخ لوگرسه نهر از آب بند جریان
خواهد یافت که یکی از آنها دشت زیر کوتل خریچک را آبیاری خواهد نمود
و دوم آن دشت شاه مزار و غیره را حاصل خیز خواهد ساخت و سوم آن
دشت خاکه را سیراب خواهد نمود.

بنای بند خر وار در سنه ۱۳۱۰ نهاده شده در هر سال یک حصه مهم
تعمیر آن بسر رسیده است قرار اطلاع مدیر بند خروار کارات سنه ۱۳۱۵
که ذریعه مدیریت بند بعمل آمده بقرار ذیل است:

- ۱ - پخته کاری دیوار بند ۱۶۹۲ متر مکعب
- ۲ - پخته کاری برج مجرای بند ۶۲۷ متر مکعب
- ۳ - خشکه کاری پشت بند ۶۸۲۵ متر مکعب
- ۴ - کانکرت انداخته شده است ۹۵۸ متر مکعب و ۵۸ سانتی متر مکعب
- ۵ - سمنت کاری حصه جنوی بند : طول ۵۳ متر عرض ۲ متر و ۲۰ سانتی متر
و ارتفاع ۶ متر .
- ۶ - سمنت کاری حصه شمالی بند : طول ۲۷ متر عرض ۲ متر و ۲۰ سانتی متر
و ارتفاع ۱۱ متر .
- در عقب برج کاز شده طول ۷ متر عرض ۷ متر ارتفاع ۱۱ و نیم متر .

اجرا آت دوازه مملکتی

۷ - خشکه کاری بند بد و مرتبه کار شده مرتبه اول به پخته کاری برایر است و مرتبه دوم به ۱۰ متر رسیمه بسال ۱۳۱۶ در نظر است که کار بند خروار با تمام برسد، اراضی لامز روع ذریعه این بند شاداب و سر سبز خواهد شد و نقوس زیادی بکار زراعت مشغول شده آرام خواهد شد.

۳ - بند قرغه :

در بین راه کابل و یغمان در یک تزگی که ساختمان آن خاک است واقع شده باستانه منار و مجرای آن که پخته و سمنت و سنگ خشتی و غیره بوده بند قرغه در حصة تحتانی دارای ۲۰۰ متر طول بوده در حصة فو قانی بارتفاع ۳۰ متر طول پیدا میکند. دیوار بند قرغه از خاک است و تهداب بیش روی بند تا اندازه ۱۶ متر عمیق کنده و پرسده. ضخامت دیوار بند قرغه در ته دار ۱۵۰ متر است و در حصة فو قانی تخمیناً ۱۲ متر میداشد این تپه عظیم خاکی که تشکیل می یابد ذریعه نفری اجره کار که خاک را توسط و اگون ها نقل میدهنند تعبر میشود اگرچه بذرایم میخانیکی ممکن بود که کار ساختمان بند اجرا می شد ولی بواسطه که از یک عدد نفری بیکار مملکت کار گرفته شود و آنها بیکار نمانند بذریعه نفری دار میشود. ظرفیت کاسه بند یعنی مقدار گنجایش آب آن (۲۷۰۰۰۰۰) میلیون مکعب متر است یعنی (۲۷۰۰۰) جریب زمین را آباری خواهد کرد.

مجرای آب بند قرغه از سنگ و سمنت بطور خیلی مضبوط تعمیر شده تهداب ۱۷ متر و از روی زمین بالا ۷ متر در ۷ متر است. بلندی آن ۳۰ متر تعیین شده است. حصة خارجی روی داخلی برج مذکور از سنگ خشتی و سمنت تعمیر میشود و حصة داخلی آن مخلوط از سنگ پارچه و سمنت

صاخته شده و فقط سطح برج دونیم متر است در برج مذکور سه در واژه تعیین شده است که بار تقاع مختلف واقع بوده عندالضرورت یکی از آنها و یا همه آنها به یکباره گی باز میشوند در واژه اول ۲ متر در ۳ متر در حصة یا بان برج نصب میشود و دو عدد دروازه دیگر که یکشنبه متر در ۲ متر مساحه دارند یکی بعد ۱ بر ۳ و دیگری بعد ۲ بر ۳ ارتفاع برج نصب میگردند در واژه اول که وزن آن ۸ خروار است ۲ متر در ۳ متر بود ذرعه ماشین مخصوص که بحصة بالای برج حکم میشود حرکت خواهد درد.

یک سمت برج که طرف دیوار بند واقع است سنگ مرمر نمره زده گی شانده میشود تا درجه بلندی آب معلوم شود و به پهلوی برج یک زینه آهنی تعیین شده است که ذرعه آن نفری بالای برج رفته و یا بان شده میتوانند وقیکه آب از دروازه های برج عبور میکند در میان یک صوف طوبیل جریان میابد که ارتفاع آن ۳ متر و عرض آن ۰۵ متر و طولش هم ۳۰ متر است این حصة صوف در میان سنگلاخ حفر گردیده کار آن خیلی مشکل بوده و دو سال برای انجام آن بکار برده شده است.

نهر بند که دارای گنجهایش ۸ مکعب متر ف ثانیه است ۴ متر عرض داشته خیلی دور امتداد می یابد یعنی نفر یا تازیر کو تل خیر خانه و حدود فربه آن میرسد.

سطح داخلی دیوار بند از یک طبقه سنگ و یا آدام ماده سخت دیگر پوشیده خواهد شد چون در تحت بند فرنگی یک عدد زیاد کاربرها م وجود بود لهذا لازم دیده شد که آذارینهای مذکور بواسطه مخلوط خاک و یتون و سمنت مسدود گردد علاوه بر اینکه بند فرنگی زمین بسیاری را آبیاری میکند بر قشمگی مذاطر قریبی خویش

اجرا آت دوازه مذکوتي

نیز خبیلی‌ها خواهد افروز و میتوان در گناره‌های آن جاهای غسل تابستانی تعمیر کرد و برای کشتی رانی و تفریح اهالی نیز یک موقع موزونی پیدا خواهد شد. برای هم‌لوساختن کاسه بند لازم است که یک حصة درایی یغمان را در مرسم زمستان دران بریزند.

وفي الحقيقة بند قراغه بعد از خاتمه بافت خدمت مهندی در آبادی نواحی نزدیک قراغه و شهر کابل خواهد مود و برای همیشه یک بادگار پر فیضی از تأسیسات عصر سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه سعید غفار الله له که اکماں آن در عصر سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلدا اللہ منکه و سلطنه بعمل میآید باقی خواهد ماند. حصة پخته کاری بند قراغه که در سال ۱۳۱۵ کار شده فرار ذیل است:

تهداب ۱۱ در ۷ ادر ۰۱ مساوی ۱۸۷۵ مکعب متر

۱ - برج ۷۴ در ۰۳ مساوی ۲۲۲۰ «

» ۴۰۹۰ « جله

۲ - کارگریت ۱۱۱ در ۰۱ مساوی ۵۰۰ «

۳ - پخته کاری مجرأ

کارگریست تخته مجرأ ۱۶۰ در ۵ در ۰۱ مساوی ۴۰۰ مکعب متر

» کام ۷۰۰ «

» جله ۱۱۰۰ «

۴ - پخته کاری به سنگی یارچه و مخلوط سمنتی ۱۶۰ در ۰۱ مساوی ۱۶۰۰ «

» جله پخته کاری برج و صوف و مجرأ ۵۷۰۰ «

۵ - با قیمانده پخته کاری برج ۷۴ در ۰۳ مساوی ۱۰۰۰ «

۶ - بند زنه خان غزنی :

بند زنه خان غزنی فی الحقيقة اصلاح و تکمیل و توسعه تعمیر آن بندی

سالنامه « کابل »

است که در زمان سلطان محمود غزنوی ساخته شده و بعد از آن شاید در آثر سیلاب منهدم و از کار برآمده . بند سابقه زنه خان با وجود ضخامت دیوارش چون ذریعه مهندس علم آوری شد معلوم گردید که تهداب نداشت لهذا برای ازدیاد مقاومت و پایداری بند بخشصه دیوار با فیلاندہ بند سه متر تهداب پیش روی و سه متر دیگر به پشت بند کشیده شده چون بخشصه پخته کی یعنی سنگی رسیده شروع به بلند نمودن دیوار ثانوی بند از داخل و خارج شده و علاوه بر آن برای منع نفوذ آب اختیاطاً با نظرف دیوار بند که آمد آب است بضخامت یکنیم متربدیگر بعوق تهداب گل انداخته تپک شده تا که اگر با لفرض کدام مسام و یا منفذی مانده باشد گل مذکور بفشار آب در میان منفذ جا گرفته مانع نفوذ آب گردد .

روی دیوار بند سابقه که بصورت دندانه های نا موزون پیش آمد کی ها داشته دو هزار مکعب متر اوش بران نشسته بود صاف شده گل و خاک از روی دندانه ها دور کرده شد و دندانه های مذکور را هم برداشته بعوض آن دندانه های جدیدی ساخته شده که دارای خمیده کی بوده خوف آن نیست که در ثانی بران اوش بچسبد .

جمله حصة پخته کاری بند ۸۸۲۰ مکعب متر است . تهداب حصة دیوار جدید که تعمیر شده از نقطه نظر محکمی خصوصاً در حصة که دروازه ها نصب میشود خبلی اطمینان بخش است .

در کاسه بند زنه خان ده ملیون (۱۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد و ذریمه آب مذکور (۲۰۰۰) جریب زمین در یک دفعه آباری میشود و اگر سه دفعه بند از آب پرسود سه چند زمین آباری

اجرا آت دوازه ملکتی

میشود. در کاسه بند یک حصه گل پر شده مجبور است که بذریعه آب گل مذکور کشیده شود.

۵ - بند مچاغو (سمت جنوبی) :

این بند ۳۶ متر بلندی دارد عرض ته داب آن ۳۲ متر است. عرض حصة بالائی بند ۵ متر مستجبده. شده اوسط طول بند مچاغو ۶۴ متر میباشد. کاسه بند مذکور ۷ ملبون (۷۰۰۰۰۰۰) مکعب متر آب گنجایش دارد لهذا دریک دفعه (۷۰۰۰) جریب زمین که تحت کاسه بند می آید ذریعه آب مذکور قابل الزرع و آباد میشود و اگر سه دفعه بند از آب پوشود دران صورت سه مقابله زمین آبیاری میشود.

۶ - بند سوده غزنی :

این بند کلاسه خیلی و سیع دارد و در صورتیکه بخواست خدا آباد شود (۷۰۰۰۰) جریب زمین را آبیاری کرده میتواند. در حصة سمت راست دریا بعد از ختم حفر یات ته داب یک قسمت دبوار بند ساخته شده است.

۷ - بند پاتوی کیتوواز :

مهندسین درخصوص این بند دو نظریه داده اند لهذا دوموضع را تعیین و دو صورت نشان داده اند.

بند اول (صورت اول) :

ارتفاع بند ۳۲ متر. ظرفیت بند (۱۶۰۵۰۰۰۰۰) مکعب متر. زمینی که آبیاری میشود (۳۰۰۰۰۰) جریب.

بند دوم (صورت دوم) :

ارتفاع ۲۴ متر ضریب بند (۰۰۰۰۰۵۸۰۰) - کمپ متر آب - زمینی که آبیاری میشود (۰۲۰۰۰) جریب.

امتحانات ابتدائی برای یافتن تهداب صحیح در سن ۱۴-۱۳ عمل آمده کار بند منکور بسال آینده شروع میشود.

ب - باغهای صبوطه وزارت تجارت و اصلاح و تربیه بنایات:

۱ - باغهای دولتی استالف صبوط مدیریت عمومی زراعت: یعنی باغ تخت و باغ صفائی استالف: در باغ تخت اصلاح خیابان ها و کرد ها و چم کاری صرتبه ها باصول فنی و جدید بعمل آمده قرار هدایات متخصص زراعت شاخصه های درختان انگور بطور فنی قطع گردیده مقدار انگور و مقاومت آنها مقابل مرض آتشک افزوده شده است. علاوه بر آن بگرد و نواح باغ مذکور هجدیده جریب زمین دیگر جهه تشکیل قوریه های اشجار مشمر گرفته شده و نیز یک حصة آن بیل زده شده و درختان کهنه آن قطع و خسته اشجار مشمر نیز پاشیده شده است. مابقی آن در اول سال بذر خواهد شد. در باغ صفائیک عده نهال چinar و سیب بد و طرفة خیابانها غرس گردیده کرد های جدید برای سبز یکاری و گل کاری تشکیل داده شده است. بالای تا کهاییکه آثار مرض آتشک بران هویدا بود ذریعه موسيو اوزاکی متخصص جاپانی دواپاشیده شده و نیز تجارت متعددی نسبت به نموی تا کهای و از دیاد حاصل آن بعمل آمده است.

۲ - باغ بابر شاه: در باغ بابر شاه بعوض درختان کهنه و کم حاصل نهال های جدید و فوی غرس گردیده خیابان های جدید و کرد های جدید قرار نقشه فنی با غبانی طرح گردیده و به تعداد ۳۰۰ اصله نهال درختان

اجرا آت دوازه هنگستی

میوه دار از چایان خواسته شده بطور فنی تحت هدایات موسبو اوزا کی متخصص جایانی غرس گردیده باوجود دیگر در وقت گرمی هوا چل و نقل آنها به عمل آمده و اکثر آنها در عرض راه برگشته بودند با وجود آن رکعه زیاد آن سبز شده بیخ گرفته است.

درختان میوه دار ذریعه طبله که زیر دست موسبو اوزا کی داده شده اند قطع فنی شده یکمقدار مار چو به نیز در کردهای باغ شانده شده است. ازقبل پیوند وغیره عملیات زراعتی که منتج باصلاح بنباتات میگردد هم بالای اشجار عملی شده انشا الله نتیجه نیک آن در شروع سال آینده معلوم خواهد شد. برای آیاری مرتبه های باغ با بر شاه و آب دادن چم کاری های آن یک عدد بمنه برقی خواسته شده است که بر کرده هم رسیده بسال آینده انشا الله تعالی نصب خواهد شد.

۳، باغ یعنی حصار: در باغ یعنی حصار اصولاً حات زراعتی بروی کار آمده یکمده نهال سیب و ناک جدید غرس گردیده که در سال آینده عملیات پیوند بر آنها جاری خواهد شد یکمقدار پسته باغ یعنی حصار کاشته شده یکمده نهال پسته حاصل شده است که ٹانیا در جاهای مناسب غرس خواهد شد و کوشش میشود که پسته بصورت باغی بعمل بیاید. موسبو اوزا کی متخصص جایانی عملیات و تجارت سبزیکاری خود را در باغ مذکور شروع نموده از قسم اوبیا و اقسام کلم خارجی و مار چو به و توت زمینی یک مقدار بطور نمونه زرع نموده عملیات زراعت آنها را ذریعه شاگردان وطنی اجرا نموده است.

آلات وادوات فنی زراعت از قبل آله پاشنده دوا و ادویه ضد حشرات و آلات زراعتی از خارج خواسته شده و تسليم اوزا کی متخصص گردیده تشاگردان

خود را به استعمال آلات جدید زراعت و اصول جدید کشتمندی عادی سازد برای اوزا کی متخصص از جمله اطاق های چمن چند اطاق جهت تجارت فنی و تعلیم طلبه زیر دستش تخصیص داده شده است و چنین ساما نیکه جهت جم نودن و تحریر نودن حشرات مضر و تفرق امراض نباتات وغیره لازم است از داخل وطن و خارج تهیه شده است که ذریعه آن متخصص مذکور تجارت فنی خود را ادامه داده به تعلیم طلبه بطور دلخواه بپردازد.

۴ : زراعت سبزیجات در جلال آباد و زراعت پنهان در قند هار :

چون زراعت سبزیجات خصوصاً ادواع سبزیجات خارجی در وقت رستمان در کابل نایاب بوده قیمت زیادی پیدا میکند موسی بو اوزا کی متخصص زراعت همراهی شاگردانش بجلال آباد فرستاده نهاد تا زراعت سبزیجات زمستانی را در آنجا عملی سازد. متخصص مذکور بعد از دادن هدایات لازمه طلبه زیر دست خود را در جلال آباد گذاشته حسب الامر حکومت متبوعه با دونفر متخصص دیگر میر محمد بیوف خان و نور محمد خان عازم قند هار گردیدند تا شرایط زراعت پنهان را در اراضی قند هار بطور فنی ملاحظه نوده را بورت خود را در خصوص زراعت پنهان آنجا تحریر دارند تا در زرغخ پنهان اراضی آنولا ترتیبات لازمه گرفته شود.

ج - اقدامات متفرقه فلاحتی :

۱ - استخدام متخصص چنگلات :

چون ایجاد و توسعه چنگل یکی از وسایط مهم ترویت ملی است لهذا حسب نظریه حکومت متابع یکنفر متخصص چنگلات از جایان استخدام شده متخصص مذکور مخلالات فریب کابل مثلاً یعنی حصار و تپه بالخ و خواجه

اجرا آت دو امر مملکتی

مشاغل می ورزند ازان چهه یکمقدار تخم پیله تو سطح ص ، محمد کریم خان متخصص زراعت بجلال آباد فرستاده شده تا فرار هدایات متخصص ، حکومتی اعلای مشرقی تخم های مذکور را بمحالات لازمه تقسیم نموده از نتیجه بوزارت تجارت اصلاح دهد .

دلاوه بران هر قدر غوازه که بیشتر از سالهای گذشته نزد خوبیدار پیله خود جمع شده بود ذریعه بکفر متخصص کرم پیله وطنی تزیید شده یکمقدار ابریشم خاص حاصل شده خواص خوبی ابریشم مذکور اطمینان پخش است .

د - پیشرفت و ترقی امور زراعت در ولایات :

الف - ولایت قند هار :

از توجه و مسامع و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه صاحب قند هار در امور زراعت و لایت مذکور اصلاحات و ترقی زیادی در سنه ۱۳۱۵ بروی کار آمده است که ما چگونگی آنها را ذیلاً تحریر میداریم .

۱ - مدرویت زراعت قند هار در تقویش اراضی زراعتی قند هار توجه زیادی بکار برده و حدود اکثر اراضی بطور صحیح و یقین معین گردیده .

۲ - بمال بادام و شکر پاره و زرد آلو و غیره اشجار مشتر و غیر مشتر در مربوطات ولایت قند هار به تعداد زیاد غرس گردیده . تعداد نهال اشجار میوه دار و غیر میوه دار که بقند هار و علاوه جات مربوطه آن غرس گردیده از روی نوعیت قرار ذیل معلومات داده میشود :

بدام - ۳۳۵۶۸۰ اصله

شکرپاره - ۸۴۴۶۵ *

زردآلو - ۵۷۷۹۵ *

۳ - تورید گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات؛
 چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و فرمی و خوبی پشم و گوشت
 بهترین اجناس گوسفند بوده ملل اروپا آنرا بگاه جنس گوسفند پشمی شناخته
 از تربیه و تکثیر آن فوائد تجارتی زیادی گرفته اند لهذا حسب نظریه حکومت
 ترقی خواه ما ازو وزارت تجارت امر صادر شد که یک عدد فوج و میش گوسفند
 مرینوس از مؤسسه تجاري « سوافغان ترک » شوروی خريداری و در ازدياد نسل
 و حلول خواص گوسفند مذکور در اجناس گوسفند وطنی مساعی لازمه بعمل آيد.
 لهذا دفعه اول يك عدد فوج مرینوس بخاک وطن وارد شده بولايت
 مزار شريف و بولايت قطعن و ميمنه فرستاده شده نتائج محصوله از فرار را يورت
 هاييکه از ولايات مذکور برگز و فوتاً فوفقاً ميرسد اطميان بخش است.

دفعه ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۵ تکرار یک عدد ميش و فوج مرینوس
 جهه تر يه خانه حيوانات مرکز و درمانه اسد يك عدد فوج دیگر خريداری
 شده كه يك حصه آن بولايت هرات فرستاده شد يك عدد دیگر آن بولايت
 فرد هار - اميد ز ياد ميرود که بخواست خدا جنس مرینوس در افغانستان منتشر
 شده اجناس گوسفند وطنی نيز از آميختن با گوسفندان مرینوس اصلاح
 شده خواص مرینوس را يبدا كند.

۴ - تربیه گرم پيله:
 علاوه بر آنکه در تربیه خانه گرم پيله يگمقدار تحفم پيله تحت عملیات
 انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است يگمقدار
 غوزه ها گذاشته شده است که شب ير كت ازان برآمده برای سال آينده
 تحفم جدید گرفته شود. چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیه گرم پيله

۳ - تورید گوسفند های مرینوس و توزیع آنها در ولایات :
چون گوسفند مرینوس از حیث فراوانی و فرمی و خوبی پشم و گوتت بهترین اجناس گوسفند بوده مدل اروپا آنرا یگاهه جنس گوسفند پشمی شناخته از تربیه و تکثیر آن فوائد تجارتی زیادی گرفته اند اهدا حسب نظریه حکومت ترقی خواه ما ازوزارت تجارت امر صادر شد که یکمده قوچ و میش گوسفند مرینوس ازمؤسسه تجاری « سوافنان ترک » شوروی خریداری و در ازدیاد نسل و حلول خواص گوسفند مذکور در اجناس گوسفند وطنی مساعی لارمه بعمل آید .
لهذا دفعه اول یک عدد فوج مرینوس بخاک وطن وارد شده بولايت مزار شريف و بولايت قطлен و میمه فرستاده شده نتائج محصوله از فرار را پورت هاییکه از ولایات من کور بر کثر وقتاً فوقاً میرسد اطمینان بخش است .

دفعه ثانی در ماه جوزای ۱۳۱۵ نکرار یکمده میش و فوج مرینوس جهه تریه خانه حیوانات مرکز و در ماه اسد یک عدد فوج دیگر خریداری شده که یک حصه آن بولايت هرات فرستاده شد یک عدد دیگر آن بولايت قندهار - امبد زیاد میرود که بخواست خدا جنس مرینوس در افغانستان مستشر شده اجناس گوسفند وطنی نیز از آمیختن با گوسفندان مرینوس اصلاح شده خواص مرینوس را بیندا کند .

۴ - تربیه کرم پیله :

علاوه بر آنکه در تربیه خانه کرم پیله یکمقدار تخم پیله تحت عملیات انکشاف گرفته شده و ازان غوزه های ابریشم حاصل شده است یکمقدار غوزه ها گذاشته شده است که شب پر که ازان برآمده برای سان آینده تخم جدید گرفته شود . چون در نواحی جلال آباد مردم به تربیه کرم پیله

سالنامه «کابل»

انار	-	۱۰۷۷۵	اصله
سیب	-	۱۳۷۷۲	»
بهی	-	۳۷۴۶	»
نالک	-	۲۸۰۹۴	»
توت	-	۳۶۹۶۲	»
آلو بخارا	-	۲۵۸۰	»
شنا لاو	-	۸۷۷۲	»
آلوچه	-	۱۲۶۸۴	»
انجیر	-	۲۵۸۲۸	»

متفرقه (نهال های اشجار مثمر از قبیل توت و سنجده و شاه توت وغیره) - ۱۲۲۳۸۲۱ اصله

پید	-	۸۲۶۹۶۴	اصله
چنار	-	۴۹۶۳۹	»
سفیدار	-	۸۱۱۲	»
بنفش (بنجه چنار)	-	۲۲۰۰	»
متفرقه	-	۲۳۳۰۰	»
جمع کل	-	۱۹۰۳۷۵۲	»

۳ - در سنی ۱۳۱۵ تقریباً ۱۲ خروار تخم نیشکر در املاک دولتی قندها و
وسر بوطات آن بذر شده اگرچه بواسطه قلت آب با ان تا اندازه نقص رسیده
با وجود آن نتیجه اطمینان بخش بوده بسال آینده انشاء الله مساعی زیاد
تری درین راه بصرف برده خواهد شد .

۴ - درخصوص معادن بتما حکومتی ها و علاوه های سر بوطه قند هارا خبر

اجرا آت دوازه مملکتی

شده که نمونه ا نوع ا حجار و فنرات معدنی را بعد از بحث زراعت پسندیدند
چنانچه چند نمونه آن تا حال بوزارت تجارت هم فرستاده شده است .

۶ - در جنگل مرنجان و جنگل لب در یاری ارگناب تقریباً از ۷ تا

۸ صد هزار اشجار جنگلی غرس شده است .

۹ - درخصوص زراعت پنبه نیز مساعی و تجارت زیادی شده است لیکن برای

آنده مفید ثابت گردیده .

۷ - چنان رقم عرصه که تا حال بقند هار یافت نمی شد بقدر ۳۰ هزار اصله

از غنی خواسته شده در جنگل مرنجان و ارگناب غرس گردیده و نتیجه
هم اطمینان بخش است .

۸ - برای قوچ های سرینوس که بقند هار رسیده جهه تولید و تسلی

جنس مذکور (۲۰۰) راس میش از رقم گو سفند غلچانی و هزاره گی خریداری
شده تا از آنها چوچ، گرفته شود . درخصوص نگهداشت و حفظ الصحه
و خوراک و غیره گوسفند های مذکور احتیاطات لازمه گرفته شده است .

ب - حکومت اعلایی مشرقی :

در مددیریت زراعت حکومت اعلایی مشرقی قرار یکه بعد از بحث عمومی زراعت
وزارت تجارت اطلاع رسیده است در سنه ۱۳۱۵ درنهال شانی واحدات فوریه ها
مساعی قابل توجهی بعمل آمده است : یک باعث جدید موسوم به جنگل باعث به توجه
مع ، ص محمد قاسم خان حاکم اعلایی مشرقی احداث گردیده و در ان از قبیل نهال
شیشم و توت وغیره بقدار زیاد نهال غرس شده . و در آن اکثر باغات مرکزی مشرقی

تشکیل قوای زیاد و قامه های نهال میوه دار بعمل آمده و علاوه بر این بد و طرفه سرک های عمومی مربوطه مدیریت معابر مشرقی و بعضی حکومات محلی مثل حکومت کلان کنترها و کامه و دامنه های نهر سراج و شهر نو و غیره نهال شانی زیادی شده است. در ما مان خیل خوگبانی که برای احداث باعهای جدید خیلی مساعد است در بر ج سلطان ۱۳۱۴ یک باغ جدید موسوم به باغ عمومی ساخته شده است و در آن یکمده فلمه گلاب و غیره غرس شده در سال آینده اذاء الله نهال شانی زیادی در آن خواهد شد. جمع نهال هایشکه بحکومت کلان کنترها و افمان و کامه و مهمندروه و روادات و شناواری و خوگبانی و سرک های مدیریت معابر و باقات دولتی و غیره غرس شده است به (۱۰۲۷۸،۶۶۲) اصله میرسد.

۳ - حکومت اعلای جنوبي :

نعداد نهال هایشکه به نواحی زرمت و طوطا خیل و احمد زائی و گردیز ذریعه مدیریت زراعت حکومت اعلای جنوبي غرس شده است طبق اطلاع مدیریت مذکور قرار ذیل است:

اصله سبب - ۵۵۰۰

» زرد آلو - ۷۰۰۰

» بادام - ۶۰۰

چنار - ۱۶۵۰۰۰ »

پند - ۶۳۴۰۰ »

سنجد - ۵۸۰۰ »

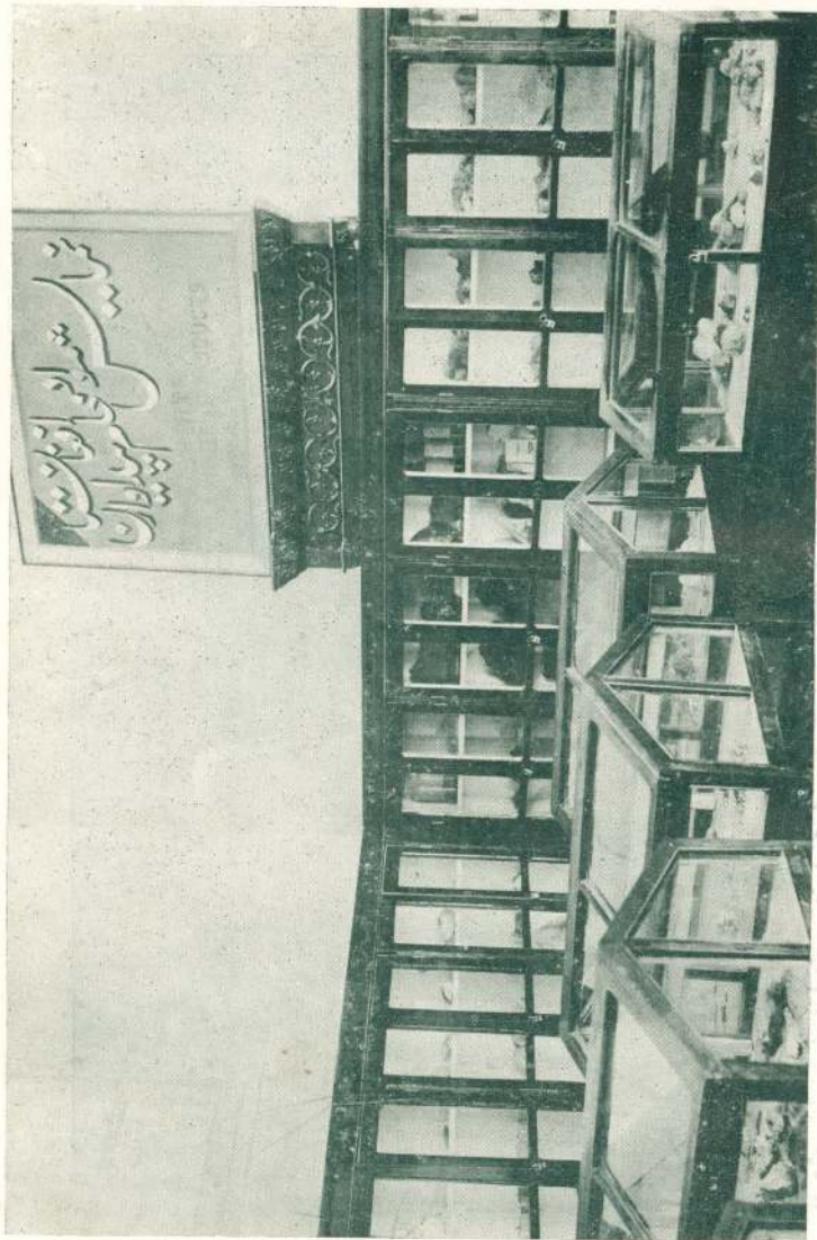
جمع کلی - ۲۴۷۳ اصله



از موسسات وزارت تجارت، موزه خانه اقتصادی که در ان معدن زیارت و فیره مواد خام پیداوار افغانستان رای نهادن کشیده شده است
Musée économique du Ministère de Commerce (Exposition des matières premières d'Afghanistan)



مقبرة بابر شاه که اخیراً در عصر اعلیحضرت المتو کل علی الله محمد ظاهرشاه بتوجه وزار
تخارت بطرز بسیار علی و فشنگ سر از نو تعمیر و تکمیل یا فته
Mausolée de Baber, nouvellement construite à Kaboul.



از موسسات وزارت تجارت، موزه خانه اقتصادی که در ان معدن بیان وغیره مواد خام یید اوار افغانستان روای نماش کنداشته شده است
Musée économique du Ministère de Commerce (Exposition des matières premières d'Afghanistan)

اجرا آت دوائر مملکتی

شعبه گمر کات :

امور گمر کی در سال ۱۳۱۵ منید بر سالهای گذشته حايز انتظام
گردیده و از اثر آن در عایدات عموم گمر کات افغانستان نسبت بسال
۱۳۱۴ باندازه (۴ و نیم) فیصد تر زیب عمل آمده که شرح آن فرار آقی است،
الف: گمر کات ولایت کابل نسبت بسال ۱۳۱۴ در سال ۱۳۱۵ (۴ و نیم) فیصد اضافه شده
ب: « قندھار » « د » « د » « د » « د » « د »
ج - « هرات » « د » « د » « د » « (۶) » « د »
د - « مزار شریف » « د » « د » (۶ و نیم) « کسر کرده

(این کسر از سبب اینست که درین سال اموال گمر کی در جایی که مصرف
شده یا با قیها نده مخصوص آن در هما نجا حساب شده حالانکه در سابق
مخصوص بحساب او این گمر ک واردہ گرفته میشد).

ه: گمر کات ولایت قطعن و بدختان به نسبت ۱۳۱۴ در ۱۳۱۵ (۴۲) فیصد اضافه شده
و: « حکومت اعلای مشرقی » « د » « د » « (۱) » « د »
ز: « جنوی » « د » « د » « د » (۱۵ و نیم) « د »
ح: « مینه » « د » « د » « د » (۴) « کسر نموده

(دلائل آن مثل دلائل موجبه مذکوره فوق « مزار شریف » است)
ط: گمر کات حکومت اعلای فراه نسبت ۱۳۱۴ در ۱۳۱۵ (۱۸ و نیم) فیصد اضافه شده.

امور فوائد عامه

طور یکه می بینیم حکومت متوجهه ما برای ترقی و توسعه تمام شعب عمرانی و سائر امور عام المفعه که نتائج مستقیمی در بهبود احوال عموم اهالی وطن بوجود می آورد ، توجه خاص داشته ، متصل و بی دریبی موسسات فوائد عامه در نقاط مختلفه مملکت تاسیس و تدویر می یابد . با اخاذه در سال ۱۴۱۵ جنبش محسوسی درین رشتہ بوجود آمده و اقدامات بسیار مهم جهت تشکیل موسسات عمرانی و کارخانه جات مختلفه سرداشت اجراء گرفته شده و نیز جاده ها و پلهای کثیری در سراسر وطن عزیز ما ساخته ایشان شده است که ذیلاً قسمت های عمده آن بطور خلص ذکر میگردد :

شعبه معاشر :

الف ولايت کابل :

- ۱ - سرک خوات وردک که دران جا فا بر یکه برق تاسیس شده بعضی حصص سرک مذکور سر نگک پرانی بکار داشت در حصه بعبائی و گدان به اندازه (۳) کیلومتر سر نگک پرانی شده .
- ۲ - در سرک تنگی وردک که از سرک عمومی سمت جنو بی یك خط گرفته شده و به سرک فند هار در شیخ آباد وصل شده نسبت بسهو لر و فنار مو تر بمسافة ۷ کیلو متر سر نگک پرانی شده .
- ۳ - سرک تنگی وا غجان در راه گردیز که بعضی حصه های آن برآمده گی و کچی بیچی داشت برای تسهیلات عبور و مرور ذریعه سر نگک پرانی تسطیح و باندازه لارمه کلان شده .

اجرا آت دوائر مملکتی

- ۴ - سرک تگاب و نجرباب که بعد از کار شده گی سال گذشته در بین سال تعمیر و تدبیر گردیده و بسولا نگک و تگاب و نجرباب وصل شده و حاضرآ تا تگاب برای رفت و آمد مو ترا حاضر گردیده بمسافة ۸۵ کیلومتر .
- ۵ - تدبیر سرک از حد نخسته پل که در بین عمارات بالا حصان گذشته تا سرک یعنی حصان بصورت پخته کاری .
- ۶ - تدبیر سرک بر است سرک جدید بالا حصان تازیارت حضرت جی صاحب و انصال آن بسرک عمومی جلال آباد بصورت پخته کاری .
- ۷ - تعمیریک یا به پل یک کمانه ۱۲ متره در گلبهار بصورت پخته کاری و پرکاری دوطرفه آن .
- ۸ - تعمیریک یا به پل یک کمانه عرض ۱۷ مترو طول ۰ متر بحدود شهر آراء بصورت کافکریت .
- ۹ - تعمیر دوپایه پل های باع عارق بصورت پخته کاری یکی ۹ کمانه و دیگرسه کمانه که هر کمان آن یک یک متر طول دارد .
- ۱۰ - تعمیریک یا به پل آهنی (۵۰) متره بعرض پل جوبی سابقه موسوم به پل سعدالله درست شد که قنداغ دوطرفه و پایه بین آن بصورت پخته سنگی کاری شده برای نصب آهن که در خارج فرمایش داده شده حاضر میباشد و عنقریب پل مذکور تکمیل خواهد شد .
ب ، ولایت منار شریف :
- ۱ - احداث سرک جدید از مرکز شهر بلخ بطرف بندر کلفت بطول (۴۶) کیلومتر .
- ۲ - سرک سابق دشت خواجه الوان الی (۹) کیلو متری شهر ایک به

سالنامه « کابن »

فسقیکه درزمستان گل ولای داشته و بما برین تکلیف میرساند به طول (۴۶) کیلومتر جفله فرش شده .

ج : ولایت قطعن و بد خشان :

۱ - احداث سرک از خان آباد بطرف فيض آباد بد خشان از طريق سواحل دریای کوکچه که - اال گذشه آغاز شده : از فيض آباد تا اشکاشان (۴۰)

کیلومتر واز آنجا تا فره کم ۳۷۰ متر سرنگ پرانی نخت کار و مابقی از پوزه فره کمر تا مشهد کشم بمسافة (۷۱) کیلومتر سرک تمام و به خط عمومی اتصال یافته .

۲ - احداث سرک از شهر جدید قندوز برای دشت آبدان بحضور امام صاحب

بمسافة (۶۱) کیلومتر - در خط مذکور که دریا واقع گردیده کشته تهیه شده . که مو تربدر چه کشتی عبور میکند .

۳ - احداث سرک جدید از استقلان قندوز به علاوه داری قلعه زال بمسافة

(۴۰) کیلومتر در خط مذکور که دریا واقع شده کشتی تهیه گردیده که مو تر یزد ریمه کشتی عبور میکند .

۴ - چون بعضی حصص سرک سابق خان آباد واشکمش و نهرین کوتل ها

و آبروهای زیاد داشت نسبت به تسهیلات عبور و مرور از تندگی مرچ نهرین (۲۷ و نیم) کیلومتر و از آق چشم تا اشکمش (۲۱ و نیم) کیلومتر سرک

جدید احداث شده .

۵ - احداث سرک از حدود دوراهی خواجه الوان تا چین رائی (خواجه الوان

خط افقابه علاوه قطعن و بد خشان است) بمسافة (۲۷ و نیم) کیلومتر .

د : حکومت اعلای مشرقی :

۱ - سرک کابل از جلال آباد بطرف کابل یعنی از حد شیله نافی

اجرا آت دوازه مملکتی

تا اندازه ۵ کیلومتر پخته کاری شده و باقی کار مذکور جریان دارد.

۲ - پل شبله ناقی و چند آبرو های همین حصه نیز تحت کار میباشد و عنقریب تمام میشود.

۳ - پل سرخاب که یکی از پلهای بزرگ است مشرفی بشمار میرود و کار تعمیر آن از دو سال باین طرف جریان دارد، در سال ۱۳۱۵ تقریباً خاتمه یافته و عنقریب افتتاح میشود. این پل در جوار جلال آباد بالای رود سرخ رود و در سرک جلال آباد و لفمان که سرک جدید کابل نیز میباشد، تعمیر یافته است و متجاوز از ۱۰۰ متر طول دارد.

ه: حکومت اعلای میمنه:

۱ - تعمیر سرک های جدید در داخل شهر که تصویر عمومی عرض ۸ متر

۴ سرک مستقیم در چهار سمت شهر امتداد یافته و پخته کاری آن در سال آینده بعمل خواهد آمد.

۲ - تعمیر سرک جدید از بالای تپه بالاحصار تا داخل شهر که تپه بالاحصار بقدر ۱۰ متر تسطیح شده است.

شعبه فابریکات:

امور کارخانه جات و صنایع جدیده در سال ۱۳۱۵ از توجه حکومت متبعه و اقدامات وزارت فوائد عامه داخل نهضت جدیدی شده است چنانچه در عین حالیکه کارخانه جات سابقه توسعه و ترقی یافته و نیز برخی کارخانه جات موجوده مربوط شعبات مختلفه مملکتی نظر بایجات فنی و اداری به وزارت فوائد عامه مربوط گردیده (مثل کارخانه نساجی و بوت دوزی و چرمگری مركز) برای تدویر چند کارخانه جدید نیز اقدامات بعمل آمده و کار یک عدد

کار خانه جاتی که از چندی باینطرف آغاز شده بود ، پیشرفت زیادی کرده
قریب تکمیل رسیده است . ذیلاً فقرات عمده کار روانی شعبه قابریکات را
از نظر خوانند گان محترم میگذرانیم :

۱ - کار ساختمان و تدویر قابریکه بزرگ پشمینه باقی قندهار که از ۴ سال
باینطرف جریان داشت در سال ۱۳۱۵ خاتمه پذیرفته واکنون قابریکه مذکور
مشغول کار میباشد . چنانچه مقدار کلی یشم برای شستشو و ناب دادن و بافتن
در ولایت قندهار ذخیره گردیده است .

۲ - قابریکه نختابی جبل السراج که کار تعمیر و تدویر آن نیز از ۴ سال
باینطرف جریان دارد ، در سال ۱۳۱۵ پیشرفت زیادی حاصل و نزدیک
باختمام می باشد بطوریکه در جریان سال بسیاری از ماشینهای آن وارد
و نصب گردیده .

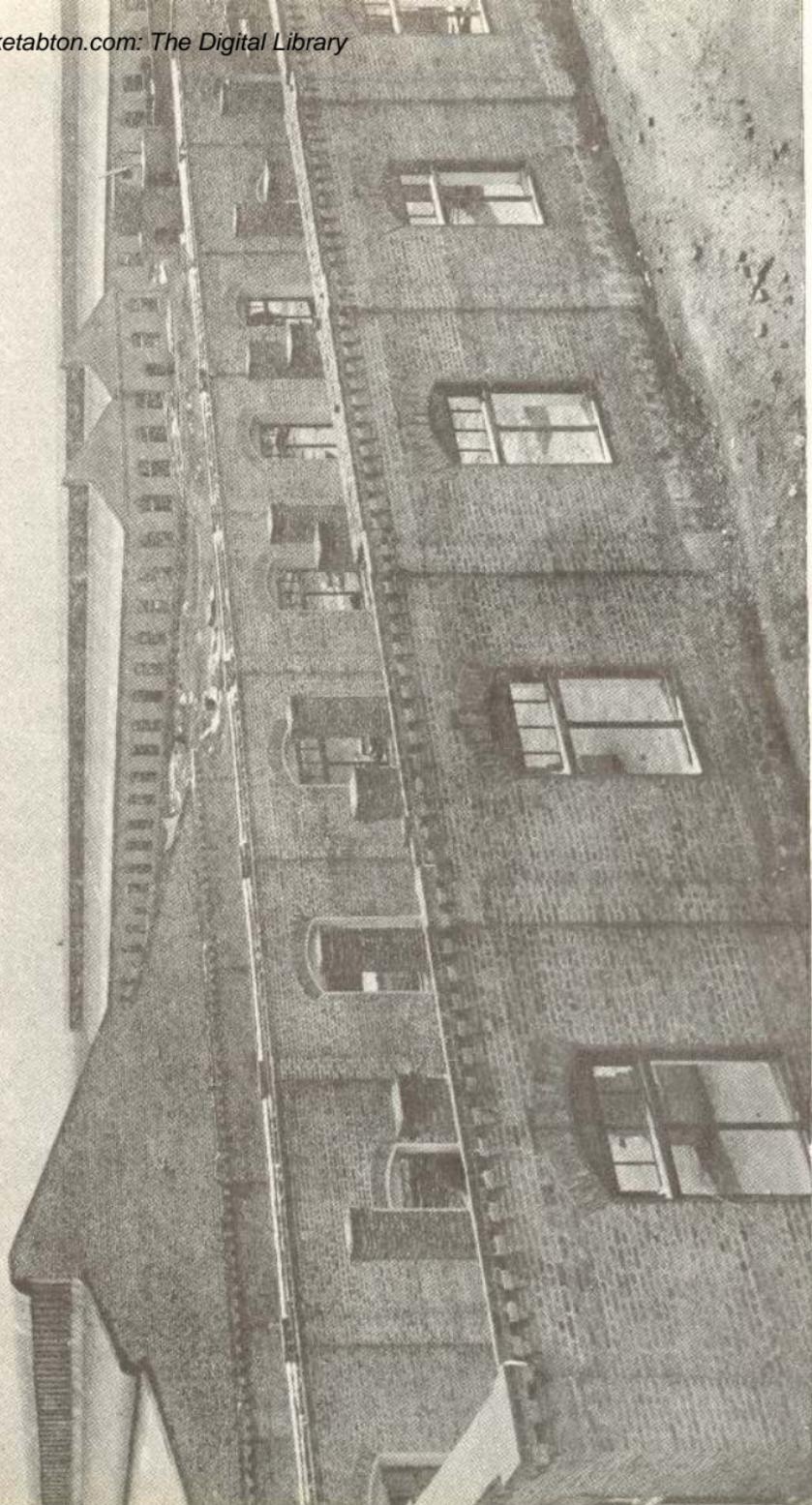
۳ - قابریکه بزرگ واقع خواجه ملا که برای تدویر قابریکه دکمه سازی
و حکما کی و سنجگتراسی و نجاری وغیره که همه این قابریکه ها حاضراً در داخل
شهر کابل موجود بوده ولی بصورت ضيق میباشند ، تعمیر یافته ، کار تعمیر
آن در سال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده و تا يوشش اویل رسیده است .
قابریکه مذکور خیلی وسیع و محکم و باصول عصری بسیار متین ساختمان گردیده ،
و علاوه برای تاسیس کارخانه جات دیگری نیز درین محل جای موجود است .

شعبه تعمیرات :

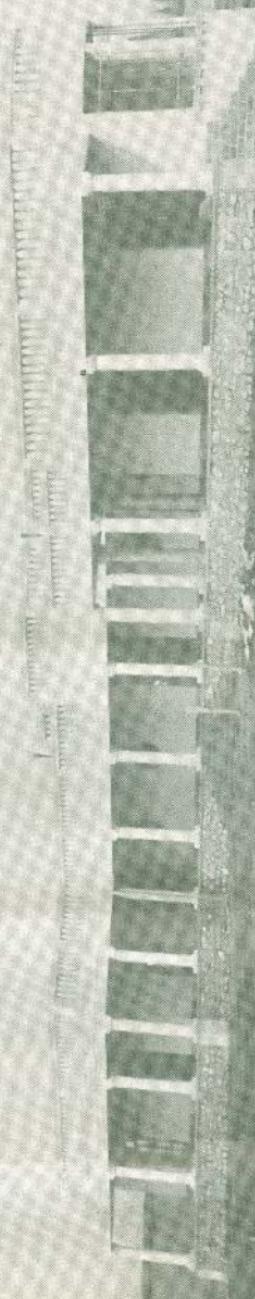
تعمیراتیکه در سال ۱۳۱۵ اجراء شده :

الف : ولایت کابل :

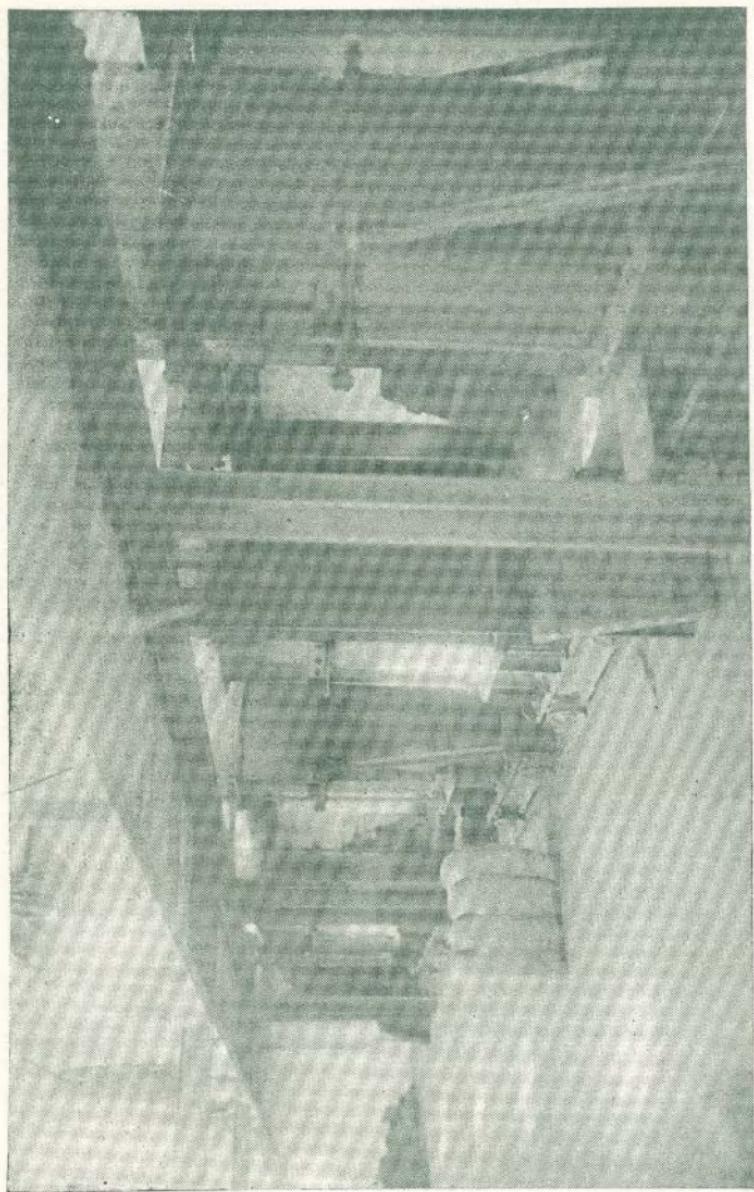
۱ - کار تعمیر مکاتب حریبه واقع بالا حصان که از چهار سال با بسطر ف-



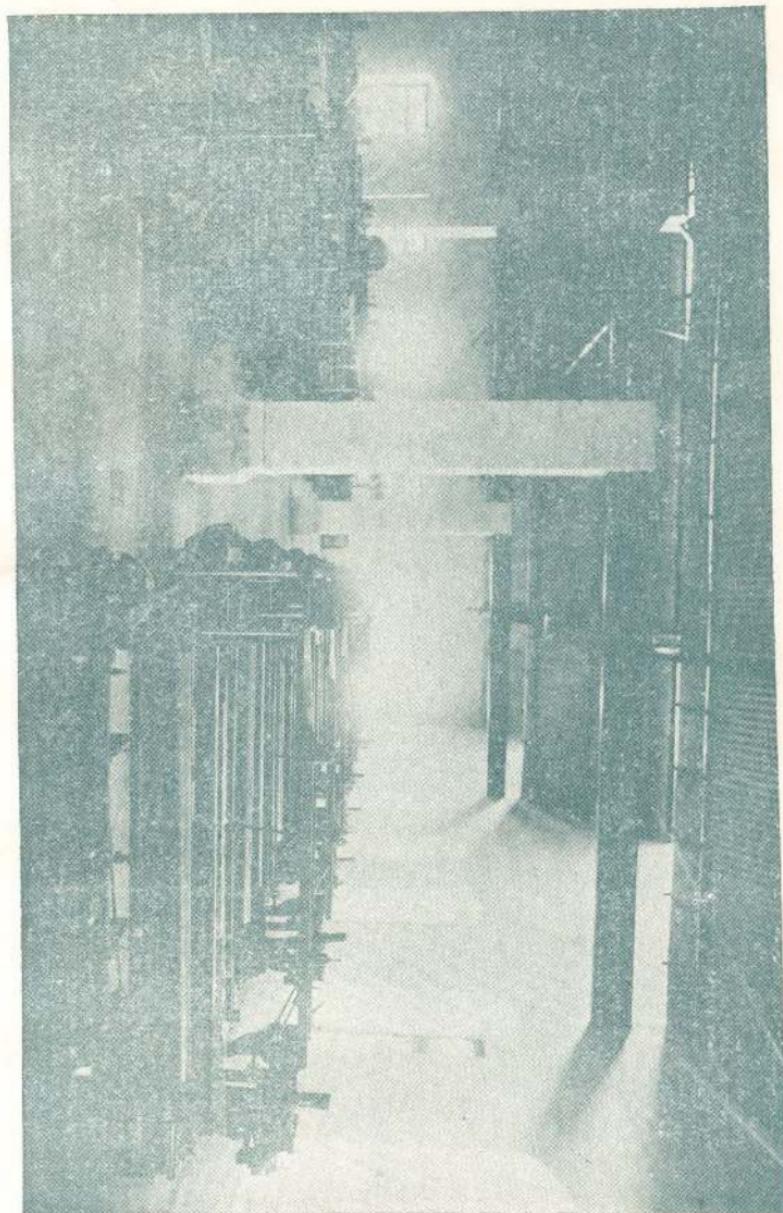
از عمرانات جدید ولایت فندکار : بیک حصہ اور کمر خاکہ مشهدیه بافی جدید اسلامیس
Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR



از عمارات جدید ولایت کندهار : یکی از عمارت حکومتی که در حضور اعلیحضرت امیر کل علی الله ساخته شده
Immeuble des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR

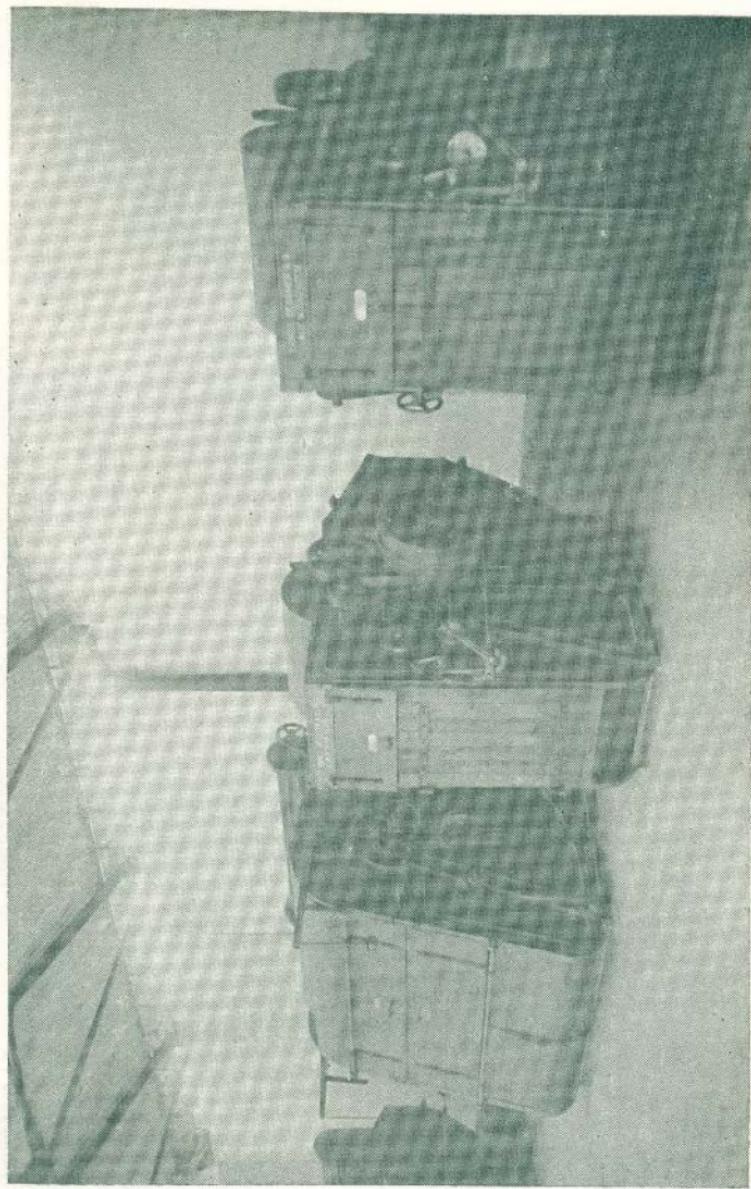


نویلے کارڈنگ میشن : کندھار میں ہائی فیشن کارڈنگ میشن
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



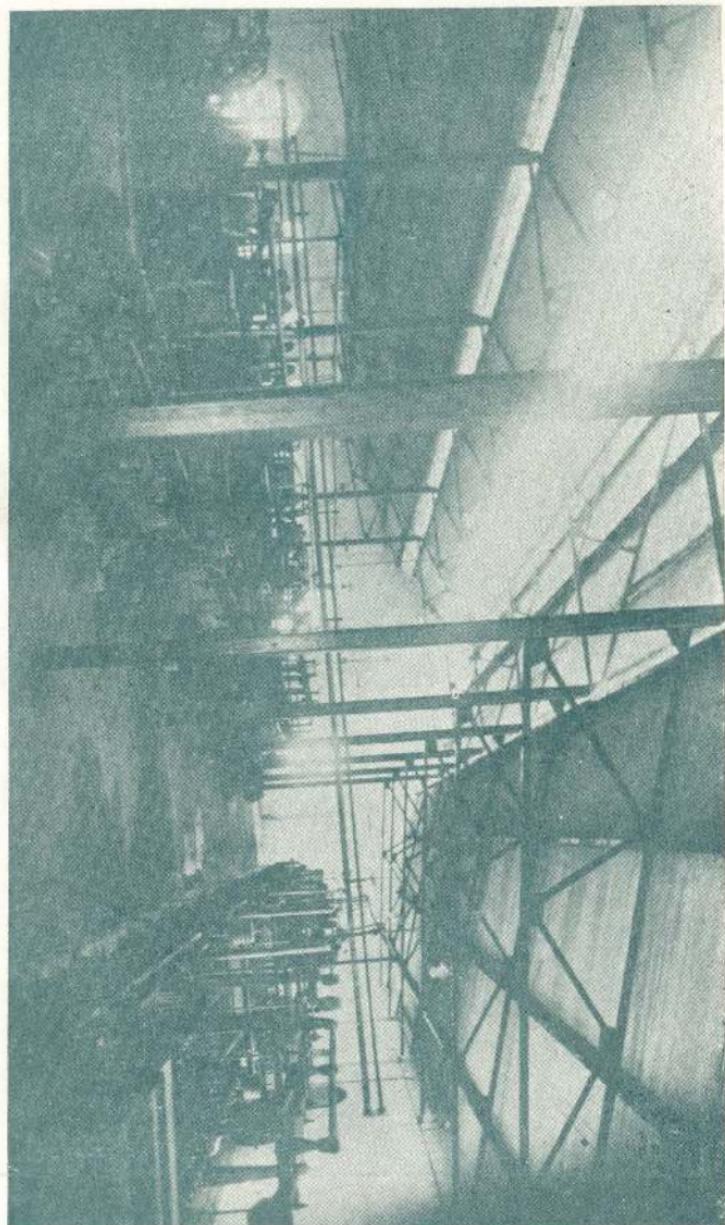
نامه یکه پشمیه باف چدید قند هزار کار که های بافت که هر کار که توسعه هفت ما کوی برقی کار میکند.

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines de tissage.



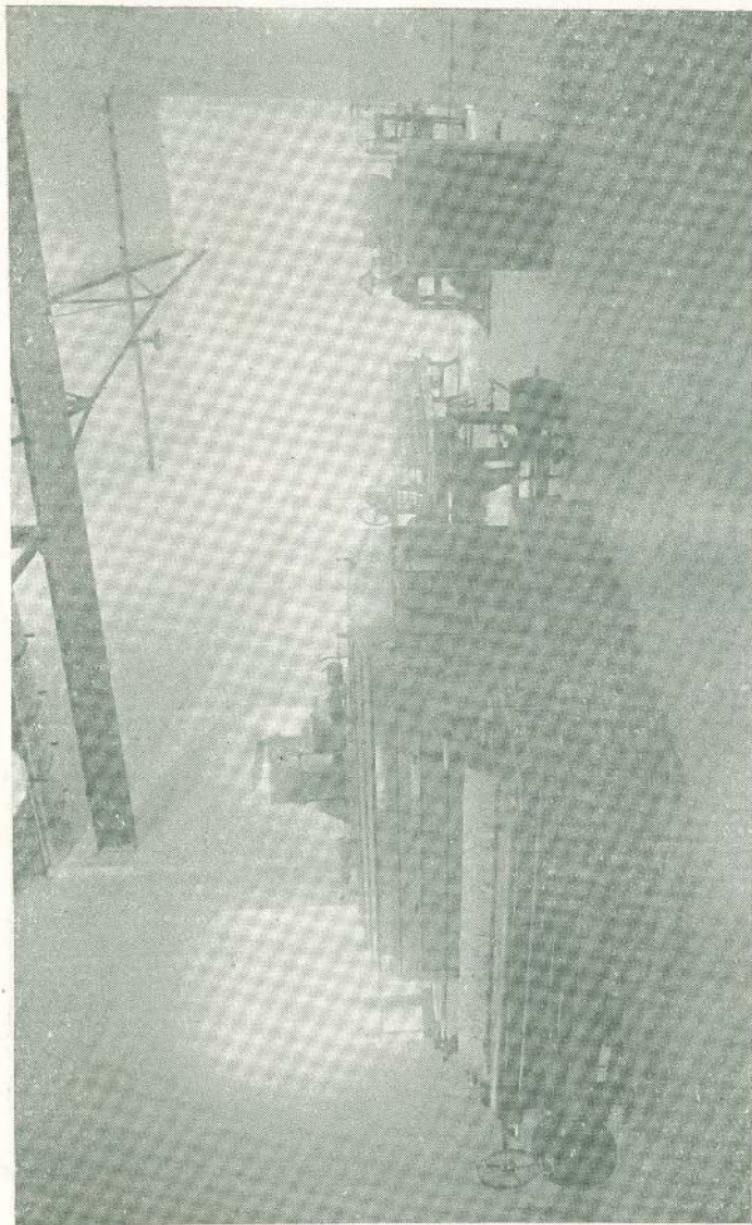
ټا ګړیل پېښه با ف چدیه قدہ هار ، ماثنیاں مالش و آرایش دادن یا رچه بحال ص طوب

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine

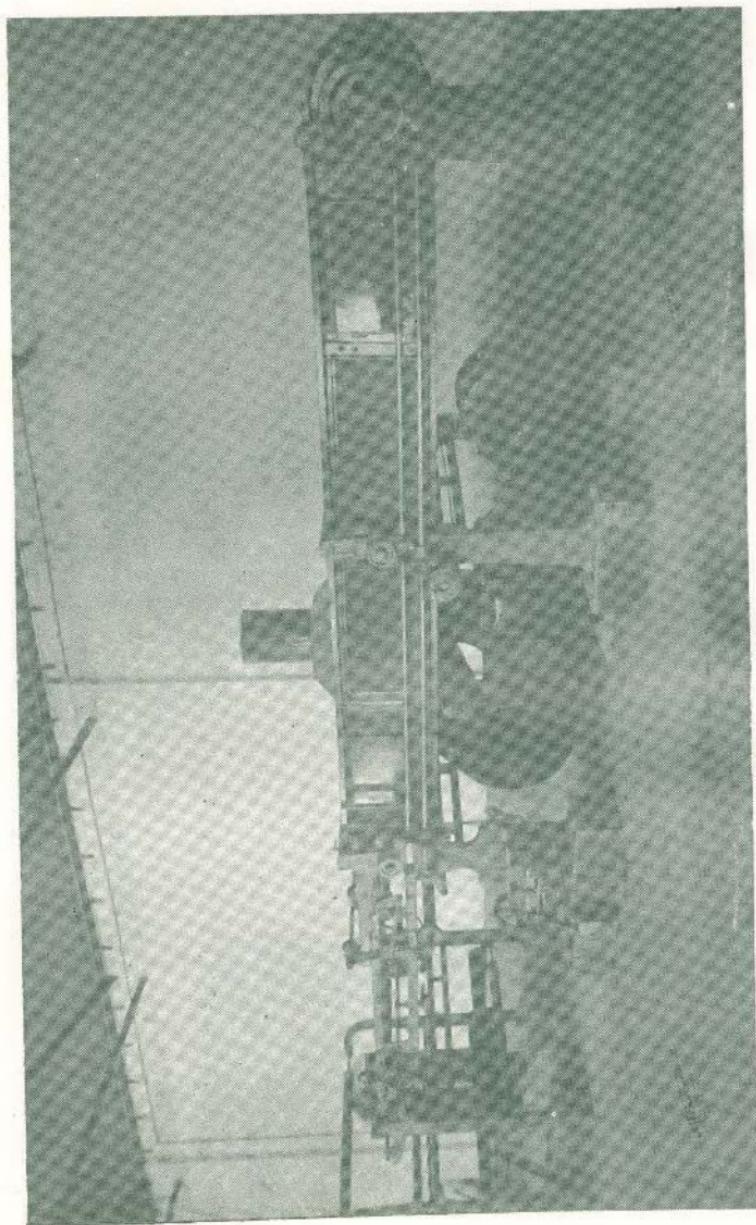


کارخانه پشم شوپی سرک از جهار قطار و هر قطار سرک از پنج مائین بوده هر قطار پندر یعنی موتو نرفتی علیجه بکار می آمد

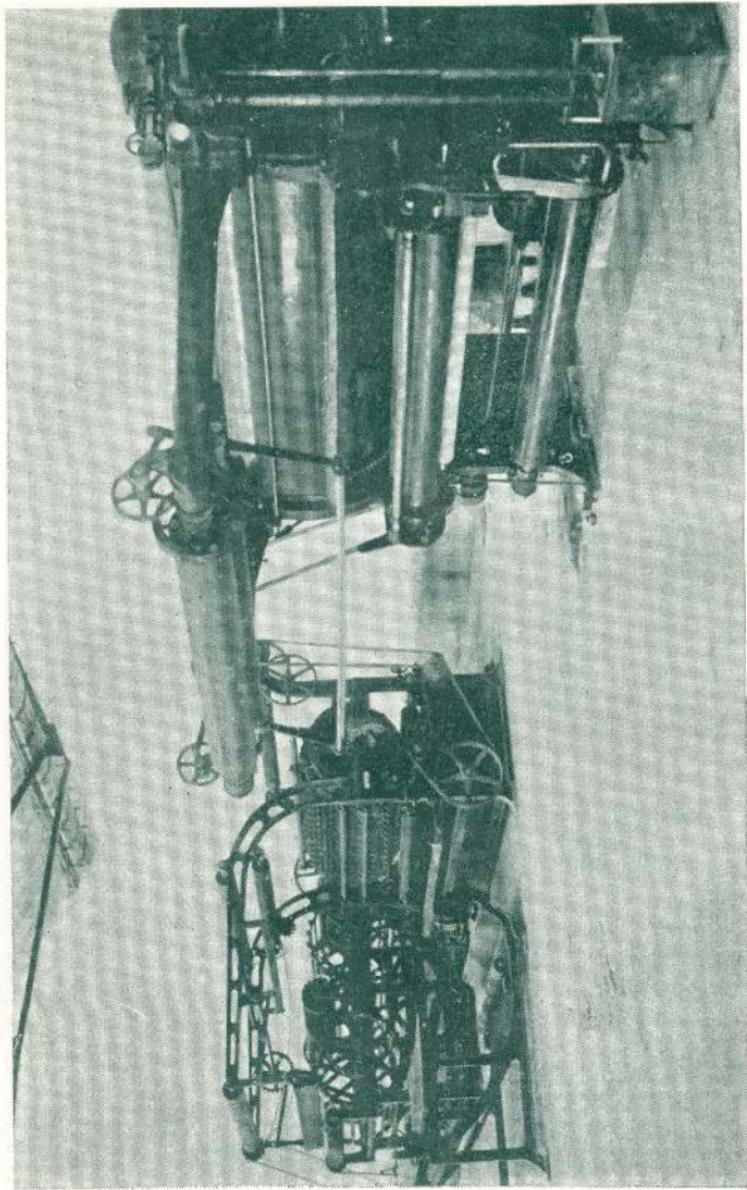
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine



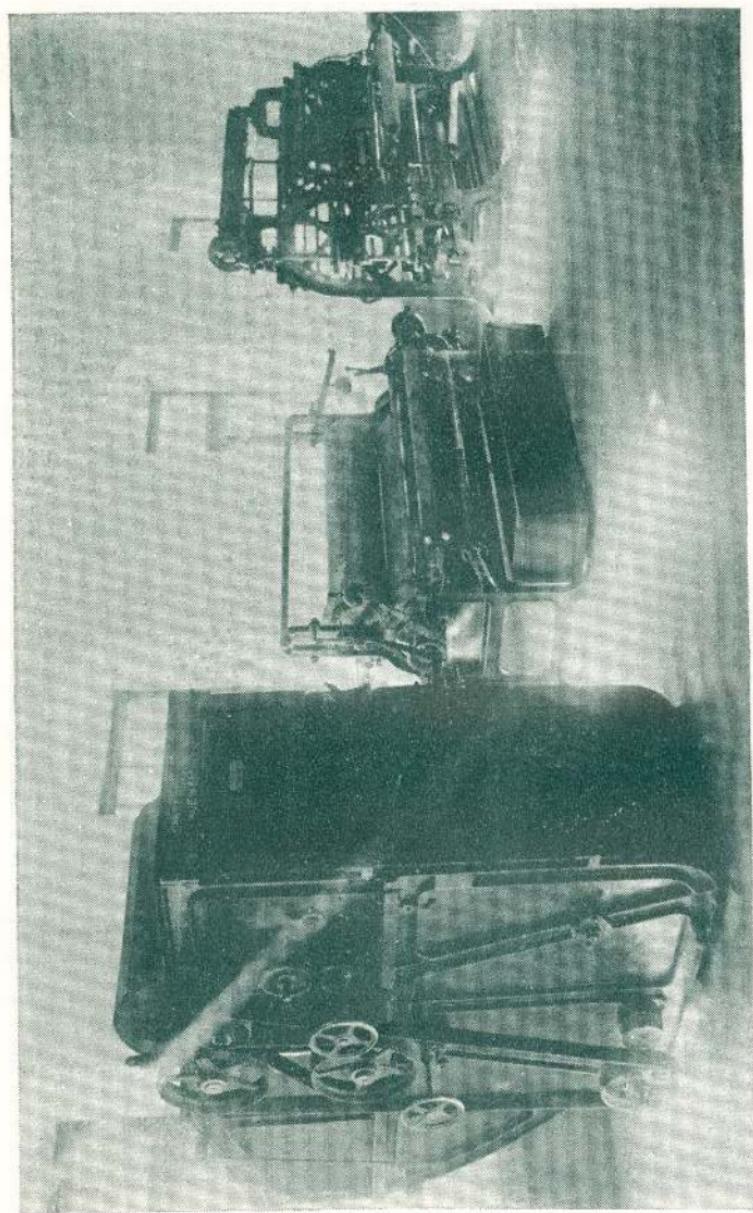
ماشین آهار دادن تارهای بشم توسط بخار و ماشین در جاک ماسکو های بافت و ماشین بیلرس نودن تار های بشم
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de la nage à Kandahar



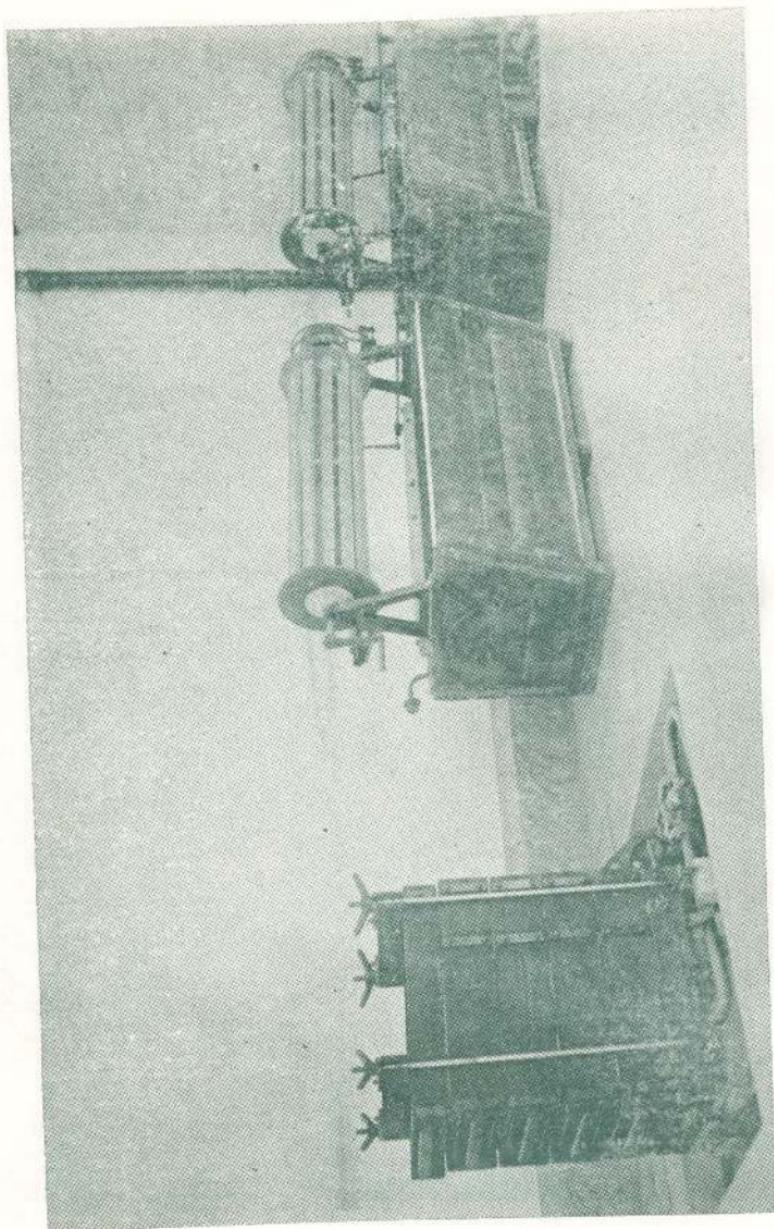
فابریکه پشمینه باف جدید نند هار : حصه مائیش آرا یش خشک مایشن شکنجه پارچه تو سطه بخار
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul



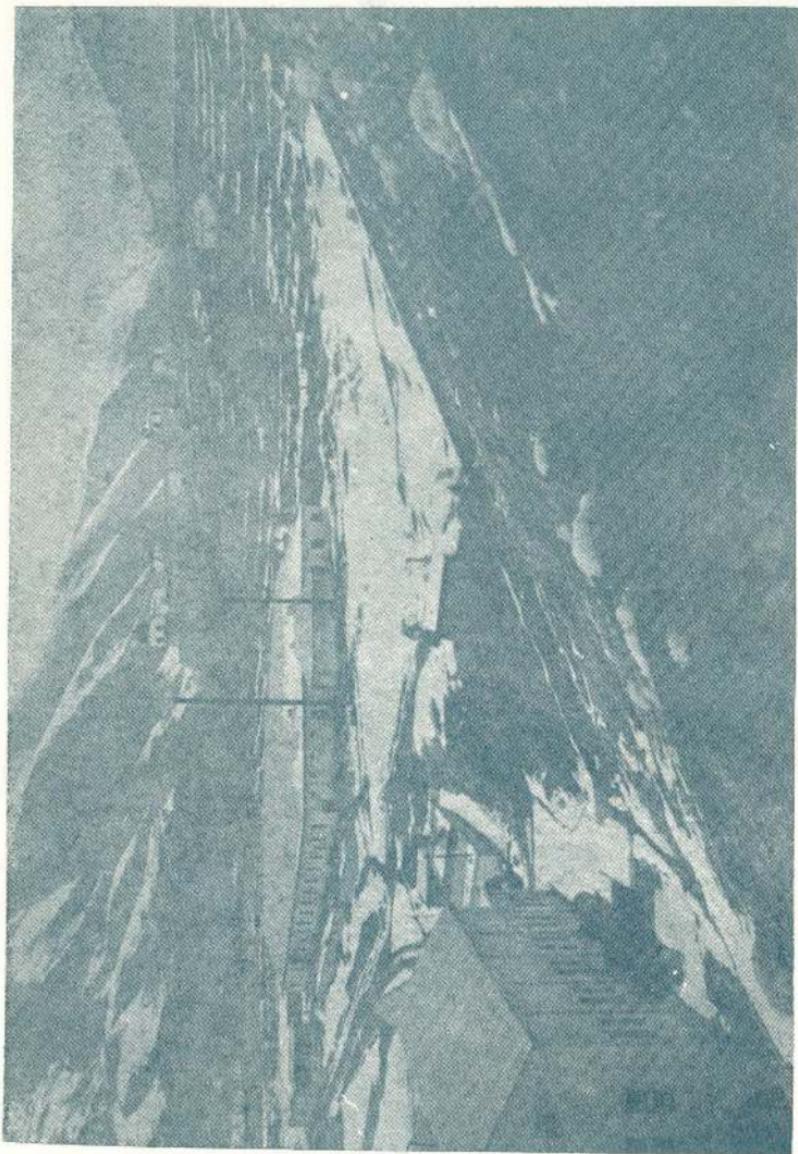
فَارِسْكَهْ بُشْعِينَ بَافِي جَدِيدْ قَنْدَهَارْ : مَاشِينَهَايِي مَالَشْ وَآرَايِشْ خَشَّاتْ
Nouvelle fabrique de lainage à Kanda'ar : les machines de massage et polissage de laine



فَا بِرْيَانْ پشونه با فی جدید فند هار : ماشینهای ماش و آرایش پشم بحال مرطوب
Nouvelle fabrique ae laineage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



کارخانه پشمده بافی جاوه قندھار ۱۶۰۰ مашینهای دنگک در برابر
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: Les machines pour colorer la laine



از موسسات همینه عصر ظاهر شاهی : منظره عمومی فابریکه نخنگی و نساجی جبل السراج
Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djaboul-Séradj (Kaboul)

اجرا آت دوائر مملکتی

جریان دارد در سال ۱۳۱۵ خیلی پیشرفت کرده و تزدیک به اختتام میباشد.

۲ - نصب نلسنستی از حد بالا حصار الی پشت قلعه هزاره ها که به اثر آن آب از جوی چهل سنتون بداخل نل یخته مذکور تا بالا حصار جریان پیدا کرده است (مسافت تقریباً ۲ کیلومتر)

۳ - تعمیر مقبره اعلیحضرت شهید سعید که کارهای مذکور از دو سال با ینظرف جاری بوده، اکنون تاطبقه اول آن ساخته شده است.

۴ - تعمیر مقبره حکیم صاحب سنائی علیه الرحمه واقع غزنی که در سال ۱۳۱۴ شروع و تاطبقه اول آن ساخته شده است.

۵ - تعمیرات دوائر حکومتی دایز نگی که از ۲ سال یانظرف جاری بود خانه بذریغه و حاضرآ دوائر حکومتی حکومت کلان جاهای وزون را دارا شده است. ب: ولایت قند هار:

۱ - تعمیرات جدید یکه در بیرون دروازه هرات (سمت غربی شهر قند هار) از دو سال به یانظرف آغاز گردیده، اکنون تکمیل شده و از آن جمله یک عدد عمارت حکومتی و بازارها و باقی خانه های شخصی است که مطابق نقشه ریاست بلدیه بصوت موزونی آباد شده و حاضرآ سلسله تعمیرات مذکور که در آینده شهر نو قند هار را تشکیل خواهد داد تا حدود چهل ذینه یعنی در مسافت یک و نیم کیلومتر (از دهن دروازه شهر سابق در دو طرف جاده عمومی سمت هرات) امداد پیدا کرده است.

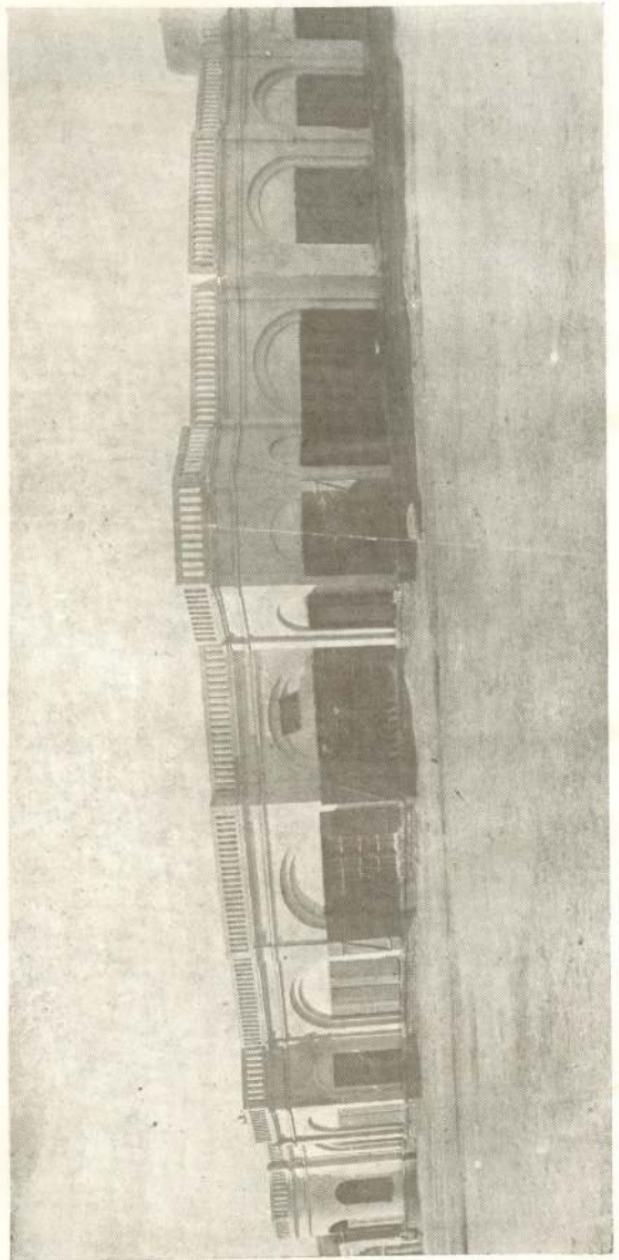
۲ - تعمیر بازار توپخانه که از دو سال به یانظرف کار ساخته بازار مذکور به اصول عصری و مطابق نقشه مهندسین جاری بوده، در سال ۱۳۱۵ خانه بذریغه و درسته دکان های محکم و زیبا تیار

سانامه «کابل»

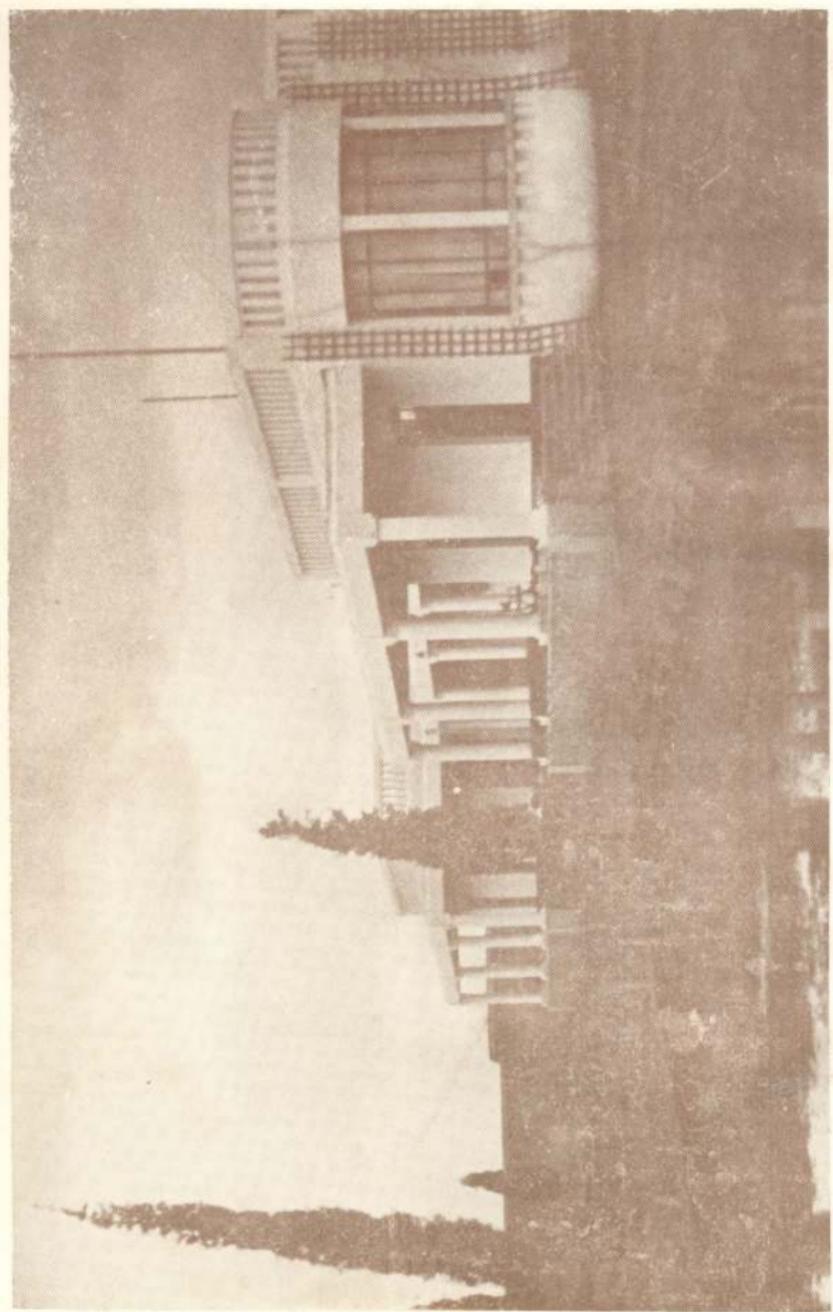
شده و نیز جاده بازار که بصورت مستقیم امتداد یافته بخته کاری شده است .
 ۳ - چار سو ق وسط شهر که در اخیر سال گذشته بنا بر ایجادا
 صحنی و شرایط عبور و مرور تخریب شده بود ، در سال ۱۳۱۵ جای آن
 هموار و چار راهی مذکور بقدر لزوم فراغ شده است .
 ج : ولایت قطعن و بد خشنان :

۱ - ساختمان یک بنای حکومتی در مرکز شهر جدید قندوز برای
 دوازده حکومتی مذکور که دارای یک سلسله عمارت‌هاست جدید و برای دوانر
 حکومت ، ماموریت مالیه ، حکمه عدله ، اداره تبلیغون ، اداره خزانه ، محبس
 حکومتی ، اداره کوتولی وغیره ملحقات دوازده حکومتی جایهای کافی دارد .
 ۲ - ساختمان یک بنای حکومتی در مرکز اشکمن که مثل حکومتی
 قندوز گنجایش دوازده حکومت ، مالیه ، کوتولی ، خزانه ، توپف
 خانه وغیره را دارد . هکذا در جوار عمارت جدید مذکور یک سلسله بناهای
 تازه که عبارت از (۸۰) دکان و (۴) کاروان سرای باشد به اصول
 منظم از طرف اهالی تیار شده است .

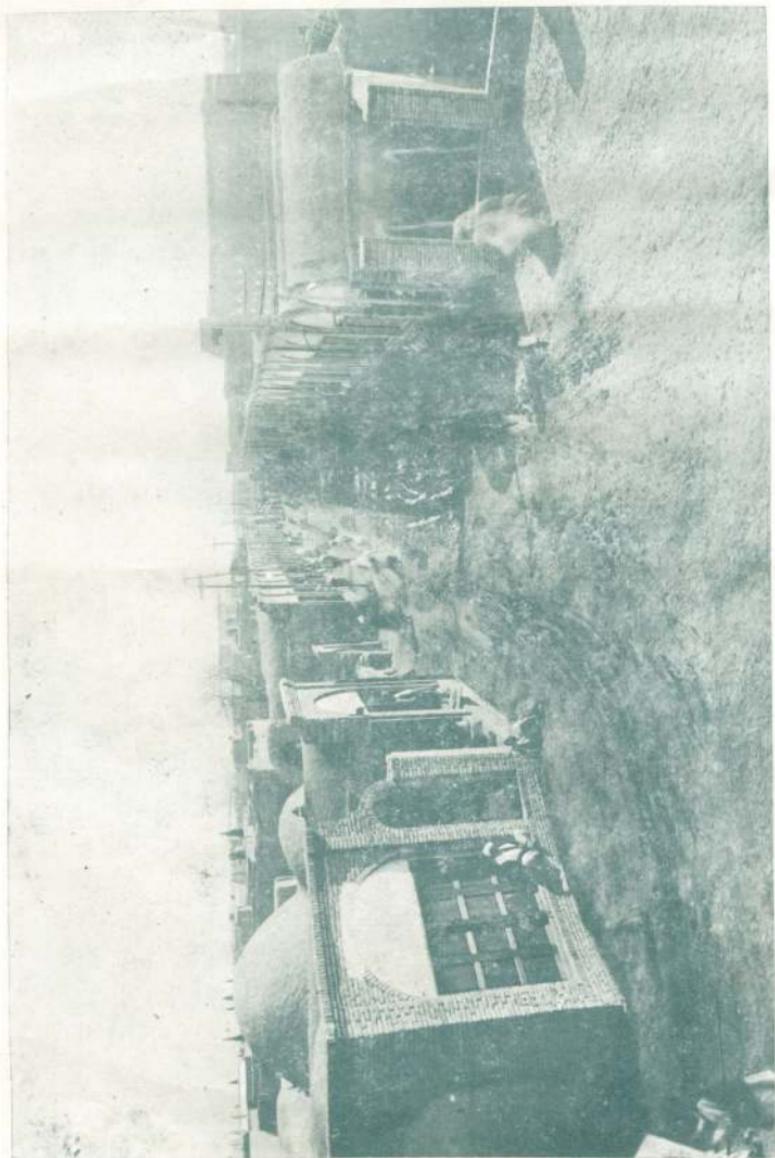
۳ - ساختمان یک عمارت موزون یکمیانی حکومتی جدید اتشکیل
 فرخار که دارای اطاقهای متعدد برای اقامت دوازده حکومت ، مالیه ،
 عدله ، تبلیغون ، خزانه ، توپف خانه ، کوتولی وغیره میباشد .
 هکذا از حیث اینکه فرخار دارای کدام بازار موزونی نبود بنا بر
 خواهش اهالی به ترتیب نقشه یک بازار که دارای (۸۰) دکان و (۴)
 کاروان سرای بوده و اصول ساختمان آن به طرز بناهای عصریست پرداخته
 شده واین دکانها و سرایها از طرف اهالی آباد شده است .



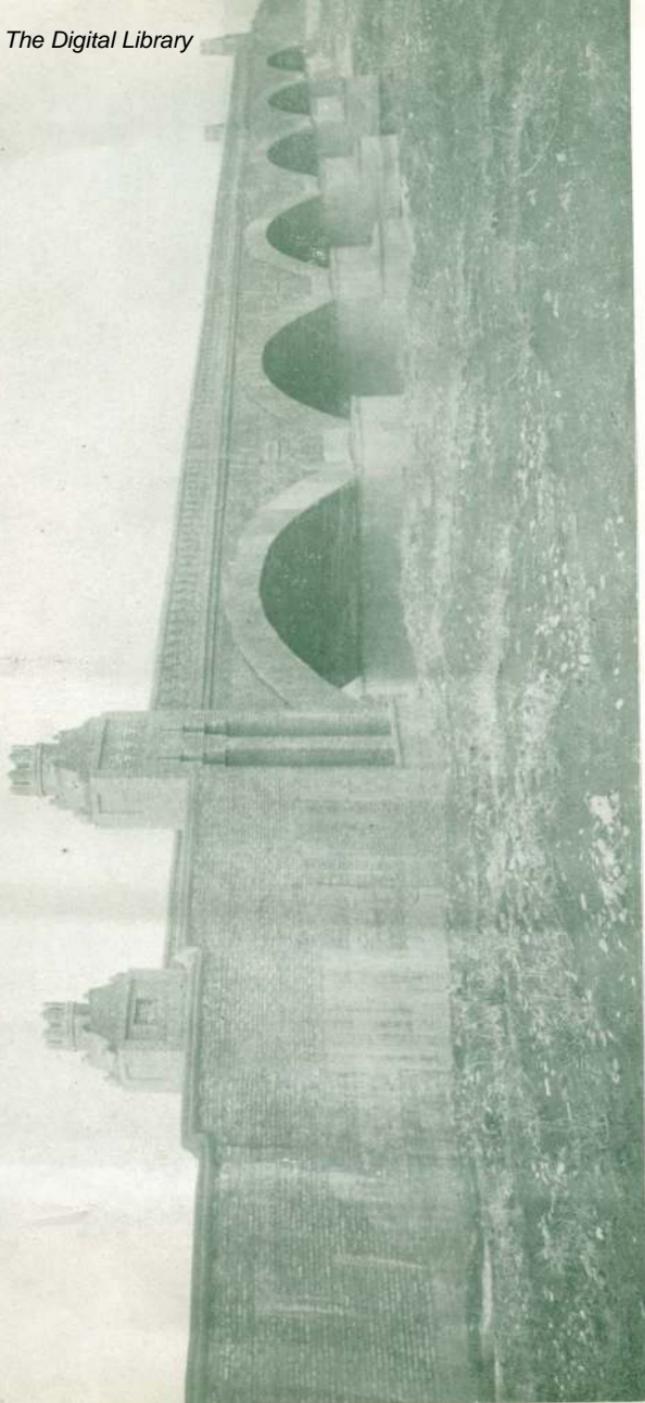
از عمارات سال ۱۳۱۰ و لایت فنده هار ، بازار جدید التعمیر سمعت غنی بر ج ارگ
Bazars nouvellement construits à Kaboul



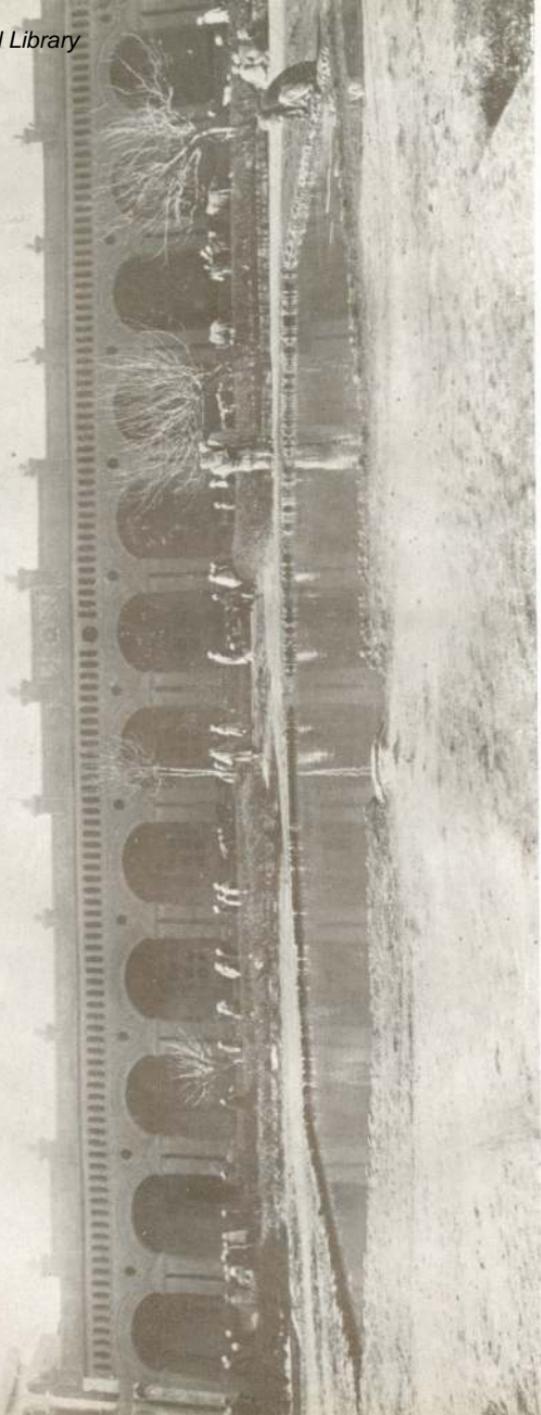
از مراولات جدید و لایت فندهار، یکی از مرالات شخصی که با صول هصری و سلیمان بسیار نفیس ساخته شده.
Bâtiments privés nouvellement construits selon les méthodes les plus modernes à Kandahar.



از میراث سال ۱۳۱۰ ولایت کندھار : بازار توپخانه
Bazars nouvellement construits à Kandahar



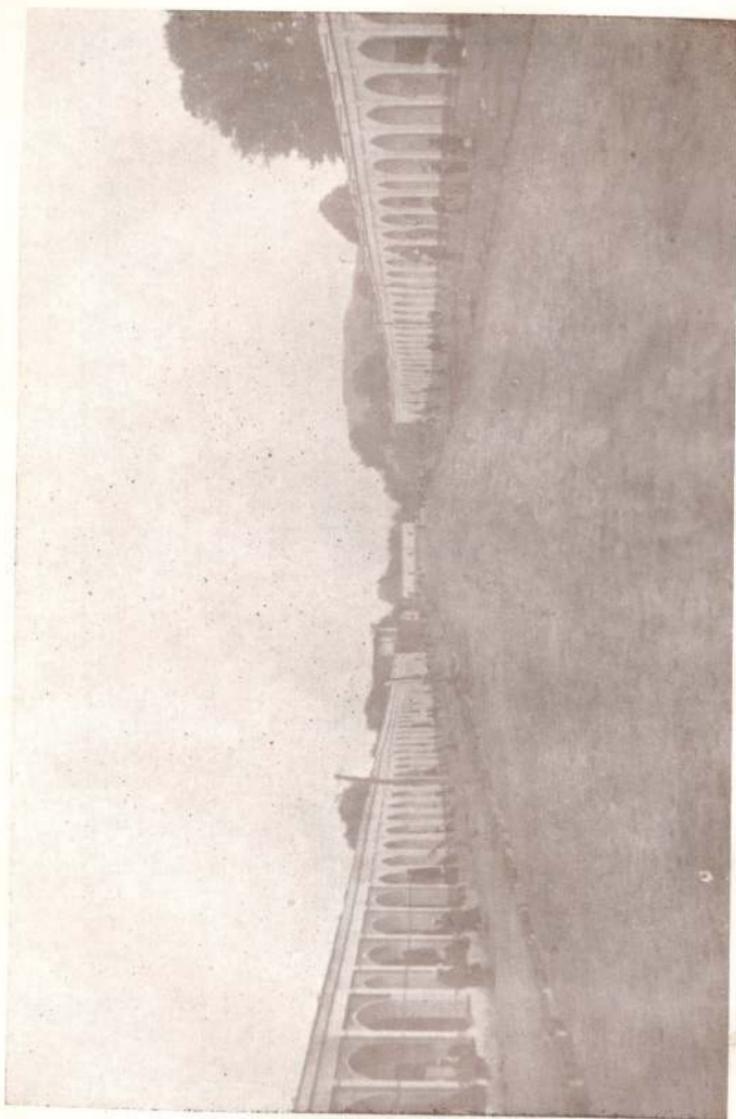
از عمرانات جدید حکومت اعلای فراه، پل دریای فراه که در سال کنده تعمیر شده
Pont nouvellement construit sur la rivière de FARAH (Prov. de Farah)



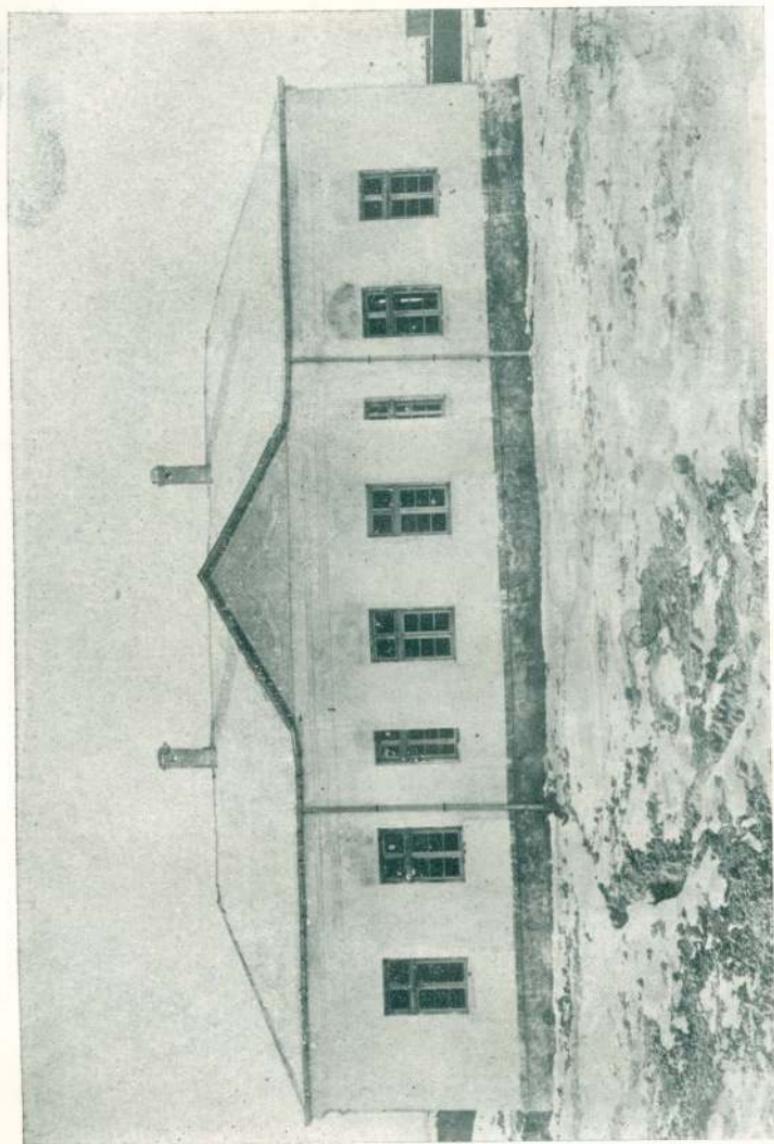
از عمارات جدید ولایت هرات : گمرک مرکزی واقع در شهر نو
Nouvel immeuble de la douane à Hérat



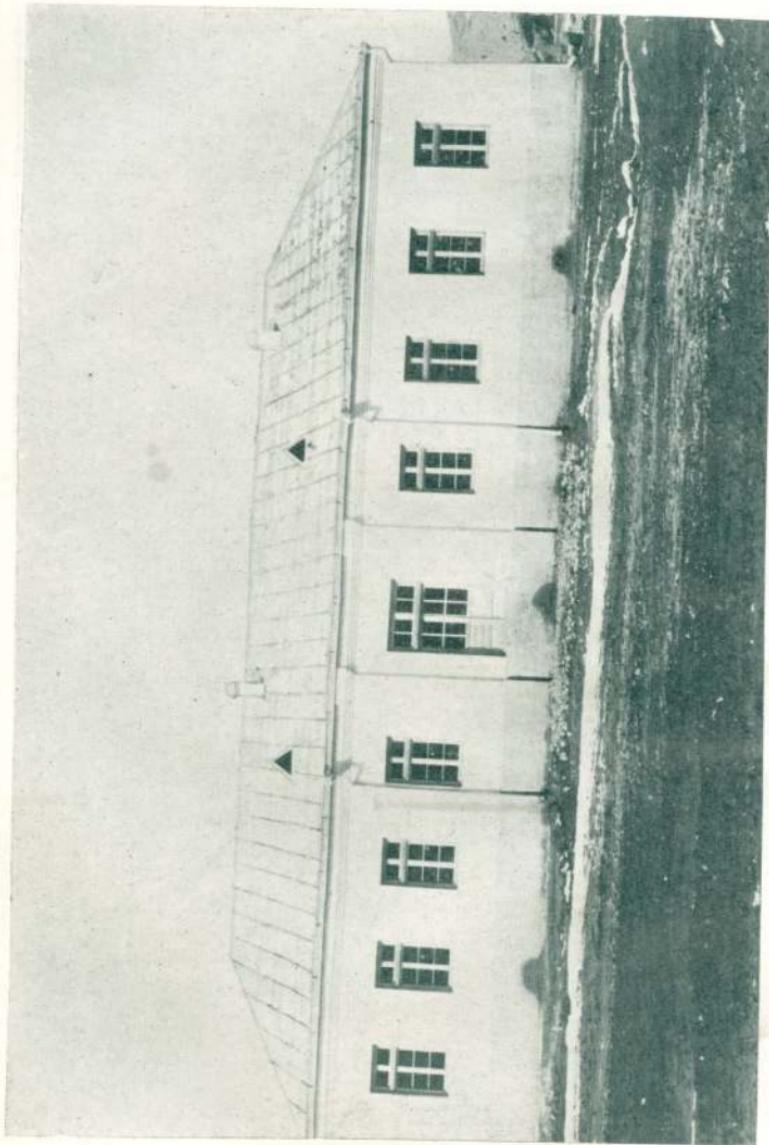
از
سمرانات جدید ولایت هرات : شفاخانه شهر نو
Hôpital civil nouvellement construit à Hérat



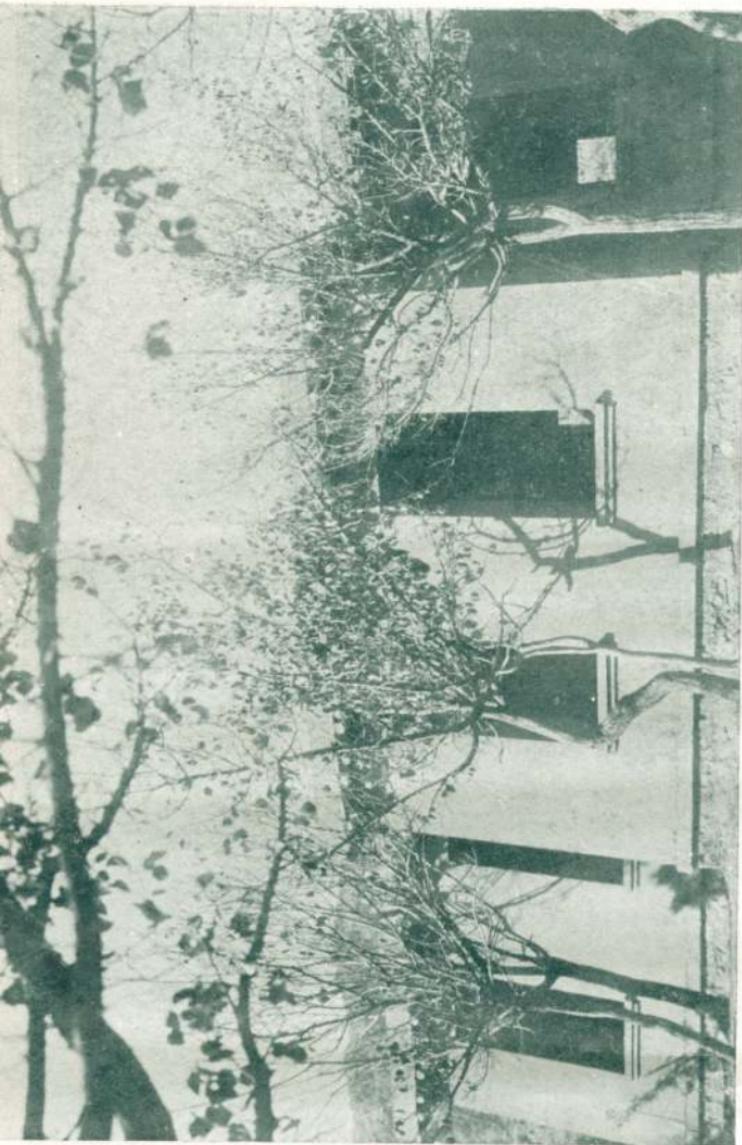
از میراث جدید و لایت فلشن و به خشان : کی از بازار های جدید خان آباد
Type des bazars nouvellement construits à Khanabad
(prov.de Kataghan-Badakhchan)



از عمارات سال ۱۳۱۰ حکومت اعلای میمه : عمارت مدیریت امور خارجه
Nouvel immeuble du département des affaires étrangères à Maimanah



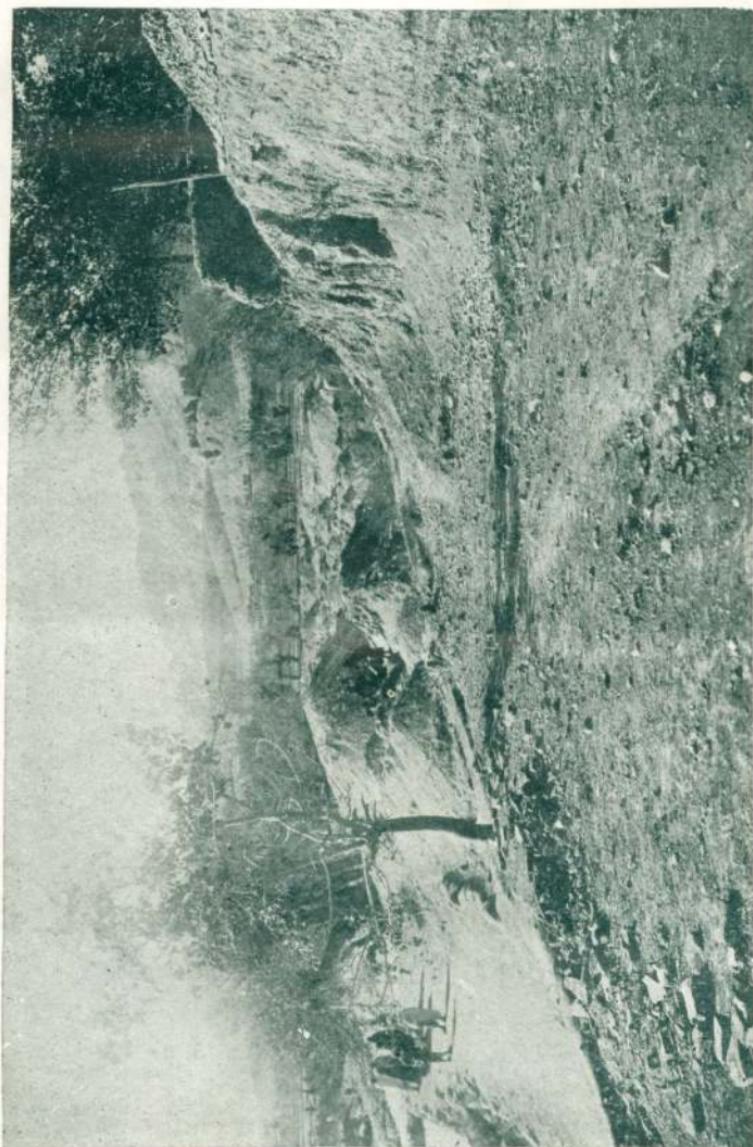
از عمارات سال ۱۳۱۰ حکومت اعلیٰ مینه : یکی از عمارات دولتی در شهر مینه
Un des nouveaux bâtiments gouvernementaux à Maimanah



از افهامات مهم سال ۱۳۲۱ وزارت فوایند عامه : فاکر بکه رزگر مرق آمی «۳۰۰۰ کیلووات» واقع چک دردک

(عمرت مهندسین و تعمیرگاه ها)

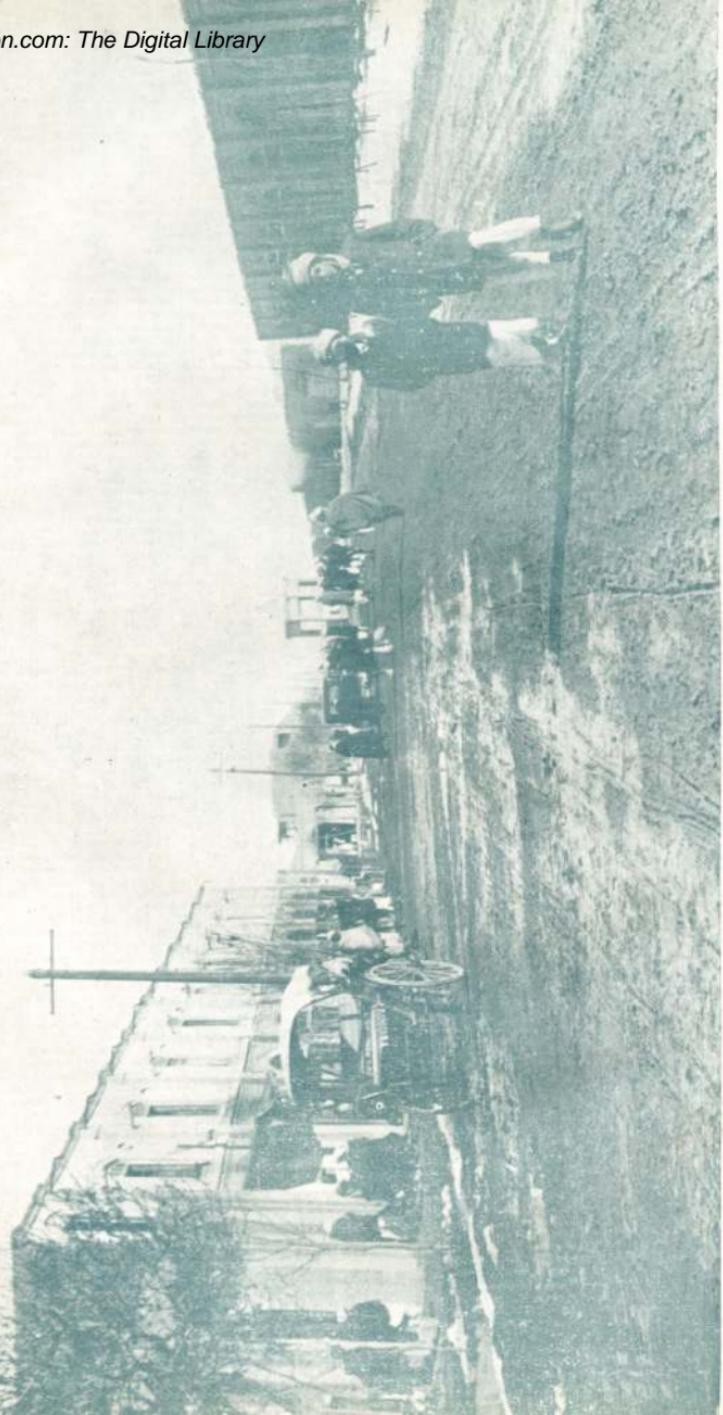
*Une partie des bâtiments de la nouvelle usine hydroélectrique (3000 C. V.)
aux environs de Kaboul*



از اقدامات مهم سال ۱۳۱۵ وزارت فوایند گاهه؛ ساختهای فلزی برق آبی در چله وردان (محل ساختهای بند و تعمیر فاوجیکه در وقت آغاز کار)
Le lieu de la construction de la nouvelle usine hydroélectrique à Ouardak (Kaboul).

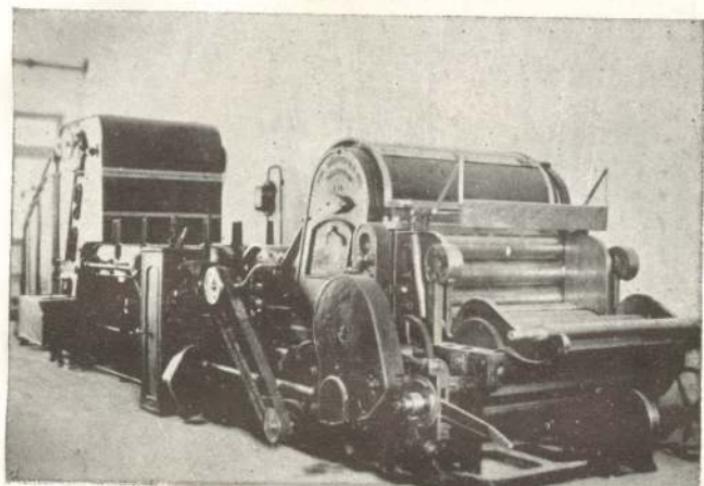


منظره عمومی شهر هرات
Vue générale de la nouvelle ville d'Hérat



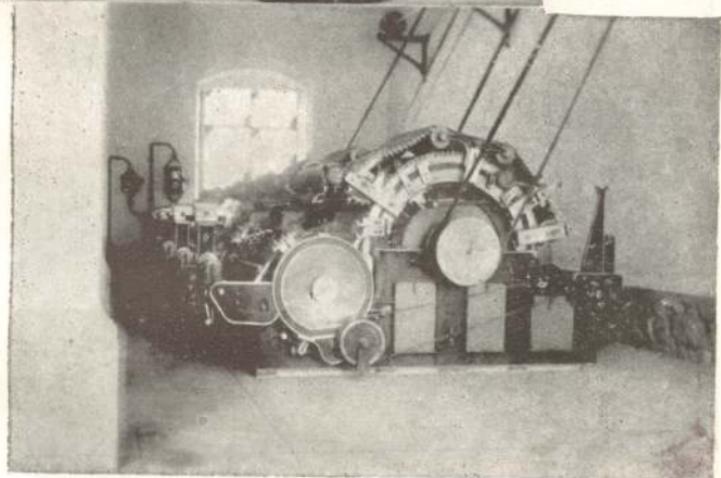
از میراث جدید ولایت هرات : بازار شهر نو
Nouveaux Bazars à HÉRAT

از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهی : فابریکه نختابی و نساجی جبل السراج



ماشین ندا ف

بنده



ماشین هوا گرد

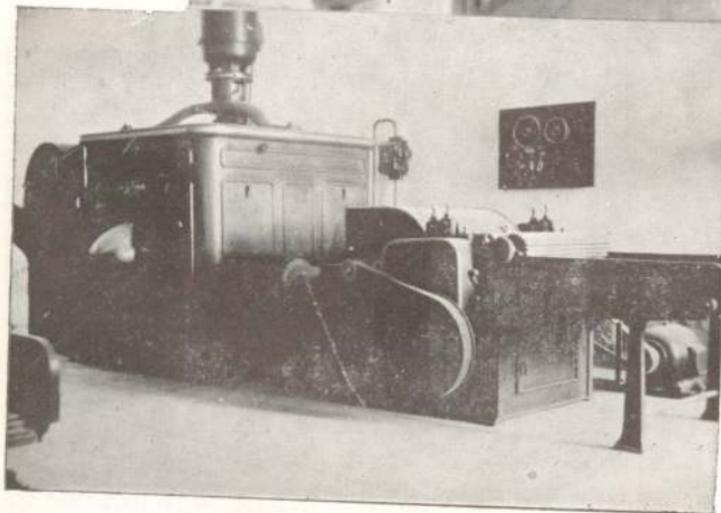
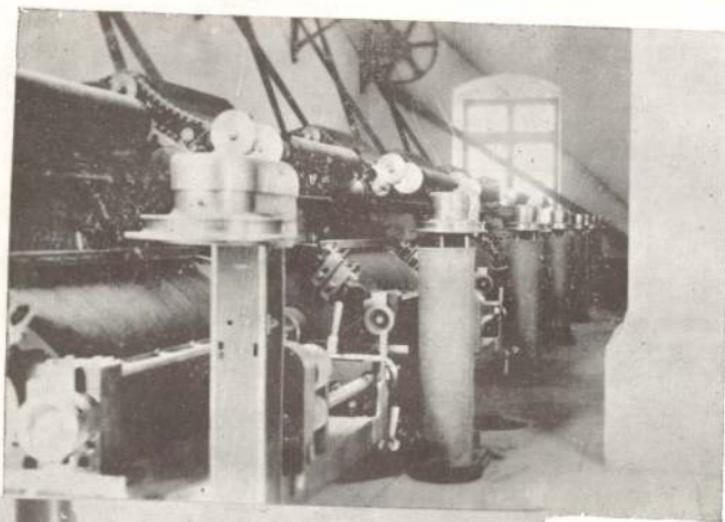
خصوص بنده

Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage à Djabol-Saradj (Kaboul)

از موسسات مهمه عصر ظاهر شاهی: فابریکه تختابی ونساجی جبل السراج

ماشین شانه

کردن پنه



ماشین خاک

تکانی مخصوص

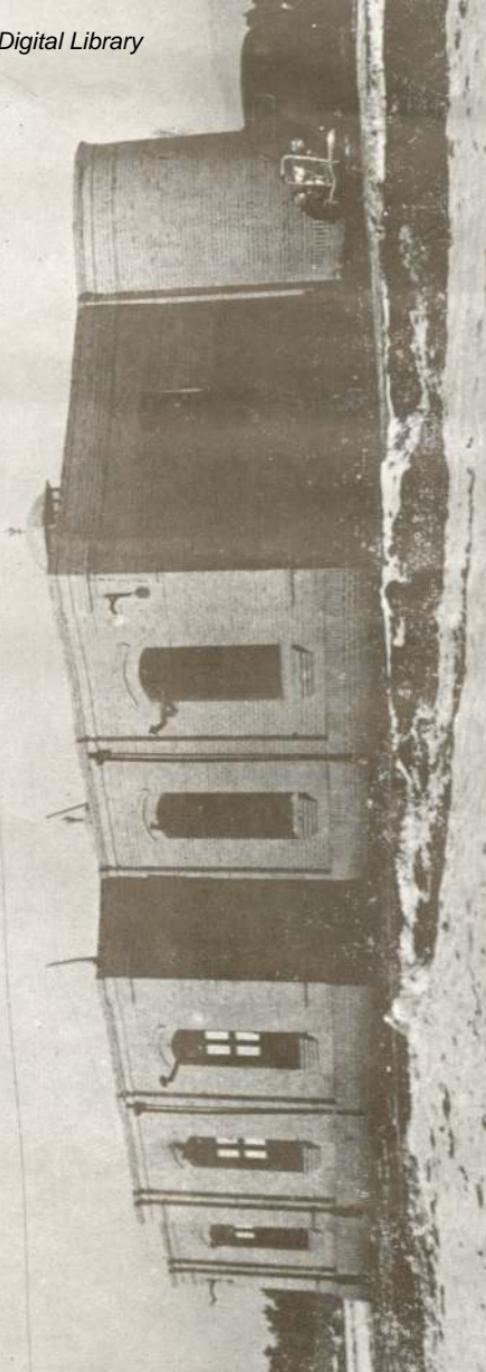
Une partie des machines de la nouvelle fabrique de filature et de tissage à Diaboul-Saradj (Kaboul)



از موسسات مهمه مركز : اطاق ماشینهای پخته کردن چرم در فابریکه چرم گری
Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul

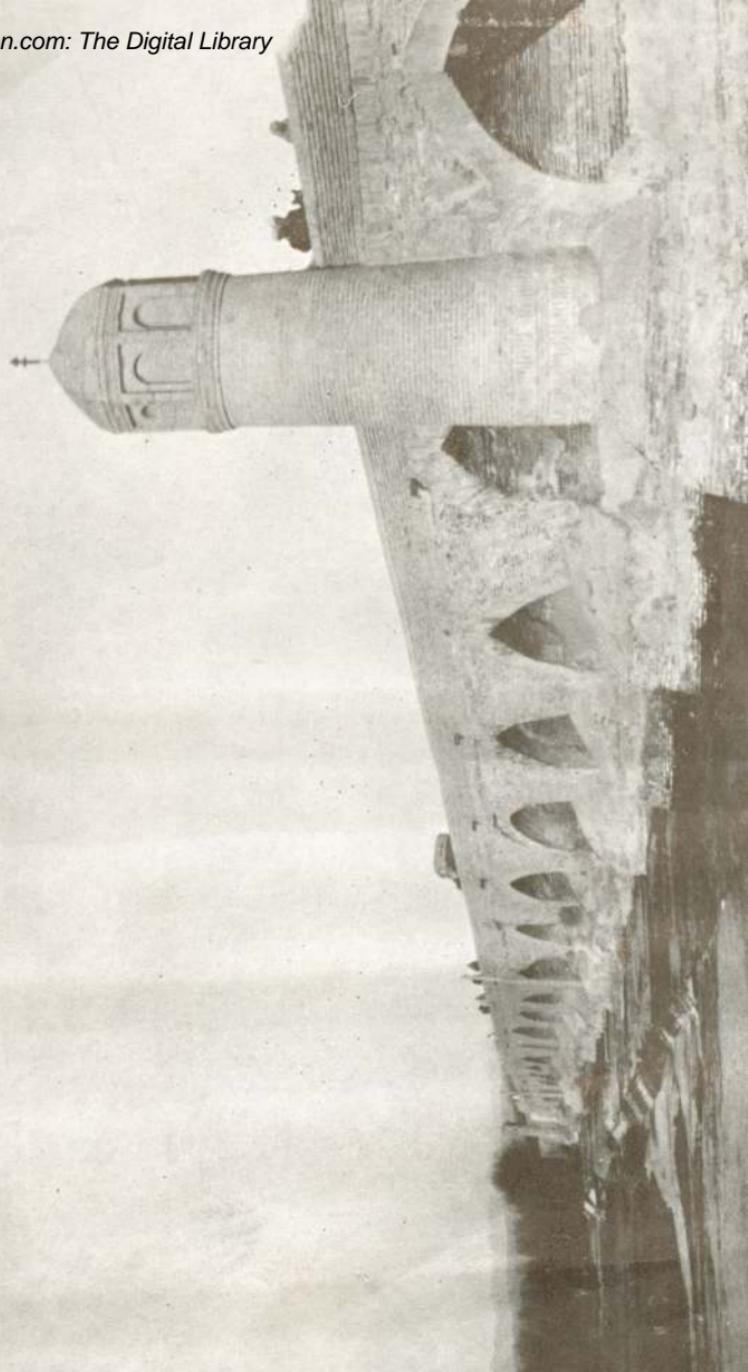


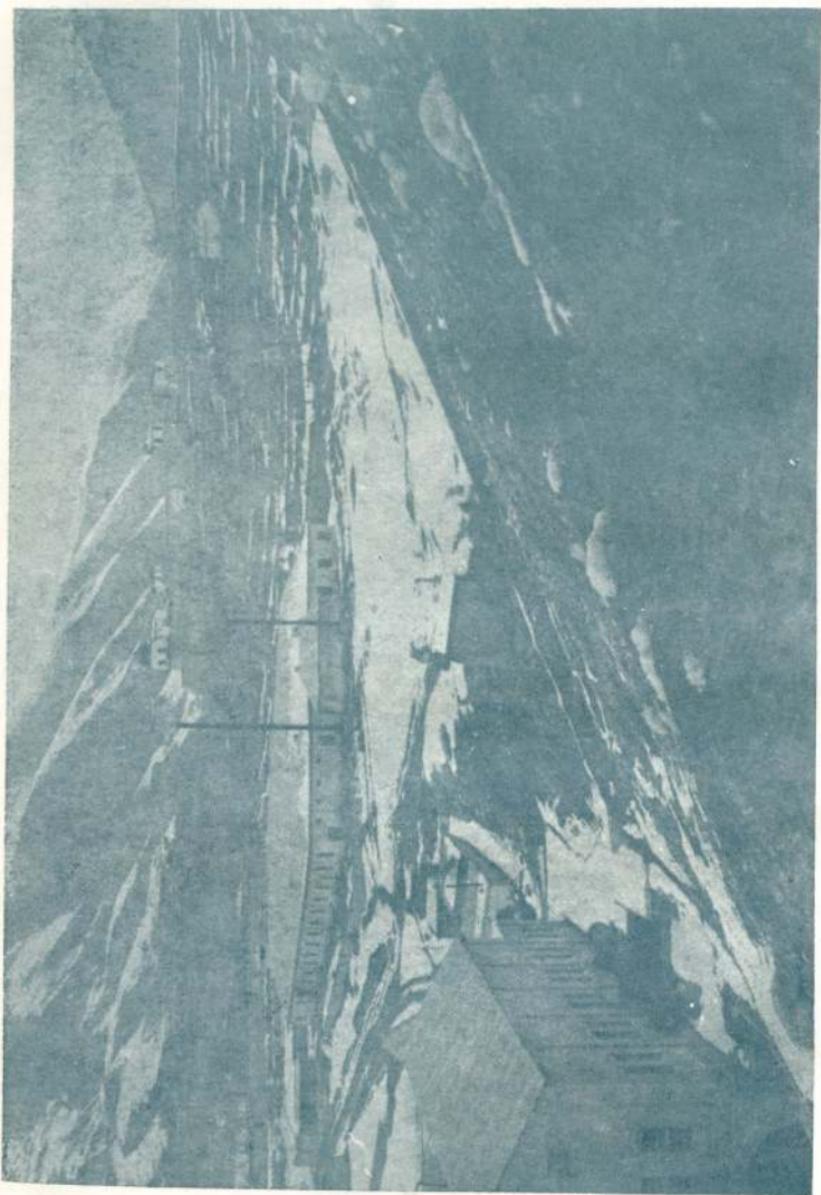
از عمرانات سال ۱۳۱۰ وزارت فوائد عامه در کابل : برج برق متصل وزارت حربیه
Type des stations électriques nouvellement construites à Kaboul



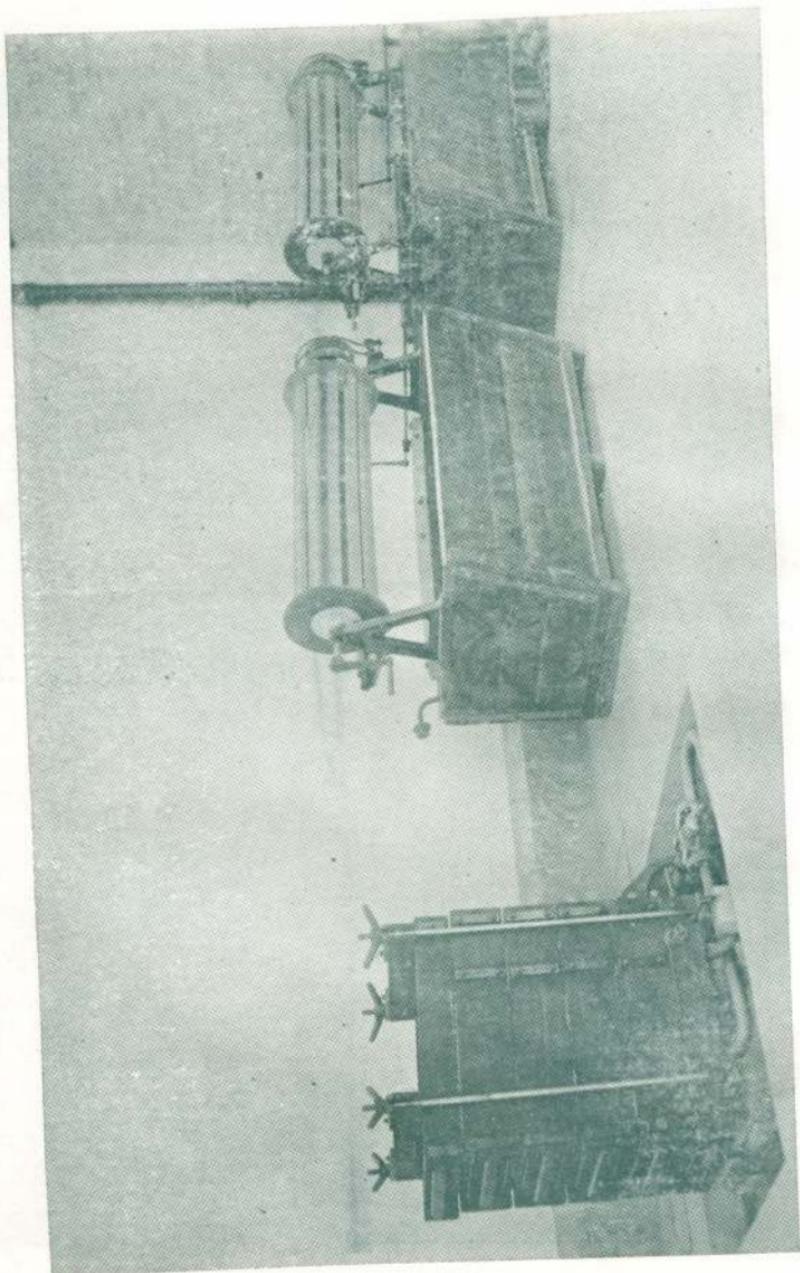
از سعما نات جديده ولایت هرات : هوتل عصری در شهر نو
Hotel moderne nouvellement construit à Hérat

از میراث مهم ولایت هرات : پل مالان
Le pont de Mâlân à Hérat

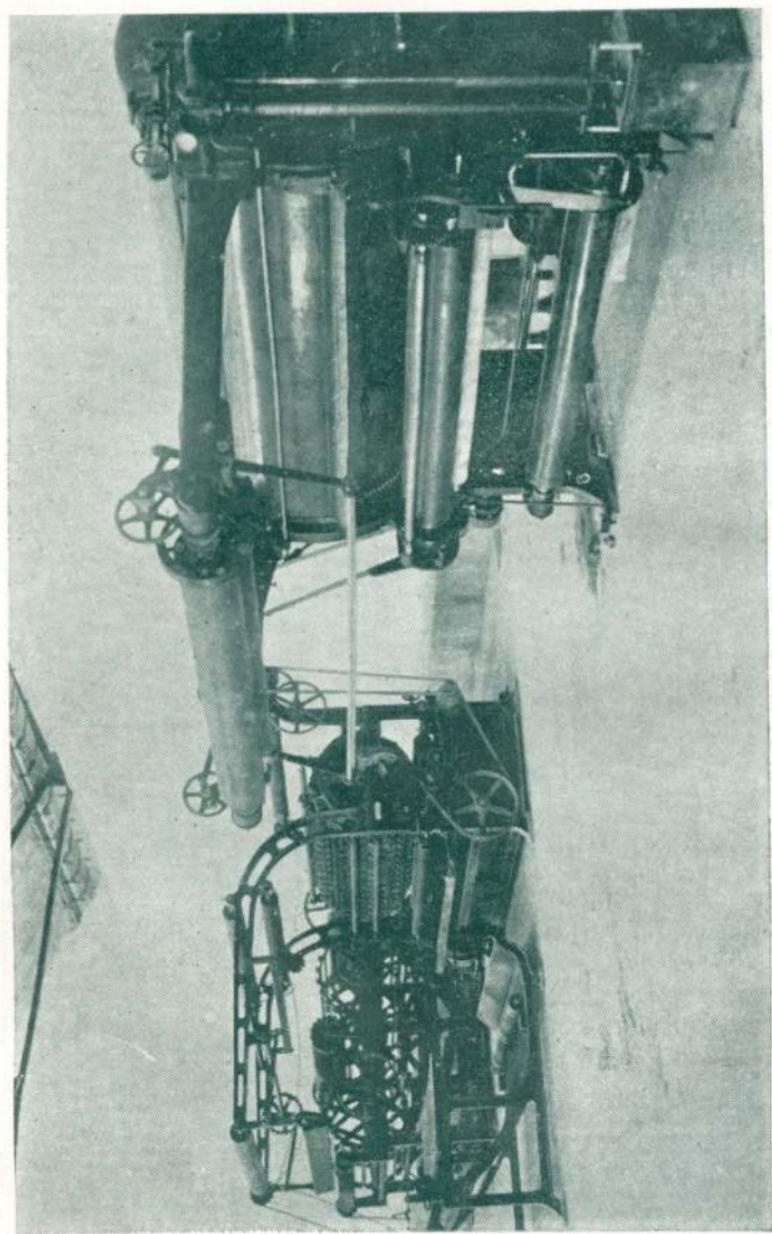




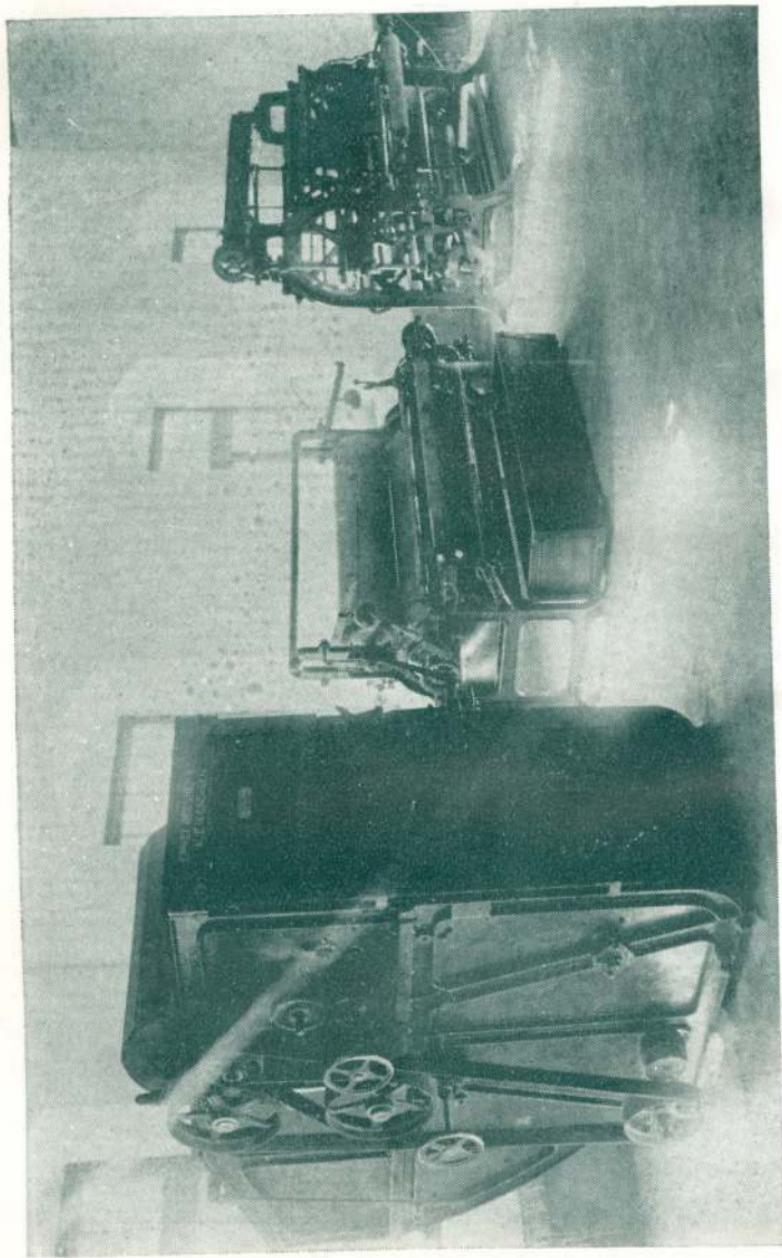
از موسسات مهندس عصر ظاهر شاهی : منظره عمومی فابریکه نختابی و نساجی جبل السراج
Vue générale de la nouvelle usine de filature et de tissage à Djaboul-Séradi (Kaboul)



نويسله فابريکه بافي جمهه ازه هار ، ماشينه اي دنگك در چهار
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: les machines pour colorer la laine



فَارِيكَهْ بَشْمِينَهْ بافِي جَدِيدَهْ فَنَهْ هَارَ : ماشِنَهَايِ ماشِنَهَايِ آرَاشِ خَشَّانَ
Nouvelle fabrique de lainage à Kandaïar : les machines de massage et polissage de laine



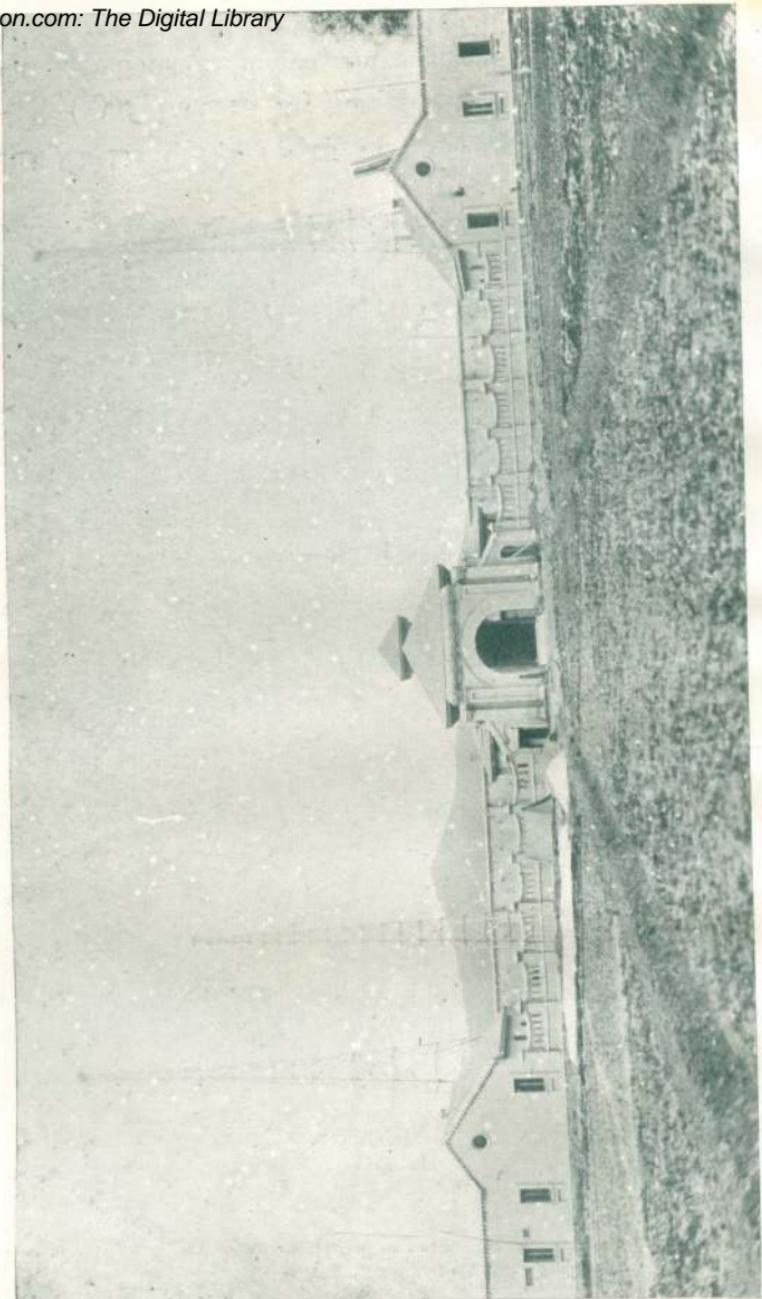
فابریکه پشمیه با فی جدید نند هار : ماشینهای ماش و آرایش پشم بحال مرطوب
Nouvelle fabrique ue laine à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine

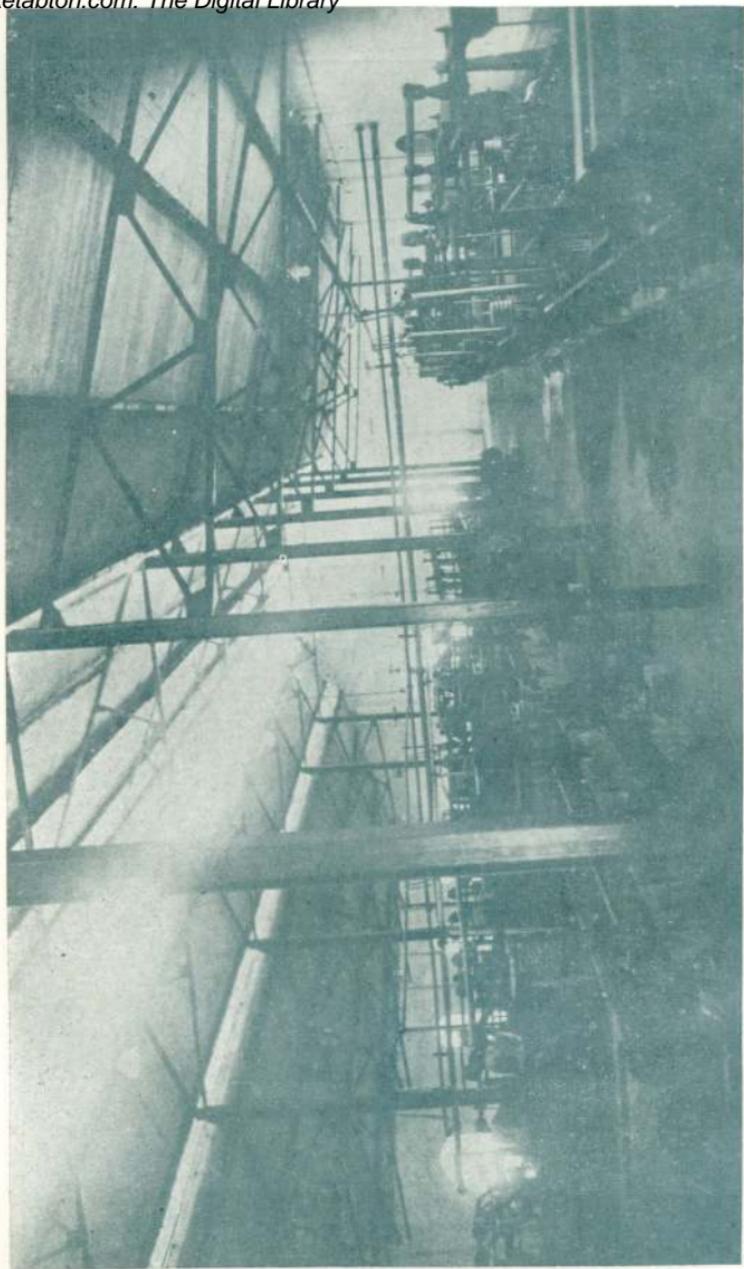


از مو سسات مهمه وزارت يست و تلگراف و تيلفون : مرکز آخذه تلگراف يسمیم
که با تمام دنيا مخابره کرده ميتواند (واقع مهتاب قلعه کابل)

Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul
(centre récepteur)

از هوسنات مهندسی وزارت پست و تلگراف: مرکز صادره تلگراف پیشینه کی تمام دنیا خواهه کرده میتواند (واقع یکه نوت کابل) Station radiotélégraphique nouvellement construite à Kaboul (centre expéditeur)

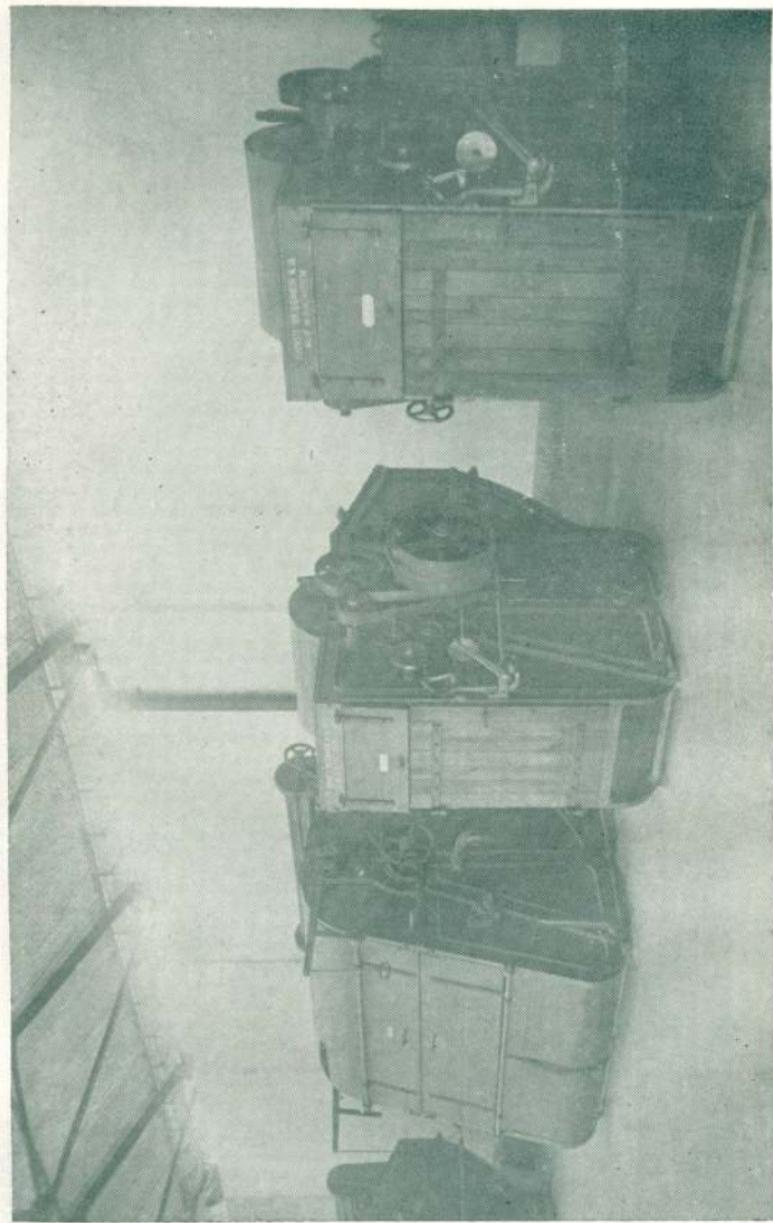




نار بر که پیشنهاد با فی جدید فند هار : اطلاق بشم شوئی مسکب از جهار قطار و هر قطار مسکب از بنج ماشین بوده هر قطار

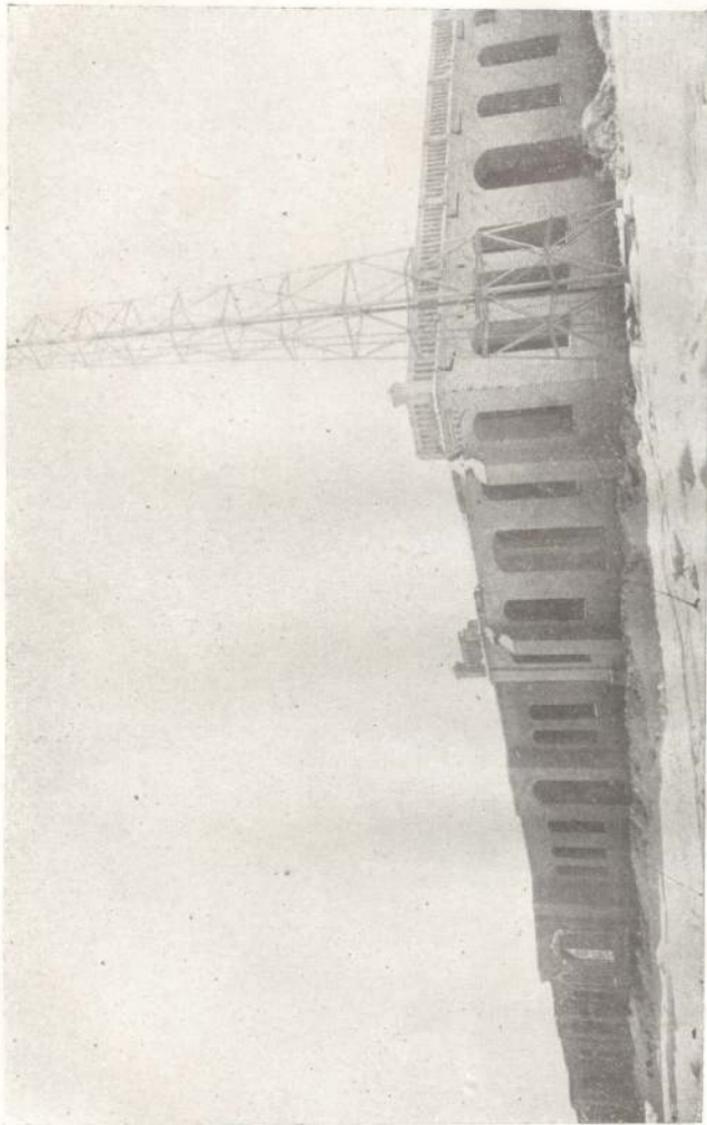
پسندیده موئز برقی علیجه کار می افتد

Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar: La salle de lavage de laine

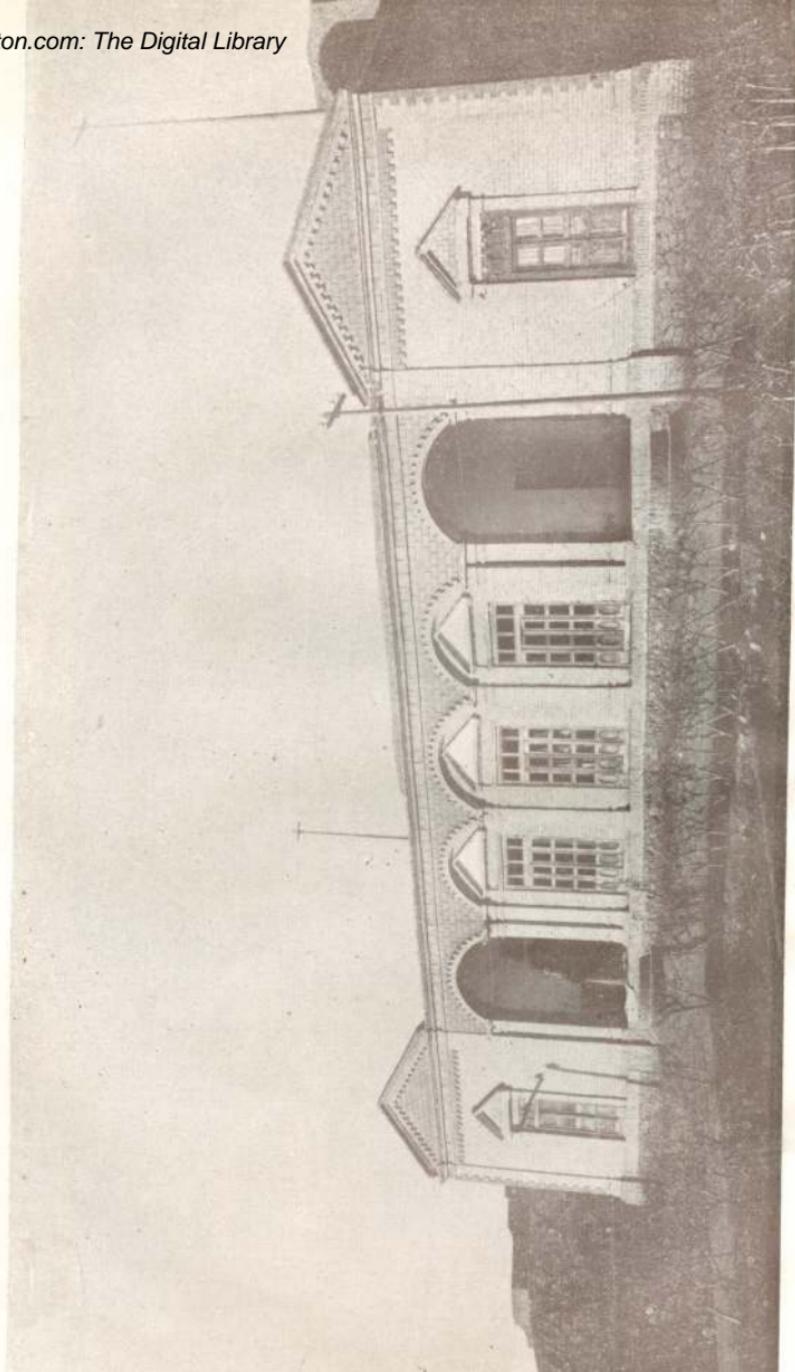


ټاپکی پېښه با فې جوړه قند هار ، ماسینهای ماش و آرایش دادن پا رجه بحال صورب

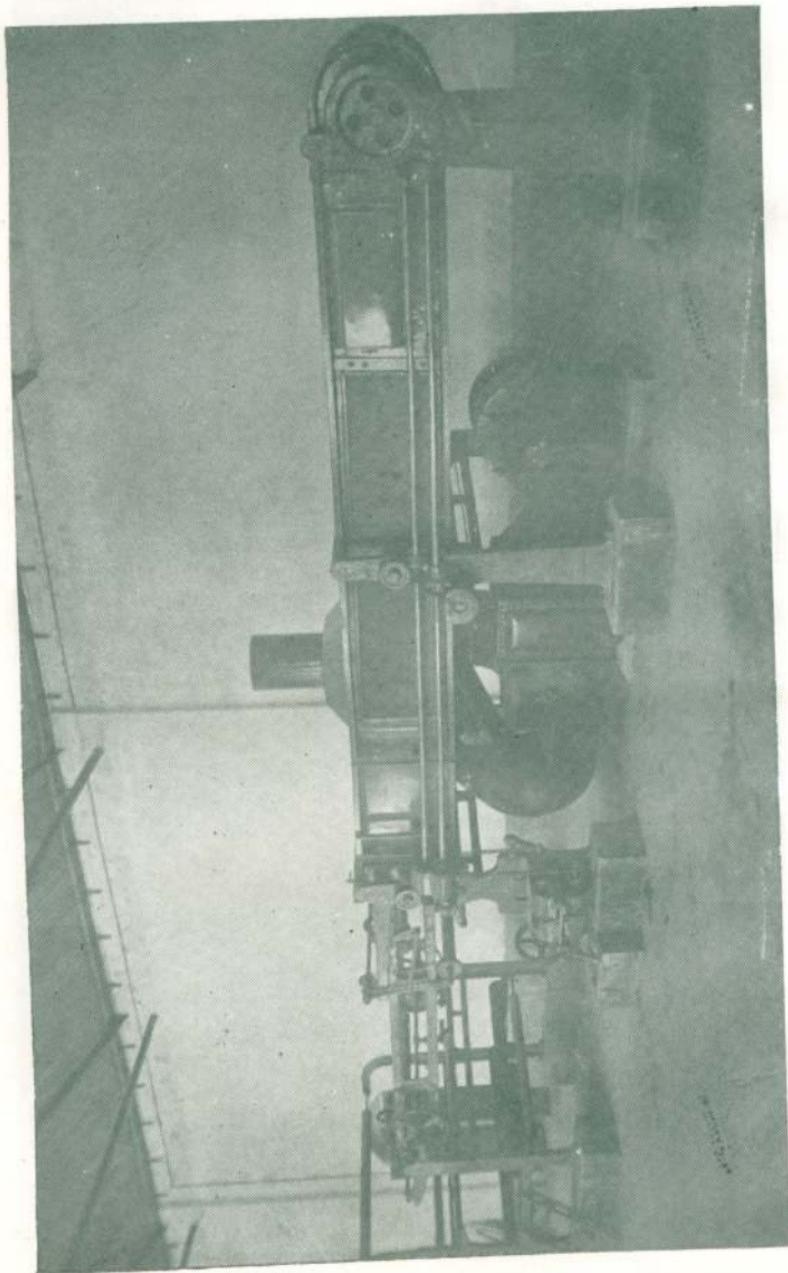
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : les machines de massage et polissage de laine



از عمرانات جدید ولایت هرات: منظره عمومی مرکز تلگراف پیسیم در شهر نو
Vue générale des bâtiments de la nouvelle station radiotélégraphique à Hérat

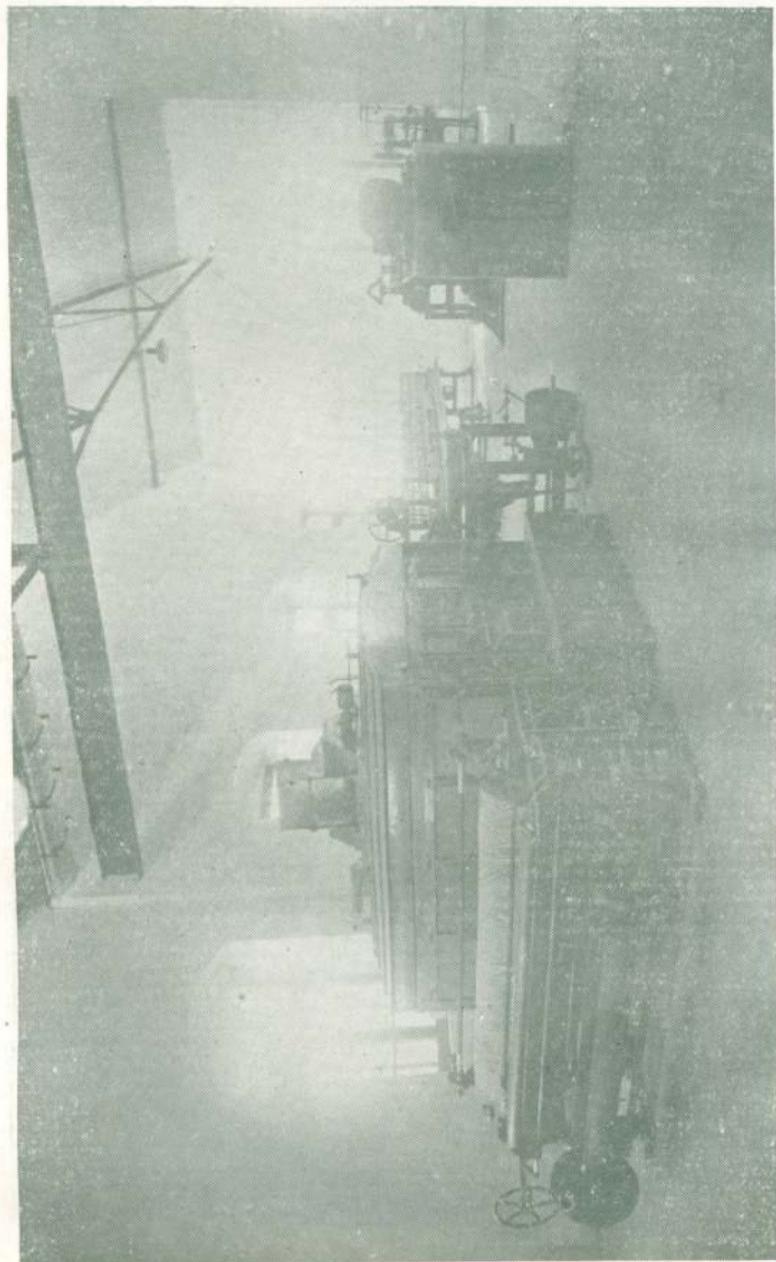


از عمارات جدید ولایت هرات : تلک افغانستان شماره نو
Nouvel immeuble des bureaux télégraphiques à Hérat



نړیکه پشمې باف جديډ فند هار : حصه مالان و آرایش خشک ماشین شکنجه پارچه تو سطه بخار

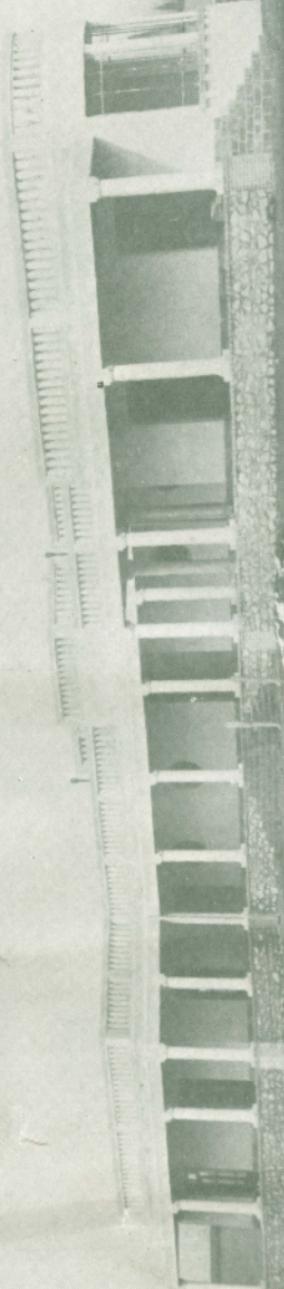
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de lainage à Kaboul



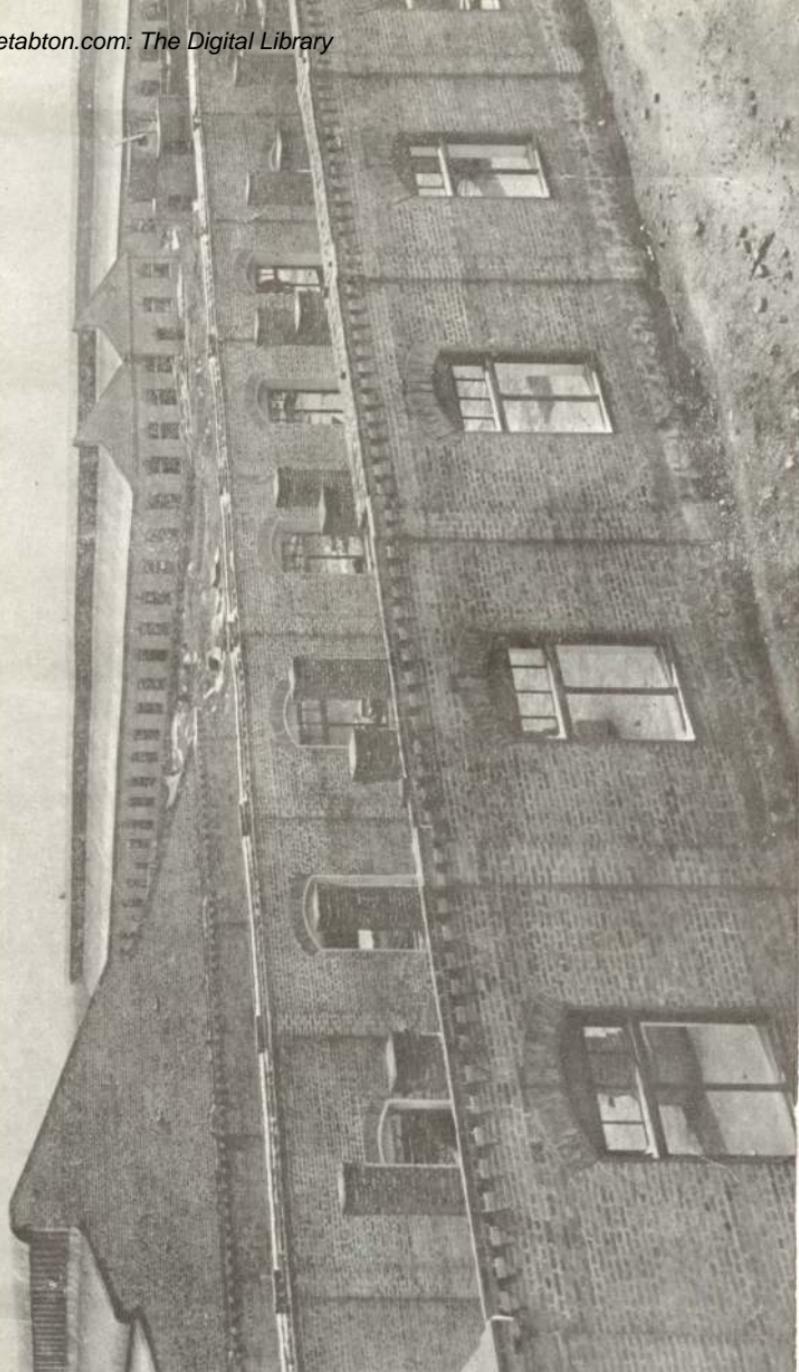
ماشین آهار دادن تارهای پشم توسط بخار و ماشین روحان مکو های بافت و ماشین یبلرس نمودن تارهای پشم
Une vue de l'intérieur de la nouvelle fabrique de la laine à Kundahar



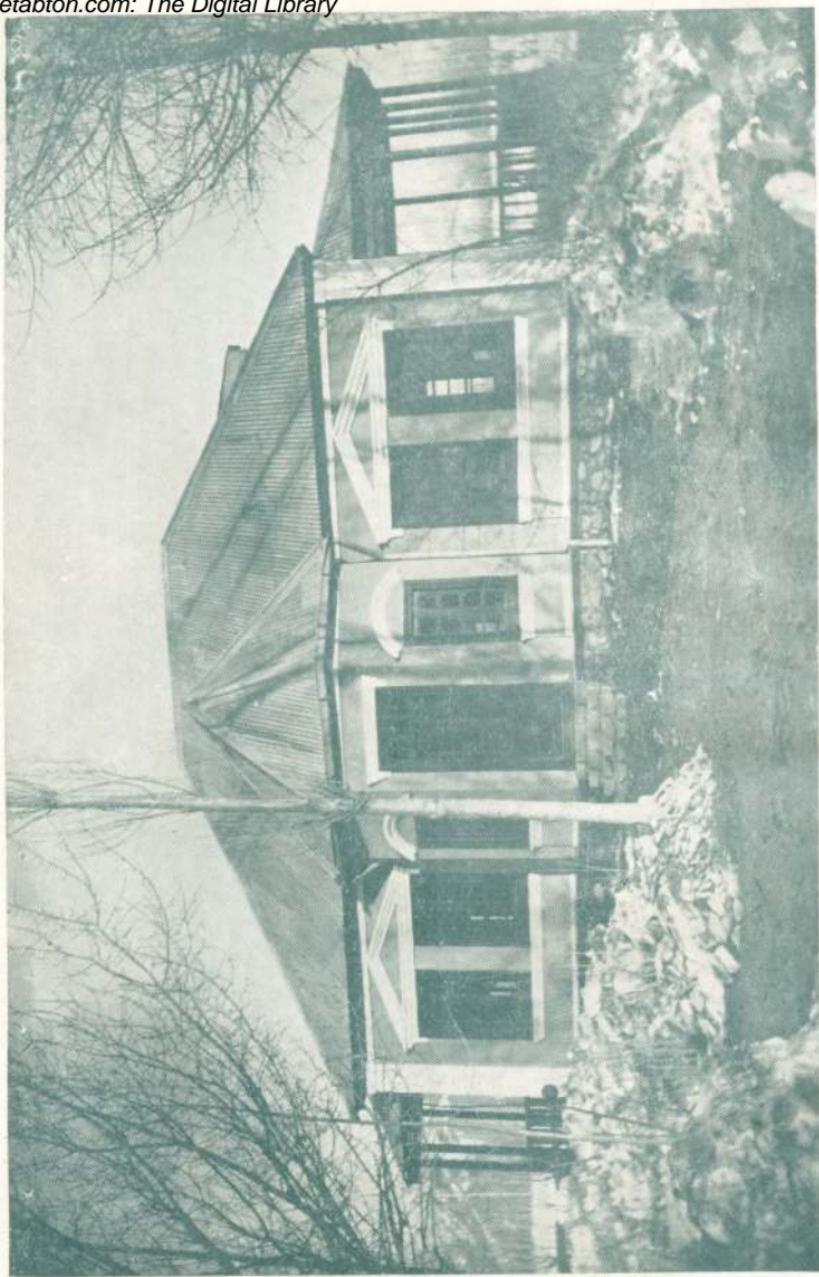
نويٰ سکه پشينه با في قند هار : ماشين هاي فشار پشم
Nouvelle fabrique de lainage à Kandahar : Les machines pour presser la laine



از عمرانات جدید ولایت فندهار، یکی از عمارت‌های حکومتی که در عصر اعلیحضرت الملوک علی‌الله ساخته شده
KANDAHAR
Immense des bureaux de gouvernement nouvellement construit à KANDAHAR

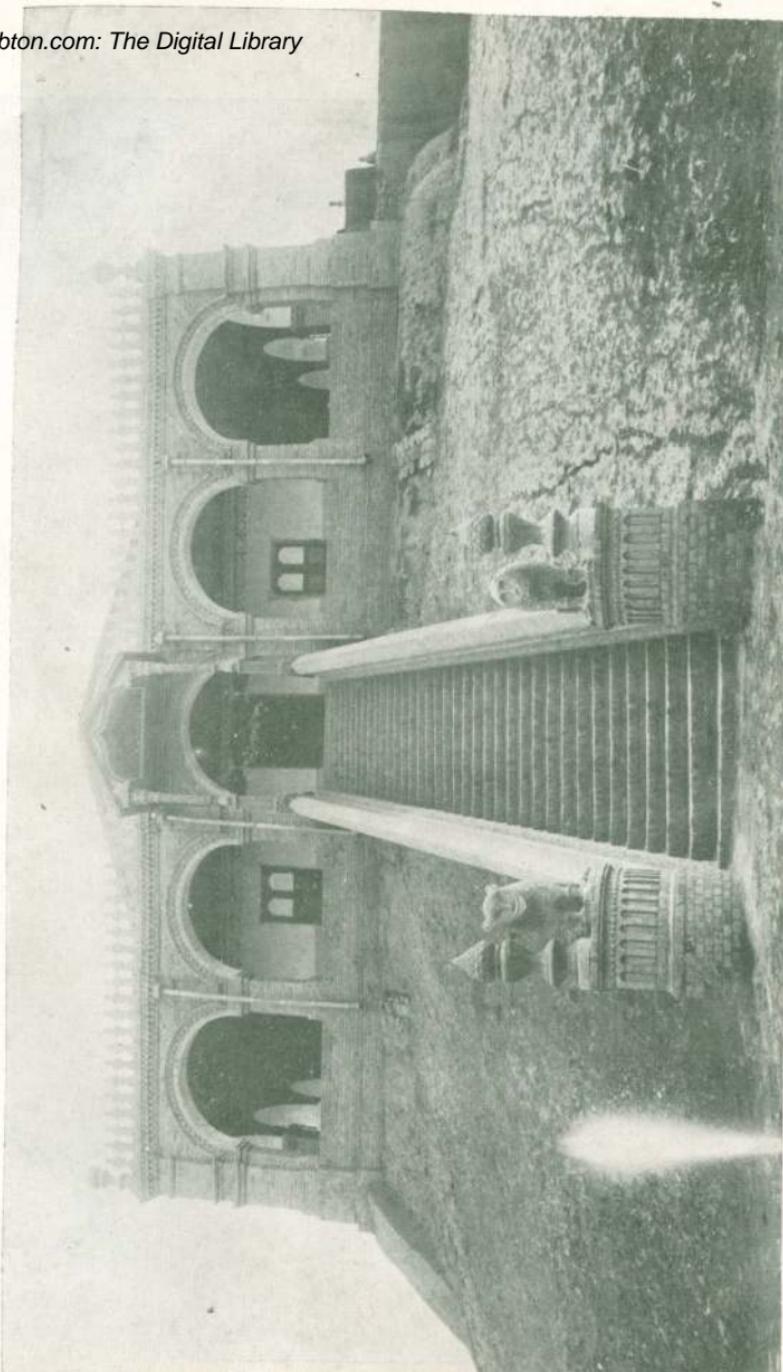


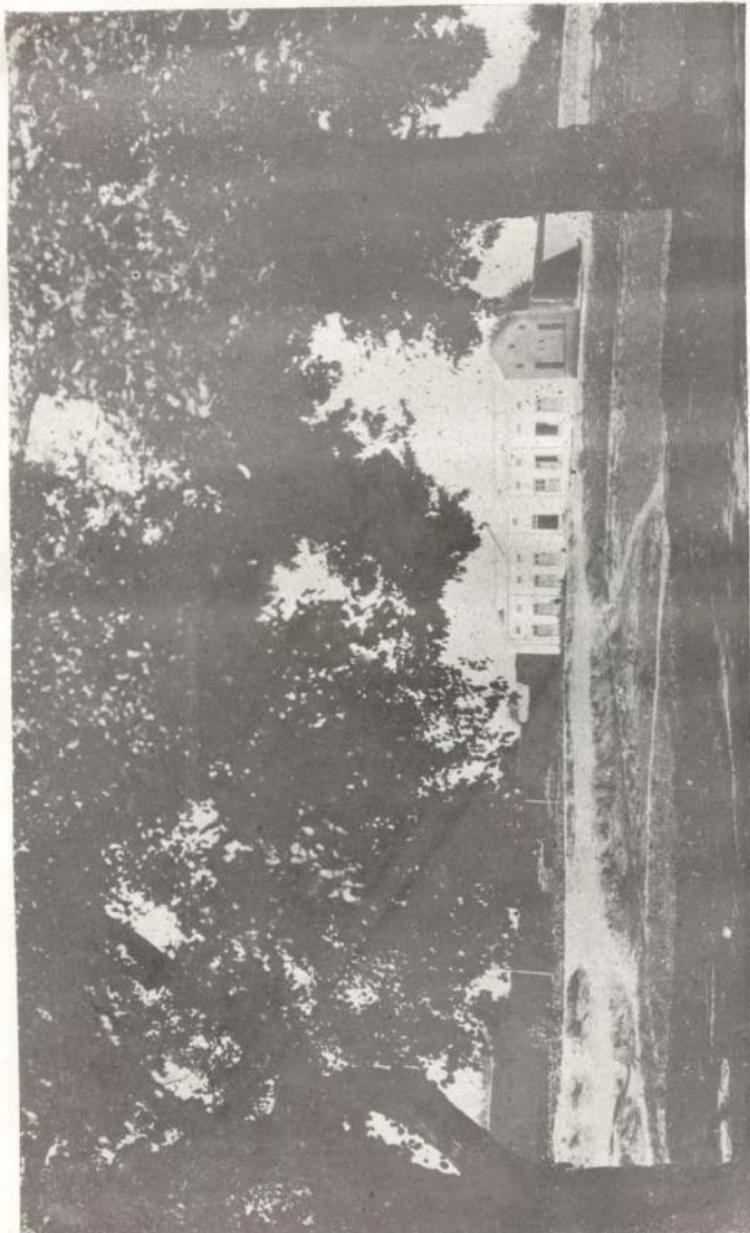
از عمرانات جدید ولایت فردیهار : بات حصه اور کمر خاکه بشمنه باقی جدیده اتنا سپس
Nouvelle usine de lainage à KANDAHAR



فُنُون
خانهٔ جدید واقع در دارالفنون
Café nouvellement inauguré à Daroul-Founoun (Kaboul)

از سه مرا رات جدید حکومت اعلای مینه : هتل عصری در آندخوی
Hotel moderne nouvellement construit à Andkhoï (Prov. de MAIMANAH)





از عمر ایالت جدید حکومت اعلای میمه: هتل عصری که در عهد سلطنت اعلیحضرت همايون تعمیر شده
Hotel moderne nouvellement construit à Maimanah

اجرا آت دوازه مملکتی

۴ - در حکومتی درجه سوم چاه آب بدخشان امسال یک عمارت جدید تیار شده که این عمارت از حیث موقعیت و اصول ساختمان و وسعت آباد خود خیلی قابل توجه ودارای (۶۱) اطاق مختلف و به وضیحت درستی آباد شده است علاوه ازان که در سلسله عمارت‌های کور ادارات حکومت، مالیه عدلیه، خزانه، کوتولی وغیره اقامت می‌ورزند یک عمارت درستی برای مکتب ابتدائیه آنجا هم با آن الحق یافته است .

۵ - در حکومتی رستاق امسال یک عمارت جدید آباد و یک باغ‌موزونی به سلسله آبادیهای آن علاوه گردیده که درین عمارت جدید گذاره همه مامورین حکومتی بوجه درستی می‌شود . علاوه بران یک باب مکتب ابتدائیه در قریب جای حکومتی تیار شده که این سلسله عمارت‌یکی از بهترین عمارت‌های امساله ولایت قطعن و بدخشنان شمرده می‌شود .

۶ - در علاقه داری خواجه غار مربوط حکومت تالقان یک بنای جدید دارای یک سلسله عمارت‌های منتظم است در مرور امسال آباد گردیده است .

۷ - تعمیر یک عمارت جدید برای علاقه داری بر که مربوط حکومت نهرین که مطابق نقشه عمارت‌های قندوز و اشکمن یک سلسله عمارت‌های شنیک و متین برای علاقه داری مذکور آباد گردیده و نیز از هگذراینکه در منطقه بر که بازار درستی موجود نبود ، در ضمن ترتیب نقشه‌های علاقه داری بر حسب خواهش اهالی نقشه احداث یک بازار جدید مطابق نقشه عصری در جوار علاقه داری ترتیب شده این بازارکه دارای (۴۰) دکان و (۲) کاروان سرای میباشد هم دوش جای علاقه داری آباد گردیده است .

د : حکومت اعلایی مشرفی :

- ۱ - در سال ۱۳۱۰ کار تعمیرات شهر نو جلال آباد بیشرفت زیادی کرده و قسمت بزرگ عمارت دولتی و رعیتی پایه تکمیل رسیده است . چنانچه بعضی اهالی و دکان داران در آن جام مکون شده اند و نیز جاده های شهر مذکور که بصورت عصری اعمار یافته زیر کار گرفته شده و پخته کاری میشود .
- ۲ - بنای سراج العماره که یکی از عمارت بسیار عالی و قشنگ جلال آباد است و در وقت انقلاب سوخته بود ، درین سال کار تعمیر آن آغاز و خیلی بیشرفت کرده است .

ه : حکومت اعلایی میمنه :

- ۱ - تعمیر مددیریت خارجه که مطابق نقشه مهندسین بصورت عصری ساختمان شده در ظرف سال تقریباً خانم یافته است .
- ۲ - عمارت تبلگر افتخانه که مطابق نقشه مهندسین تعمیر یافته در عرض سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده .
- ۳ - تعمیر جدید حکومت پشتون کوت که مطابق نقشه و اصول عصری کار شده و تا آهن پوش رسیده عنقریب تکمیل میباشد .
- ۴ - تعمیر شفا خانه ملکی که بقرار نقشه مهندس تحت کار است و کار تهداب آن تا کرسی اکمال گردیده .
- ۵ - تعمیر دائم سر رشته داری اعلی مطابق نقشه و اصول عصری تحت کار آمده ساختمان آن تا کرسی رسیده .
- ۶ - ساختمان یک عمارت عصری برای احتیاجات حکومت در داخل شهر میمنه که در سال ۱۳۱۵ مطابق نقشه اصولی اعمار و تکمیل گردیده و

اجرا آت دو ائمہ مسلمانی

- کو توی و موئر خا نه و بعضی ملحقات دیگر آن تحت کار میباشد .
- ۷ - بازار جدید بجانب غربی شهر مینه که به اصول مهندسی تعمیر شده اکثريه د کا کین آن اکمال یافته .
- ۸ - عمارت هوتل جدید در اندوخوي که بصورت عصری ترتیب شده .
- ۹ - بالاحصار مینه که برای ساختمان عمارت حکومت اعلی تعین شده و در سال ۱۳۱۵ تسطیح آن بعمل آمده .
- ۱۰ - بالاحصار اندخوي نیز که برای عمارت حکومتی آنجا در نظر گرفته شده کار ساختمان مذکور آغاز گردیده است .

شعبه برق :

- ۱ - تأسیس يك فابریکه برق آبی بزرگ بقوت (۳۰۰۰) کل بوت جهت توزیرات آینده شهر کابل و تسویر کار خاه جات مختلفه - و ساختمان بند آن به وضع دره خوات چک ورد که درین سال از یک طرف برای خریداری فابریکه اقدامات لازمه بعمل آمده و از طرف دیگر کارات ابتدائی تعمیر مذکور مطابق نقشه مهندسین شروع شده و تفصیل کارهای اجرا شده گی امساله مذکور قرار ذیل است :
- ۱ : خریداری اراضی کارآمد ساخت تحویلخانه ها .
- ۲ : تهییه سامان تعمیریه از قسم بیل و کلند و جراثمال وغیره .
- ۳ : تهییه مصالح از قبیل سمنت و چله و ریگک و جوب ارجه و تیرهای چوبی و آهنی وغیره .
- ۴ : گشتن دن دریا از موضع اصلی که در زمین زرا عتی طول ۲۴۷ متر و عرض ۱۱۰ متر و ۹۳ سانتی و عمق ۱۰۰ متر و ۶۷ سانتی حفر و نمام شده .

- ۵ : کشیدن و صاف کردن تهداب حصة بند که خاک رزاعتی مطابق هدایت مهندس کشیده و صاف شده به طول ۳۰۵ متر و عرض ۵۶ متر تمام شده .
- ۶ : تحویل خانهها و جای برای مامورین و جای رهایش برای مهندسین هم عنیجه ساخته و تکمیل گردیده .
- ۷ - تعمیر یک برج جهه (ترنسفارمر) برق به پل سرک چمن حضوری که به اصول جدید ساخته شده ، کار آن تکمیل گردیده .
- ۸ - اقدامات برای تاسیس یک فابریکه برقی آبی در جلال آباد جهه تنویر شهر مذکور و تدویر کار خانه های لازمه که فابریکه مذکور در جوار نهر شاهی جلال آباد ساخته خواهد شد .
- ۹ - اقدامات برای توسعه برج برقی فابریکه برق جبل السراج و خریداری یکپایه ماشین جدید بقوت (۹۶۰) کلیوانت که در شرف نصب میباشد سپس ماشینهای مسابقه را میتوان کرد .
- ۱۰ - خریداری یکپایه ماشین دیزل بقوه (۳۰۰) اسب برای تقویت فوهة برق کابل که عنقر بب نصب خواهد شد چنانچه جای نصب آن نیز در مرکز برق کابل ساخته شده .
- مقرر یها و ترفیعات جدید وزارت فوائد عامه :

ص ، محمد حسین خان سرکاتب مدیریت عمومی فابریکات بمدیریت گوگردسازی .

« ، امیر محمد خان مدیر گوگرد سازی بمعاونی مدیریت عمومی فابریکات .

« ، محمد ابراهیم خان مامور فابریکه نخ تابی جبل السراج بحیث مدیر فابریکه مذکور

« ، میر صاحبخان بمدیریت اجرائیه فابریکه نساجی .

« ، محمد اسلم خان » » بوت دوزی .

« ، مددخان سابق مامور معابر جنوبی بمدیریت معابر مذکور که جدیداً مدیریت شده .

« ، محمد عمر خان مامور معابر ولایت قندھار ترقیعاً بمدیریت معابر ولایت هرات .

احرا آت دوازه مملکتی

- ص، محمد اصغر خان ب مدیریت معابر ولايت فند هار .
» ، غلام رسول خان مامور معابر مزار شریف ب مدیریت معابر مذکور که
جدیداً مدیریت شده .
» ، عبد الوکیل خان مامور معابر مشرقی ب مدیریت معابر مذکور که جدیداً
مدیریت شده .
» ، صالح محمد خان ب مدیریت جدید التاسیس معابر ولايت قطعن .
» ، محمد کبیر خان مهندس ترقیعاً ب مدیریت حصة ولايت کابل سرک مشرقی .
» ، محمد حسن خان ب ماموریت جدید التاسیس فابریکه برق واقع وردک .

امور صحیه

در چریان سال ۱۳۱۵ بتأسی از نظریه حکومت بهینخواه وزارت صحیه
تا جاییکه توانته به اجرا و تطبیق امور صحیه عمومی توجه لازمه خود را
معطوف ساخته آنچه نوافضیکه خلاف مقررات صحی به نظرش بر خورد
در اصلاح آن از هیچگونه اقدامات خود داری نه نموده - و از طرف دیگر
نظر به نقشه و پروگرام مجوزه خود در رفع و از آله دو نوع مرض ساری
و خیمه که شرح آن ها در آتی ذکر می شود به یاری خداوند کریم موفق
آمده است ، علی هذا در اینجا از بیانات مشروحه صرف نظر نموده به بعضی
ایضاخات لازمه پرداخته میشود :

- ۱ - در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیه توجه مخصوص خود را بطرف
نشریات صحی معطوف ساخته و بر علاوه مجله صحی ، در هر ماه به تعداد زیاد
نسخ مطبوع که حاوی مطالب مفید صحی بوده بصورت مجانی در معرض استفاده

عمومی گذاشته است . یعنی برای اینکه افراد وطن عزیز از اثرات و خوبیه امراض ساری از قبیل ، سفلیس ، و با ، سرخکان و غیره مظلوم شده و صورت دفاع آن را بفهمند وزارت صحیه چنین تجویز نموده که در هرماه از طرف دکتوران متخصص بلا اقطاع کنفرانس‌ها دائم و از طرف همان دکتور شفاهی توضیحات لازمه درین جم کثیر اهلی داده شود . چنانچه در سال ۱۳۱۵ هفت کنفرانس صحی از طرف دکتوران متخصص داده شده و همان طوریکه نسخ مطبوع کنفرانس‌های منبوره در مرکز میان اهالی توزیع شده ، بهمین ترتیب یک تعداد زیاد نسخ مطبوع منبوره به و لايات و حکومتی های اعلی و کلان وغیره فرستاده شده تا در آنجا از طرف مدیر صحیه برطبق مرکز کنفرانس ترتیب وسیس نسخ مطبوع مذکوره را توزیع کند .

۲ : - ظاهر است که امراض ساری از قبیل تیفوئید (محرقه) سرخکان ، چیچک یاغی و غیره میان کتله های بشری در هر موقع موجود بوده و برخی از افراد عائله را مورد حمله قرار می دهد . از آنجاییکه عائله ها در مواظبت اینچنین امراض آشنا نبوده و از نقطه نظر صحی نمی فهمند که با اینگونه مرض ها چطور رفتار لارم است ؛ ازین رو وزارت صحیه چنین تجویز نموده که یک تعداد محدود معلمات صنف قابله گی را بنام نماینده گان صحی تحت تعلیم قرار دهد ؛ چنانچه برای آن ها پروگرام علیحده ترتیب شده و دکتوران متخصص هر فن بتدریس آنها مشغول میباشند . کورس این نماینده گان صحی برای سه ماه تعیین شده و وظیفه آن ها تبلیغ و ارشاد صحی به عائله مريضدار می باشد ، تا با مرض بدانقرار رفتار نمایند .

۳ : - چندی قبل در محل ایک مرض مددشی شבוע یافته و برخی

اجرا آت دوازه مملکتی

از دکتران مربوط و لایت من ابر شریف از نقطه نظر سر بریات، مرض من بوره را طاعون تشخیص نموده و به وزارت اطلاع تلگراف واصل آمد. وزارت صحیه باسas اطلاعیه من بور از مرکز یک تعداد دکتورها را با ادویه لازمه به اینک اعزام نمود. قبل ازانکه جرائم مرض شیوع یابد مامورین وزارت صحیه به رفع آن موفق آمدند. بعد از معاینه با کنترول یوجی (میکروب شناسی) ظاهر گردید که مرض مذکور های لکه دار بوده و این مرض از جمله امراض مهلک بشمار می‌رود. نسبت به این مرض و چگونگی آن دایره بین المللی صحی یاریس توسط تلگراف طلب معلومات نموده. کیفیت بد انجام معلومات داده شد. چون جهه جلوگیری از شیوع مرض اطلاع والبسته بعضی از ساکنین اینک سوختانده شده بود قیمت آن پرداخته شد.

۴ - در سال ۱۳۱۵ یک مسئله دیگری که توجه وزارت صحیه را نسبت به خود معمول ساخت شیوع مرض کولرا (و با) در زرمت و نواحی فریبه آن بود. مرض کولرا دفتاً در حصة زرمت کسب ظهور نموده و همینکه بوزارت صحیه اطلاع رسیده با هیئت منظم دکتوران مربوطه مرکز را با یک تعداد افراد و اکسپین (دوای تریپ) ضد کولرا برای مبارزه به آن نظرف اعزام نمود و در ظرف مدت قابلی تمام افراد زرمت و نواحی آنجا از دوای مذکور تزییق شده و به این ترتیب ساحة انتشار مرض محدود گردیده و بعد از مدت کمی بفضل خداوند مرض منبوره بکلی مرتفع گردید.

۵ - چون تاکنون احصایی صحیح امراض ساری و مخصوصاً مالبریا (تب ارزه) بدست نیامده که در کدام حضن و نقاط افغانستان همچه امراض پیشتر موجود بوده و کدام نقطه اولتر محتاج بمدافعته میباشد، ازینرو وزارت صحیه

چنین تجویز نموده است که یک هیئت طبی را که مرکب از دکتو ران ماهر باشند بزودی ممکن در تمام نقاط افغانستان اعزام دارد تا هیئت مذکور را یور ۶ - مخصوصی در این باره توتیب دهن و باس آن وزارت صحیه بدافعه آغاز نماید.

۷ - نسبت به صورت واکسین ساختن تیفوئید (حرقه) کولرا (وبا) و داء الكلب (مرض سگ) دیوانه دریکی از عمارت دارالفنون د مطابق نقشه جداگانه تحت تو میم گرفته شده بایاره اصلاحات جزئی موسمه چیچک و واکسین گیری برای امراض فوق قائم شده است. چنانچه برای بکار انداختن آن استخدام سه نفر مستحضر از طرف حکومت متبعه منظور شده. گویا برعلو و آب چیچک که تا کنون طور فنی در موسمه با کتریو لو جی گرفته میشود واکسین های متذکرہ سه گانه نیز ازین به بعد در مرکز بدست میباشد.

۸ - چون معاینه صحی کسبه از جمله ضروریات وحتمیات بوده وزارت صحیه تماماً کسبه بازارهای شهر کابل را بمعاینه متخصصین مر بوط رسانیده بعد المعاينه راجع به صحت آن ها (بورقه مطبوع تصدیق صحت د فبلأ بهدایت وزارت صحیه، توتیب داده شده بود) ا مضای متخصصین را بطور تصدیق گرفته صورت اعطای تصادیق صحت شان را برای استحضار ریاست بلدیه ارسال نموده و بعد ازین معاینه کسبه دانیا بعمل میآید.

۹ - برای رفاه اهالی چنین تصویب شده که از جهاد دواخانه های مرکز در ۴ ساعت شبانه روزی دو دوا فروشی حتماً باز باشد، چنانچه در اثر این تصویب هر شب دو دوا خانه مفتوح بوده و فبلأ نوبت هر دوا خانه که باشد ذریعه روزنامه جبهه اطلاع عموم خبرداده میشود تا حاجتمندان با آن رجوع نمایند.

۱۰ - چون در مملکت عنزیر ما در اکثر نقاط چشم های آب معدنی

اجرا آت دوائر مملکتی

وجود دارد وزارت صحیه ماهیت آب های منبور را تحت تجزیه و دقت قرار داده خواص و فوائد آبهای مذکور را معلوم میدارد، اینکار در حال چریان است بعد از تحقیقات، آب های مفید در معرض استفاده گذاشته و طریق استفاده کردن و فوائده آن باطلاع عموم رسانیده میشود.

۱۰ - چون در اکثر مواضع مملکت عنیز جراحت و طنی بصورت غیر فی باجرای عملیات مهم جراحتی مباردت میورزیدند و وزارت صحیه ایشان را مورد امتحان قرار داده کسانیکه اهلیت این کار را نداشتند از شغل شان مانع آمده تعلیم و اشخاصیکه نسبتاً در خور تعلیم دیده شدند آنها را برای تحصیل در نزد متخصصین گماشت تا پس از تحصیل اجازه نامه حاصل دارند.

۱۱ - راجع به اجرای کار آبله کوبهای وطنی وزارت صحیه ترتیبات اصولی اتخاذ نموده یعنی آبله کوب های منبوره بمرکز آمده بعد از گرفتن تعلیم اصولی آبله کوبی از طرف وزارت صحیه آب چیزیک بصورت مجانی برایشان اعطاء شده بکار خود شان مجاز میشوند و حق الرجه از اهالی اخند مینمایند.
۱۲ - در طول این سال وزارت صحیه به افتتاح مؤسسات صحی ذیل موفق شده است :

- الف - افتتاح شفاخانه یغمان و تعین مأمورین و مستخدمین آن .
- ب - افتتاح شفاخانه اسراض قلیه و حصیه به عمارت جدید التعمیر آن در علی آباد و تعین مأمورین و مستخدمین آن .
- ج - افتتاح سنا توریم زنانه در موضع دارالفنون و تعین مأمورین و مستخدمین آن .

۱۰ - افتتاح مؤسسه دندان سازی مستورات درده افغانستان کابل و تعین مامورین و مستخدمین آن .

۱۱ - افتتاح ادویه فروشی مرکزی در دوا خانه عمومی در جاده شاهی .

۱۲ - افتتاح یک کتابخانه در مرکز وزارت صحیه .

۱۳ - آب چیچک که بوسیله اداره مربوطه آن ساخته می شود (چنانچه شرح آن را درسال گذشت به سالنامه منتظر شده بودیم) از طرف وزارت صحیه وقتاً فوقاً جهت آبله کوبی اطفال و همچنان برای مبارزه برعلیه آبله های یاغی بولایات و حکومات اعلی ارسال میشود چنانچه اینکار تا اندازه خوبی مفید واقع شده و از تلفات این مرض موذی جلو گیری بعمل آمده است .

۱۴ - برای رفاه و مناعات صحت عامه یکمقدار پول زیاد ازفیس یعنی مواجب واجب ارادی مرباضانیکه مکف به پرداخت اجرت شفاخانه ها بودند کم کرده شده واژین روختیلی به مرباضانیکه پول مصارف ادویه و خوراک می پرداختند سهولت بیش شده است .

۱۵ - چون ز هر نسکپور و کچله از طرف عطارها بفروش می رسد وزارت صحیه راجع بفروش هر دو نوع ادویه حسب اصول صحی دستوری اتخاذ نموده ذریمه ریاست بلدیه کابل و مدیریت های صحیه ولایات و حکومات اعلی و کلان اجرای آن را برای عطارها توصیه نموده .

۱۶ - راجع به قطبیه هایها که در هر یک اطاق چند قطبیه برای استحمام کشند گران موجود باشد وزارت صحیه حسب مقررات صحی ترتیبی را اتخاذ نموده برای است بلدیه بیشترها داده است .

۱۷ - راجع به مصادیق امراض ساری وزارت صحیه بدکتوران مرکز

اجرا آت دوائر ملکتی

ا بلاغ نموده تا کدام مرضی که مرض مسری داشته باشد از صورت مرض و هویت مرضی مذکور را پور بدنهند که شخص مرضی به سنا توریم‌ها، و شفا خانه‌ها برای علاج خواسته شود.

۱۸ - چون حسب معمول جاریه خشکانیدن انبار بالای بام جام‌های شهری از طرف عمله جام‌ها بعمل می‌آید وزارت صحیه این عمل آن‌ها را خارج مقررات صحی دانسته توسط ریاست بلدیه آنها را از این نوع خشکانیدن انبار ممانعت نموده.

۱۹ - در موسم تابستان به ترتیب همه ساله از طرف بعضی اشخاص آبغوره‌ها در هر یک از مواقع شهر ساخته شده بود وزارت صحیه این آبغوره‌ها را خلاف مقررات صحی پنداشته ذریعه ریاست بلدیه آن‌ها را منوع فر اراده.

۲۰ - وزارت صحیه برای تحفظ اصولی میوه از ذرات و نشستن مگسها و انسداد فروش میوه خام و گندیده که بمضرت صحت عامه ذی تأثیر بوده مقرر اتی صحی و ضم نموده و بر ریاست بلدیه سپرده است.

۲۱ - حسب ضرورت اهالی وزارت صحیه ادویه فروشی‌ها و دندان‌سازهارا بمواضع مختلفه شهر تقسیم نموده است.

۲۲ - اصولنامه دواخانه‌ها که در سال ۱۳۱۴ از طرف وزارت صحیه تدوین شده بود بعد از آنکه در این سال صراحت اصولی خود را طی نموده بامضای اعلیحضرت ملوکانه موشح گردید، از طرف وزارت صحیه بدואר وزارات، ولایات، حکومات اعلی و کلان وادیه فروشی‌های شهری توزیع واجرای مواد مندرجہ اصولنامه مزبوره بعوم دواخانه‌ها توصیه و تطیقات آن تحت اجراء گرفته شده.

- ۳۳ - مطابق اصل (۲۰) اصول نامه‌ها فهرست اسامی دکتوران و معاونهای دکتور که به اجرای نسخه از طرف وزارت صحیه مجاز شناخته شده‌اند ترتیب و بدواخانه‌ها ابلاغ گردیده تا باستانی آن‌ها نسخه شخص دیگر را مرعی‌الاجرا نشانستند.
- ۳۴ - طبق ماده (۳۹) اصول نامه دواخانه‌ها بعد از سیری شدن سه ماه از انتشار اصول نامه مزبوره از طرف اداره تدقیق مدیریت مشاوره فنی وزارت صحیه تدقیقی از دواخانه‌های شهری بعمل آمده نتیجه تدقیق ذریعه جرائد و طنی برائی استحضار عامه بمنصبه اشاعه رسانیده شده.
- ۳۵ - «واکسن» و «سیرم» و ادویه‌های مفیده از طرف وزارت صحیه برای حاجتمندان بدواخانه مزکری بعرض فروش گذاشته شده است تا بقیمت مناسب از آنجا باز یافت دارند.
- ۳۶ - راجح به تهیه و ساختن آب مقتدر بداخل دواخانه عمومی که در سال گذشته وزارت صحیه داخل اقدامات شده بود، بالاخره به ساختن آب مزبوره به این سال موفق آمده بمقدار زیاد آب مقتدر ساخته میشود و بدواخانه‌های شهری بفروش می‌رسد و هم عموم دواخانه‌ها آب مزبوره مورد استعمال قرار داده شده است.
- ۳۷ - راجح به تورید ادویه خمرده و صورت معرف آن وزارت صحیه اصول نامه ترتیب داده است که بعد از طی مراتب اصولی در ساحة عمل گذاشته میشود.
- ۳۸ - در دین سال یکمده فارغ التحصیلان دوره (دوم) مکتب طبی از طرف وزارت صحیه به امور صحی بمرکز ولایات و حکومات بصفت مدیر و مامور و معاون دکتور موظف شده و تنها دو نفر آنها برای تحصیلات عالی به فاکولتة طبی شمل شده‌اند.

اجرا آت دوازه مملکتی

۲۹ : - برای اینکه در مملکت عزیزیاک موسسه اکسیر یز عصری با تمام آلات و ادوات آن قسمیکه در مملکت دیگر است موجود باشد واردت صحیه در اثر تو جهات فیضدار حکومت متبعه را جم به تهیه و انتیاع آن از اروپا داخل اقدامات شده است که در سال آینده دارای اکسیر یز جدید و عصری علاوه بر اکسیر یز سابقه خواهیم بود .

۳۰ : - چون در دواخانهای ضرورت زیاد ساخت کپوندر (دواسان) محسوس شده بود وزارت صحیه انظر به ضرورت آنی آن ها یکعده شاگردان کپوندری شفاخانه ملکی و کپوندران فعلی شفاخانه های مرکزی را در تحت تعلیم جانب دکتور انور علیخان بروز های معینه قرار داده کورس کپوندری را مجدداً در دو اخاه عمومی باز نمود چه در سال گذشته ۱۳۱۴ کورس منبور افتتاح شده بود و یکعده کپوندران بصورت قناعت بخش از کورس منبور امتحان داده کامیاب و داخل کار شده بودند .

۳۱ : - با غ نباتات واقع علی آباد در سال ۱۳۱۴ در تحت کار گرفته شده بود، بعد ازا نیکه مرتبه های با غ منزور ساخته شد از طرف وزارت صحیه بسا نهایا و گل هاییکه تخم آن از اروپا تهیه شده بود غرس و نمایه شده چنانچه با غ منزور در این سال رونق تازه بدامنه کوه علی آباد بخشیده است .
۳۲ : - راجح به کنترول ارادیه مخدره که بعدازین تاجر ان وارد کرده نمیتوانند از طرف وزارت صحیه مقرر اتی وضع شده است .

۳۲ : - برای استفاده اهالی، وزارت صحیه را جم به تعداد و تکثیر دواخانه های خصوصی در هر یاک ازو لایات و حکومات توجه تجارت واشنگن مستعد را معطوف ساخته وقتاً فرقنا برای اجرای این منظور از هیچ گونه تشویق خود داری

تندوه است . تا اینکه دواخانه های متعدد در میان کز و لايات هرات ، قندھار و حکومت اعلایی مشرقی و جنوی و میمنه و حکومت کلان شمالی و غزنی افتتاح و شروع به کار نموده اند .

۴۲ - با ترویج مقام منیع صدارت عظیم و تحریک و افاده از وزارت صحیه یکمقدار بول هنگفتی بطور اعانه برای اعمار شفاخانه های عصری از طرف ولايات و حکومات متذیله جم آوری شده است :

ولايات قندھار و حکومات مربوطة آن (ارزگان ، فلات ، پشت رود) هرات و حکومات مربوطة آن (بادغیسان ، غورات ، غوریان ، سبزوار) مزار شریف و حکومت کلان مربوطة آن (شهرغان) فقطن و حکومت کلان مربوطة آن (بدخشان) مشرقی و حکومت مربوطة آن (کنراها) حکومت اعلایی میمنه ، حکومت کلان شمالی ، لوگر ، دایرنگی . چنانچه اعمار برخی ازین شفاخانه های ولايات و حکومات در این سال تحت تعمیر بوده که بسال ۱۳۱۶ به پایه تکمیل خواهد رسید و یکار تعمیر بعضی دیگر به اوائل سال ۱۳۱۶ آغاز میشود . نقشه شفاخانه های حکومات مربوطة ولايات موصوفه از طرف وزارت صحیه باصول فنی ترتیب و فرستاده شده است .

۴۵ - راجع بمسئله آبله کوبی ولايات و حکومات اعلایی و حکومات مربوطة آن ها وزارت صحیه بهر یک سمت ، مامورین سیار آبله کوب را در این سال موظف ساخته تا در وقت شروع چیچک در رفع و ازاله آن بپردازند و علاوه آبله کوب های وطنی را نیز به تعلیم اصولی آبله کوبی مجبور ساخته . تا بعد از مورین آبله کوبی کمک نمایند . آب چیچک بطور مجانی برایشان وقتی قوقتناً ارسال می شود .

اجرا آت دوازه مملکتی

۳۶ : - در سال ۱۳۱۵ وزارت صحیه خال زدن چیچک را عمومی فرار داده تمام ولایات و حکومتی های خورد و بزرگ دستابر لازمه با یکمقدار کافی آب چیچک ارسال نموده تابلا استثناء صغير و كبار خال چیچک زده شوند و گو يا بدين و سبله وزارت صحیه می خواهد تمام نقوس افغانستان بحال زدن معتاد شده و نسل آينده بسهولت به طریقه خال زدن معتاد باشند . در مرکز هم برای اشخاص صغير و كبار ترتیبات لازمه گرفته شده تا آن ها که مدت خال زدن شان منقضی شده باشد بار دوم و سوم به خال زدن مبادرت نموده و خود هارا از تهلهکه مرض چیچک و بائی نجات دهند .

۳۷ : - در سال ۱۳۱۵ در مؤسسه چیچک تحت نظرات جناب دکتور زهدی پیگ میکروب شناس کورسی افتتاح و در آن جا طریقه گرفتن آب چیچک از گو ساله و صورت استعمال و خال زدن آن در اطفال عیناً مانند يك داکتر به طلاب من بوره تدریس و گو رس من بوره بصورت موفقاًه تعليمات خود را انجام داده و فعلآ برای انجام وظیفه حاضر میباشند . و باید خاطرنشان کرده شود که کورس من بوره دائم بصورت مسلسل جریان خواهد داشت .

۳۸ : - وزارت صحیه در سال ۱۳۱۵ نسبت به آبله کویی توجه شخصوص خود را مبذول نموده و در ظرف این سال تعداد خال زده گان آب چیچک بالغ به ۷۲۸۳۹ نفر می شود و علاوه برای تعداد (۴۲۰۰) نفر تازه آب چیچک فرستاده است . گو ياسر جم خال زده گان چیچک در ظرف سال ۱۳۱۵ بالغ بر يك (۱۰۵,۰۰۰) نفر می شوند .

۳۹ : - استخدام دکتورس و شویستر (پرستاره) آنمانی برای نفاخانه مستورات .

- ۴۰ :- افتتاح ماموریت های صحیه جدید در سه حکومتی های ذیل :
- الف : حکومتی کلان گرشك مربوط ولايت قندھار .
 - ب : حکومتی کلان بدخشان مربوط ولايت فطفن .
 - د : حکومتی کلان کنراها (اسمار) مربوط حکومتی اعلای مشرقی .
- ۴۱ :- اقدام نسبت به استخدام ۴ نفر متخصصین برای ولايات وسیاری .
- ۴۲ :- اقدام نسبت به استخدام ۳ نفر مستحضر برای توسعه مؤسسه باکتریولوژی (میکروب شناسی) .
- ۴۳ :- اقدام نسبت به استخدام یکنفر « پرو تیزین » برای مؤسسه های دندان سازی مردانه وزفانه .
- ۴۴ :- استخدام شویستر « مارگا » برای رفقی سناتور یم و عوض « مادام نیلی نایف » سرپرستاره سابقه که فرار دادش ختم و مرض شده .
- ۴۵ :- اقدام راجع به استخدام یکنفر پرستاره برای شفاخانه ملکی مرکزی .
مقرر یها و ترفیعات جدید وزارت صحیه :
- ص ، محمد علیخان کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مدیریت صحیه ولايت هرات بشفاخانه ملکی بصفت معاون دکتور و فعلاً بهمان صفت به کفالت مدیریتدواخانه عمومی مرکز .
- « نصرالله خان کفیل مدیریت صحیه و معاون دکتور مدیریت صحیه جنوبی بکفالت صحیه و معاونی دکتور مدیریت صحیه سمت شمالی .
- ص ، محمد نبی خان ، معاون دکتور شفاخانه ملکی بصفت کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور در مدیریت صحیه او گر .
- ص ، سلطان احمد خان کفیل مدیریت صحیه و معاون دکتور فراه بعدیریت صحیه غزنی .

اجرا آت دوائر مملکتی

- ص ، عبدالنبی خان کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مدیریت صحیه غزنی به صفت کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مدیر صحیه هرات ،
- د ، میرزا محمد خان معاون دکتور شفاخانه ملکی بصفت کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور مزار شریف .
- « ، عبدالرحیم خان کفیل مدیر صحیه سمت شمالي بکفالات مدیریت صحیه و معاونی دکتور ولايټ قطعن .
- « ، عبدالغفور خان فارغ التحصیل سال جاري مكتب طبی بکفالات مدیریت صحیه و معاونی دکتور سمت چنوبی .
- « ، میرمحمد شریف خان معاون دکتور رفقی سنایزیم بکفالات مدیریت صحیه و معاونی دکتور مدیریت صحیه میدنه .
- « ، عبداللطیف خان ، معاون دکتور شفاخانه ملکی مرکزی بصفت کفیل مدیر صحیه و معاون دکتور بمنابعیت صحیه فراه .

امور مخابرات

وسائل مخابرات که یکی از ترکیه ای شعبات حیات مدنی را تشکیل میدهد هما نظوری که درین چند سال گذشته ترقیات شبابان و بیسابقه نموده در سال ۱۳۱۵ نیز مراحل ترقی و تکامل خود را پیموده وزارت یست و تلگراف و تلفون درین سال قدمهای سیار مهم وجدی در راه نعمیم و سائل مخابره در تمام مملکت برداشته است ، خلاصه اجرا آت سال ۱۳۱۵ وزارت من بورفار ذیل است :

الف - شعبه ارتباط خارجی :

۱ - عقد مقاوله تبادله تلگرافی راجع به حل مشکلات متعلقه به محصولات تلگرافی همراه هند وستان .

سالنامه ۵ کابل

۲ : - لفو پول دیپوزت (پیشکی) که سابقاً برای مخابرات تلگراف از راه هند، در پشاور گذاشته میشد و بدون آن تلگرامها به مأموری هند صادر شده نمیتوانست. اکنون این نقیصه کاملاً در اثر اقدامات وزارت پست بر طرف مقاومه مندرجۀ فقرۀ اول حسابات جاری را ما بین دو اثر تلگرافی افغانستان و هند برقرار کرده است که آینده هیچ شخص مجبور به داشتن پول پیشکی در هند نتواند بود.

۳ : - ترتیب فهرست مخصوص لات هوانی صادره بخارج.

۴ : - ترتیب فهرست مخصوص لات تلگرامها از راه هند.

۵ : - « مکاتیب واردۀ خارجه.

۶ : - « اسمی دفاتر پستی افغانستان و اشعار آن بدفتر پوستی بین المللی برن.

۷ : - تبدیل نرخ انتهائی تلگرافی افغانی از ۲۵ سانتیم به ۳۰ سانتیم فرانل سویسی.

۸ : - حل مسئله عقد قرارداد پستی و تلگرافی با دولت علیه ایران.

۹ : - تمهیه و ترتیب جداول پستی.

ب : شعبه تلگراف و تیلفون :

الف : ولایات کابل :

۱ : تمدید و توسيع خطوط تیلفون کبل (از زیرزمین) در داخل شهر گه نسبت بسال گذشته بقدر (ثلث) اضافه شده.

۲ : نصب یک تعداد تیلفون های جدید بدرواز دولتی و خانه ها و مقاومه های شخصی.

اجرا آت دوائر ملکتی

- ۳ : تمدید سیم تیلفون از سیم عمومی فنر هار تا نقطه تعمیر فابریکه برق بمقام پلاک وردک بمسافة (۲۷ کیلومتر).
- ۴ : تعمیر یک عمارت عصری برای تلگرافخانه دایزنگی.
- ۵ : تعمیر یک عمارت بزرگ که در یکه توت برای نصب دستگاه ارسال تلگراف بی سیم که با تمام نقاط دنیا مصدر خبره میباشد.
- ۶ : تعمیر یک عمارت بزرگ در مهتاب قلعه برای نصب دستگاه اخذ تلگراف بی سیم که با تمام نقاط دنیا مصدر خبره میباشد.

ب ولايت قند هار

- ۱ - تمدید سیم تیلفون جدید از تیرین الی علاقه داری چوره، و از علاقه داری چوره تا حکومتی گزار به پایه های چوبی و سیم ۳ ملی متره به مسافة (۱۱۰ کیلومتر)، و نصب تیلفون به علاقه داری چوره و حکومتی گزار.
- ۲ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز قند هار تاعلاه داری پنجوائی به مسافة (۳۰ کیلومتر) به پایه های سمعتی جدید سیم ۳ ملی متره (از پول اعانت ملی).
- ۳ - امتداد سیم تیلفون جدید از اروزگان تا اجرستان که در سال گذشته شروع گردیده بود و در سنه ۱۳۱۵ تکمیل گردیده بمسافة (۹۰ کیلومتر پایه های چوبی و سیم ۳ ملی متره)، و نصب تیلفون در مرکز حکومتی اجرستان.
- ۴ : امتداد سیم تیلفون جدید از حکومت کلان فلات تادایه و چوبان که در سال گذشته شروع گردیده بود و در سنه ۱۳۱۵ تکمیل گردیده بمسافة (۱۰۵ کیلو متر به پایه های چوبی و سیم ۳ ملی متره)، و نصب تیلفون در مرکز حکومتی دایه و چو پان.
- ۵ : تمدید سیم تیلفون جدید از تیرین تاده راود که آنهم در سال گذشته

سالنامه «کابل»

- شروع و در سال ۱۳۱۵ تکمیل گردیده به یاوه های چوبی و سیم ۴۰ کیلومتر بمسافة (۵۰) کیلومتر . و نصب تیلفون در مرکز حکومتی دهراود .
- ۶ : - تعمیر اطاق (۱ میلفا نیم) یعنی آله بلند کننده صدا که تعمیر مذکور تکمیل و ما شین هم نصب گردیده چنانچه به نسبت آن خبرات تیلفونی یان قند هار و کا بل به سهولت در جریان است و صدا نسبت به سابق خیلی بلند تر شده .
- ۷ : تعمیر اطاق (۱ میلفا نیم) در مرکز قندهار (قریب اختتام است)
- ۸ : تعمیر اطاق (۱ میلفا نیم) در گرناک (بنازگی شروع شده)

ج : ولایت هرات :

- ۱ : تکمیل عمارات تلگراف خانه بیسیم .
- ۲ : تکمیل عمارات مدیریت خبرات .
- ۳ : تهدید سیم تیلفون از حکومتی سبزوار تا کلاته نظرخان بطول (۱۲) کیلومتر .
- ۴ : تهدید سیم تیلفون از حکومتی غور یان تاموسی آباد بطول (۸۵) کیلومتر .
- ۵ : تهدید سیم تیلفون از اسلام قلعه تادهنه ذوق الفقار بطول (۵۰) کیلومتر .
- د : ولایت مزار شهر یاف :

- ۱ : تهدید یک سلسه سیم های تیلفون در داخل شهر و نقاط اطراف و نصب یک تعداد تیلفون های جدید در مرکز منار شریف بدوان وغیره .
- ۲ : تعمیر یک عمارة عصری برای تلگرافخانه مرکز مزار شریف .

ه : ولایت فطمن و بد خشان :

- ۳ : تهدید سیم تیلفون از دشت رو به تا فرخار بطول ۱۰ کیلومتر .
- ۴ : « « از قندوز تا چهار دره » ۱۲ »

اجرا آت دوازه مملکتی

و : حکومت اعلای سمت جنوبی :

- ۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز گردیز تا مرکز جاجی بطول ۷۰ کیلومتر .
- ۲ : تمدید سیم تیلفون از مرکز خوست تا علاقه داری تنی بطول ۳۰ کیلو متر .

ذ : حکومت اعلای مینه :

- ۱ : تمدید سیم تیلفون از اند خوی تا علاقه داری فرغان تعلق اندخوی بطول ۱۸ کیلو متر .
- ۲ : تمدید سیم تیلفون از اند خوی تا خان چهار با غ تعلق اند خوی بطول ۱۸ کیلو متر .

ح - حکومت اعلای فراه :

- ۱ : تمدید سیم تیلفون از مرکز فراه تا مرکز حکومت گشگ که سیم مذکور از سیم عمومی که در سل ۱۳۱۴ از فراه آغاز و در نظر بود که به چخانسور منتهی شود درین سال به آنجا منتهی گردیده مسافت مجموعی از فراه تا چخانسور اضافه از ۱۵۰ کیلومتر است .
- ۲ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز گشگ تا علاقه داری چخانسور بطول ۲۰ کیلو متر .

۳ : تمدید سیم تیلفون جدید از مرکز گشگ تا نادعلی بطول ۲۰ کیلومتر .

۴ : نصب یکپاره تیلفون در موضع مسمی به (سلیمان) و (میل ارکی) که سیم چخانسور از آنجا عبور نموده .

ج : شبہ رست :

- ۱ : نظر به اینکه روزهای سابق پستی بنا بر کثرت تعدد و استعمال

معیوب گردیده بود برای خریداری یک تعداد مکفی موتراهای رقم جدید بر طبق نمونه که از طرف وزارت انتخاب گردیده اقدامات لازمه بعمل آمده که عقریب موتراهای منبور توسط شعبه شرکت امنیکائی (جنزال موتور) تهیه و وارد خواهد شد، ناگفته نمی‌گذاریم که در موتراهای مذکور از هر چهت اسباب و وسائل استراحت مسافرین سنجیده شده و در آن راجع به تهیه یک عدد صندوقچه مخصوصه نیز سفارش گردید شده بطوریکه صفحه خارجی صندوقچه مذکور برای نصب نمودن اعلانات و مقررات مسافرین و وظایف موتران وغیره و حصة داخلی آن برای انداختن پر فره جاییکه در آن مسافرین شکایات و صورت مشاهدات خود شان را نسبت به رویه موتران و وقوع بعضی بیش آمد ها تحریر مینمایند تخصیص داده شود.

۲- چون وجود مواهیر پستی در جریانات فعلی و آتی پستی اهمیت زیادی دارد، یک تعداد مکفی مواهیر در آلمان فرمایش داده شده.

۳- نظر به تسهیلات امور پسته رسانی یک تعداد کیسه‌های چرمی مخصوص برای پسته رسانهای بایسکل سوار و یاده در خارج فرمایش داده شده.

۴- ساقاً که پسته یعنی منار و افقچه توسط یاده حمل و نقل می‌شد و ازین رهگذر در توصل پسته فيما یعنی مدت مذکوره که اهمیت تجارتی و غیره آن مشهور است تعيیق به عمل می‌آمد اکنون سرویس موتور در یین نقاط مذکور دایر شده که در هشت ماه بهار پسته توسط موتور و درجهار ماه زمستان بنا بر بارندگی و گلولای وغیره توسط سوار چاپار پسته حمل و نقل می‌شود.

اجرا آت دوانر مملکتی

۵ - برای اینکه مطبوعات : جراید و مجلات بمقامات مردمی بجهله و سرعت توصل نماید و در مفهوم فعلی انتشار و توذیع جراید و مجلات نظر بهمان اهمیت فعلی و آنی که در حیات اجتماعی امر وزاردار تغیری بعمل نماید ازین پس جراید معنو نه تمام مراجعي که در خط سیر موثر پست واقع اند سر راست آدرس آن تعین گردیده طور مستقیم بحکومات و محلات مذکوره توذیع میشود یعنی آینده جراید اول بدانه خبرات مرکزی هر ولایت و حکومت اعلی و کلان نزفته بلکه ازین راه مرجع سیرده میشود .

۶ - تعدادیل و تعیین مقررات نسبت به معادلات پر زه های بازگشتی به میعاد مقرر .

۷ - صدور متعدد املاک را جمع به تجدید نرخنامه های ارسالات پیر نگ (مرسولاً تیکه محصول آن را مرسلاً نپرداخته و یا کمتر از اند ازه مقرره برآخته باشد و محصول از مرسل ایله گرفته میشود) که جدیداً ب مجلس بین المللی پست تصویب گردیده .

د - شعبه هوتل ها :

۱ - ساختمان یک هوتل چدید بتصویر عصری در قند هار که عمارت مذکور عنقریب تکمیل و افتتاح خواهد شد ، این هوتل به علاوه هوتلی است که فعلا در جوار عمارت متعلقة وزارت پست برای رهایش مهمانها با لوازم عصری تجهیه و آماده است

۲ - تکمیل هوتل گرشک که عمارت تمام و لوازم آن تجهیه شده است .

۳ - تکمیل سامان و لوازم هوتل جلال آباده بصورت عصری تجهیه شده است .

۴ - شروع ساختهای یک عمارت عصری بقسم هوتل دراستالف که تهداب

سالنامه « کابل »

گذاری آن صورت گرفته و مصالح تعمیریه تهیه شده و در سال آینده کار آن انجام خواهد شد.

۶ : تعین یک عمارت در خان آباد بران هوتل که در جوار عمارت ریاست بلد به واقع و در آن سامان و لوازم کافی برای رهایش مهمانها تهیه شده است.

۷ : تکمیل لوازم هوتل کابل که برای همه قسم ینزیراتی ها کفایت کرده بتواند واستخدام یات فرطاخ اروپائی از ایطالیا تا هتل مر کزی بیش از بیش وسائل رفاهیت مهمانان را فراهم سازد.

۸ : در سال ۱۳۱۵ یکچهوه خانه در یغمان و یکچهوه خانه در دارالفنون افتتاح گردیده است.

۹ : جاده و میدان مقابل هوتل کابل پخته کاری شده.

۱۰ : کرایه اطاق های هوتل کابل به مقصد رجوع مسافرین بشرح ذیل قلیل داده شده است :

۱ : اطاق درجه اول که فی روز - ۰۰ : افغانی کرایه داشت ، فی روز ۳۰ افغانی کرایه آن تعین گردیده.

۲ : اطاق درجه (۲) که فی روز (۳۰) افغانی کرایه داشت فی روز (۲۰) افغانی آن تعین گردیده :

۳ : کرایه اطاق درجه (۳) که فی روز (۱۵ و ۲۰) افغانی کرایه داشت فی روز (۱۵) افغانی کرایه آن تعین گردیده .

۴ : سفارش یک مقدار سامان زیاد بفرض اکمال لوازم هوتل های اطراف.

۵ : شعبه مامورین و تحریرات :

۶ : شعبه ارتباط خارجی و ماموریت محاسبات خارجه نظر به مطالعاتیکه بعمل

اجرا آت دوائر مملکتی

آمده در تشکیل سال ۱۳۱۵ بهم مربوط و هر دو شعبه بنام مدیریت ارتباط خارجی تشکیل گردیده است.

۲ : شعبه تلگراف و تیلفون که قبلاً سر کتابت بود در سال ۱۳۱۵ نظر بوسعت و پیشرفت امور تلگراف و تیلفون بمدیریت تبدیل گردیده است.

۳ : شعبه پست قبل از کتابت بوده نظر بوسعت و پیشرفت امور پستی در سال ۱۳۱۵ بمدیریت تبدیل گردیده است.

۴ : شعبه هتلها در رایق بواسطه ابتدائی بودن کار، دارای تشکیلاتی بوده امور مزبور بواسطه یکنفر کاتب اداره میشد؛ چون اکنون کارهتلها به مقصد سهولت و تشویق سیاحت خارجیها و رفاهیت مسافران داخلی در تمام مملکت عمومیت و وسعت پیدا کرده، بنابران در سال ۱۳۱۵ در داخل وزارت یک ماموریت بنام « ماموریت هتل ها » تاسیس گردیده است.

۵ : ماموریت ترمیم موتراها که قبلاً بوزارت تجارت مربوط بوده در سال ۱۳۱۵ نظر به مطالعاتیکه به عمل آمده بوزارت پست مربوط گردیده یک سلسه اقدام اساسی برای توسعی ابن موسسه سردست اجرا گرفته شده است که ذیلاً علیحده ذکر خواهد شد.

۶ : هشت نفر طلاب برای اخذ تعليمات پستی در سال ۱۳۱۵ منظور و تحت اثر مشاور پست مشغول تعلیم شده اند.

۷ : غزت مند فون زیگننس در سال ۱۳۱۵ به عرض عزتمند بالدو به مشاوری امور پستی استخدام گردیده است.

و - : شعبه فابریکه ترمیم موتراها

۸ : مد رسه موتورانی مربوط ماموریت فابریکه ترمیم موتراها که در

سالنامه «کتاببل»

اوائل سال دو ره سوم خود را افتتاح نموده بتاریخ اول جدی شروع به امتحان عملی و نظری نموده و نتیجه آن که بعد از امتحان بدست آمده بمقایسه و کامپاین نتیجه داده است .

۲ : در جوار عمارت سابقه فابریکه ترمیم موتراها ساخته اند یک عمارت صدری برای اداره و تحويل خانه ها و غیره در سال ۱۳۱۵ آغاز گردیده است و تعمیر مذکور قریب اختتام میباشد که در اوایل ۱۳۱۶ برای استفاده مطلوب آمده میگردد .

۳ : برای رفع مشکلات کارگران فابریکه وبالآخره برای سرعت وصفائی کار یک عدد ماشین ها و آلات لارمه از خارج خواسته شده که با تقدیر فابریکه رسیده و طرف استفاده واقع شده و یک عدد آن هم در شرف ورود است .

ح - شعبه اوراق :

اصول دفتر داری شعبه او راق وزارت پست و تلگراف و تبلوغراف درین سال نظر به مشوره مشاور امور پستی تعديل گردیده و از اثر آن سهولت و انتظام خوبی در امور دفتر داری پیش شده که هیئت مخصوصی اهمیت و فایده این تعديل را تصدیق کرده است .

مقرری ها و تریفعت جمیع وزارت پست و تلگراف و تیلفون :
ص ، محمد سعید خان مامور محاسبات خارجی وزارت تریفعتاً بعد بریت ارتباط خارجی وزارت .

« ، عبدالغالم خان از مدیریت مخابرات مزار شریف به مدیریت شعبه تلگراف وزارت .

د ، احمد شاه خان معاون شعبه محاسبات خارجی به مدیریت شعبه پست وزارت .

اجرا آت دوازه مملکتی

- ص ، عطاء الله خان مدیر را دیو که فعلاً درخارج مشغول تعلیم میباشد ، به متخصصی رادیو .
- د ، امین الله خان بماموریت شعبه هوتل های وزارت که درین سال شعبه مذکور جدید تشکیل شده .
- « ، نظام الدین خان مامور ارتبا ط خارجی ترفیعاً بکفالت مدیریت خبرات هرات .
- « ، عبدالفتاح خان ، کنفیل خبرات قطعن و بدخشان ترفیعاً به مدیریت خبرات هزار شریف .
- « ، گل احمد خان ، سابق مامو خبرات جنوی ترفیعاً به مدیریت خبرات ولایت قطعن و بدخشان .
- « ، محمد بنی خان سابق کنفیل خبرات هرات ترفیعاً بماموریت خبرات جنوی .
- « ، غلام غوث خان ، سرکات خبرات باد غیسات هرات ترفیعاً بماموریت خبرات حکومتی اعلای میمنه .

اعطای نشان

- ۱ ، اعطای نشان (المراعلى) برای ج ، ع ، ج والا حضرت صدر اعظم صاحب در اثر خدمات قیمتداریکه درین دوره ۷ ساله ریاست وزرائی خود به مملکت نموده اند .
- ۲ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آفای روئه دولو و زیرخنوار (سابق) دولت بهیه فرانسه مقیم دربار کابل .
- ۳ ، اعطای نشان (سرداری عالی) برای ع ، ج آفای یو گو سیتنا وزیر خنوار (سابق) دولت بهیه ایطالیا مقیم دربار کابل .

سالنامه «کابل»

علاوه برین بقریب اختتام دوره دوم شورای ملی برای تعامی و کلای شورای ملی ازحضور قرین اشرف ذات هما یونی یک یک قطعه نشان اعطای شده است به ترقیق ذیل: برای (۲۰) نفر نشان عزت و برای (۸۹) نشان خدمت.

اجرا آت دوائر ملی

مجلس شورای ملی

مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۵ وارد سال سوم دوره دوم خود گردیده دوره سالیانه آن بتاریخ ۱۴ جوزا از طرف ذات قرین الشرف اعلیحضرت همایونی رسمآ افتتاح و آغاز گردیده نمایندگان ملت شروع بکار نمودند، و در طول سال عموماً به کمال وظیفه شناسی و صداقت و فعالیت مشغول اجرای وظائف محوله خویش بوده اند.

ذیلاً فهرست تصویباتیکه در سال ۱۳۱۵ از طرف مجلس عالی شورای ملی به عمل آمده درج میشود:

- ۱: تصویب بودجه سنه ۱۳۱۵ مملکت افغانستان.
- ۲: اصولنامه تابعیت.

۳: «استخدام مستخد مین خارجه

۴: «پوسته».

۵: «دواخانه ها».

۶: «لایحه اخذ عسکر».

۷: «تعداد ترویج نوت ها در افغانستان».

۸: «پرو توکول معاهدۀ یطریق و عدم تجاوز ماین افغانستان و جاهیر اشتراکیه شوروی».

اجرا آت دوازه ملی

- ۹ : تصویب ترویج چلنجنوت های یکصد افغانی و پنج افغانی .
- ۱۰ : تصویب ضمیمه اصولنا مه حاضری و رخصتی مامورین که یکماه بعد از ختم هرسال تلف شود .
- ۱۱ : تصویب راجح به تبدیل ایام جشن استقلال از برج اسد در هفته اول برج جوزای هرسال .

مجلس اعیان

ارا کین این مجلس در طول سال ۱۳۱۵ به کمال وظیفه شناسی و صداقت و سرگرمی مشغول کارهای محوله خوبش بوده ، علاوه بر تصویبات فوق که در قسمت کار ردنی های مجلس شورای ملی ذکر شد ، و عموماً در مجلس اعیان نیز به تصویب رسیده ، یک تعداد امورات فیصله طلب را که ازدواز دولتی جهت غور و فصله بمقام مذکور تقدیم شده بود ، مورد دقت لازمه قرار داده ، رای خوبش را در اطراف مسائل مذکوره ابلاغ نموده است که این نیز اضافه بر وظائف اساسیه مجلس عالی اعیان بذات خود یک قسمت اجرا آت مهم و قابل ذکری شمار میرود .

اعضای مجلس اعیان ، ص ، محمد اکبر خان - ص ، سردار گل محمد خان ص ، محمد یزیر خان .

امور بلدیه کابیال

الف - دستایر اصلاحی و عام المفعه :

۱ - برای آنکه تمام اهالی شهر از اجرا آت و اقدامات اصلاحی بلدیه اطلاع داشته آرای خود را ظاهر کرده بتوانند ریاست بلدیه کابیال مطابق اصول نامه خود برای سال ۱۳۱۵ ترتیب انعقاد مجلس سالانه بلدی را گرفته

سالنامه « کابل »

و در ماه حوت ۱۳۱۴ و ماه جمل ۱۳۱۵ چند مجلس بزرگ را در عمارت ریاست بلدیه منعقد نمود که در آن تمام بر جسته گان و عموم اهالی کابل دعوت شده و فقرات عمده اجرا آت آتبه و نظریات ریاست بحضور شان قرائت گردیده و در بعضی فقرات پس از مذاکرات لازمه تصویب نیز بعمل آمده که درینجا فقرات تصویب شده مذکور و صورت اجرا آت آن بصورت فقرات مشخص در ضمن دیگر کار روایی های بلدیه تذکار میگردد .

۲ - برای احداث تفرج گاه ها در نفس شهر از طرف ریاست بلدیه در طول سال ۱۳۱۵ اقدامات بعمل آمده عجالة ۱ میدان در ۴ نقصه یز نهوس ساخته شده که در عین حال یک قسمت از کوچه های تنگ و تاریک شهر را نیز ساختمان میدان های مذکور ازین برده و دران گل کاری و غرس نهال و احداث چمن هم بعمل خواهد آمد :

الف : یک میدان در گذر علی رضا خان .

ب : « در گذر شمع ریز ها .

ج : « در گذر گلاب کوچه .

د : « در گذر حضرت صاحب واقع شور بازار .

۳ - در اوائل سال ۱۳۱۵ تقریباً ۱۲۴۶ نفر اصناف کسبه که میان بازار مشغول کار میباشند و با مردم تماس دارند بفرض معاینه صحی شفاخانه ملکی مرکز اعزام و حسب دستور وزارت صحیه از طرف داکتران شفاخانه موصوف اصولاً معاینه طی شدند که اکثر آنها پس از اخذ جواز نامه رسمی بشغل و کار خود مجاز گردیده اند و این ترتیب بطور استمرار از طرف بلدیه همه ساله مراجعت خواهد شد . تعداد صنفی معاینه شده گی قرار ذیل است :

اجر آت دوائر ملي

قصاب ۱۵۰ نفر، خباز ۳۵۸ نفر، سماوارچی ۳۰۵ نفر، فالوده پز ۲۱۰ نفر
طمام پز ۷۴ نفر، سکبایی ۴۵ نفر، شیر و قیماق فروش ۲۰ نفر،
کله پز ۲۷ نفر، شیر بیخ فروش ۱۰ نفر، داش کار و کلچه پز ۱۵ نفر،
دبنه فروش ۸ نفر، سلاخ ۱۲ نفر، گاو کشن ۱۲ نفر، حمامی و دلак
پایی دو حمام ۱۰۸ نفر - جمله ۱۲۴۶ نفر.

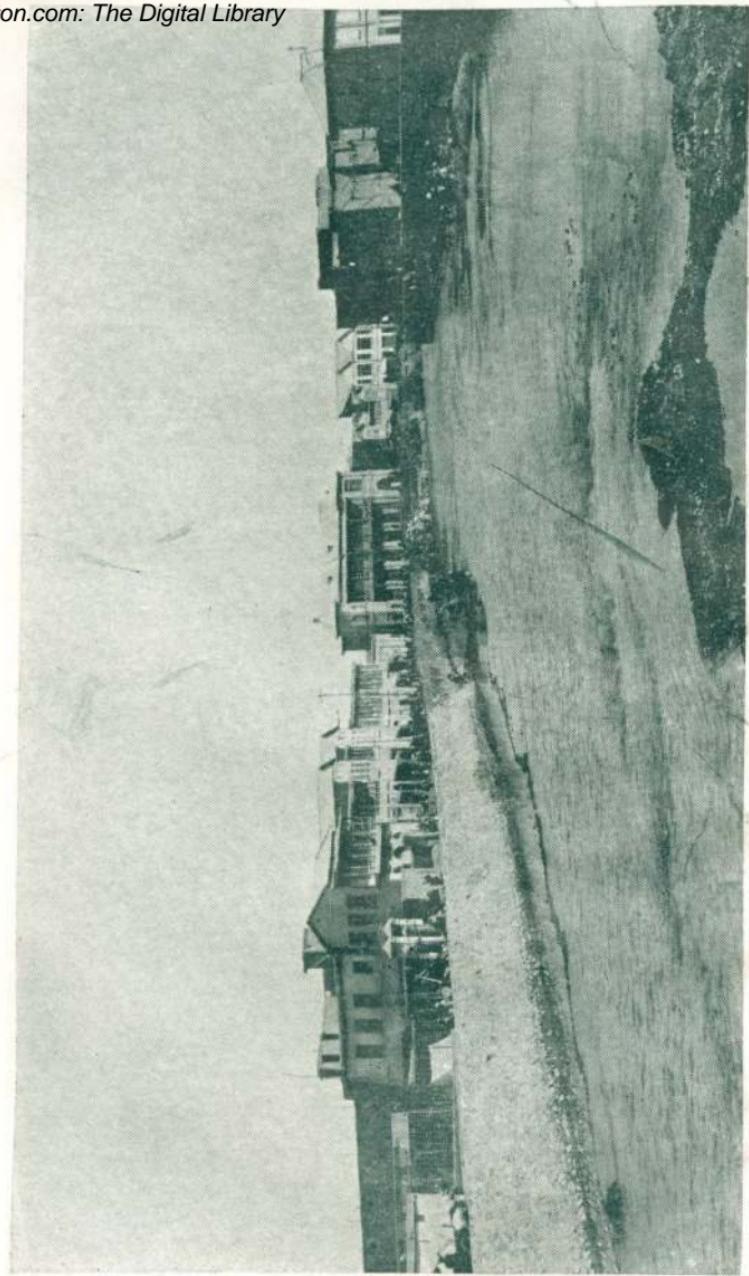
۴ - عراده ران هاییکه در اثر خلاف رفتاری مثلاً برداشتن اشخاص
اضافه از تعداد مقر ره و یا خلاف اصول سواری در موتو وغیره از طرف
پولیس موقع مواخذه گردیده از طرف بلدیه تحت مجازات گرفته شده اند
عبارت از ۱۴۲ موتو ران ۲۴۶ نفر گادی ران میباشدند.

۵ - صنفی هاییکه اجناس خوراکه را از فرار نرخ معینه بلدیه کم داده
و در اثر تقدیبات ریاست بلدیه گرفتار و برای شان مجازات داده شده ۲۴۹ نفر
میباشند مثل قصاب، خباز، بقال وغیره.

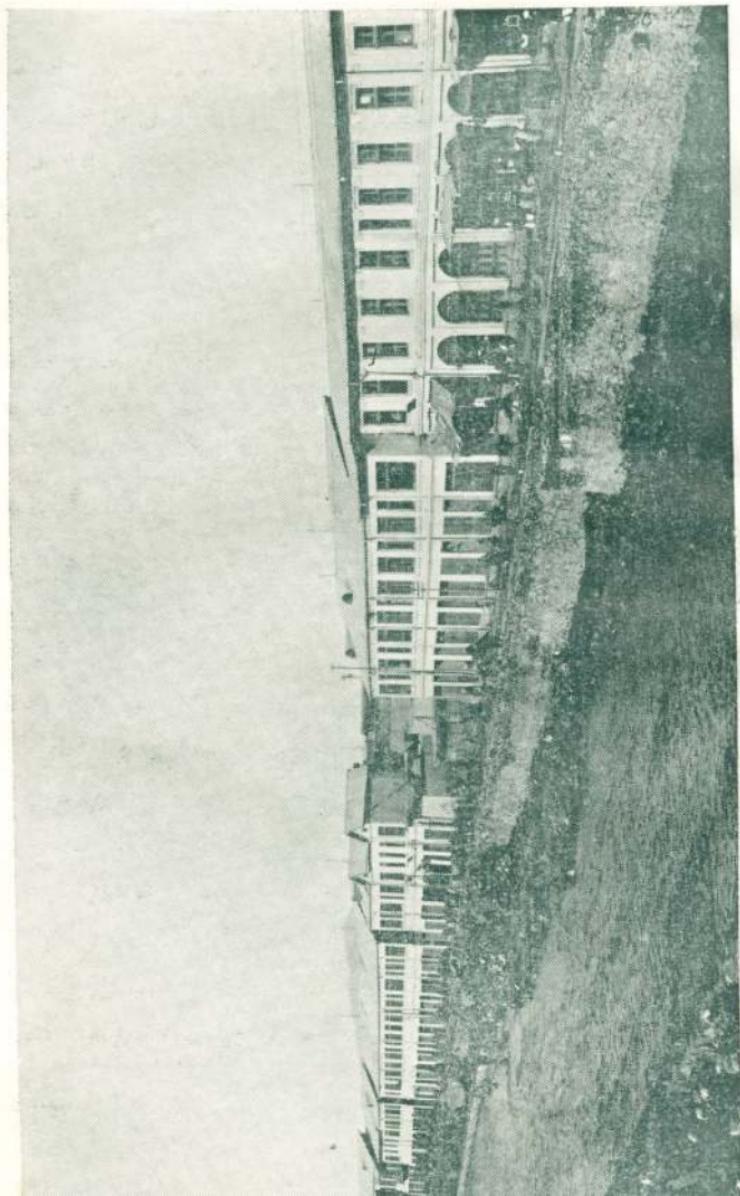
۶ - تأسیس یک شرکت ادویه فروشو بنام «شرکت ادویه فروشی ملي افغان»
که بنائی افکار و نظریه عالی حکومت متبوعه ما و فعالیت و مسامعی ریاست
بلدیه نسبت بعفاد عامه به یول و سهم یک عدد اشخاص و بانک ملي
و ریاست بلدیه که سهیم شده اند و هم برخی اشخاص صاحب عاطفه طور خبریه
نیز امداد نموده اند در اوائل سنه ۱۳۱۵ مقتوح و در جریان آورده شده است
اگرچه این شرکت هنوز ابتدائی گفته میشود ولی یقین است که در اثر کوشش
ومسامعی شرکای محترم آن روز رو ز شرکت منذکور رونق و انتظام در تی را
بغود گرفته طرف استفاده عمومی واقع شود. این شرکت حاضراً در بازار جدید
جاده خیابان لب دریا که یک نقطه مرکزی شهرده میشود، دایر میباشد.

سالنامه « کابل »

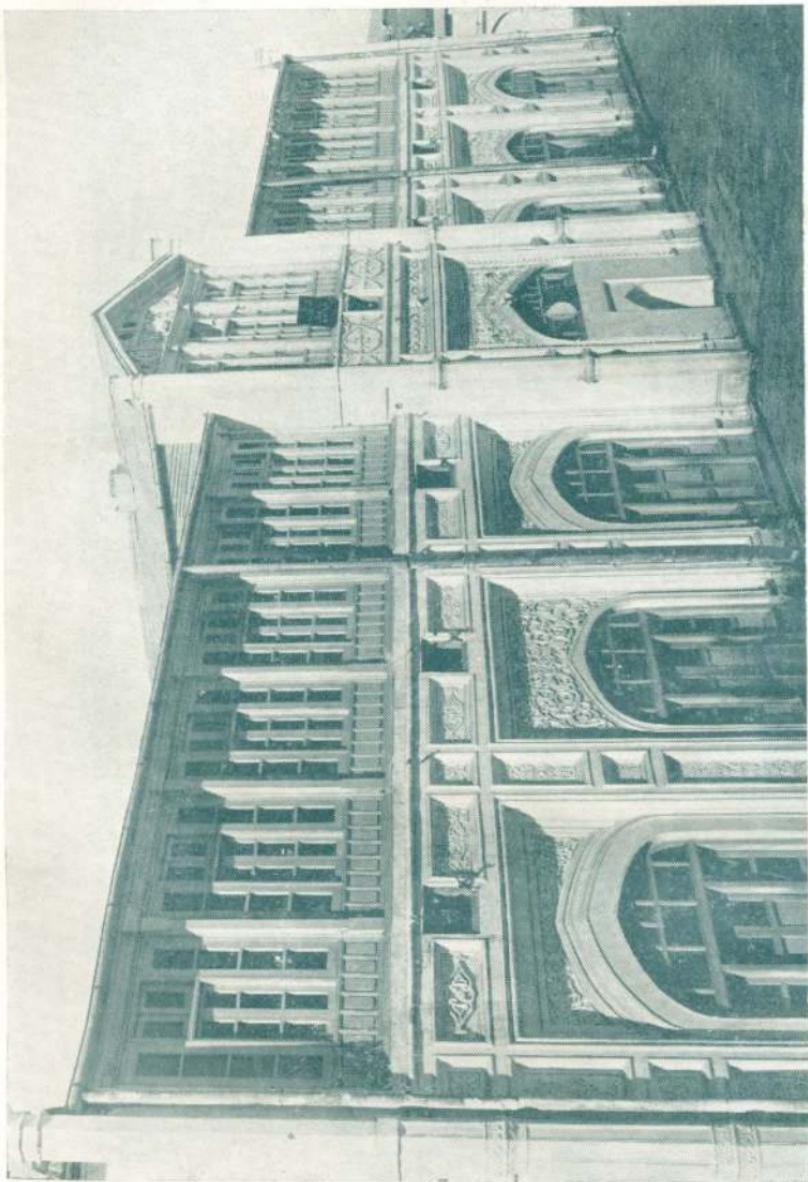
- ب - عمراناتیکه در سال ۱۳۱۵ از طرف ریاست بلدیه کابل اجرا گردیده :
- ۱ - تعمیر مسجد شریف پشت قلعه ده افغانان که بکلی تخریب و سازنو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۲ - تعمیر مسجد شریف سنگ تراشی که تخریب و سر از نو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۳ - تعمیر مسجد شریف گذر اچکن ائمہ که تخریب و سازنو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۴ - تعمیر مسجد شریف گذر بلند شمع ریزها که تخریب و سر از نو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۵ - تعمیر مسجد شریف گذر خارج قلعه ملا فیروز واقع عاشقان عارفان علیه الرحمه که تخریب و سر از نو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۶ - تعمیر مسجد شریف میر حیدر شاه واقع هندو گذر که تخریب و مطابق اصول عصری سر از نو ساخته شده .
- ۷ - تعمیر مسجد شریف صاحبزاده های یايان چوک که پس از تخریب مطابق اصول عصری سر از نو ساخته شده .
- ۸ - تعمیر مسجد شریف محمد کاظم کپس از تخریب سر از نو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۹ - تعمیر جدید آذان خانه مسجد قاضی فیض الله خان که پس از تخریب سر از نو مطابق اصول عصری ساخته شده .
- ۱۰ - تعمیر پخته کاری سرک از حد میدانی مقابل وزارت ها تا موتخانه .
- ۱۱ - تعمیر پخته کاری دو طرفه جوی سرک عقب صدارت عظماء .
- ۱۲ - دیوار کتاره سنگی از حد بیل باعث عمومی تایو سنه خانه



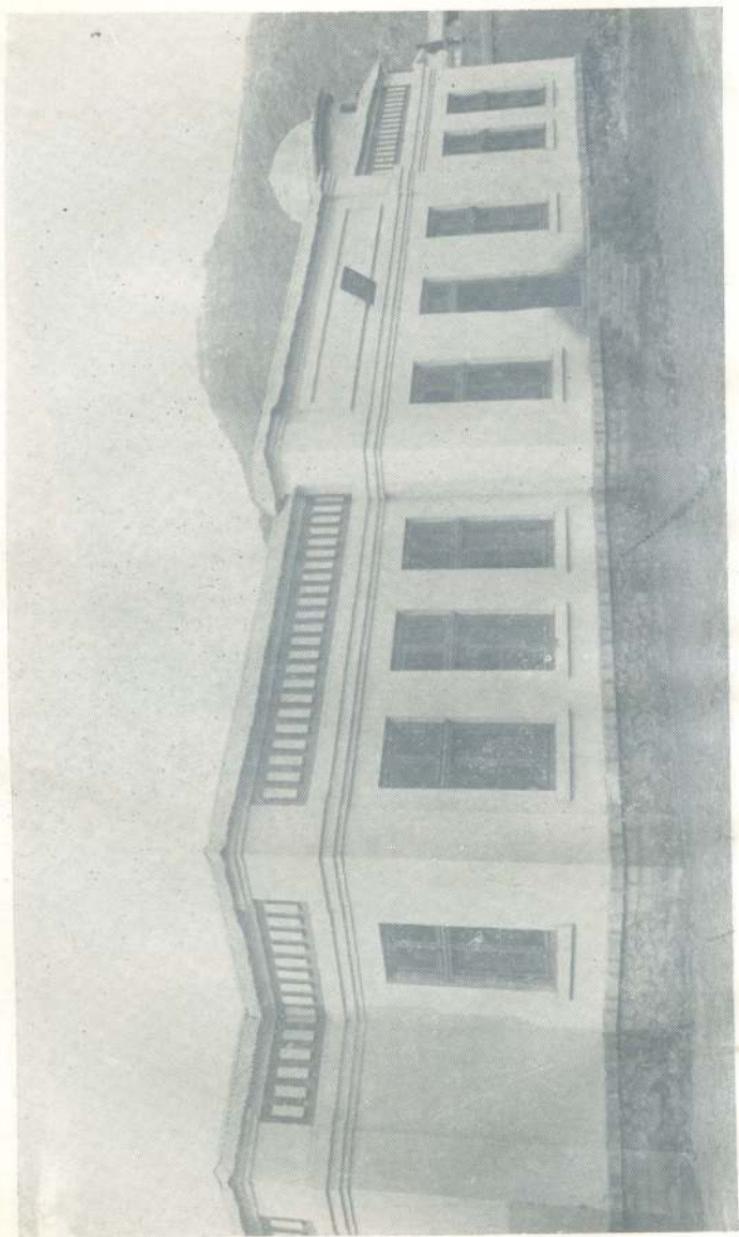
از عمرانات مهم سال ۱۳۲۱ دریافت بله به کابل، پاک، حصه از عمارت بازار جدید خیابان و تعمیر دیوار در یای کابل
Une partie des nouvelles constructions de Kaboul



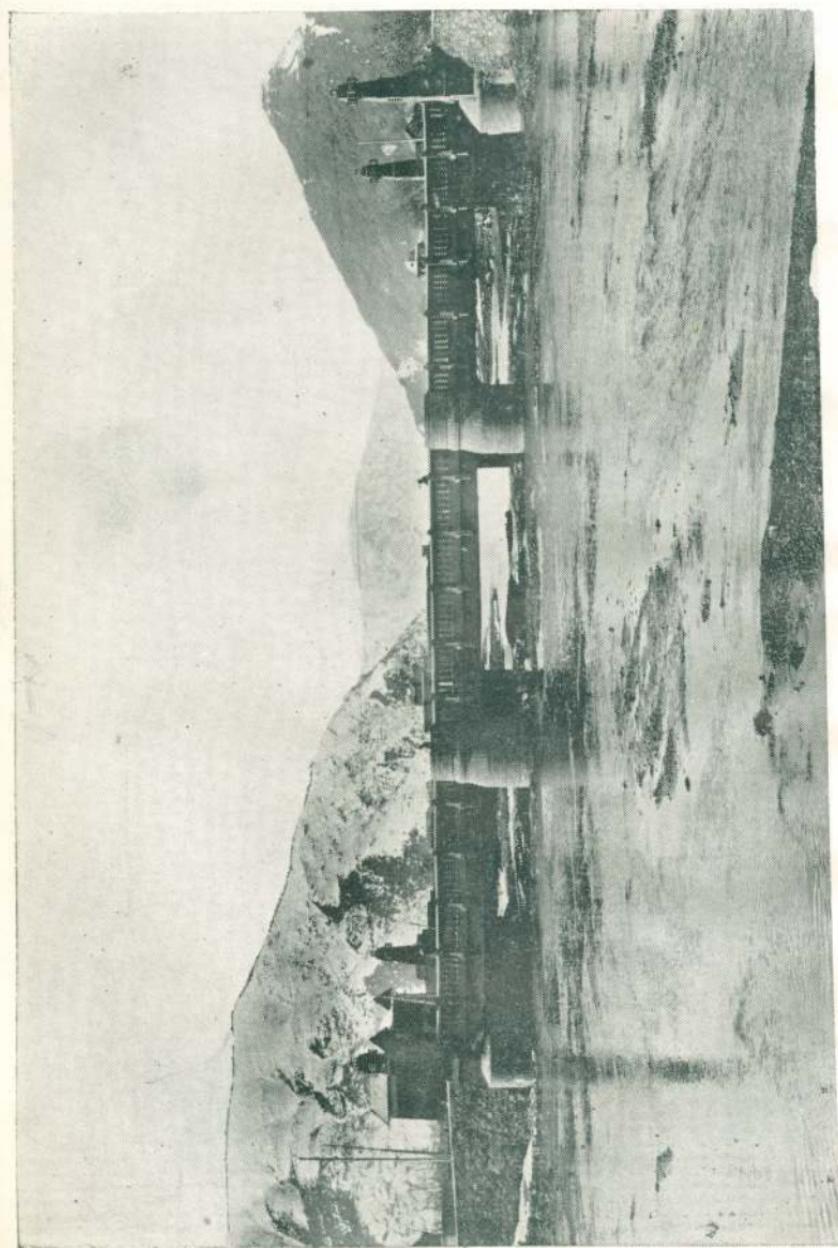
از عمارات مهده سال ۱۹۱۰ ریاست بندی کابل : منظره عمومی بازار جدید خیابان
Bazars modernes nouvellement construits à Kaboul



از عمرانات سال ۱۳۱۵ ریاست بلدیه کابل : فضیله مسجد جامع پل خشتی
Mosquée nouvellement restaurée à Kaboul



از عمران سال ۱۳۱۵ در یاست بلدية کابل ، جام عصری واقع قلعه بافغانستان
Bains municipaux nouvellement construits à Kaboul



از عمرانات مهندسی سال ۱۳۱۵ در بنا شده شهر کابل : پل فلکه محمد خان
Pont nouvellement construit sur la rivière de Kaboul



از عمارات مدرن سال ۱۳۱۵ بلده کابل : منظر عمومی جا ده و بازار جدید با غایان کوچه متصل ل دریای کابل
Bazars modernes construits le long du nouveau quai de Baghba-kotcha à Kaboul.

اجرا آت دو اثر ملی

- و طرف مقابل ازیل باع عمومی تا پل خشتی .
- ۱۳ - تعمیر پخته کاری پل چهار راهی متصل سینما .
- ۱۴ - تعمیر پخته کاری سرک جدید مقابل بازار چندی با غبان کوچه از حدیل باع عمومی تا خبر بازار مذکور متصل بازار سابق با غبان کوچه .
- ۱۵ - تعمیر چهار باب میرز عمومی درشور بازار ، ده افغانان ، مندوی آرد فروشی و مندوی خربوزه فروشی .
- ۱۶ - تعمیر سرای حاجی خانه که عمارت سابقه آن بکنی ویران و سرای نو مطابق اصول عصری آباد شده .
- ۱۷ - تعمیر بازار جدید عصری در حصة (خیابان) اب دریا که در طول سال عمارت سابقه آن ویران و مطابق اصول جدید دکانها و عمارت دو منزله بصورت بسیار قشنگ و زیبا ساخته شده و قریب اختتام میباشد .
- ۱۸ - تعمیر یکسته دکان و بالاخانها در جاده جدید خیابان (تعلق خود بلدیه) .
- ۱۹ - تکمیل بازار جدید با غبان کوچه (اب دریا) که از دوسال باین نظر جاری بوده و درین سال خاتمه یافته و در آن مقاوه ها و اشخاص کرایه نشین سکونت اختیار کرده اند .
- ۲۰ - تعمیر دو دوره چاه در گذر عمله ها و عقب حمام میدانی ده افغانان .
- ۲۱ - ترمیمات و اصلاحات ۲۲ مساجد شهر .
- ۲۲ - ترمیم آبروهای گندرهای شهر .
- ۲۳ - ترمیم یازده عدد پل و پل سرک ها .
- ۲۴ - ترمیم شش باب دکان .
- ۲۵ - ترمیم بنج گنبد حمام در نقاط مختلف شهر .

سالنامه « کابل »

۲۶ - تکمیل حمام جدید قلعه باقرخان که کار ساخته آن باصول عصری در سال گذشته شروع شده و در ماه فوس ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .

۲۷ - تکمیل حمام باغ علیردان که به اصول عصری در سال گذشته شروع شده بود و در ماه میزان ۱۳۱۵ افتتاح گردیده .

امور بلدیه چهارین کار

الف - عمرانات جدید :

۱ : تعمیر حوض ذخیره آب نل و حوضچه سرچشمہ که مطابق مشتملندسی در بین سال تحت تعمیر گرفته شده کار مذکور به پوشش رسیده است که در اوائل سال ۱۳۱۶ خاتمه خواهد یافت .

۲ : چون اهالی چهارین کار نسبت بآب مشروب دوچار مشکلات بودند در ۱۳۱۵ نل آب وغیره سامان ملاقات کار آمد برای تقسیمات گذرهای بین شهر تهیه و عنقریب نل مذکور گمندرهای بین شهر تقسیم خواهد شد .

۳ : در سال ۱۳۱۵ اعلاوه از کاربر سال گذشته یک قنات کاربر جدید واقع تکبه خواجه سیاران حفر شده که اکنون از آب مذکور اهالی چهارین کار استفاده مینمایند .
۴ : کتاره های مسجد شریف شاه مست علیه الرحمه از آهن جستی پوشش شده و تکمیل گردیده .

۵ : پنج باب مساجد شریف چهارین کار ترمیم و اصلاح شده .

۶ : ۴۳ باب دکا کین مذکیت بلدیه چهارین کار ترمیم شده .

۷ : (۲۷۲۱) نهال و قله بدو طرف سرک بازار جدید وغیره نقاط لازمه غرس شده .

۸ : سرک طرف تکه خواجه سیاران که در سابق بی اصول و کم گردشی های زیاد داشت اکنون تا حد امکان سرک جدید و مستقیم ساخته شده و بدو طرف مذکور نهال های توت غرس شده .

اجرا آت دو اثر ملی

- ۹ : در جوار بازار چهاربکار برای ایستگاه گادی هایک موضع معین شده
 ب - تعمیراتیکه از طرف اهالی تحت نگرانی بلدیه اجرا شده :
- ۱ : (۱۵) باب دکان و (۱۷) باب اطاق نشیمن و موترخانه وبالاخانه ویک حصه
 سرای شنگی که بزرگ عمومی مسقیم نبوده تحت نقشه آمده در سال ۱۳۱۵ عموماً
 منهد و سرک عمومی مسقیم برده شده است و علاوه بر تعداد (۱۴) باب دکان مطابق
 نقشه اصلی به استقامت بازار جدید ساخته شده که موقعیت خوبی پیدا کرده .
- ۲ : دکان کین جدید یکه از طرف اهالی تحت نگرانی بلدیه برطبق نقشه
 ساخته شده (۳۷) باب .

ج - اصلاحات مدنی :

- ۱ : در سال ۱۳۱۵ چرمهای چهاربکار به سبب اینکه کار
 چرمگردی اسباب اذیت اهالی را فراهم نموده مخالف حفظ الصحة هم بود حسب
 نظریه بلدیه به تعداد ۲۹ باب کار خانه تعمیر نموده از شهر خارج و در یکحصه
 معنیه به پیشنه خود مشغول شده اند .
- ۲ : قبل ازین اصناف کسبه بازار چهاربکار برای اجرای اکسپ و پیشنه
 خودها یک موضع معین نداشته متفرق بین بازار قدیمه صنعت خود هار ۱۱ اجراء
 می نمودند ، درین آوان برای هر اصناف موضع علیحده معین و اصناف خیا طی
 و ذر گردی وغیره بیازار جدید التعمیر در سنہ سرک شاهی نقل داده شده .

مطبوعات و طن جرائم و مجالات حاضر .

۱-م
 جزیده اتحاد مشرقی - ۱۲۹۸ شمسی سال تاسیس
 (نیم فارسی نیم پشتون) مدبولی قلعه تکی
 جناب شمس الدین مخان

سالنامه « کابن »

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
چریده اتفاق اسلامهرات - ۱۲۹۹ شمسی	»	جناب میرمحمد عثمان خان
« طلوع افغان فندهار - ۱۳۰۰ »	»	عبدالحی خان حبیبی
(بربان پشتو)		
« عبدالصمد خان	» ۱۳۰۰	» پیدار مزار شریف
« سید محمد خان	» ۱۳۰۰	« اتحاد خان آباد
« محمد امین خان خوگانی	» ۱۳۰۶	» ائیس کابل
« برہان الدین خان کشککی	» ۱۳۰۸	« اصلاح
« از ریاست ارکان حربیة	» ۱۳۰۰	مجلة اردوی افغان
عمومیه نشر میتود		
« هاشم خان شائق	» ۱۳۰۳	» آئینہ عرفان کابل
« عبدالرشید خان لطیفی	» ۱۳۰۶	» صحیۃ کابل
« عبدالکریم خان	» ۱۳۰۹	» الفلاح کابل
« محمد زمان خان توه کی	» ۱۳۱۰	» اقتصاد کابل
تحت نظر انجمن ادبی کابل	» ۱۳۱۰	» کابل
» پشتو کابل	» ۱۳۱۱	» پشتو کابل
» ادبی هرات	» ۱۳۱۱	» ادبی هرات
» صفر علی خان امنی	» ۱۳۱۱	» بلدیہ هرات

کور دیپلوماتیک متعین دربار کابل

سفارت کبرای دولت جمهوری تورکی :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالت اب مددوح شوکت (شیخ السفاراء) .

مستشار : آقای وهبی لیبب .

نور دیلو ماتیک

فونسل و مدیر فونسلگری و تابعیت : آقای حقی کنتای .
دکتور : آقای فواد اسماعیل توگور .
ترجان : آقای عباس .

سفارت کبرایی دولت شاهی ایران :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالتمآب میرزا علی اکبرخان بهمن .
سرکاتب و عهده دار مستشار : آقای شایان .
آتشه : آقای عباس قلی حکیمی .

سفارت کبرایی دولت اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه :

سفیر کبیر : عالیقدر جلالتمآب سکویر سکی .
سرکاتب اول : آقای سیچوف .
آتشه نظامی : آقای بینی دکتو .
دکتور : آقای او انسوف گای کاس اندریو ویچ .
آتشه : آقی المازوف .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب دکتور کورت نسمکی .
سکرتر : آقای فون شور نیتس .
آتشه : آقای کود ول .

وزارت مختاری دولت شاهنشاهی چاچان :

وزیر مختار : عالیقدر جلالتمآب کیتا .
سکرتر : آقای کور بارا .
آتشه نظامی : فومندان کستنی میارا کی .

سالنامه « کابل »

د کتور : هیجی ایما گاوا .
دفتر دار : نو بو توشی اسا کورا .
وزارت مختاری دولت شاهی بریتانیا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب افتننت کولونل فریزر تتلر .
مستشار : آ قای میجر میکین .
آ شهنشاھ نظامی : « میجر لنکاستر .
د کتور : « کپتن فارل .
سکر تو : « میجر پار کس .
سکرتومشرفوی : « خان بهادر سکندر خان .
وزارت مختاری دولت جماھیر متحده امریکا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب و لیم ایچ هارنی بروک (در رخصتی) .
وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب دو فور دو لا پراد .
آ شهنشاھ نظامی : آ قای کپتن لکو .
سکر تو : آ قای بو نو .
وزارت مختاری دولت شاهی ایطالیا :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب کوم پیترو کوارونی .
دفتر دار : آ قای کری شینی .
پیش نماز : « گاسپاری .
وزارت مختاری دولت شاهی مصر :
وزیر مختار : عالیقدر جلا لتمآب ، عبد الرحمن عزام .

سفر ایکه در سال ۱۳۱۵

وارد کابل شده است



۱- عالیقدر جلالتمآب بورس،^{تُنی}
سکو بررسی سفیر کبیر اتحاد جا هبر
اشتراکیه روسیه در دربار دابل :
عمر چهل و هشت ساله ،
مو می الیه در محل او دیسا
در جنوب روسیه تولد و تعلیم گرفته
در سال ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ کنفل
امور خارجه اقتصادی شرق
جمهوریت روسیه بود . در نومبر
۱۹۲۱ و فوری ۹۲۲ ، نماینده
شرق اقصای جمهوریت در کنفرانس
خلع سلاح بمقام واشنگتن اعزام
شد و نیز در همان سال یعنی ۱۹۲۲

نماینده شرق اقصای روسیه در جا هبر متحده امریکا و در سال ۱۹۲۳ بعد از امتحان
در قریب نزاد های مختلف شرق اقصای اتحاد شوروی ، مو می الیه بحیث یک نماینده
غیررسمی اتحاد شوروی در جا هبر متحده امریکا مانند و در ۱۹۳۴ مرا اوت تمدیدی
را با حکومت جا هبر متحده امریکا اتمام نمود چنانچه کنفرانس (لیتو ینوف -
روزولت) منتج به تاسیس روابط سیاسیه ین جا هبر متحده و اتحاد شوروی گردید .
از نومبر ۱۹۳۳ تا فوری ۱۹۳۶ بحیث شارژ داف اتحاد شوروی در جا هبر
متحده امریکا بوده در فوری ۱۹۳۴ مستشار سفارت کبیر ای روسیه در جا هبر امریکا
مقرر گردید و بالاخره در اپریل ۱۹۳۶ بحیث سفیر کبیر اتحاد جا هبر اشتر ایکه
روسیه در کابل مقرر شد .



۲- عالیقدر جلال‌آب ژورن دوفور
دولایزاد وزیر مختار دولت جمهوری
فرانسه در دربار کابل؛
مشاریه در سال ۱۹۱۹ داخل
خدمت شده رتبه معاون ویس
قونسل در (سه ول) داشته در ۱۹۰۹
تحیث ویس قونسل در کاتون و درسته
۱۹۲۰ قونسل در شانگهای و بعد در
فوته چرو تقریباً در ۱۹۳۰ در کاتون
جنزال قونسل مقرر شده سال دیگر بهمان
حیثیت در هانگ کانگ و در ۱۹۳۴
در میلان تبدیل شده در ۱۹۳۵ بر تبه
۱۹۳۶ بصفت نماینده فوق العاده وزیر مختار بدر بار کابل اعزام گردید.



۳- عالیقدر جلال‌آب پیترو کوارونی
وزیر مختار دولت شاهی ایطالیا در
در بار کابل؛
مشاریه در سال ۱۸۹۸ در شهر
روم تولد یافته در موقع حرب عمومی
بحیث منصبدار احتیاطی در عسکر ایطالیا
خدمت کرده سپس در سنه ۱۹۲۰
داخل حیات سیاسی شده در سفارت
ایطالیا متین استانبول ماموریت یافته
در سنه ۱۹۲۴ در سفارت بوئن آیرس
و در سنه ۱۹۲۵ در سفارت مسکو و

در سنه ۱۹۲۸ در سفارت ایطالیا متین البانيا تبدیل شده در سنه ۱۹۳۱ بوزارت
خارجه مراجعت نموده بحیث مدیر عمومی سیاسی کار نموده است. در سنه ۱۹۳۵ جنزال
قونسل سالونیک مقرر والاخره در ۱۹۳۶ وزیر مختار کابل تعین گردیده است.

وقایع مهمهٔ داخلی

نگارش جناب غلام جیلانی خان جلالی

عضو انجمن

سال ۱۳۱۵ که اکنون با اختتام رسیده برای مملکت عزیز ما افغانستان یک سال بسیار خوش و نیکوئی بود . چنانچه در طول این سال در سرتاسر وطن عزیز ما آرامی و رفاهیت کاملی حکمرانی داشته و علاوه‌تاً نظر به حسن پذیرائی ملت و فعالیت حکومت وطن دوست ما در هر رشته از امور حیاتی پیشرفت‌ها و ترقیات رضائیت بخشی از قوه بفعال آمده و از همه جهت چرخهای فعالیت بسرعت بی سابقه در حرکت و گردش بوده است . از طرف دیگر درین سال اتفاقات قدرتی ناگوار از قسم زلزله‌ها و سیلاب‌ها و خشک سالی و اصراری و غیره غوارض اتفاقیه که موج تلفات و خسارهای قابل ذکری شده باشد الحمد لله واقع نگردیده است . اینک در ذیل این سطور مختصر گذارشات و وقایع عمده و قابل ذکر این سال را به ترتیب تاریخ از مطالعه خوانندگان گرام گذارش میدهیم :

نهال شانی و غرس اشجار

شک نیست که حکومت اعلیٰ حضرت المولى علی‌الله‌محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت ما یک حکومت خیرخواه و خبر اندیش و خواهان هر نوع پیشرفت و سعادت ملت است و هم این مسئله بعموم افراد ملت میرهن گردیده که دقيقه

سالنامه «کابل»

از دفایق حیات اعلیحضرت همایونی و اعمام بزرگوار شان و دیگر رجال مملکت بجز از فراهم آوری وسائل اعلای ملی و تهیه اسباب آبادی و سرسزی این خاک پاک نمیگذرد و طوری که دیده میشود درین عصر فرخنده به پیروی اعلیحضرت همایونی و او لیای امور حکومت کشوری کافه مامورین لشکری و کشوری و بالآخر تمام طبقات و افراد رعیت منتفقاً دست و حدت و برادری با هم داده بکمال صدیقت و فعالیت در راه سر سبزی وطن و بهره مندی قدم و پیشرفت امور بدل مجاهدت میکنند.

و چنانچه اشاره رفت طبیعی است بوسیله این اشتراک مساعی و حدت و اخوتگر خوشبختانه اسریز در تمام طبقات ملت و جمیع اجزای حکومت دیده میشود سر تا سر مملکت راحت و مسرت و اطیانان کامله حکم فرما بود آن‌ها فاماً در تحت پروگرام‌ها حکومت وطن دوست ما، اهالی این کشور در هر رشته‌ای اعم از امور معارف، فلاحت، زرارات، تجارت، صنعت و دیگر منابع هواید ملی و مملکتی باقی مهای سریعتری جانب ترقی و تعالی جلو میروند، از آنجله در اعداد دیگر افاده‌های نافوضه حکومت متبعه ما در ابتدای این سال ۱۳۱۵ از حضور اعلیحضرت همایونی راجح بفرس اشیجار و تهیه و سایل سر سبزی وطن ترتیبات مهمی گرفته شده دابر ناین موضوع اعلانی منین به امضای ذات شاهزاده صادر و در ضمن آن از فواید صحی و عواید اقتصادی نهال شانی هدایات مکملی از شادر فته است، علاوه از حضور ملوکانه پر حسب تقاضای آب و هر اعطیه بکروزه ایام حمل را بنام میله قله کشی در مركز و ولایات و محلات افغانستان که بدان وسیله اهالی را جانب حسن زراعت و فلاحت ترغیب میکند منظور و اراده فرموده اند.

و فایع مهمه داخلی

روز ۸ جل ۹ از حضور فرین الشرف شهریاری در کابل و مناطق مر بوطه آن برای مبلغ قلبی کشی تعیین گردیده بود دران عموم وزارة خانها و دوازیر دولتی و موسسات ملي تعطیل گرفته ذات شاهانه به نفس نفیس خود شان و والاحضر تین ج ع، ج ۱۰، نشان صدراعظم صاحب وع، ج ۱، ا، نشان سردارشاه ولی خان و کبل وزارت حربه و عموم وزرا و مامورین دولتی و معززین مرکز در مناطق عمومیه، و افراد زارع در اراضی شخصی خود شان به نهال شانی پرداختند، همگذا به تأسی این اعدام شهریار جوان بخت ما، در عموم ایالات و حکومتی های اعلی و کلان و حکومات هلانه و علاقه داریها نیز در یکی از روزهای جل تعطیل عمومی بعمل آمد در روز مذکور کافه مامورین کشوری و لشکری اطراف و افراد اهالی بغرس اشجار انهمانک و رزیدند، درنتیجه این حسن فعالیت نظر، احصایه هائی که در مطبوعات وطن نشر شده در ابتدای سال مذکور با وفات مساعد بملبو نهاده شد و غیر متصر در نقاط مختلفه افغانستان غرس گردید است.

سود منشور مبارک پادشاهی راجم به نهال شانی فرار آتی اقتباس میشود:

اعلان پادشاهی در موضوع غرس اشجار :

« ملت عنیزم ! »

« درین روز ها که کوه و دشت و دره و صحراي و طن به تاثير فصل ربيع و موسم بهار سر سبز و زیبا میگردد، باران رحمت خداوندی ساخته مملکت را خرم و شاداب میگرداند بشما ملت عنیز خود توصیه مینمایم تا از فصل بهار که موسم نزول آلاتی ییشماد رحمت گردگار است برای آبادی وطن خود و برای سبز گردانیدن مملکت خود در تو سیم غرس نهاد، احداث جنگلهای، افروزن

نخستستان های کثیر المنفعه اهتمام ورزیده ازین رهگذر در پیشرفت حیات اجتماعی وطن خدمت نمائید . »

« عزیزان من ! درین فصل، نهال شانی یکی از امور نافعه زندگانی شمرده میشود ، کثرت اشجار هوا را صاف مینماید در ملت تندرستی و صحبت مندی بار میآورد ، سبب نزول باران میشود ، کوهای بلند شمارا طراوت و سربزی و صحراءها و درهای وطن تازرا لطف و زیبائی میبخشد . نهال شانی در ترقیات وطن شما (که آنرا دست قدرت پیشتر برای تربیه اشجار وزراعت مهیا فرموده) خدمت میکند . میوه آن در ثروت سرمایه ملی تان می افرايد . »

« پیشبرد امور زندگانی در ساحة پهناور گیتی محصول اعمال و آمال بشری است . پس خوش بخت کسانی هستند که مسامی قبمت دارشان و سایل سعادت اجتماعی را تأمین کرده آینده جامعه را از زحمات امروزی خود مسعود و پر و مند مینماید . بنابران بفرض توسعه نهال شانی و تشویق و توجه عموم باین مفکرة ملی به تمام رعایای عزیزم امر میفرمایم تا امسال تمام مرا کز ولايات و حکومات اعلى و کلان و حکومت های چلاهه و علاقه داریها ، بروزیکه برای میله قله آشی رخصتی عمومی قرار داده شده . و در هر محل به تقاضای موسم معین میشود همه افراد اعم از مامورین کشوری و لشکری و اهالی اجتماع ورزیده در اختتام میله قله کشی کسانیکه اراضی شخصی داشته باشد در اراضی شخصی خود ها و باقی اشخاص ، بهو اضع قابل نهال شانی که متعلق بمقادر عمومیه باشد هر یک فرآ خور حال نهال شانی کشند و این روز تفریح و میله را که محض آبادنی و سربزی هملکت تخصیص داده شده با کمال خوشی و مسرت گذرانیده هر فرد بنوبه خود در خدمت نهال شانی و سربزی وطن حصه بگیرد . در خاتمه از پیشگاه .

و فایع مهمه داخلي

مرابح خداوندي سعادت و ترقی ملت عزیز خود را نیاز واستدئع داشته اعتلای « این جامعه اسلامی را خواستاریم » .

« محل امضای اعلیحضرت همایونی »

ترزید معاشات مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری

حاکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه هبیج امری را بلند نمود و مهمنت از صرف الحالی ملت و آرامی مامورین و خدام صادق ملت و حکومت نمیداند و چنانچه بالمرئه دیده میشود ذات شاهانه و اعمام شریف و نجیب شان شب و روز در فکر تحصیل و سایط سعادت و آرامی اهالی و طن انهمک دارند . باین جهت بعد از آنکه در عواید مملکت استعداد تحمیل مصر ف ترزید معاشات عموم مامورین لشکری و کشوری و افراد عسکری را مشاهده کردند نابران اراده سینیه ذات شاهانه متاسی از افکار عالی یدر نامور شان (اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید) متفاوضی آن شد نادر ضمن ترتیب بودجه سالانه ، معاش عموم مامورین کشوری و لشکری و افراد عسکری افغانستان را بقدر ۲۵ فیصد ترزید فرمایند ، جهت ابلاغ این امر واردۀ ذات ملوکانه بروز دوشنبه ۱۷ جمل در فصر دلکشا والا حضرتین و عموم کابینه وزرا و کلای شورای ملی و اعضای ریاست عالی اعیان و دیگر مأمورین بزرگت کشوری و لشکری حسب دعویتکه از آنها بعمل آمد و بحضور بهم رسائیده بحضور شهریاری مشرف و اعلیحضرت همایونی راجح به ترزید معاشات مامورین ملکی و نظامی و افراد عسکری اراده سینیه خود شانرا در ضمن یك خطابه جامع و مهم چنین اظهار فرمودند :

سالنامه « کی بل »

عنیناً خطابه ذات ملوکا نه

« عن بزان من ! »

« خبیلی مسرور یم که امروز لله الحمد قدم دیگری در راه حصول رفاهیت
عامه برداشته میشود و باز هم در نتیجه سعی و جدیت مامورین دولت پیشرفت
نوی حاصل میگردد »

« چون پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید در طول حیات پر زحمت
خود بجز فکر رفاهیت افراد این خاک و اولاد این وطن اعم از طبقات مختلفه
آن مقصد دیگری نداشتند و در زمرة آمال و آرزو های بهی خواهانه شان
یکی افزودی معاش مامورین کشوری و افراد و افسران عسکری بود چنانچه
این منظور شاهانه شان را از همه اولتر برای افراد عسکری که بخدمت این
خاک مجاهدت ورزیده اند ارزانی فرموده و در آغاز سلطنت خود در معاش
عسکری بقدر لزوم افزودند ، در ایام سلطنت شان این مقصد در دایره وسیع تری
نفوذ کرده و هر فرد بقدر وسم خویش به تعقیب این مفکوره کوشیده نتائجیکه
از ان متصور بود چه در زمان حیات شان و چه در دوره حکومت مایگان یگان
بظهور میرسد و بهمان اساس در بد و حکومت مانیز در معاش افراد عسکری
افزودی دیگری بعمل آمد و بعداً فعا لیتیکه هیئت دولت و نمایندگان ملت
درین چند سال اخیر برای پیشبرد حالت اقتصادی وطن بعمل آورده اند
درجات عمومی ملت عن بزم اثرات مفیدی بخشیده و امروز در جنبه های اقتصادی
خصوصاً در شعبه تجارت و زراعت روح نازه پیدا شده که برای رفاه عمومی
خبیلی باعث اطمینان و امیدواری است » .

و قابع مهمه داخلی

« در اثر همان جدیت در راه اقتصاد امروز، حکومت به آن منزلی رسیده که برای طبقه مامورین عسکری و کشوری نیز سکیکی کرده و معیشت شان را بصورت بهتری آماده بازد ».

« برای این امر احکام لازمه صادر نودیم تا از آغاز این سال بصورت عموم در معاش مامورین دولت و افسران و افراد عسکری افزودی لازمه کرده شود ».

« باید اظهار کنیم بهودی که درین شب حاصل شده بجز نتیجه همکاری صحیح مامورین شب مختلفه حکومت و یگانگی افکار عامه چیز دیگری نیست. پس تو صیه میکنیم که این دو عامل بزرگی ترقی و تعالی را از دست نداده سعی بلیغ نمایید تا ازین راه به منازل بلند تر کامیابی نائل گردید ».

« در خاتمه سعی و کوشش سردار محمد هاشم خان صدر اعظم و وزرای محترم ورثیس و نماینده گان محترم شورای ملی را درین راه تقدیر نموده از درگاه خالق یکتا تعالی وطن محبوب و رفاه ملت عنبر زمرا التجا منی نایم ». در پایان خطابه ذات شاهانه والا حضرت صدر اعظم صاحب چنین معروضدا شتند :

« اعلیحضرت محبوب ما »

« در مقابل این فرمایشات گران بهای اعلیحضرت شما از صمیم قلب از طرف خود و همکاران محترم خود و باقی مامورین مملکت و صاحب منصبان و افراد عسکری عرض شکران و امتنان مینایم ».

« هیئت مامورین هر کدام در اژنیات مبارک شاهانه تنها وظیفه خود را برای پیشرفت مملکت ایفا نموده اند ولی این لطف و مرحمت اعلیحضرت که امروز در حق ما اظهار نمده هر کدام را وادار میکند که با تمام قوا در خدمات

سالنامه « کابل »

محولة خودها ابراز مزید خدمت و جدیت کنیم و خوشنودی ذات شاهانه شما
و اضافه بر اضافه حاصل نمائیم . »

درین شبهه نیست که آن احکم مبارک ملوکانه که به بنده عنوان شده در حیاته
آتیه مامورین اثر زیادی بخشیده و بهبودی معیشت هر کدام را به پاک نفسی
و عقیده فدا کاری بذات اعلیحضرت شنا و خاک این وطن پیش از پیش راسخ
و مستحکم خواهد ساخت مخصوصاً باعث شکران این خادم و باقی همکاران محترم
من اینست که ذات ملوکانه نقطه مهم احتیاج همیلتک را حس فرموده و نه تنها
وسیله بهتری حیاة طبقه مامورین و افسران و افراد عسکری را فراهم آوردند
بلکه درنتیجه بهبود معیشت هر کدام را بر علاوه پاک نفسی و وظیفه شناسی
و ادار فرمودند »

« در خاتمه بحضور خدای قادر متعال دعای طول عمر و بقای سلطنت پادشاه
معظم خود و ترقی و تعالی روز افرون وطن غریز را مینهایم . »
(غربی و هلنه عمومی)

تحریک و اعطای اعماق ملی

برای تقویة شئون عسکری و صحی و عرفانی محکت

در حالیکه اعلیحضرت هما بو نی محمد ظاهر شاه با پاک سلسله افکار و
آمال همت و مقدسی بعجانب آینده و ترقیات وطن عنبر ما افغانستان نگریسته
و در فراهم آوری اسباب بختیاری و ترقی جامعه از هیچگونه ایثار و
قدا کاری خود داری ندارند ، با ترهیب احساسات پاک طوریکه عامة هموطنان
عنیز ما میدانند ذات شاهانه از بدوجلوس همایونی شان بر اریکه افغانستان

و قایع مهمه داخنی

تا کنون چندین اقدامات بی نظیری از قبیل عفو محا صیل صرفیات دا خله و محصول يلهها و تزئید مشاهره عمومی و غیره بفرض تامین اسباب راحت عمومی نموده اند و در طی هر کدام از اقدام بزرگ ذات شاهانه شان جامعه زاجنا بجا نب رفاهیت پیشرفت و ترقی جلو می بوند .

اینست که هنوز ازان اراده بزرگ ذات شاهانه در تزئید معاشات که در حسن زندگانی عمومی اثرات خوبی دارد کمی نگذشته که یك اقدام هستی بخش دیگری برای تامین اسباب بختیاری و سر فرازی وطن عزیز ما از حضور ملوکانه صادر و در آن وارداده کرده اند که :

از معاش شخصی شان مبلغ (۲۰۰۰۰۰) افغانی جهت خریداری طباره بوزارت جریه و (۱۰۰۰۰۰) افغانی جهت توسيع موسسات عربانی بوزارت معارف و (۱۰۰۰۰۰) افغانی جهت ترقی امور صحی بوزارت صحیه اعطاء فرموده اند .

بناسی از رویه فرخنده هما یونی ، علیا حضرت ملکه صاحبہ والدہ ماجدہ اعلیحضرت و والا حضرات همسیر های اعلیحضرت هما یونی نیز مبلغ (۱۳۶۰۰۰) افغانی جهت موسسات صحیه بوزارت صحیه سرتیت نموده اند . سواد فرمان مبارک ذات شاهانه و علیا حضرت ملکه صاحبہ ذیلاً اقتباس میشود :

سواو د فرمان اعلیحضرت هما یونی :

« ج، ع ، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم ! »
« ازانجا ک حضور ما برای پیشرفت منید مملکت عنیز خود علاقه مندی تمام داشته و آرزوی حضور ما اینست که امور متعلق بحفظ شئون ملیه و فراهم

آوری وسائل اساسی رفاهیت عمومیه یاک بینانه و سینع تری تامین گردیده باشد لهذا برای خریداری طیاره و توسعه معارف و امور صحیه که در صنوف ضروریات وطن هر یاک بنو به خود اهمیت مخصوصی را داراست، اراده فرمودیم که در هذاالسته ۱۳۱۵ - از پول مصارف شخصی ما مبلغ (۴۰۰،۰۰۰) افغانی بمصارف آقی صرف شود :

برای خریداری طیاره (۲۰۰،۰۰۰) افغانی .

برای توسعه معارف (۱۰۰،۰۰۰) افغانی

« امور صحیه و شفاخانه ها (۱۰۰،۰۰۰) افغانی

شمارا امر است که مبلغ متذکرها از پول مصارف شخصی حضورما تنقیص نموده بمصارف فوق تخصیص و اراده حضور ما را درین مورد بمقامات مر بوط اطلاع بدھید تا خداوند بخواهد امور مذکوره به بیمانه و سینعتری تکمیل و تامین شده واژین تصمیم حضورما وطن عزیز متعتم و مستفید گردد « (محل امضای همایونی)

سوداد فرمان عالیا حضرت ملکه معظمه :

« ج ، ع ، ج برادر عزیزم سردار محمد هاشم خان صدر اعظم !
بـ « بشما معلوم است که من بغیر سعادت و رفاهیت ملت افغانستان در ظل حکومت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه سلمه الله ملکه و سلطنته دیگر آرزوئی ندارم . از پیشرفت و ترقی که بمحاجت الهو امروز در هر شعبه نصیب این مملکت شده خبلی مسرور بوده از خدای یاک تمنا میکنم که اهالی این وطن همواره در مهد رفاهیت و استراحت کامله زیست داشته و افغانستان بعد از اعلای ترقی نایل آید . ازانجا که حایله و امداد بموسّسات خیریه مخصوصاً موسسا تیکه برای حفظ صحت عمومیه و تداوی

و قایع مهندسی داخلي

مرضای بی وسیله که از هر حیث با ناگواری زندگانی دست و گریبانند، بوجود آمده وجیهه ذمت خود و خاندان شاهی میدانم، لهذا این موقع که ابتدای سال و در نظر است امور صحیه مملکت ییک بجهانه بزرگتری تامین شود تصمیم گرفته ام که مبلغ (۱۳۶، ۰۰۰) افغانی از بولمهش خودم و همشهره های اعلیحضرت از وزارت دربار اخذ و فراهم آوری ضروریات شفاخانه مستورات صرف کرده شود، شمار است که راجح به تعیل این نظریه ام برای مراجع مرس بوشه امر دهد « (محل امضای مملکه معظمه)

خوشبختانه این اقدام قیمت دار بجیهه یا که بسیار مفیدی در مملکت انگاس نموده از اطراف عموم بزرگان و تمام افراد مملکت استقبال خوبی گردید چنانچه بدواناً موسسه ملی بانک در اثر اقدام فوق اعلیحضرت همایونی و فامبل نجیب شاهی که از معاش شخصی خود شان مبلغ (۵۳۶، ۰۰۰) افغانی برای تقویه امور مسکری و توسعه موسسات معارف و صحی مملکت احسان فرمودند، با عطا ای مبلغ (۲۷۰، ۰۰۰) افغانی بعنوان اعانت چهت خریداری طیاره و صرف در توسعه موسسات صحی و عرفانی اقدام نموده به تفصیل ذیل :

- ۱ - بانک ملی (۱۰۰،۰۰۰ افغانی)
 - ۲ - هیئت مدیره از بول شخصی خودها :
- الف : رئیس بانک (۰۰۰،۰۰۰ افغانی)
- ب : هیئت مدیره بانک (۵۰،۰۰۰ افغانی)
- ۳ - باقی مامورین بانک از درک معاشات شان (۲۰۰،۰۰۰ افغانی)
جمله (۲۷۰،۰۰۰) افغانی
- از طرف دیگر بنا بر احساسات وطن دوستی و علاقه مندی به شئون عسکری

سالنامه « کابل »

ملکتی که خاصه تمام افراد مملکت عنیز ما بوده ، مخصوصاً ما مردم حساس بیشتر با آن متوجه میباشند ، کاینه محترم وزرا بنابر درخواستهای متعدد مردم ملکت کالات و ترجانی از حسیات و تمایل تمام مأمورین لشکری و کشوری عرضه بحضور همایونی تقدیم و خواهش نمودند تا از معاش عموم مأمورین مملکتی به تفاریق ذیل اعانه قبول شود :-

یك ماهه	از معاش وزراء
نیم	» معین‌ها و رئیس‌ها
۲۰ روزه	» مدیر‌های عمومی
۱۵	» مدیر‌های شعبه
۱۰	» مأمور‌ها و سرکاتب‌ها
یك هفته	» کاتب‌ها

چنانچه حضور مبارک ملوکانه این عرضه خالصانه را پذیرفته اعانه مأمورین مملکتی را بشرح فوق قبول و از احساسات نیک کافه مأمورین وطن همنویت حضور شاهانه را اظهار فرمودند .

سپس دامنه تحریک اعانه و نهضت تعاون اجتماعی در سراسر مملکت امتداد و انتشار یافته بتدریج تمام طبقات ملت اعم از افراد عسکری و تجارت و بسیاری از منمولین و مؤسسات مختلفه داخلی و فسمت بزرگ افراد ملت مطابق استعداد خوبیش باعطای اعانه مبادرت کردنکه تقاضی آن در جرائد داخلی درج گردیده .
والبته از نظر ارباب دانش یوشیده نیست که بزرگترین عامل ترقی و پیشرفت یک مملکت عبارت از ایثار افراد و تعاون ملت و حکومت است که خوشبختانه تحریک عمومی اعانه نموده بلندی را از احساسات وطن پرستی و ایثار و مفکوره تعاون ملت افغان نشان میدهد .

مرض حمای لکه دار در ایلک و دفع آن

در ماه شور بعلفة منقوطان ایلک مربوط ولایت مزار دفعه مرض نامعلومی ظاهر و بدوان بعضی افراد از آن تلف شدند، بتاریخ ۲۰ نور اطلاع حدوث مرض مذکور واصل مسکن گردیده از طرف وزارت صحیه بصورت فوری یک هیئت مکمل صحی و طبی و سامان و اوازم کاف بمحل مزن بور اعزام و بعد از افاده اصول فرانطین در اظرف علاوه مبتلا بعرض، میکر و بهای مرض محفوظاً بقابل آورده مورد تجربه دقیق طبی فرار داده شد و ثابت گردید که مرض مذکور (حمای لکه دار) است. متصل آن در خود منطقه شروع مرض از طرف هیئت طبی وزارت صحیه تمام مبتلابان نخت تداوی گرفته شده اشخاص سالم جدا گردیدند در نتیجه این اقدامات فعالیت کارانه در ظرف کمتر از ده روز مرض مذکور بکلی از علاوه مزن بور دفع گردید و از فضل خدا وندی به هیچ یک نقطه دیگر سرایت نکرد.

افتتاح سال سوم دوره دوم شورای ملی

در آخر سال گذشته که نایابند گان شورای ملی بسبب تعطیل سالیانه مخصوص و باوطان خود مراجعت کرده بودند، در برج شور بمناسبت ختم دوره تعطیل دوباره بمرکز رجوع نموده و در ظرف چند روز تماماً حاضر گردیده بودند. بنا بران بر حسب مقررات اصول، از حضور اعلیحضرت شهر یاری روز پنجشنبه ۱۴ جوزا برای افتتاح سنوی این مجلس عالی مقرر و در روز مزن بور ساعت ۱۱ قبل از ظهر عموم وزرا و معین ها و وکلای محترم دارا شورای ملی بو ارا کین مجلس عالی اعیان و رجال معظم و مامورین بزر گئ ملی و نظامی.

بعمارت مجلس حاضر شدند. ساعت مقرر اعلیحضرت همایونی نیز تشریف آورده بیش از ادای مراسم، نطق نهایت فضیح و بلیغی را ایراد فرمودند، در جواب خطابه شاهانه ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی معرفته مفصلی را راجع بشکریه از زیارت یا جامع اعلیحضرت بسم همایونی رسانید و در خاتمه ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب نیز خطابه بلیغی دایر بر مراحم مخصوص اعلیحضرت همایونی نسبت بخدمات کایینه وزرا و مامورین ایراد نموده مجلس شورای ملی با ترتیبات مسرت افرا افتتاح و ذات شاهانه و مدعوین محترم معاودت فرموده نهایند گان شورای ملی بکار خود آغاز کردند.

افتتاح سنا توریم نسوان

در ماه جوزا ساختمان سنا توریم نسوان که بدار الفنون تحت تهییر بود تکمیل و لوازم کار آمد آن تهییه گردیده، باین تقریب از جانب وزارت صحیه بروز ۲۵ جوزا ترتیبات افتتاحیه آن فراهم آمده ساعت مقرر مدعوین حضور بهم رسانیدند. اخیراً ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت صدر اعظم صاحب ع، ج، ا، ا، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان فتح کابل و کبل وزارت حربه نیز تشریف آورد، سنا توریم مذکور به نطق غرای والاحضرت صدر اعظم صاحب افتتاح و مقابله ع، ج غلام بھی خا، وزیر صحیه بوکالت مامورین صحیه جواییه مفصلی بعرض رسانید. بعد ازان با کف زدن های عموم مراسم افتتاح سنا توریم نسوان که از موسسات مهم صحی عصر موجوده و اهیت آن برهیج کس پوشیده نیست خاتمه یافت.

هشادهین سال استقلال وطن

امسال باز بعادت همه ساله میله جشن هجدهمین سال استقلال وطن که بهترین یادگار مهم ترین خدمات تاریخی یاک فرزند بزرگ و زیبم وطن پرور افغانستان یعنی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید سعید و شهر یار نامدار فقید ما و بهترین مخصوص سر بازی و فدا کاری او لادر شید و جسور این مملکت تاریخی است مانند سال گذشته از جانب عموم ملت و حکومت با عنایت و احترام و تزیینات فوق العاده در مرکز و ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و جوامع ملی پذیرانی و استقبال کرده شد.

جشن استقلال امساله وطن که سومین بار است بدورة زمامداری اعلیحضرت شهر یار جوان بخت ما المتو کل علی الله محمد ظاهر شاه تصادف میکند در پای تخت (کابل) حسب اراده سنیه ذات همایونی و توجهات مخصوص والاحضر اشرف ج، ع، ج، ا، ا، نشان صدراعظم صاحب وع، ج، ا، ا، نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان غازی و کیل وزارت حریمه اقسام تزیینات و تجلیلات فوق العاده را که شایان استقبال چنین روز با افتخار تاریخی است دارا بود و از شروع این روز مسرت انزوذ تاروز اختتام آن همه نوع و سایل تفریح و ساعت تبری از قبیل رسما گذشت عسکری، انداخت و مسابقه های متنوع، نمایشات صنایع و ورزشکران ها، بازیهای المیادی، هرقسم سرودهای ملی، موزیک های عسکری، جریان رادیو و دیگر ذرا بی انساط آور که تفصیل آن در مطبوعات مرکز نشرشده در تمام مناطق جشن آمده و مهبا گردیده بود. بروز اول چمن که مصادف بود باروز ۲۴ اسد جهت استماع خطابه اعلیحضرت الم توکل علی الله محمد ظاهر شاه بسلامخانه عمومی هیئت معظم

سالنامه « کابل »

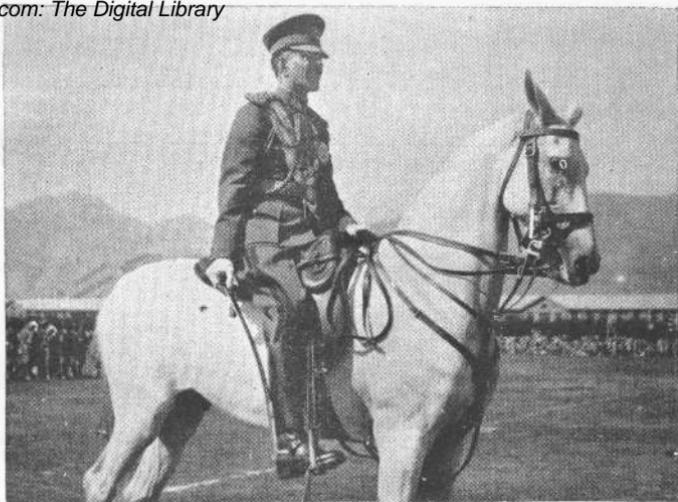
دولت و علماء و فضلا و هیئتین مجالس شورای ملی و اعیان و مامورین بزرگ عسکری و کشوری و کور دیلو ماتیک و دیگر معز زین حضور بهم رسانیده جشن استقلال سال ۱۸ و طن به نطق بلیغ ذات ملو کانه افتتاح و با حرارت و مسرت از جانب عموم طبقات مخصوصاً عرب‌بستان تبریکه هیئت شورای ملی و نطق جوایه والا حضرت صدر اعظم صاحب و کور دیلو ماتیک مقیم کابل استقبال و یزد رائی گردید.

علاوه‌تا در طول ایام جشن و قبل و بعد ازان علماء و فضلا و شعرای وطن بزبان ملی پیشتو و فارسی بسی خطابه‌ها و منظومه‌های فصیح و بلیغی را باستقبال جشن و استفاده اهالی کشور عزیز ما در هر رشته سرو ده بوسیله رادیو و مطبوعات منطقه و سایر جراید مرکزی در دسترس استفاده هموطنان دور و نزدیک گذاشته شد، همچنان نظر بمعطاهه جراید اطراف و ولایات افغانستان عیناً همین روح قدر شناسی اهالی مرکز درین ایام مسعود تاریخی وطن انعکاس نموده بهر جادر مرکز نائب‌الحكومة گی‌ها و حکومات اعلی و کلان از طرف مأمورین حکومت و سایر طبقات ملی ترتیباتی بفرض یزد رائی جشن استقلال گرفته شده در طول ایام جشن انواع مسابقه‌ها و ذرا عیم تفریح و مسرت وابسط از قبیل سروده‌های ملی و نشاید و طنی و نمایشات عسکری و غیره جریان داشته بهر جا با جوش و خروش و یزد رائیهای عمومی میله مذکور خاتمه یزد یافت.

سالگرۀ میلاد اعلیحضرت همایونی

و جشن نجات وطن :

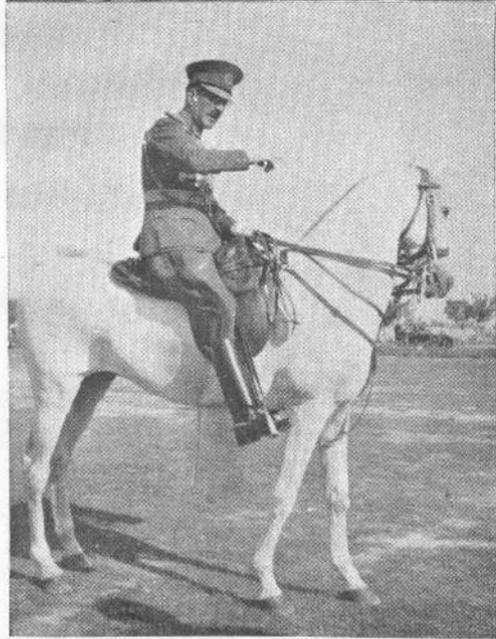
امسال بعدت‌همه ساله بروز پنجمینه ۲۲ میزان کور دیلو ماتیک مقیم کابل و درای کاینه و نایندگان ملی و باقی مامورین و معززین مرکز بقصر دلکشا



از میاظر جشن
استهلال سال هجری هم

ع، ج ۱۰ نشان
والا حضرت سردار
شاه و اخان غازی
و کیل وزارت حریبه
مرفع اجرای رسم
گذشت از حضور
ملوکانه

والاحضرت افخم و بیل
صاحب وزارت حریبه
در موقع رسم گذشت
عسکری



Les fêtes de l'indépendance à Kaboul: S. A. R. le gérant du
ministère de la guerre pendant le défilé des troupes

وقایع مهمهٔ داخلی

رفته بهترین تبریکات خود را بمناسبت سالگرۀ تولدی ذات شاهانه عرض و بکتاب مخصوصیکه از طرف عالیقدر چلال‌تبار سرمنشی صاحب حضور ملوکانه برای پذیرفتن نگارش تبریکات وضع شده بود تحریر و امضا نمودند، همچنان بر وزجهه ۳ میزان بوج دعوت‌نامه هائیکه از طرف وزارت جلیله در بار قبله تو زیع شد بود معززین فوق بساعت معینه در قصر دلکشا اجتماع نموده چشم هشتین سال نجاهه وطن «که یاد گار روز تجدید سعادت و خوش بختی ملت بوده و به نیروی بازوی توانای یگانه فرزند فوق العادة افغانستان اعلیحضرت محمد مادر شاه شهید سعید و برادران رشید و نجیب شان و افراد فدا کار وطن دران روز دو باوه روابط اخوت و صمیمیت ین افراد وطبقات این ملت قایم شده است» به نطق بلغ و جامع ذات همایونی اعلیحضرت محمد ظهر شاه افتتاح گردید. چنانچه خطابه ذات ملوکانه از جانب رئیس و نماینده‌گان مجلس شورای ملی و کنفه ملت افغانستان جدا گانه واژ طرف ع، ج ۱، ۱۰۱، نشان والاحضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل و کبل صداره عظمی باصمیمیت و خلوصیت فوق العاده استقبال گردید.

همچنان با مرست تمام در مرکز و عموم ولایات و حکومتی های اعلی و کلان با ترتیبات مجلل رسی و ملی حفلات خوشی و چرا غان بعمل آمد که در اثنای آن فرد، فرد اهالی افغانستان بازیافت، صمیمیت و نیاز بهترین ادعیه خالصانه خود را بر وح پاک یگانه منجی وطن اعلیحضرت شهر یار شهید و باقی سربازان معرفه این خدمت خجسته و بالافخار، تقدیم داشته سعادت همیشه وطن و موافقیت و نیکنامی دارین اعلیحضرت المولو کل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه جوان بخت افغانستان و اعمام رشد و شریف و تمام خاندان نجیب شاهی و دیگر

سالنامه د کابل ▶

خدمات صادق و صمیمی وطن که درین مرحله پر خطر صداقت و ملت دوستی خودها را پایبات رسانیدند از درگاه حضرت احادیث جل شانه خواستار شدند.

مرض وبا در زرمت و دفع آن

در فصل خر ان امسال در علاقه زرمت مربوط حکومت اعلای جنوبی و بعضی فریه جات کتواز و علاقه اندری مربوط حکومت کلان غزنی مرض و با ظهور نموده در اول بعضی تلفات جزئی ازان بعمل آمد ولی همینکه اخلال عارضه مذکور بر کنر وارد شد بصورت معجلانه یک هیئت مسکمل صحی و خلبی با سامان و لوازم کافی از طرف وزارت صحی به نقاط مذکور اعزام و بعد لز نقاد اصول قرانطین به معیت شفاخانه های سیار محلی شروع مقابله و مدافعته مرض مذکور نمودند و درنتیجه این اقدامات فعالیت کارانه وزارت صحیه حرض مذکور بظرف کمی دفع و اکثر مبتلایان آن در اثر تداوی صحت یاب گردیدند و نیز از فضل خداوندی مرض مذکور بدیگر نقاط مجاوره سرایت نکرده جایجا در خود همان مواضع مبتلا بر پرش خاموش گردید.

افتتاح شفاخانه امراض عقلیه و عصبيه

در حالیکه ساختمانی عمارت شفاخانه امراض عقلیه و عصبيه (که در جناح چپ رفقی ستاتوریم در نقطه خوش آب و هوای علی آباد واقع شده) انجام گردید متصل آن ترتیبات افتتاح شفاخانه مذکور از طرف وزارت صحیه تهیه و برگزینشیه ۹ عقرب حسب دعوت وزارت مغزی الیها وزرا و رجال عالی رتبه لشکری و کشوری و اطبای مربوط وزارت موصوفه بعمارت شفاخانه حضور [بهم رسانیده ساعت معینج، ع، ج، ۱۰، ۱ نشان والاحضرت سردارشاه ولی خان

وقایع مهمه داخلی

غازی و کل صدارت عظمی و وزارت جلیلهٔ حریه نیز تشریف آورده شفاخانه (امراض عقلیه و عصیه) را توسط ایراد یک خطابهٔ نهایت بلیغ و مفید افتتاح فرمودند، بجواب نقطه والاحضرت غازی ع، حوزه‌صاحب صحیه نقط مفصلی بسم مبارک شان رسانیده پس از تعاطی نقطها و تماشای مفصل عمارت شفاخانه و صرف عصر به مجلس منحل شد.

مسافرت والاحضرت صدراعظم صاحب وبازگشت مسعود شان

در فصل خزان امسال ج، ع، ج، ۱۰، ۱ انشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم محترم ما بعلت تداوی مرضیکه از کثرت مصروفیت های شبابروزی و مشاغل مهمهٔ مملکت بوجود مبارک شان عارض شده بود بشوره‌های طباء بتاریخ ۱۹ میزان از راه هند تشریف فرمای اروپا گردیده در شفاخانه های المان بو سیلهٔ عملیات جراحت معالجه شدند، چندی بعد از عنیت والا حضرت شان خوشبختانه مزده عودت صحت ذات سامی و عافیت کامله وجود مسعود شان را که خداش بیوسته در حیات خود داشته باشد، از جرمنی ذریعهٔ تلگراف حاصل داشتیم و جراید وطن قبلاً این مزده بزرگ را بهموم ملت افغانستان ابلاغ نمودند. متعاقباً والاحضرت مسحود پس از عودت صحت با سعادت شان بعض نهاده اروپا را که با ماعلافة دوستی دارند و در سر راه مراجعت شان واقع بود بفرض استفاده بوطن سیاست فرموده اخیراً از طریق هند مع الخیر والعاشقه بتاریخ ۱۹ حوت وارد خاک یاک وطن شده از سرحد تورخم مشرفی تا خود کابل از جانب تمام طبقات ملت و حکومت یزدیرائی و بطور فوق العاده وبا نهایت احترام و حرارت استقبال گردیدند، تفصیل آنمه قدر دانیهای ملت و حکومت افغانستان را که در موقع و رواد این

سالنامه « کابل »

رجل نامی و فرزند فعال و فداکار صحیح افغانستان مشاهده ر سیده شده قبل از مطبوعات وطن انتشار داده اند.

والا حضرت سردار محمد هاشم صدراعظم محترم ما که قسمت عمده حیات با برگات شان شریفانه در راه خدمات مهم و تهیه وسایل سعادت مملکت و ملت سپری شده مخصوصاً چه بدوره مصیبت و بد بختی انقلاب گذشته و پنهان بعد ازان بدوره صدارت با افتخارشان وجود مبارک آنها مصدر خدمات بر جسته و قدما کاریهای نسیان نایذری گردیده واژین راه حقوق زیادی بر ذمہ ملت ثابت کرده اند، حقیقتاً علاوه مزاج کراما شان منتها درجه اسباب تاثیر و اندوهگینی این ملت شده بود واينکه امروز می بینیم از فضل و عنایت ایزد پاک با صحت کامل و شفای عاجل دوباره وارد وطن گردیده زمام مهام امور صدارت عظامی افغانستان را بکف با کفايت خود گرفته خلیل اسباب خورستندی عموم طبقات ملت بوده از حصول این نعمت عظامی خداوندی که بهترین وسیله مسرت و اطمینان خاطرما گردیده است، شکر انه لصف حضرت ایزد متعال را بجامی آریم.

ورود مسعود والا حضرت وزیر صاحب حریم

در اخیر سال گذشته ع، ج، ۱۰۱، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی وزیر حرب و سیه سالار معظم ما بسبب معالجه عالیتکه از کثرت کار و زحمت بوجود مبارک شان عارض گردیده بود مطابق مشورة اطباء بارویا تشریف برده خوش بختانه طور یکه از خداوند تعالی در زمینه عودت صحت این فرزند نامی ورشید افغانستان آرزو داشتیم در شفاخانه های اممان معالجه شدند، خبر مسرت آور عودت صحت مبارک شان مکرر نزیره تلگراف روشنی بخش دیده عموم ملت گردیده قبل از یمه مطبوعات ملی بفرض تسلی همکننان نشر شده بود.

بعد از صحت کامله والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی بد ورده این

وَقَائِعٌ مُهِمَّةٌ دَاخِلِيٌّ

مسافرت شان نظر بهمان عشق سر شار فطری که بسعادت و بیشتر فت کشور عنزیر خود دارند بفرض استفاده بو طن اکثر یا تخت ها و شهر های مهم و جریانات عمده مالک اروپا و آسیارا که باما علايق و داد و دوستی دارند و در خط راه مراجعت شان واقع بود نیز سیاحت فرموده در انتان آن از طرف اهالی و اولیای امور هر مملکت محترمانه یند یارانی شدند ، اخیراً از راه مملکت دوست و همسایه ما ایران مع الغیر والاعفیه بtarیخ ۲۸ عقرب از سر حد اسلام قلعه هرات وارد خاک وطن گردیده از آنجا تا خود کابل باحر ارت زیاد و فوق العاده بهر موضع از جانب عموم طبقات ملت و حکومت یند یارانی و بناریخ ۱۷ فوس به کابل تشریف آوردند . در مرکز نیز از جانب عموم طبقات و حکومت قصر شناس ما اسنقبال شایانی از والا حضرت شان بعمل آمد و متصل آن ز مام امود وزارت حریه افغانستان را که در غیاب شان برادر بزرگوار شان والا حضرت سردار شاه و لیخان غازی کفالت میفرمودند با یک عنم قوی و صحبت کامله بکف با کفایت خود گرفتند .

ما به تقریب این دو مؤذنة مهم که عردت بوطن و صحت کامله این ذوات معظم و خدام صادق افغانستان یعنی ذات والا حضرت صدر اعظم صاحب و والا حضرت وزیر صاحب حریه ماست از خدای مهربان خلبان شاکریم .

نَهْضَةٌ زَبَانٌ مَلِيٌّ بَشْتُوٌ

نهضت زبان ملی پشتون که باعث معرفت و افتخار عموم ملت افغانستان است در جمله دیگر ترقیات علمی وادی و احبابی آثار و افتخارات ملی از ملحوظات مقدس تاجدار فقید ما اعیان حضرت محمدناصر شاه شهید سعید بود چنانچه از ابتدای جلوس مبارک شان برار یکه مملکت متصل هم در تزویج و احبابی این وسیله مهم وحدت

سالنامه « کابل »

و مقاهمه تمام ملت اقدامات نادرانه بعمل آمد ولی نهضت مهم و حقیقی این زبان، در پهلوی احیای آثار و ادبیات فارسی کوه بایه های تاریخی وطن، مرهون همت جوان و آراء و افکار بلند الملوکل علی اله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه تاجدار جوان بخت موجوده ماست که از بدو سلطنت پرمرست شان بهمان نصب العین بزرگت و عالی پدر نامورشان اعلیحضرت شهید سعید از قوه ب فعل آمده بتاسی هدایات و نظر یات جهان قیمت ملو کانه بعضی جراید، کتب و آثار تازه تری درین زبان از جانب فضای وطن خیر و مورد استفاده ابنای و طن فرار داده شده، گذشته ازان تعمیم و فهمیدن این زبان را برای اولاد های مملکت بصورت ادبی اراده فرموده تدریس آنرا جزو پروگرام معارف فرارداده و نیز بفرض وسعت و علمی گردانیدن لسان ملی موصوف انجمن ادبی پشتورس کب از فضلا واد بای دانشمند وطن بمعاشات کافی تشکیل و دریا یان این همه افدا مات قابل قدر یاد شاه جوان بخت ما از لسان قدیم و تاریخی افغانستان بتاريخ (ماه عقرب) فرمان شاهانه صادر گردید که دران تامدت سه سال یاد گرفتن تکلم و کتابت پشتور بر کافه مامورین وظیفه دار مملکت بصورت لازمی اراده وارشاد رفته است بتاسی آن در سال جاری از جانب مامورین فعال و اهالی رشد وطن این اقدام واردۀ شریف ذات شاهانه با صمیمیت و توجه فوق العاده پذیرانی گردیده در من کثر و ولایات مملکت کورس ها و دیگر وسائل فردی و اجتماعی تعلیم پشتون تاسیس و پیشرفت آن بجدت ملحوظ است. ذیلاً سواد منشور شهریاری اقتباس میشود.

سواد فرمان ذات شاهانه

«ج، ع، ج، ۱۰، نشان عم محترم سردار شاه ولی خان غازی و کل صدراعظم !»
 «مسلم است مسئله زبان در وحدت ملیه و حفظ آداب و شعایریک ملت اُرات

وقایع مهمه داخلی

معنابهی داشته و توجه باین موضوع از جمله ضروریات حیاتیه یک مملکت بشمار می‌رود . چون در مملکت عنبر ما از طرفی زبان فارسی مورد احتیاج بوده و از جانب دیگر بعلت اینکه قسمت بزرگ‌تر ملت ما به لسان افغانی متکلم و مامورین علی‌الاکثر بسبب ندانستن زبان پشتو دچار مشکلات می‌شوند ، لهذا برای رفع این تقبیصه و تسهیل معاملات رسمی و اداری اراده فرموده ایم همچنانکه زبان فارسی در داخل افغانستان زبان تدریس و کتابت است در ترویج و احیای لسان افغانی هم سعی بعمل آمده از همه اول مامورین دولت این زبان ملی را یا موزن و آنرا در محاوره و کتابت شامل کنند . شما بوزارات و نهادهای حکومی ها و حکام اعلی و قوام‌داشتگان عسکری و تمام دوازده رسمی امر بدھید که مامورین کشوری و لشکری صبوط خود را مکلف نمایند که تا مدت سه سال لسان افغانی را آموخته در محاوره و کتابت مورد استفاده قرار هند تا خدا بخواهند عموم مامورین افغانستان بزبان افغانی هم تکلم و کتابت توانسته در امور مملکتی تسهیل و برای آنها بروغایا ازین جهت تکلیفی عاید نباشد .) محل امضای اعلیحضرت همایونی (

عریت والا حضرت سردار شاه ولی خان غازی با روپا

خوانندگان محترم اطلاع دارند که ع ، ج ، ۱ ، ۱ ، نشان والا حضرت سردار شاه ولی خان غازی فاتح کابل در سال گذشته از وزارت نخواری اعلیحضرت در فرانسه ، بفرض شریایی حضور شاهانه و دیدن و ملن و ملاقات عموم ملت شریف فرمای وطن گردیده دیده عموم ملت و جمیع خدمت گاران صادق این مملکت را بقدوم مسعود خود روشن گردانیدند ، وزیر ما نیزکه ع ، ج ، ۱ ، ۱ نشان والا حضرت وزیر صاحب حریبه جهت معا لجه عازم اروپا شدند ، والا حضرت

سالنامه « کابل »

فاتح کابل بوکالت وزارت حریه تعین و امور فشوونی افغانستان را بکف باکفایت خود گرفتند ، متعاقباً چون ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب نیز بفرض معالجه بارویا عزیمت فرمودند از حضور اعلیحضرت همایونی علاوه بروظایف و کالت وزارت حریه کفایات امور صدارت عظمی هم باین ذات فعال و فرزند لایق افغانستان مفوض شد ، بنابران فاتح کابل در طول مدت غیاب والا حضرتین معظمین وظایف اور وزارت حرب و مقام صدارت عظمی افغانستان را بوضع شان نداری اداره نموده بسبب آن رضائیت حضور شاهانه و دعا گوئی تمام ملت را بیش ازیش حاصل داشتند ، در اواخر امسال که لله الحمد والاحضرتین معظمین صدر اعظم صاحب وزیر صاحب حریه مع الخیر والاعافیه متصل همیگر وارد وطن و امور مفوضه خود شان را تسلیم گردیدند ، والا حضرت فاتح کابل که خداش در لهستان خود داشته باشد ، بر زیکشنه ۲۴ حوت در قصر صدارت عظمی ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب و والاحضرت وزیر صاحب حریه و کابینه وزراء و مهم مامورین کشوری ولشکری و نمایند گان ملی و باقی ذواتیرا که جهت وداع شان حضور بهم رسانیده بودند خدا حافظی نموده بصوب ماموریت خود شان (وزارت مختاری اعلیحضرت در فرانسه) راه سپار گردیدند .

وفیات مهمه

جناب سید عبد الله خان : مرحوم سید عبد الله خان مدیر عمومی سیاسی که یکی از جوانان حساس و فاضل و خدمتگار صادق این وطن بودند از مدتها در وزارت امور خارجه افغانستان بهدهای مختلفه شرف امتیاز داشت بتاریخ ۲۹ قوس در اثنای خدمتیکه عبارت از معاینه امور سرحد داری ولایت قطعن و بدخشان باشد و آن مرحوم از جانب وزارت امور خارجه با آن

وقایع مهمه داخلی

مامور گردیده اعزام شده بود بزمان عبور از رود خانه منشعبه آمو مفروق و
برحث حق پیوسته انا الله وانا اليه راجعون .

هدردم بهایکه از طرف حکومت خادم نواز ما بتقریب ورود اطلاع فوت
این جوان لا یق بمرکز ، در فاتحه داری و سو گواری این جوان نا کام
بعمل آمد در خور شکر و سیاس گذاری است ما بنویس خود از در گاه الهی
برای آن خادم صادق حکومت و مملکت مفتر استدعا نموده به باز ماندگان
شان عرض تسلی مینماییم .

جناب سید محمد شریف خان سریاور : جناب سید محمد شریف خان فرقه
مشیر و سر یاور حری حضور مبارک هما یونی که در تمام ادوار زندگی بوطن
عنیز خود فدا کارانه و صمیمه نه خدمت می نمودند وخصوصاً در مرحله نجاة
وطن بشرف معیت اعلیحضرت شهید سعید همتاز بوده مصدر خدمات شایانی گردیدند .
این جوان نا کام در اخیر جدی بسب سقوط از اسپ شدیداً صدمه یافته متعاقب آن
برحث حق پیوست انا الله وانا اليه راجعون ، وفات حسرت آیات آن مرحوم خیلیها
با عذر دستان و عموم خدمت گاران این مملکت واقع گردید ، مخصوص
از حضور مبارک اعلیحضرت همایونی والا حضرتین سردار شاه ولی خان غازی
وکیل صداره عظمی و سردار شاه محمود خان غازی وزیر امور حرب در حادثه فوت
مشار الیه اظهار تأثر و همدردی بعمل آمده مراسم فاتحه داری و سو گواری آن
مغفور هم دروز از امور حریه اجرا گردید

مابنوه خود از حضرت احادیث جل شانه برای این جوان نا کام و خادم صمیمه
حکومت معظم خود طلب آمرزش نموده و برای بازماندگان شان عرض تسلیت مینماییم .
جناب آدم خان : جناب آدم خان مشاور صداره عظمی که یک شخص شریف و خادم
صادق حکومت متبع و وطن عنیزماً افغانستان بودند و در تمام ادوار جیانی خود

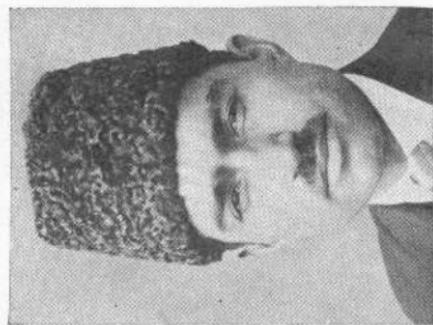
صیہانه مصدر فعالیت گردیده مخصوصاً در مرحله نجاهه وطن هم بجمله مدافعت سهی داشته است و بجا برهه خدمات خود از پیشگاه حکومت خادم نواز، مدتها بر تبة رفیعه معینی اول وزارت جلیله داخله و مشاوری صداره عظمی و حکومت کلان غزنی مقرر و رضائیت حضور مبارک اعلیحضرت همایونی را برای خود حاصل داشت، اخیراً در ماه دلو بسبب مرضی که از مدتها بآن دچار بود بجوار رخت ایزدی شناختند. انا الله وانا الیه راجعون

کذا چنان رمضان خان فرقه مشر مسعودی و چنان لال کی خان فرقه مشر وزیری و چنان خورشید خان مهمند والد امجد ع، ج، ۱، ۱، نشان محمد گل خان وزیر داخله که هرسه تن از رجال مهم و صادق مملکت بودند - در طول این سال وفات باقته اند انا الله وانا الیه راجعون که ما برای آن مرحومان، طلب آمرزش و برای باز ند گان شان شنای صبر و تسلیت میکنیم.

او ضاع طبیعی جوی

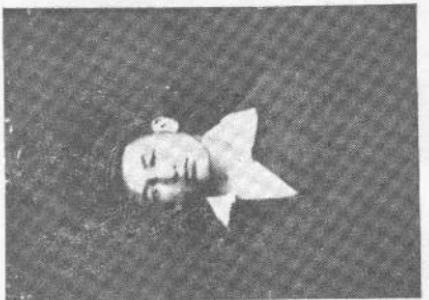
امثال از مراحم خداوندی سال بسیار نیکو و متنه مبارکی بود چنانچه در تمام نقاط مملکت براسم مساعد برفها و بارانهای متواتی بس نافعی نزول و موجب آبیاری زراعت و آبیاری زراعت موجب فراوانی آب گردیده است و از قراین طبیعی و تجارب همه ساله حدس زده میشود که این بارانها و نزول برفهای فراوان موسی در تمام مملکت عزیز ما باعث کثرت آب رودخانهها و چوپانهای خوبی زراعت و شادابی اشجار و سرسبزی دشت و دامان کوه یا های وطن شده سعادت زارع و مال دار و سائر افراد وطن را از همه جهت تامین خواهد کرد. همچنان از قدر ایزد متعال حوادث ناگوار طبیعی از قسم سقوط صاعقه ها و نزول سیلاها و دیگر واقعات جوی از قبیل سرمای بفتر طوغیره که با کثرت برف و باران ها توأم میباشد خوشبختانه در هیچ نقطه از تقاطع مملکت بوقوع نه بیوسته و نه موجب یک خسارة قابل ذکری گردیده است.

سحوم سید شریف خان سریاوردی سحوم آدم خان مشاور صد ارت عضوی
سحوم سید عبد الله خان مدیر عمومی
پیاسی وزارت خارجه حضور ملوكانه



از وفات مهندس سال ۱۳۱۵

از وفات سال ۱۳۱۵



سحوم سید حامد خان دوا سازکه
درود فقیر شویع مرض جای لکه دار
در اینک فوت شد

سحوم عذالت الله خان فارغ التحصیل
مکتب طبی که اخیراً بازگشیده شد
مور فوت شد

گذارشات هنری

در سال ۱۳۱۵ بقلم سید قاسم رشتیا
مهتمم سالنامه

سال ۱۳۱۵ هجری که مصادف با سال ۱۹۳۶ و چند ماه ۱۹۳۷ میلادی بود، برای جامعه بشری یکی از پرورد و شترین سالهای بعدازجهانگی عمومی بشمار می‌رود و درین سال آنقدر واقعیت مدھش و امنیت اتفاق افتاده که نظربر آن را در یک سال چه، بلکه در چندین سال گذشته نیز نیتوان سراغ کرد مثلاً اختتام فاجعه ناک چنگک حبشه و اقدامات جدیانه المان و انقلاب خانمانسوز هسپانیه و کشکش های حزبو اروبا و تبدیلی غیرمنتظر پادشاهان وزمامداران وفات رجال بزرگ و افاعات مهم شرق اقصی و خوبی های شرق قرب و کشیدگی های سیاسی دول و ممال و دسته بندهایی هم‌اک مطابق جذبات مسلکی وبالآخره دسیسه بازیهای دول مختلف و حادثات طبیعی متعدد و خسارت بخش وغیره وغیره واقعات مهم بقدرتی زیاد است که افق سیاسی و معاشرتی عالم مخصوصاً قاره اروپا را بطور موحس تیره و تارجلوه میدهد . اگر مختصر بگوئیم : در سال ۱۳۱۵ ارکان صاح و امنیت عالم بدرجة آخر مبتلول و روح اعتماد متقابله تقریباً بکلی ازین ملل صریح گردیده است . چنانچه جامعه ممل که مهترین موسسات صلح و آشتی و حفظ حقوق و همکاری دول بحساب می‌رود ، درین سال با مشکلات فوق العادة

سالنامه « کابل »

مواجه شده و در اثر پاکشاري بعضی دول و مقاصد خصوصی برخی دیگر و نيز از جهت عدم مجریت اساسات و قواعد خویش ، بالمره اعتبار خود را از دست داده و امسوز بجز نام ، دیگر اهمیتی برای آن باقی نیست . با وجود این ، خوشبختانه در بعضی از قسمت های جهان علاوه بر آنکه شعله های مبارزه طلبی و باد های بی اعتمادی بلند نشده ، بالمقابل اقدامات مؤثری به نفع صلح و امنیت نيز بعمل آمده که مهمترین آن عبارت از حسن روابط و نزدیکی مزید مالک اسلامی آسیانی و اتحاد باهی دول امریکائی وغیره میباشد . و این اقدامات و تشبیثات صلح جویانه و آشتی کارانه بطور قطع تأثیرات مطبوعی بر پیکر امنیت جهان وارد خواهد کرد .

خلاصه واقعات عمده سال ۱۳۱۵ از روی شایعات جرائد و مطبوعات
دنیا فرار ذبل است :

جامعه ملل

طوریکه گفتیم درین سال جامعه ملل برخلاف امید هائی که در سال قبل نسبت به مجریت اقدامات آن بیداشده بود ، فوق العاده بی اعتبار و از اهمیت آن در نزد عموم ملل و دول کاسته شده است . با اینهم موضوعات مهمیکه درین سال به پیشگاه جامعه تقدیم گردیده ، اعم از اینکه تصفیه یافته و یا نافصله باقی مانده باقیقرار است :

- (۱) نزاع ایطالیا و جبهه (۲) موضوع لوکارنو (۳) مسئله دا ز یگ
- (۴) موضوع دردانل و تبدیلی معا هدة لوزان (۵) خانه جنگی هسپانیه

گذارشات دنیا

(۶) مسئله امور مالی آستریا (۷) اختلاف نظر فرانسه و تور کیه در مسئله سنچاق (۸) اصلاح جامعه مملکت.

نزاع ایطالیا و جبهه:

قضیه جنگ ایطالیا و جبهه اگرچه در اوائل سال ۱۳۱۵، خاتمه یزیرقته حاکمیت ایطالیا بر مملکت باستانی جبهه یعنی یگانه مملکت مستقل افریقائی ثابت شد، لیکن باز هم موضوع جبهه در تمام این سال موجبات مشغولیت جامعه مملکت را فراهم و در حقیقت همین مسئله مهمترین عامل بی اعتباری آن مؤسسه گردیده است. جنگ ایطالیا و جبهه را تا آخر سال ۱۳۱۶ قارئین گرام در سالنامه ۱۳۱۴ کابل مطالعه نموده اند، اینک ذیلاً وقایم ما بعد مذکور را بطور اختصار از نظر شان گذارش میدهیم تا از روئس مسائل سیاسی این قضیه مهم اطلاع کافی حاصل باشد:

در اواخر سال ۱۳۱۴ نظر به پیشنهاد فلاندن وزیر امور خارجه (سابق) فرانسه نسبت به خواهش آغاز مذاکرات صلح از هردو فرق، کمیته تعاون جامعه مملکت رئیس خود (ماد را یا کا) را اختیار داد تا درین موضوع با طرفین مفاهمه بعمل آورده نظریات هر دو جانب را معلوم و به مدیکر شان اردا گردد. همان بود که مدارایا گا (سفیر کبیر و ناینده اسپانیا در جامعه مملکت) شخصاً درین موضوع با ناینده گان ایطالیا و جبهه داخل مذاکره شده، وقتیکه پیشنهادات ایطالیا را نسبت به شرایط صلح، به ناینده گان جبهه بتاریخ ۲۶ محل (۱۵ اپریل ۱۹۳۶) تقدیم کرد، حکومت جبهه از قبول آن اعتراض نمود، و در عین حال ناینده گان جبهه بتاریخ ۲ محل (۲۳ مارچ)

به هیئت ۱۲ نفره جامعه ملل نسبت به استعمال غاز زهردار از طرف فوج ایطالیا در جبهه شکایت نموده ایطالیا از تصدیق انکار و جواباً استنادی را دایر بر ظلم و ستم جبهی ها که بر اسرای ایطالوی روا میداشتند، تقدیم کرد. سپس بتأثیر خواسته ۲۰ اپریل) مادرار یا کما را پورت خود را به شورای جامعه پیش کرد مذاکره جبهه از نو شروع شد و درین مجلس (الوازی) نماینده ایطالیا مسئولیت عدم کامایابی مذاکرات صلح را بر عهده جبهه انداخت - مقارن این اوقات بود که کار پیشرفت عساکر ایطالیا در جبهه کسب سرعت نمود و بالاخره چون بتأثیر خواسته ۱۱ نور (اول می) نجاشی از ادیس ابابا بیرون و ایطالیا لویها وارد پای خفت جبهه شدند، و حکومت روما بتأثیر خواسته ۲۰ نور (۱۰ می) اعلان الحاق جبهه را به ایطالیا به جامعه ملل و در ۲۴ نور (۲ می) به تمام منانک ابلاغ نمود، با اثر آن شورای جامعه در ماه (جوزا) اجلاس بهاری خود را منعقد و در آن (پیلاسلاسی) شاهنشاه جبهه شخصاً بحیث نماینده همذکرت خود حاضر گردید و مذاکرات زیادی درین خصوص به عمل آمد. شورای جامعه پس از اظهار تأسف اعلان کرد که الحاق جبهه را به ایطالیا بر سمیت نشناشد ولی با تر پیش نهاد فرانسه و انگلیس در همین اجلاس تجاویز تعزیری نیز من بعد پیغایده قلمداد شده از سر ایطالیا رفع کرده شد. و سپس در ماه میزان (سپتامبر) باز در موضع احلاس عمومی جامعه ملل نماینده گان جبهه و شخص نجاشی به جینتو حاضر شده، اقامه دعوی کردند نماینده گان ایطالیا از مجلس خارج و اعتراض نمودند که نماینده گان جبهه دیگر حق حضور را در جامعه ملل ندارند و هیئت مخصوص برای تحقیق این قضیه مقرر شده پس از مذاکرات طریقی بالآخره فیصله کرد که نماینده گان جبهه

گذا ر شات دنها

درین ا جلاس نیز حق حضوررا دارند و همان بود که از لحاظ نبودن نمایندگان ایطالیا ، و عدم تمايل دول باين موضوع ، مسئله جشنه دیگر زبر بحث نیامده اجلاس عمومی هم خاتمه یافت .

و گویا با ینقسم دول بزرگ فضیله جشنه را بی سر و صدا ، فیصله شده انگاشتند و گمان نمیروند که درآینده هم با وجود مساعی نجاشی و رفاقت ا او دیگر جامعه ممل بابن موضوع اتفاقاتی مبنی دارد زیرا بس از اجلاس عمومی جامعه ممل ، بعد از آنکه از سبب بارندگی یک سلسله مشکلات برای ایطالو یها در جشنه پیش شد بالاخره در خزان ۱۳۱۵ یعنی تاریخ ۵ فروردین (۲۷ نومبر) سال منبور آخرین نقطه حاکمیت ملی جشنه که عبارت از مقام (گور) بود نیز بدست ایطالو یها افتاده ، بجز عدد از خواین بزرگ که بکو هستات دست نارسی متواری شده و وقتاً فو قتاً اقداماتی بر ضد ایطالو یها مینمایند دیگر نام و نشانی از حکومت بومی دران جا باقی نماند است . باین صورت گویا با وجود پاره اقدامات جامعه ممل که برای جلو گیری از تهاجمات ایطالیا در جشنه از سال گذشته با ینظرف بعمل آورد ، باز هم بسبب عدم مجریت و عمومیت نداشتن تجاویز و اقدامات مدنکور و پاره نظریات سیاسی دول درین موضوع ، مملکت مستقل جشنه که عضو جامعه ممل بود ، در ظرف کمتر از یک سال در اثر استعمال زور و قوه مضیچ ایطالیا گردید .

موضوع لوکارنو :

موضوع لوکارنو در حقیقت عبارت از یک سلسله کوانٹی است که در ۱۱ نوامبر معاهده معروف لوکارنو (منعقدة ۱۶ اکتوبر ۱۹۲۵) از طرف

المان بنا بر تاریخ ۷ مارچ ۱۹۳۶ (اخير سال ۱۳۱۴) صورت گرفت و طور یکه در سالنامه ۱۳۱۴ تذکار یافته باش این واقعه فرانسه و بلژیک عرضی خالی به جامعه ملل تقدیم و بموجب آن بنا بر تاریخ ۲۳ حوت ۱۳۱۴ (۱۴ مارچ ۱۹۳۶) اجلاس فوق العاده شورای جامعه ملل در لندن انعقاد یافته بنا بر تاریخ ۲۱ حوت (۱۹ مارچ) پیشنهاد جدیدی نسبت به تجدید معاہده لوکارنو از طرف فرانسه و بلژیک و انگلستان ترتیب یافت و در ۳۰ حوت (۲۰ مارچ) اجلاس شورای جامعه معطل گردیده ضمناً با ترمیمه هر سه دولت فوق الذکر مقرر شد که در صورت معطل شدن مذاکرات بالمان، انگلستان ضمانت سرحدات فرانسه و بلژیک را بیناید و هم در همین موقع دول فوق الذکر فیصله کردنده که ریاست ارکان حرب شان باهم در خصوص اوضاع آینده و چگونگی ضمانت انگلستان (از سرحدات فرانسه و بلژیک) مفاهیم نمایند. چنانچه بنا بر تاریخ ۲۶ جمل ۱۳۱۵ (۱۵ اپریل ۱۹۳۶) مذاکرات ارکان حرب سه مملکت شروع گردید. درین بین بنا بر تاریخ ۹ جمل (۲۹ مارچ) انتخابات مجلس شورای ملی المان (رایشتاب گک) خاتمه یافته، رئیس مملکت المان (هتلر) در خصوص معاہده لوکارنو و عوض کردن آن پیشنهادی حاوی ۱۹ نکته به مالک ذیعلاوه ار سال کرد. درین پیشنهاد، المان به طرح معاہدة جدیدی که متنضم ضمانتی برای فرانسه و بلژیک یعنی در غرب اروپا یا باشد موافقت و اظهار آمدگی نموده بود. فرانسه بنا بر تاریخ ۱۹ جمل (۱۸ اپریل) بجواب پیشنهاد المان پیشنهاد جدیدی حاوی ۲۰ نکته ترتیب نموده جدآ مطالبه کرد که باید در معاہدة جدید المان نسبت به شرق اروپا نیز ضمانتی داده در معاہدة مذکور مملکت شوروی نیز شامل باشد.

گذار ذات دنیا

و در اثر آن به ۲۱ جولای (۱۰ اپریل) مجلس ممالک لوکارنو فیصله نمود که هر دو نقشه (نقشه المان و نقشه فرانسه) به بیشگاه جامعه ملل تقدیم کرده شود و انگلستان مابین فرانسه و المان واسطه مذاکره فرار بگیرد . چنانچه حکومت انگلستان با تاریخ ۱۷ نور (۷ می) یک مجموعه سوالات را بنام حکومت المان فرستاده درباره بسانکات از مملکت مذکور توضیحات خواست . درین بین شورای جامعه ملل انعقاد یافته اما چون جواب سوالات انگلستان از طرف المان نرسیده بود ، اجلاس مذکور برای مدت غیر محدودی معطله کرد . از طرف دیگر چون ایطالیا نیز بسب تجاویز تعزیری وغیره اینجا بات سیاسی در مذاکرات لوکارنو شامل نشد ، بنا بر آن فرانسه و بلژیک و انگلستان در ۳۱ سرطان (۲۳ جولائی) در لندن مجلسی منعقد و در آن برای طرح معاهده پنج دولت یعنی فرانسه و المان و بلژیک و ایطالیا و انگلستان داخل افدا مات شدند و طور یکه دیده میشود ازین وقت به بعد گویا فرانسه و دیگران از شمول شوروی (بواسطه مخالفت جدی المان) انصراف ورزیدند . درین وقت بود که المان و ایطالیا نیز شمول خود را در مذاکرات طرح این معاهده وعده دادند و از هر طرف گمان میرفت که عنقریب بین همکلت مذکور معاهده جدید لوکارنو انعقاد خواهد یافت ولی مقارن همین زمان ویش از آنکه کدام تماس مستقیم مابین ممالک مذکور بعمل آمده باشد ، المان مدت خدمت عسکری خود را در یکسال بدوسال ترقی داده و با اثر آن باز سوه تفاهم مابین او و ممالک لوکارنو از قبیل فرانسه و بلژیک وغیره تازه شد - از طرف دیگر باز و ضعیت کشیده گی مانندیکه در اثر این یافته در اروپائی شرقی تولید شد ، حکومت المان با تاریخ ۲۲ سنبله

(۱۴ ستمبر) به حکومت انگلستان اطلاع داد که انعقاد مجلس دولت را معطل بسازد چنانچه مجلس ماه ستمبر (میزان) جامعه ملل نیز بسبب عدم آمدگی المان وايطاليا و سر انجام ناشدن مذاکرات خصوصی که در نتیجه جواب وسوال لندن و برلن و باقی مالک لوکارنو جاری شده بود، موضوع لوکارنو را زیربحث گرفته توانست - گذشته از این تاریخ ۲۲ اکتبر (۴ نومبر) المان شرابطین الالمی بودن بعضی رودخانه های المان را که جز معاهدۀ (رسای) بود با موافقت موقتی دریا نورده رود رائن (منعقدۀ ۱۴ نویمبر ۱۳۱۵ مطابق ۴ می ۱۹۳۶) ملغی قرار داده، با اثر آن فرانسه و لهستان اعتراض و باقی ممالک ذعلا، تنها بظهور تأسف نمودند. و باین صورت گویا موضوع لوکارنو که عبارت از موافقت مایین فرانسه و المان درخصوص تمام مسائل سیاسی و ضمانت باهمی باشد، تا خیر سال ۱۳۱۵ همان طور نافیصه مانده و با وجود میانجی گری انگلستان طرفین در خصوص موضوعات سیاسی با هدف یگر موافقت حاصل گرده توانسته اند.

مسئله دانزیگ:

موضوع دانزیگ عبارت اختلاف است که از دو سال بینطرف در اثربخشت جدید باشندگان شهر آزاد دانزیگ، مایین نایبدۀ جامعه ملل و مجلس اعیان شهر مذکور (که پس از جنگ عمومی مجرّد، و برای استفادۀ دول شما لی اروپا بالخصوص لهستان بزرگ ادارۀ جامعه ملل در آمده) رخ داده است. منشاء این اختلاف عبارت از خواهشات مردمان شهر مذکور است که میخواهند در ادارۀ خویش آزاد بوده، جامعه ملل را در امور اداری آنجا مداخله نباشد البته طوریکه ملاحظه میشود درین نهضت جدید، تأثیرات نازی نیز شامل است چنانچه پی‌هم‌عدة

کرسی های ناز بها در مجلس اعیان دانزیگ که تمام امور شهر در دست آنست اضافه شده میرود و ازین دو قبیله دانزیگ واوضاع آنجار روز بروز نازن ترشید رفته وزود است که برای امنیت اروپا یک مسئله و خیمی خواهد شد . به حال موضوع دانزیگ درین سال تقریباً در تمام جلسات شورای جامعه و مجلس عمومی مذکور زیر بحث آمده و خلاصه رویت ها و اقدامات جامعه ملل در بن باره قرار ذیل است :- در مجلس ماه مجدی (جنوری) سال گذشته که موضوع دانزیگ بیش نهاد شده بود نافرمانی مانده و باز در اجلاس عمومی جامعه ملل در ماه میزان (ستمبر) زیر بحث آمده جامعه ملل نماینده لهستان (باک) را به ترتیب رایورانی درین موضوع مأمور کرده و مشاریه را پورت خود را در اجلاس جدی ۱۳۱۵ (جنوری ۱۹۳۶) تقدیم کرد که هنوز فصله قضیی دران باره بعمل نیامده لیکن یک مثار که موقتی بین نماینده جامعه ملل و مجلس اعیان دانزیگ روی کار آمده است . دول اروپائی بالغاصه انگلستان و فرانسه و لهستان والمان وغیره درین موضوع کمال علاوه مندی را از خرد نشان میدهند .

موضوع در دائل و تبدیل معاهده اوزان :

ناظرین محترم بخاطر خواهند داشت که حکومت جمهوری ترکیه در سال گذشته بعد از اعلان نظام اجرایی از طرف المان ، یعنی پس از لغو نشدن شرایط نظامی معاهده (ورسای) ، رسماً به جامعه ملل دلائل ثابت خویش را نسبت به استحکام سواحل در دائل تقدیم و جامعه این موضوع را برای آینده موکول گذاشته بود - با اثر آن حکومت جمهوری ترکیه در نزد حکومات ذی علاقه اقدامات مخصوصی نموده با اثر تشبیثات معقول حکومت موصوف در ظرف چند ماه تقریباً تمام دول امضا کننده معاهده (اوزان) که استحکامات در دائل بوجب

آن منوع قرار داده شده بود ، موافقت کردند که درین باره تجدید نظر نمایند : همان بود که بتاریخ ۳۲ جوزا ۱۳۱۵ (۲۲ جون ۱۹۳۶) هر ۹ ممالک اعضاء کننده معاہدة وزان مقام موئتر و (درسویس) اجتماع نموده راجع به خواهشات تورکیه و دلائل موجبه آن مذاکرات را شروع کردند - و این مذاکرات تا ۲۸ سلطان (۲۰ چولانی) دوام کرده پس از آنکه اختلافات زیادی مابین نظریات انگلستان و شوروی و اتحادیه صنایع مخصوصاً (رومانیه) رخ داد ، بالجمله در تمام مسائل موافقت نظر عموم حاصل شده ، در ۲۸ سلطان (۲۰ چولانی) معاہدة جدیدی بنام « معاہدة موئتر » با ماضه رسید که بوجب آن تورکیه از یک طرف حق استحکام سواحل دردانل را حاصل و از طرف دیگر ناظرین و مفتشین جامعه ملل از استانبول مراحت شد و نیز تورکیه حقوق زیادی را مبنی بر نظارت جهازات عبور کننده خارجه مخصوصاً جهازات حری و یا جهازاتیکه در وقت جنگ از آنها عبور کردن بخواهدن ، دارا شده است که ازین رهگذر هم حاکمت حقوقی دولت تورکیه بر معابر دریای سیاه بکلی تثبیت یافته - و طوریکه میگویند یک دولت دیگریکه از معاہدة موئتر و فائده خوبی گرفته عبارت از دولت شوروی است که سلسله آمد و رفت جهاز اتفاق در بحر مدیترانه سهولت زیادی پیدا کرده است . این معاہده بتاریخ ۱۷ هقرب (۹ نویمبر) در پاریس تصدیق یافته . و با یتصورت مملکت جمهوری تورکیه حقوق سابقه و حقه خویش را پس از سالیان درازی که در طلب آن بود ، از طریق صلح و مسالمت و از مجرای قانونی و داخل مقررات جامعه ملن ، حاصل نموده است .

خانه جنگ هسپانیه :

انقلاب داخلی هسپانیه که دفعتاً در ماه سرطان ۱۳۱۵ (جولائی ۱۹۳۶) شعله های آن از مراکش اسپانیولی ز بانه کشیده ، بزودی سرتا سرمهلکت مذکور را فرا گرفت ، در ظرف چند روز تأثیرات آن در ممالک خارجه رسیده ، دول و مملک اروپائی بد و دسته تقسیم شدند - یکدسته که دارای مسلک فاشیستی و حکومت دیکتاتوری میباشند و یانظر بیاره ایجابات دیگر طرفداری انقلابیون را منا سب میدانند ، بهوا خواهی و امداد متعددین اسپانیولی که آنها هم سرشار جذبات فاشیستی هستند ، بر خواستند - و دسته دیگر که از روی مسلک و عقیده اجتماعی (سو سیالست) محسوب میشوند و یامناقم سیاسی شان آنها را بطریقداری حکومت دست چپ ما در ید میکشانند ، به یشتبانی حکومت مادرید که به احزاب دست چپ تعلق دارد ، قیام کردند که طوریکه ملاحظه میشود در دسته اول ممالک ایطالیا و المان و پرتغال و بعد ها اتریش و مجارستان و در دسته دوم اتحاد شوروی و فرانسه و بلژیک و چکو سلوواکی (و تا اندازه اندگستان و غیره رامیتوان شمار کرد - اگرچه در ماه اسد (اوائل اکست) بنابر پیشنهاد فرانسه ، مجلس عدم مداخله بتاریخ ۷ سپتامبر (۱۳۰) دولت تأسیس و ۲۳ دولت اروپائی دران رسمآ داخل شدند ، و اوایل جلسه مجلس مذکور در ۱۷ سپتامبر (۹ ستمبر) تحت ریاست (لارد پلایموث) از رجال سیاسی انگلستان انعقاد یافت ، لیکن با وجود این بعضی حکومات و برخی طبقات ممل مختلفه مداخله یولی حتی جاتی (عبارت از اعزام نفرات) به مبارزین اسپانیه نموده ، جنگ داخلی را شکل مبارزه مسلکی بین المللی یو شانیدند ، در اثر این کیفیت چون در اوائل امداد های خارجی بطرف

متمر دین زیاد تر بود ، بنا بران حکومت ما در ید در میزان (ماه ستمبر) عرضهای به جامعه ملل تقدیم و نسبت به مذاخنه امان و ایطا لیا شکایت کرد - اما موضوع من بور چنانچه باید در جامعه زیر بحث گرفته نشده ، بلکه به مجلس عدم مذاخله از جای گردید و چندی بعد چون مذاخله خارجیها در اسپانیه خبیل شدت کرده و از اکثر ممالک رضا کاران برای چنگک وارد اسپانیه گردید بنا بران مجلس عدم مذاخله در ۱۰ فویس (۲ دسمبر) بهر دو طرف مبارز پیش نهاد مراقبت محلی را نسبت به امداد های خارجیها نموده و نیز مقارت همین زمان دولت بر ریگ مخصوصاً فرانسه و انگلستان تعویز جدیدی پیش و در آن متع اجازه رضا کاران را از مالک ، خواهش نمودند و نیز میانجی گری خود هارا درین مبارزین مذکور پیش نهاد کردند . و دولت مختلفه پس از تهدید زیاد بالآخر در ماه جدی (جنوری ۱۹۳۷) قسمت اول این پیش نهاد را پندیرفت ، و عده دادند که ترتیبات لازمه را جهت منع رضا کاران اتخاذ خواهند کرد چنانچه فرانسه و انگلستان وسأً وقت رضا کاران را از مملکت خود بطریف اسپانیا ممنوع فرار داده برای مرتكبین ضد احکام مذکور جزا ممکن تعیین کردند و هم در اوائل حوت (اواخر فروردی) دولت یکر درین خصوص تعهداتی نمودند . و علاوه برین در همین وقت نگران هستی برای صرافیت بیطریقی دولت بنادر و سرحدات و بحرهای اطراف اسپانیه تعین گردید . همکن است در اثر این اقدامات اعزام رضا کاران خارجی مواد چنگی و غیره به اسپانیه معطل گردد . اما موضوع میانجی گری دول را تا کنون مبارزین اسپانیه قبول نگرده اند . با وجود این اقدامات ، مسئله اقلاب داخلی اسپانیه یک قضیه بسیار

کنوارشات دنیا

ناز کی شده و هر قسم امکانات ناگوار را در امور بین المللی در بر دارد . آنچه حقیقته بر و خامت مسئله می افراشد ، همانا از یکطرف معطلي عسا کر متمن دین است در اطراف ما دريد که از ۴ ماه باينظر ف به گرفتن ياي تخت موفق نشده اند واز طرف دیگر داچسي و همدردي ممالک مختلفه است نشبت به عنصر دین که در رأس آن (جنزال فرانکو) فرار گرفته وابن داچسي و همدردي رسمي دول عمارت از اعتراض رسالت حکومت افلاي یعنی حکومت جنزال فرانکو است که پر تکال بتاریخ ۳۰ میزان (۱۲۳ کتو بر) والمان و ايطالیا در ۲۶ عقرب (۱۸ نویمبر) حکومت پرگوس (جنزال فرانکو) را بر سمت شناختند . آنچه مبانجي گري دول بزرگ را در انقلاب اسپانیه لازم ساخته یکی ظلم و احتجاج است که طرفین بمقابل یکدیگر خوش روا میدارند و دیگر خود همین مداخلت های خارجهها و کشیدگی بین المللی است که باز مرداخت مذکور وجود آمده ، ایکن بالمقابل آنچه اعدام مذکور یعنی مبانجي گري دول را مشکل میگرداند نيز همین مداخلات دول خارجی است که نمیگذر آرد دول تقریباً بیطراف ، اقدامات مقتضبه را بعمل بیاورند - بنابرین جهات است که حاضراً قضیه اسپانیه یك معماي لاينحالی شده که سیاستمداران اروپائي از حل آن خود را عاجز می یابند وحقیقته نسبت به عواقب و خیم آن دوچار هر نوع هراس میباشد

وضعی امور ملی آستریا :

حکومت آستریا نظر پاره ملاحظات با جلاس عمومی جامعه ملل درماه سپتمبر اعلام داده بود تا سگرانی مالی خود را از آنجارفع سازد زیرا امور مالی مملکت شکل اصلاح بخود گرفته است ، این پیشنهاد یس از يك سلسه مذاكرات قبول گردیده ، نگرانی مالی جامعه ملل که باز فرض بین المللی جهه بهبود اوضاع مالی آن مملکت

از چند سال باینطرف بالای امور مال مملکت مذکور جریان داشت اختتام یزدیرفت.

نزاع فرانسه و تور کیه :

در آخر جنگ عمومی که ممالک مربوطه امپرا طوری عثمانی مایین متفقین تقسیم و اداره سوریه و لبنان از طرف جامعه ملل به فرانسه بصورت اراضی تحت قیومیت واگذار کرده شد، علاقه سنjac اسکندریون و انطا کیه که در حواشی سرحدات تور کیه اسرزوze واقع و اهالی آن نزدآ و لسانآ تورک میباشند نیز جز و شامات شناخته شده هر چند تور کیه این انتزاع را قبول نکرده و همیشه نسبت به سرحدات خویش همراه فرانسه گفتگو داشت، لیکن فرانسه فقط همیقدیر قبول نموده بود که زبان مردمان آن جا را احترام بکند اما درین اواخر که حکومت فرانسه اراده نمود تا به سوریه و لبنان آزادی اعطاء کند بنابران حکومت تور کیه نسبت به این دو علاقه در اوائل زمستان ۱۳۱۵ (اخير سال ۱۹۳۶) یاد داشتی بحکومت فرانسه تقاضی و دران خواهش نمود تا در صورت استقلال سوریه به علاقه جات سنjac و انطا کیه آزادی داده شود، اما حکومت فرانسه این خواهش را نیزیرفته موضوع در اجلاس ماه قوس (دسمبر) شورای جامعه ملل از طرف تور کیه رویت داده شد و در اثر هیئت مد کرات کوتاهی چنین فیصله گردید تا یک هیئت سه نفره به اصل محل اعزام گردیده مطالعات لازمه را نسبت بوضعیت چهارمایی و موقعیت مقامات مذکوره و رأی اهالی مذکور بعمل بیاورد. همان بود که در ماه جدی (اوائل سال ۱۹۳۷) هیئت مد کور وايس به جینوا مراجعت نمود. و در عین زمان ۱ گرچه یک مرتبه در روابط مملکتین کشید گی ییدا شده و مخصوصاً تور کیه مظاهرات شدیدی درین خصوص نشان داد، ولی بالآخره طرفین مذاکرات مستقیم را در پاریس شروع نموده، موقعیکه در ماه جدی (جنوری) شورای جامعه اجلاس خودرا

گذارشات دنیا

منقد ساخت ، دولتین موافقت خود را اطلاع و باین قسم اختلاف مذکور بطور مسالت کارانه صورت حن بخود گرفت . یعنی حکومت فرانسه قبول کرد که زبان رسمی علاقه جات مذکور زبان تور کی بوده مدارس و نشریات شان به تور کی باشد و نیز بندر گاه اسکندریون برای استفاده تور کیه باز گذاشته شود و اداره تمام آن علاقه بزرگانی جامعه ممل بعمل بیاید .

اصلاح جامعه ممل :

پس از سقوط جبهه و ناکامی اقدامات جامعه ممل درخصوص جلوگیری از اقدامات تسخیر کننده ایطالیا ، مالک بزرگ اروپائی عدم مجریت اساسات جامعه و مشکلات عملی مقررات میناق را احساس نموده بفکر افتادند تا اساسات جامعه ممل را طوری اصلاح کنند که بصورت یقینی از منازعات جلوگیری نموده بتوانند و نیز چنان وظیباتی را اتخاذ کنند تا منازعات گذشته رفع شده برای آینده بین دول نزاعی باقی نماند - برای این مقصد فرانسه و انگلستان و ایطالیا و شوروی وغیره دول خود و بزرگ که نقشه های ترتیب نموده ، در موتم اجلاس عمومی جامعه در ماه میزان ۱۳۱۵ (ستمبر ۱۹۳۶) میخواستند تقدیم کنند ، لیکن موضوع جبهه و مشکلاتی که در آن وجود نمایند گان جبهه و اقدامات نجاشی بوجود آمد از تقدیم شدن پیش نهاده ایجاد کردند ، و تنها یک هیئت مقرر گردیده تا نقشه های مختلفه را مورد مطالعه قرار داده در اطراف اصلاحات مقتضیه اساسات جامعه را پورتی تقدیم کند . و تا هنوز رایوت مذکور به جامعه ممل رویت داده نشده است . و نیز در همهین موقع نظر بخواهشات دول مختلفه برای تقسیم منصقهنه مواد خام از طرف جامعه ممل هیئتی تعین گردیده تا موضوع را مطالعه کرده ، انعقاد یک کمیسیون بین المللی را تهیه به بیند .

اوردین المللی

کنفرانس بحری لندن :

ـ فرانس بحری که در زمستان سال ۱۳۱۴ (۹ دسمبر ۱۹۳۵) بمقام لندن برای طرح معاہدة جدیدی بعوض معاہده واشنگتن، بشمولیت نمایندگان انگلیس، فرانسه، ایطالیا، جایان و ممالک متعدد امریکا، انقاد ناقه بود، پس از آنکه در آخر اختلاف نظریات دول شامله خصوصاً جایان و انگلستان و ممالک متعدد امریکا چندی معطل و سپس در ماه جدی ۱۳۱۴ (تاریخ ۱۵ جنوری ۱۹۳۶) جایان ازان جارج گردید، در ۱۱ دلو ۱۳۱۴ (۲۱ جنوری) دول باقیانده طرح معاہده را مسوده کردند و چون ایطالیا نیز تاریخ ۹ حوت ۱۲۱۴ (۲۷ فروردی) از اشتراک در معاہده انگلستان ورزید، بالاخره تاریخ ۱۱ جمل ۱۳۱۵ (۳۱ مارچ) معاہده سه جانبه ۶ ساله مابین انگلستان، فرانسه و ممالک متعدد امریکا بامضاء رسیده، بو سیله این معاہده ممالک مذکور موافقت نمودند که اطلاعات مر بوته به تسليحات بحری خویش را مابین خود ها مبادله کرده، کمیت و کیفیت جهازات جنگی را نیز مناسب مقررات معاہده سابق محدود فرار بدنهند. و با یقین دودولت بزرگ از جمله پنج دولت امضا کننده معاہده بحری واشنگتن که عبارت از جایان و ایطالیا باشد خود را از قبود معاہده بحری به خلاص کردند.

علاوه برین در ۱۴ عقرب (۶ نومبر ۱۹۳۶) یک پروتوكول بین المللی راجع به اجرای انسایت کارانه جنگ تحت البحری بامضاء رسیده و المان نیز در اول فوس (۲۳ نومبر) دران شمولیت ورزید.

کنفرانس خلم سلاح :

مو ضوع خلم سلاح که از دو سال ناينظرف بسب مشغوليت فوق العاده تمام دول بسوی افزونی تسلیحات، بکلای مهمل شده بود، درین سال نیز همان نظور معمق مانده هیچ رئیس جلسه برای مطابعه موضوع تقابل و تحدید اساسه انعقاد نیافت. تنها در ماه میزان (ستبر) موقع اجلاس عمومی جامعه ملل دبیر وزیر خارجه فرانسه بیش نهادی نسبت به افتتاح جلسات کنفرانس خلم سلاح تقدیم نموده، تو جه ملل را سوی این مسئله که از اثر مسابقه شدید تسلیحات روز بروز ضرورت و از و م آن بیشتر شده میرود، مطوف کرد. ولی نا وجود این تا هنوز کدام اجلاسی برای موضوع تقابل و تحدید سلاح انعقاد نیافته است.

معاهده سه گانه پولی :

چند سال قبل که انگلستان و امریکا (آتا ذونی) در اثر بحران اقتصادی معیار طلا راترک و نرخ مبادله یوند و دالر را تنزل دادند، فرانسه و چندین مملکت دیگر به معیار طلا مربوط مانده، باین قسم دول بزرگ به دوسته تقسیم شده بودند که از اثر این تفرقه اوضاع پولی عالم دچار بحران گردیده بود. در ماه سپتمبر بنا بر مذاکراتی که ما بین فرانسه و انگلستان و امریکا بعمل آمد، هر سه مملکت بر یک معاهده پولی امضاء کردند که بموجب آن نرخ مبادله یوند و دالر و فرانک به نسبت یکدیگر مستقل و نرخ مبادله فرانک ۳۰ قیصه تنزل داده شد - متعاقب این معاهده ایطالیا و چکوسلواکی و سویس و هالیند نز نرخ مبادله یولهای خویش را با اندازه های مختلف کم کردند تا معیار معیشت ملی ترقی کرده در تجارت خارجی جلب توجه مشتریان را

سالنامه « کابل »

بنمایند . ازین معاہده اثرات مهمی را در بهبود اوضاع پولی و تجارت دنیا انتظار دارند که او لین نتائج آن عبارت از نزد یکی هر سه مملکت مذکور در زمینه اقتصادیات میباشد .

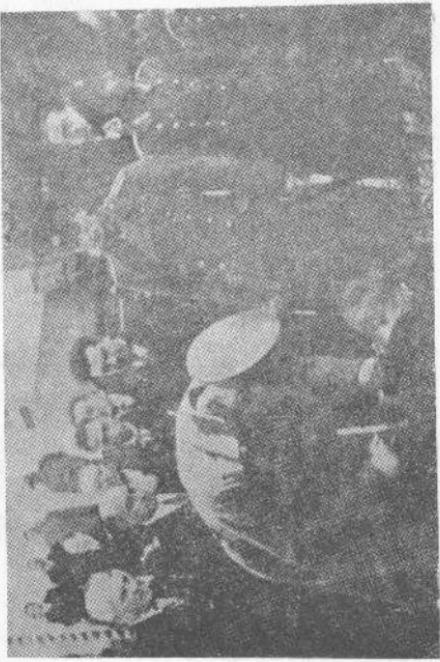
کنفرانس پان امریکن :

از سالها بود که ملن و دول امریکائی آرزوی تشکیل یک جامعه ملل امریکائی را داشته از همین جهت با جامعه ملل موجوده چندان دلچسبی نشان نمیدادند - این مشکوره در سال گذشته با تحری اعتباری جامعه ملل (در قضیه جبهه و لوکارنو و ورسای وغیره) یزتر مورد توجه ملل امریکائی فرار گرفته ، (چنانچه چندین مملکت امریکائی مثل نیکارا گوا و گواتمالا در طول سال از جامعه ملل خارج شدند) ، روز ولت رئیس جمهور ممالک متعهد خود را مشوق و محرك این نظریه معرف نموده ، پس از آنکه در اخیر سال گذشته بیطرفی اتاوانی را در متأزعات یعنی المللی اعلام کرده اعتماد ملل امریکایی را سوی خود جلب نمود متعاقب آن از تمام ممالک امریکائی انعقاد یک کنفرانس تمام امریکا را برای تامین صلح درین فاره خواهش کرد و سپس بهمکاری رئیسی جمهور ممالک امریکائی جنوبی ، در ۹ فویس (اول دسمبر) به مقام بوینس آیرس (ارجنتین) کنفرانس مذکور را که دران نمایندگان تمام ممالک امریکائی حضور بهم رسانیده بودند ، افتتاح و مذاکرات لازمه را برای تامین صلح در امریکا ، جاری ساخت . چنانچه پس از یک سلسه مذاکرات در ۲۰ فویس (۱۲ دسمبر) میثاق عدم تجاوز عمومی ممالک امریکائی بامضا رسیده مذاکرات تطبیقیه هنوز مدت ۱۱ روز دیگر دوام کرد و در اطراف تشکیل یک محکمة عدالت نیز مباحثه شده ، ولی موضوع مذکور به دومین کنفرانس پان امریکن که بعد ها در شهر لیما (پیرو) منعقد میشد ، موکول گردید .

والحضرت شهزاده محمد رضا بهلوي
ولعهد ايران



صربوط با قات علکن ایران



منظرة افتتاح خط آهن ايران کما يين شدر بهلوي (بهر خورد) و
طهران کشیده شده: اعلمحضرت بهلوي آخرين فد خط آهن را باز مبارېند

سر بوط یو اقامه ها مملکت ایران

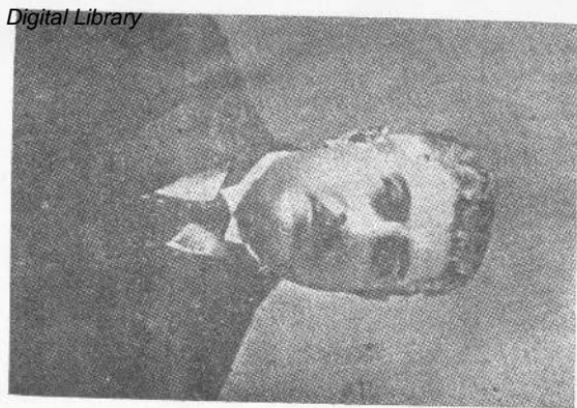


دا کتر شخت وزیر راقصاد المان که اخیراً
بايران مسافرته کرده



مسحوم آفای داور وزیر مالیه فقید ایران
که از رجال بزرگ آن مملکت بودند

مسحوم آفای نظام الدين حکمت وزیر
تلکراف ایران



دول آسیائی:

ایران

ملکت ایران درین سال موفق به بسا اصلاً حات مدنی و پیشرفت های عمرانی شده و مملکت مذکور فرین رفاقت و آرامش مسرت بخشانی زیست نموده یعنی از هیچیک رهگذر، بامشکلات و واقفات ناگواری مقابل نگردیده است. در اوائل سال ۱۳۱۵ والاحضرت ولیعهد ایران تحصیلات خویش را در سویس خاتمه داده با ایران مراجعت فرمودند چنانچه پذیرانی مغزی البه در بندر پهلوی و پایی تخت با تشریفات مجلل بعمل آمد.

درین سال کار تعمیر خط آهن ایران که از بندر پهلوی تا طهران کشیده میشود و مقرر است که از طهران بخلیج فارس اتصال یبدا کنند، در قسمت شمال پیشرفت زیادی نموده و به (۶) کیلومتری طهران رسیده که البتہ در او اول سال ۱۳۱۶ به پایی تخت وصل می‌باید. اعیان‌حضرت پهلوی در تعمیر وامتداد این خط آهن توجه خاصی مبذول فرموده مکرر کار ساختهان و پیشرفت مذکور راشخصاً نگرانی فرموده اند.

در موسم خزان یک هیئت اقتصادی برای است جمال حسنی وزیر معارف سابق تور کیه از نقره برای مذاکرات اقتصادی وغیره خصوصاً راجع به اتصال خط آهن ایران و تور کیه وارد طهران گردیده باز مامداران ایرانی داخل مذاکره گردید و لی نتایج این مذاکرات تا کنون معلوم نیست.

در ماه عقرب والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حریمه افغانستان موقعی باز گشت از مسافت اروپا بصورت مسافت دوستانه وارد ایران گردیده از طرف حکومت و ملت مملکت دوست و همسایه ما ایران بازیابی گرجیوشی پذیرانی گردیدند و مدت یک ماه در ان جامه‌هان بوده مقامات مختلفه را معاینه و از ترقیات مملکت ایران

سالنامه «تابل»

اظهار مسیر فرمودند و این مسافت دوستاه سبب تشیید مزید روابط دوستاه که خوشبختانه ماین مملکتین موجود است گردیده حکومتین و ملتین را پیش از پیش بهمدیگر مربوط ساخته است.

در اوخر سال يك اقدام عرضی فانی بسیار مهمی در ایران بعمل آمده که عبارت از تشکیل و ناسیس جماعات (کلاس‌های) مخصوص تعلیم اکابر است که برای تربیه توده موجوده فوق العاده مفید واقع خواهد شد و تمام افراد در هر شهر و قصبه در اوقات فراغت یکی دو ساعت را به تعلیم پرداخته سواد و معلومات لازمه را که داشت آن از طرف توده ملت برای پیشرفت یک مملکت کمال ازوم را دارد، فرامیگیرند. در همین اوقات (داکتر شخت) وزیر اقتصادیات المان در ضمن مسافت شرقی خود، وارد ایران گردیده یك سلسه فرار دادهای تجارتی را نسبت به صادرات مواد خام ایران، بالمان و صادرات اشیای مصنوعه المانی با ایران بازمامدا ران ایرانی امضاء کرد.

در اخیر سال بنابر نشریات نامناسب بعضی از جرائد فرانسه که حکومت فرانسه بسبب نمودن قانون سگرانی مطبوعات از تلاف لازمه اعتذار نموده، حکومت ایران وزیر محتر خود را از باریس طلب نموده، یک نفر نمار گذار را در آن جا باقی گذاشت، در ماه دلو فرار دادی ماین حکومت ایران و شرکت «دی‌لور» امریکائی برای استغراج نفت مناطق شمال شرق و شرق ایران باهضنا، رسید که شرایط آن برای مملکت ایران مناسب نمی‌شد.

اتحاد سوروی

مملکت اتحاد جاهیر اشتراکیه سورایه در سال ۱۳۱۵ دنباله پیشرفت‌های اقتصادی خویش را تعقیب نموده، در صنایع و تجارت و زراعت حائز موقعت های زیادی شده است، لیکن از لحاظ موقعت سیاسی بطوریکه مطالعه کردیم

پامشکلائق مواجه شده و روابط او با ممالکيکه کشيدگي پيدا كرده بود صورت حل بخود گرفته نتوانست و هم در زمينه او ضاع داخلی جريان دسيسه هاي مختلف كبار انه که از تحريريات داخلی و خارجي سر چشميه ميگرفت ، فضای سياسي اين هملکت وسیع را تا اندازه پر آشوب نشان ميداد .

در اوائل سال معاهده اتحاد نظامي که مابین شوروی و چهوربیت مغلستان خارجي انعقد یافته بود ، وارد مرحله عمل شده جاپان ازان خيلی متأثر گردید و نيز دنباله واقعات سرحدی در سر حدات منچو کو و شوروی امتداد یافته ، بر خرابي مناسبات هملکتین مذكور می افزاود ، از طرف ديگر اظهارات تند زمامداران المان و جوابات شديد زمامداران شوروی که برخلاف هميگر در مجالس مختلفه ميگفتند ، مناسبات المان و شوروی را ييش از ييش تيره و خراب ميساخت ، تا آنکه در موسم خزان يك دسته المانهای مستخدم حکومت شوروی در مسکو ب مجرم شمولیت در دسيسه برای خراب كردن کارخانه جات و تحرير يك کارگران توفيق و محاكمه و محکوم باعدام شده ، بنابر اصرار بسیار جدی حکومت المان بالاخره جزای شان به تعیيد تبدیل یافت .

در طول اين سال دودسيسه بزرگت داخلی ديگرنيز در روسие کشف شده با آن عدد زيادي از رجال بزرگ و کوچك توفيق و محاکمه شدند چنان نچه در دسيسه اول « زينو ويف » و « کامينيف » از رجال مشهور سابق و ۱۵ نفر ديگر اعدام و « رادك » و « سوكولنيکوف » و « سر بریا کووا » و « بیا تا کوف » که آنها نيز از زمامداران مهم بودند با چند فرد يگر به حبس هاي ميعادي محکوم گردیدند و در دسيسه دومي که در اوخر سال مكشوف شده زياده از صد نفر ديگر منجمله « ریکوف » ، رئيس وزرای سابق و « یا گودا » وزیر داخله توفيق شدند که هنوز نتيجه محاکمه شان معلوم نیست . طوری که از مقالات جراحت فهمیده ميشود

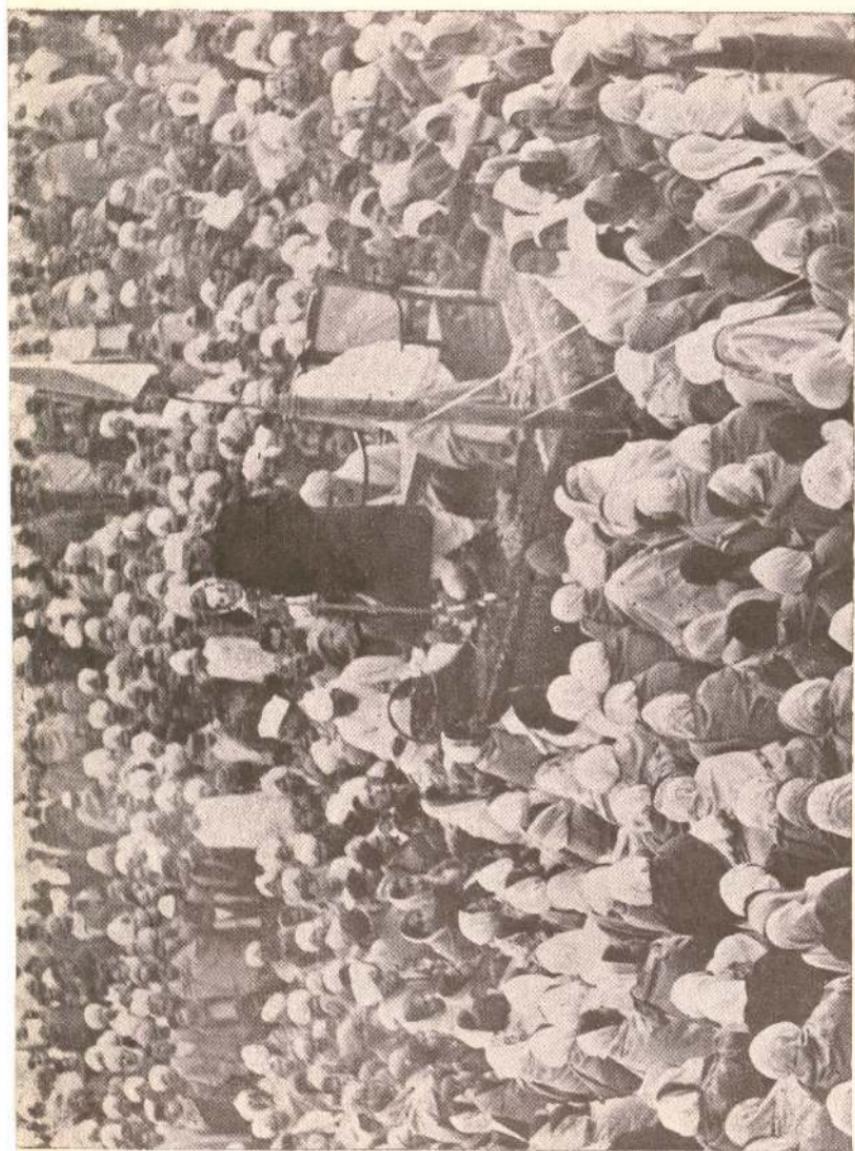
سالنامه «کابل»

دستیسه های مذکور مربوط به اقدامات تروتسکی زعیم سابق روسیه شوروی که چند سال پیشتر با اخلاف نظر بازمامداران موجوده تبعید شده بود، و دیگر مخالفین داخلی میباشد وهم میگویند که المان ها و جایانی ها نیز باین تحریکات دخیل هستند - حکومت موجوده برای قلم و قمع عناصر هنگامه چوی و خلاف مشغول اقدامات جدی میباشد

در جریان این سال مجلس کل اتحاد جماهیر شوروی در مسکو انعقاد یافته قانون اساسی جدید را که سان گذشته ترتیب یافته بود، تصویب نمود. این قانون جدید بساشارهای سابق را که بحکم ازوم نافذ شده بود از منسک صرف و قانون انتخابات و مساوات افراد و آزادی تجارت و امور مذهبی را مشابه قانون اساسی فرانسه، نافذ ساخته و حتی تاسیس یک حزب دیگر را در ملکت مجاز فردا دارد است. درین سال حکومت شوروی اساس پول خود (روبل) را به بول فرانسه (فرانک) مربوط گردانیده نرخ مستقلی برای مبادله روبل معین کرده است.

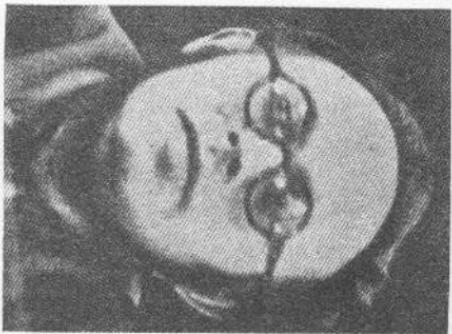
در قسمت روابط شوروی و جایان طور یکه ملاحظه شد کشیدگی سابقه تا آخرین سال دوام کرده مخصوصاً انعقاد معاهده مبارزه با کم نیزم که مایین المان و جایان در ماه قوس بامضاء رسید، پیشتر بر کشیدگی مذکور افروده شوروی از امضای معاهده ما هیگیری که فعلاً مسوده شده بود انکار ورزید و پیمان تر درین باره فقط یک موافقه موافقی یک ساله را امضاء کرد.

در قضیه اسپانیه هم فرار یکه مطالعه میشود از همان اول انقلاب، ملت و حکومت شوروی همد روزی زیاد به نسبت حکومت (سویالست) اسپانیه نشان داده بارسل پول نقد و آذوقه و جبا خانه و افراد و صاحب منصبان مبادرت ورزیدند و میگویند شوروی با وجود یکه در مجلس عدم مدارا خله شامل است، امداد



از مناظر انتخابات عمومی هندوستان؛ جواهر لال نهرو و دیس مجلس ملی (کامگرس) هند باشام او موقبید، برای انتخاب شدن خود در جاند هر نقطه می‌کند.

س بوط بوقات ملکت اتحاد شوروی



رادک روز نامه نگار مشهور



سو کونیکوف سفیر سابق شوروی در لندن

مس بوط بوا فعات علکت اتحاد شورودی



زینو و پیف



تروتسکی زمامدار سابق اتحاد شورودی ک در
سال ۱۹۴۸ از مملکت تبعید شده و حاضر
در مکسيکو بسر ميرد

کامنیف



گذارشات دنیا

های خویش را به نسبت رسیدن امداد های آلمان و ایطالیا و پر تکل و غیره (برای متعددین) ، معطل نکرده است.

با لمقابل روایت شوروی با فرانسه و انگلستان خوب بوده ، تصدیق یافتن معاهده امداد متقابل فرانسه و شوروی و اتفاقاً معاہدة بحری انگلیس و شوروی شاهد آنست.

از طرف دیگر روایت شوروی با دیگر ممالک مشرقی درین سال بسیار دوستانه بوده ، مخصوصاً مناسبات مملکتیین افغانستان و شوروی بیش از پیش خوشگوار و دوستانه بوده است چنانچه تمدید معاهده عدم تعرض و اتفاقاً هزار داد تجارتی و پذیرائی های گرم و خوبی که از والا حضرت وزیر حریمه و وزیر خارجه افغانی در مملکت شوروی بعمل آمدۀ شاهد آن میباشند. در قسمت امور اداری که اصلاحات تأثیرات و قایعین اعلانی و موقبیت سیاسی مملکت میباشد درین سال یک اداره مستقل صنافع جنگی در روسیه شوروی تشکیل یافته ، توجه زیادی بسوی تسليحات و تقویت فشون مبذول گردید چنانچه عده فشون سرخ به یک میلیون نفر ترقی و مدت نظامی افزوده شده است.

هندوستان

مملکت پهناور هندوستان در سال ۱۳۱۵ مهر و پنج حادث ییشماری گردیده که عموماً اوضاع آن سر زمین را بر شور ساخته است. در موسم بهار و افغانستان خونینی در بمعنی اتفاق افتاده مسلمان و هندو در سر مسائل مذهبی با هم نزاع کر دند و دامنه این واقعات تامدت در ازی امتداد یافته از طرفین در حدود ۶۰ نفر مقتول و عده زیادی مجروح گردید.

درماه سرطان (دسامبر) رئیس حزب موسیالت (اجتماعی) لاہور از آن جا اخراج گردید و حکومت بمقابل عملیات حزب اجتماعی مذکور اقدامات شدیدی را آغاز نمود، در تابستان « لارڈ لنتگو » نائب السلطنه جدید هند وارد دهلی شده، لارڈ ولنگدن به انگلستان رفت و نائب السلطنه نوبرا ی تطبیق قانون جدید یکه سر از بهار ۱۴۱۶ مرسی الاجرا میشود، مشغول گرفتن تو ترتیبات لازمه شد.

در همین اوقات مرض و با در علاوه جات پنجاب و صوبه سندھ و سندھ ظهرور گرده تلفات زیادی وارد ساخت.

واقهه مهیکه در اوخر این سال اتفاق افتاده و در حقیقت مهمتر بن وقایم سال ۱۴۱۵ هندوستان بشمار میرود، عبارت از ترتیبات اجراء و تطبیق قانون جدید است که قانون مذکور در ماہ جمل (۱۴۱۶ آیریل ۱۹۳۷) تحت عمل گرفته میشود. قانون جدید که عبارت از اصول و فواید (قد راسیون - مثل انانزوئی امریکا و سویس و غیره) است، و در اثر مذاکرات چند ساله کفرانس های میزدگر و اجرا آت انجمن متعدد منتبه بوجود آمده برای هند و سلطان یک قسم حکومت داخلی را اعطای میکند که عبارت از ولایات نیم مستقل و دارای مجلس محلی و وزرا و علیحده بوده، نمایندگان کل مملکت در دو مجلس عمومی یکی شورای ملی و دیگر مجلس شہزادگان دهلي جمع میشوند ولی قوای عسکري و امور خارجه و امنیه و بعضی از شعب مهم دیگر در دست مامورین انگلیسی میباشد. مجلس ملی هند و سلطان (کانگرس) که موسس آن (گاندھی) معروف و رئیس فعلی آن (جواهر لال نهرو) است، تمام حزب ایشان در ابتداء از تعاون باین قانون جدید

انکار ورزیده ، ولی پسان تر که انتخابات عمومی آغاز گردید ، بعلاوه حظه اینکه حائز اکثریت خواهند شد ، در انتخابات اشتراک نموده و برای پیشرفت حزب کانگرس در انتخابات تبلیغات و سیعی را آغاز گذاشتند چنانچه حالادر اکثر نقاط انتخابات به غلبه حزب کانگرس و هوای خواهان آن تمام شده ولی هنوز حزب کانگرس در خصوص شمولیت خود در عهده های حکومتی فیصله قضیع نمکرده است و نیز طوریکه میگویند در شروع سال ۱۳۱۶ انتظار و قائم مهمنمیر و د که اهمیت آن بسته به نتیجه همین انتخابات میباشد .

تور کیه

ملکت جمهوری تور کیه در سال ۱۳۱۵ در تمام زمینه های حیاتی خوش بیش موقیت های شایان تقدیری حاصل نموده و اوضاع عمومی مملکت مذکور بکمال آرامی و سعادت گذشته است .

در اوائل این سال حکومت تور کیه موفق به انعقاد مجلس (مونترو) برای مطالعه خواهشات تور کیه نسبت به دردانل و تعدیل معاهده لوزان شده ، مجلس مذکور در ۴۲ جوزا (۲۲ جون) بحضور نایندگان ۹ مملکت بمقام مونترو (سویس) افتتاح شده ، مطالبات تور کیه را زیر بحث گرفت (وطوریکه قلاً نوشته) در اولین کرات طولانی از ۳۲ جوزا تا ۲۸ سرطان مطابق (۲۲ جون ۲۰۱۶ چه لانی) که در طی آن اختلافات نظر زیادی مابین شاملین مجلس بظهور ییوست ، بالاخره برای تور کیه حق استحکامات سواحل دردانل و تگرانی عبور جهازات و طیارات خارجی در موقع جنگ وغیره داده شده ، هیئت تفتيش جامعه ملل از استانبول مرفوع گردید . درین سال روابط تور کیه با اتحادیه بالقان پیشتر تشیید یافته زمامداران ممالک بالقان با همیگردید و وادید دوسته نمودند . از طرف دیگر تور کیه روابط خود را

بانگلستان دوستانه تر ساخته ایدورد هشتم پادشاه (سابق) انگلستان در اخیر تابستان به تور کیه آمده ، از طرف اتا تورک پذیرائی شد و متعاق آن عصمت یاشا رئیس وزیر ای تور کیه بایک هیئت بزرگ که به لندن رفته یک سلسه مذاکرات اقتصادی وغیره مابین مملکتین بعمل آمد . همچنین روابط تور کیه بالامان روز بروز بهتر شده درخان دا کتر (شخت) و زیر اقتصاد المان به استانبول مسافت کرده یک سلسه سفارشات تور کیه را که پیشتر به استحکامات در دائل ربط دارد ، از طرف حکومت تور کیه دریافت آرد .

در همین اوقات سبلان بهای مهیبی در ولایت اناطولی ضمیر کرده متأسفانه موجب تلفات قابل اعتنای گردید .

در اخیر تیرماه والاحضرت سردار شاه محمد خان وزیر خارجه افغانستان موضع باز گشت از مسافرت اروپا بقسم دوستانه به تور کیه رفته ، از طرف حکومت وملت مملکت دوست و همکیش ما تور کیه به نهایت درجه صمیمیت پذیرائی شدند ، همچنین تور کیه با دیگر ممالک اسلامی و شرقی نیز مناسبات خود را پیش از بیش دوستانه تر ساخته و منجمله وفادی برای مذاکرات اقتصادی وغیره به ایران اعزام نموده است .

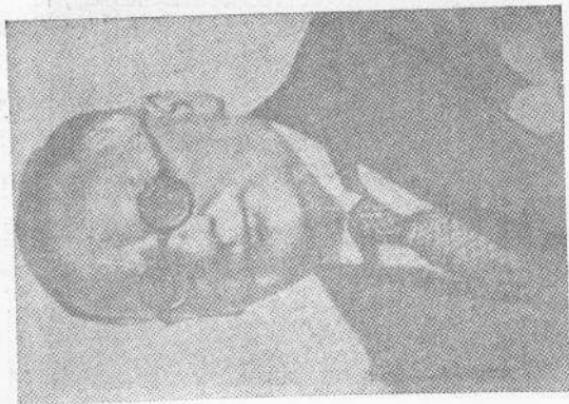
در اخیر سال نسبت به مسئله سنجاق و انتظام کیه اختلافی ما بین تور کیه و فرانسه پیدا شده ، به تفصیلی در قسمت رویداد های جامعه مملک ذکر شد به صورت دوستانه فیصله گردیده ، مطابق خواهش تور کیه انجام پذیرفت و درین میدان نیز سیاست سنجیده تور کیه موفقیت حاصل نمود . همین قسم در اوآخر سال روابط تور کیه با ایطالیا نیز با اقدامات صلح خواهانه حکومت اقره ، خوب شده موافقه بحر مدیترانه در ماه دلو در رو ما با مضاه رسید و

سپیز نواف رئیس جدید قشنه پنجاهمین شورودی

اینترینوف کمیسر امور خارجه شوروی که از ده سال با بن طرف بانی عده بر فراز است

چهل نوک کمیسر ملی صناعت سیگن
عوض اوزجی نیک زه قفقی

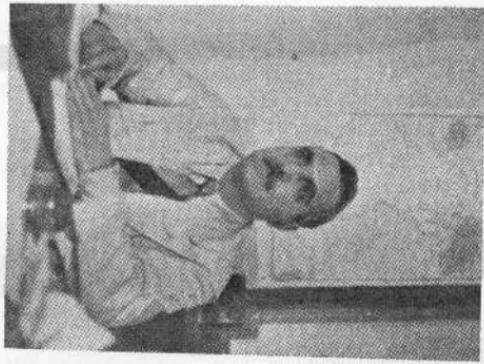
مر بوط بو افغان مملکت اتحاد شورودی



رس بوط بوقات مملكت عراق



جنرال بكر صدفي محرك اقلاب اخبار عراق



ياسين باشا هاشمي رئيس الوزراى سابق
عراق ك اخيراً در سور به فورت شد

كم سليمان رئيس الوزراى جديده عراق



گذارشات ذیما

با ین قسم کشیدگی که از مدت دو سال باینطرف ما بین مملکتین پیدا شده بود صورت حل بخود گرفت . مبگویند حکومت تور کیه نسبت به استرداد موصل غیر داخل اقساماتی شده است ولی این موضوع تا هنوز بصورت واضح در مرا کر کزی علاقه پیش نشده .

خلاصه حکومت جپوری تور کیه در بین سال در تمام مطالبات و مقاصد خویش فاعل موافقیت گردیده و از طرف دیگر برای اصلاحات مدنی و ترقیات اقتصادی و ترقی عساکر خود مطابق نقشه پنجساله دوم اقدامات مهم و اطمینان بخش کرده است .

مالک عربی

مالک عربی درین سال روی همراه احوال خوشی داشته ، اگرچه مناجات و هیجاناتی را طی کرده اند ولی علی الاکثر این بیقراری های ملل عربیه به نتائج گوارانی واصل گردیده که تمام عالم اسلام از آن خوشنود میباشد و برخی دیگر از مالک مذکور که تا هنوز نتایج مطالبات شان معلوم نیست نیز امید زیادی برای پیشرفت مقاصد مشروع خویش دارند . مهمنتبن موقفیت های مالک عربیه که درین سال بوقوع پیوسته عبارت از استقلال مصر و سوریا و حاضر شدن حکومت برطانیه است به مذا کوه در اطراف مطالبات آزادی وغیره خواهشات اهالی فلسطین .

مصر :

از واقعات مهمیکه در سال ۱۳۱۵ در مملکت مصر اتفاق افتاده ، یکی فوت اعلیحضرت مملکت فواد اول است که بتاریخ ۹ تور با مرض دیر ینه رحلت

نمودند و همان روز مطابق قانون وراثت شهر اده فاروق پسر شاه متوفی بنام ملک فاروق اول پادشاه مصر اعلان شدند و پس از چند روز از لندن که در آنجا مشغول تحصیل بودند وارد مصر گردیدند . چون عمر ملک فاروق هنوز به ۱۸ سالگی نزدیک نزدیک نبود از ۱۷ سال عمر داردند بنا بر آن تا وقت ۱۸ ساله شدن پادشاه یک مجلس نیابت سلطنت برای است شهر اده محمد علی پادشاه از افرادی ملک فواد مر حوم تعیین شده که کفالت امور سلطنت را بنتاید . دومین واقعه مهمی که در مصر اتفاق افتاده عبارت از معاهده جدید انگلستان و مصر است که در اثر وا قعات سال گذشته و مذاکرات جاریه بالا خرمه در ماه (آوریل) در لندن با مضام رسیده بموجب این معاهده انگلستان استقلال سیاسی مصر را اعتراف و نمایندگی اعلای خوبیش را در مصر سفارت کبری تبدیل نمود و علاوه برین عساکر خوبیش را از مصر کشیده به منطقه نهر سویز تمرکز داد و بالا خرمه در همین معاهده راجم به الفای امتیازات خارجیها نیزد کری شده ، انعقاد کنفرانس بین المللی برای این منظور پیش یمنی شده است که عنقریب در قاهره ماین دول صاحب امتیاز و نمایندگان مصری انعقاد خواهد یافت و امید میکنند که حقوق امتیازی خارجیها نیز که یگانه خلل استقلال کامل مصر بشمار میرود کاملاً مرفوع خواهد گردید .

در اوائل سال ، انتخابات عمومی خاتمه یافته حزب وفد حائز غالیت گردید و بنا بر آن نحاس پاشا رئیس حزب مذکور برای است وزرا تعیین و تقرر یافت (۲۰ تور) و متعاقب آن مجلس اعیان مصر افتتاح گردید (۲۵ جوزا) . در اخیر سال حکومت مصر مبلغ معتبر بھائی را برای خریداری اسلحه و مهمات چنگی تحصیص داد . در ماه حوت حکومت مصر از جامعه مملک در خواست شمولیت نموده چندین مملکت منجمله افغانستان آن را تأیید گردند .
بطور عمومی درین سال مملکت مصر داخل یک دوره نهضت گردیدی

شده که از اثر آن در تمام رشته های حیاتی مملکت مذکور یک شور و فعالیت جال توجهی پذیر آمده است که با سایرهاي سابق ابدآ قابل مقایسه نمیباشد.

عراق:

مملکت عراق در ضرول این سال موفق به سما اصلاحات و پیشرفتهاي خوبی شده و روابط او با سائر ممالک عربی و عموم ممالک شرقی خوب بوده است . واقعه قابل ذکر این سال عبارت از انقلاب مسلح عساکر عراق است که در ماه شرکب در تهران برایست خوارل بکر صدقی و حکمت سليمان برای اظهار تجاهات با مشی کاینه یاسین پاشا هاشمی اعلان تمرد نمودند و در ظرف یات روز شهر بغداد را مورد گلوله پاری طیاره (شخص برای تهدید) قرار دادند و مطالبه استعفای کاینه را نمودند . چنانچه با اثر سباباست و تد بیز عقاوه اعلم حضرت مالک غازی و مشوره مشاورین صحیح او ، کاینه هاشمی پاشا مستقی و بعض او بکر صدقی و حکمت سليمان را به تشکیل کاینه موظف فی نمودند چنانکه با اثر این قدر بیز عاملانه ، بلا فاصله انقلاب رفع و حکمت سليمان که از وزیر ای سابق است کاینه را تشکیل داد و در عین همین زمان وزیر ای سابق یعنی هاشمی پاشا دیپیس الوزراء و نوری سعید ییگ وزیر خارجه و بعضی رجال مهم دیگر از مملکت برای مصلحت وطن بخارج فرستاده شدند (متأسفانه پس از چند روز هاشمی پاشا که از رجال بزرگ عراق بود در سوریه بطور فجایی فوت شد) و نیز در همین گیر و دار جعفر پاشا عسکری وزیر حربه و رجل نامدار عراق در بغداد از طرف شخص نامعلومی بقتل رسیده خطمهشی حکومت جدید در قسمت روابط خارجی عراق ظاهرآ تغیراتی را در پرندارد و تنها در اداره داخلی مخصوصاً در اداره قبائل با خلط مشی حکومت سابق مغایر

« سالنامه کتابخانه »

میباشد . لیکن با وجود این وجود اصلی و عوامل حقیقی انقلاب و تغیر حکومت عراق تا هنوز معلوم نشده است و گمان می‌رود مسائل جدی تری این قسم یک تغیر فوری و کلی را بوجود آورده باشد .

درین سال روابط عراق با افغانستان پیش از بیش دوستانه بوده ، والاحضرت وزیر خارجہ افغانستان را در آنجا بكمال صمیمیت پذیرانی کردند .

سوریه و لبنان :

سرزمین سوریه و لبنان در این سال موفق به برگترین کامیابی که عبارت از حصول استقلال است گردیده و این آزادی که حکومت فرانس در ماه (قوس - دسمبر) بواسطه معاہدۀ مخصوص برای سوریه و لبنان اعطا نموده ، در نتیجه اقدامات ملیون سوریه بوده ، در ظرف سه سال تکمیل می‌یابد یعنی اداره فرانسه در سوریه خاتمه یافته تنها بعضی امتیازات عسکری در دست فرانسویها باقی می‌ماند و سوریه و لبنان جمهوری مستقل متحده فرانسه تشکیل می‌یابد .

در اوآخر سال ، رئیس جمهور سوریه تبدیل گردیده هاشم بیگ اتابی رئیس حزب ملیون که برای حصول استقلال سوریه خدمات زیادی را انجام داده ، بریاست جمهور انتخاب گردیده مجلس ملی سوریه افتتاح یافت - و نیز مسئله سنیجان اسکندریون که مابین سوریه و تورکیه متنازع فیه بود ، در اثر مذاکرات فرانسه و تورکیه صورت حل بخود گرفته ، تشکیل مخصوصی تحت نظر جامعه ملل برای علاوه جات ترکی زبان و ترکی نزد مذکور منظور گردید .

فلسطین :

اهمی فلسطین درین سال متحمل مشقات فوق العاده گردیده ، برای حصول آزادی و منع مهاجرت و اسکان یهودیها ، در اوائل سال مطابق یک نقشه مرتبی

که بمشورة عمومی از طرف مفتی معروف بیت المقدس ترتیب یافته بود ، باعتصابات و اقلابات عمومی زیاده از جارمه سرزمین بیت المقدس در آتش انقلاب می‌ساخت و انگلیسها فوای مسلح را از مصر و انگلستان برای رفع اعتصابات اعزام نموده ، مبارزات خونین بعمل آمد و عده زیادی از عرب فلسطین در میدان جنگ شربت شهادت نوشیدند - حکومت عسکری بکمال شدت انفاذ یافته ، عرب به قسم وطنی شبغون میزدند و راه های آهن را قطع و تهانه جات عسکری را تراجم بیکردند و از تادیه مالیات انگلستان و رژیده ، مزر و عات خود را خودشان آتش میزدند تا مالیات از آنها گرفته نشود . این هیجان ملی عرب سبب شد که انگلیس به دیگر حکومات عربی متولی شده میانجی گری آنها را مطالبه نمود و برای این مقصد چند بار زمامداران عربی منجمله ملک ابن سعود پادشاه مملکت عربیه و ملک غازی شاه عراق و حکمران شرق اردن نمایندگان خویش را به بیت المقدس اعزام نمودند - وبالآخره پس از مذاکرات زیاد ، در ماه (قوس) عرب پس از حصول اطمینان از طرف حکومت برطانیه که برای مذاکرات اساسی آمده گی خود را اظهار و اعزام هیئت شاهی خصوص را از لندن و عده داد ، و خصوصاً با تصریح حکمداران عربی ، اعتصابات را خاتمه دادند و امنیت کم تم عود نموده و پسان تر هیئت انگلیسی وارد بیت المقدس گردیده اگرچه میلیون عرب از مذاکره با آنها انگار ورزیدند ، ولی مطالبات آنها به هیئت مذکور حالی کرده شده هیئت دوباره به لندن عنیت نموده تا کنون نتیجه معلوم نیست . اما بعضی ها عقیده دارند که حکومت برطانیه پس از این مظاهرات مدهش عرب برای دادن حقوق آنها حاضر خواهد شد و دیری نخواهد

گذشت که مشکلات مردمان فلسطین نیز مثل برادران سوریائی و مصری شان رفع و باقی شکایات آنها از رهگذر یهود وغیره هم صورت حل خواهد گرفت .

عمر بیه عوادیه :

این مملکت در سال ۱۵۱۰ قرین آرا مش و رفاهیت زیست کرده و روابط او با سائر ممالک اسلامی و عربی بیش از پیش دوستانه گردیده چنانچه در ۲۰ تور معا هدۀ با مصر عقد و دران طرفین حقوق کامله الوداد را برای همین یگر خویش اعطاء نمودند . از طرف دیگر اعلیحضرت ابنالسعود در داخل مملکت مشغول اصلاحات مدنوز یادی گردیده که نتا یج آن روز بروز بواسطه پیشرفت های مملکت منکور عرض اندام مینماید .

یمن :

درین سال در داخله مملکت یمن واقعات مهمی رخ داده و اختلافات زیادی مابین اعلیحضرت امام یحیی و پسرش سیفالاسلام که نائب السلطنه است ، بروزگرده و بعضی از وزرا برای مقاصد غرض آلو دخویش میان پدر و پسر کدو روت و اختلاف ایجاد میکنند . در سیاست خارجی یمن نیز بیقراری مشاهده میرسد که هنوز تا این قطعی این تغیرات معلوم نشده است .

جاپان

طوریکه مشاهده میکنیم سال ۱۳۱۵ برای مملکت جاپان بمثل سال گذشته یک سال خوبی نبود ، اوضاع داخلی مملکت از رهگذر بحر ان اقتصادی و اختلافات فکری و جزئی خیلی پر آشوب بانظر می آمد ، در قسمت سیاست خارجی

مر بوط بواقعات مملكت مصر



ملك فؤاد اول ياد شاه فقيد مصر



ملك فاروق اول ياد شاه جوان مصر



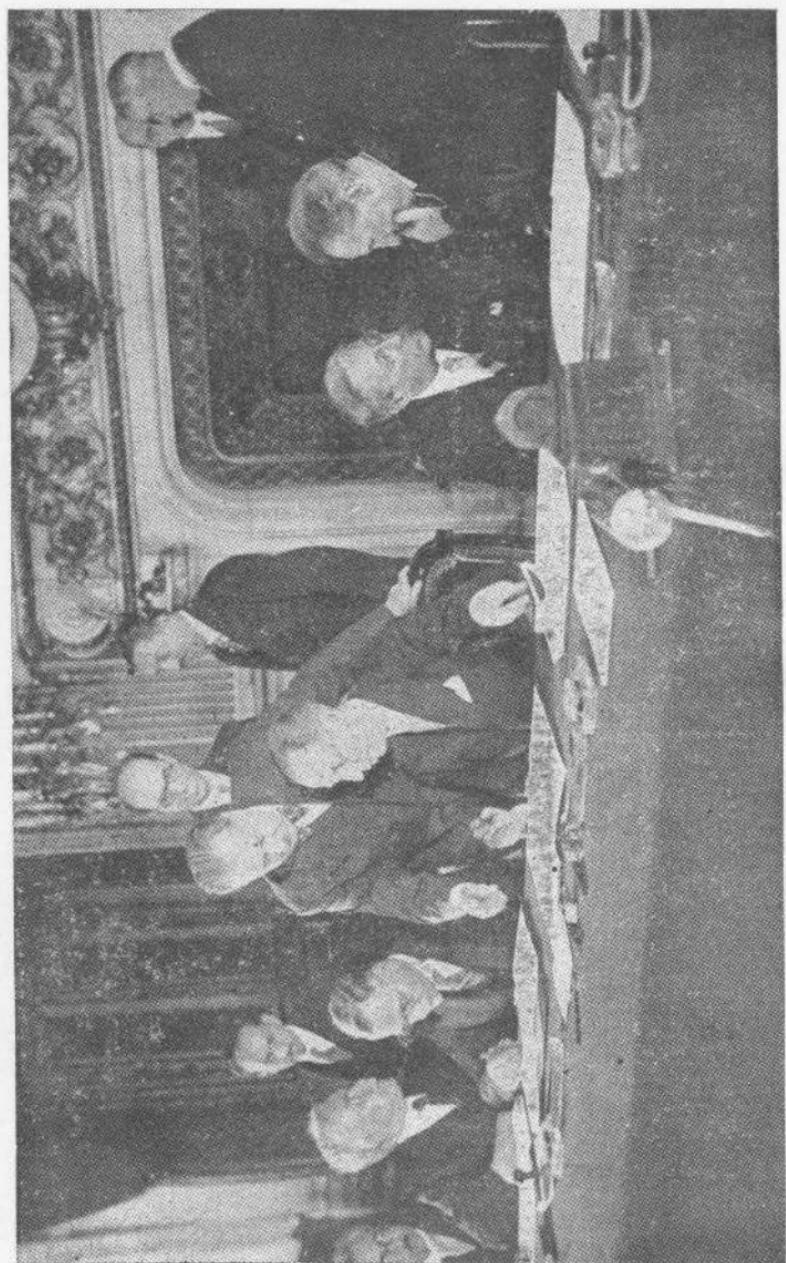
شہزادہ محمد علی پاشا رئیس مجلس نیابت
سلطنت مصر



صرحوم سعد زغلول اولین محرك
استقلال مصر



امضای معاهدة انگلیس و مصر در لندن : اتونی ایدن وزیر خارجه انگلستان
در وسط میز نشسته ، نحاس پاشا رئیس هیئت نمایندگان مصر مشغول ایراد نطق است



امضاي معاهده استقلال سوريه در پاريس: شخصيه که اهتماء میکنند هاشم يك آنسی رئيس جمهور فعلی سوره شد. شخص مذکور نشته مشغول صحبت است بلوم و رئيس وزرای فرانسه

گذارشات دنیا

جایان درین سال دنباله سیاست سابق خویش را گرفته، برای تحصیل آزادی تامه از فید معاہدات بین المللی، در ماه جمل از کنفرانس بحری لندن خارج گردید و در عین زمان اندامات آزاد ساختن ولایات شمالی چین و قلم وقوع کوئستی را در همکارت مذکور بشدت پیشتری تعقیب کرد. ولی تا اخیر سال از این قسمت نتیجه رضائیت بختی گرفته توانت و واعدهای اخیر سال که منجر به گرفتاری چینی‌گی آذانی نداشت و میکنوار چین و رهایی مجدد او گردید، بین تا جاییکه ملاحظه میشود برای پیشرفت مقاصد جایان چندان امدادی نرسانید. دوا بطری جایان و شوروی درین سال در نتیجه و اقدام سرحدی پیشمار و تمرکز قوای طریق در سرتیفیکو بحران آمیز بوده فقط در موقع مخزان امکاناتی برای رفع مناقشات همکارتی بینا شده بود که انقدر معاہدة امن و جایان (برای مبارزة با آنونیزم) امکانات مذکور را برهم زد و ناتیوز روابط دوس و جایان خلبانی کشیده بخوبی آید.

روابط جایان با امریکا (انزو نی) و اندیستان درین سال بصورت هادی گذشته و اقدام تازه درین همکارتی بوقوع نوسید.

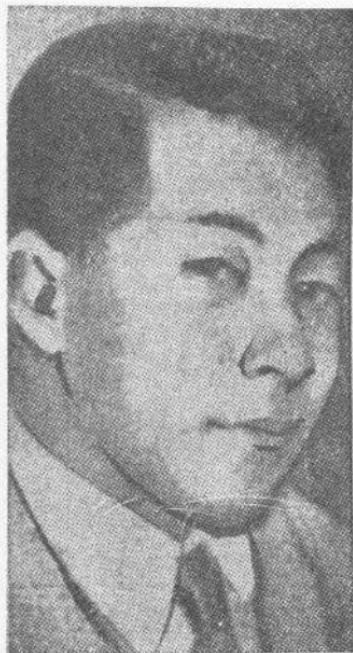
ولی مهمنربن واقعه که درین سال در جایان اتفاق افتاد عبارت از اتحاد او با امیر وزدیکی اشر با ابعالی است که مذاکرات این اتحاد از یکسال پیش جاری بوده، در ماه قوس، ناجر باعث شد بلک معاهدۀ مهمنی مذکوره منصد از آن مبارزة متوجه با آنونیزم و تشکیل یک مرکز مشترک مبارزة آنونیزم در براین میباشد. در قسمت اوضاع داخلی جایان آنجه قابل ذکر است اینست که دنباله مناقشات حریق و اختلافات حزب عسکر باز مامداران حکومتی که در اخیر سال

گذشتہ منجر بو افغان خو نین شدہ بود درین سال نیز ادا مہ یا فته در ۱ واخر سال بنا بر اختلافات مذکور در اثر کسر فا حش بود جه و عدم آمادگی حکومت با فرودن خارج عسکری، بحران سیاسی در مملکت یدیدار گردیده اگرچه امپراطور بواسطہ انحلال اجلاس مجلس اعیان، خواست او ضاع را اصلاح کند، ولی بحران رفع نشده، که یعنی (هیروتا) استعفی داد و پس از آنکه مدت چند روز دیگر بحران سیاسی دوام کرده کسی به تشکیل کاینه آماده و موفق شده نمیتوانست بالا خرمه جنرال (ها یاشی) وزیر حربیه سابق که در حزب عسکری دارای نفوذ زیاد و شخصاً از سیاست‌پژوهان مهم است: کاینه را تشکیل داد که وزیر حرب کاینه مذکور بنابر عدم کامیابی در تسکین مرآتکر عسکری بزودی مستعفی شده، تا کینون اوضاع سیاسی جایان مانند او ضاع اقتصادی آن بحران آمیز معلوم میشود.

چین

مملکت بزرگ چین گویا دوره بد بختی و فلاکت و بحران خویش را که از ۶ سال باینطراف شروع شده هنوز پیاپی نرسانیده است زیرا با وجود خانه جنگ با جایان و انقلابات تور کستان چین و تبت و ولایات مختلفه آن و انتراع منجو رستن و تشکیل مستقل مغولستان خارجی، هنوز هم مملکت مذکور معرض عوارض ناگواری بوده، درین او قات اخبار مخصوصاً رقابت دو حریف پر ذور یعنی جایان و شوروی فضای سیاسی این مملکت را تیره و نار ساخته است.

طوریکه دیدیم جایان در سال ۱۳۱۵ انحریفات خویش را برای مستقل ساختن



جنرال چنگ که سولانگ محرك اقلاب
آخر چین

توفيق رشدي آراس وزير امور خارجه تورکيه



جنرال چانگ کای شاک دیکتاتور چین



جنرال هیاشی رئیس وزراء جدید چین



امضای معاہده المان و جایان در برلین : طرف راست سفیر جاپان در
حال امضا کردن، طرف چپ فون ریبن تروپ نماینده المان

گذار شات دنیا

ولایات شمالی چین جهت استفاده از آن ها و تشکیل سدی بمقابل کمبو نیز مشدت داده ، بسا دفعات به بهانه هیجانات داخلی قوای خوبش را در داخل خاک چین سوق داد . همچنین کونست ها از هر طرف علاوه جات مختلف چین را مورد تاخت و تاز خویش قرار دادند - اما در ظرف این سال یکی از آنها نیز بوقفیت های غیصله کن نائل شده توانسته اند . و این نیز بیشتر از برگت بیدا شدن حس ملیت وجود بات مخالفت با جایان و اقدامات اعتدالیون مملکت است . در واقعات چین آنچه از همه بیشتر اهمیت دارد ، همانا طغیان جنرال (چبان هسو لیا نگ) است که در اوائل زمستان بسر کر دگی فوج کمونستی بر شهر (سیا نفو) تاخته بطور اتفاقی جنرال (چبانگ کای شک) دیکتنا تور معروف و زمامدار مسئول چین را که رئیس عناصر اعتدالی و اصلاح طلبان است اسیر گرفت . ولی پس از چند روز جنرال مذکور بنا بر علی که تا کنون بخوبی مکشوف نشده ، چبانگ کای شک را رها نموده خود را تسلیم او کرد ، و در محا کمه به ده سال حبس محکوم گردید . لیکن افواج کمونست دوباره بر شهر سیا نفو تا ختند و اکنون حکومت نا نکن برای سر کو بی آنها فوائی اعزام کرده که مشغول کار زار میباشد .

خلافه و ضمیت عمومی چین در طول سال فوق العاده بحران آمیز ، و دول رقیب دران جا مشغول نبرد آزمائی بوده اند که تا کنون نتجه این زد و خورد بدروستی معلوم نشده است .

سیام

مملکت سیام درین سال به آرامی بسر برده و انتقالات و تفرقه هائی که در چند سال گذشته فضای سیاسی آنجا را تیره ساخته بود تکرار نیافته است .

دول او رو با :

انگلستان

ملکت انگلستان درین سال ۱۳۱۵ اگر چه از نقصه نظر احوال عمومی و اقتصاد ملی فرین رفاهیت و بهبودی ذیست کرده، لیکن از جنبه سیاست داخلی و خارجی دو چار مشکلات مهمی گردیده که بزرگترین آن در قسمت سیاست داخلی همانا فضیله بحران قانون اساسی که منجر به خلع ایدورث هشتم شد و در قسمت سیاست خارجی عبارت است از سقوط حبسه و ناکامی سیاست تجاویز تعزیری که انگلستان محرك و پشتیبان آن بود. باقی وقایع مهمه انگلستان که درین سال بوقوع پیوسته ذیلاً تذکار میشود:

- در اوائل سال ۱۳۱۵ سیاست انگلستان در باره حبسه که پشتیبانی از مملکت مذکور و اساسات جامعه ملایمینود، با سقوط مملکت مزبور و کامبیز هاکر ایطالیا، دوچار شکست فاحشی شده، سپاهیون انگلیس طور یک ملاحظه و یک ششم این شکست سیاسی خوش را اعتراف نمودند و برای تلافی آن، تیارهای جدیدی آزاده، تجویز تعزیری را نیز از بالای ایطالیا برداشتند تا باین وسیله زمینه برای اصلاح مناسبات مملکتهای آماده شود. چنانچه با این اقدامات حکومت انگلیس بود که در اوائل ذ میان (اواخر سال ۱۹۳۶) بالآخر پس از مذاکرات طولانی، یک موافقت ماین انگلستان و ایطالیا را پیمی به بعد مدیرانه باشند و رسانیده طرفین احترام مفاد محمدیگر خوش را در بعد مذکور تعهد نمودند، و آنرا با این ترتیب شکنید که از یکنین سال پایان تعارف در روابط مشکلین شرایط پنهانی حبسه وغیره رخ داده بود، با تدازه زیادی رفع گردید. و علوه بر این انگلستان سفارت خود را در ادیس ابابا به فونسولگری تبدیل و هم طور یکه میگویند درستوط حکومت مای حبشه مقیم گور اندامات نمود.

در ماه سرطان با پُریش نهاد حکومت شوروی، مذاکرانی ماین مابندگان انگلیس و شوروی به مقصد طرح یک معاهده بحری آغاز یافته در ۸ اسد (۲۱ جولائی) معاهده ماین مملکتین با مصاہ رسید که مطابق آن انگلستان برای شوروی در بحیره بالتیک داشتن همان انصاره قوای بحری را اعتراف نمود که در سال گذشته برای المان اعتراف کرده بود. چنانچه با این وانعه در ۱۲۸ اسد (۲۰ اگست) ممالک اسکاندیا و یا در ستو کهوم کنفرانسی معتقد و بر خلاف معاهده بحری انگلیس و شوروی رأی دادند و نیز در ۱۸ میزان (۱۱ اکتوبر) المان درین خصوص اعتراض کرد. و علاوه درین آوان انگلستان ۴۰ ملبون پوزد اعتمار (فرضه) را برای فرمایشات شوروی منظور نمود که تمام اینها نزد یکی مملکتین انگلیس و روس را تأیید مینماید.

در ماه اسد پادشاه انگلستان به مسافت ممالک اروپایی برداخته، پس از آنکه مقام میمی (فرانسه) بنای یاد گارمه قتوان مخا ره عمومی را افتتاح نمود به تور کیه و مجارستان و آستریا که مایا لک ستند یده جنگی عمومی بشمار میروند، مسافت رسمی دو میانه به مل آورد و این مسافت به تشیید میانیات انگلیس و تور کیه اثر خوبی بخشید و همان رذیش جزئی را که در اثر اختلاف نظر تور کیه و انگلستان در موقع انعقاد کنفرانس (مونترو) در باره شرایط عبور جهازات از در دانل، پیش شده بود بالمره صریح ساخت.

بتاریخ ۲۰ اسد (۱۱ گست) معاهده جدید انگلستان و مصر که متن ضمن استقلال مصر والغای بسامیازات انگلیسها و متحده کشیده شدن فوج انگلیسی و تعیین فوج مصری و اعتراف بعضی حقوق مصر در سودان است، در لندن ماین وزرای انگلستان و نماینده گان مصری امضا رسید. انگلستان نماینده اعلای خوش را بزر فاهره بعیث سفیر کبیر مقرر کرد.

سالنامه «کابل»

در ۲ میزان (۵ ستمبر) معاہدہ معروف بولی ما بین انگلستان و ما اکمتحده امریکا و فرانسه با مضا رسیده هر سه مملکت نزخ مبادله مسکو کات خود را مستقل فرار دادند چنانچه بعد ها چکو سلووا کیه و هالند و سویس و ایطالیا نیز با آن شرکت ورزیده ، نزخ مبادله مسکو کات خودها را تقلیل دادند .

در موسم خزان یکی از متمولین انگلستان مسابقه هوانی مابین لندن و ملبورن (آستریلا) ترتیب داده دران چند تن از رشد ترین هوای بازا انگلیسی شرکت ورزیدند و مسابقه بوقتی انجام یافت .

در همین موسم علاقه جات جنوی انگلستان (ولایات ویلز) دوچار مصیبت و بحران اقتصادی شدیدی شده در ماه قوس شاه انگلستان رسماً برای معاینه مقامات مصیبت رسیده مسافرت نموده ، اعانه برای دستگیری از مردمان مصیبت رسیده مذکور جمع آوری شد .

ونیز درین آوان یکی از متمولین انگلستان « لارد نو فیلد » مبلغ ۷ و نیم میلیون پوند برای موسسات عرفانی و صحي و امدادی مملکت اعانه تقدیم کرد . در اوائل ماه قوس ایدورد هشتم پادشاه انگلستان تمامی خودرا باز دواج یک زن امریکائی (خانم سپسین) از طبقه عوام اعلان نموده ، با این بحران قانون اساسی بصورت بسیار شدیدی در انگلستان نمودار شده با وجود یکه نوده هوا و بعضی از ممالک امپراتوری به میل پادشاه اظهار همدردی میکردند ، ولی چون احرا ب مهم مملکت از قبیل حرب محافظه کار برای قبول این مطلب ولو بصورت نکاح مورگان نا نک (که خانم پادشاه ملکه نباشد) مowa فقط نگردد ، بالاخره در ۱۸ قوس (۱۰ دسمبر) اید و رد هشتم از تاج و تخت انگلستان و ممالک امپراتوری ماورای ابحار و شاهنشاهی هندوستان از طرف خود .

صبوط برواقات ملکت انگلستان

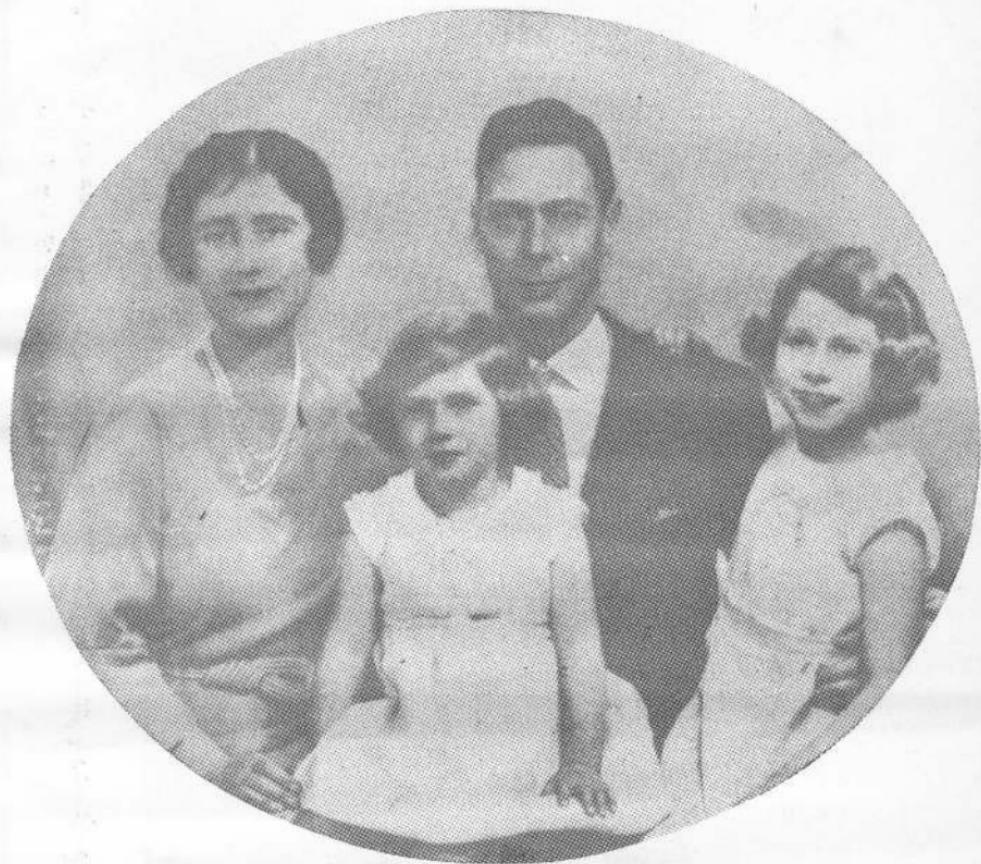


ایلورد هشتم پادشاه مخلوع انگلستان



خانم سیپس که ایدورد هشتم پادشاه انگلستان برای خاطر او از تاج و تخت استعفی داد

خانواده سلطنتی اندکاستان



جارج ششم ، ملکه الیزابت ، شاهدخت الیزابت و لیعبد و شاهدخت مارگریت
دختر کوچک شاه

و اولاده خود نیز از تمام القاب و عنوانین خوش استعفی و صرف نظر نموده ، فردای روز خام خود بنام (آقای وند سر) ازانگلستان خارج و به آستریا رفت و پرور ۱۹ قوس (۱۱ دسیر) برادرش (دیوک آف یارک) مطابق قانون وراثت ، با اسم جارج ششم پادشاه انگلستان و مالک ماورای ابحار و شاهنشاه هند اعلام گردید و مشارالیه به برادر خودشاه مستعفی ، لقب (دیوک آف وندسر) را داد علاوه بر بحران و هیجان عمومی و صدمه که از تراین واقعه باخترا رات ملت انگلستان وارد آمد ، یک اثر بدیدگر نیز از آن بظهور رسید که عبارت است ازانگلستان آیر لیند از قبول رأی نائب الحکومه انگلیس در امور سلطنت وغیره ۰

در ماه دواز اثر سوختن یک سینما در لندن ۸۰۰ نفر تلف و هم درین ماه سیلا بهائی کدر انگلستان جنوبی جریان یافت موجب تلفات قابل ذکری شده است در خاتمه باید اضافه کرد که انگلستان در جریان سال ۱۳۱۵ یک نقشه بسیار وسیع تسليحات و تجهیزات را روی دست گرفته ، مبالغ بزرگی (۵۰۰ میلیون یوند) را برای این کار تخصیص داد تا قوای حریق مملکت بدرجۀ اتم تکمیل بیان چنایجه فرض داخلی بزرگی برای منظور اعلان و این نقشه خیلی اسباب اعتماد سیا سیون وطبقات عامه ملت انگلیس را فراهم نموده است درین سال مناسبات مدل کتبین افغانستان و انگلستان بسیار خوب و دوستانه بوده رئیس وزراء و وزیر حربه افغانستان را در لندن پذیرائی خوبی نمودند . واقعات مهمی که در مالک امیرا طوری انگلستان و مستعمرات اوافق افتدۀ عبارت است از قانون جدیدهندزو دخورد های بمائی و اعتصابات فلسطین وغیره که هر کدام آن در ذیل اسم خود مالک مذکور ذکر شده است .

فرانسه

اووضع داخلی فرانسه درین سال تامدی از سبب کشیدگی و نزاع احزاب مختلفه

بحران آمیز بوده، پس از آن مسائل اسپانیه، اختلافات داخلی مذکور را تا اخیر سال ادامه داده - از رهگذر سیاست خارجی نیز این سال برای فرانسه یک سال خوشی نبوده، مشکلات فوق العاده که اسباب نگرانی و تشویش تمام ملت میشد سرسر بو فوج رسیده، لیکن با وجود این سیاست خارجه فرانسه درین سال موفق به بعضی پیشرفت ها گردیده و برخی مملکت را دوباره بخود مربوط کرده توافقت که مهمترین آن بولنڈ و انگلستان وغیره است. و نیز فرانسه در طول سال مذکور برای حفاظات و اطمینان خود، بسا ترتیبات نظامی و تسليحاتی را اسردست اجراء گرفته که در سالهای قبل نظیری بخود نداشت حتی برای این مقصد بفرض داخلی و خارجی مهمی متولی گردیده - از جنبه اوضاع اقتصادی مملکت فرانسه روز گرخوش داشته بحران اقتصانی با لمبه معروف و تجلیل زیادی که از طرف حکومت سوییا است روی کار آمد اسباب امپروازی طبقات عامه شده است.

مهمنترین قضا یافته که درین سال برای مملکت فرانسه اتفاق افتاده همان قضیه نقش معاهده لوکارنو است از طرف المان که فرداي روز قصد بیق یا قتن معاهده فرانسه و شوروی (۱۶ جوت ۱۹۳۴ مطابق ۶ مارچ ۱۹۳۶) المان عسا کر خود را به منطقه خالی از نظامی راین لیند سویق داد، چنانچه تفاصل این قضیه در قسمت رویداد هیچ جامعه ملل تقدیم کار گردید - خلاصه فرانسه بمقابل این اقدام بسما مظاہرات نشان داده، به جامعه ملل عرضها کرد و بر دولت صهیونیست کهندیه یعنی انگلیس و ایطالیا فشار آورد. لیکن تبعیجه عملی بدست نیامده و بالمقابل فرانسه تنها به افزایش قوای عسکری و تجهیزات خویش و از طرف دیگر به تشیید مناسبات با متوجهین خود یاری که در این شور وی نیز داخل باشد، بعجانی بالمان تقدیم نموده تمعاهده حدیدی که در این شور وی نیز نهاده اند

معاهده لو کارنو جهت تقویم امیتی ادویائی عقد گردد . اما المان از شمول روابط در معاهده اندکار ورزیده ، تا کنون نقضیه لو کارنو خاتمه نیافته و اگرچه در اواسط سال دا کثیر شخت وزیر اقتصاد و رئیس ابانک دولتی المان به پاریس مسافرتی هم نموده راجع بامدادات نزدیکی فرانسه و المان مذاکراتی بعمل آورده ، و ضمناً خواهشات فرض رانزی پیش کرد ، ولی چون مایین نظریات مملکتیں فاصله و تباین زیادی موجود بود ، نتیجه بدست نیامده چنانچه در اوآخر سال که باز سخن از قرض دادن فرانسه بالمان در میان آمد ، فرانسه شرایط خویش را پیش کشید و تا هنوز روابط مملکتیں از کشیدگی خود باز نمانده است و قضیه اسپانیه و معاهدات المان با ایطالیا و چایان نیز این کشیدگی را پیشتر ساخته می‌بودم در شروع سال انتخابات فرانسه آغاز شده ، به غلبه احراب دست چپ مخصوصاً سوسیالیست‌ها خاتمه یافت و بنابران در ماه جوزا که انتخابات تمام شد ، (بلوم) رئیس حزب سوسیالیست به ریاست وزراء منتخب و کایله مركب از احزاب سوسیالیست و رادیکل سوسیالیست و برخی احراب درگرددست چپ تشکیل داد و آن را کایله « جبهه عامه » یعنی اتحاد احزاب دست چپ نام نهاد ، در این کایله دلایله وزیر امور دفاعیه و دلو و وزیر خارج (هر دونفر از حزب رادیکل) و (ونسان اوریول) « از حزب سوسیالیست » و وزیر مالیه میداشد . بلوم مجرد رسیدن باقتدار دوکار مهم کرد : اول روی کارساختن یک سلسه تجاوب پذیرای بهبود حال کارگران و طبقات عامه از قبیل تعیین هفتنه ۴ ساعت کار و دادن معاش ایام رخصتی به کارگران و ملی ساختن کارخانه جات اسایحه سازی که این تجاوب در اثر اعتراضات بزرگی (که آن رانزی به تحریک خود بلوم میدانند) تصویب گردید . دوم انحلال حزب فاشیست که با رفشار زیاد بالآخر حزب مذکور بشکلی سروحدا یکلی مضمحل شده ، بعوض آن مطابق نظریه بلوم

حزب جدیدی بنام حزب ملی بسر کردگی همان (کولونل دو لا روک) رئیس سابق حزب فا شیست (کروه دو فو) تشکیل گردید .

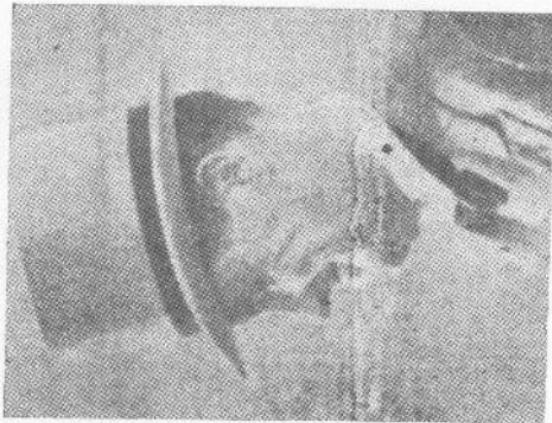
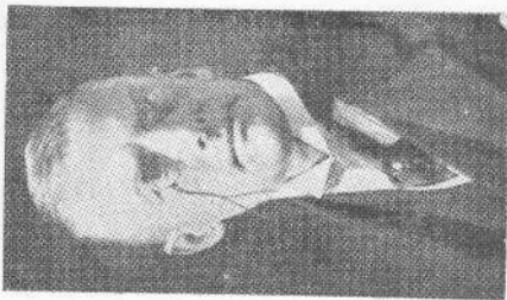
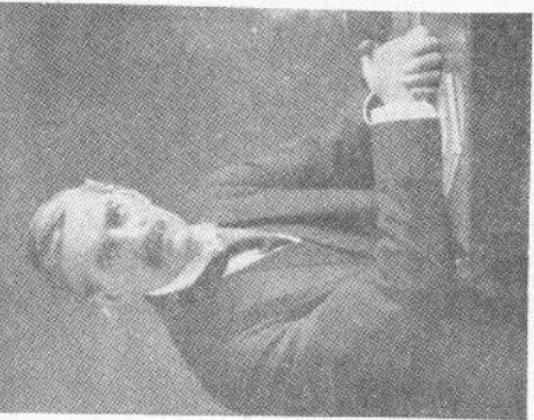
در اواسط سال مذاکرات فرانسه و سوریه که نسبت به دادن آزادی به مملکت مذکور از اول سال آغاز یافته بود ، منجر به یک معاہده گردید که دران فرانسه استقلال سوریه را اعتراف کرده و این آزادی را در ظرف سه سال و عده نمود چنانچه تفاصیل آن در ذیل نام سوریه آمده است .

در ماه میزان بلوم برای اصلاح اوضاع اقتصادی و تجارتی بین المللی ، اقدام مهمی کرد که عبارت از عقد معاہده پولی (معروف به معاہدة سه گانه) با انگلستان و امریکا بود و در عین حالیکه بواسطه این معاہده هر سه دولت نسبت پولهای خوش را به نسبت یکدیگر خود معین ساختند ، فرانسه ۳۰ فیصد ن Rox مبادله فرانک را تقابل داد تادر داخل معیار حیات بلند برود و در خارج از سبب تنز ل قیمت فرانک بازار های جدیده برای مال التجاره فرانسه باز شود .

در ماه عقرب سالنگر و وزیر داخله فرانسه با ترا نشریات مخالفانه جرائد داخلی که او را به جاسوسی ایمان در موقع جنگ بین المللی متهم میکردند را اثبات عدم حقیقت این لکه بزرگ که ، انتشار نموده مراسم جنائزه او با نشر یغات فوق العاده بزرگی بصورت ملی بعمل آمد .

آنچه برای حکومت فرانسه درین سال مشکلات زیادی فراهم ساخت همانا قضیه اسپانیه است . حکومت فرانسه از یک طرف بنا بر علاوه همسایگی وهم مسلکی ، متمایل و مجبور به کماک حکومت مادرید بوده از طرف دیگر مذاخله در امور اسپانیرا فوق العاده خطرناک و تیجه آن را نزاع بین المللی میداند چنانچه اولتر از همه حکومت فرانسه پیش نهاد عدم مداخله را نموده تا کنون اگرچه ملت فرانسه به رسم و رسم با حکومت مادرید همد ردی میکند لیکن حکومت باوجود

مس بوط بوقات مملکت انگلستان

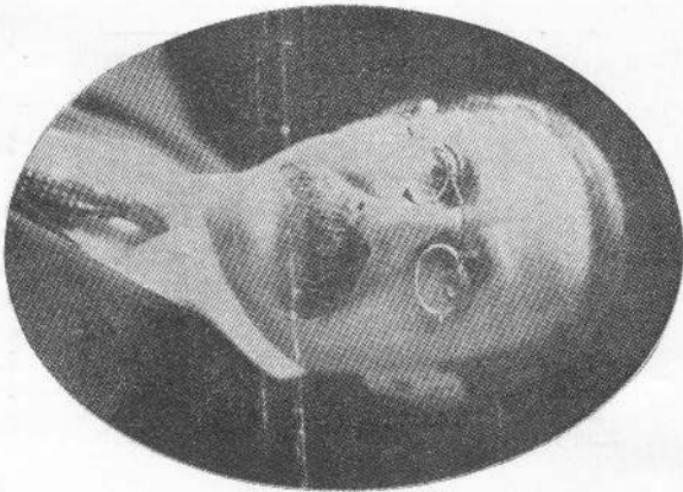


آستن چمبرلین سیاستمدار معروف
وزیر خارجه سابق انگلستان که
اشر افوت شده

لارڈ لیکو نائب السلطنه هندوستان

نیو ائل چہرائی وزیر مالیہ فعلی و
رئیس وزرای آئندہ انگلستان

س بوط بواقعات مملکت فرانسه



لئون بلوم رئیس وزیر ایالات متحده فرانسه

سانکر و وزیر دادخواه فرانسه
که از این تهمت محروم شد او
را جاسوس ایالات متحده نمود
انتخار نمود

دلو وزیر خارجه فرانسه

گذارشات دنیا

فشارهای احزاب دست چپ خصوصاً کونست‌ها، طرفدار عدم مداخله می‌بایشد. درین سال روابط فرانسه با انگلستان روز بروز تقویه یافته بالمقابل پس از عقد معاهدات بین ایطالیا و المان مناسبات اوبا ایطالیا و همچنین در اثر اعلان بیطرفی بلژیک بادولت من بورسست شده ولی از طرف دیگر درا گرسفر جنرال گاملن رئیس ارکان حریمه فرانسه به وارسا و سفر رید زمینگانی مارشال لهستانی و بلک وزیر امور خارجه آن همکلت به پاریس، مناسبات فرانسه و لهستان برخلاف انتظار خیلی خوب شده و گویا باینقسم لهستان پس از دوسال دوری، باز بفرانسه مربوط گردیده، چنانچه در اندرهین مسافت‌ها، فرانسه ۶۰ میلیون یوند به لهستان قرض هم داده است. نظریه این فرانسه موفق شده که اتحادیه صنعت (رومانی، چکوسلواکیه ویو گوسلاویه) را با وجود تمایلاتی که بالمان نشان داده اند، بخود وفادار نگه بدارد. تنها تورکه در اثر نزاع کم دوامیکه در سر مسئله سنچاق اسکندر رون با فرانسه پیدا کرده و با آنکه نزاع مذکور بزودی رفع گردید، بازهم در روابط همکلتین قدری مستی محسوس می‌شود که ممکن به تزدیکی تورکه و ایطالیا منجر شود. درین سال در ممالک مستعمراتی فرانسه واقعات مهمی رخنده اد تنهای در مراکش با اثر انقلاب اسپانیه هیجاناتی ظهرور کرده که بزودی خاموش شده است.

المان

ممکلت المان درین سال دنباله اقدامات اصلاحی خویش را در تمام زمینه‌های حیاتی تعقیب رده و حائز بسا موقوفیت‌های سیاسی و مدنی گردیده است. چنانچه پس ازا لغای معاهده لوکارنو که در اخیر سال گذشته صورت عملی پیدا کرد، حکومت المان در اول سپتمبر (۱۲۴ گست) خدمت نظامی را از یکسال بد و سال ترقی داده متعاقب آن در ۲۲ عقرب (۱۴ نومبر)

ش ر ایط بین المللی بودن رودخانه های المان (یعنی یک قسمت از معاهده ورسای) و موافقت موقتی تاریخی ۱۴ شورا (۱۳۱۰ می ۱۹۳۶) را که مربوط به دریا نوردی در رود راین بود ، ملغی فرارداد و درین هر سه موضوع به اعتراضات متواتر فرانسه و بلژیک و پولند که به خود او و جامعه مملک نمودند ، اعتراضی قائل نشد .

اما در عین زمان رئیس مملکت المان در موقع افتتاح مجلس سالانه حزب نازی به قام نورمیرگک ، نقشه چهار ساله آینده را اعلان کرد که مطابق اظهارات زمامداران المان بواسطه آن ، مملکت مزبور استقلال و استفاده ای کامل از مواد خام پیدا خواهد کرد ، و نیز مشارکه خواهشات مستعمراتی خویش را اذایهار و عدم شمولیت خود را در معاهدات با گروستها تکرار نمود . چنانچه این نطق هتلر ، هماک برگک را باشته اندخته در اطراف نکات مذکور تصریحی از المان خواسته شد و المان پاره تصریحی داده منجمله خواهشات مستعمراتی خود را در اوایل سال ، صریح ساخت و اخیراً نمایندگان المان متنغول اقدامات عیاشند تا از یکطرف برای بهبود اقتصادیات المان که از سبب نقصه های وسیع تسليحات موافق بحران است ، ازانگلستان وغیره هماک فروضی حاصل و از طرف دیگر خواهشات حقیقی المان را در پاره استرداد مستعمراتش به هماک برگک حلی سازند . البته المان در مقابل حصول بعضی از مستعمرات سابقه خود و مقداری قرض ، حاضر خواهد شد که به فرانسه و انگلستان ضماین بدهد لیکن هیچ انتظار نمیرود که مطابق آرزوی فرانسه باشوروی نیز مقاهمه و معاهده به بندد . بنابران یگانه مشکلی که تا کنون در راه اجرای مقاصد مهمه المان را فی ما نده همین عدم اتفاق نظریات او با فرانسه است که تا کنون ییک نتیجه نرسیده .

در واقعات المان آنچه از همه مهمتر بوده اثبات آن نه تنها برای خود

مر بوط بقا لة گذ ارشات د نیا



مار شال ریدیر سمگلی مقتض فشون
لهستان و جا شین مارشال یلسو دسکی



روز ولت رئیس جمهور امریکا که با ر
دوم بر یاست جمهور انتخاب گردیده

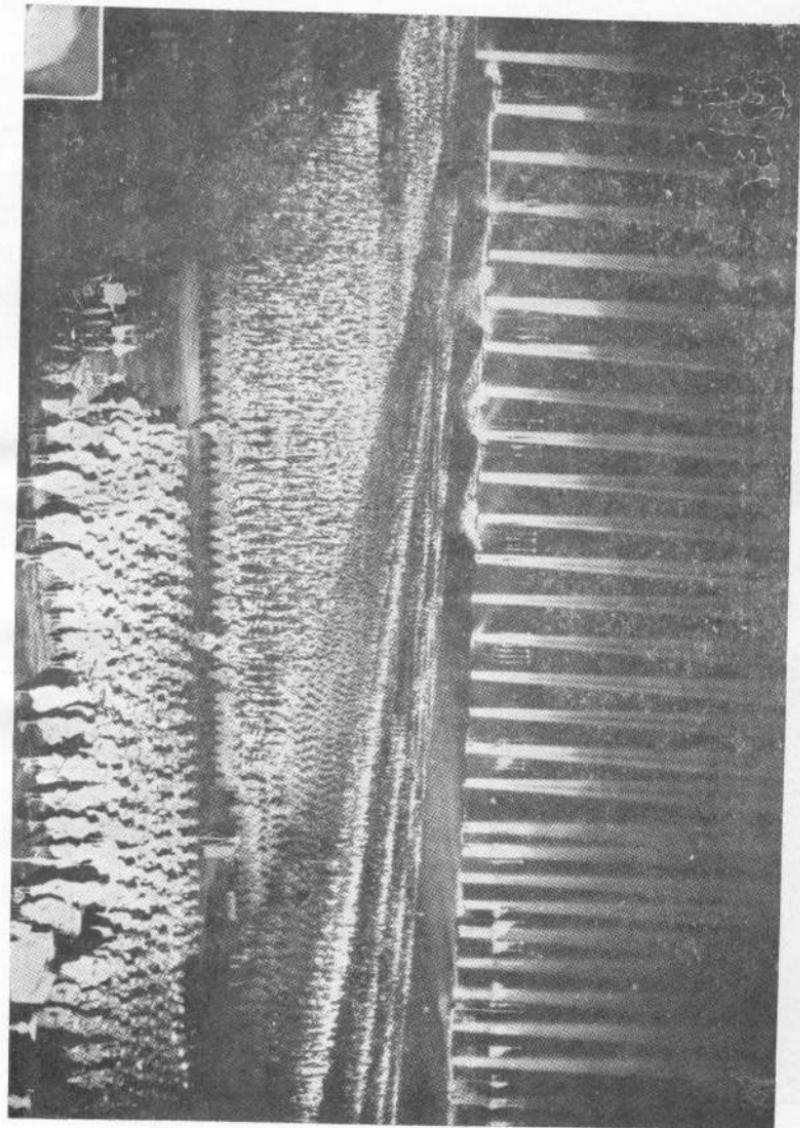


باک وزیر خارجه لهستان



شوشنگ رئیس وزرای آستریا

یک منظره از مجلس سالانه حرب نازی به قام نورمیرگ در هنگام شب



المان بلکه برای سپاه است اروپائی و اوضاع بین المللی دارای اهمیت زیادی میباشد هر آنرا از دیگر کشورهای ایتالیا و ایطالیا است که این دو همکنون پناه نزدیکی مساقط سیاسی و موافق مقاصد ملی، مخصوصاً سیاست مطالبه، در اواسط سال ۱۲۱۵ پناه نزدیکی را با یکدیگر گذاشته، پس از ملاقات‌ها سیاسی و دوستانه که مابین رجال پسر گت ملکیتین صورت گرفت (از قبل مفیر القدری وزیر ایطالیا و امیرتو شپزاده ایطالی و دختر موسولینی به بر این و مسافرت فرانک و جنرال متش المدى به روما) بالاخره همکنین تمام موضوعات متفق نهادند و مسافرت کوانت جیانو و وزیر خارجه ایطالیا داماد موسولینی به بر این (از ۲۷ میزان تا ۳ عقرب مطابق ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۰ کتو بر ۱۹۳۶) برای وتر کولی امضا نمودند که مطابق آن همکنین در تمام موضوعات جاریه اتفاق اتفاق حاصل کردند و نیز در خصوص استقرار منابع طبیعی جبهه، ایطالیا بموجب همین مفاهیمات المان را با خود شریک و اراده‌های لازمه را از او حاصل نمود وهم در هر چهار سوچ همکنین مذکور متفق حکومت جنرال فرانکو درگاه پرسویت شناخته سفر ای خویش را در نزد او انجام کردند. و مقرر همین زمان پناه بر میان پناه سفر ای ایطالیا، المان و آستریا یا مجارستان باهدی یک نزدیک شده از دعاوی سابق خوش (شاید وقایه) سرف لظا نمودند (اعاهده عدم تعرض آستریا و المان بتاریخ ۱۹ سلطان مطابق ۱۱ جولائی با این رسیده ولی در ماه عقرب موقع کشفرانس سه گانه و بن و باخو ملاتت میکلاس زئوس چهار آستریا و هورق نائب السلطنة مجارستان (نهضت شفید بافت) و برای مطالعه صورت عملی اتحاد ایطالیا و المان در اوآخر سال جنرال گلریو لگک سیاستمدار المانی به روما مسافرت کرده، بعضی جزئیات این اتحاد را فیصله نمود.

علاوه برین المان در ز مینه سیاست خارجی خود یاک اقدام مهم دیگر نیز کرده که آن عبارت از نزد یکی با جایان است لآن از اول سال معلوم بوده ، ولی طرفین عقد معاہده اتحاد نظامی را تردید مینمودند تا آنکه نزد یکی مذکور در ۴ قوس (۲۵ نومبر) ، بعقد یاک معاہده مبارزه متحده با کمک نیز مایین مملکتین تثبیت یافته ، طوریکه ملاحظه میشود روابط المان وشوری را کشیده ترساخت و یکی بعد ایطالیا نیز بصورت غیرمستقیم با آن شامل گشت و باینصورت دول فاشیست یاک محاذا و احتملا بمقابل گونیزم تشکیل دادند . در اوآخر سال در مملکت المان قلت خوراک رو نما شده ، حکومت برای یکی از مشکلات اجتماعی بزرگ المان بشمار میرود .

درین سال روابطه المان با افغانستان بسیار دوسته و خوب بوده از رئیس وزرا و وزیر حریمه افغان دران جا پذیرانی خوبی بعمل آمد .

ایطالیا

مهترین واقعات سال ۱۳۱۵ ایطالیا عبارت از قلعه مملکت جدیه است که در اثر اقدامات هشت ماهه (از ماه میزان ۱۳۱۴ تا ماه نور ۱۳۱۵) به تصرف ایطالیا در آمده و تجاویز جامعه ملل و اقدامات خصوصی بعضی دول مانع نظریات موسلینی شده توانست . در اوائل این سال اقدامات حریم ایطالیا که بنابر مدافعته جدی جبشی ها و شرایط خصوصه اراضی مملکت مذکور چندی دو چار سکته گی شده بود ، دفعه پاژر تصمیم صاحب منصبان ایطالیوی به اقدامات سریع و شدید ، پیشرفت زیادی نموده ، قوای جبشی ها در چندین نقطه (تبین ، غیر اشانتی ، دیسانی) بمقابل حالات هوائی و گلوله باری آبادیها

گذار ذات دنیا

و سنگرها واستعمال غاز زهردار و غبره عملیات حر بی شدید هز یمت خورده ، مضمحل گردید و با ترا آن در ۱۱ نور (اول می) وقتیکه قوا ایطالوی بطرف ادیس ابایا در حرکت آمد ، بنابر تحریکات سیاسی که دریایی تخت از طرف ایطالویها بعمل آمده بود ، سور شی در ادیس ابایا ظهر و رکرده ، نجاشی مجبور به ترک وطن گردید و وزرای خوشیش را بطرف غرب جبهه در علاوه (گور) اعزام نمود و مار شال بادو گلبلو بروز ۱۲ نور (دوم می ۱۹۳۶) داخل ادیس ابایا شده ، حاکمیت ایطالیا بر تمام جبهه و پادشاه ایطالیا از طرف ملت و حکومت منزبور ربحیث امپراتور جبهه اعلان شده و اگر چه فستی از قوا ای جبهی هنوز در محاذاج جنوبی میان سنگرهای معروف (هنندبورگک) موجود بود ، لیکن بهم خوردن نظام مملکت سبب شد که قوا مذکور نیز سنگرها را ترک نمودند ، و به تفصیلیکه در فستی رویدادهای جامعه مملک ذکر شد ایطالیا جبهه را متصرف گردیده اگرچه در ظرف چند ماه آینده حالات و خیمی از طرف خوازین جبهی مقابله فوای ایطالوی بعمل آمد و مدتی راه جیبو تی و ادیس ابایا فقط ویای تخت تقریباً محاصره بود ، لیکن بعد از تمام شدن فصل بارانها عسا کر ایطالوی به هر گوشه و کنار مملکت اعزام شده ، مقاومت ملی را در هم شکستند . آخرین فوت بزرگ جبهه عبارت از (راس ایمرو) بود که میگویند با توجه که فونسلنگری انگلیسی از مقام گور در ماه قوس بدست ایطالویها اسیر و دریکی از جزائل بحر مدیترانه محبوس شده ، باین صورت تقریباً تمام خاک جبهه بدست ایطالیا افتاد ، ولی بعضی خوازین هنوز در کوهستانات دشوار گذار شمال غربی مملکت پنهان میباشد که وفه فوفه اسباب مناحت مامورین ایطالوی را فراهم میسازند . چنانچه در اواخر دلو بمبی در ادیس ابایا بالای (گرازیانی) نائب السطنه

ایطالوی افتاده مشارالیه و یک نفر جنرال دیگر را مجروح ساخت و با تأثیر آن حکومت عسکری بکمال شدت در سرتاسر خاک جبهه جاری گردیده که تنهذف دوام دارد. پس از فتح جبهه، ایطالیا اعتراضات جامعه ملل را گوش نداده، برد و ل بزرگ فشار آورده، تامین‌وضع جبهه را یک‌موضع طی شده تصور نموده، تجاوز نزیری را که بر اوضاع اقتصادی مملکت اثرات ناگواری وارد کرده بود، رفع نمایند، در ان صورت بالقابل ایطالیا برای همکاری اموریت الملل و تقویت جامعه ملل و رفع اختلافات فرانسه والمان حاضر خواهد شد، در اثرهین اتفاقات وقوع شناسانه مسوولیتی بود که در ماه جوزا جمعه، میل تجاوز نزیری را از سر ایطالیا صرفه ساخت. و درین‌وقت ایطالیا دوباره روابط تجاری خویش را با تمام ممالک بالغاصه بالمان و مملکت جنوب و مركز اروپا فائمه ساخته به موجب «عاهه ماه نزرب همکاری المان را در اتفاقات از منع اقتصادی جبهه چه از جنبه سرمایه وجهه از رهگذار و متخصصین هر ای خویش حاصل نمود و مستعفی این در ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ (۲ دسمبر) با جایان یزد موافق عقد و حاکمیت جایان را به منظو او اعتراف و بالقابل جایان حاکمیت او را در جبهه بر سمت شناخته ایطالیا امداد اقتصادی جایان را نیز برای خویش حاصل کرد.

از طرف دیگر مومن لبی درین سال یک سالنه اقدامات سیاسی مهمی را بر دست گرفته بگذر افتاده اما متعهدین زیادی را برای خویش بیدا کنند پیشانیه برای این مقصد و در برخازن ایطالیا در موقع مسافرت خود، معاهده اتحاد المان و ایطالیا را در براین (۳۰ میزان مطابق ۱۲۳ کتوبر) و موافقه ایطالیا و آستریا و چهارستان را دروین (۱۷ دقرب مطابق ۹ نومبر) امضا کرده درین مجلس الخبر الدلکر ایطالیا حق تسلیبات چهارستان را که

مر بوط بو اقامات مملکت ایطالیا



نطق معروف موسوینی در شهر ملان که در آن قوت و تسلیحات عظیم ایطالیا را اعلام و
نیز خواهشات صلح طلبی خوش را ظاهر ساخت.



راس امر و مدافم ملي جبشه که اخیراً از
طرف ایطا لویها دستگیر و محوس شد



کونت چیانوداماد موسو لینی وزیر
خارجہ ایطا لیا



راس تاسیو سردار معروف جبشه کے



مار شال گرازیانی نائب السلطنه جبشه

گذارشلت دنیا

معاهدات صلح سلب کرده بود) اعتراف نموده و با ینصورت یک مجاز بزرگی را برای خود تشکیل داد ولی با وجود این ایطالیا در رفع نزاع فرانسه و المان یعنی موضوع لو کار نو هیچیک اقدامی ننموده روایت او با فرانسه روز بروز سست گردید - برخلاف در او اخیر سال ، با تراهندا کرات زیاد بالاخره موافقه ما بین ایطالیا و انگلستان در باره بحر مدیترانه امضا شده روایت مملکتین مذکور را پس از یک دوره کشیده گی ممتد اصلاح نمود .
 تنهای اسلیحات مهم انگلستان اخیراً اسباب خوف ایطالیا را فراموش نموده است . در موضوع اسپانیه طور یکه ملاحظه میشود ایطالیا از اول دلچسپی زیادی به طرفداری متعددین نشان داده ، علی الرغم تردیدات رسمی که همیشه درین باره حکومت ایطالیا نموده ، امدادهای مادی و معنوی زیادی از طرف ایطالیا به سیاه جنرال فرانکو رسیده ، علاوه برین حکومت ایطالیا در ماه قوس حکومت جنرال فرانکورا بر سمت شناخت و سفیر خود را در بر گوس اعزام نمود . چنان نچه همین امدادهای ایطالیا (والمان و شوروی وغیره) است که خانه چنگی اسپانیا را اینقدر طول داده با آن شکل فجیع و باریکی بخشیده . تاجاییکه میتوان تصدیق کرد ایطالیابی میل نیست که دیکتاتوری فاشیستی در اسپانیا روی کار آمده ، سد بزرگی مقابل انتشار کونیزم در اروپا تشکیل یابد و در عین حال این حکومت هوا خواه ایطالیا بوده بالواسطه معبث مهم جبل الطارق و مقامات بحر مدیترانه غربی بزیر تفویض ایطالیا بیاید . خلاصه ایطالیا درین سال علاوه بر موقعیتیکه در جبهه حاصل ، و جامعه ملل را به رفع تجاویز تعزیری و دار ساخت ، در عالم سیاست بسا کامیابی های دیگری را نیز بدست آورده که شمه از آن در فوق ذکر شده و مهترین آن عبارت است از تزوییکی او با المان و جایان و رفع کشیده گی با انگلستان و تورکیه وغیره و پیشرفت متعددین اسپانیه .

سالنامه « کابل »

در قسمت امور اداری درین سال موسولینی مجلس شورای ملی را لغو و مجلس فاشیست و مجلس اصنافی را عوض آن تعیین نمود و کار خانه جات را ملی ساخته خودش از تکفل چندین وزارت خانه و منجعله از وزارت خارجه و حربه و بحره و هوائی و اصناف صرف نظر نموده ، تنها وزارت داخله و وزارت دادگستری و دادخواهی را بهم میگفت و دادخواهی کوانتچیانو (سیانو) را که اکنون در زند او اعتنادی ترین و برگزیده ترین افراد حزب فاشیست است بوزارت خارجه منصوب نموده . از رهکندر او ضماع اقتصادی درین سال ایطالیا موافق با مشکلات باطنی زیادی بوده تجارت و صنایع و زراعت هر سه از اثر تجذیب تزریق و نخارج مکافای نمیگردید و تنشی و تحریک جنبشی ، تزلیق فاصله کرده بود که تنها قدرت شخصی موسولینی موافزه حیات میشته را نگهداری مینمود . لیکن اقدامات وسیعی که در طول سال برای اصلاح نوافض و رفع موافع مذکور بعمل آمد ، اطمینان بخش میباشد .

اسپانیه

ملکت اسپانیه که از سالیان درازی در گوشہ گذاشته افتاده و در خیابانین المللی چندان سهم بزرگی نمیگرفت ، دفعه ۱۳۱۰ در سال ۱۹۳۱ ، صحنه واقعات مهم و مذهبی بزرگ دیده که تمام دنیا را کم و بیش بخود علاوه میگردان ساخته است . اصل حقیقت اینست که از مدت بیش از سال بینظرف عقاید ضد و نقیض و احزاب و ممالک مختلف در مملکت مذکور مشغول اقدامات و کار زوایی شده هر یک برای ییش برد مقاصد خویش کوشش میکند . چنانچه در اوائل سال ۱۳۱۵ موقع انتخابات عمومی معلوم شد که احزاب اجتماعی (سوسیالیست) و فاشیستی بقوه تقریباً مساوی در مملکت صاحب قوی میباشد ، ولی با وجود این با اثر تحریکات جدی اجتماعیون بالآخره انتخابات بغلة اجتماعیون تمام شده اولین

گذار شات دنیا

کار حکومت اجتماعی عبارت از عزل رئیس جمهور (زمورا) بود که متعاقب آن احراز مذکور بنای تولید فشار را بمقابل احراز فاشیست گذاشته حوصله فاشیستها را نمیگردید و در عنین حالیکه دول خارجه نیز امداد فاشیستها را مینمودند انقلاب نظامی در ماه اسد از مرزا کش اسپانیولی آغاز یافته بز و دی وارد خاک اسپانیا گردید و از آنوقت به بعد تا کنون مملکت منبور در میان شعله های آتش خانه جنگی فجیعی میتواند و تمام آبادیها و عمر انان و انتظامات مملکت خراب و ویران گردیده طوریکه دیده میشود در اوائل از رهگذر اینکه قوای عسکری و ذخایر جنگی مملکت بدست متمردین (یاملیون) افتاده بود و نیز امداد های خارجی از المان و ایطالیا برای متمردین زیاد میرسید انقلابیون اسپانیه بر حکومت غالب بوده بسا نفاطع محمد را اشغال گردند ولی پس از آنکه در نزدیکی ما درید (یا تخت) رسیدند معاونت های مهمی از طرف شوری و فرانسه و غیره برای حکومت ما درید نیز رسیده جنوب پیشرفت متمردین گرفته شد و از مدت ۵ ماه با این تطرف مادرید همانصور در پل حالت نیمه محاصره باقی مانده و اگرچه برای هر دو طرف امداد های مادی و معنوی از فیلیپ و فرانس (رضان کاران) و جبا خانه و آذوقه باوجود انعقاد معاہده بیطریق فراوان میرسد جنگ بطور نامحدودی ادامه پیدا گرده است در رأس حکومت انقلابی که المان و ایطالیا و پرتغال و آستریا و مجارستان آن را برمیست شناخته اند، جنرال (فرانکو) در رأس حکومت مادرید (آرانا) رئیس جمهور و (کابایرو) بحیث رئیس وزرا و وزیر حرب به قرار گرفته که برای موخرالذکر در اخیر سال اختبارات دیکتاتوری نیز داده شده است. نتیجه جنگ خانیکی اسپانیه را

سالنامه «کابل»

از حالا حدس نمیتوان زد زیرا امکانات خسته شدن مبارزین بسب امداد ها و تحریکات خارجی و امکانات آشتبانی آنها بنار اختلاف نظر یات و جوش مسلکی آنها، خبلی کم میباشد و بلکه خوف آنست که جنگ داخلی اسپانیه به کدام جنگ بین المللی منتج نگردد (باقی تقصیلات انقلاب اسپانیه و اقدامات مجلس عدم مداخله در قسمت رویدادهای جامعه ملل ذکر شده است) .

لهستان (پولیند)

این مملکت که از سبب واقع بودن درین دورقیب بزرگ یعنی المان و شوروی و نیز ازجهت ترقیات روز افزون خود ، امروز تقریباً در قطار دول درجه اول اروپا فرار گرفته ، در سال ۱۳۱۵ در هین حالیکه اقدامات عمر این وسیع خویش را در زمینه اقتصادیات و عرفانیات وغیره تعقیب کرده ، مشغول یک سلسله اقدامات برای تأمین امنیت خویش نیز گردیده و خوف تصادم دوسته مخالفیکه در اروپا تشکیل گردیده ، حکومت وارسارا بفکر چاره جوئی انداده تا دامان او درین گیر و دار همسایگانش گیر نیاید . مهترین اقدامات سیاسی پولیند عبارت از نزدیکی مجدد او با فرانسه است که در اثر سفر رئیس اور کان حریمه فرانسه بو ارس و متعاقب آن سفر جواہی جنرال ریدز سرکلی مفتش عمومی قشون لهستان ، در پاریس ، صورت حقیقت پیدا کرده فرانسه برای لهستان ۲۶ میلیون یوند ستر لرنگ قرض داد تا بوسیله آن امور عسکری مملکت مکمل تراواد امات عمرانی مقتضیه اجراء پذیر گردد . لیکن با وجود این لهستان علی الرغم مساعی فرانسه باشوروی و چکسلووا کیه معا هدۀ امداد مقابل را امضاء نکرد . و تنها با انگلستان (موقع سفر بک به لندن و مفاهمه موافقت کارانه او با زمامداران انگلیس) و بلژیک خود را فریب ساخته ، نظر یات صلح خواهی و بیطری

گذار شات دنیا

خود را بهمه گان آشکار ساخت . اما با وجود اینها مشکلاتی در روابط او بالمان بوجود نیامده بلکه طرفین دم از دوستی میزندند . و اخیراً جنرال کوینک وزیر المانی مسافرت دوستانه به لهستان نموده است .

درین سال کایسته کوسیالکو فسکی بنابر مسائل شخصی و پاره مسائل خوبی استفاده اده ، سوکلا کوفسکی یکی از جنرال های مهم مملکت ، زمام ریاست وزرارا بعده گرفت ولی وزرای عمدہ از قبیل (بک) وزیر خارجه تبدیل نیافتند .

در موسم خزان بمناسبت سال لگر تاسیس جمهوریت واستقلال پولیند برای «ریدز-سیگلی» رتبه مارشال و در امور مملکت تقریباً همان حیثیت پلسو دسکی داده شد .

در اخیر سال وزیر خارجه لهستان در مجلس ملی ، خط مشی حکومت خود را در زمینه سیاست خارجی ظاهر ساخته از نزد یکی با فرانسه و بهبود مناسبات خود با شوروی و حسن روابط بالمان سخن رانده اما راجع به چکسلوا کی و لیتوانیا چیزی نگفت . و نیز در همین وقت حکومت لهستان بصورت نیم رسمی مطالبات مستعمراتی خویش را آشکار ساخته مجبوریت و مشکلات خود را از رهگذر تردد روز افروزن تقوس و قلت مواد خام خاطر نشان کرد که این موضوع تا کنون بصورت واضح زیر بحث نیامده و ممکن بزودی در اینجن مخصوص جامعه ملل مطرح گردد . در اوآخر سال بنا بر مساعی وزیر خارجه لهستان که از طرف جامعه ملل بطالعه قضیه (دانزیک) مقرر شده بود ، قضیه مذکور بموافقت نماینده جامعه ملل و مجلس اعیان شهر آزاد مذکور انجامیده ، شورای جامعه و مجلس اعیان دانزیک از مساعی مشارالیه که یکی از باریکترین قضایای اروپائی را بفصله رسانیده ، تشکر نمودند . هلاوه برین درین سال کشمکش های خوبی که در سال گذشته فضای داخلی مملکت را پر آشوب ساخته بود از برکت اقدامات حکومت مذکور رفع گردیده است .

آستريا

این مملکت که با وجود کوچکی در صحته سیاست اروپا اهمیت بزرگی را حائز شده، درین سال تغیرات مهمی را دیده که مهمترین آن عبارت از سقوط حزب شاه طلب و مخالف المان یعنی حزب هایمور (فوج ملی) و دئیس آن شهرزاده ستار همیرگه، و انقاد معاهده عدم تعرص بالمان است (ماه سلطان) که تقسیلات آن بتکرار ذکر شده. و گویا آستريا در اثر مشوره موسولینی سیاست سه ساله خویش را که مبنی بر دشمنی بالمان بود، بعد از تزدیکی المان و ایطا لیا ترک گفته، وبالمان از در آشتی پیش آمده ولی المان هم از مطالبه الحاق آستريا به خاک خود (شاید موقتاً) صرف نظر نموده است که با این نزدیکی ها روابط آستريا با مجارستان نیز خوب شده است.

از طرف دیگر درین سال حکومت آستريا به تفصیلیکه در قسمت رویداد های جامعه ملل ذکر شد، در دنباله اعلان نظام اجباری (برخلاف معاهدهات سلح) که در اوایل سال گذشته صورت گرفت، نگرانی مالی جامعه ملل را نیز از سر خود رفع نمود - و به شوشنگ اختبارات دیکتنا توری داده شد.

باقي مالک اروپا

بعکم قلت صفحات و ترا کم مضمون، لاجرم از تندکار مفصل گذار شات باقی مالک اروپا پائی صرف نظر نموده تنها بد کر مالکیکه دران و فانع قابل ذکری اتفاق افتاده اکتفا میور زیم.

پر تگال: حکومت فاشیستی پر تگال هوا خواهی از متمردین اسپانیه نموده، امداد های زیادی با آنها بعمل آورده و روابط خویش را با حکومت



لاد گو کا بالیرو رئیس وزراء
و وزیر حربه حکومت مادرید
که اخیراً برایش اختبارات
دیکتنا توری داده شده



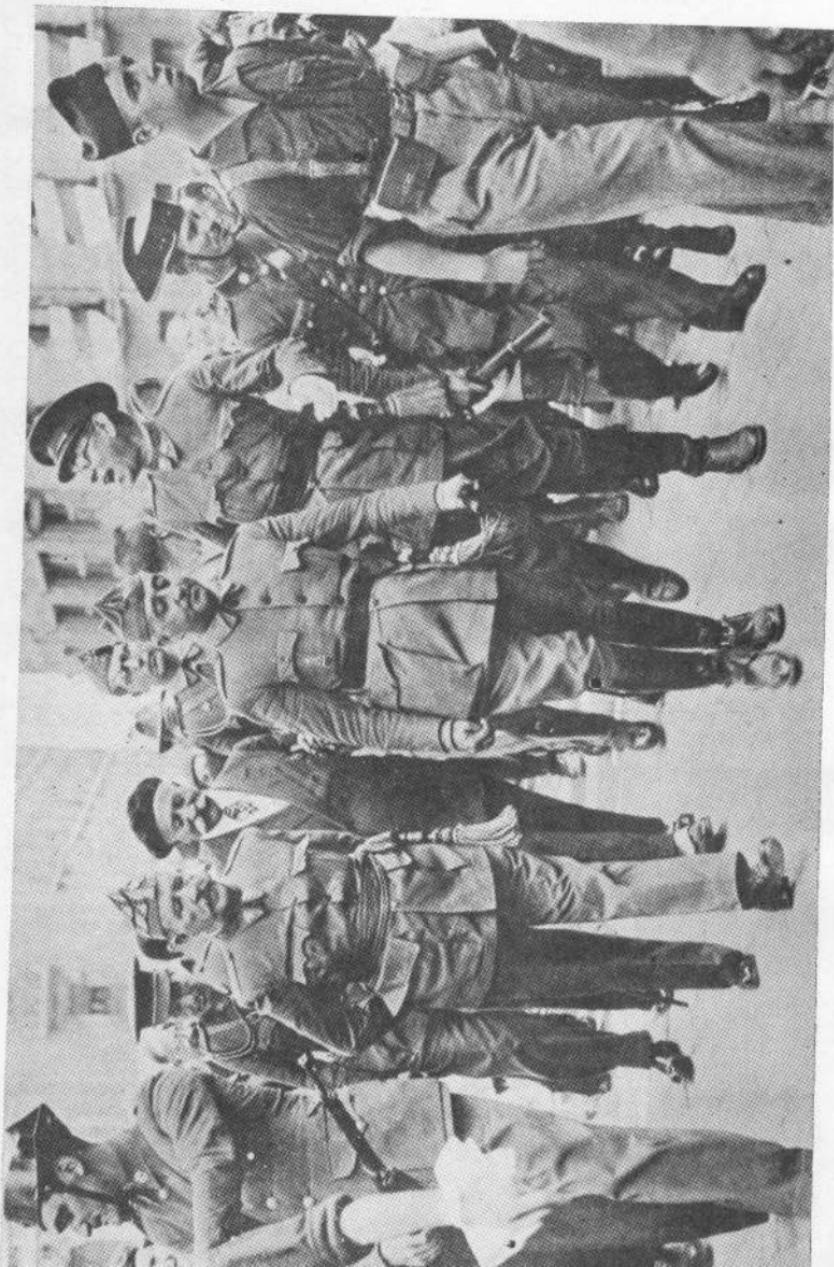
آز انا رئیس جهور اسپانیه



دل دی ویرا محرك حقيقی انقلاب هسپانیه که موقع
آمدن باسپانیه طیاره اش در راه سوت خته فوت شد.



جنرال فرانسیسکو فرانکو رئیس درجه اول
متعددین اسپانیه



اویین ملاقات جنرال د فرانکو، و جنرال مولا، زمامداران درجه اول افلا بیون اسپانیه در شهر بد کوس (در وسط جنرال فرانکو، طرف چی او شخص عینک دار بلند قامت جنرال ایبلیو مولا)

گذارشات دنیا

مادرید قطع و بالمقابل حکومت فرانکو را اعتراف کرده است . چنانچه عایق بزرگ اجرا و پیشرفت قانون عدم مداخله در امور اسپانیه نظریات حکومت پر تگال شناخته میشود . لیکن عناصر اشتراکی در جریان سال چند سر ته واقعات خوبینی را در شهر های پر تگال بوجود آورده اند .

بلژیک : واقعه مهم بلژیک عبارت از کامیابی سوسیالیست ها در انتخابات و دیگر اعلان یپطرف است که پادشاه در اجلس شورای ملی در ضمن نطق خود بآن اشاره نموده و این یپطرف فرانسه را بسیار مضطرب و بالمقابل المان را بسیار مطمئن ساخته است . با وجود این بلژیک تسییحات خویش را افروزد و علاوه در مسائل لو کارنو و مطالبات المان ، بیرونی فرانسه و انگلستان را را مینماید . او ضاع داخلی بلژیک درین سال از سبب زد و خورد های حرibi پرآشوب بوده ، چندین کاریته تغییر و تبدیل شده است .

ها لیند : مهمترین واقعه های لیند درین سال عبارت از عروسی دختر مملکه ولهمیانا حکمران مملکت است که (ژولیانا) نام دارد و لیمهد مملکت میباشد و با یکی از شهرزادگان خاندانهای سابق جرمی موسوم به (هربرت) ازدواج نموده .

اتحاد صغیر : ممالک اتحاد صغیر یعنی چکوسلواکیه ، رومانیه و یوگوسلاویه ، از تسییحات آستریا و مجارستان بهراس امداده ، شیرازه اتحاد خود را با وجود تمايلات خصوصی بعضی از آنها ، تشیید نموده در موقع لازمه متوجه به نسبت تجاوزات ممالک مذکور از مقررات معاهدات صلح اعتراف کرده اند ، اما باز هم سلسله اتحاد مذکور از سبب تمايل چکوسلواکیه به شودوی و تمايل یوگوسلاویه با ایطالیا والمان متازل بنظر میرسد

اتحادیه بالقان : اتحادیه بالقان که مرکب از یوگوسلاویه ، رومانیه ، یونان و توکیه است درین سال آنها نیز به مثل اتحادیه صغیر روابط خویش را حکمران ساخته ،

سالنامه د کابل •

در اخیر سال بلغاریا را نیز بطرف خود متمایل ساخته اند و روابط یوکوسلا و بلغاریا برخلاف سابق خوب شده ولی البانیه هنوز از این اتحادیه دوری میجوید.

مالک اسکاندینا ویا : این مالک که عبارت است از سویدن ، ناروی ،

دنمارک و فلیند ، در حال بیطرف بسوی تسليحات خوش توجه پیشتری کرده و در موقع انعقاد معاہده بحری شوروی و انگلستان بران متعدد اعتراض نموده اند . و هم مالک مذکور با هالین و بلژیک و لوکزامبورگ و غیره نسبت باصلاح اقتصادیات خود بمقابل هاگت مجلسی منعقد نموده اند .

مالک بالتیک : مالک بالتیک ه مراد از لیتوانیا ، لتونیا و استونیا است ،

درین سال بطرف شوروی پیشتر دلچسپی نشان داده واخوف المان ، اتحاد خوش را محکم تر ساخته اند .

دول امر یکانی :

مالک متحده امر یکان

سال ۱۳۱۵ برای مملکت بزرگت جاهیر متحده امریکا از حیث اوضاع داخلی و معیشت ملی یک سال خوشی نبود . چه در سرتاسر این سال بحران اقتصادی و فشارهای معيشتی مردمان امریکا را در عذاب داشته ، هیجات مهیظ و همود کرده و علاوه برین بسا وقایع خوب و بدیدگر آنچه اتفاق افتاده - بالقابل از رهگذر سیاست خارجی مالک متحده در کمال آرامی خاطر زیست نموده و تنها برای حفظ ماقدم متشبث به افزودن قوای عسکری خوش گردیده تا در موقع لزوم بی قوت نباشد و نیز در جریان همین سال مالک متحده مسامی بزرگ و قابل قدری برای تأمین صلح در امریکا بعمل آورد که تفصیل آن در فرمت امور بین المللی ذکر شده مختصری هم ذیلاً در ضمن دیگر وقایع مالک متحده از نظر خوانندگان گرام خواهد گذشت .

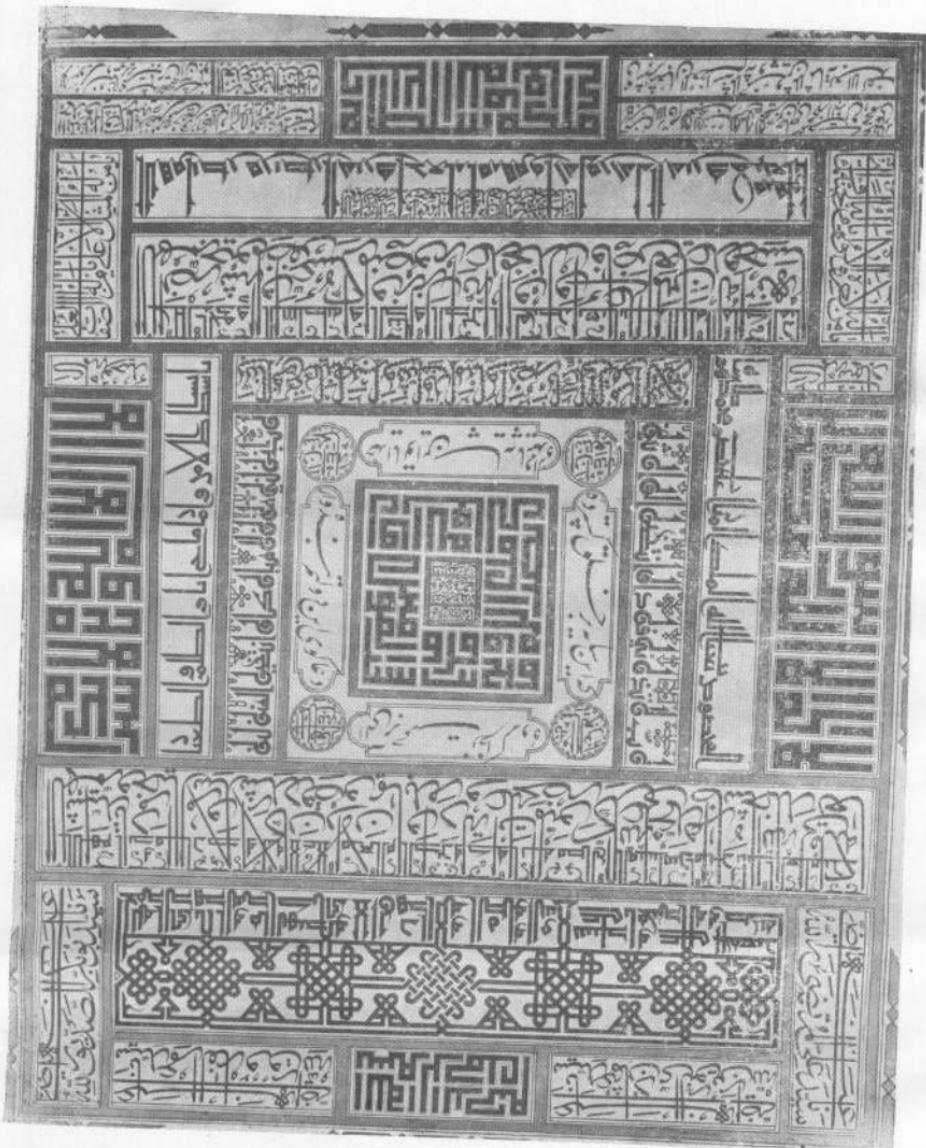


از آثار مبارک مزار شریف: لوحة چوبی صنعت نجاری فیروز نخجیر که در سال ۱۳۰۰ هـ ساخته و در روضة مبارک موجود است.

Inscription sur bois (19^e S.), au musée de Mazar-i-Charif

Specimen d'écriture d'un calligraphe contemporain d'Heart

ଗୋଟିଏ କୁଳାଳ ଦିନ ହେଲାମ୍ବାବୁ ଏହାରେ ପାଇଁ କିମ୍ବା କିମ୍ବା କିମ୍ବା



گذارشات دنیا

در ۱۵ جل (۴ اپریل) « هوپتان » قاتل پسر لند بر گش هـو ا باز که قضیه اختلاف وقتل مذکور در ظرف ۷ سال اسباب نگرانی تمام ملت اتاز و نی را فراهم کرده بود ، اعدام شده ، این قضیه پر بیچ ومطمول خاتمه یافت . در همین اوقات حکومت امریکا معاهدۀ جدید بحریه را امضاء نموده ، نسبت تسليحات بحری خوش را با انگلستان و فرانسه تعین نمود .

در اوائل سال انتخابات عمومی آغاز یافته ، در نتیجه حزب دیو کرات که رئیس آن روزولت است ، غلبه یافت و روزولت در ۱۱ عقرب (نویمبر) دو باره بریاست جمهور بر فرار گردید و در ماه دلو رسماً دومین دوره ریاست جمهور خوش را آغاز کرد .

در ماه سپتمبر حکومت اتاز و نی معاهدۀ پولی معروف را که ماین انگلستان و فرانسه و اتا زونی منعقد شده بود امضاء کرده فرخ مبارله دار را بمقابل فرانسه و یونان انگلیس مستقل ساخت .

بتاریخ ۲۰ قوس (۱۲ دسمبر) کنفرانس (یان امریکن) یعنی اتحاد امریکا به مقام بیویس آمریس (ارجنتین) با تأثیر اتفاقات روزولت منعقد و میثاق ممالک امریکائی را تصویب نموده ، بوسیله آن ممالک امریکائی صیانت یکدیگر خوش را اعتراف و همکاری خود را در امور بین‌المللی امریکائی تعهد نمودند . در اوائل جدی اعتصابات مهمی در کارخانه جات موتورسازی (جنرال مو تر) بوقوع بیوسته ، مدت درازی طول کشید و منجر به تصادمات خونین ماینین اعتصابیون و عساکر حکومتی گردید . وبالآخره با تردید مراعات هائی که در این میانه روی حکومت از طرف مالکان کارخانه جات در حق کارگران وعده شد ، اعتصابات مذکور رفع گردید .

حالتامه « کابل »

درماه دلو رود (مسی سی پی) طغیان کرده، هزارها نفر را بیخانمان ساخت و میزان تلفات به میلیارها دالر بالغ گردید و آب خیزی هدت ۵ اروز دوام کرده، با رآن مجلس کبیر اتازونی امداد معتمد بهائی را برای مصیبت رسیدگان آب خیزی و تلافی خسارات واردہ منظور نمود.

در طول این سال روابط اتازونی با تمام دول ارویائی و آسیائی خوب بوده، مملکت مذکور قانون ییطرفی را که در اوخر سال گذشته، اعلان کرده بود، پدرستی صراعات نموده، در موضوع جبهه و اسپانیه و غیره سهمی نگرفت - در اخیر سال نایندگان فرانسه و انگلستان برای مذاکرات فروض حرب عمومی که به دوش شان باقی مانده، و نیز جهت مذاکره در اطراف وسائل اصلاح و رفع موانع تجارت یین المللی و اقتصادیات عمومی با مریکا عزمیت کردد و لی نتیجه تاکنون معلوم نشده است.

خلاصه ممالک متعدد امریکا در طول این سال با وجود پریشانی های داخلی خویش، در راه حفظ و تأمین صلح و رفع بحران اقتصادی و مشکلات تجارتی جهان قدمهای جدی برداشت که جامعه بشریت آن را بنتظر نمیگردید.

باقی ممالک امریکا

همترین واقعات سال ۱۳۱۵ ممالک امریکائی عبارت از انقاد کنفرانس بان امریکن است که تفصیل آن علیحده ذکر شده و معاہدة که در کنفرانس مذکور با مضاه رسانیده، بنیان صلح را مابین ممالک امریکائی تعیین نموده و اختلافات سابقه را بالمرأة صریح ساخته است.

موزه کابل

نگارش جناب احمد علیخان «کوئنزلو»

مترجم دارالتحریر شاهی

لحظ موزه اصلاً از کلمه یونانی « موزین Mouseion » گرفته شده و این کلمه در عرف یونانیان قدیم اصلاً به معبد « و میوز ها Muses » یعنی ربة الانواع افسانه‌ئی صنایع و در عین زمان به این مناسبت به تپه که در شهر آتن « آتن » منسوب به این ربة الانواع شده بود اطلاق میشد . پسان تو این کلمه کمی از معنی اساسی خود برآمده و در عصر بطیموس شاه مصر یک حصه از قصر اسکندریه که در انجا علما و فیلسوفان بزرگ وقت را شاه مذکور جمع نموده بود و کتابخانه بزرگی هم داشت ، داده شد . آهسته آهسته با مرور زمان و مقتضیات سیر مدنیت معنی این کلمه کشاده و جامع تر شده بار اول یک نوع مؤسسه هایی اطلاق میشد که در آن فقط آثار تاریخی قد ما را جمع نموده بودند . به این معنی و به این وقت موزه فقط عبارت از یک عمارتی بود که در آن تنها یکعدد اشارا از نظر نظر قدمات تاریخی میگذاشتند . کم کم با تحولات دیگر درین دائره اخیر هم معنی کلمه « موزه » انبساط یافته و موزه ها در شعبات مختلف زندگانی بیان آمد . مانند موزه های زراعتی فلاحتی - فضایی - بحری - موزه های متعدد و مختلف فنون و ادوات عسکری موزه های تحقیکی و اکتشافات فضایی و غیره و غیره . درین صورت اخیر

سالنامه «کابل»

(موزه) و «کولکسیون» که یعنی تو ازان کشاده تر صحبت خواهیم کرد در معنی متراffد هم شدند زیرا «کولکسیون» عبارت از «اجتماع یک عدد اشای» است و طوریکه دیدیم موزه های غوق هم هر آندام بجای خود یک «کولکسیون» بزرگی میناشدند یکده اشیاء مربوطیک موضوع معین دران جمع گردیده است.

چون این موزه های اخیر اند که برخلاف موزه های قدیم نخصوصاً برای مطالعات و افزایش احاطه علمی شایقین تاسیس شده و مفهوم تازه‌هی بخود گرفت بشکل مؤسسه نو در آن تغیراتی بعمل آوردن و قبل از همه کتابخانه نخصوصی به آن علاوه کردند. درین وقت موزه ها وضعیت رکود و خمود خود را از دست داده و در اثر مراجعت و مطالعه از باب ذوق شکل یکنوع مکتب یا دارالمطالعه نخصوصی بخود گرفت. چنانچه موزه خانه ها در عصر حاضر بهترین محل مطالعات تاریخی - ادبی - علمی - صنعتی - تحقیکی وغیره میناشد زیرا آثار و کتب مربوطه یکجا در دسترس شایقین است.

از نیمه اخیر قرن ۱۹ باينظرف یکده مؤسسات دیگر هم اگرچه به نام و نشان علیحده عرض اندام نموده اند در حقیقت کار موزه را میدهند. این مؤسسات بنام های «گاری» «اکسپوزیسیون» و «کولکسیون» وغیره یاد میشود. وظیفه اجتماعی آنها فرار آتنی است: «گاری» که معنی لنوى آن اصلاً «دلیل» است امر و ز فقط به موزه هائی اطلاق میشود که در آن آثار خامه نقاشان و رسام های معروف را میگذارند و دیوار های بزرگ آنرا فقط به بلوهای مختلف منزین میکنند.

«اکسپوزیسیون» که به اصطلاح امروزی به کلمه «نمایش» ترجمه

موزه کابل

میشود هم در حقیقت یکنوع « موزه موقتی » است که تنها اختصاص به آثار تاریخی ندارد بلکه بیشتر با داشتن جنبه تجارتی برای سراغ بازار مال التجاره و فروش اموال تاسیس میشود و محرك بزرگ آن درین اواخر بحران عالمگیر اقتصادی است چنانچه پشت هم درین چند سال اخیر این نمایشات در شهرهای اروپا صریح شده و امسال بزرگترین آن بنام « نمایش یاریس » در پائیخت فرانسه افتتاح خواهد شد .

« کولکسیون » هم با مفهوم اسرزوی خود متراff موزه شده و میتوان آنرا « موزه شخصی » یا « انفرادی » نامید و این عمومی ترین شکل موزه است که هر شخص مطابق ذوق و سلیقه و تخصص خود تشکیل داده میتواند چنانچه در اروپا و امریکا ملیون ها نفر از خود کولکسیون ها دارند و مطابق ذوق خود هر کسی از مسکوکات و تکت پسته گرفته تا پر وانه و حشرات و هزاران چیز دیگری که در فکر ما هم هنوز خطوط نگرده است جمع آوری میکنند و این شوق در بعضی یول دارها با صرور زمان پدرجه زیاد شده که تمام دارائی خود را درین راه وقف نموده اند چنانچه ۱ کش موزه های بزرگ که دنیا که اسرزوی پیشنهاد را واله میسازد در اوائل کولکسیون شخصی کدام صاحب ذوق تر و تمندی بوده که در زندگانی و یا بعد از مرگش بدست دیگری افتداده و یا از جنبه اهمیت، حکومت آنرا خریداری کرده و احاطه آن وسعت یافته و مبدل بیک موزه عظیم الشان گردیده است .

حالا که فرار فوق مختصرآ معنی کلمه (موزه) و نحو لانش گفته شد میر ویم به اصل مقصود که موزه در اقنا نستان چه وقت بیان آمده و آثار موضوعه موزه فعلی کابل عبارت از چیست ؟

موزه از نقطه نظر شق (عقبه فروش) antiquaire در افغانستان در زمانه های قبل اسلام و جو داشت زیرا در بامیان که بر ای زوار خارجی مثل یک (موزه مذهبی) بود در مجاورت مجسمه های بزرگ دکنهای وجود داشت که (بنام یارگار بامیان) هیکل های کوچک و مجسمه های بزرگ و مینه تور های تصاویر رنگ و دیگر تصاویر عجائب نقاشی ، مهندسی رسامی این محل معروف را میفر وخت چنان نجه نومه های کوچک مجسمه های بزرگ بامیان ذریعه زوار تا به جایان هم رسیده است . همین طور هیچ شبهه نیست که در هده هم بوده باشد زیرا بزرگترین مکاتب و کارخانه های هیکل تراشی این مقام حتماً مقاذه هائی داشته که ما نند عتیقه فروشان امروز آثار گران بهای این جا را به زوار و ارباب ذوق میفر وخت .

موزه به معنی (کولکسیون شخصی) هم در افغانستان می ساخته نیست بلکه از چندین قرن باينطرف هم بشه صاحبان ذوق فیادی درین دیوار زیسته و هر کدام به گرد آوری آنچه علاوه داشته زحات زیاد کشیده و اگر خوب موضوع کولکسیون ها مطلعه شود دیده میشود که ما نند ذوق واحدی که تا این اواخر پیشتر در عالم شرق رواج داشت همه جنبه ادبی داشته ما نند کولکسیون های کتب فلسفی ، کولکسیون های اشعار نایاب در بیاض ها و جنگی ها ، کولکسیون های مینه تور و عکس ها ، کولکسیونهای نومه های خطی خوش نویسان بزرگ ، کولکسیون گل ها و نباتات فشنگ بالاخره کولکسیون الپسۀ ملی و مسلکو گات و تکت پسته وغیره . یک چیز دیگری که پیشتر ذوق ملی و روح شهاست فو می مارا اراده میکند و پیشتر اختصاص بد افغانستان دارد کولکسیون اسلحه است چنان نجه

موزه کابل

از زمان قدیم این دویه معمول بوده و اصر و ز در آنکه خانه ها نتیجه کولکسیون اجدادی آنها به سلیقه فشنگی موجود است. ذوق کولکسیون خوشبختانه درین سالهای اخیر در ملکت ما بیشتر تر شده و اصر و ز از باب ذوق بسیار چیزهای دیگری را که سبقاً به آن اهمیت داده نمیشد میخرند. جستجو میکنند و با ذوق شخصی خود کولکسیون میسازند.

بالاخره موزه به معنی مختصه حفظ آثار تاریخی اگرچه بار اول در ۱۲۹۷ هیعنی ۱۹۱۹ سال قبل تاسیس شده لیکن شاهان با ذوق افغانستان با سلیقه شاهانه خویش قفل از این تاریخ کولکسیون های بزرگ شخصی داشتند که هر کدام اهمیت یک موزه را حاصل بود چنانچه «میخ زین ها» و «صد وق خانه های جنسی» بزرگ سلطنتی از موزه گران بها تر و چیزهای نادر و نعمت دار درا بجا پیدا میشد. و طور یکه ذیلاً خواهیم دید شالوده اساسی موزه فعلی کابل ما را همین کولکسیون های شخصی و آثار صندوق خانه های جنسی قدیم آنها تشکیل داده است.

موزه فرار یکه بالا ذکر کردیم رسماً بار اول در سال ۱۲۹۷-ش تاسیس و عمارت اویله آن عمارت تاریخی «باغ بالا» بود که به سه کیلو متری غرب کابل بالای تپه در میان تا کستان فشنگی ۹ برجه افتاده و تعمیر آن یادگار عصر سلطنت اعلیحضرت امیر عبدالحنون خان صریح است. موزه در بد و تاسیس خود صربوط به «شاه آفاسی» حضور یاد شاه بوده و اولین مرحله مدیریت آن به جناب غلام محی الدین خان مدیر فعلی موزه و جشن سپرده شده بود و آثار اویله آن را عموماً کولکسیون های شخصی شاهان افغان و محتویات صندوق خانه های جنسی تشکیل میداد.

سالنامه «کابل»

یعنی آنچه در موزه دیده میشد تا مأ کتب قلمی، زره و خود و اسلحه و البسه ملی شاهان و اقوام غیور افغان، زر دوزی ها، خامک دوزی ها مبل و ائمه الیت، علم های جهاد، صندوق های عاج و چوبی مبت شده بساط های شطرنج، نمونه های خطی، طروف و مسکوکات وغیره ازین قبیل چیزها بود. موزه در سال ۱۲۹۹ از دائزه شاه افاسی شاه منفك و به وزارت معارف مربوط گردید چنانچه مازنده تشکیلات سائر ممالک تاحال بوز ارت معارف مربوط است.

در سال ۱۳۰۰ هـ-ش مطابق ۱۹۲۱ میلادی پس از نشکن امتیاز حفریات به هیئت علمی فرانسه داده شد وضعیت محتويات موزه کابل تغیر کرد زیرا فراریکه بعد ها مفصلان خواهیم دید از آن تاریخ بعد در انگلستان های علمی که شده رفت آثار گران بهایی از سینه خاک بیرون آمد طوریکه امروز یک حصه بزرگ اهمیت موزه مابه آن منسوب است.

در ۱۳۰۳ موزه کابل از (باغ بالا) تغیر محل داده و به نفس کابل در داخل ارگ شاهی در عمارت فشنگ و تاریخی دیگر که وجود آن از لحاظ ظرافت منحصر به فرد است و معمولاً (سرآچه) یا (کوتی باغچه) خوانده میشود انتقال یافت - موزه شش سال جیات خود را درینجا گذرانیده این زمانی بود که تازه سروصورت آن فشنگ شده بود زیرا بخلاف اینکه آثار اسلامی و ملی آن بیشتر شده بود در انگلستان هده و بگرام و نتیجه فوق العاده که از نقطه اول الد کر بدست آمد قسمت آثار قبل اسلام آن هم یک دفعه دوبا لاشد زیرا بلا انتظار و تصور، طوریکه موسیو گودار میگوید (یک موزه آثار صنعت گریک و بودیک) مکشوف شد - وزاران بحسمه گک های فشنگ چونه ئی، سنگی ولوایح مهم تاریخی دیگر به

موزه کتاب

موزه افزوده شد . اگرچه بواسطه عدم وقت ترتیبات اصولی آثار جدید فوق علمای نشده بود معاذالک موزه کتاب درین وقت بلامبالغه یکی از غنی ترین و مهم ترین موزه های مشرق حساب میشد . انقلاب ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ صوریکه اکثر سراکن علمی ، مکاتب - لا برآتوارها « کیمیا خانه » - کتابخانه های مای و شخصی واکنش عمارت تاریخی مارا به آتش خود سوخت موزه ماراهم امان نداد و چون این موسسه در داخل ارگ که سلطنتی بود پیشتر مورد حمله قرار گرفت و درنتیجه آثار گران بهای آن بدست های از خود ویگانه افتاده و آخر کار به جاهای بازار ناگشته رفت . بعد از زلزله گارشیاه انقلاب خوشبختانه وضعیت بحران انگیز موزه مابعد از تلفات زیاد خاتمه یافته و باصر اصلاحات سلطنت اعلیحضرت محمد نادر شاه فقید رحمت الله علیه جراحات دل پاره پاره این موسسه تاریخی هم رو به التیام گذاشت چون محل موزه در داخل ارگ سلطنتی مناسب نداشت و از طرف جای آنهم بسیار خورد بود در اوایل ۱۳۰۹ یکی از بزرگترین عمارت جدید دارالفنون به شش کیلومتری جنوب غرب کابل انتقال یافت این عمارت اساساً خباری برای موزه موزون است چهار حیث داشتن مدخل بزرگ ، محوطه زیم دایره ، دهایز های طولانی ، زینه های پربر و عریض ، اطاق های وسیع و روشن ، طبقات متعدد به مقننهای این موسسه موافق است و بینته را حقاً زیرثانیر میگیرد .

برای جبران تلفات واردہ یس ازینکه وزارت معارف مجددآ تاسیس شد از طرف حکومت یول هنگفتی برای موزه هم اختصاص داده شد تا در دایرۀ امکان از آثار قدیم آن واشبای جدید خریداری شود چنانچه در میان کتب و آثار اسلامی بعضی چیزهای قدیم کبدست آمده دوباره خریداری شده است . از یول هنگفتی که فعلاً درین سالهای اخیر ، مخصوصاً در سال چاری در بودجه وزارت معارف

سالنامه « کابل »

برای موزه اختصاص داده شده بخوبی معلوم میشود که حکومت فعلی ما در حفظ آثار و افتخار رات ملی چهدر موزه و چه در حافظه اینه تاریخی اهمیت فوق العاده میدهد وعلاوه بودجه مخصوص موزه در نگهداری عمرانات باعظمت گذشتہما از ذکر کمک های مادی و معنوی هم خود دارای نیکند چنانچه درین چند سال خارج از بست وزارت معارف در من کزو ولايات مملکت مقبره شاعر و حکیم بزرگوار مشرق « سنائی » غزنی و آثار باعظمت با میان و مقبره شاهزاده افغان احمد شاه بابا و مبرووس بابای هو تکی زعیم بزرگ ملی و مزار متبرک خصوت تمیم ، مقبره پاپ شاه ، شهر تاریخی بلخ ، بالاحصار کابل ، مزار شاه دوشمشیره و سیار عمارت تاریخی دیگر ترمیم آباد شده و روی هم رفته علافه حکومت متبع مارا در حفظ شئون افخارات ملی ارائه میکند .

روی هم رفته پولی که در ۱۳۱۵ برای موزه در بودجه وزارت معارف منظوری یافته است مبلغ زیاد و معنایه است که برای اداره فعلیه موزیم کابل کافی شمرده میشود .

㊣

㊣ ㊣

موزه کابل با تمام تحولات که درین عمر ۴۰ ساله حیات رسمی خود دیده و تلفات وارد و باز اصلاحات و ترمیماتی که در آن بعمل آمد بصورت جمیعی از نظر هصری که اشیابدآن تدقیق دارند به دو حصة تقسیم میشوند : یکی حصه ویا آثار اسلامی و دیگر حصه ویا آثار قبل اسلام . ۱ گرجه عمارت دو منزله موزه ماده زمینه خوبی برای جدائی آثار این دو عصر فراهم کرده و بصورت عمومی تاجرانی این منظور مراعات هم شده چنانچه آثار عصر اسلامی در منزل فو قانی و آثار عصر قبل اسلام در منزل تختانی میباشد .

آثار عصر اسلامی

آثار اسلامی موزه کابل که عموماً در ابتداء شالوده این موسسه را تشکیل میداد و تا چند سال اولی غیر از آن چیز دیگر در موزه نبود عموماً عبارت است از : - قرآن های شریف فلامی بخط کوفی و صربی ، کتب قلمی و میناتوری - اسلحه والبسه شاهان و اقوام مختلف افغان ، نمو نهای خطي ، ظرف مسی عصر تعلی غزنی و غور ، خامک دوزی و سوزن دوزی ، آثار تقاشی غزنی ، ظرف و اشیای سنگی قند هاری و غیره غیره - این طور داشا چون قبل از انقلاب در موزه وجود داشت و چشم متهاجین هم به اهمیت آنها اشتباود بیشتر صده کشیده و تلفات داده معاذ الله آنچه موجود است معروف ترین آن بصورت خلس قرار آتی است : -
در منزل بالا در احراق تبرکات اشیای مقدمه

نمره ۸۳/۱ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا عثمان رضی اللہ تعالیٰ عنہ
نمره ۸۴/۲ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت سیدنا علی کرم اللہ وجہ

نمره ۸۵/۳ : بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت امام حسن رضی
نمره ۸۶/۴ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط عربی در پرده دل آهو.
نمره ۸۷/۵ : - بعضی آیات قرآن کریم بخط کوفی بقلم حضرت علی رض

﴿ تصاویر آثار مهم موزه کابل در سالنامه های گذشته درج شده بنابران از تکرار آن صرف نظر نموده تنها درج تصاویر تقسیمات داخلی موزه و حاضر مخصوصه هر دسته اشیاء اکتفاء گردید .

سالنامه « کتاب بل »

نمره ۹۰ : - سه چلد فرآن شریف بزرگ که از روی قران خط گرفته شده .
حضرت عثمان رضی الله تعالى عنه عکس گرفته شده .

نمره ۹۱ : - قران مجید مترجم رسم الخط کوفی کتا غذ نباتی خا بنالغ ازاول سوره شعرا و ترجمه آن بخط نسخ عربی که از نواحی خرابه های شهر غلله باعیان در ۱۳۳۴ هجری قمری بیداشده .

نمره ۹۹ : - عکس نامه حضرت سرور کائنات بنام مقوقس مصری .
نمره ۹۶ : - عکس نامه حضرت یغمبر ما محمد مصطفی صلی الله علیه و آله اسلام عنوان مند ز بن ساوی ملک بحرین بخط کوفی .

کتب معتبر قلمی کتابخانه موزه (مزد بالا) :

هدفه کتاب در یک و قایه :

این هفده کتاب عبارت است از آثار شاعر نامی بزرگ ، مولانا جامی - نظامی گنجوی - امیر خسرو دھلوی و اسمای آن قرار آتی است : هفت ادونگ جامی (سلسلة الذهب) - سلامان و ابسال - تحفة الاحرار - وسیحة البرار - یوسف زلیخا - لیلی مجنوون - خرد نامه اسکندری) خمسه نظامی (خزن البرار - خسرو شیرین - لیلی مجنوون - هفت پیکر - سکندر نامه) خمسه امیر خسرو دھلوی (مطلع الانوار - خسرو شیرین - لیلی و مجنوون - هشت بهشت - آئینه اسکندری) این مجموعه نفیس تماماً مصور ومطلاً است و کتابت آن در ۸۹۹ ه تمام شده است .

منتوی مولوی :

اُم مولانا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین بلخی است که در ۶۷۲ وفات نموده اند . این کتاب گران بهای شامل شش دفتر - هفت دیباچه و شش فهرست و یک مقدمه است .

موزه کابل

دیوان بیدل :

خط نستعلیق و مجدول به آب طلا در قریه (غجد وان بخارا) در سنه ۱۲۷۸ ه نوشته شده ، واز طرف سید عالم خان امیر بخارا بحضور پادشاه افغانستان امیر حبیب الله خان شهید بصورت هدیه نقدم شده است ،

دیوان خواجه حافظ :

تصور و مجدول به آب طلا - خطاط و مصو ر آن محمد محسن نام دارد و در ۹۰۷ ه بنام سلطان حسین میرزا پادشاه هرات نوشته شده است .

بهرستان جامی :

در سال ۸۶۲ تالیف و در ۹۸۳ هجری بقلم علی رضا نام تحریر شده .
بوستان شیخ سعدی :

به خط میر عمام الحسینی در ۱۰۱۳ ه تحریر شده است .

عین الایمان :

جتناب سعد الدین صاحب پای مزاری متصرف قرن ۱۳ هجری بقلم خودشان .
بوستان سعدی :

مذهب و مجدول بخط علی الحسینی که در ۵۹۲۱ ه تحریر آن تمام شده است .
تاریخ سلطان ابوسعید بهادر خان :

که یکی از پادشاهان قرن ۸ هجری افغانستان است و در ۹۸۱ بقلم عبد الحمید نام نوشته شده .

یوسف زلیخاء :

ناطم هروی بخط شسکت ترکستان .

حمام بندی شیخ سعدی :

به خط نستعلیق خطاط معروف میر عطا محمد شاه آقای قند هاری متوفی در سنه ۱۳۴۱ هجری .

حالت مه « کابل »

کتاب غزیات سعدی :

بغضط میر محمد بن علی که در ۱۰۱۲ هجری و در ۱۳۰۷ از طرف امیر
پخارا بحضور امیر حبیب الله خان شهید یاد شاه افغانستان تقدیم شده .

مینا تور و نو نه های خطی :

اگرچه در میان کتب فوق الذکر بسیاری مصود و حائز مینا تور میباشدند
علاوه بر آن در منزل تختانی دهابیز طرف راست یک اطااق
برای آن مخصوص صشده و بر علاوه به دو طرفه زینه که به منزل فرقانی
میروند هم در میان چوکات هایک عده مینا نورها مشاهده میشود . بد بختا نه
ازین قسمت ، موزه کابل پیشتر در انقلاب تلفات داده و مخصوصاً آثار گران
بهای بہزاد هروی کتاب شده . فعلآً آنچه در اطااق مخصوص و سر زینه دیده
میشود اثر خامه سائز استادان هراتی - کتابی وطن و بعضی هم سبک هندی
و پخارائی و معروفترین آن قرار آنی است :-

نمره ۵۹ فصله مینا تور حالات حضرت یوسف علیه السلام وزیخا و عن بزمصر .
مجلس امیر تیمور کور گان با وزرا و ارا کین دو لتش .

شیوه میر علی هروی متوفی در ۸۶۶ هجری .

شیوه ملا دو فیضه عالم معروف قرن ۱۱ هجری .

سواری شاه جهان بر فیل .

شیوه اکبر شاه ثانی وغیره غیره که در اینجا تذکار آن بطول میانجامد .
از جمله نو نه های خطی معروفترین آن قرار آنی است که در دیوار
سمت راست محوطه نیم دایره دم مدخل موزه نصب است :-

موزه کابل

نمره ۴۹ رسم الخط میر علی هروی - نمره ۴۶ قطعه خط عبد الرحمن الحسینی -
نمره ۵۱ قطعه خط حسن شاپلو - نمره ۱۵۰ قطعه خط (کلمه شهادت) بقلم
جلی سید عطا محمد شاد قندھاری خطاط معروف عصر سراجیه وغیره وغیره .

ظروف و اشیای فلزی غزنوی و غورات :

غزنی با یاخته زیبای سلطان محمود که در عالم اسلام در زمان ترقی و شکوه خود با پنداش یاخته خلافی اسلامی همسری میگرد بعلاوه میبارهها و آبدات، مزارات و لوانچی که امروز در شهر قدیم آن مشاهده میشود آثار گران بهائی از آن مدینت مشعشع در دل خاک ینهان است چنانچه با وجودیکه هنوز حفريات علمی در آنجانشده ساکنین محلی همیشه حین خاک کشی و کشت و کار شواهدی دیده و آثاری یافته اند. خوشبختانه آثاریکه از غزنی تاحال بیدا شده و میشود اکثر آنقدری است و باین مناسبت در مقابل گزند زمان واثرات ته زمین خوبتر مقاومت توانسته اند. همچوین غورات که در مدینت اسلامی همسر غزنی است ازین قبیل آثار زیاد دارد که مشت نمونه خرووار چند ظرفی تاحال به موزه کابل رسیده است. آنها که ارغن غزنی و غورات بدست آمد در دهليز طبقه اول موزه روی میزهای آئینه دار گذاشته شده و مهترین آن فرار آتنی است .

میز اول دهليز طرف راست :

نمره ۶۳ لکت : پنهان ترازوی برنجی : در وسط آن در میان ۱۲ دائرة کوچک اشكال بروج قمری و در حاشیه آن مضمونی بخط کوفی مرقوم است .

نمره ۲۸ لکت : چراغ برنجی که از غورات بدست آمد .

نمره ۶۷ لکت : چراغ کوچک دستی دسته دار تیل دانی نما که ۲ نیم انچ بلندی دارد واز خود بیدا شده و اثر کار اوائل قرن ۶ هجری مینباشد .

سالنامه « کابل »

نمره ۱۱۵ : پایه چراغ بلند بر نجی آثار قرن ۴ هجری غزنوی .
نمره ۶۶ ک ت : چراغ دستی ، دسته و پایه آن شکسته . خط کو فی هم
دارد و از غزنی پیدا شده .

میز دوم :

نمره ۶۵ ک ت : کرائی بزرگ . قطر دائرة آن ۳۷ سانتیمتر بلندی ۱۸
ونیم سانتیمتر : در قسمت داخلی درته آن مانند پله را زوی فوق الذکر اشکال
بروج فمری و در حاشیه داخلی مضمون ذیل به رسم الخط کو فی تحریر است :
(البر کة والبضاعة والثروة والسعادة والمعظمة والسلامة والنصرة والندرة
والنعمۃ والثمرة) - در قسمت خارجی دریشت کرائی هم مضمونی به رسم الخط
کو فی قش بوده ولی خوب خوا نده نمیشود . ابن طرف از غزنی پیدا شده
وکار قرن ۴ هجری است .
پطروس منقش و بر نجی که در حاشیه آن جزی بخط لا تین قدیم تحریر است
واز غزنی پیدا شده .

دو قاب نظیر هم ، کار قرن ۴ - ۵ هجری - در وسط تصویر شیر و در
حاشیه آن این مضمون بخط کو فی نوشته است : (بالین والبر کة والدولة
والسلامة والسعادة وتسود الکرامۃ) .

قب ۱۶ رخ بر نجی اثر کار قرن ۵ هجری - در وسط (بالعافیه)
نوشته است .

جام مسی : ر باعی در حاشیه خارجی آن بفارسی نوشته است که سه مرصع
آن بخوبی خوانده میشود :

موزه کابل

در سر هو س چو جام داری
بلا له ر خان ارغوانی
ایام گل است و مهر بانی

این جام اثر دست مسکران هرات است و چندان قدیم معلوم نمیشود .
نمره ۶۰/۲۵۴ : - یارچه سنگ رخام : تکه قسمت فوقانی گلدسته ایست که بهردو طرف ان هنوز کلمه (الله) خوانده میشود . تنها یارچه سنگی است که بنای باشکوه وزیبای (قصیر فیروزه) غزنی را نمایند گی میکند .
میز های سمت چپ دهليز :

نمره ۸۰ لک ت : سماوار برنجی ارتفاع ۲۸ سانتیمتر و عرض ۱۸ سانتیمتر .
در سال ۳۶۶ هجری مطابق ۹۴۷ عیسوی در غزنی ساخته شده و در حصة
فو قانی در سر پوش خود نوشته کوفی دارد .

نمره ۶۵ لک ت : دو سماوار بی دود رو برنجو سیاه شده کدر ۱۳۱۲ از
شهر غزنی ییدا شده و در حاشیه سر پوش خود نوشته کوفی دارد .

از اقسام ظروف بعلاوه چیز هایی که از غزنی و غورات ییدا شده از سائر
جاها هم بعضی تکه ها در موزه موجود است مانند بعضی سماوار های بلخی بدخشی
و بعضی جام ها و ظروف دیگر که حین تسطیع سرک شکاری کشف شده است .
اسلحة :

موزه کا بل برای حفظ اسلحه که صنعت آن در هملکت ما بر طبق
روحیات ملی همیشه ترقی شایانی داشته اطاق خلی بزرگی در منزل فو قانی
موزه تخصیص داده . درین اطاق از ازمنه فرون وسطی گرفته تا حال زده -
خود - تبر و کمان - شمشیر - کرج - تلوار - خنجر - سیلاوه - سپر - علم های
جهاد - قفینگ های مختلف که از حيث وزن نسل معاصر آنرا برداشته نمیتواند

سالنامه «کابل»

باترتیب وسلیقهٔ خصوصی چیده شده که بر بینته حتماً جذبه تولید میکند و در میان آن یادگارهای خوبی از شاهان سیاهی منش و عساکر و دلاوران ملی افغان موجود است و بعضی را درینجا بطور خلاصه یادهای میکنیم:

سینه بند و خود برنجی اعلیحضرت امیر شیرعلیخان مرحوم: خود مذکور در مقابل دو طرف خود سه عدد نشان دارد و اشکال آن عبارت از روی شیر است که موهای گردن آن مثل خوشة گندم در اطراف حلقه بسته.

فهی بیرق امیر دوست محمد خان مرحوم: که به دو طرف خود نوشته دارد و سنه ۱۲۷۴ هجری است. طرف راست «یاحیٰ یاقیوم - من صبر ظفر

نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین سلام قولًا من رب الرحيم»

طرف چپ «بسم الله خير الاسماء - يفتح ، أنا فتحنا يپشاوا -

نصر من الداڑز فقا - سالم رود نافع يبا - والله خيرا حافظا .

نمره ۳۸ / ۴۰ ییش فبغ امیر کبیر امیر دوست محمد خان مرحوم .

نمره ۳۶ / ۳۴ شمشیر امیر شیرعلیخان مرحوم .

نمره ۳۵ / ۴۲ خنجر وزیر اکبرخان غازی .

نمره ۳۷ / ۴۴ شمشیر امیر عبد الرحمن خان فاتح کافرستان

نمره ۴۷ / ۴۱ تقنگچه امیر عبد الرحمن خان مرحوم .

نمره ۷۹ / ۸۸ بیرق نظامی عصر امیر عبدالرحمن خان مرحوم . بارچه

آن سبز و سرخ و در وسط آن دایره پارچه سفیدی است که در وسطش محراب و منبر و اطراف آن در دایره دوم «بیرق افواج نظام دولت افغانستان» تحریر است .

مانورین شعبه عیشه شناسی که در حفريات اخیره با هیئت فرانسوی همراه بوده اند
Les membres afghan de la mission archéologique qui ont dernièrement
dirigé des fouilles pratiquées au Seistan et au Koundouz.



س، محمد عمر بن خان رسماً و
س، غلام محی الدین گنان مد رموزه
س، محمد اسلم خان عضو اداره
عضو اداره حفريات



اطاق آثار هده در موزه کابل
Musée de Kaboul : La salle de Haḍḍa

نمره ۸۱ / ۹۰ علم سیاه عسکری یا گار مقدس جنگ استقلال در محاذا
وزیرستان وفتح «تل»

نمره ۲۱ / ۳۴ : ۵ عدد برق های ملی اقوام افغان و یادگار کامیابی های
دلاورانه هموطنان ما در جنگ ۱۲۹۸ ه «میوند» - متن یارچه های این
علم ها آبی، حاشیه آن سفید و در وسط متن آبی دایره سفید دیده میشود -
نوشته ندارد .

علاوه بر اشیای فوق بصورت متفرق طوپ های قدیمه - تفنگ های
طلاء کوب شده - زره - سپر - خود - بازود دانی ها وغیره چیز های
متفرق زیاد است

اشیای سنگی قند هار :

قند هاری ها همان طور یکی که در میان اهالی وطن ما به نظافت و خوشگذرانی
و سلیقه در تزیینات البسه ملی معروف اند در صنایع ظرف هم شهرتی دارند
چنانچه خامک دوزی - زر دوزی - حیچاری ظرف سنگی و اشیای لطیف و
قشنگ شاه مقصودی - ظروف مسی آن شهر ذیبا از تمام مملکت ما شهرت
یسزا دارد - اگرچه بد بختانه موزه کابل در تعب مختلف فوق الذکر عجالتاً
آقدار اشیا ندارد که بصورت کامل مقام ذوق صنعتی اهالی قند هار را نشان
داده بتواند زیرا برای این مطلب یک مطلب یک موزه مستقل ضرور است که بتازگی در قند هار تاسیس
شده معاذالک بعضی آثاری که اکثر آن سنگی است برای ارائه ذوق صنعتی اهالی قند هار
موجود است از آنجمله دو تخته دروازه مرمری است که یکی از استادان
اخیر قند هار محمد حسن نام در ۱۳۰۰ هجری قمری ساخته و کمال مهارت
چکش و قلم اورا ثابت میکند . غیر ازین سائر اشیای سنگی که در دهليز

سالنامه «کابل»

قسمت فوقانی عمارت موزه گذاشته شده عبارت از کاسه‌ها - جام‌ها - غوری هله بشقاب‌ها - سگرت دانی‌ها - گلدانی‌های سنگی یشم است که بدون نقوش و نگار بصورت خیلی ساده ساخته شده و از حیث شکل و اندام و نازکی جدار و شفافی خبلی قابل تمجید است. در میان اشیای سنگی قند هار نکه مهی که باید ذکر گردد و بعقیده بنده در میان اشیای عصر اسلامی موزه کابل خبلی مهم است یاک دیگر بزرگتر که سنگی است که فرار احتمال بیش از عصر اسلام هم بصورت ساده موجود بوده و در عصر اسلامی در صفحات داخلی و خارجی آن شرح مبسوطی بدان عربی نوشته اند و اطراف لبه خارجی آن را به ۲۴ ضلع تقسیم نموده اند. از ترجمه مضامین عربی آن تاجی که خوانده شده معلوم می‌شود که این دیگر بزرگتر بکلام مدرسہ قند هار وقف شده است. از خامک دوزی - زرد دوزی - چکن دوزی - سوزنی وغیره کارهای دوخت که در قند هار و تمام افغانستان مرسو و هر قبیله و نقطه افغانستان اختصاصات متایزی دارند چیز زیاد در موزه نیست جز چند پارچه مخدودی که در یک اطاق مخصوص در منزل فوقانی گذاشته شده و عبارت است از : - نمره ۲۰۹ ابر یشم دوزی اهالی وردک - نمره ۲۱۱ ابر یشم دوزی اهالی هرات کا اصلاح پارچه بیراهن زنانه بوده و آنرا بطنوس یوش ساخته اند. نمره ۲۰۸ اصنعت چکن دوزی بلخ - نمره ۲۰۸ سوزن دوزی اهالی میدان بالای پارچه پنبه‌ئی سفید به ابر یشم سرخ و آبی وزرد کار شده - نمره ۱۳۹ کمر بند و دو کیسه یول سوزن کاری اهالی غزنی نمره ۱۱۰ ابر یشم کاری اهالی وردک. نمره ۲۰۷ پارچه بقدر ۲ سانتی‌متر سریم که از تیه سنجان در ۱۳۱۲ عدد کشف مسکوکات طلای شاهان گو شانی پیدا شده و از پیش آن چندین عدد

موزه کابل

بود که در میان هر دو سکه یکدane ازان گذاشته شده بوده و مربوط به عصر قبل اسلام است.

باقی اگرچه درین مورد چیزهای دیگر گفتنی زیاد است، بواسطه ضيق صفحات این مقاله ازان صرف نظر نموده به ذکر بعضی آثار شق دوم موزه یعنی اشیای عصر قبل اسلام می پردازیم:

آثار عصر قبل اسلام

آثار عصر قبل اسلام که در موزه کابل بعد از انقلاب روبه کشت گذاشته و امروز قسمت بزرگی منزل تختانی موزه را اشغال نموده از سالهای اخیر زمان قبل از انقلاب هم به تعداد زیاد وجود داشت زیرا بیش از بیان ۱۳۰۷-۱۳۰۸ هم چند جانی مثل هده - بگرام - یاتناوه - حفریات شده و آثار فوق العاده زیاد خصوصاً از هده و بگرام بدست آمده بود چنانچه تعداد آثار هده از صد ها گذاشته به هزار ها رسیده بود، از میان آثار نقاط فوق الذکر چین افتاب آثار هده بیشتر تلفات داده و صدمه کشیده زیرا چون آثار این جا عموماً چونه ئی وزو دشکن بوده نسبت به آثار سنگی بگرام و یا یاتاوه در اثر صدمات واردہ زود تر شکسته است ولی چون تعداد آن زیاد بود باوجود تلفات هنوز نسبت به آثار و شواهد تاریخی تمام نقاط افغانستان اشیای مکشو فه هده بیشتر است و سه دالان بزرگ را در منزل تختانی موزه در دهليز سمت چپ اشغال نموده است.

بعد از انقلاب چون دامنه حفریات دوباره انبساط یافت ویک رشته کاوش های علمی در باطن - نقاط اطراف کابل مثل تپه منجان - کوتل خبر خانه

مائنامه « کابل »

تپه خزینه - نجراب - لوگر - غوربند وغیره نقاط وطن بعمل آمده نتایج آن ذخیره آثار قبل اسلام موزه را خوبی وسعت داد . روی هم رفته آثار عصر قبل اسلام که اصر و ز در منزل تختاتی موزه چندین اطاق را اشغال نموده وعامل شهرت موزه کابل در نظر مد قبین خارجی میباشد بلا استثنای از هر نقطه افغانستان که بدرست آمده باشد تا حال فقط محدود به یک دوره ممینی است که از حوالی فرن اول مسیح الی فرن ۸ را در بر میگرد و از نقطه نظر دیانت و مدنیت تمام آن به استثنای هبکل های چو بی نورستان که از آنها آنبا بحث خواهیم نمود و بعضی مجسمه گلک های کوچک گل پنجه که از شهر با نو و خلم قدیم حوالی تاشقرا غان فعلی بدرست آمده منوط به دیانت بوده ای است که مدت هشت صد-ال درین سر زمین رواج داشت زیرا حفریات فضای تا حال در همین دوره مدنیت شده و آثار هم از همین دوره معین تا حال در موزه جمع شده است .

(ناگفته نماند که حفریات در دوره های مدنیت قدیم تر افغانستان تازه شروع شده و شواهدی که از ناد علی و سایر نقاط سیستان افغانی بدرست آمده عجالتاً تا ۴ هزار سال قبل از مسیح میرسد ، لیکن تا حال هنوز پوره مطالعه نشده و به این لحظ در موزه محفوظ و طرف نمایش هم قرار داده نشده است) . پس اگر خواسته باشیم که فهرست مکمل اشیای موجوده عصر قبل اسلام افغانستان را درین مختصر مختص نام ببریم امکان ندارد زیرا از گنجایش این مقاله بمراتب بلند تر است لذا با اختصار لازمه و با صراحت تاریخ حفریات ، آثار بر جسته نقاط مختلف افغانستان را که فعلاً در موزه کابل موجود است ذیلاً بیان مبکتیم :

آثار هده :

هده که به ۸ کلو متری جنوب شهر فعلی جلال آباد واقع و حفر یات آن در سال ۱۳۰۲ به اینمای «موسیو فوشه» رئیس هیئت حفريات فرانسه ذریعه «موسیو گودار» شروع و «موسیو برتو» آثار ادامه داد، از نقطه نظر مواد دودسته آثار داده است : گچی و سنگی . چون کیار گچ سهل تر و قابل گیری هم دست هیکل تراشان را سبک تر ساخته است نسبت به آثار سنگی اشیای گچی خیلی متعدد و فشنگک تر اند . آثار هده مخلوط با اشیای تکرا م و یا تناوه طور یکه پیشتر تقدیم در دهلهی سمت چپ موزه در سه اطاق چدیده شده که دوی آن مهرمتر است . اگرچه ما در دنیا نظر داشتم که در اینجا بصورت مختصر آثار بر جسته هر اطاق را علیحده ذکر کنیم ولی چون ترتیب فعلی یک حال نمی ماند از ذکر جای اشیائیکه چندان اهمیت هم ندارد صرف نظر نموده با تند کردن نمایه هر پارچه بعضاً لغات آن می بردازیم :

(۱) آثار گچی :

نموده ۲۰۹ پارچه مکعب سنگی گچ - طول ضلع آن ۳۰ سانتیمتر و ارتفاع آن ۲۴ سانتیمتر : این پارچه پیچهای رطری خود قرار ذیل چهار صحنه دارد

(۱) بودا در حال رام کردن فبل -

(۲) بودا زیر درخت «بودهی» -

(۳) بودا و طفلى که پیشگویی کرده میگوید که امیرا طور آشو کا سخواهی شد و بودا به او مشت خاکی مبدهد -

(۴) برمها - اندرا - و بودا

سالنامه « سابل »

نمره ۷۴۴ : مجسمه بزرگ بودا به ارتفاع یک متر و ۲۱ سانتی دریلان راهی .

نمره ۷۴۶ : مجسمه بودا که روی نخت نشسته وبا انگشتان حرکت مراقبه را ادا میکند

نمره ۲۱۴ : صحنه که مطابق افسانه های بودائی ، بودا غول آدم خوار را از خوردن اطفال کوچک منع میکند

نمره ۳۲ : صحنه که بودا از اسب خود خدا حافظی میگیرد .

نمره ۲۵۳ : صحنه که چهارنفر تحقق دهنده گان را که دوی آن حامل گل اندو بصورت نیم تنه زیر کانی که بشکل نعل اسب است نمایش یافته اند نشان میدهد .

نمره ۲۸۹ : صحنه که رب النوع ژروت را نمایش میدهد و بدست چیش نیزه مینمایشد .

نمره ۲۶۱ : رب النوع ژروت شاخ فراوانی که علامه آنس در دست چپ گرفته ، طرف راستش یک رساله نی و طرف چیش باک سر بازیباده استاده و در قسمت تھنانی صحنه دوشخص مشغول خالی کردن کیسه های یول مینمایند .

نمره ۲۳۶ : سرباز - سر واهایش وجود ندارد خنجر عرض و کوتاه بکمر آوینه است .

(۲) آثار سنگی :

نمره ۴ : صحنه تقسیمات خاکستر بودا بعداز وفاتش - یکی از ناینده گان .

فایل بالای شترسوار با جعبه که حایز خاکستر است به ملک خود مراجعت میکند .

نمره ۴۳ : صحنه که رفقن بودا را نزد یک زاهد برهمنی وقصه پت شدن مار اورا در آچکول بودا نشان میدهد .

موزه کتاب بل

نمره ۳ صحنه که طفلى بودا و مراجعت او را از باع تولديش به شهرشاهی (آنایي لاوستي) نشان ميد هد .

نمره ۲۰۲ صحنه که يك نفر تحفه دهنده کوشاني را نمايش ميدهد .

نمره ۸ : صحنه که « pancika یانسي کا » رب النوع ژوت را با کيسه پول و يك نيزه ارائه ميکند .

نمره ۸۴ : صحنه ملاقات يك شهزاده با يك فر بر همن ،

نمره ۵۱ : صحنه نفاق بودا در محضر شبان ها .

نمره ۶۲ يك فرس راز زره پوش .

نمره ۱ : صحنه جشنگ از امامي .

نمره ۱۰۵ : دوزاهد بر همني به دست چپ خويش ظروف آب را گرفته اند وزير حيري که از شاخهای درخت تشکيل شده استاده اند .

نمره ۴۰ صحنه افسانه که پسرعم بودا يابي را کشته و برای آزار دادن بودا هش او را در شهر اندخه است تا گنده شود و بوی بدید . بودا آنرا از بالاي ديوار شهر بیرون می اندازد .

علاوه بر صحنه های فوق الذكر در اطاق نمره دوم آثار هده به تعداد چندین صد سرهای خورد و بزرگ موجود است چنانچه ۱۲ الماري اطراف ديوارها و يك الماري بزرگ ۶ رخ و سط اطاق داملو ساخته . از ميان سرهای آنچه بشتر قابل تقدیر است سر نمره ۲۱ و نمره ۱۷۰ است که رویه طرح موی آنها سبك جعد موی مجسمه های لطيف یوناني را ارائه ميکند و برای مقایسه موسیوها کن عکس سرا سکندر

برترش موزیم «لندن را پهلوی آن نصب نموده . چون سرهای مجسمه بواسطه فاز کی گردن از بدن زود جدا میشود و باز براسطه پری کاسه سرزیاد دوام میکند فسبت به بدن تعداد آنها در موزه بیشتر است و اگرچه امروز بدن های آنها نیست از روی طرح موی واشکال گوش و سایر اختصاصات سیما بخوبی فهمیده میشود که قلان سرمتعلق به کدام نوع شخص است چنانچه اگر کسی در اختصاصات صوری اشخاص صحته های بودائی معرفت داشته باشد ملاحظه میکند که در میان سرهای اطاق دوم آثارهده از بودا گرفته تا «بودیس انوا» و راهب و شیطان و سر باز و روحانی و غیر روحانی و موسیقه نواز و گدا وغیره غیره همه موجود اند .

آثار پایتاوه و بگرام :

پایتاوه و بگرام بسمت شمال کابل اولی بفاصله ده کیلومتری جنوب شرق و دومی به ۸ کیلومتری شرق (چاریکار) افتاده است آثاریکه ازین دو نقطه جلگه فشنگ وزرخیز کایسا بدست آمده همه سنگی و در میان آنها یکنون مجسمه بودا که از شانه هایش آتش واز کف های بیش آب می براید عمومیت دارد و معلوم میشود که این بودا در کایساشهر خصوصی داشته چنانچه هیکل نمره ۲۰۰ و نمره ۱۹۶ آ را ارائه میکند . پارچه دیگر پایتاوه که ذکر شد در اینجا خیلی ضروری است قاعده یک صحنه است که با نمره ۲۰۵ در اطاق اول آژرهده گذاشته شده . این لوحة صحنه تاریخی را نشان میدهد که داخل شدن آشانی ها را در دیانت بودائی ارائه میکند چنانچه در اطراف «بودیس انوا» (میترا) دو سه قر کوشانی به لباس ملی و موزه های نمای تھایف در دست معلوم میشوند

برای تفصیل این صحنه و مجسمه های فوق الد کر پایتahu در شماره ۲۳ مجله کابل به مقاله (هیکل تراشی یونان و بودائی در کایپسا) بقلم موسیو ها کن و ترجمه نگارنده مراجعه شود .

بعضی آثار مهم دیگر این دو مقام که در موزه کابل موجودند فرار آف است :

نمره ۲۲۹ لوحة بزرگی که چندین صحنه مختلف زندگانی بودارا نشان میدهد مانند صحنه تولدی - صحنه پیشگوئی یکنفر ساحر که فرار آن بودا پادشاه بزرگ خواهد شد ، صحنه تهبة سفر بودا از خانه پدریش ، ترک دنیا از گفت او دریک باغ و غیره .

نمره ۱۹۷ : نمایش کدام زن بوضعیت ملکه (مایا) مادر بودا .

نمره ۱۹۵ : طلقی که به « هارنی Harti » رب ال نوع ثروت چیزی تقاضیم میکند .

آثار باستانی :

بامیان که بفاصله ۲۴۵ کیلومتری شمال غرب پایتخت واقع است از نقطه نظر اهمیت آثار بودائی باداشتن مجسمه های بزرگ ۵۰ و ۳۵ متری خود چنان مقام معروف است که شهرت آن بخود ویگانه پوشیده نیست . تا سال ۱۹۲۰ میلادی باستان با شهرت جهان گیر خود در موزه کابل اثری نداشت . پس از حفريات ۱۹۳۱ و کشفیات دیگری که در دره ککرک بعمل آمد و درنتیجه تصاویری زیادی از یک معبد کشف شد ، امروز اطاق آبر و مند بزرگی

که در خور مقام تاریخی او است در موزه کابل اشغال کرده - آثار اطاق آثار بامیان اگر چه کم و پیش بقا یای ترینیتی دو سه معبد علیحده را نشان میدهد اما روی هم رفته تمام آنرا به دو دسته میتوان تقسیم نمود : - اول آثار زیر خاکی که از معبد (G) از مجاورت قریب پایی هیکل ۳۰ متری در اثر حفریات ۱۹۳۱ کشف شده عموماً عبارت از سر های کوچک گئی - چوبی است که هنوز سبک یونانی رویه استادان ماهره داران مشاهده میشود .

دوم تصاویر دیو اری رنگه که از معبد دره ککرک (۵ کیلومتری جنوب شرق بامیان) در سال مذکور کشف شده و هترین تبلوهای متفوتش است که مهارت استادانه و فریحه بلند نقاشی و رسامی هموطنان ما را در قرن ۴ و ۵ میلادی نشان میدهد ، آثاری که از معبد (G) بدست آمده در سه المانی کوچک گذاشته شده مهمترین آن فرارقی است :

نمره ۱۱۸ : سریک شخص بر قوی که نظیر آن در میان فیل افغان مازیاد دیده میشود . بروت های بزرگ افتاده او قابل ملاحظه است .

نمره ۷۴ : مناصفة مقابل بدن شیر که پاهایش بصورت غیر طبیعی طرح شده و آثار الوان در آن مشاهده میشود .

نمره ۱۲۰ : سر شیطان که موهاش بصورت زبانه شعله آتش طرح شده و به این نسبت رنگ سرخ دارد .

نمره ۱۲۱ : سر یکنفر را هب که قسمت تحتانی صورتش شکسته است .

نمره ۸۱ و نمره ۹۲ : سرهایی که با وجود مسافت بامیان از مکانی هیکل تراشی

موزه کتابخانه

هده در طرح موی، اثر نفوذ یونانی را ارائه میکند.

تصاویر رنگه دیواری در الماری های شیشه فوق العاده بزرگ مخصوص قرار گرفته است. قرار احتمال، معبد دره ککرک ۵ این تصاویر از آنجا کشف شده تا زمان و رود مسلمین یعنی اوآخر قرن ۹ میلادی آباد بوده بودا میان چون هنگامه و رود عساکر اسلام را شنیدند دیوار های منقوش معبد خود را به امید یک روز ورق کاه گل مالیدند تا چشم مسلمانان به آن نه افتد و عجالت آنرا خراب نکنند ولی به این خواب رفند و فنا شدند و معبد همان طور از ورق گل تا ۱۹۳۱ میلادی پوشیده ماند و همین واسطه شدکه بعد از یازده قرن سلامت بمارسید. این تصاویر در خود معبد در میان ۸ دایره که یکی مرکز گنبد و ۷ دیگر دیوار های اطراف را پوشانیده بود رسم شده بود چنانچه فعلاً هم تماشا کننده در مروره چنینی دایره بزرگ آنرا مشاهده میکنند. موضوع تصاویر مذکور تصورات مذهبی بوانائی بوده طوریکه در دائرة مرکزی گنبد یک «بودیس اتواء» بزرگ و ۷ دایره اطرافی اشکال متعدد بودا را متناظراً نشان مداد. آنچه از نقطه نظر تاریخی اهمیت فوق العاده دارد تصویر یکنفر پادشاه کوشانی قرن ۴ - ۵ بامیان است که از شکار توبه میکند و فعلاً در موزه با دو تصویر دیگر بودا در یک پارچه از دیوار کننده شده و محفوظ است. نتیجه تاریخی که از مطالعات دقیق آن بدست آمده این است که شاهان بامیان در ناج خود سه ماه نو طلائی و در میان هر کدام یک تابه نقری را نصب میکردند و اگر

این مواد با تاج شاهان دو سکه که از غزنی بینا شده مقایسه شود معلوم می شود که واسطه و خویشاوندی بین آخرين شاهان کوشانی قرن ۴ و ۵ کتابخانه زمین و بامیان قائم بوده . تفصیلات من بد درین مورد در اطاق بامیان بزرگ فرانسه و فارسی تحریر است و شایعین برای معلومات من بد در مقدمه که بصورت اجمال تاریخی بقلم نگارنده در تمهد کتاب بامیان طبع شده مراجعه فرمایند . علاوه بر اشیاء فوق که از دو محل معینه بامیان و نچند چیز دیگر مثل تصویر گراز جنگلی و دو مرغی که مشترک کام در نول های خود گلو بندی را گرفته اند و از سقف برندۀ سموج (D) بدست آمده بعضی نوشته های سانسکریت هم از زمین معبد (G) حین حفریات کشف شده که قرار مطالعات موسیو « سیلو ن لوی » مستشرق فقید و یکتاپی فرانسه به رسم الخط عصر اخیر (کوپتا) روی پوست نازک درخت نوشته شده فعلا در اطاق آثار بامیان میداشد . در اطاق آثار بامیان علاوه بر چیزهای محلی عکس های یک عدد تصاویر رنگی هم موجود است که تاریخ ان به حدود قرن ۸ - ۹ مسیحی یعنی بین صدی اول و سوم هجری نسبت می شود و سراور ل استین ، عنیقه شناس معروف معاصر انگلیس از مقام « تون هو نگ » آشیای مرکزی کشف نموده در بامیان این تصاویر تند کریکی آن بی مورد نیست و آن تبلوئی است که « هیوان نسنگ » زائر معروف چینی را که در ۶۳۲ (قرن اول هجرت) به زیارت مقامات افغانستان و هند آمده بود با کتابهای نایابی که حين مراجعت

موزه کابل

از مملکت ما با خود می برد نمایش میدهد.

آثار کابل :

کابل پایتخت تاریخی ما کدامان کوهستان فشنگ و پیه‌های زیبای حصار آن قبل از جله‌گه فملی محل بود و باش ساکنین آن بود در ادوار مختلف خصوص عصر بودانی کمصادف به سلطنت شاهان یونانی کابلستان و کوشانیان و پهلوانها و اسکانی‌ها میباشد در فرمت‌های متعدد حصار فشنگ خود معابد باشکوه «فعه‌های مستحکم»، میناره‌ها و عمرانات مذهبی مهم دیگر داشته. علاوه‌بر آنچه در اینجا اختصاراً در مورد کابل فملی اشاره نمودیم کابل عصر بودانی در منطقه «شیوکی» به ۸ کیلومتری جنوب شرق پایی تخت باتام معانی شهر دیگری از خود داشت چنانچه تاحال اینجا بنام «خورده کابل» یاد میشود. پس کابل و حوالی قریب و متصل آن با مقامی که درین عصر ویژت داشته حتماً آثار زیادی درسینه خود دارد چنانچه از ۱۳۱۲ با اینظرف حفریات تپه مرجان - تپه خزینه - کوتل خیرخانه نتائج زیاد داده و عجالتاً تاحال آثار کابل در موزه خود نوااطاق خصوصی را اشغال نموده است.

آثار تپه مرجان :

تپه مرجان که به حاشیه شرقی پایتخت افتاده در ارتفاع ۱۳۱۲ متر خوبی داده که بدینسانه یک حصه آن بواسطه خامی مواد گلی آن پس از کشف شکسته است، بهر حال آنچه بسلامت به موزه رسیده و در اطاق اول آثار کابل نهاده شده مجسمه بودا و یک مجسمه بزرگ و قشنگ شهزاده «بودیس اتو» است که به انواع زیورات فاخره مزین است و کمال مهارت استاد هبکل تراش کابلی را در علم تشریح و تناسب اندام ارائه میکند. در اطاق دوم خصوص آثار کابل از آثار

تیه مر نجان مجسمه دونفر اعانه هنده و حشی هندی است (نمره ۹۷ و ۹۸) که هر دو شیوه هم به زانو نشسته اند یکی در دست چپ خود تاجی دارد و دست راست خود را برسم ادب روی سینه گذاشته دومی هردو دست خود را به ترتیب سلام هندی پیش روی خود نگاه داشته ، لباس آنها یکنوع جامه نمایی باز مردمی است که مانند البسه امر و زی هند به دو طرف خود چاک خورده ، علاوه برین دو سه ظرف کوژه نمای دیگر که دران خاکستر و استخوان بود هم از تیه مر نجان کشف شده و در اطاق اول آثار کابل موجود است ، کوژه نمره ۱۰۳ بواسطه اشکال آهو در میان دابره های کوچک و کوزه دیگر کمی دسته و نوله دار است بواسطه نقش رسگه خود قابل ملاحظه است

آثار تیه خزینه :

تیه خزینه که به یوزه غربی شهر فراز غلمه هزاره های چندالی واقع است از گوشة غربی حصان کوهستانی شهر آثاری داده که باعث رونق اطاق آثار کابل گردیده . این معبد قرار یکه از حفريات آن معلوم شده تاورود مسلمین معمور بوده و بدست آنها آتش داده شده جنابیجه تمام مجسمه های آنجا که از روی مواد گلی میباشد در آن آتش به تیکر پخته تبدیل شده و حتی بعضی را دود حریق سیاه هم نموده است . این آثار امر ورز بصورت سرها کوچک واشکال مرغ ها به تعداد تقریباً ۵۵۰ عدد در اطاق دوم آثار کابل چیده شده و تاریخ ساختمان آنها میتوان بین قرن ۴ و ۵ میلادی قرار داد

موزه کابل

آثار کوتول خبر خانه :

کوتول خبر خانه که به امتداد سرک کابل - کاپیسا بفاصله ۵ کیلو متری شمال - غرب کابل واقع است و حفریات آن در روزهای اخیر سال ۱۳۴۲ شروع شده بود پسند پارچه مهمی داده که وجود آن برای تاریخ مدنی همی کابل زمین خیلی مهم است زیرا تماش آن از یک معبد بزرگ برهمنی کشف شده و سر بو ط به این دبانت میباشد و مهمترین آن مجسمه رب النوع آفتاب است که تاریخ آن را موسیو ها کن به اخیر فرن چهار و اوائل قرن پنج میلیونی نسبت میکنند و تفصیلات آن بصورت مقاوم مستقل بقلم نگار نده در شمار ات مجله کابل شایع شده است و کتاب مستقلی که اخیراً درین موضوع شایع شده بقلم شبوای دوست گرامی آقای رشتیا ترجمه شده و در زیر طبع است

علاوه بر آثار فوق بعضی مقاطع دیگر افغانستان هم مثل « گردیز » « نجراب » « لو گر » « غور بند »، « فندوز » و غیره بصورت اتفاقی بعضی آثار داده اند مانند سرمه مری که از مقام اول الذکر و سر سنگی که از نجراب پیدا شده و بودارا در حال روزه نشان میدهد و اولی در اطق آثار هده ودو می دراطلاق آثار کابل میباشد .

آثار چوبی نورستان :

منطقه که شمال غرب افغانستان بدامنه های جنوب سلسله هند و کوه هر بوط حکومت اعلای مشیقی امر وزیر بنام نورستان و چهل سال قبل بنا م

سالنامه « کابل »

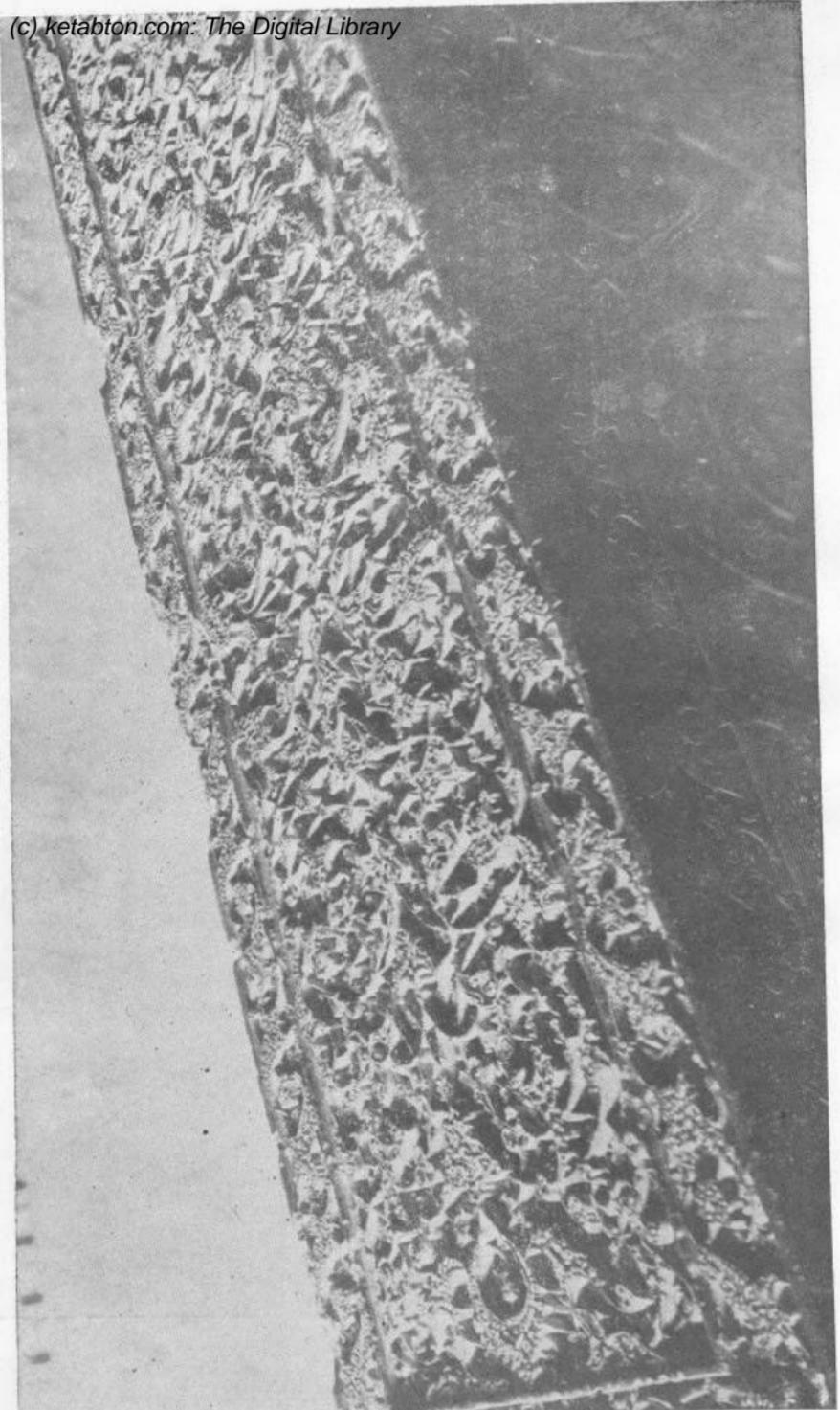
کافرستان و نزد جنگیه نویسان عرب باش نورستان یاد میشدره وزه کابل در اطاق خصوص خود یکمده مجسمه های چوبی دارد که در هیئت هیکل های اشخاص متوفی است و بعد از فتح این منطقه در زمان اعلیحضرت امیر عبد الرحمن خان بدست آمده است.

علاوه برین دو دسته آثار یا که شرح مختصر آن فرار فوق ذکر رفت در موزه کابل یکمده اشیاء دیگر و خصوصاً مسکوکات زیادی است از قبیل آثار بودائی و یونانی مکشوفه از غوربند (که شرح آن در شمارات سال ششم مجله کابل بهم مو سیو ها کن درج شده) و آثار مکشوفه از فندوز که تازگی بدست آمده وغیره وغیره که در اینجا بواسطه تنگی وقت وضيقی صفحات مقاله مجبوراً از ذکر آنها صرف نظر نموده و در آنی با معلومات مفصلی که در دست است بشکل کتاب مستقل بنظر خواهد گان عنبر خواهد رسید.



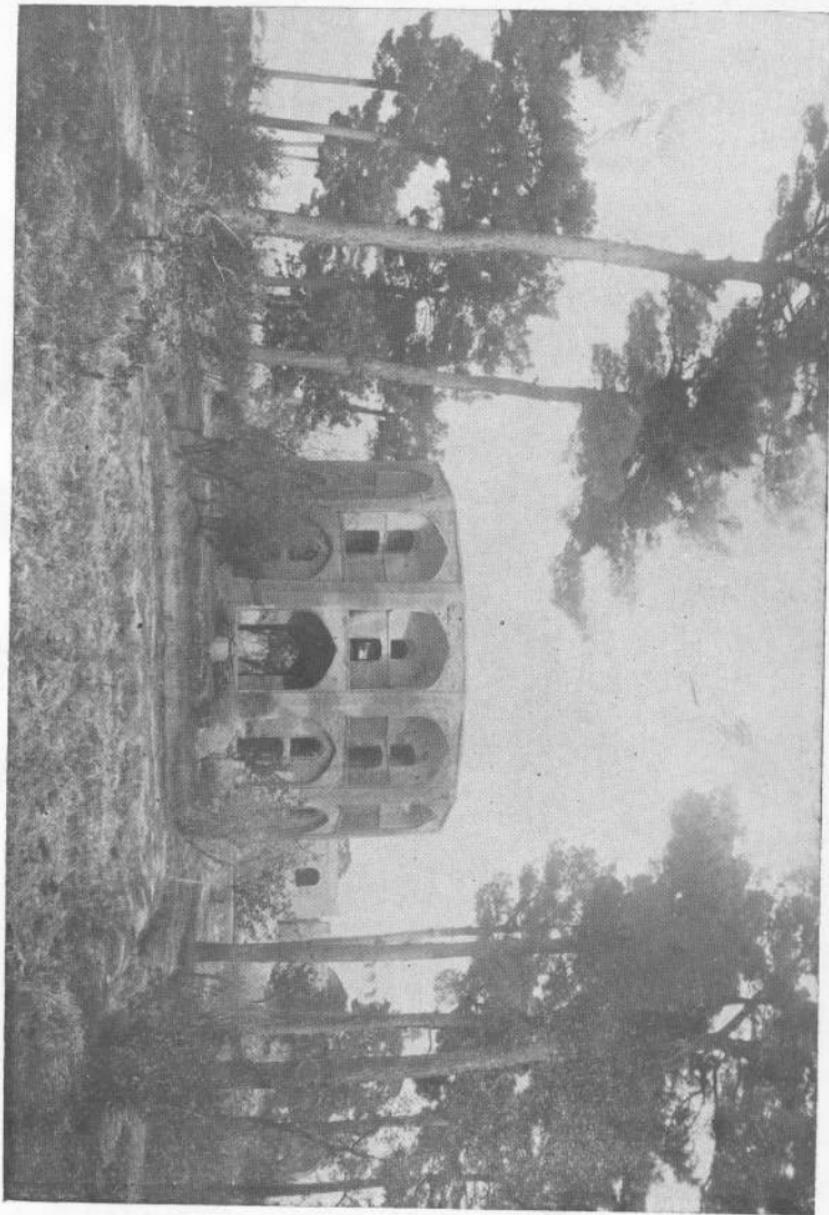
از آثار تاریخی قریس هرات: سنگی هفت قلم در کا زر کا.

Pierre tombale sur laquelle on a inscrit sept fois c'est à dire en sept étage de profondeur (Hérat)



از اینه تاریخی هرات : عمارت نمکدان در باغ نو گازرگاه که از عیا نات امیر علیشیر نوایی وزیر معروف است

L'ancien palais de Namakdan à Hérat (15^e. S.)



سکه تاریخی مصلای هرات که در موزه خانه هرات موجود است
L'inscription, sur pierre, de la grande mosquée à Hérat



عام تابع

هیکل سازی قدیم افغانستان

ترجمه جناب عبدالغفور خان

مترجم انجمن

پرفسور هنری هراس معلم

دارالفنون بمبئی و عضو افتخاری انجمن

وقتا که نخستین بار ، مجسمه ها و کنده کارهای مدرسه گذاره در دسترس داشتمندان سابق فرنگ که در هند کار میکردند ، قرار گرفت علی الفور بدون کدام تردیدی تصدیق نمودند که آثار منور ، نفوذ یونانی را عرضه میدارد - واقعاً همواره یک چشم فاضل ارو یا تی وجود داشته است که در هر چیز و هرجا تاثیرات و نفوذ فرنگ را (بزعع خویش) مشاهده میکرده . ولی خوشبختانه امروز عده این جور علا رو بقلت گذارده و دیگر ما نند روز گار بیشین ، عمومیتی ندارند . معاذ الله این را هم باستی اظمار گرد که جلات اسکندر مقدونی از گوشش شمال غرب هند ، وجود سلطنت های یو نانی در افغانستان و سرحد شمال غربی هند و سistan ، و بالاخره شbahتی

عنوان اصلی رساله جناب فاضل پروفیسر هنری هراس رئیس مؤسسه تبعات تاریخی و عتیقه شناسی بمبئی « مبدأ مدرسة هیکل سازی یو نانی و بودانی گذاره » میباشد .

سالنامه «کابل»

که ظاهراً بین عرضی از صنایع این مناطق و صنایع یونان وجود داشته است
صدق این آراء ساقه را محتمل نشان میداد.

فاضل عنیقه شناسی که از همه بیشتر این مذکوره (برو با گندقوذ یونانی)
را انتشار داده، موسبو فوشة فرانسوی است (۱).

و قبکه من سال گذشته در افغانستان بودم، دیرهای بودائی کفرکه
بامیان، ایک و خصوصاً خرابه‌های باختر معروف را مشاهده نمودم - این
شهر در ساق جنان یک مرکز مشهور بودائی بود که آنرا «راجه گرجه
کوچک» (۲) میخواستند - همچنان در همان زمان مرکز سلطنت یونانی
شرق نز شناخته می‌شد. بنا بر این من تصویر کردم که در بلخ چندین مجسمه
یه گانه و بودائی را که حتی نسبت به مجسمه‌های لاهور و پشاور، قشنگ‌تر
خواهد بود، مشاهده خواهیم کرد. ولی بد بقعا نه، نه در دیرهای آن و
نه در ولایت قدیم باختر (که ولایت امروزه منار شریف باشد)
یاکه نمونه هم از مدرسه صنعتی قدیمی یافته تتوانستم. راست است که به قول
هیون تسانگ زوار چینی، باختر بودائی به مدرسه فکریه «هینایانا» تعلق
داشت (۳)، ولی زوار موصوف این مسئله را نیز نوشه است که اگرچه
بودائیون باخترزمین، پیر و طریقه «هینایانا» بودند، ولی مجسمه‌های
بودارا هم در دیرهای خود داشتند (۴) بهر حال، در صوامم بامیان

(۱) کتاب «آغاز صنعت بودائی» - تالیف موسبو فوشه - طبع ۱۹۱۷ یاریس ولندن . (۲) کتاب «صنعت یونانی و بودائی گندهاره» طبع ۱۹۰۵ و ۱۹۱۸ - ۱۹۲۲ یاریس تالیف فوشه . (۳) هبا کل یونانی و بوائی (مزبیم لوور - یاریس ۱۹۰۰ (۴) نکار شات دنیای غربی - تالیف بیل - ج اول - ص ۴۴ و ۴۵ (۵) ایضاً

هیکل سازی قدیم افغانستان

و ککرک ، راهبان بودا می محقق آ « هینایانی » نبودند - بلکه مجسمه ها و تصاویر بودا بمقدار فراوان در نجاه وجود داشت و هیچیک از نقش مزبور که تا کنون ییدا شده ، نمود یونانی را نشان نمیداد .

اولین نمونه صنائع مدرسه یونانی و بودائی ، در جنوب هندوکش و کوه با با ، در وادی زرخیزی که بجنوب شرق چار یکار افتاده است یافت نمیشود ، بفاصله ۱۲ میل ازین شهر کوچک ، میدان وسیعی واقع است که موسوم به « بلگرام » بوده و محل قدیم « کپیسا » شناخته شده است (۱) ازین میدان تا اندازه که بن معلوم است ، یک تصویر بر جسته متعلق به مدرسه یونانی و بودائی را موسیو فوش کشف کرده که بودای نشسته را ماین چهار ھر نشان میدهد و موسیو ها کن میگوید این منظره ، یا اولین ملاقات « بمبیساره » از بودا و یا دعوت بر هم (یا اندره) است برای وعظ (۲) در همین جایی تصویر دیگر نیز یافت شده که عمل « سرا وستی » Sravasti را ارائه میدهد و حاليه در موزم کابل موجود است مگر این تصویر به مدرسه یونان و بودائی تعلق ندارد .

یک تصویر بر جسته دیگری هم در کابل هست که از کاپیسا یافت شده و قطعاً نفوذی از یونانی و بودائی را دار نیست . این تصویر « میتر یا بودی ساتوا » را بین دو جماعه سه نفری بودائی نشان میدهد .

- (۱) مقاله موسیو قوش معنون به « از کاپیسا تا پشاور » ، منتشره در مجله مدرسه تحصیلات شرقی ، ج ۶ ص ۳۲۲
- (۲) هیکل تراشی هندی و تبتی در موزه گمه - لوحه ۱۱ - تالیف ها کن (طبع پاریس - ۱۹۳۱)

سالنامه « کابل »

سه نفر جماعت اول سکانی و سه نفر جماعت دوم افغان است ، پنا نکه از لباس شان بخوبی معلوم میشود (لوحة اول - الف) .

هرگاه بطرف کابل یا تین یا تین ، نمونه های مدرسه یونانی و بودائی را بسیار تر می بینیم - از گرد استوپه مخروبه موسوم به تپه خزانه کدین شهر کابل و کوه شیر در واژه و نزدیک در یا کابل واقع است ، مدیر موزیم کابل ، یکده سرهای گچی را کشف کرده که هر شخص تصدیق میکند به مدرسه گندهاره تعلق دارد . همچنین مجسمه هایی که از دور استوپه تپه مرنجان (بشرق شهر کابل) کشف گردیده ، بهمین مدرسه گندهاره متعلق است . از جمله این مجسمه ها فقط یکدانه بسلامت مانده که کنون در موزیم کابل است ، و دیگر های آن چند دقیقه بعد از کشف ، از هم پاشیده شده . این مجسمه « میتر یا بودی ساتوا » را بحال مراقبه نشان میدهد (لوحة دوم - الف) .

اما جایی که دران مجسمه های مدرسه گندهاره نه تنها از حیث تعداد ، بلکه از حیث حسن و زیبائی واقعاً فوق العاده اند ، همانا وادی جلال آباد و بنخصوص قریه کوچک « هده » است (لوحة اول - ب) محل نگاره هارای قدیم ، که یا تخت فدیمه این مناطق میباشد ، مثل هده دارای صنایع زیادی نبوده است . هیون تسانگ زوار چینی ، هم هده را که دران زمان « هدو » Hiddo خوانده می شد ، دینه و بعضی از دیرهای آنرا نیز بیان کرده است (۱) - ولی کاوشن های وسیعی که از طرف هیئت عتبه شناسی فرانسوی درین موقع بعمل آمدند . نتایج خیلی شانداری درین

(۱) نگارشات دنیای غربی - ج ۱ ص ۹۵ - ۹۷ تالیف بیل .

هیگل سازی قدیم افغانستان

ز مینه داده است . والبومی که حاوی عکس های هیا کل مکشو فه ازین مقام میباشد ، دارای یکصدو دوازده لوحة ۱۵ در ۱۱ انچی و یا جمعاً شامل ۴۹۷ عکس است (۱) .

پس ازا نگه از دره خیر عبور کنیم ، همین قسم وفترت هیا کل مدرسة گندهاره را در میا دین پشاور نیز می یابیم - وعده بزرگی ازین ها که بسیاری آن از خود پشاور و دره خیر و بقیه از شهر بهلول و تخار بھی و چار صده (پشکلا و تی قدیم) و دیگر جاهاست ، در موزیم پشاور گذارده شده (۲) . معدلاک هر گاه این هیا کل مو زیم پشاور را بدقت امتحان نمائیم ، بزودی آ شکار میگردد که اکثری ازان نه از حیث حسن و ظرافت و نه از حیث آثار حیات که از چهره آنها معلوم میشود ، با مجسمه های هده همسری کرده نمیتواند : درواقع صنایع آن صفحات ، شعبه کوچکی از صنایع مدرسة گندهاره است که مانند شعبه صنایع هده ، نتو انسنه احر از ارتقا و تکامل نماید . همچین است مجسمه های تکسیلا (اوچه دوم - ب) و هیا کل موزیم لاھور و وادی سوات که با آثار هده برابری کرده نمیتواند . واگر پیشتر بطرف جنوب مشرق بروید ، خواهید دید که اکثریت نمونه های موزیم « مادوره » که بامدرسه گندهاره متعلق اند ، مظاهر خالصی از صنعت هده میباشد که انحطاط یافته و بآن حد نرسیده اند .

پس واضح است که معرفت صنایع مدرسه معروف به مدرسه

(۱) کتاب تصاویر حفریات هده - ج ۳ - مجسمه های بزرگ و کوچک الیوم تصاویر طبع پاریس ۱۹۳۰ - اثر بارتون . (۲) رساله هیا کل موزیم پشاور - طبع کلکته ۱۹۳۰ - تالیف « هار گرینز » .

سالنامه « کابل »

گریکو بود یک گند هاره همین « هده » بوده که در افغانستان جنوب شرقی واقع است.

اکنون نتیجه را که از مشاهدات فوق بدست آورده ام ، از نقطه نظر جغرافیا و تاریخ ، زیر تدقیق میگیرم :

هرگاه از روی جغرا فیا بیینیم ، مدرسه گند هاره ابدآ در تپال هندوکش ، در سلطنت قدیمه با ختر که مردی حکومت یونانی مشرق بود ، مظہری ندارد . بلکه کلیه نمونه های مکشوفه ، در جنوب هند و کش و در ولایت شہال غربی هند ، پنجاب و ولایات متحده که در آنها سلطنت های هندو یونانی در قرن دوم و اول قبل امیلاد حکم فرمایند ، یافت گردیده است .

حالا همین فضیه را از نقطه نظر تاریخ مینگیرم : آیا در کدام عصر و در عهد حکمرانی کدام پادشاه ، این مجسمه ها و نقوش بر جسته و سر های گچی افغانستان جنوبی و هند شهابی ؟ ظهور خوده ؟ برای دریافت این مقصود ، بایستی به راپورهای مشاهدین قدیمه استویه های مناطق منبور و بعضی از راپورهای تازه ترین شبیه عقیقه شناسی مراجعه کنیم . کتبیه که در باید مجسمه بودای نشسته مکشوفه از بگرام دیده میشود ، وقت نگارش آن در عهد کوشاه ، در زمان حکمداری « ویما کاد فریز » و یاد رعصر کنشکا معلوم میگردد (۱) مجسمه های کابل هم همگان به دور کنشکا تعلق دارند . همچنین مسکو کاتی که از میان استوپه تپه مرجان ، دو سال پیش کشف گردیده . همه از عصر کوشانیان متأخره ،

(۱) کتبیه خروشته بر یک نتش بر جسته بگرام - ۱ - ناج ۲۲ ص ۱۳۱ و ۱۲۱ - نگارش کوشانی .

هیکل سازی قدیم افغانستان

واز زمانی میاشد که کوشانیان کابل در تحت سلطه ساسانیان رفتند . استویه هائی که در کابل وجود آن ، تو سط « هانگ برگر » و « ماسن » در نیمة اول قرن ۱۹ کشف شده ، هیچیک مسکوکی را جز مسکوکات عهد کنشکا و اخلاف نزدیک اونشان نمیدهد (۱) استویه های وادی جلال آباد که بسیار پیش بذریعه فضلای من بو : معاینه گردیده ، هنوز نتیجه دلچسپ تری را ارائه نداده - و استویه های قرائی که بمحل شهر قدیم « نگارهاره » و پرامون آن ، شرق و جنوب شرق جلال آباد امر و زه ، وجود داشت ، فقط مسکوکات بعضی از حکمداران هند و بوتانی و معاصرین و مقابلين آنها یعنی بارتانی یه تانو شده (۲) را حاوی بود - در حالیکه استویه های « هده » مسکوکات کنشکا ، هویشکا و بعضی از امیرا طوفان رومی قدیمه را نهفته داشت (۳) .

آبدات پشاور و مضافات آن نز بهمن عصر تمدن دارد . بسیاری از نوونه های موزیم یشاور از دیر « شاهجه کی دهره » (۴) گرفته شده ، یعنی از همان دیری که کنشکا وقف گردید و پهلوی آن (بقول هبون تسانگ) استویه می برای دفن بعضی پاره های کشکول بودا تعمیر نموده بود (۵) . در استویه بزرگ « مانی کیالا » واقع در پنجاب شمالی ، که توسط « ژنرال و توار » کشف گردیده ، مسکوکات کنشکا و هویشکا با یک مسکوک طلائی « یا سو وار من » شاه فوج و بعضی از مسکوکات ساسانی

(۱) آربانای قدیم - ص ۱۱۷-۱۱۸ تالیف ولسن . (۲) ایضاً ص ۶۱-۹۹

(۳) ایضاً ص ۱۰۰-۱۱۳ (۴) رایور اداره آثار عقبقه - ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ ص

(۵) نگارشات دنبایی غربی - ج اول ص ۹۸-۱۰۱ - تالیف بیل .

سالنامه «کابل»

و غربی قرن ۸ عیسوی، یکجا بدت آمد. معلوم میشود که شاه قنوج، استویه اولیه «شاه هویشکا» را که بعد از صور هفت قرن، طبعاً رو بخرانی گذارد بود، دوباره، با نموده است (۱) - استویه نمره ۲ «مانی کیلا» که «ژنرال کورت» کشف نموده، محتوى مسکوکات «کاجولا کاد فریز» «و یما کاد فریز» و «کنشکا» و یکچند دینار رومی اواخر قرن اول عیسوی بود (۲) همچنین استویه نمره ۱۵ که آنهم بذریمه ژنرال مو صوف پیداشده، یک سکه از ساتراپ (نائب الحکومه) بارتی موسوم به «ژبونیسز» و «کاجولا کاد فریز» را در خود نهاده داشت (۳). و چون کوشانیان بعد از پارتیان ظهرور نموده اند، پس بایستی قبول کنیم که این استویه نیز دو عهد کوشانیان بنا یافته است.

از آنجه گفته بایست تسلیم کنیم که اولاً لا اقل اکثریت آبدات بودانی این سراکر که در آنها مدرسه یونانی و بودانی گند هاره دونق و فروغ داشت، در دوره کوشانیان کبیر ظهور نموده - و ثانیاً اینکه وقتی آبدات یک مو ضم به زمان قدیمتری متعلق بوده - ما نموده صنایع مدرسه مزبور را در آن جا نمی باییم. ولی ممکن است این اعتراض وارد شود که اگر چه حکمدارانی که در تحت سلطه ایشان مدرسه مزبور ترقی داشت، یونانی نبوده باشد، باز هم محتمل است، هیکل سازان زمان آنها یونانی و یا اخلاف یونانیهای اولیه بوده باشند؟ در جواب میگوئیم: درست است. از نقطه نظر حقیقت، فقط یکنفر از اخلاق یونانیان مزبور را میشناسیم، که بحیث هیکل ساز در عهد

(۱) رایور آثار عتیقه - ج ۲ ص ۱۰۹ و ۱۶۰ اثر کنتگرهم.

(۲) اضافه ۱۶۲ (۳) اضافه ۱۶۶ ص ۱۶۸.

هیگل سازی قدیم افغانستان

حکمرانی کنشکا کار میکرد و نامش «اجیسی لوس» Agesilaos و عنوانش «نگران کنار های و هاره» (۱) کنشکا که مخصوص آ موذ گاران ندر سه «سر و استی وادن» است « میباشد (۲) - و یکی از آثارش که دارای نام و نشان او میباشد پس از ۱۹ قرن باقیمانده و آن عبارتست از قطعی یا صندوقچه که حاوی بقا یای کشکول بودا میباشد . حال ممکن است تصور کنید که این صندوقچه شاه کنار گر یکو بود یا خواهد بود ؟ مگر چنین نیست - بلکه اثر مربور یکی از آثار معمولی سبک هند بوده و نشانه از کار یونانی دران معلوم نمی شود (لوحة ۳ - الف) .

باز هم ممکن است بگوئید : « هیگل سازانی که در خدمت کوشانیان کییر بودند ، شاید هنری باشند ، ولی از نمونه های سبک یونانی که برای تقلید آن میکوشیدند ، متأثر شده اند » . جواب اینست که این نمونه ها که فقط از یونان ممکن بود بیاید ، ابدآ نه در افغانستان و نه در هند یافت گردیده و یگاه اثری از صنعت اصلی یونانی که در افغانستان و هند شمالی کشف شده ، عبارتست از « پاتیره Bacchus (پیکنون پیاله کلان) که فتح یکو س بروی آن معلوم میشود (۳) و مسکو کات عدیده خود یونان ، شاه سلوسی سوریه و سلاطین یونانی باختر - و بروی این مسکو کات ، تصاویر نیم تنه و دیگر اشکالی وجود دارد که با مهارت فوق العاده و با مفکوره های بلند زیبائی ، بعمل آمد . ولی هبچیک از موشگافان و خرده گیران هنرها زیبا ، گاهی

(۱) دیربودائی یا باغجه اطراف آن . (۲) رساله هیا کل موزیم پشاور ص ۴۷ - یاورقی - تالیف « هارگریفر » . (۳) تاریخ صنایع نفیسه هند و سبلون - ص ۳۶۰ - لوحه ۷۶ - تالیف سمث (طبع آکسفورد - ۱۹۱۱) .

سالنامه « کابل »

جداً باین فکر نخواهید افتاد که این اشکال کوچک و مجسمه های بر جسته، موجب و موحد چنین مدرسه عالیه هیکل سازی مثل مدرسه گندها ره شده میتواند.

گذشته ازین، هرگاه مجسمه های مدرسه گندها ره، بدقت معرض امتحان قرار گیرد، بخوبی آشکار میگردد که نصب العین و مفکوره های هر دو مدرسه (مدرسه یونانی و مدرسه گندها ره) بکلی ازهم اختلاف دارد:

صنعت گران یونانی میغواستند، بدین انسان را نه بقسمیکه در دنبای حقیقت وجود دارد، بلکه بقسمی که در خیال گنجیده میتواند، بسازند - و این فکر شان یک نوع مسلکی را که باساس طبیعت و آمیخته با خیالات عملی است، بوجود آورد - و درنتیجه این مفکوره، تصاویر یونانی نه مانند آن تصاویر رومانی میباشد که جزویت حقیقی قیافه شخص را عرضه میدارد، بلکه تصاویر آنها پیشتر خیالی بوده و قهرمانان را نه بقسمیکه بوده اند، بلکه هر طور یکه خود ایشان خواسته، تصویر کرده اند - مثلاً وقتيکه « لی سی پوس » آغاز به تصویر اسکندر مقدونی نمود، قیافه وی را مانند يك هیکل ساز معمولی، تشکیل نداد، بلکه او را بصیحت آخرین فرد تزاد قهرمانان که آماده فتح جهان است، رسم کرد (لوحة ۲ - ب) . و بهمین دلیل بود که « پلو تارک » افسانه ذیل را در کتابی که راجع بعیات اسکندر تالیف نموده، نوشته است: و قتيکه « لی سی پوس » نخستین بار، تصویر اسکندر را بساخت و روی او را بطرف آسمان، چنانکه اسکندر عاده با گردشی متمايل به يك

هیکل سازی قدیم افغانستان

طرف، می تگریست، قرار داد، کسی یاد داشت ذیل را بقسم لطیفه منظومی بنگاشت:

آدم طو نجی مثل کسی است که بسوی « زیوس » می تگرد و وی را چنین خطاب میکند: ای زیوس! من زمین را در تحت پای خویش می گذارم تو بر او لپس اجرای حکومت کن.

بهین دلیل، اسکندر حکم نمود که فقط لی سی پوس، تصاویر اورا بسازد - چه قرار معلوم تنها لی سی پوس بود که وضع طبیعی اسکندر را بدستی در طونج اراهه داده و شجاعت وی را بشکل صافی تصویر نمود در حالیکه دیگران، از بس متوجه نشان دادن خمیدگی گردن و نگاه نافذ چشمان اسکندر گردیدند، قیافه عضلاتی و شبروش وی از یشان فرو گذار شد (۱)

نتیجه دوم این مسلک خیالی یونانیان در هیکل تراشی های شان، این شد که مجسمه های آنها در تناس و کامیت جسمانی و وضع بدن حقیقته خیلی زیبا گردیده وی اکثر ازین مجسمه ها، حتی آنها ییکه و ضعیت جدی و محرك از خود نشان میدهند، مرده و بی روح مانده اند چه آدمی که اصلاً از قطه خیال و آرزوی بشر کامل باشد، درین دنیا وجود ندارد - بلکه در دماغ صفت گر و نقاش است. (لوحة ۴ - الف).

علاوه بران، هیکل سازان یونانی نمی خواستند آدم خیالی و کامل خود شان را بواسطه افزودن زیورات، خراب کنند - حتی در مجسمه های که بر هنر نیستند، لباس و کلاه سیار ساده یوشانده اند. مجسمه « تیک

(۱) حیات اسکندر، قسمت ۴ - تالیف پلو تارک.

سالنامه « کابل »

Tyche (ربة النوع طالع) انتا که کتون در مو زیم و اتیکان است، این اصول را کاملاً آشکار می‌سازد - چه یک تاج ساده که تصویر دیوار های شهر انتا که است، سر او را زینت میدهد - و بدنش نا یک قبای ساده مستور گردیده - و از جواهر اُری نیست .

با آخره همین مقصود که صنعت گران یونانی میخواستند حسن جسمانی را با ساس خیال کامل بسازند، ایشان را از ارائه جنبه خالص رو حانی آن باز داشت . بلی در نهضت و ارتقای متاخره این مدرسه ، احسا سات برای تصویر مظاهر جسمانی احیا گردید ، مگر گاهی توانستند تأثیرات درونی و حقیقی روح را نشان بدهند . اینست که شما در مجسمه های « لاؤ کون » در موزیم و اتیکان : افعالات و آلام جسمانی یک پدر و دو پسر بد بخت را مشاهده می کنید ، مگر از سیما ای آنها ، تأثیرات رو حی شان را کشف گرده نمیتوانید .

اما ممیزات صنعت مدرسه « گندها ره » از سابق الذکر بکلی اختلاف دارد - درست است این مدرسه نیز تمثیل حسن جسمانی انسان را مد نظر داشته ، چنانکه از معاینه بعضی مجسمه های بودا و « بوده ساتوا » ، بخوبی معلوم میگردد - ولی این حسن جسمانی بقسم خیالی نشان داده نشده است مثلاً مجسمه های بودا بلباس رهبانی و مجسمه های « بوده ساتوا » بلباس شهزادگی تجسم یافته ، لیکن نه بصورت پهلوانانی که نمؤ جسمانی خویش را نمایش میدهند . در اکثر این مجسمه ها آن قسمت بدن که از لباس پیرون و برخته مانده ، دارای محاسن جسمانی است - ولی ظاهر است که این اثر ، زاده احساسات خیالی هیکل ساز نبوده ، بلکه از افکار طبیعی وی

هیکل سازی قدیم افغانستان

تراو ش نموده است . پس مدرسه گند هاره را ، مدرسه حقیقیونی میتوان نامید که مسلک حقیقیون را که مخالف مسلک خیالی طبیعیون مدرسه یونان است ، پروش داده اند .

نمونه خوبی ازین مسلک مهمه مدرسه گند هاره ، همان مجسمه تفکر و صوم بودا بمقام « گیا » است که کنون درموزیم لاهور میباشد ، هیکل ساز درین مجسمه خواسته است ، نقاہت ولا غری جسمانی را که در ارزویه به بدن بودا تولید شده نشان بدهد . این مجسمه از نظر تشریح بدن (انا تومی) فوق العاده بلند . مگر از نقطه اینشه منتها درجه مسلک حقیقیون را رعایت کرده ، شاید قدری کراحت انگیز باشد . چنین تمثیل راه هیکل ساز یونانی ابدآ بوجود نیاورده است (۱) .

همان پارچه کوچک مجسمه گچی موژیم کابل که از قرن اول عیسوی بوده در مرگ را نمایش میدهد ، نیز خبلی حقیقی است و معلوم میشود که همین مجسمه عروس ، بیشاهنگ تمام همان مجسمه های مرگ که در پرده معروف « رقص مرگ » تصویر و ارتفاق شان قرون وسطی میباشد ، بوده و چنان مجسمه ایست که قطعاً بد ماغ هیکل ساز یونانی نگذشته است .

یکی از نتایج این مسلک حقیقیون ، همانا صادق بودن تصاویر گند هاره است . هرگاه جموعه باشکوه سرهای مکشوفه از هده را که درموزیم کابل است از نظر بگذرانیم ، باسانی معلوم میشود که جموعه مزبور محتوى تعاملی تزاده ای

(۱) یک مجسمه دیگر که نظیر این مجسمه و شاید نقل آن باشد ، درموزیم پشاور موجود است - مگر متاسفانه شکسته و ریخته شده . رجوع به کتاب « رساله هیا کل موژیم پشاور » - لوحة ۳-۱۷ « هار گریفر » .

سازمانه « کابل »

مختلفه ایست که از میان افغانستان عبور کرده اند و بعضی از یشان درین سرزمین توطن گزیده و بذریعه هیکل سازان این دیار تجسم یافته اند؛ ازین جمله بعضی نوونه های آن بد صورت ونفرت آور است - و اینک بک چندی از آن را شرح مید هیم :

یکی از بن نوونه ها، تمثال یکنفر راهب بودا می است که دارای دیش تراشیده، قیافه صوفیانه، خاموش، آرام و مودب بوده یعنی مظاهر حقیقی سیماهی همان بر همین جوانی است که کیش گوا تاما لا (بودا) را اختبار نموده است. نوونه دوم : عارض از یکنفر رومانی است که بروتهای اصلاح شده و موی بجعد و اکلیلی از گل عشقه بیچان بسردارد - نفس پرستی او از چشمان بی فروغ و دهان منحنی اش معلوم می شود . این نوونه، مجسمه ملت امیرا طوری رومان است - مغور است ولی معذلا ک تخم تباہی آمد نی را نزد یک نشان میدهد (لوحة ۵- الف) .

نوونه دیگر یک نفر ترکی شرق افاصا یا یکی از سلاطین کوشانه است که با دیدگان فربیکار و الاشه های خوش ترکیب خویش، مردمی سرکش و صاحب سمجه نا فرمان بنظر آمده و از اکلیل بازیکی که بدور موهای اندک خود دارد، معلوم می شود، تیالات یونانی داشته ولی همیشه بهمان دیانت چادر نشینان آسیای مرکزی باقی مانده است (لوحة ۵- ب) .

دیگر یکنفر اسکیت، یا ساکائی خون خوار و بیرحمی را نشان میدهد که آثار شرارت و ظلم از چشمانش پدیدار، و بدن مستحکم و آهنینی را داراست . ییشانی تنگش، افکار و دماغ رشد ناکرده وی، و چشمان کوچک و زخ خوردهش، مشاعر حیوانی اورا اراهه میدارد . ولی موهای مرتب

هیگل سازی قدیم افغانستان

و شانه کرده اش ، جنبه دلچسپ قیاده کریه او یعنی غرور و نخوت طفلاهه اش را نمایندگی میکنند (لوحه ۶ - الف) .

یکی هم از زیبا ترین این مجسمه ها ، تمثال یک نفر افغان سالم خود را است که بحال فهرمان میباشد . و سرش با یک دستار ساده که شمله آن از گوش چپ او آویزان است ، پوشیده شده ، چشمها نش بحال غضب بر دشمن دوخته و چین و شکن بسیاری برآبروانش پدید آمده . دهان بی دندانش آند کی باز است و گونئی بشدت ، مقابله را توهین میکند (لوحه ۶ - ب) . دیگر ، یکنفر بر همن را نشان میدهد که زناری بروی سیمه بطور هایل انداخته و لوته ملو از آب در دست دارد - و این لوطه بقدرتی سنگین بوده که با نشت راست ازدهن آن حکم گرفته و دست چپ را بزیر آن فرار داده است کلاه آن نهایت دلچسپ بوده و گره موی سر او را امروز بعضی سادوها تقلید میکنند (لوحه ۷ - الف) .

تمثال دیگر یکنفر ایرانی است که کلاه مخصوصی پوشیده و بادید گان زرنگی مینگرد . گویا آدمی دارای سجایای خاص و اراده قطعی بوده (لوحه ۷ - ب) .

نمونه دیگر ، یکنفر را حیوت است که موی سر خود را بطرف راست جمع کرده و شخصی تنومند ، و دارای یعنی یهنه و چشمانی فتنه اندگیز معلوم میشود . ریش وی بدون تردید ملیتش را نشان میدهد (لوحه ۸ - الف) . مجسمه دیگر از یکنفر چینی است که کلاه مخصوص و چشمان متعابی داشته (لوحه ۸ - ب) . چینیان بسیاری در کابلستان از زمان آخرین شاه یونانی ، « هر ما بوس » زندگی کرده اند ، چنانکه از مسکو کات

سالنامه «کابل»

#

«هر مایوس» که حاوی نوشه جات چینی است این حقیقت بخوبی آشکار میگردد (۱).

مثال خیلی قابل توجه، همانا از یکنفر مرد است که ریش کوسه و بروتهای مواج داشته - و چشمان کوچک و فربک کار و کلاه عجیب یک شاخه اش، چهره او را نحوف و شیطنت انگیز جلوه میدهد. اگر این سر را امروز میساختند، بنام «میفس تو فلیس» موسوم میگردند (لوحة ۹ - ب).

مثال دیگری از یکنفر عسکر است که با خود زیبائی سر خود را خوب یو شیده و از قیافه اش نو جوانی معلوم میشود که هنوز خط بگرد عذر ارش ندمیده، و از فون جنگک تجربه نیا مونته (لوحة ۹ - ب).

مثال ذیل که از قریه شهر بهلول واقع در میادین رشاور مکشوف گردیده عبارت از سر یکنفر در ویش بودائی است که جسمه گنبد نمای او، بردماغ عالی و ذکای بلندش دلالت میکند و دیدگان کوچک و بافروغش، زرنگی طبیعتش را میرساند و ینی عقاب مانند او تعاملش را به مداخلت در امور دیگران اراده میدهد - و بالا خره لبها وزنخ متناسبش، از فیصله خلل نایزیر او در اجرای افکارش نمایندگی میکند. پس از روی این خصوصیات چهره که آثار اخلاق هم ازان پدیدار میگردد، میتوانیم صاحب آنرا یکنفر یهودی بخواهیم که در سرحد شمال غربی هند، در قرن اول عیسوی زندگی داشته است (۱). و چون فرق سر خود را طور یکه خاصه مسلک رهبانیت است، تراشیده، اورا راهب

(۱) رساله مسکوکات شرق - ص ۳۶۳ تالیف مارگن. (۲) وجود یهود درین صفحات، از سابق بذریعه منابع تردید نایزیری برای دنیای عام و فضل معلوم بود.



لوحة اول الف - مایتیریا بودی ساتوا با پیروان او که از کاپیسا
کشف و کنون در موزیم کابل موجود است

Pl.I - a. Kapisa. Maitreya Bodhisattva entouré
de ses fidèles (Musée de Kaboul)

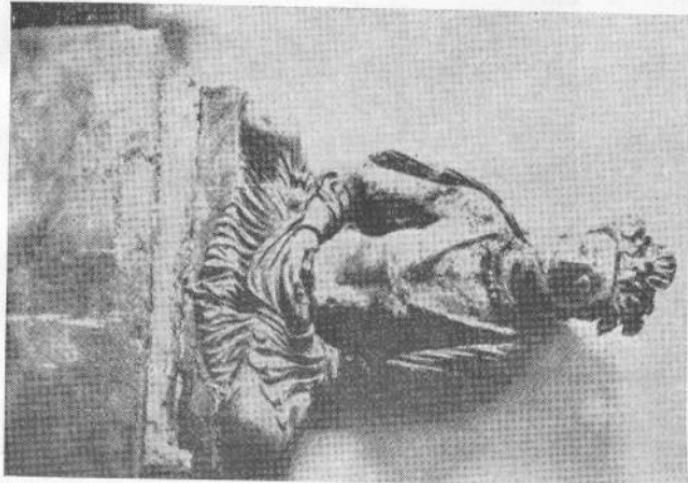


ب - : تمثال اینوار بودا - از هده یافت شده و کنون
در موزیم کابل موجود است

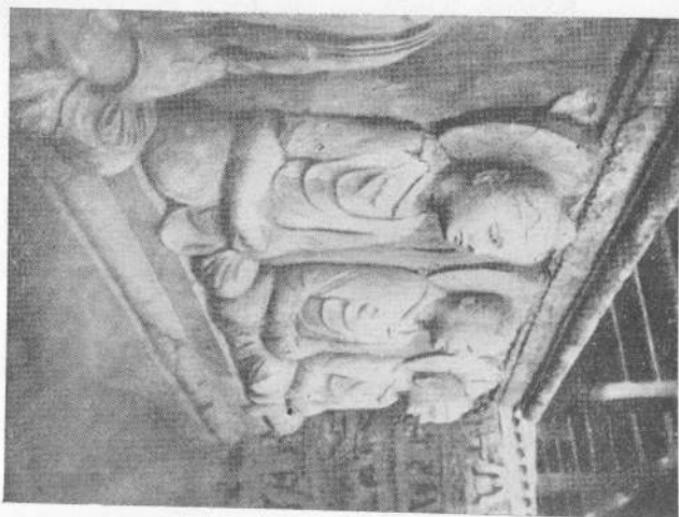
b. Hadda. Buddha grand renonciation
Musée de Kaboul

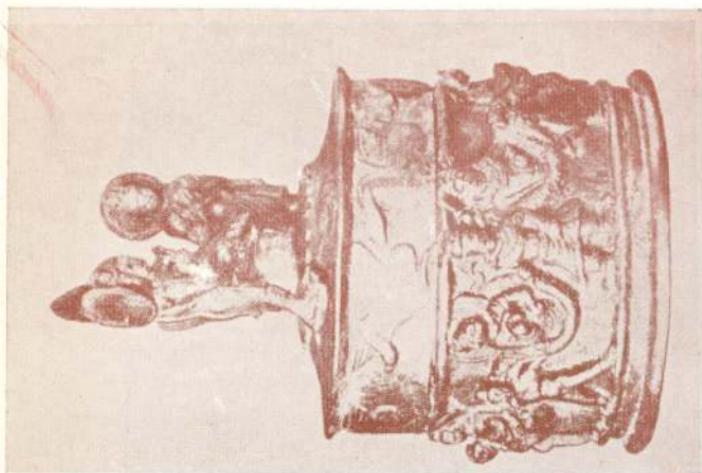
لوحه ۲۱ اف : تمثال میتر با بودی ساتوا از
کابل یافت شده و کنون در موزیم کابل موجود است

لوحة ۲۱ الف : تمثال میتر با بودی ساتوا از
کابل یافت شده و کنون در موزیم کابل موجود است
Pl. II - a. Kaboul. Maitreya Bodhisattva
Musée de Kaboul



ب : تمثال بوذا ها بدور یک استوپه که از تکیله
بافت شده
*b. Taxila. Buddhas en dhyān-mudra autour
d'un stupa*



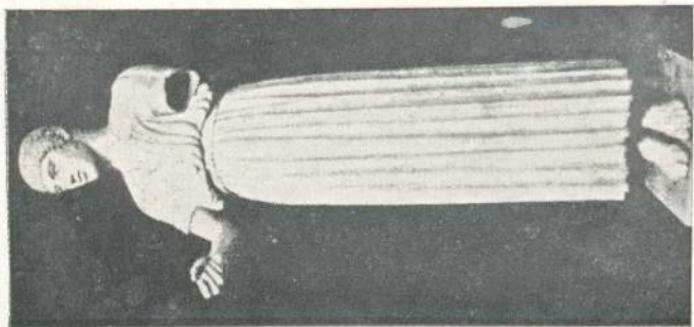


لوحة ۳۰ (الف) : صندوق فضة كنيشكا ك حاوي
لبيان بود است . از شاه جي كي دهره يافت شده و
هي موز ۲۷ بشار و موجود است

Pl. III - a, Shahji-ki-Dheri.Caisse de
Kanishka contenant les reliques de
Buddha (Musée de Peshavar)

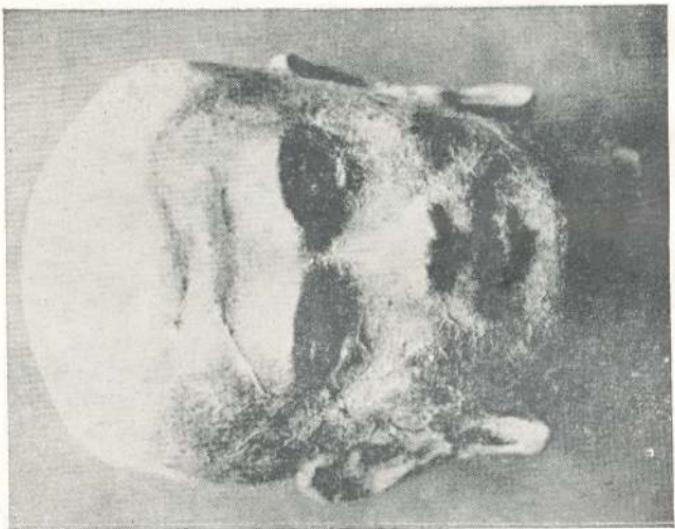


ب : سر اسكندر بزرگ (بقایه لیسی بوس)
در موزیم بر طایا
b. Tête d'Alexandre le Grand
British Museum

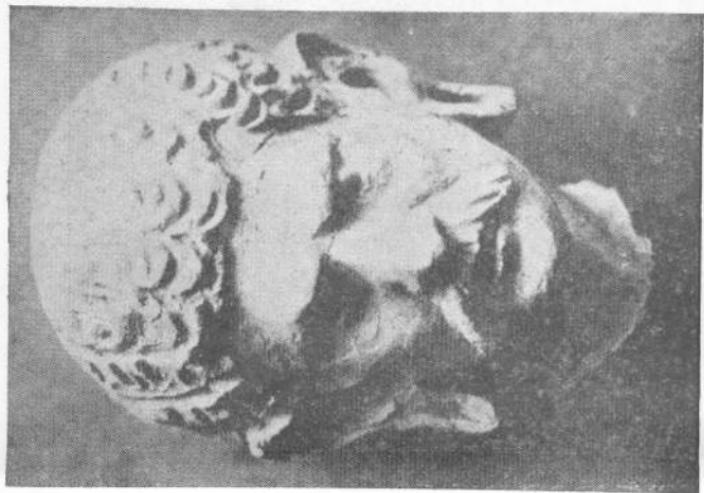


لوحة ٤ - الف : کادی ران در

مزیم دلپی
PL.IV a. Le cocher
Musée de Delphi



ب - سر پکنفر بکو (رامب) در حال صفائحه - از
هذه مكشوف و كنون در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un bhikkhu en méditation
Musée de Kaboul

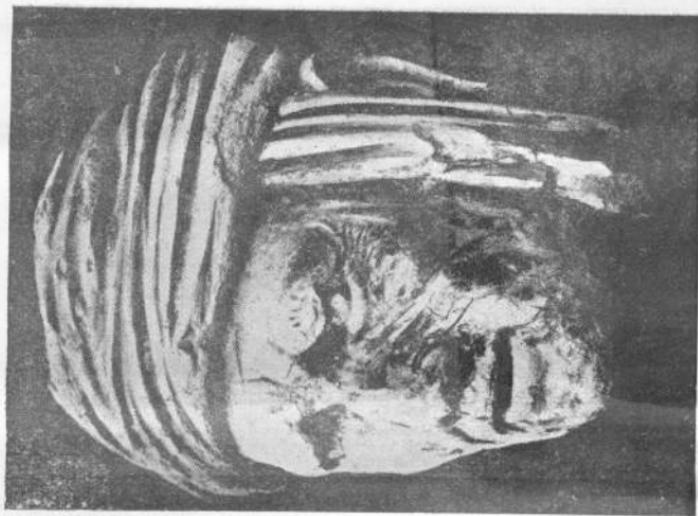


لوحة ٦ الف : سریکنفرسا کانی - از هده مکشوف

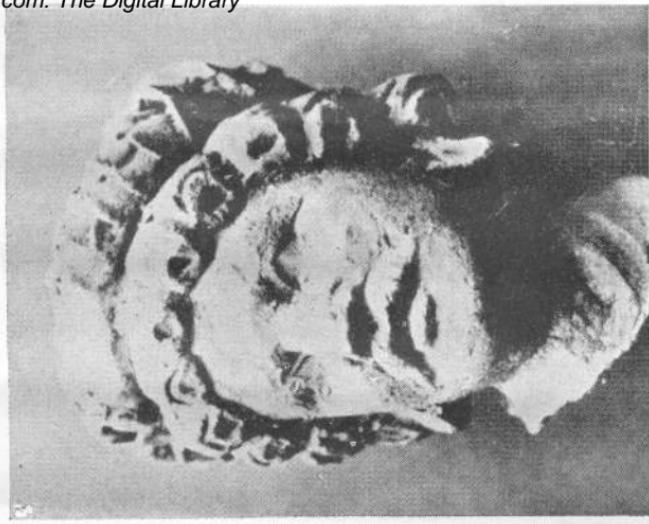
در موزه به کابل فرار دارد

b. Hadda. Tête d'un Afghan (Musée de Kaboul)

Pl. VI - a. Hadda. Tête d'un Saka
Musée de Kaboul



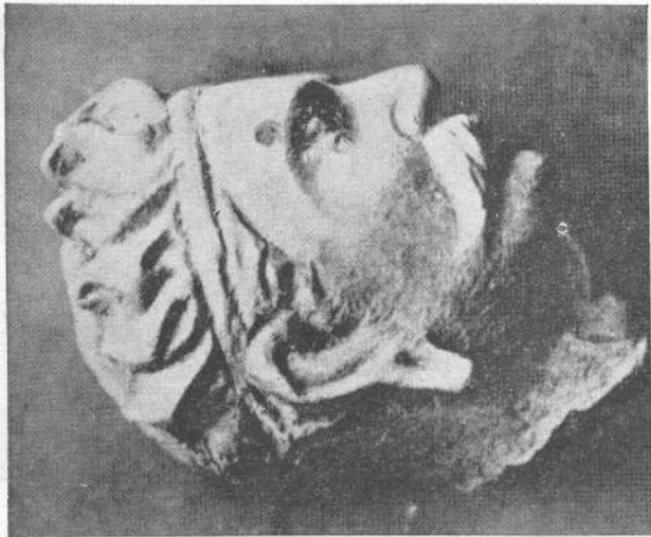
ب : سریکنفر افغان - از هده مکشوف و در موزه به کابل موجود است



لوحة ۵ - اalf : سر یا گنفر رومانی - از عده مکشوف و در

موزه کابل موجود است

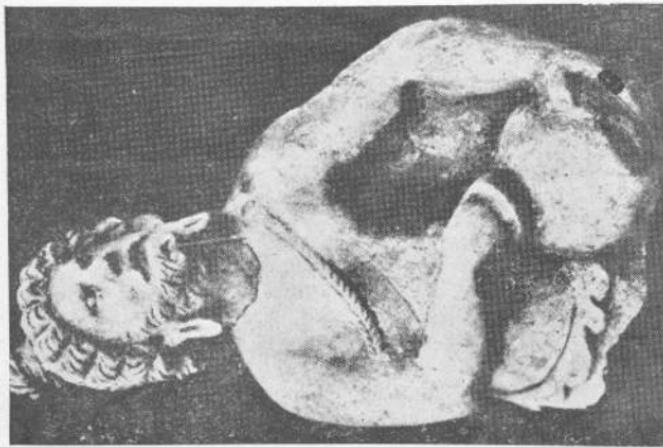
Pl.V - a. Hadda. Tête d'un Romain
Musée de Kaboul



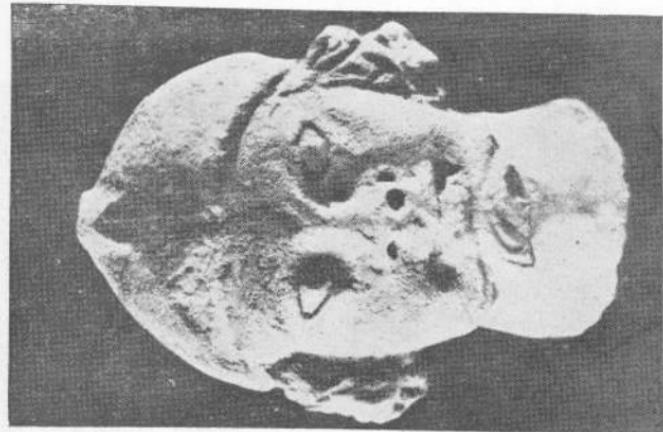
ب : سر یا گنفر از حکمداران کوشانی - از عده

مکشوف و کنون در موزه کابل موجود است

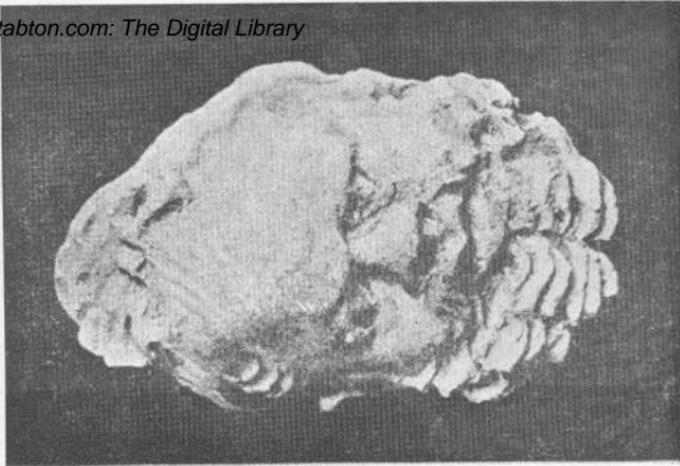
b. Hadda. Tête d'un roi Kushana
Musée de Kaboul



ارجع ۷ : انف : تمثال یک سنگ مر همن کارلوه را در
مرداشت آزاده مکشوف و در موزیم کابل موجود است
Pl.VII.a Hadda. Brahman portant un
lota (Musée de Kaboul)



ب : سر یک سنگ ایرانی - از هده مکشوف و در
موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'un iranien
Musée de Kaboul



لوحده اف: سر یک شرمند چینی - از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است

ب سر یک شرمند چینی - از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است (Musée de Kaboul)

Pl.VIII a. Hadda. Tête d'un Rajput
b. Hadda. Tête d'un chinois (Musée de Kaboul)



Musée de Kaboul

بودایی هم گفته میتوانیم - یعنی یکسفر بیهودی بوده که آین بودا را اختیار واخیراً شامل « سانگها » (مجمع راهبان بودایی) گردیده است (اوحة ۱۰ - الف). در جمله این گروه مجسمه های قرن اول عیسوی ، بالاخره تمثیل یک نفر جخشی است که دارای پیشانی رشد ناگرده ، یعنی پهن ولب های پیش برآمده بوده ، میزات نژاد جخشی بکلی در و آشکار است . این جخشی له از افریقای مرکزی آمده ، هوای سرد افغانستان را احساس کرده و برای اینگه خود را گرم نگاه دارد ، پوستین را بسر خود مثیله دهاین مملکت تاکمنون استعمال مینمایند ، کش کرده است .

جشنیان متعدده‌ئی بی شبهه از افریقا بحیث غلامان تا جران رومائی ، وارد افغانستان گردیده است . مگر این مجسمه از نقطه نظر تختیک ، بیشتر قابل ملاحظه است : این شخص بلند بالا ، سر تا یار خود را با پوستین طوری چسب یهچنانه که شکل بدنش ازان بخوبی معلوم میشود . وضعیت خمدار بدنش که گونی از درددرونی و ناقابل گفتن و تحمل نایند بری نمایند کی میکند ، و شکل تیره و غیر واضح تمام جسمش (که هیکل ساز ، آنرا باستنای سر ، ظاهرآ نا مکمل گذارده) بعضی از آثار صنعتی معاصر ، از قبیل مجسمه های ساخت ایستین Epstein را بخاطر آورده ، و ازان را طبعاً بعیرت می اندارد که صانع آن کدام شخص بوده که افکار امر و زده صنعتی را ۱۳ قرن قبل ، بصحته عمل نمایش داده (۱) - (اوحة ۱۰ - ب) . اینک در اثر اتخاذ این مسالک حقیقت بوده ، که صنایع مدرسه گندهاره

(۱) موسیو هاکن (L'oeuvre de la Delegation کارهای هیئت مغاری - ص ۱۲ و ۱۳) عقبده دارد که این مجسمه ، تمثیل یک دیو است .

مملو از حیات است . فقط به یک مقایسه فرق این صنعت آشکار می شود : در موزیم « لیتران » واقع در روما ، یک مجسمه فشنگ سرمن در قرار دارد که جوان چهار شانه مو سوم به « انتی نوس ور تمنو س » Antinous Vertemnus را در حالیکه یکدایمن گل (شاید بهمقصده بود) با خود داشته است نشان میدهد - (لوحة ۱۱ - الف) . درین مجسمه ، مفکوره ، زیبا و طرز عمل ، مسراست آور است ، ولی اگر بی غرضانه مجسمه من بور را معرض امتحان فرار دهیم ، خواهیم دید که فقط یک مجسمه است و بس به روحی دارد و نه خون در شرائیش در جریان است - بلکه بکلی فاقد حیات است . دو سال پیش ، یک مجسمه شکسته کچی در « هده » کشف گردید که آنرا نقل اصلاح شده مجسمه جوان و ایکانی گفته میتوانیم (لوحة ۱۱ - ب) .

درین مجسمه نیز همان مفکوره عملی گردیده ، و طرز عمل هم عالی است - مگر معدل لک ملاحظه نمائید این دو مجسمه چقدر از هم مقاوت اند با وجود یکه مجسمه هده شکسته است ، معدل لک منقادین و موشگافان صنعتی آنرا بر مجسمه « و ایکان » ترجیح خواهند داد ، چه ، مجسمه هده مملو از حیات است . بعلاوه ، وضیعت موهای فرق سر مجسمه هده بیشتر طبیعی است ، درحالیکه از مجسمه و ایکان ، با آنکه فشنگ و زیبا است ، عاریه بنظر می آید . همچیزی سنگهایی (قطیفه) که از شانه های جوان هده آویخته و فقط سینه را بر هنر گذاشته است نسبت به قطیفه سمت و کشالی که بدور گمر « انتی نوس » گرفته شده براتب زیبا و جلوه می کنند .

نحوه دیگری از مجسمه های « هده » (لوحة ۱۲ - الف) بخودی خود

فرق بین عضو مرد و بی روح و عضو زنده بدن انسانی را ارائه می نماید .
مو سیو بار تو (۱) و موسیوها کن (۲) این اثر صنعت هیکل تراشی را « دیو »
می خوانند . ولی من خیال دارم ، مجسمه مذکور یکی از پیروان جدی و جذوب
بودائی است که مانند « سری سنگها بودهی » Sirisanghabodhi پادشاه
سیلوون (۳) یا « نا گار جونه » Nàgarjuna (۴) ، سر خود را به « بودا »
میدادند تا در نسل آینده مقم بودائیت را بدست آورند . این شخص متفقی ،
سر خود را بادوست خود ، به بالا کشانده جدا میکند . و دو قسم نخاع او ،
در اثر کش شدن ، گوئی منبسط ویدجا شده بوضع مهیب معلوم می گردد .
دست های آن در حالیکه سر را محکم گرفته وبطرف بالا فشار میدهد ، زنده
و با روح معلوم میشود . سر آن ، سر مرد و راشن میدهد ، چشم انداش مثل کسی
که تازه جان داده ، کمی بسته است . وبوست رخسارش بطوف پائین کشال
شده ، و در نزدیک چشم ها و بینی ، چین تولید کرده است ، بالاخره این مجسمه
نا مطبوع ، در عین مرگ مملو از جبات است .

از حیث تریین و بیرایه نیز مدرسه « گندھاره » بکلی از مدرسه یونانی اختلاف
دارد : صنعت شرقی در تریینات ، همواره بکشتر بکار رفته است و بنا بر این
ذوق و لیقۀ مدرسه گندھاره ، از مفکورهای خیالی آنکه که راجع به حسن

(۱) اثر مذکوره « بار تو » ص ۱۰۰ - (۲) « کارهای هیئت
عتمیقه شنا سی فرانسوی در افغانستان » - اثر موسیوها کن - از ۱۹۲۲ تا
۱۹۳۲ - ج ۱ شکل ۲۰

Mahāvamsa, LXXXV, 73.77 (۳)
Kathā Sarit Sagara, vll, 7 (۴)

وزیانی داشتند ، خبلی دور است . یونانیان میگفتند : حسن طبیعی ، زینت بکار ندارد . مگر صفت گران گند هاره عقیده داشتند که حسن طبیعی بواسطه زینت دو بالا می شود . این زینت و تجمل ، مخصوصاً در کلاهای تمام مجسمه های بودائی دیده میشود (باستانی مجسمه های خود بودا ، چه بودا بقرار مسلک خود ، اشیای تجملی را در بر گرفته نمیتواند) - در موزیم یشا ور یک مجسمه « بودهی ساتوا » وجود دارد که از معانی آن حقیقت فوق تانید می گردد (لوحة ۱۲ - ب) - این تمثا ، بودهی ساتوارا بصورت یکسفر شهزاده (عیناً ملیکه « گاتاما » بقرار روايت بودائیون ، موقع قطع علاقه از دنیا بود) نشان داده است . مگر تاج آن ساده نبود بلکه ۱ صلا شرقی و با جواهرات ، گل ها ، اشکال حیوانات و فیته ها منین گردید . بعضی ازین گونه تاجها یا کلاه ها ، مجسمه کوچکی در پیش روی خود داشته (لوحة ۲۴ - ب) و آغاز رسم « تانترک » Tantric (یعنی نهادن مجسمه بودا بر سر رب النوع ، بدین معنی مفهوم (باطل) که رب النوع من بودا زنشه ذا در بود اخلق شده) از ان معلوم میشود . این وفتر تزئینات ، مخصوصاً در مجسمه های « بودی ساتواهای کامل » دیده میشود - و یکی ازین مجسمه ها که از مقام « شا هباز گرهی » کشف شده و کنون در « موزیم لور » است ، نو نه خوبی ازین میزرات صنعتی مدرسه گند هاره بشمار میرود (اوحة ۱۳ - الف) - لباس این مجسمه قطعاً ساده نیست و تاج آن متنها درجه ییچیده است - گردن بند و زنار آن ، سینه بر هنر اش را تقریباً پوشانده بازو بند و انگشت در بازو و دست های او معلوم میشود و گوشواره ها در گوش دارد حتی چپلی های آن قیمتی بوده و استادانه کار شده . و در پایه

مجسمه در هر چند انج فاصله ، یک مجسمه یا شی مزین منقوش است . هر گز صنعت گری در یونان ، چنین مجسمه را که در همه جهات تماماً هندی میباشد ساخته نمیتوانست .

چهارمین اختلاف مدرسه گندهاره از مدرسه یونان که آنهم ناشی از اختلاف مسلک حقیقت میباشد ، اینست که صنعت گران گندهاره همواره می کوشند احسانات و عواطف عمیق روحی یعنی صمیمت و جذبات اصلی قلیل را موقع مراقبه و تفکر ، و سکون روحی آنهای را که ترک نفس گفته اند ، و نفرت از غرور و علائق دنیوی و غیره را میخواهند تجسم دهند . مثلاً هرگاه سرهای بودا را که در حال مراقبه است ، مطالعه نماید (لوحه ۱۴ - الف ، ب) تأثیرات روحی را در دید گران نمی باز ، در لب هائی که بلا یمت بسته است ، و بالآخر ه در تمام قیافه آرام و ساکت آن مشا هده خواهید کرد ، چنان ذکر گوئی در حال بی خودی است . حال اگر این سرهای را با بعضی از سرهای « بودھی - اتوها » یعنی روحانیو نیکه هنوز به تمام صفات بودائی متصف و کامل نگردیده مورد تطبیق فرار دهید ، خواهید دید که در یکی ازین سرهای غرور ، در دیگری غم و درسومی اضطراب و هیجان روحی پدیدار است . همچنین ملاحظه خواهید نمود که در مجسمه های فقیرها و فقیرهای بودائی ، برخی مملو از صمیمت وزهد و ندامت و بعضی دیگر حتی در موقع اجرای وظائف مذهبی مغرور و آشفته حال بوده (لوحه ۱۳ - ب) و یا اثری از سرور روحی از چهره آنها میتراود - در یکی درد والم رو حی در حال یکه چشمان را به آسمان به استعانت برداشته (لوحه ۱۵ - الف) هویدا و درد یگری سکون روحی موقع عبادت آشکار است (لوحه ۱۶ - الف) - زنی اوضاع و اطوار زنانه خود را ابراز

میدارد (لوحة ۱۵-ب) و دختری با وجود بیچندگی و بر کاری کلام خویش، محبوب و باحیا معلوم میشود (لوحة ۱۶-ب) - مجسمه دیگری تمثال یکنفر متحن مذهبی است که مردمان را به تفکر بالای مرگ دعوت نموده و ضمناً به جسمه که بدست چب دارد، اشاره میکند. چهره های تازه و جوان آنها در حین تبسم، شرعاً رو حی این تفکر و نیز این مسئله را که در اثر پشت با زدن غرور ولذات دنیا نی، چقدر مسرور اند، نشان میدهد (لوحة ۱۷-الف).

مکن است بگویند اند کی ازین مجسمه ها، نفوذ یونانی را لا اقل در بعضی جزئیات (مثل طریق آرايش موی، نیمرخ بودن بعضی چهره ها، طرز گرفتن بودا سنگها تی (قطیقه) را در بغل راست، و غیره) نشان میدهد. اینک این خصوصیات را جدا جدا معرض امتحان قرار میدهیم :

طرز آرايش موی و اقاماً خلی غریب است : در جمله سرهای گچی که تازه از هده مکشوف گردیسه، چند سر از فریجی ها (۱) و جود دارد که موی سر آنها مانند موی مجسمه نیم تنه اسکندر کبیر واقع « دربرنش موزیم » میباشد. دیگر سرهای هده، موهای مجعد دارند - از انجمله است مجسمه کاازمقام « اسراداتی » توسط پروفیسر « ژو و دوبروی » فرانسوی ساکن پاندیچری کشف، و کنون در « موزه کیمیه یاریس » است. بهمین سبب بوده که این سر را باسر « هارمود یوس » واقع در « موزیم ملی فایل » طرف مقایسه فرار داده اند (۲). حال، اوں از همه با یستی فایل شویم

(۱) اهالی قدیمة صفحات شمال غربی آسیا صغیر . (۲) کتاب کارهای هیئت حفاری فرانسوی در افغانستان - ص ۱۰ مقایسه شود با The Pallaves اثر « ژو و دو بروی » ص ۱۰ و لوحه آ.

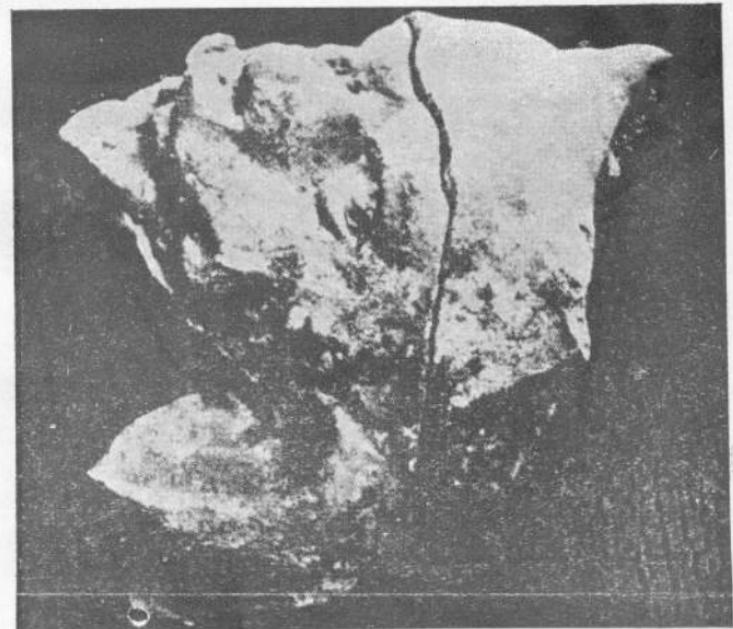
که وضعیت موهای سرهای مکشوفه از هده باندازه متفاوت و متنوع است که بعضی اوقات این موها متوج و بر جسته و گاهی بر عکس - و زمانی در از و آرایش داده و به پشت سر انداخته شده - و در برخی از احوال ، کوتاه بوده و مختلف حفص آن مجعد ساخته شده است . چنانچه از روی تصاویر مقاله ، این نوع پدیدار است . پس جای تعجب نیست که درین قسم کلاه های زیاد و گوناگون ، بعضی از هیکل سازان هندی در طرز ساخت ، با بعضی از از هیکل سازان یونانی شباهت بیدا کند . بلکه خیلی ممکن است هر دو هیکل ساز ، بر سیل توارد ، یکطرز را پیروی کرده باشند .

راجم به موهای مجعد و مجسمه سابق الذکر ، در ظاهر و افعاً یک شباهت موجود است ، ولی اگر تدقیق شود ، فرق بزرگی بین هردو وجود دارد یعنی موی مجعد مجسمه بودا یکی از علامات ممیزه « مهایر و شالکشان » بوده و بقرار نوشته جات قدیمه بودائی ، این جعد از چپ به راست میرود ، درحالیکه در مجسمه « هارمود یوس » جعد موی از راست به چپ میرود . اما مجسمه های نیم رخ بودا ، با مجسمه های قدیمه یونانی ، شباهت خیلی برجسته بهم میرساند (لوحة ۱۸ - الف) مگر این شباهت اینظور نیست که بالضرور از مجسمه های یونانی متاثر شده باشد - از طرف دیگر این مجسمه های یونانی طوریکه فوّاً اشعار یافت ، در افغانستان و هند شما لی یافت نشده است - در واقع این گونه قباقه در یونان قدیم عمومیت داشته و بسیاری یونانیانی که بهند آمدند ، بدون تردید دارای همین نوع چهره بودند - و بعضی از اخلاف آنها در هند لا اقل در آغاز دوره مسیحی ، با حتمال اقرب

این خصوصیات قیافه را بمیراث بردند . حتی در اثنای مسافرتم در افغانستان اثر آنها رادر چهار نفر افغانستانی که یکی از اینها در سفارت ایطالیا مقام کابل ، با غبانی میکرد ، یافته توانستم . بنا بران دور نیست که هیکل سازان عصر کوشانه در مجسمه های خویش بعضی ازین خصوصیات چهره را که در حقیقت در بین همسایه های آنها وجود داشت ، نقل کرده باشد .

بالاخره طرز پوشیدن سنگهاتی (قطیقه) ، مخصوص و خیلی غریب است (اووح ۱۳ - ب) . در موزیم کابل ، بهلوی یکی از مجسمه های بودا که بهمین اسلوب ساخته شده یاک عکس از مجسمه معروف و کلا سیک « سوفوکلیز » برای اراوه شباخت بین هر دو اسلوب ، نهاده شده است . من درین مجسمه ، نفوذ یونانی را علی الفور قبول میکنم - ولی نه اینکه این نفوذ مستقیماً از صنایع یونانی ییدا شده باشد . بسیاری یو نانها در این مناطق ، چند قرن پیش سکونت داشتند - و بو میان مناطق من بود بی شبهه این اسلوب پوشیدن قطیقه را تقلید نمودند . حتی امروز جو یانهای افغانی در زمانستان ، شالهایی را می پوشند که از بالای شاهه راست وزیر بغل چپ گذشتند و دست آنها بهمان اسلوب مؤفری که در مجسمه « سوفوکلیز » (۱) دیده میشود ، بیرون میماند صنعت گر گشته هاره . حیات واقعی را در مجسمه های خود تمثیل میکرد - یعنی عجب نیست که مجسمه بودا را بهمان اسلوبی که در زندگی روزانه خود دیده اند ، لباس پوشانده اند .

(۱) در نطقی که در اجمن ادبی بنار یخ ۳ نومبر ۱۹۳۴ ایراد داشتم تذکر داده ام که مردم افغانستان هنوز لباس خود را بهمان وضع مؤفر یونانیان قدیم ، در بر میکشند . رجوع شود به روزنامه اصلاح - مورخه ۵ نویمبر ۱۹۳۴ .



لوحه ۹ الف - سر میستوفلیس - از هده مکتوف و در
موزه های کابل موجود است

PLIX a. Hadda. Tête de Méphistophélès (?)

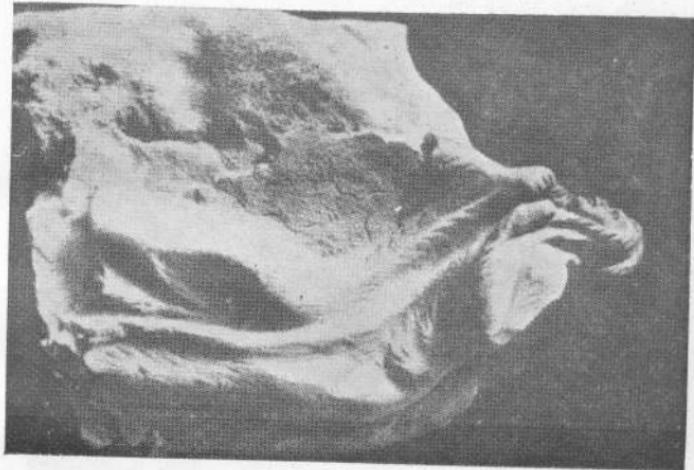
Musée de Kaboul

ب : سر یکنفر سرباز یونانی - از هده مکتوف و در

دور موزه های کابل موجود است
Hadda. Tête d'un soldat grec

Musée de Kaboul

b. یکنفر عفریت که پوستین پوشیده است - از هد
ب : مکشوف و در موزیم کابل موجود است .



Musée de Kaboul

لوحه ۱۰۰۰ الف : سر یکنفر بیود - از شهر بهلول
مکشوف و در موزیم پشاور موجود است

Pl.X a. Shah-i-Bahlol. Tête d'un juif
Musée de Peshawar





لوحة ۱۱ - الفاتينوس در تونوس - در موزیم لیتران
Pl. XI - a. Antinous Vertumnus
Musée de Lateran



ب : جوانی است که گل پاش میدهد - از هده مکشوف
و در موزیم کابل موجود است
b. Hadda. Jeune homme dispersant les
fleurs (Musée de Kaboul)



لو ۴۲۱ الف : یکو از هشتادین بودا در حالکه سر خود را برای بودا میدهد . از هده مکشوف و در موزه کابل موجود است

کابل موجود است

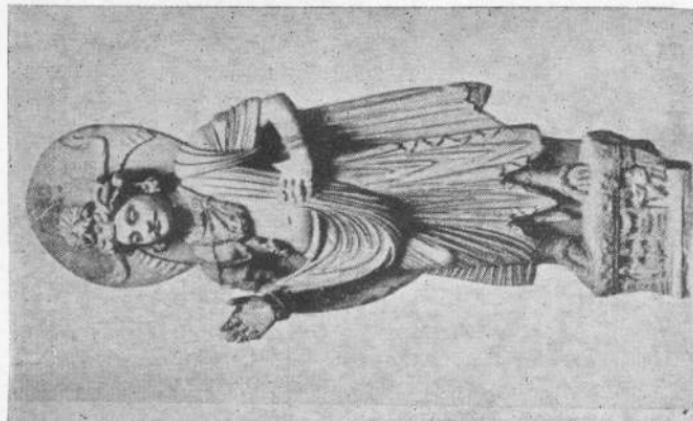
Pl.XII a. Hadda, fidél offrant sa tête à Buddha. (Musée de Kaboul)



ب : سر یکنفر بودی ساتوا - از شهر بهلول مکشوف و در موزه کابل موجود است

b. Shah-i-Bahlol. Tête de Bodhisattva
Musée de Peshawar

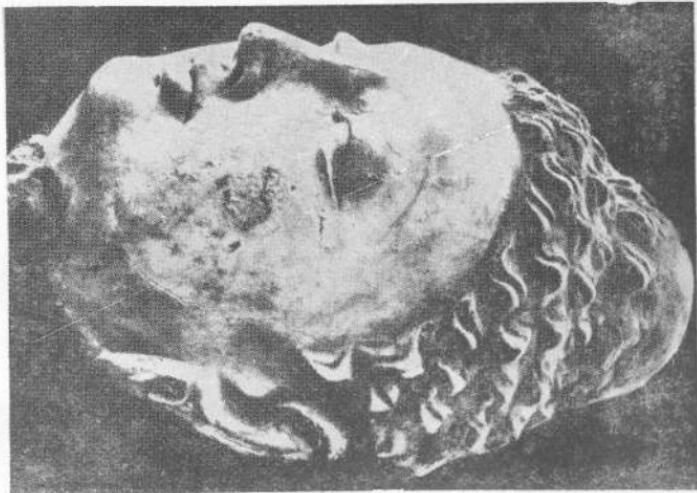
لوحه ۱۳۱۰۰ الف : مجسمه بکنفر بودی ساتوا : از شاهزاد
گرمی مکشوف و کنون در موزه ملودر پاریس وجود دارد
Pl.XIII.a, Shahhbaz-Garhi, Statue d'un
Bodhisattva-(Musée du Louvre, Paris)



ب - راهب و راهبه بودائی : از هده مکشوف و در
موزه ملی کابل موجود است
b. Hadda, Bhikkhus et Bhikkhuni
Musée de Kaboul



b. سر بودا - از هده مکثوف و در موذیم کابل
موذیم کابل موجود است



لوحه ۱۴ الف سر بودا - از هده مکثوف و در
موذیم کابل موجود است



Pl.XIV a. Tête de Bouddha (Musée de Kaboul)

لوحة ۱۵ الف. یکی از پرتوان بودانی در چین دعا
از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است



Pl. XV a, Hadda, un Buddhist religieux
en prière (Musée de Kaboul)



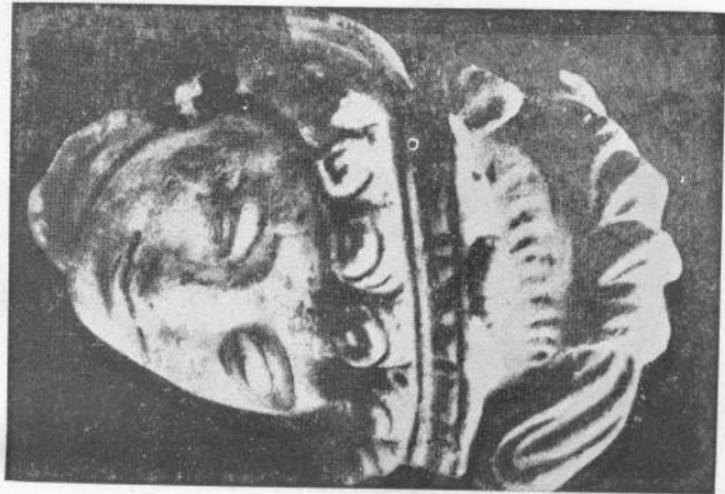
d. Hadda, Tête d'une fille
Musée de Kaboul

ب. سر یک دختر - از هده مکشوف و در موزیم
کابل موجود است

ب : سر یک دختر محبو به - از عده مکشوف و در

موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Tête d'une fille timide
Musée de Kaboul



لو ۱۶۶ - الف : تمثال یک دختر برهنگ کار - از

مکشوف و در موزیم کابل موجود است

PL. XVI a. Hadda. Une fille religieuse
Musée de Kaboul



هیکل سازی قدیم افغانستان

مطالعه این جزئیات و خصوصیات مجسمه ها بمامی فهماند که هیا کل گند هاره قطعاً یونانی الاصل نبوده بلکه بر عکس اکثر از آنها اصلاح هندی میباشد . قبل از تذکار رفت که بیچ و تاب موی مجسمه بودا بقرار نوشته جات قدیم بودائی ، خاصه موی « لکشاناس یعنی انسان کامل بوده . » اوشنو سا « یا برآمدگی جسمه که در تمام مجسمه های بودا دیده میشود نیز واقعاً از میزات بونانی نه بلکه یکی از علام تمام خصوصه همین « لکشا ناس » است . نه تنها بعضی از مجسمه های بودا ، بلکه عملاً تمام مجسمه های آن ، علامت دیگری هم از لکشا ناس را اراوه مدد که عبارت از نزمه گوش است که تاشانه ها کشال شده و این چیزی است که هیچ صنعت کار یونانی گاهی جرئت به تمثیل آن ننموده ، بلکه ازین قواره خیلی بد بوده و آنرا وحشیانه مینماید . نیز اگر سرهای مکشوفه از هده را ملاحظه نمایید ، ملتقت خواهید شد که چشم انداز اکثر از آنها آن چنان صادقانه که درد نیای حقیقت وجود دارد ، نیست (لوحة ۱۷ - ب) بلکه قبل از تایل به بادامی شده اند ، چنانکه از هیا کل و تصاویر تمام هند از قرن ۵ تا ۳ مسیحی این حقیقت بیداست . بنابران واضح گردید که مدرسه معروف به « مدرسه یونانی و بودائی گند هاره » ، قطعاً یونانی نبوده و نه از هیکل سازان یونانی متأثر گردیده است - بلکه بکلی یک مدرسه خالص هیکل سازی وطنی (افغانستان) بوده و مفکوره ها و میزات جدا گانه داشته که از مفکوره های هندی متأثر شده است .

لا کن درینجا طبعاً سوال ذیل پیدامیشود : پس هیکل سازان گند هاره که بودند ؟ و چنین صنعتی را که از حیث میزات هندی خود نسبت به صنعت

سالنامه «کابل»

و هیا کلی که بعد ها در هند در زمان کلا سیله آن عرض اندام نموده ، اینقدر متفاوت است ، که ایجاد نمود ؟ در واقع هیین عدم شاباهت و تفاوت بزرگی که بین هیا کل گند هاره و هیا کل بقیه حصص هند از زمان « گپتا » تا عصر « هوی سالا » و حتی عهد « جایانا گارا » وجود داشته ، علت اساسی این مسئله گردیده که اکثر از مرور خیین و منقدین صنایع فیسیه متغیر شده اند صنایع منبور را در اراضی شمالی هند از نفوذ یوتا لی متأثر بستن است .

و این در حقیقت عقدة مهم تمام مسئله است و ما آنرا بطور عمومی ذیر بحث میگیریم : برای این کار اینک اولاً تدقیق میکنیم که ساکنین صفحات شمالی هند که بودند ؟

قبل از همه در انجام آریها می بودند که از زمان هجوم و مهاجرت آریه ، اعلا ۲۰۰۰ سال پیش ، سکونت اختیار کرده - و با اهالی آن دیار ، مثل دیگر مللمنات دراز مه قدمیم ، آمیزش یافتدند . مگر این نژاد مختلفه « هند و آرین » هنوز هیکل سازان خوبی ثابت نشده بودد . چنانکه در « رگه ویدا » یک کلمه از مجسمه تند کار نیافته (۱) و نه مجسمه (فراریکه معلوم میشود) در ان زمان وجود داشته است . - بلکه مجسمه چند قرن بعد ، شاید در اثر نفوذ « در اویدی ها » پیدایش یافته (۲) چنانچه از جمله سه مجسمه که در باک نوشته تاریخی تند کار یافته ، دوی آن مجسمه از باب ا نوع دراوید بهاست که شامل

(۱) اینکه از مجسمه « اند را » در « رگه ویدا » تند کر رفته باشد ، خیلی مشکوک مینماید . (۲) مقاله « ظهور فن صورت گری هند قدمیم » بقلم میکدونل در مجله انجمن شاهی آسیانی سنه ۱۹۱۷ ص ۶۰۲ - اشارف از برستش بودا به بت ، فراریکه معلوم میشود ، عقیده آریانیهای قدیم را مقابله نفوذ خارجی نشان میدهد .

هیکل سازی قدیم افغانستان

معبدان آریانی‌ها بود - «پاتن جلی» در قرن دوم قبل المیلاد در ضمن شرحی که در باب «یانینی» نموده از نایاش رب‌النوع شدوا - سکاندا، و «ویشا که» حرف میزند (۱) ازین معلوم میشود که نمایشات مذکور، لا اقل در روز های «پاتن جلی» در قرن ۲ ق.م و حتی شاید دو قرن پیشتر در زمان حیات «یانینی»، بوقوع بیوسته است. این عمل هیکل تراشی بی شبہ تسلسل و زیادت پنهان یافت، چه از او اوسط قرن اول مسیحی، از باب انواع هنود در مسکونات هندی با چهار دست تمثیل گردیده اند (۲) یعنی هیکل تراشی اصلا خیلی از پیش مورد استعمال و برستش بوده که در آغاز دوره مسیحی بدان پایه رسیده است. معذ لک هیچ‌کدام ازین هیا کل باقی نمانده و بما نرسیده است قدیمترین مجسمه رب‌النوع آریانی که تا کنون معلوم است، همانا مجسمه «سربیا» واقع در معبد «پارا سرامسوارا» بمقام «گودی ملان» در علاوه آرکوت شمالی، میباشد (۳) و همین مجسمه هم از مرکز مملکت در اویینی یافت گردیده و باحتمال اقرب به اواسط قرن دوم مسیحی، یا اوائل قرن سوم تعلق داشته است.

یک قرن پیش تر ازین، مجسمه‌های مدرسه گندهاره ظهرور داشت. برای تکمیل این صنعت مدرسه گندهاره، حتماً این فرضیه بیدا میشود که فن

(۱) «تبصره بر استعمال مجسمه در هند قدیم» - کتاب Indian Atiquarry «غاییقات هند» ص ۱۴۹. (۲) مقاله «ظهور فن صورت گری هنود قدیم» منتشره در مجله انجمن شاهی آسیائی - طبع ۱۹۱۶ ص ۱۳۰ بقلم میکدونل. (۳) «اصول صورت گری هنود» ج ۱ قسمت ۲ ص ۳۱۲ و ۳۱۳ تالیف گوینا تار او.

سالنامه «کابل»

جسمه سازی مدرسه گند هاره سابقه قدیمی داشته خواهد بود - ولی از چنین ادوار طویلی که مهارت هندو آریائی ها را در جسمه تراشی نشان بدهد ، بخارط نداریم .

پس آیا مردم دیگری هم در سرزمینی که این صنعت گند هاره ای نکشاف پذیرفت ، وجود داشت ؟ برای این مقصبه هر گاه و روی چند از قدیمترین تاریخ هند برگردانیم ، می بینیم که در «ویدا» نوشته است : بجنوب دریای «کبها» (کابل) تابه دهانه آن در دریای سند قبیله بزرگی مسکون بودند که «گند هاری» نام داشتند (۱) . در «آتھار واویدا» نوشته است که این گند هاری ها با اقوام «موجا وانت» و «آنگا» و «ما گادا ها» و «ما گاده» متعدد بودند (۲) - پس ، «مانظوریکه «آنگاها» و «ما گادا ها» سرحدات شرقی مقوعات آریائی را تشکیل میداد ، «گند ها ریها» و «موجا وانت ها» سرحدات شمال غربی آن را ارائه می نمود . از روی این تقسیم ، طبعاً چنین معلوم می شود که «آنگاها» و «ما گادا ها» و همچنین «گند هاریها» و «موجا وانت ها» مردمانی بیش از آرین بوده اند . و این نتیجه از نوشتة «آتھار واویدا» هم تائید می شود - چه «آتھار واویدا» می گوید خود او تکن (تب) را از مردم آرین به مردم «موجا وانت» که فبایل شمال غربی و دشمن آرین ها بودند ، اخراج و نقل داد - ورنه (تکمن) به آنها فرستاده نمی شد . در حقیقت گند ها ریها ، نسبت به آرین های مسطور در «رگ ویدا» خیلی قدیمتر معلوم می شوند . چنانچه در یک مذکور

(۱) Altindishe Leben (حیات قریم) - تالیف زمر - ص ۳۰

(۲) «آتھار واویدا» - قدمت ۵ - بد ۲۲ .

هیگل سازی قدیم افغانستان

بنام شاه « بهاو یا » Bhavya حکمران سو احل سند، سروده شده، یک بیت به وزنی مختلف ازوزن مধیه وجود دارد که اشاره به گوشنده‌انی مینماید که « گندارها » پرورش میدادند (۱). و امروز این بیت را قسمتی از سرود مطول تری می‌بندارند که وجهه عشقی داشته و طبعاً با یستی نسبت به سرودهای خود « رگ ویدا » قدیمتر و بنابران ازمهای جات آرین ها پیشتر باشد (۲)

علاوه از قبایل کوچکی که آنها هم قبل الارین معلوم می‌شوند از قبیل مد راسی ها - سیواها - بالهیکاها - بهلا ناها و غیره، با یستی دو قبیله دیگر را نیز که قرار معلوم نسبت به سابق الذکر، رول مهمتری در اراضی شمال غربی هند بازی کرده اند، تند کار نماییم - این در قبیله « کمبوجه ها » و « تاکهاها » (یا تکشاها) می‌باشند. می‌گویند سابق الذکر بزر بانی غیر از زبان آرین ها حرف میزدند (۳) و آخر الذکر (که یک مرتبه تو سط « سوداها » در جنگ « ده یاد شاه » مغلوب شده اند) بقول « مهابهارتة » به نزاد « ناگه » Nogas تعلق داشته و بنابران « در اویدی » بودند (۴). تمام این قبایل که اصلیت در اویدی داشتند، بمرور زمان آریائی شدند - ولی همسایه های آریائی آنها، بسیاری رسم و عادات قدیمه غیر آریائی را که قبائل مذکور تا امروز دارا میباشند، نپذیرفتند - از آنجمله « رساله کشانیه » که از قبول رسوم رهبانیت (۵) که در بین مدراسی های آن زمان معمول

(۱) رگ ویدا قسمت ۱- بند ۱۲۶ (۲) کتاب « بعضی قبائل کشانیه در هند قدیم » تالیف « لا » ص ۲۵۵ و « سرودهای مذهبی رگ ویدا » اثر « گرفث » ج ۱ ضمیمه ۱ ص ۶۴۸ (۳) Nirukta قسمت ۲ ص ۲ (۴) مهابهارتة - آدی یار وا پاشبا - ص ۳ (۵) مهابهارتة - کار نا یاروا - ص ۴۵ -

سالنامه « کابل »

بود ، استنکاف ورزیدند - و قبائل « بالهکاها » که در ظروف چوبی و گلی طعام میخوردند (۱)

حال آمدیم باینکه آیا این قبایل در اویدی قبل این بوده اند که چنین آثار صنعتی را که نمونه های مدرسه گند هاره شمرده میشود ، از خود بوجود یا ورند ؟ او لا بخاطر باید داشت که در اویدی ها در زمان هجوم آرین دران مملکت ، تمدن عالیتری را مالک بودند (۲) - بر علاوه ، در اویدیها در بین خود راجع به فن هیکل سازی و مفکوره های بلند ذیائی خوبش روایت خیلی قدیمی دارند - و او لین آثار صنعتی که انسکاف و ترقی مهمی را در فن هیکل سازی از خود نشان میدهد ، از مقام « هرب په » و « مومنجو دیرو » بدست آمده .

کنون جای آن نیست که ثابت کنیم تمدن وادی سند قبل الارین بوده . چه این حقیقت را « سرجان مار شال » و « مسترار نست میکی » و دیگران پهدر کفایت ثابت کرده اند و دلایل آنها را تا کنون کسانیکه تمدن آریائی را در دو شهر مذکور میخواهند کشف نمایند ، تردید و یا ضعیف ساخته نتوانسته است . همینقدر درینجا می گوئیم که اسب را که حیوان معروف آریائی هاست باشند گان « مومنجو دیرو » نمی شناختند و بر عکس نر گاو - بز - گاو میش - اسب یک شاخه داستانی - پلنگ ، فیل و شاید دیگر حیوانات در نزد شان معلوم بود - پرسشش « لنگه » (آله تناسل مرد) هم قرار یکه معلوم میشود نزد آنها رواج داشت ، بر ستش درخت خیلی عام (۱) ایضاً ص ۴۴ - (۲) هنود قبل التاریخ و هنود قرون اولی هندوستان ، من ۱۲ - ۱۴ تالیف « بازرگی » .

هیکل سازی قدیم افغانستان

بود - و یکی از عام ترین علامه های « موهنجو دیرو » (که دا کتر پرن ناته (۱) آنرا « گاو » میخواند و منشأ علامت برج ثور معلوم میشود) در یکی از ظروف سفالی قبل التاریخی در فریه « والا لور » در علاقه « کوئم با تور » واقع در قلب مملکت در اویدی ، یافت شده است (۲) . نیز دو مجسمه کوچک سنگی شکسته ، از « هرب په » مکشوف گردیده است (لوحة ۱۹ - الف ، ب) و سر جان مارشال (۳) راجع به آنها یان ذیل را ایراد نموده :

(وقتا که نخستین بار این مجسمه ها را مشاهده نمودم ، نیتوانستم آنرا قبل التاریخ بخوانم . این مجسمه ها تمام افکار و نظریات را جمع به صفت مقدماتی را برهمنم زده چنین طرحی در دنیا قدمیم تا عصر تمدن صنعتی یونانیان مجھول بود و بنا بر آن خیال کردم که یقیناً کدام غلطی در تاریخ صنعت قدیم زوی داده است وابن مجسمه ها به عصر « هندو یونانیها » ، سکه ها و یا پارت های پنجاب تعلق داشته و به میادین قریب ۳۰۰۰ سال پیشتر نسبت به مجسمه های خود میادین مذکور ، نشر و اشتاعت یافته . و این نظریه آنی خواهد بود که بتاریخ هیکل سازی مقدماتی ، معرفت دارند .)

ولی سر جان مارشال را با آسانی قانع ساختند که مجسمه های مذکور نظریه به

- (۱) مقاله « طلیعه نگارش هند » اثر « ناته » منتشره در جریده مصور هفته وار هند - تاریخ ۱۳ - اکتوبر ۱۹۳۵ ص ۲۰ و ۲۱ و ۳۲ و ۳۵ . (۲) کتابک عتایق قبل التاریخ ، موزیم حکومتی مدراس ، لوحة ۳۵ - اثر « پرسوس فوته » .
- (۳) مو亨جو دپرو و مدنبت وادی سندھ - ج ، ۱ ص ۴۵ - تالیف مارشال .

سالنامه « کابل »

چگونگی کشف و شواهد و براهینی که خود مجسمه های موصوف بودست داد ، حتی به از منه قبل التاریخ تعلق داشته است .

یکی ازین دو مجسمه ، بدون سرو دست و پابوده وازنگ سرخ نفیسی ساخته شده است . و سرجان مارشال راجع به وضع ساخت آن میگوید : « این مجسمه کامل (عکس نیرخ) بوده و شاهه های متناسب و قدری به عقب و شکمی اندک برآمده داشته . ولی حسن آن اینجاست که حصص گوشت دار بدن آن خیلی حقیقت کارانه واعلی طرح شده مثلاً سرین ها بهارست کاملی هموار گردیده و فرو رفته گی های قسمت خلفی وبالای ستون فقرات حدگره ها خیلی هنر مند نه تمثیل گردیده است . این اثر صنعتی چنان اثری است که صنعت کار یونانی قرن چهارم مسیحی ممکن بود بران افتخار کرده آنرا بخود نسبت دهد - ولی وضعیت مجسمه و شکم اندک برآمده آن ، از همیزات هندی است نه از یونانی - و حتی اگر نقوذ یونانی هم درین صنعت ثابت شود ، طرز عمل آن را میتوان هندی گفت (۱) .

اما راجع به مجسمه کوچک دومی که از سنگ سلیت ساخته شده ، چنین میگوید : « این مجسمه ، تمثال یکنفر رفاقت است که پایی راست ایستاده و بدن آن از کمر بالا بطرف چپ تمايل و خمید گی داشته و هردو دست آن به پیکتراف دراز گردیده و پایی چپ آن از زمین بلند و بطرف جلو آورده شده . » (۲)

سر جان مارشال ، یعنی از وصف دو مجسمه مذکور ، تنقید اخیر و قطعی در باپ این دو اثر حیرت انگیز قدیم نموده ، ما را ازان اختلافاتی که اساساً

(۱) ایضاً ص ۴۶ - (۲) ایضاً ص ۶

هیکل سازی قدمی افغانستان

بین صنعت یونانی و این شاهکارهای صنعت کاران هندی ، (که بنظر سطحی متشا به معلوم مو شوند) وجود دارد ، یاد دهانی کرده میگوید : « این دو مجسمه ، از حیث شکل (نه از حیث جوهر و اصلیت) اثر صنعت یونانی معلوم می شود - و در بادی نظر ، نمونه های خوب آثار یونانی را که این دو مجسمه تایک اندازه از دوی آنها نقل شده ، بخطاط می آورد . ولی علاوه از خود مزا یائی هم دارد که بکلی خالی از نفوذ یونانی میباشد ، و آن عبارت است از تمثیل حقایق تشریع البدنی که درین دو مجسمه بقدرتی بر جسته و ممتاز است که شخص را بشک می اندازد که شاید صنعت یونان اصلاً تقلید از هیکل سازان مسکون در سواحل سند بوده باشد (۱) - این صنعت گران که صنعت گران یونانی آثار آنها را حسن استقبال نمودند ، هیکل سازان در او بودند .

هیکل سازان دراویدی من بود ، در تحکیم اشکال حیوانات بر روی مهرها هم مثل ساخت دو مجسمه فوق الذکر ، مهارت داشتند . مثلاً رابع به نزگا و کوهان داری که بر روی یکو از مهرهای مکشوفه از موهنجودیر و کنده اند (لوحة ۲۰-الف) سر جان مارشال میگوید : « حکاک این تمثال ، و اضحا در موضوع خود مطالعه عمیقی نموده ، و از درستی بر روی کار آورده است - بر علاوه کار مهم دیگری هم نموده - یعنی در عین حال ، کوشش نموده حقایق را جلوه گر سازد ، و بنا بران حیوان من بور را به چنان شکوهی ساخته که مختص و منحصر به چشم و دست صنعت کار ما هر میباشد . » (۲) این شکوه حیوان مذکور از حیث اظهار

(۱) ایضاً ص ۴۶ و ۴۷ (۲) ایضاً ص ۴۳

سالنامه « کابل »

جهش روحی ، که یکی از میزات مدرسه گند هاره است ، با جسمه فوق الذ کر مطابقت تامی دارد .

چون این آثار صنعتی خیلی قدامت دارد ، نیتوانیم خط سیر نمود کامل آنرا سال بسال تعقیب کنیم . بر علاوه ، اکثر از آنها بواسطه ناپایدار بودن ماده که آثار مزبور ازان ساخته شده (مثل چوب و گل) بکلی ازین رفته و نشانی ازان ها بدست نیست . بالآخره محاباتی که در هند شمالی در نتیجه هجوم آرین بر روی کار آمده ، و نیز محابات متماقبه « کروک سیدرا » Kruksetra و جنگهای اسکندر و چند را گپتا مور یا صفت کاران در اویدی را موضع نداد که مظاهر تازه مدرسه ملی خود را بصفه عمل عرضه نمایند . مگر در فرن چهارم ق . م مطابق به عصر امنیتی که « آشو کا » بعد از جنگ با « کالانگاهها » بوجود آورد ، ناگهان به دوسر کوچکی بر میخوریم که مجدد آ صفت مدرسه مزبور را در اذهان جای بگیر می سازد . این دو سر که از گل پخته ساخته شده ، از یک بچه و یک دختر است که شاید خواهر و برادر باشند و هر دو در ضمن حفاری « پتلی پوتره » یافت گردیده و کنون در « موزیم پتنه » جای دارند . یکی تمثال حقیقی یک دختر جدی و فکور است که بین ۱۰ و ۱۲ سال عمر دارد و تمثال دیگر که جالب تر است ، از یک بچه بوده (لوحه ۲۱-الف) واگر کلاه خارجی (غیر پروری) اورا که از طرف دیگر باستی نقل صحیح از کلام معمول یعنی بچه های آن وقت باشد مستثنی نمایند ، تمثال بچه مذکور را میتوان اثر صنعتی عصری و با اثر صنعتی دور « زنسانس » دور (احیاء مجدد علوم و ادبیات) ، محسوب نمود ، لیکن صنعت کار یونانی ابدآ شیوه شخصی را بچین و ضعف سرور آمیزی ، تمثیل نکرده

هیگل سازی قدیم افغانستان

این بچه ۷-۸ ساله خندان است . ولی بچنان وضع عفیف و پر شوری میخندد که به ریزش قطرات آب فواره در حوض مرمرین پیشتر شباht دارد . این تمثال ، عفت و سرور قلبی پسر منزبور را بوضاحت اظهار مینماید .

آیا این دو تمثال ، اثر صنعت کاران در اویده است ؟ بلی بدون شباهه « پتلی یوتره » از زمان « نند اها » پایی تخت « مگده » بود . و معلوم است که « رشی ها » چقدر به نفرت و کراحت از « مگده ها » حرف میزدند در واقع « مگده » سلطنت در اویده بهائی بود که از آریانی شدن ، خیلی نفرت داشتند . سلا^۲ که در جنگ « مهابار ته » در « مگده » حکومت میکردند آریانی نبودند . و « جراسنده » که در انوقت « راجه گریهه » پادشاهی میکرد ، شخصاً در اویده بود . در زمان سلاهه « موریه » مگده بسیار آریائی شد - مگر عنصر در اویده هم بدون شباه وجود داشت و شاهان موریه بدون تردید ، هیگل سازان در اویده را که مهارت سابقی داشتند استخدام کردند .

گذشته ازین ، خود این سرهای مکشوفه مبدأ مذکور را تائید میکند : این تمثال ها ، تمثالهای حقیقی حیات است ، ولی حالت روحی را بطور حیث انگیزی ارائه میدهند - سججه ثابت دختر و اخلاق بچه گانه پسر جوان از روی آن بخوبی معلوم میشود . پسر اکنون میخندد مگر ممکن است ، یک لحظه بعد بگرید . درین سرهای کچی مکشو فه از هده ، یک سر است که آنرا اهل این مجسمه پسر ، میتوان گفت (۲۱- ب) - موجدین این دوازه ، با اینکه صد ها میل از هم فاصله داشته و پیش از ۴ قرن با هم فرق دارند ، حتماً یک مدرسه تعلق داشته اند .

طوریکه فوغاً تذکار یافت ، آشو کا بعد از اشکه فیصله کرد دیگر جنگ

سالنامه « کابل »

نمی‌کند ، حتماً بسیاری از صنعت کاران دراویدی را استخدام نمود - چه بسیار آثار صنعتی این مدرسه ، در حصص مختلف فلمرو او پیدید آمده . ازانجمله بعض ستو نهایی فرامین او را که اشکال حیوانات بهارست زیادی در ان کننده شده ، بزیر مطالعه میگیریم ، شیرهای سر ستون « سار نامه » واقعاً از حیوانات زنده و آنmod کرده و از نقطه نظر تختنیک از شیرهای « پریسپوس » (اصطخر) و شیرهای هندی سنتوات ما بعد ، اختلاف کلی دارد . ازین شیرها بهتر و عالی تر ، همانا سه حیوانی است که بطور بر جسته در همان سر سطور طرح گردیده . و یکی ازان یک اسب است که در حال دویدن نشان داده شده و مملو از فعالیت است . حیوان دیگر یک فیل است که آرام ، مقتدر و منزوی بنظر می‌آید (لوحة ۲۲ - الف) و صنعت کار در نشان دادن چین و شکن پوست سست زیر گردن و خر طوم وعقب باهای پیش آن ، خیلی زحمت کشیده حیوان سوم ، نزگاوی است که آنهم به مهارت حیرت انگیزی تعییل و طرز عمل آن از نقطه نظر تختنیک ، کتر نظیر دارد (لوحة ۲۲ - ب) نزگاوی که در سر ستون آشو کادر « رامپوره » بوده و کنون در « اندین موزیم » واقع در کلکته است ، بازگاو « سار نامه » هر دو دنباله رسم قدیمه حیوان تراشی صنعت گران ماهر « موهنجو دیرو » بوده است .

در موزیم « متھورا » یک سر شکسته و جود دارد که آنهم بهمان دوره تعلق داشته و واضحآ از همان مدرسه بوده است (لوحة ۲۲ - الف) و این مستله نهایت درجه اهمیت دارد - چه « متھوره » که در زمان « مدھیه دسیله های » قدیم ، مرکز تمدن صنعتی آرین بود ، بما نشان میدهد که صنعت کاران دراویدی به سلطنتی که خالصاً آریانی است ، نیز انتشار یافته‌اند . ازین مجسمه

هیگل سازی هدیه افغانستان

بد بختانه فقط قسمت بالای سر باقی مانده و غالباً زنی بوده که سر پیچی منین به هلالی در پیشرو ، داشته است . این سر پیچ ساده ، در گند هاره خاص نیز خیلی معمول بوده (لوحة ۲۳ - ب) و ممکن است پیشانی ، چشم ها و تینه پینی او را ، هیگل ساز هدیه ساخته باشد .

بعد ازین ها ، تمثال هائیکه از سابقه این مدرسه نمایندگی میکند ، همانا تمثالهای افغانستان جنو بی ، پشاور ، تکسیلا و لاهور میباشد . آیا علت تجدید و احیای ناگهانی این صنعت در گوشه شمال غربی هند چه بوده ؟ درین صفحات ، چنگکهای و مهاجرات ، لا افل ارزمان حمله اسکندر ، یکی بی دیگری روی داده ولی درقرن اول مسیحی ، « ویما کاد فریز » دومین شاه کوشانه کشورهند را لا افل تا دریای چنا تسخیر نموده پرسش : کنشک که شاه منور و دارای ذوق صنعتی بود ، پس ازو جانشینش گردید . و در ائمای سلطنت او ، بهترین آثار صنعتی مدرسه گند هاره ، بوجود آمد . مگر این صنعت درخشان و بارونق دراویدی تخم زوال و فساد را نیز در خود نهفت داشت . چه برای تزئین معابد و دیر ها ، مجسمه های بسیاری بکار بوده و بنا بران جهت ساخت آن از صنعت گران در جهه دوم هم استفاده کردند و همین مداخلات صنعت کاران در جهه دوم ، علت تنزل مدرسه مذکور گردید . این حقیقت که تنزل این مدرسه مخصوصاً در « متهورا » و پنجاپ جنو بی دیده میشود ، شخص را با شباه می اندازد که شاید این تنزل بواسطه آن عنصر آریائی که درین رشته نه سابقه داشته و نه دارای مفکوره های صنعتی بودند ، بظهور ریو سنه باشد . بهر حال ، تنزل صنعت منبور ، چندی بعد در « گند هاره »

سالنامه « کابل »

تفوذ نمود - و برای شرح انتشار آن در گندهاره فقط مطالعه یک نمونه صنعتی واقع در موزیم پشاور کفایت میکند (لوحة ۲۴ - الف) واین نمونه مشتمل است بر تمثال « پانچیکا » رب النوع ثروت ، و تمثال « هریتی » رب النوع حاصل خیزی - و یکمده افعال که بدور رب النوع مسرور جمع شده اند . قدمهای هردو تمثال خبلی کلان و بی تنا سب بوده و پاهای آن ها که از درون لباس میتوان تشخیص داد ، خراب و بد و ن شکل و مثل چوبهای عاری از عضلات ، معلوم میشوند . بالاخره درین نمونه صنعتی مدرسه گندهاره که فساد کلی دران روی داده ، هیچیک چیز بر جسته و مهمی نمیتوان یافت .

قبل از اختتام مطالعه این سابقه صنعتی ، با یست یک نمونه دیگر ازین مدرسه را که از معبد قدیمی واقع در « گود بیلام » مکشوف گردیده ، نیز تذکر داد : این نمونه عبارتست از مجسمه ایستاده « سیوا » که پهلوی « لنه » (تمثال آله تذکیر) جا داشته و به قرن اول ق . م متعلق اند . تمام مجسمه (و نیز « لنه » مذکور که از سنگ سرخ رنگ آتش فشانی ساخته شده) خبلی زنده معلوم میشود - « سیوا » با پاهای دور از هم به شانه های یک « رکشانه » (دیو) ایستاده و لشگی بدور کمر دارد که از بس شفاف است ، پاهای خوش ترکیب او از ذیبرش معلوم میشود - و چین و شکن وقا تهائی که در لنه از یک ران تاران دیگر دیده میشود ، به سلیقه ولطافت مخصوصی ساخته شده . تنه مجسمه نشان می دهد که صنعت کار آن در مطالعه تشریع البدن انسانی ، تدقیق زیادی بکار برده این مجسمه دودست دارد - بدست راست ، فچی را از پاهای عقبش گرفته ، چنانکه سر آن فرو آ و یخته نهست - و پدست چپ ، ظرف مخصوص آب موسوم به « گندلو » پرسو « .

هیکل سازی قدیم افغانستان

دارد . مگر جالب ترین قسمت این مجسمه ، سر آنست - چهره آن واضح‌اً مقولی بوده و کوئی زنده است ، و بیان فتحی که بالای « رکشاسه » حاصل نموده ، مسرور مینماید . دو عدد تسیح از همان گونه که در هند از زمان قبل التاریخ معمول بوده است ، جای گوشواره هارا گرفته - و نزمه‌های گوش اوتا بشانه فرو آویخته و کلاه مخصوصی باموی های بافته بسردارد .

تمام مجسمه « سیوا » و نیزار « لنجگه » ، بطریزیائی مثل ستونهای معروف آسوکا درون غارهای کوه بجهه های « براابر » جلاده شده و اگر ازین جلای فوق العاده آبدات مذکور ، (که تا کنون در نزد منقدین صنایع و عقیقه شناسان اصر و زی ، معماهی لایتحل مانده) چیزی استخراج و ثابت شود ، فقط و فقط اسرار صنعت کاران مقدّاق در او بیدی را که باقدان مدرسه من بور ، در پس پرده مانده ، مکشف خواهد ساخت .

این تمثال بر جسته « سیوا » که معاصر هیا کل گند‌هاره و یا اندکی پیشتر ازان است ، آخرین محصول صنعتی مدرسه قدیم هیکل سازی در او بیدی (که نمونه‌های اول آن به ۳۰۰۰ سال قبل ایجاد ، تعلق میگیرد ، بوده و مدرسه گند‌هاره ، شعبه خیلی فوق العاده این مدرسه میباشد . انتظام مدرسه گند‌هاره بسرعت تمامی تا عصر « گیتا » ادامه بافت - آنوقت صنعت هیکل سازی دو باره احیا گردیده ولی تمایلات بکلی برخلاف خط مشی سا بق بود . در زمان تالیف « شلیشا شاسترا » و خصوصاً « مانسارت » ، که آنهم در همین عهد صورت گرفت ، صنعت قدیمه مدرسه گند‌هاره بکلی ببرد - و هیکل سازی کلاسیک هند ابدآ به آن نمونه‌ها نیست . برای احیای مجدد مدرسه مذکور در قرن ۱۶ مسیحی نظر

سالنامه « کابل »

۱. یالت جنوی از جزیره نمای هند ، در عهد حکمرانی « کرشنایه نیساگه باشندۀ « ما دوره » ، مساعی بعمل آمد (۱) ولی منجر به ناکا می‌گردیده و مدرسه هیکل سازی در اویدی بکلی خاتمه پذیرفت .

تایبجی که ازین مطالعات عمیق و متمد بدستم آمد قرار ذیل است :

۱ - مدرسه معروف به مدرسه « گریکو بود یاک » یعنی یونانی و بودائی ، در مرکز مقویات یو نانی شرق ، اکشاف وارتفا نپذیرفته ، بلکه در صفحات جنوب هندوکش (افغانستان) ولایات شمال غربی هندوستان ، رونق و فروغ یافته است .

۲ - مرکز این مدرسه ، « هده » معلوم میشود که بینا دین جلال آباد باصلة ۶ میل بجنوب شهر مذکور واقع است .

۳ - مدرسه گریکو بود یاک گندهاره ، ابدآ از افکار و صنایع یونان

(۱) بنده بعضی از شاھکارهای « مدرسه ما دوره » را در مقاله A Realistic School of Indian Sculpture in the 16th century. « مدرسه هیکل سازی حقیقت: پسند هند » منتشره در مجله بو نیو رستی بمبئی (قسمت تاریخ) ج ۱ ص ۱۳-۱۸ یعنی نوده ام و در آنوقت برای تعبیر ظهور ناگهانی آن هیا کل که حقیقت کاراه و مملو از حیات تمثیل یافته ، نفوذ اراده باشی را دخیل میدانستم ، لازم است که سهونه ام و هیا کل مزبور ، نتیجه طبیعی افکار زیبایی تزاد دراویدی بوده . درواقع ، جمع کنندگان آثار طونجی هندی ، خوب میدانند که آن مجسمه هائی که از زمین خالص درا ویدی مکشوف گردیده بالعموم خیلی استادانه و ماهرانه تر است نسبت به مجسمه های مکشوفه از ولایات شمالی که تمدن صنعتی آرین درانجا نفوذ بیشتری داشت .



لو ۷۱ - الف سر یکنفر در وشن بودانی ، در حال سرور
از هده مکنوف و در موزه کینه پاریس موجود است
Pl. XVII a. Hadda tête d'une jeune fille ayant des
eux en forme d'amende (Musée de Kaboul)



ب : سر یکنفر دختر که جسمان با دامی داشته ،
از هده مکشوف و در موزه کابل موجود است
b. Hadda. Tête d'une jeune fille ayant des
eux en forme d'amende (Musée de Kaboul)



لوحدة ۱ - ألف ۱ سر بودا - از هده مکشوف و

ب : مجسمه بودا - گ عبارا به طرز یونانی بوده

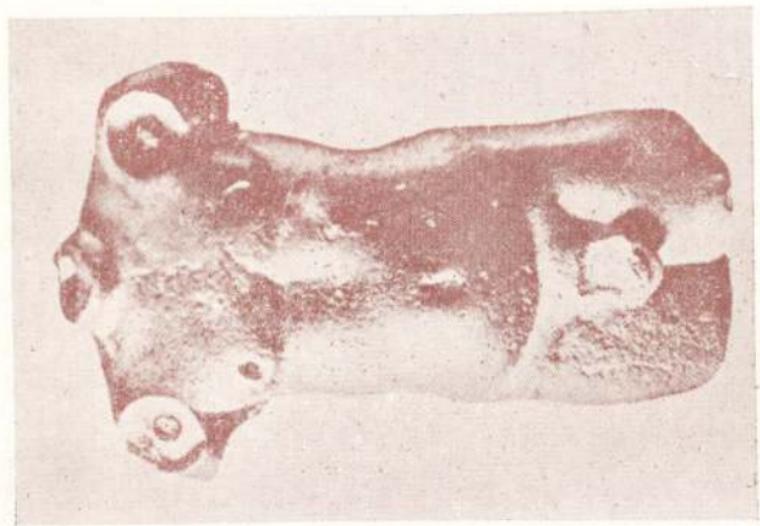
در موزیم کابل موجود است

Pl. XVIII a. Hadda. Profile de la tête de
Buddha (Musée de Kaboul)

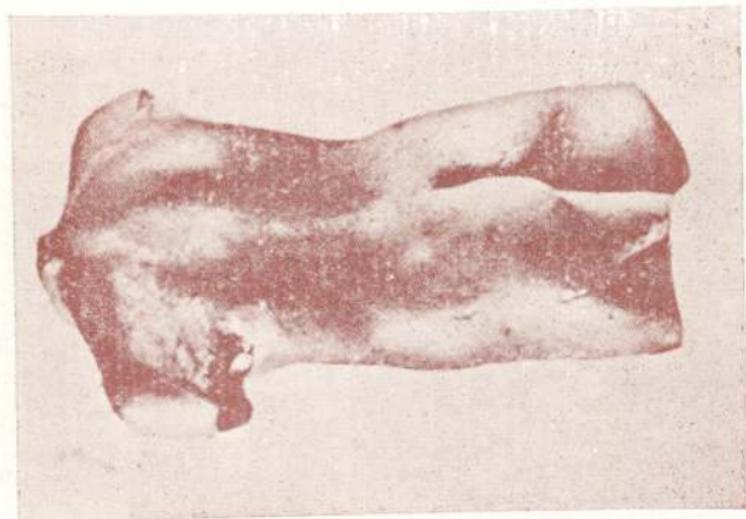


از هده مکشوف و در موزیم کابل موجود است

b. Hadda. Statuette de Buddha portant
le sanghati à la façon grecque
Musée de Kaboul



و ۹۰۱۱ ایل : مجسمه شکسته که از هرپ پر کشف شده
Pl. XIX a. Torse trouvée à Harappa
Copyright. Archaeological Survey of India



ب : پشت مجسمه شکسته مکشوفه از هرپ پر
b. Torse trouvée à Harappa (l'avers)



اوحه ۲۰ الف: مهر مکشوفه از موہنجدیر و
Pl. XX a. Mohenjo Daro: une scelle
Copyright. Archaeological Survey of India



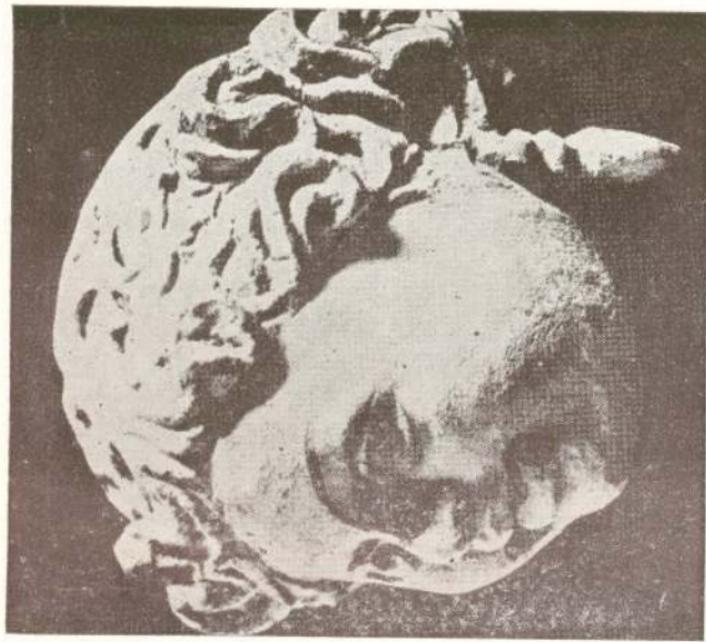
ب: مهار بینی بانا - از سوی کشف و در موزیم لاہور موجود است
b. Swat. Le Mahaparinibbana (Musée de Lahore)



لو ۱۲۱- الف : سریک بچه - از پاتلی پورزا کشف و در

موزیم بتنه موجود است

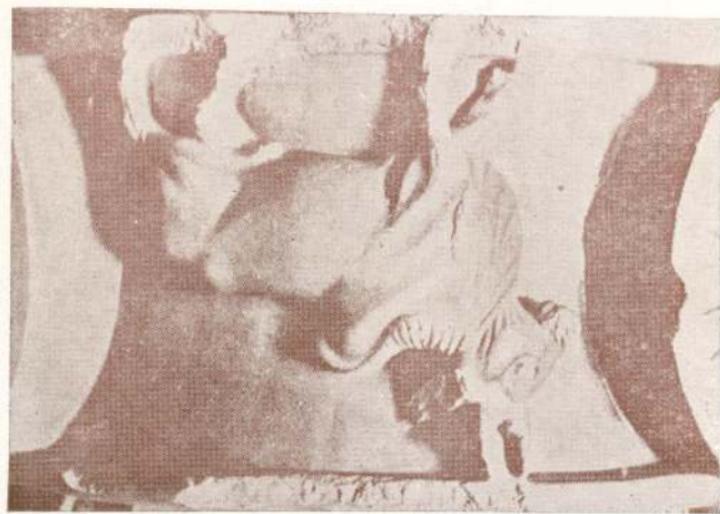
Pl. XXI a. Pataliputra. Tête d'un garçon
Musée de Patna



ب : سریک بچه - از هده کشف و در موزیم کابل موجود است

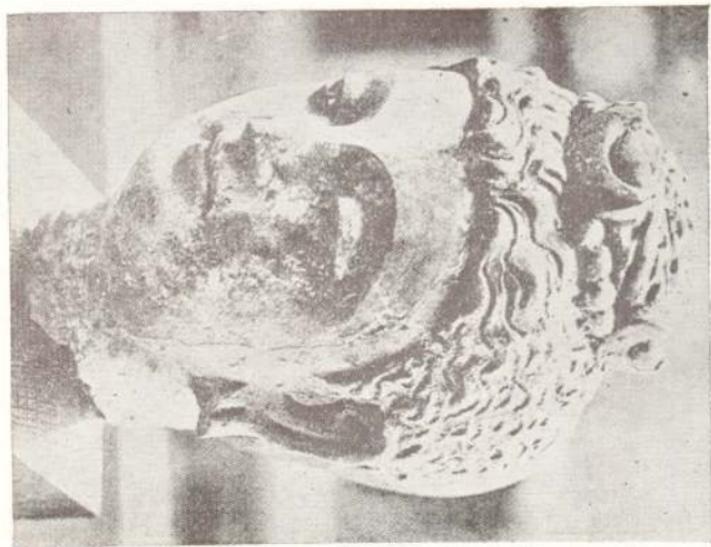
b. Hadda. Tête d'un garçon (Musée de Kaboul)

b. Sarnath. Boeuf debout sur le pilier d'Aśoka
•०२ उत्तर ग्रंथि ३८



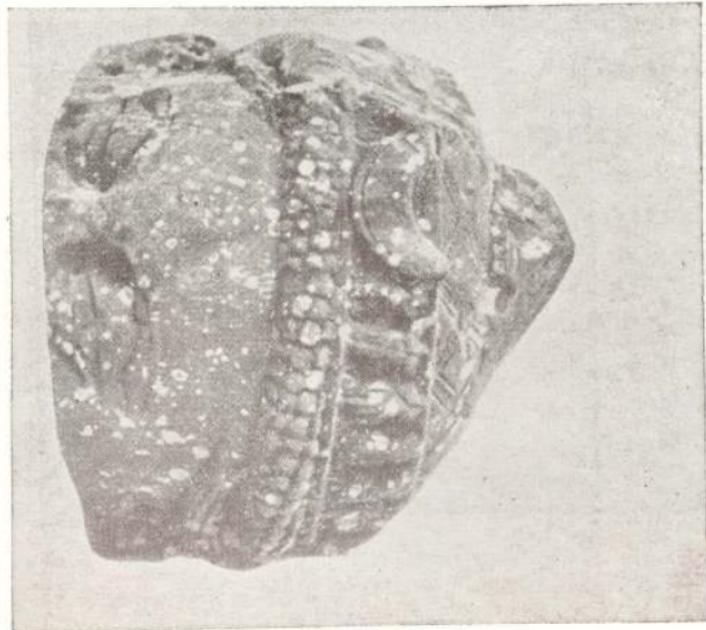
Pl.XXII a. Sarnath. Eléphant debout sur le pilier d'Aśoka
•०२ उत्तर ग्रंथि ३१,





ب: کلاهی که با جنده هلاک زیست یافته - از هد.
مکشوف و در موزیم کا بل موجود است
b. Hadda. Coiffure ornée de croissant

Musée de Kaboul



لوحه ۲۳۲ - افت: کلاهی که با هلالی من بن گردید.
(موزیم مانورا)
PL. XXIII a. Coiffure ornée de croissant

Musée de Mathura

b : کلاهی با تنبای انسانی زینت یافته - از هده
ب : کشف و در موزه کیهان پاریس موجود است

b. Hadda. Coiffure ornée d'une figure humaine
Musée Guimet, Paris



لو ۲۴۶ - الف : پانسیکا و هریشی - از پشاور
کشف و در موزه پشاور فرار دارد

Pl. XXIV a. Peshawar. Pancika et
Hariti (Musée de Peshawar)



متاثر نگردیده - و با اینکه آثار صنعتی گند هاره ، ظاهرآ با آثار صنعتی مدرسه یونان متماس معلوم میشود ، مگر از نقطه نصب العین و طرز عمل بکلی از هم اختلاف دارند .

۴ - هدف و آمال مدرسه گند هاره ، تمثیل حقیقت بوده ، نه فقط حسن جسمانی انسان - اینست که مدرسه گند هاره چنان احساسات و عواطف روحی را در آثار خویش ارائه داده که هر گز در نخبه مدرسه یونان نگذشته است .

۵ - مدرسه گند هاره ، فقط دنباله صنعت قدیمه ملت دراویدی میباشد که نخستین نمونه های صنعتی معلوم آنها از مقام « هرب په » و « موهنجودیرو » بدست آمده .

۶ - مدرسه گند هاره ، در اثر حمایت شخصی کنشکارونق یافت . و احاطه صنعت مدرسه منبور ، بیاعث دخالت صنعت گران آریانی در بین هیگل سازان در اویدی ، صورت گرفت .



مادرین حالیکه زحمات نوبستنده فاضل را که درین مقاله نسبت به روشن ساختن تاریخ قدیم ماتتحمل شده اند ، تقدیر مینهایم ، اما مسئولیت نظریات مذکور را به خود نگارنده محترم میگذاریم - « انجمن »

تاریخچه ادبیات افغانستان

قسمت دوم

دوره دوم: عصر مغول و تیموریان

بِقلم جناب محمد کریم خان نزبه‌ی عضو انجمن

عصر مغول:

در اوائل قرن هفتم هجری پس از آنکه شاهنشاه افغانستان شهاب الدین ابوالمظفر محمد بن سام غوری در دهک (۱) (از فرای غزنه) بقتل رسید، (در ۶۰۲ھ) فتوح بزرگی در امور سیاسی و مملکتداری این سر زمین واقع شد. قلم رو و کشور پهناوری شاهنشاهی وی از هم باشیده، یعنی بازماندگان و دست نشانده‌گان او تقسیم یافت. فیروز کوه، با میان، غزنی و هند و ستان هر یک مجری و علیحده شدند. و در هر یک ازین سر زمین سلطنتها ای جدا گانه تأسیس یافت، چنانکه سلطان غیاث الدین محمود بن محمد بن سام (برادرزاده وی) در فیروز کوه و ملک جلال الدین علی بها والدین سام آخرین ملوک غور با میان در با میان و تاج الدین یلدز و قطب الدین ایک از غلامان سلطان مذکور در غزنی و دهلی خود را پادشاه و سایه خدا خوانده، علم استقلال بر افراشتند و مملکت و سیع و پهناور شاهنشاه با عظمت غور تجزیه گردید.

و چندان بران نگذشته بود ، که نزد گترین قوهای آن روز آسیا خوارزم شاهیان از موقع استفاده نموده بهکر تسخیر افغانستان برآمدند . و مقندهای ترین یاد شاهان آن زمان علاوه الدین محمد خوارزم شاه با لشکری انبوه با افغانستان هجوم آورد و در ۶۰۷ هـ فیروز کوه را تسخیر نمود و بهاء الدین سام پسر غیاث الدین آن خوبین یاد شاه غوری آن دیار را اسیر گرفت . و سپس از ان کمر بعزم استیلای با میان بسته ، آن نسر زمین را نیز به تصرف خویشن در آورد و جلال الدین علی بن بهاء الدین سام یاد شاه آن دیار را از زیر تیغ بیدریغ گذراشد . و بسلطنت غوریه فیروز کوه و با میان یکجا خاتمه داد (در ۶۰۹ هـ) .

هنوز شیرازه امور از هم گسخته این حمله استمدیده بهم نیامده و خوارزم شاهیان نفسی با استراحت در افغانستان نشکشیده بودند ، که در (۱۱۶) سیلاپ خانها نسوز مغل از ما و رای سیر در یا سرازیر گشته با نی ما و رالنهر را رایمال و قلمرو و سبع خوارزم شاهی را زیرور و ساخت . چنگیزخان پس از تسخیر ما و رالنهر با لشکر انبوه و بیشمار آمو در یا را عبور نموده روی با افغانستان نهاد ، ابتدا ترحد سپس بلخ را متعاقب یکدیگر قتل عام نموده چون کف دست هموار ساخت ، و از آنجا پسر خود توپیخان را که با او همراه بود به تسخیر خراسان گماشت . خود عنیمت طالقان نمود . اردوی سفالک مغل بقیادت تولی خان هرات را استیلان نموده . پس از غارت و چیاول آنصفحات باز گشت و در حدود طالقان بچنگیز خان به پیوستند . و متوجه آن هر دو اردوی مغل ، طالقان و با میان را بخرا به زاری بد ل ساخته به تماقاب جلال الدین مینگیرنی بفر نین و تا ساحل شط سند شتا فتند و در عرض راه به شهر و معموره ئیکه

ر سیدند از آبادانی اُری نگذاشتند، همه را چور و چپاول، غارت و یغما نموده با خالک سیاه برابر ساختند. (۶۱۸) ششصد و هزده.

بنا بر برگترین خطط سیاسی که علاء الدین محمد خوارزم شاه مرتکب شد، استیلای مغل در افغانستان نیز بمثیل سائر اسیای مرکزی بدیهی بود. ولی بناء گزینی جلال الدین خوارزم شاه در افغانستان و توطئه های عسکری و سیاسی او بر ضد چنگیز، مقاومتهای مردانه اهالی این سرزمین و بالا خره کشته شدن پکی از شهرزاده گان چفتائی در بامیان، هریک بجای و نوبت خود چنگیز و ار دوی خونخوار اورا عصبانی ساخته بشدت او افروز و در نتیجه چنان شد که مغل تمام قوت و بر بریت خود را صرف نسخیر و تخریب افغانستان نموده از هر نقطه این سرزمین که عبور نمودند به نسبت سائر دیار پیشتر بغارت و چپاول آن کوشیدند. و چنانکه در بالا تذکار رفت، شهر های بزر گک و غمده افغانستان را که هر یک دران عصر از بهترین مراکز علمی و ادبی دنیا بشمار میرفت با فجیع ترین صورتی منهدم و لگد کوب سه ستوران خویش نمودند، اهالی را از خورد تا بزرگت از پیر تا بربنا بقتل رسانده طوری بانهدام تمدن و احیای معارف فعالیت نشاندادند، که ز مانه نظیر آنرا بیاد نداشت.

پس از مرگ چنگیز در سال ۶۲۴ ششصد و پیست و چار مملکت و سیع او بین اخلاف و باز ماندگان او تقسیم یافت و فراغ استعمال افغانستان بنام پسر دوم او چفتائی خان بر آمد، حکومت ماوراءالنهر و قسمت مهم افغانستان یعنی بلخ، تخارستان، کابل و غزنیه تا کنوار رود سند تعلق بوی گرفت. ولی با آنهم افغانستان بصورت ملوک الطوایفی اداره میشد. تاظهور تیمور پان هرات (که ذکر آن گفته آبد) سلطنت مقتدری در

افغانستان وجود داشت که بمثل سامانی‌ها، غزنوی‌ها و غوری‌ها مملکت را در زیر اداره و نظام واحدی یاورد. باستانی ملوك کرت از امرای بومی نیز چنان اشخاصی ظهر نکرد که در باری از خود داشته باشد و به تریه و پروش شura و نویسنده‌گان اهتمام نموده بواسطه تشویق و بخشش‌های مالی هم باحیای نام و هم باستواری ادبیات کوشید و کاخ در شکسته آنرا که رو بازهادام میرفت بقدر وسع ترمیم نمایند.

بناءً عليه این دامنه بدینختی و این اوضاع نکبت آلو د تا قرن نهم هجری کشید. افغانستان بحال فلاکت و افلاس ادبی دوچار شده با بکلام مصائب و بدینختی دست بگریبان بود. شیرازه امور اجتماعی از هم گیخته، اوضاع اقتصادی در هم و برهم، مدنیت و عمران خراب و ویران، علماء و فضلا هه ازین رفته، کتب و آثار علمی و ادبی نایاب و مفقود بود، در عوض یک بی انتظامی راحت فر سائی در سر تا سر مملکت حکم فرما گشته بازار علم و فضل را کسداد ساخته بود.

همانست که این مدت دو قرن را زمان فترت و دومین دوره بدینختی افغانستان باید شمرد. و باز هم در اوایل این دوره گلهای چندی که در بستان بی آب خشکیده ادبیات این سر زمین دیده میشود، از تاثیرات از منه گشته است که در قرن هفتم بصورت گلهای خود رو روئیده و بکمال رسیده اند.

قرن هفتم و شعرای آن :

یگانه آفتاب درخشنان افق گرد آلو ادبیات قرن هفتم، حضرت مولینا جلال الدین محمد بن محمد بن حسین خطیبی بکری بلخی است معروف بلای روم

که از اعظم عرفا و اکابر فضلای دوران بود . چنانکه نه تنها در قرن هفتم بل در قرون سابق ولاحق یا به بزرگی ، فضل و عرفان او کمتر کسی بنظر میرسد .

و پیش از آن که ترجمه حوال این عارف نگاشته شد ، اگر شمه از احوال والد بزرگوار او با کوائف مهاجرتشان از بلخ به پردازیم بی مناسب نخواهد بود .

پدر مولینا که اسمشان محمد و لقبش بهاء الدین و معروف به بهاء الدین ولد است ، از عظام علماء و رجال بافقوذ بلخ بود . در علوم نقلیه و عقلیه ممتازه ارجمند داشت و همیشه در تدریس و افاده علوم بسر برده ، پیوهسته در امر و نهی از منکرات موعظه مینمود . چنانکه در باخ جماعات بزرگی از خواص و عوام در یاد منبر او حاضر شده استماع مواعظ او می نمودند . و از ته دل و جان بسخنان حکمت آمیز او گرویده بودند . تا آنکه رفته رفته این نفوذ او با ارادات و اخلاص مردم به نسبت وی سلطان علا ، الدین خوارزم شاه را که نو در افغانستان تسلط یافته بود ، در باره وی متغیر نموده ، بحسد ورشک و ادار ساخت و بعثات مولینا بر خواست . مولینا بهاء الدین از بن او صناع نهنجار او رنجیده خاطر گشته ، در صدد مهاجرت افتاده ، با پسر خود جلال الدین (که هنوز بیلوغ نرسیده بود) و سایر اهل و عیال و اصحاب یکجا از بلخ خارج گردیده بزیارت بیت الله و ادای فریضه حج روانه شد و سوگند یاد نمود ، که تا محمد خوارزم شاه بمسند حکمرانی قائم است به بلخ نباید . و همان بود که از راه هرات و نیشاپور بصوب مقصد پرداخت ، و در نیشاپور مولینا را با شیخ زمان فرید الدین عطار ملاقات دست داد . و دران دید

و ادید جلال الدین با وجود صغر سن تو جه شیخ را بخود جلب نمود . چنانکه شیخ کتاب اسرارنامه را بوى هدیه داد و در باره او مولینا گفت « زود باشد که این پسر آتشی در سوختگان عالم زند ».

مولینا پس از عنیت از نیشا پور در هر شهر و ولایت که میرسید بزرگواران آندیار مقدم او را عنیز و غنیمت شمرده باحترام او می گاشند واستفاده های ظاهری و باطنی ازوی می نمودند . تا آنکه بادای فریضه حج نائل آمد . ویس از ایقای فریضه ، آهنگ مسافت بدیار شام جهت زیارت انبیا علیهم السلام نمود . واز آنجا بسرزمین روم (آسیای کوچک) افتاده در بلده لارنده از مضافات آسیای کوچک متوطن شد وهم در آنجا بسراخود جلال الدین را بسن هژده سالگی که خدا ساخت تا آنکه در سال ۶۲۶ ششصد و بیست و سه در ان شهر پسری خدا بجلال الدین بخشید که آن را سلطان ولد نام نهادند . ویس از ولادت آن مولود مولینا بهاء الدین محمد باجیع اهل بیت و متعلقات خود از لارنده بقویه تشریف برد ، و در آنجا اقامت گزید و این مصادف بود با روزگار دولت سلطان علام الدین کیقاد از سلا جقة روم . واهل آندیار قدم او را گرامی و مبارک شمرده با کمال بهجهت پذیر فتند و بانتها درجه مرید و معتقد او شدند . وهم چنان سلطان زمان نیز از هیچ یک نوع ارادت و اخلاص درباره او کو تاهی نکرد . ا نعام و ا کرام زاید الوصف درباره وی معمول داشت ، چنانکه مولینا جلال الدین در متنوی اشاره بدان میکند .

ومولینا بهاء الدین او اخر عمر خویش را در آسیای کوچک فرین احترام و اعن از گند شتنده سمت پیشوائی و قدرم بر جیع علماء و فضلای آندیار داشت تا آنکه در سال ۶۳۱ ششصد و سی و یک هجری بجزار رحمت ایزدی پیوست .

مولینا جلال الدین : اسم مبارکش محمد ولقبش جلال الدین است . و با تفاوت مورخین در ششم ربیع الاول سال ۶۰۲ ششصد و چهار هجری قمری در بلخ زینت افرای عالم هستی گردید و چنانکه در ترجمه حل والد بزرگوارش تذکار یافت در خورد سالی از وطن اصلی خود بلخ بمعیت والد خود خارج گشته ، پس از ادادی حج و سفر حجراز و شامات در لارنده متاهر گشت و زمانی بعد از آنجا نیز به مرای والد خود روانه قونیه گشته در آن نسر زمین متوازن شد تا آنکه پس از فوت پدر و صلاحیت ذانی خویش جانشین او گشته ، پیشوای اصحاب او گردید ، کمال و فضیلت ظهری و ماطنی که او داشت در احترام و وجاهت او بین الخواص والعموم افروده ، از پدر نیز گوئی سبقت بود . واصله ایان تا کدامه ربة اعتقاد و اطاعت او را در گردن داشتند . و همیشه بتدریس علوم و تربیة ابنای آن دیار میرداخت چنانکه منقول است در محضر درس وی فرون تراز چهارصد طالب العلم حاضر میشدند .

تا آنکه رفته رفته شور عشق و هوای درد دامنگیر او گشته ، قناعت اورا به نسبت اینهمه جاه و جلال ظاهری سلب نمود و از عالم ظاهری حضوری نمی یافت . و دست بدامن تصوف و عمر فان زده ، بمعا لجه درد و تسکین آلام درونی خود برآمد . و قلباً تشنۀ صحبت نفوسي بود که بتواند از فیض ایشان التهاب روحی خود را فرونشاند چنانکه بكمال ظاهری رسیده است بسر حد معنی نیز رسید . و با وجود یکه در احوال حال مرسید سید برهان الدین ترمذی بود ، باز هم از جستجوی اهل حال نمی باستراحت نمی کشید تا آنکه در سال ۶۴۲ ششصد و چهل دو هجری روزی شمس الدین محمد معروف بشمس تبریزی در عرض راه بوی بر خورد و شکار خرد

میخوانندند . و شب و روز بسماع اشتغال داشت و همواره اشعار غاشقانه و شور
اذکریزی در عشق و فراق او میسرود . چنانکه مجموع آن ایات را از سی و شش
هزار تا پنجاه هزار و پیشتر ازان گفته است .

مولینا و شیخ احسام الدین : مولینا پس از جدائی از پیر خویش شیخ
شمس الدین تبریزی در اوآخر نیمه اول قرن هفتم مدت درازی بحالت جذب
بود ، تا که در اوائل نیمه دوم قرن هفتم مصاحب شیخ احسام الدین
ضیاء الحق چلبی قونوی بوی دست داد و هردو گر ویده همد کر گشته ، شب
وروز مقادی باهم بسر می بر دند .

مثنوی و حسام الدین : مولوی مثنوی معنوی را بنا بر التماس و خواهش
او بشیوه الهی نامه و منطق الطیر عطار بر شعر نظم کشید و هردو از اول شب
تا طلوع فجر باهم می نشستند . مولینا املا میفرمود و شیخ می نوشت .

مقارن انجام دفتر اول زوجه شیخ حسام الدین وفات یافت . و بنا بر ان
مدتی شیخ بعد مت مولینار سیده لتوانسته در تالیف مثنوی سکته و توافقی
عارض گشت و بقول صاحب خزینه "ا لاصفیا این سکته کی تامدت دو سال
دوام نمود . ولی باز شیخ دو باره بعد مت مولینا رسیده باو پیوست و مولینا
مجددآ باصرار او شروع بنظم دفتر دوم نمود . چنانکه خود در ابتدای دفتر
دوم اشاره به تعویق افتادن مثنوی نموده میفرماید :

مدتی این مثنوی تاخیر شد مهلتی با است تاخون شیر شد
و نیز نسبت بغایب شیخ میفرماید :

باز گر دانید سوی آ سمان چون ضیاء الحق حسام الدین عنان
بی بهارش غنچه هاشگفته بود چون بمراج حقایق رفته بود

چون زدريا سوی ساحل باز گشت
بلبلی زینجا بر فت و باز گشت
و بطور یکه خود نیز بعد ازان میفر ماید (مطلع تاریخ این سو داو
سو د - سال هجرت ششصد و شصت و دو بود) ظاهراً شروع مولینا بنظم
دفتر دوم مثنوی در سال ۶۶۲ بوده است .

و بدین تقریب اگر قول صاحب خزینه الاصفیا حقیقت داشته و بواسطه
فوتو عیال شیخ دو ساله تعطیلی از اتمام دفتر اول تا آغاز دفتر دوم رو
داده باشد ، مستلزم آنست که اتمام دفتر اول در سال ششصد و شصت
هجری بوده است .

و بر علاوه مدت دو سال که شیخ بواسطه وفات زوجه خود دوچار
شکنجه آلام و مصائب فراق بود . باز هم تا اتمام دفتر دوم تقاض طبعش
بکلی زائل نگشته ، اثر این فراق و آتش سوز و گذاز آن هنوز در
شهرستان وجودش حکمفرما بود چنانکه از دیباچه دفتر سوم معلوم نیشود
که مشار ایه را تسلی داده چنین می گوید :

ای ضیاء الحق حسام الدین بیار این سوم دفتر که سنت شد سه بار
بر کشا گنجینه اسرار را در سوم دفتر پهل اعد ار را
و هم چنان باز به بیوفانی حیات و طبیعی بودن سرگ اشاره نموده
شیخ را بخلود اهل عقبی صبر و تسلیت داده می فرماید :

جمله عالم آکل و ما کول دان با قیانا مقبل و مقبول دان
این جهان وسا کنانش منتشر وان جهان وسا کنانش مستمر
این جهان وعاشقانش منقطع اهل آن عالم مخلد مجتمع

و اینکه مولینا متنوی را بنا بر خواهش شیخ حسام الدین منظوم نموده
جی شبه نیست چنانکه خود مولینا در آغاز دفتر چهارم بدان تصریح فرموده
و از شیخ منت گذاری نموده میگوید که علت و باعث نظم متنوی تو بوده
نه چیز دیگری و در اثر شوق و همت تو بود که متنوی بوجود آمد (ایضاً
الخ)

همت عالی توای سرتاجا
گردن این متنوی را بسته
متنوی یویان کشنده نایدید
متنوی را چون تومبدأ بوده
تو چنان خواهی خداخواهد چنین
کنان الله بوده در ما مضی
متنوی از توهن زاران شکر یافت
در راب و گفتش خداشکر تودید
زانکه شاکر از یادت و عده است
گفت و اسجد و افترب یز دان ما
گرز یادت میشود زینرو بود
خوش بکش این کار و از اتابیح
و هم چنان باز در یینباب دفتر پنجم را چنین آغار مینهاید :

(شه حسام الدین که نور انجم است طالب آغاز سفر پنجم است)
و هم چنان باز مولینا میل خود را بنظم دفتر ششم ظاهر ساخته ، در آغاز
دفتر مذکور خطباً بشیخ میفرماید که جذب تو بود تامتنوی گرد آمد . و این

افق ششم را من به پیشگاه رضای تو پیشکش میکشم . و هم چنان در در قرشم
 ممنوی را حسامی نامه مو سوم ساخته در بباب میفرماید :

میل میجو ته بقسم سادسی	ای حیات دل حسام الدین بـی
در جهان کرد این حسامی نامه	گشت از جذب تو چون علامه
در تمام ممنوی فسم ششم	پیشکش به رضایت میکشم
قسم سادس در تمام ممنوی	پیشکش میـآرمـت اـیـ مـمنـوـی
کـیـ یـطـاـلـوـفـ حـوـلـهـ منـ لـمـ يـضـفـ	شـشـجـهـهـتـرـاـ نـورـدـزـبـنـ شـشـصـحـفـ

خلاصه ایسکه مواینا ممنوی را بتشویق و بنابر التماـسـ یـارـ و مـصـاحـ عـرـفـانـ
 خود شیخ حـسـامـ الدـینـ منـظـومـ سـاخـتهـ و اـزـینـ رـهـگـنـدـ خـدـمـتـ بـزـ رـگـیـ بـعـاـلمـ
 عـرـفـانـ و اـدـبـیـاتـ فـارـسـیـ اـمـوـدـ .

ناگفته نماند که مولوی دفتر ششم را تمام نکرد بلکه قصه شهزاد گانزا
 نیز ناقص آندازه دفعه اب از سخن سرایی فرو بست و ملت حقیقی آن معلوم
 نشد ، که چه بود . ولی اینقدر سلطان ولد در خاتمه ممنوی که از او است
 میگوید : چون دیدم که قصه شهزاده گان نا تمام مانده و مدبیست که پدرم با تمام
 آن نمی یردازد . لهذا علت ازو جو یاشدم و گفتم که چرا دیگر سخن نمیگوئید
 و در علم لدن را بروی مردم بستید . در جواب گفت که نظم ازین پس چون
 شتر بخفت و باقی شرح این در درون بطوری بسته شد که دیگر بیرون نمیآید .
 و اکنون وقت رحلت نزدیک شده و گفتو با عمر یکجا با آخر رسیده ،
 واقعه این قصه در دل آنایکه نورجان دارند یعنی از عرفان باخبر اند بدون
 امداد زمان ظاهر و تاثیر خود را خواهد بخشید .

و اینکه دولتشاه میتویسد که مولینا ابتدا دست ارادت بشیخ صلاح الدین ذر کوب و بعد ازان باخی ترک و سپس، بشیخ حسام الدین بن داده، بانها مرید شد. یا آنکه اخیر سر دو چار شیخ شمس الدین تبریزی گشته بدنبال پشت یازد و همچنان باز مینویسد که وفات مولینا قبل از وفات مرشد و پیر شمس الدین واقع شده، جمیع آنها خالی از حقیقت تاریخی است. چه اول از همه شیخ صلاح الدین ذر کوب (که بعقیده او پیر مولینا بوده) بفرار روایت صاحب خزینه الاصفیا و دیگر ان بالعکس مرید مولینا بوده و از مولینا تو پیه دیده و استفاده‌های معنوی کرده و مدت دو سال بخدمت مولینا بسر میبرده تا آنکه در خدمت مولینا از ینجهان ارتحال نمود.

دوم اخی ترک که دولتشاه او را شخصی علیحده و حسام الدین را شخص علیحده دانسته است، از جمله اشتباها تیست که نه تنها دولتشاه مرتب آن شده بلکه صاحب خزینه الاصفیا نیز بهمن سهون دو چار گشته اخی ترک را والد جد حسام الدین نوشته است، و حالانکه (برعلاوه کتب دیگر) از مقدمه عربی دفتر اول متنوی که بقلم خود مولیناست، ظاهر است که اخی ترک لقب حسام الدین بوده و مشارکیه بدان شهرت داشته است. چنانکه در آنجا می‌فرماید: (اجهادت فی تطویل المنظوم المتنوی، ... لا ستد عاصیدی ... ابوا لقضائل حسام الدین حسن بن محمد بن حسن البلاخي المعروف ابن اخی ترک)

وسیوم: مسئله شخص حسام الدین است که در ان نیز دولتشاه دوغلطی فاحشی را مرتب کشده (الف) مولینا را مرید حسام الدین دانسته و (ب) خصوصیت و داد مولینا را با او قبیل ازرسیدن مولینا بصحبت شمس تبریزی تصور کرده است. (الف) راجح بمسئله مرید شدن مولینا شیخ حسام الدین همان است که حقیقتی.

نداشته چه اگرچنین چیزی میبود . نا ممکن بود که مورخین و تذکره نویسان در آثار خود ازان تذکاری نمیکردند . حال اینکه بغیر از تذکره دو لشاه در هیچ یاک کتاب و تذکره دیده نشد که مولینا را صریح حسام الدین نوشته باشند و بدیگر بالعکس همه مولینا را پیر و حسام الدین را صریح او مینویسن و بر علاوه از دیباچه عربی متنوی که در آنجامولینا راجع به وصف شیخ حسام الدین میفرماید (لاستند عاسیدی و سندی و معتمدی و مکان الروح من جسدی ذخیره يومی وغدی و هو شیخ قسوة العارفین الخ . .) بخوبی روشن است که مولینا صریح حسام الدین نی بلکه بر عکس شیخ حسام الدین صریح ابودوه . زیرا که اطلاق ذخیره يومی وغدی از طرف پیر صریح مقبول وبالعکس از جانب صریح به پیر خطأ است و هیچگاه صریح پیر خود را ذخیره فردا (یعنی خلف خود) نخواهد خواند .

(ب) تنها در باره معرفت مولینا با شیخ حسام الدین چیزی گفته نمیتوانیم و شاید که شناسائی ایشان باهم ، قبل از رسیدن مولینا بخدمت شمس الدین تبریزی صورت گرفته باشد . اما اینکه مولینا قبل از شمس تبریزی باوی وداد و خصوصیتی داشته قابل اعتبار نیست ، چه بر علاوه اخبار یکه جسته در بعضی از کتب مانند ایماق مغل ، مفتاح و خزینه الاصفهان وغیره وغیره بینظر د رسیده و همه آن ناقض قول دو لشاه است ، باز هم یاک سلسله اطلاعات مو توفی نیز از مطالعه خود متنوی و تسع در احوال مولینا بدست می آید که هریک در جای خود ضعف و سقم گفته دولنشاه را ثابت نموده بهترین دلبلی است برابطآل قول او که عبارت است از خصوصیت مولینا با حسام الدین قبل از شمس . زیرا که از همه اول از شروع مولینا بنظم متنوی که تاریخ آغاز دفتر دوم آن بقول خود او در ۶۶۲ ششصد و شصت و دو بوده ، هم چنان از تذکار مولینا

(باستثنای دفتر اول) در جمیع دفاتر متنی از حسام الدین، وبالآخره از تصریح سلطان ولد پسر مولوی در خاتمه متنی که میگوید والدم قصه شهزادگان را تمام گذاشته از شعر گفتن بس کرد و بعد ازان تا آخر حیثاب شعر نکشود، وهکذا از وجود دیوان غزلیات مولوی (که بنام شمس تبریزی معروف بوده و در حقیقت اشعاری است که مولینا در عشق و فراق شمس گفته و کسی ازان انکار نموده نمیتواند) وبالآخره از اینکه مینویسند چون حسام الدین اسرار نامه والهی نامه را بدید، از مولینا خواهش نمود که از غزل گفتن بس نماید و بشویهای مذکور متنی بسازد، بخوبی واضح و مدلل میشود که خصوصیت و داد مولینا با حسام الدین یقیناً بعد از شمس بوده، و شرح آن بقرار ذیل است که ملا خلاصه آنرا درینجا منذ کر میشویم:

چون مولینا بواسطه آتشیکه شمس تبریزی در کانون قلب او افروخته بود، هیچگاه آرام نداشت، و همیشه برای تسکین خاطر آشفته خویش بجستجوی اهل حال و چنان اشخاص با دردی بود، که کم از کم بوی شمس را از اوی دریافته، از حضور ایشان حزن و اندوه او بگاهد و همان و لذائذ روحی و متنی که از صحبت شمس بوی دست میداد از مصاحت آنها نیز حاصل نماید، تا آنکه با حسام الدین بر خورده او را بطور دلخواه یافت و چنانکه در ایناق مغل نوشته آمده، از او ضاع و اطوار او شاد و بصحبت او متسلی بود. و آلام دیرینه را بدان تسکین میبخشید و متنی را بخواهش او ساخته تا آخر عمر باوی بود.

اما ادعای آخرین دولتشاه که مینویسد وفات مولینا قبل از وفات شمس تبریزی بوده، نهایت مضحك و خنده آور است. چه باصح روایات و اجماعات

تاریخ وفات یا ناپدید شدن شمس تبریزی در سال (۶۴۰) ششصد و چهل و پنج هجری قمری است . و حالانکه مولینا مدت مدیدی بعد از آن در قید حیات بوده ، و هفده سال بعد ازان تاریخ شروع بدفتر دوم مثنوی نموده است . و این نیز بجای خود یگانه دلیلی است بر اینکه خصوصیت مولینا با شمس تبریزی بسالها قبل از خصوصیت و دوستی او با شیخ حسام الدین بوده . و بعقیده دو لشاه بالفرض اگر وفات مولینا قبل از شمس تبریزی بوده و مشار الیه در هنگام تالیف مثنوی حیات میداشت ، بس چگونه میشد که مولینا با آنهمه ارادت و اخلاصی که در باره اوداشته و همیشه بدرد او میسوخت در مثنوی از او یادی نمیکرد ؟

ولی ناگفته نماند که ابن بیری و مرسیدی مولینا و حسام الدین نیز از قبیل بیری و مرسیدی دو روزه اشای روز گار نبود ، بلکه متصمن هزاران بار یکی و نکنه های نیست که عارف حقیقی میتواند آنرا در راک نماید . و همچنانکه حسام الدین بمولینا ارادت و اخلاص داشته ، مولینا نیز او را بمنتها درجه احترام می نموده و بنظر بزرگواری می دیده و ازو همیشه بحرمت یاد کرده و در هر جاز بان به تحسین او کشوده و علو مترات و مقام بلند او را بطور یکه شایسته شان اوست بدیگر ان ارائه و ظاهر میسازد . و همان است که در دفتر چهارم در تلقیب او بضماء الدین میفرماید :

زان ضیا گفتم حسام الدین ترا که تو خورشیدی و این دو وصفها . کین حسام و این ضیا یکیست هین تیغ خورشید از ضیا باشد یقین نور ازان بانباشد وین ضیا آن خورشید این فرو خوان از بنا

شمس را فرآن ضیا خواند ای یدر واقع را نور خواند این را نگر
شمس چون عالی تر آمد خود زما یس ضیا از نور افرون داشت جاه
یس کس اندر نور مه منهج ندید چون بر آمد آفتاب آنشدید
ویس از چند بیتی باز اورا بكلمه استاد یاد کرده در وصف مشارالیه گوید:
دیده غیت چو غیب است اوستاد کم مباد ازین جهان این دیدو داد
و همچنان بازاورا استاد خطاب نموده، در تعریف وی در دفتر پنجم گوید:
ای ضیا الحق حسام الدین را د
گر نبو دی خلق محجوب و کثیف
در مدیحت داد معنی داد می
شرح توعیب است بر اهل جهان
مدح نو حیف است باز ندانیان
مدح تعریف است و تخریق حجاب
قدر تو بگذشت از دران عقول
نور حقی و بحق چذاب جان
شرط تعظیم است تا این نورخوش

وفات: وفات مولینارا بعضی در ۶۷۰ ششصد و هفتاد و بعضی در ۶۷۱ ششصد
و هفتاد و یک هجری قمری نگاشته اند و صحیح آن است که در پنجم
جاده‌ای اخیری سال ۶۷۲ ششصد و هفتاد دوی هجری قمری در قونیه ازینجهان
گذشت و سن مبارک در حدود (۶۹) شصت و نه سال بود. و همدرآ نجا
مدفون است. و مرقد او زیارتگاه خواص و عوام و اینکه در تند کرده

دو لشنه و فات او بارقام هند سی در سنه ۶۶۱ ششصد و شصت و یک نوشه آمده ظا هرآ ناشی از تحریف ارقام و یا اشتباه ناسخ خواهد بود . چه در صورتیکه تولد مولوی در ۶۰۴ ششصد و چهار ، وفات ۱ و بسن ۶۹ شصت و نه و همچنین شروع او بنظم دفتر دوم ۶۶۲ ششصد و شصت دو بتحقيق و روشن است چگونه میتوان قبول کرد که دو لشنه دیده و دانسته مرتکب چنین خطاء فاحشی گشته باشد . و هکذا شبر خان نیز در مرآة الخيال بروایتی وفات او را بسال ۶۶۱ نوشته معلوم است که مأخذ او نیز دو لشنه بوده و بدون شبه او نیز فدای سهو فلم کتاب گشته است .

گذشته از بن چیز یکه پیشتر به تعجب و حیرت ما افزاید ، متأسفانه سهو (و یا از حسن ظن) بی التفاوتیکه ایست که ازما سوف علیه « اد ورد براؤن » در ینورد صادر شده . در صورتیکه از شان او بسیار دور است . و مشاراشه با آنمه دقیقی که در تصحیح تذکرۀ دو لشنه مطبوعه ایدن بکار برده چنانکه خود در مقدمه آن میتویسد ، باز هم ملتفت این غلطی فشده ، و در ان وفات مو لینا سال ۶۶۱ ششصد و شصت و یک هجری یعنی بدون تصحیح بهمان غلطی که در اصل نسخ دو لشنه است بطبع رسیده . و بر علاوه جمله « بسن شصتونه سالگی » نیز در کتاب مذکور از قلم افتاده . در حالیکه جمله مذکور هم در نسخه مطبوعه بیشی در (۱۳۰۵) و هم در نسخه قلمی که در دسترس من فرار گرفته ، موجود است . وظاهراً ازان چنین استنباط میشود که گویا طابع و مصحح ما سوف علیه قصد آیاز جمله مذکور طفره رفته . و بدین وسیله یکنون تصحیحی در کتاب نموده است والا چگونه م بشود که جمله این بزرگی سهوآ از قلم افتاده باشد . زیرا که از

گفته خود او در مقدمه کتاب واضح میشود که مشاراً ایه بر علاوه سه نسخه خطی، تذکرہ دولتشاه کتبخانه جامعه کیمیریج و یک نسخه قلمی مال استاد «سر دنیسن راس»، نسخه مطبوعه بمبئی (در سال ۱۳۰۵) را نیز هنگام تصحیح در دست داشته بلکه یکی از ما خذ او بوده است. وبالفرض اگر جمله مذکور در نسخ خطی ما خذ او موجود نبود در نسخ طبع بمبئی که موجود بوده، و ازین بخوبی صحت و سقم سائر قسمت‌های دولتشاه طبع لیدن را قیاس توان کرد!

مشوی: هر چندیکه هویت مشنوی و شهرت علمگیر آن بلندتر از ازانت است که دروصفت آن چیزی نوشته آید. ولی بنا بر اتفاقی وفت و مقام اگر سطري چند در بباب سپرد خامه شود خلاف نرا کت نخواهد بود. مشنوی اکثر از حوضه های ادبی و فلسفی شرق و اروپارا بانداره متاثر و گردیده خود ساخته که ازین حیث کمتر کتابی از مؤلفات پسر با او همسری کرده میتواند. و صرف نظر از عقیده و مذهب، قسمت مهم از علماء متفکرین دنیا برآند. چنانکه، خود مولانا از اجله متصوفین و حکماً بوده در قطار رهنمایان حقیقی عالم بشریت قرار گرفته مشنوی معنوی او نیز از بزرگترین شاھکارهای ادبی و فکری بشریت بشمار رفته یگانه کتاب جامعی است در حکمة و عرفان که تاکنون هیچ یک فریج به تهیه نظیر آن کامیاب نشده.

هر حکایتی ازان حکمتی است که روز نه از بهارستان توحید بروی خوانند میکشاید و هر قصه ازان هدایتی است که او را بصراط مستقیم رهبری میکند کلام او را با اشعار دیگران مقایسه نمی‌توان کرد چه آن مجموعه الهاما تیست که بر ضمیر او از عالم قدس وارد شده و از زبان او بصورت شعر ترا و ش

کرده، و موضوع آن بجز از توحید و معرفت در اسرار زندگانی و کائنات چیز دیگر نیست.

اہذا تأثیرات آن نیز در عمیق ترین زوایای افکار بشر بصورت عام و قطعی بوده هر کسی را بخاطر خواه او از مفاوضات خود بهره مند می سازد؛ با عاشق پیشگان از عشق با متصوفین از عمر فان و توحید، با فلاسفه و حکما از حکمت و فلسفه با ادب از ادب و ادبیات و هکذا با هر شخص بقدر منظور واستعداد او حرف میزند و مصابق سلیقه و ذوق وی صحبت میکنند. چنانکه خواننده پس از مطالعه یعنی چند بتوهم آن می افتد که گویا در مقابل همکاری دان و نهایت شفیقی نشسته تمامی راز و اسرار نهانی خود را بیان گذاشته است. و حکیم یکایک بحل مشکلات و عقد های فلسفی او برداخته اورا بر سرمن بهدف متصود و آمال هدایت و رهبری میکنند. و همینکه از مطالعه وارغ شد، با انقلاب و تطور غربی را در ذهنیت خود احساس می نماید. جمیع آلام و اضطرابات روحی او زائل گشته، در عوض یک انشراح فلسف و یک استراحت باطنی بوی دست میدهد که خارج از حد وصف و بیان است. و این یگانه امتیازیست مشهورا به نسبت سائر کتب ادبی و تصوف و عیره که با اعکس تاثیر آنها بطبقة مخصوصی از بشر منحصر است و بس. و همین است که آنرا قرآن یارسی خوانده اند.

ست و اسلوب: سبک متنوی سبکی است سهل و ممتع و هر چند یکه گاهه گاه بعضی اضطراب و تشنجاتی هم در کلمات و الفاظ آن دیده میشود. با آنهم ایا نش ساده و طبیعی و با کمال سلاست و انسجام است، مشکلترين مضا میهن حکمتی چنان در قاب الفاظ عذب و روانی جایافته و بدون تکلیف با ندازه شسته ادا شده که گونی با انسان محاوره و صحبت می نماید. عبارات

با معانی برابر، استحکام ترکیب، حسن تمثیل و تحکیم که نمایندگی از پخته‌گی سبک و قریحه تو انانی شاعر می‌نماید به بهترین و جهی از تمامی ایات آن نمایان است. و هم چنان صدق عاصفه و صراحة لهجه از خلاصه اشعار آن می‌تابد. بخصوص دیبا چهای آن بعدی مطبوع و سوز ناک افتاده که از هریت آن یک‌عالم گرفتاری و رفت قلب می‌ترسد. و هر مصروع ازان مضرابی بخاطر آشفته عاشق می‌نوازد. و گذشته از همه چیز یکه قابل پیشتر ستایش است اسلوب نهایت دل نشین آن است که تائیر کلام را دوچند ساخته و آن چنان است که ابتدا زمینه یاک مدعا را طرح می‌کند. و سپس از برای اثبات موضوعها بدبیع و دلکشی را از مسائل حیات بدست آورده و با یک لهجه نهایت، پر از صدافت و شور انگیزی شروع بحکایت می‌نماید و در آخر قصه را بقسمی بهدف مقصود رسانده خاتمه می‌بخشد، که هبیج یاک فشنگترین رومان اجتماعی چه از اعماض شیرینی موضوع و چه از حیث جدا بی طرز افاده و تاثیر بیا به آن رسیده نمیتواند.

این بود خلاصه عقاید و افکار ما در خصوص این بزرگوار و مشنوی معنوی او. و هم چنان فضلای غرب را نیز در ینباب عقائد و آراء مخصوصی است که دلالت بر علوم قام و جلالت شان مولينا و منتوی او مینماید. چون «برگسن» فیلسوف معاصر فرانسوی، «ورته» مستشرق معروف المانی صاحب تاریخ ادبیات فارسی وغیره را. و بعنیه که این مختصر گنجایش تفصیلی پیشتر ازین را نداشت، از نوشتن عقاید ایشان صرف نظر کرده شد.

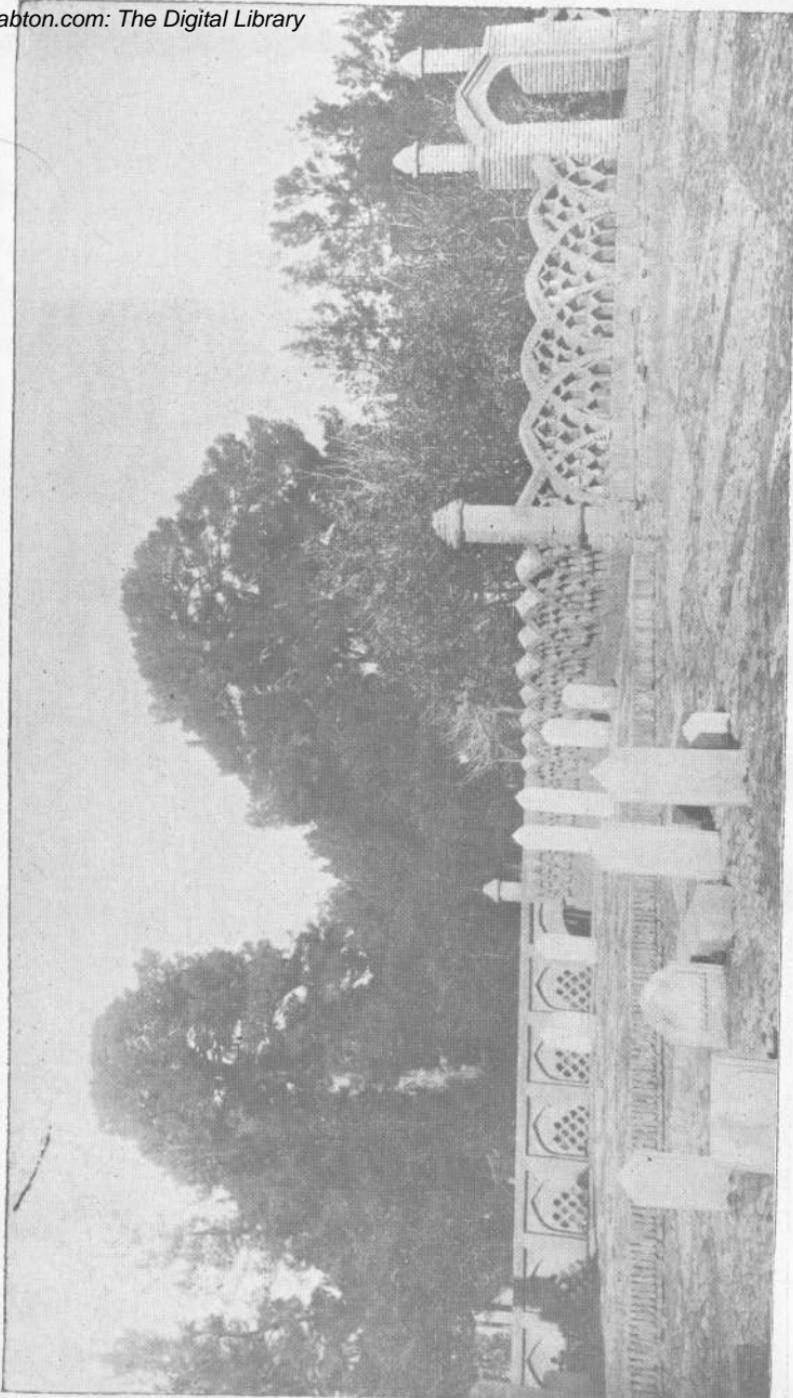
و دیگر از شعرای عصر مغل (قرن هفتم) شمس الدین بلخی است که در سمرقند می‌بود، و صدرالدوله نظام الملک وزیر سلطان جلال الدین در باره

وی التفاوتی بتمام داشت واز او همیشه حمایت و دستگیری مینمود . و با هم یک جا
حیات بسر میبردند . از سال تواند وفاتش اطلاعی بدست نیست . ولی ازینکه
محمد عوف صاحب لباب الالباب اورا ملاقات نموده است معلوم میشود که مشارالله
یقیناً تاشره دوم قرن هفتم هجری بحیات بوده . زیرا که عوف از نویسنده گان
قرن هفتم بشمار رفته و تالیف تذکرہ اول لباب ظاهرآ بسال ۶۱۷ ششصد و هقده
هجری قمری است . وهم چنان از اشعار صاحب ترجمه نیز چیزی باقی نمانده است
جز دو رباعی که در اکثر از تذکره ها دیده می شود .

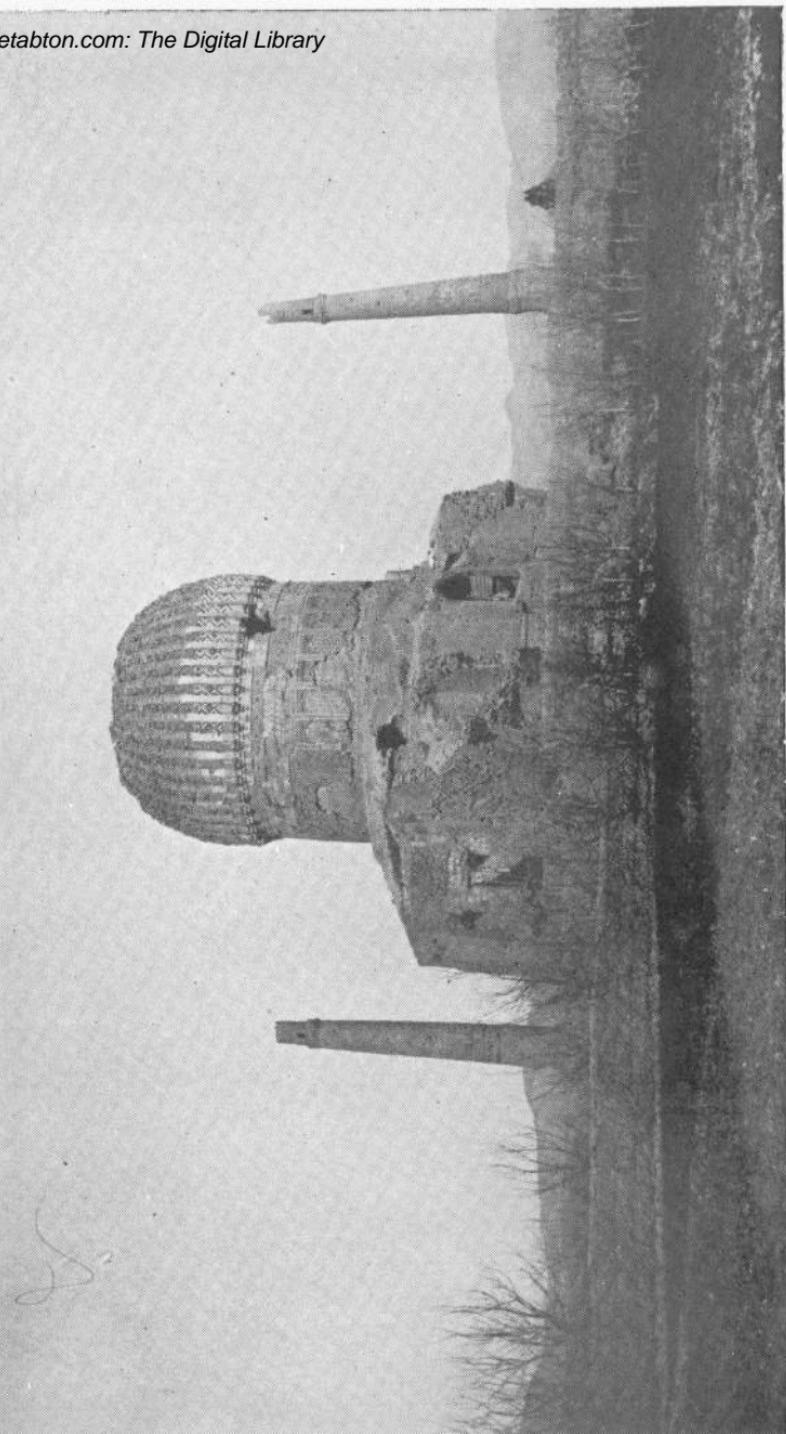
و دیگر از عرفای قرن هفتم هجری که هم شاعر بوده ، شیخ رضی الدین
علی بن سعید معروف بعلی لا لای غزنوی است . که دولتشاه و مرحوم علی
قلی خان داغستانی در ریاض الشعرا اورا عمززاده عارف شهری حکیم سنانی
غزنوی نوشته اند . و گویند که پدر او همراه حکیم عزیمت کعبه کرد و در عرض
راه در خسرو شهر از اعمال جوین متاهل گشته و علی لا احمد را نجا نواهی یافت
مشارالیه از اججه عرقاً و متصوفین عصر مغل واز مریدان شیخ نجم الدین است
در شعر نیز طبعی موزون و فربحه توانائی داشته . اکثر بسبک خواجه عبدالله
انصاری هروی رباعیاتی میسر وده است که بر علاوه مزا یای شعری از چاشنی
تصوف نیز بی بهره نبوده است . وفاتش بروایتی بسال ۶۴۳ ششصد و چهل و سه
هجری و بر وایتی ۶۴۲ ششصد و چهل دو در اصفهان باتفاق بیوسنه و بقول واله
داغستانی همدرانجبا بمکانی که مشهور بگندلا است ، مدفون است ، ونا گفته نماند
که در غزنه نیز مقبره او به نزد عوام و خواص آن دیار مشهور است و النیب عنده الله .
و سن او را بعضی هفتادوش و بیخی هفتادونه نوشته اند . واز موالید افکار او جز
چند رباعی که در بعضی از تذکره بمنظر میرسد ، چیز دیگری باقی نمانده و ازان

خوبی عاوهمت وجودت طبع مشار الیه نما یان است . و دیگری از ستارهای درخشان آسمان ادبیات عصر مغول سعد الدین هروی است که دولتشاه سمرقندی و صاحب ایماق اورا سعید نوشه اند . و شاید که سعد الدین اسم و سعید تخلص شعروی باشد . مشار الیه از فحول شعرای قصیده سرا و از سخنوران شوا یسان هفتمن هجری است ، که از معاصرین وهم فطران شمس الدین طبسی و یور بھای جامی بوده . و با ایشان معاشرت و دوستی داشته ، و یکجا بسر می برد و از بزرگان عصر خواجه عنزیز الدین طا هرف ریومدی را که در زمان چنگیز خان و هلاکو وزارت خراسان داشت در باره وی التفاتی بتمام بود . و او نیز در باره خواجه قصائد غرائی دارد و هم چنان مشار الیه را قصائد بلند بالائی است در مدح و منقبت شاه ولایت مآب که هر یک دلیلی است بر قوت طبع و نازک خیالی های او . و گویند کلیات اشعارش به نجهزار بیت میرسید ، که متسفانه اسروز جز عده قلیای ازان بنظر نمیرسد . و فاتح بروایت مرحوم علی قلی خان داغستانی (در ریاض الشعرا) بسال ۶۴۵ ششصد و چهل و پنج هجری قمری و بقول مرحوم هدایت طبرستانی (در جم الفصحا) بسال ۶۴۹ ششصد چهل و نه رو داده است .

و دیگر از شعرای آن عصر شیخ سیف الدین با خرزی است ، که از عرقا و کاملین سلسله صوفیه بشمار میرود . وی در تصوف از مریدان شیخ نجم الدین است . و در خدمت آنچنان بمدارج غالیه عمروج و ترقی نمود چنانکه نویسنده در یک اربعین بمرتبه خلافت رسید . این بود مگر از توجه پیر کامل او . سلاطین و بزرگان عصر همواره از او احترام

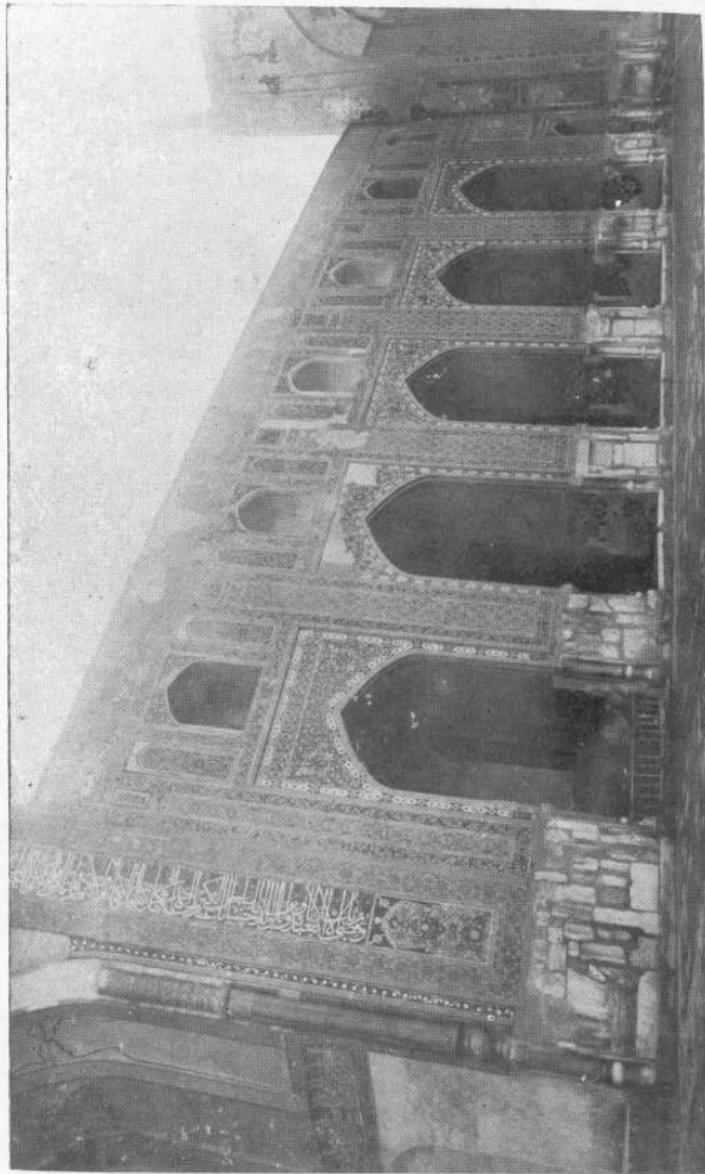


از مزدات هرات ، مقبره حضرت مولانا عبد الرحمن جامی و پیر بزرگوارشان حضرت مولانا سعد الدین کاشنی
Tombau du grand savant afghan Dīāni (15 e. S.)

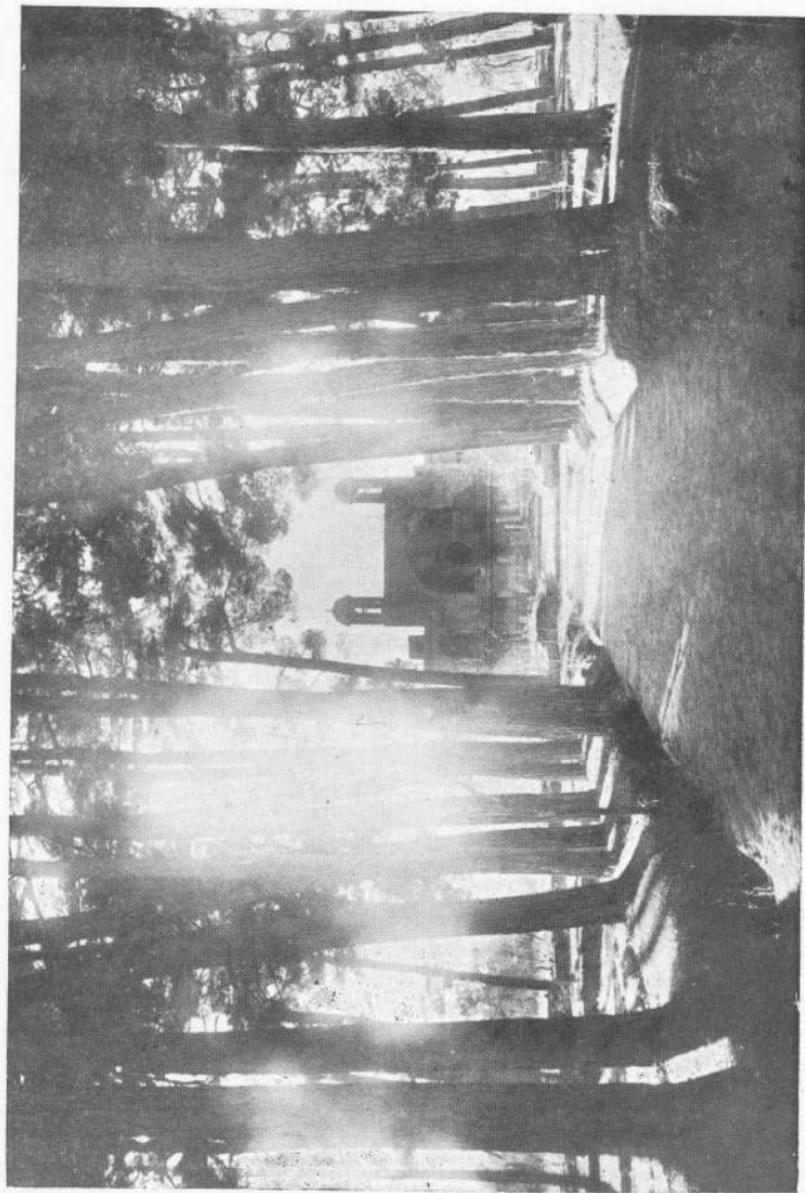


از اینهه تاریخی هرات : گنبد مقبره اولاد با پستور میرزا و مهد علیا کوهر شاد بیکم historiques d'HÉRAT : Mausolée des descendants de BAI/SANKAR MIRZA (15 è. S.)

Un des monuments historiques d'HERAT : Mausolée des descendants de BAI SANKAR MIRZA (15 è. S.)



از آثار تاریخی هرات : سنت جزوی مسجد جامع
Une partie de l'ancienne mosquée d'Hérat



از اینه زیای هرات : مسجد واغ صوفی اسلام در کخ
Une vue de l'ancienne mosquée et du jardin de Soufi Islam à Hérit

میکردنده . و بوی ارادت و اخلاصی بتما م داشتند . و بطور یکه متفق‌الاصل است بر کابش پیاده میر فتند . و با آن مفاخرت مینمودند . و در بخارا بسال ۶۵۸ ششصدو پنجاه و هشت هجری قمری ازینجهان گذشت . و با وجود اینکه رباعیات زیادی داشته ، متناسفانه امروز جز از دو سه رباعی ملیح او که در ریاض الشعرا مسطور است از دیگران سراغی نیست .

و دیگر از بزرگان شعر ای معروف عصر مغول امامی هروی است . کنیة وی ابو عبدالله و اسمش محمد بن ابی بکر بن عثمان است . وی با وجود وفور علم و فضل در شاعری نیز از سر آمدان این فن بشمارفته و از معاصرین مجید الدین همگر و شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است . و در صنایع شعری و محسنات بدیع مهارقی بسزا داشته . چنانکه مجید الدین همگر او را بر سعدی صحیح و برتر میداند . و این توجیح او بعقیده دولتشاه تنها از رهگذر شیوه بدایع و صنایع شعری بوده نه از لحاظ سائر جهات شعری . تولد وی در هرات است و همدرانجا نشو و نمایافته و اوائل حیات را بعد از امراض آن دنیار بسر می بر دتا آنکه در او اخر عمر بکر مان رفته در انجا توطن گزید و در دربار اتابکان آن سر زمین می بود و در مدابیح ایشان قصاید غرائی سروده است . و همچنان از فخرالملک وزیر خراسان نیز تربیه و پرورش دیده در مددح او قصائد متعددی دارد . و نظر بروایت دولتشاه سمر قندی خاندان او در هرات بعلم وفضل مشهور بود و از اخلاق و احفاد او علمای زیادی برآمده اند چنانکه تازمان صاحب تذکره ، قضات هرات از نسل او بوده اند . وفات او بسال ۶۶۷ ششصد و شصت هفت هجری قمری در اصفهان بو قوع پیوسته و تقریباً در حدود دوهزار بیست و بیست و هشت ساله از اشعار وقصائد او در دست است .

و دیگر از شعر و خطاطان معروف عصر مغل فخر الدین خطاط هروی است . که از سخنوران و خطاطان نامی آنحضر بشمار میرود . واو بر علاوه شاعری در خوش نویسی مسلم زمان بوده و خطی بغاایت نیکومی نوشته و قطعات او در انحصر نهایت قدر و قیمتی داشته است . و هم چنان در وعظ نیز از مشاهیر و اعظم زمان خود بوده در خطابات مهارتی بسزا داشته . ولیکه از سر امدان و نخبه اهل این فن است و بروایت علی قلی خان داغستانی عوفی صحبت او را در ریاضت و ازان معلوم است که تا اوائل قرن هفتم هجری بحیات بوده . از سال تولاد و وفات او اطلاعی بدست نیست . صاحب روز روشن صاحب ترجمه را پسر ملاحسین واعظ کاشفی نوشته و یک بیتی ازان که در ریاض الشعرا مسطور است آنرا نیز گرفته است . ولی از تبع کتب تاریخ معلوم میشوند که بنام فخر الدین علی ، ملاحسین مذکور نیز پسری داشته که همواره در جامع هرات بعد از فوت یدر بوعظ می پرداخته ، ولی اینکه او را خطاط نوشته باشند بنظر نوسید .

ملوک کرت :

در اواسط قرن هفتم هجری شخصی موسوم بشمس الدین که نسب وی بعن الدین عمر از بنی امام سلطان غیاث الدین محمد بن سام غوری میر سید ، هوای بزرگی بسر داشت . و همواره در تلاش و جستجوی آن بود ، تامقای حسب دلخواه خویش احر از نماید . تا آنکه اقبال با او مساعد افتاد و رفته رفته بسایه فضل و داشت ، و فور شجاعت و مردانگی که داشت ، نوجه منکو ف آن را بخود جلب نموده در سال ٦٤٣ شششده و چهل و سه هجری قمری با مارت هرات منصوب گردید . حکمرانی و اداره ولایات غور ،

خر جستان ، اسفراز ، فراه و سیستان همگی با و نفویش یافته ؛ و بنام منک شمس الدین محمد بن ابی بکر کرت معروف گشت . اوست موسس سلسله ملوک کمال‌های هرات و از اولاد او نیز هشت نفر با مارت رسیده در هرات حکمرانی نموده اند ، که در تاریخ بنام ملوک کرت معروف است . و روز گار حکمرانی ایشان تا ۷۸۳ هفصد و هشتاد و سه هجری قمری دوام داشت .

ملوک کرت در عصر مغل یکی از مقندرترین امرای داخلی افغانستان بشمار رفته و بسبیکه خود نیز اهل فضل و داشت بوده اند ، همواره به تربیت و پرورش فضلا و سخن سرایان صرف همت نموده ، حتی المقدور از هیچ یا کنون نوع حمایت و دستگیری در باره آنها درین و خود داری نکرده اند . علی الخصوص ملک شمس الدین محمد اول مؤسس این سلسله که خود نیز از فضلا و کتاب معروف عصر بود ، وطبعی بغایت موزون و روان داشت ، واعشاری بس نیکومی سرود . چنانکه بعضی از رباعیات وی در بعضی از کتب تاریخ وند کرده ها بنظر میرسد .

وهم چنان هرات که مرکز حکومت ایشان بود در انصر ملجا وینا گاه فضلا و اهل دانش گشته ، از هر طرف بدان سرزمین رومی نهادند . و به نوازش والقناهای بزرگانه این خاندان علم پرور نائل گشته ، زبان بدح و ستایش آنها کشوده اند . بخصوص فضلا و سخن وران خراسان که از ایشان بکثر کسی خواهد بود ، که ازا مداد های مادی و معنوی این خاندان بپر ور نشده باشد . و بدین تقریب دوره امارت و حکمرانی ایشان در هرات و توام آن ، مقام مهمی را در تاریخ ادبیات افغانستان حائز بوده و در دوره تاریخ استیلای مغل درین سرزمین یگانه ستاره تیست که در فضای تیره و تاریک آنحضر می درخشید .

شعرای این دوره : از شعرای بزرگ این دوره مولیانا صدرالدین خطیب معروف بریعی است . اصل وی از فوشنج از توابع هرات است و همدرانچاتول و نشو و نمایافته و بعلتی که با مر خصابت اشغال داشت ، معروف بخطیب بود . مشارالیه بواسطه جودت طبع و حدت در سلک نهاد ما و خواص ملک فخر الدین محمد کرت انتظام داشت . و ملک را در باره وی نظر خاصی بوده ، از هیچ نوع احسان و انعام درین نمیکرد . چنانکه نویستند ، ما هانه هزار درم زر نقد از خزانه بوی میدادند . ولی بعلتیکه بی نهایت عیاش و معرب بود ، هر چه بدستش می افتد صرف عیش و شاهد نموده و همواره در تقاضای انعام و بخششی بیشتر سر می برد . و کرت نامه را نیز بر وزن شاهنامه در کار روایهای ملوک غور با شاره ملک موصوف بسلک نظام در آورد . تا آنکه رفته رفته در اخیر منافرتی بین مادح و مددوح رو داده ، ربیعی بدون استیندان و رخصت از هرات بر آمد . و بقہستان رفته در آنجا بخدمت شاه علی بن ملک نصیر الدین سیستانی بیوست . ولی محبوط آنجا نیز با طبع سرکش و مغورو وی سازش کدار نیفتاده ، و سائل افکاک وی را از آن دیوار فراهم نموده ، مشارالیه راه نیشا پور بیش گرفت و از آنجا در حینی که عنیمت عراق داشت ملک فخر الدین او را بو عدهای جمیل فریفته بواحه مکاتیبیکه بقلم خود مینوشت آمدن او را به هرات خواهش نمود . و مشارالیه واصل هرات شده مجدها بقطارندمای او منسلک گشت و بدر بار بسر میبرد . تا آنکه طبع بهانه جوی ملک مذکور وسائل آهام بریعی را فراهم نموده ، مشارالیه را به بهانه جرمی محبوس و در زندان بینداخت . و بعد ازان کسی را اطلاعی باحوال او نیست که عاقبت او چگونه شد ؟

و دیگر از شعرای معاصر ملوك کرت، ملک الکلام محمد بن حسام هروی است. که دولتشاه اسم اورا محمد، وغیاث الدین خوند میر، جمال الدین نوشته است. او از معاريف فضلاي عصر خود و از شعرای ذواللسازين است. بفارسي و عربى شعر ميگفت و اشعار او نها ي يت مطبوع ويستند اهل زمان بوده، چنانکه او را برمولينا مظفر هروی که از افغان او است تفضيل داده اند. و از اشعار عربى او قطعه ئيست که در جلوس ملک شمس الدین محمد بن ملک غیاث الدین (پنجمين ملک از ملوك کرت) گفته و در اکثر جاها بنظر ميرسد. وفات او در سنه ٧٣٦ هفصدو سی و شش و یا ٣٧٣ سی و هفت در هرات بوده بروز گار ملک معزا الدین حسين بن ملک غیاث الدین کرت. و ايشكه دولتشاه و فاتح را در زمان ملک شمس الدین محمد مذكور نوشته خالي از اساس است. چه وفات ملک شمس الدین مذکور در سال ٢٣٠ هفصدوسي يعني هفت سال قبل از وفات صاحب ترجمه بوده و از اشعار او امر و ز جيزی بنظر نمیرسد.

و دیگر از شعرای مبرز اين دوره افضل المتأخرین مولينا مظفر هروی است که او را خاقاني ثانی نيز خوانده اند، وی مرد دانشمند و بغایت فاضل بود. در شاعري و على المخصوص در قصيدة سرائي باند ازه توانا و چيره دست بود که گويند از متاخرین کسی بمتانت او سخن نگفته است. هيشه با شعرا معارضات داشته، و بر اشعار ايشان اعتراضات ميگرفته و انتقاد هاي ويستند يده می نموده و در روزگار ملک معزا الدین حسين کرت بسر می برد. در مداعع او قضايي غرائي دارد، که از لحاظ اغراق، تشبيهات و نازك خيالي، مسلم زمان است. و كمتر قصيدة از معاصرین او بيا به آن رسيده توانسته است.

سالنامه « کابل »

و هم چنان مشار الیه با وجود آنمه فضل و سخن و ری که داشت از عرضان نیز بی بهره نموده ، بلکه از ارباب سلوک و تجربه عصر خود خود بود . از کمال بی اعتمانی که بد نیا و ز خرف آن داشت ، همیشه قلندرانه زندگی بسر می برد ، و بنا بران در انتظار مردم خوار می نمود . و هر چند که او را فضلاً معاصر و ارادات مندان ازین شیوه منع می نمودند سودی نمی بخشید و میگفت : « بظاهر من نشگرید بر بیانی معنی بشگرید » . و متاسفانه با آنمه شهرتیکه در عصر خود داشت ، امروز از اشعار وی چیزی بنظر نمیرسد . و علت آنرا چنین نویسنده که در وقت صرگ ک دیوان خود را بآب انداخت که بعد از مضار قدر سخن او را کس نخواهد دانست . و بلکه معنی آن را هم فهم نخواهد کرد . از سال وفات اطلاعی بدست نیست . ولی اینقدر معلوم میشود که در روزگار ملک معز الدین حسین بوده است و سلطنت او سالهای ۷۳۲ هـ میباشد و دو تا سه ۷۷۱ هـ میگیرد . و دیگر از شعرای آن سامان مولانا حسن مشیور بحسن متكلم است . و از پیت آخر قصيدة بائیه او که بر تبع قصيدة معروف سلامان ساوجی گفته و در بجمع مسطور است ، معلوم میشود که اصل وی از آل سامان بوده چنانکه میگوید (منم از ازاد بزرگان سامان - که بودند شایان چتر و موکب) وی از فحول شعرای قصیده سرای آنزمان و معاصر مظفر هروی است و بلکه بروایتی شاگرد او بود ، و در مدائیح ملک معز الدین و ملک غیاث الدین پیرعلی از ملوک کرت قصائدی داشته که امروز بکلی از میان رفته ، جز اندک ازان باقی نیست . ولی از تبع در آن معلوم میشود ، که مرد فاضل و در علوم عربیه صاحب استعداد کافی بوده و حتی الوسع کوشش داشته تا قصائد خود را :

بطرز شعرای عرب موزون سازد . خاصه ذوق فوق التصور او در ایراد کلمات حتی جمله های عربی بکلام او یک صبغه مصنوعیت بخشیده از روانی و طراوت موضوع کاسته است ولی باز هم از فریجه تونا و ملکه قوی شعری او انکار نمی توان کرد . از وفات اواطلاع صحیحی بدست نیست ولی اینقدر میتوان گفت که یقیناً تاسال ۷۷۱ هـ مصدق و هفتاد و یک که سال جلوس غیاث الدین پیرعلی کرت باشد و چندی بعد از آن بحیات بوده زیرا که نظر بقول دولتشاه حسن نسخه در صنایع شعری بنام ملک مذکور تا لیف نموده و بنابران از شعرای نیمة دوم قرن هشت هجری است . واینکه در ریاض الشعرا اصل اورا سید نوشته اند نظر بگفته خود او چنان که در بالامتند کر شدیم بی اساس است .

و دیگر از عرفای شاعر معاصر ملوک کرت ، شیخ زین الدین ابویکر تایبادی است ، که از عرفای بزرگ بود و در بین مردم و جاهت و نفوذ و افری داشته و بزرگان عصر از و احترام می کرده اند . و ملک غیاث الدین پیرعلی کرت را در باره وی ارادت و اعتقاد بسیار بوده . چنانکه شیخ مو صوف همیشه از و دیدن می نموده و بیوی اندرز ها میداده واژ ظلم و اعتصافات بیجا اورا مانع می شده . وهم چنان امیر تیمور گور کان را نیز باو اخلاصی بود . و فاتح به هقصد و نود و یک (۷۹۱) هجری است . و از اشعار او چیزی که باقیست همان چندرباعی است که در بعضی از تذکره ها دیده میشود .

وهم دران زمان بزرگوار دیگری نیز بدنیا پشت یازده ، در یک گوشه از شهر هرات بعبادت مشغول بود ، اوست سید العارف حسین بن عالم بن حسن الحسینی غوری هروی مهر و ف با امیر سید حسینی سادات . که از اجله بزرگان هرات و معاریف عرفای آن دنیار است . اصل آن جناب از غور و

سالنامه « کابل »

امارت را ترک داده و دست بدامن فقر زده در هرات توطن گزیده و سالها در آندیار بسلوک و ریاضت اشتغال داشت.

مشارالیه قسمت اول از حیات خود را بسیاحت گذشتاند و بخدمت بسیاری از عرفاؤ بزرگان زمان رسیده و از فیض مصاحب ایشان باستفادهای معنوی نائل آمده و بعد ارج بلندی از عرض فان رسیده بود. مرحوم هدایت طبرستانی اورا از مریدان شیخ بهاء الدین زکریای ملتانی مینویسد. ولی نظر برروایت دولتشاه و مرحوم علیقلی خان داغستانی، وی از معاصرین شیخ العارف فخر الدین عرافی و شیخ او حد الدین کرمانی بوده و هرسه از مریدان صاحب طریقت شیخ شهاب الدین سهروردی است. چنانکه نویسنده هرسه در کرمان بخاقان شیخ اوحد الدین اربعینی نشسته و هریک در صدد تالیف کتابی بر آمدند، تابعو را در مغان بخدمت پیر خود تقدیم کرده باشند. و همان است که سید موصوف زاد المسافرین خویش را در آن عالم منظوم ساخته بحضور پیر خود اهداء و عرضه نمود. و گویند کتاب نهایت مهمی است در تصوف و دیگر از مشتوبات اویی نامه است.

و میر برعلاوه شاعری در نترنیز از نویسنده گان مقتدر و تو انانی بوده و در تصوف صاحب تالیفات عدیده است. چون فرهت الارواح، صراط المستقیم طرب المجالس، کنز الرموز، و هم چنان برروایت دولتشاه کتاب دیگری نیز در معارف و حقایق داشته بنام عنقای مغرب. واوست صاحب هفده سوال گلشن را از در تصوف که آنرا در خر اسان برشته نظم کشیده، عراق فرستاد و شیخ محمود شبستری بران جواب منظوم کرد.

وفات: مشارالیه در روز گل غیاث الدین محمد بن ملک شمس الدین

محمد کهین از ملوک کرت بقولی در ۷۲۳ هفصد و بیست و سه و بقولی در ۷۱۷ هفصد و هفده و یا ۷۱۹ هفصد و نوزده در هرات وفات نمود.

و همچنان دران زمان چندتن شعرای دیگری نیز بوده اند، که مورخین و بعضی از تذکره نویسان از آنها اسم برده‌اند چون بهاء الدین محمد معروف بسلطان ولد پسر مولینا جلال الدین بن بلخی و ابو الفضل حاجی عثمان هروی از شعرای اوائل قرن هفتم و شیخ صفی الدین هروی از شعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم که بر علاوه شاعری از ارباب وجود حال بود. فاضی شمس الدین طبیسی ساکن هرات که از شعرای معروف قرن هفتم است، و بدرالدین هروی که او نیز از شعرای مائۀ هفتم است و محمد عوفی صاحب لباب صحبت او را در یافته و مولینا باطنی بلخی و حمید الدین فندزی که در اوائل قرن هفتم و اواخر قرن ششم زندگانی داشت، و امام شرف الدین محمد بن محمد فراهی که از فضلای عصر خود بشمار میرفت و خواجه حافظعلی بن مولینا نورالدین محمد غوریانی که اکثر قصائد مصنوع سلمان ساوجی را جواب گفته و شمس الدین محمد کاتب بلخی که مداح عین‌الملک بوده و باعوقب صاحب لباب خصوصیت تمامی داشت و ابن الرشید غزنی که از شعرای شیرین کلام بود و در اسfer از توطن گردیده و از ملک الوزرا علاء‌الملک تربیه دیده و جمال الدین محمد معروف باز هری هروی که از فحول شعرای اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم بود، ضباء الدین بلخی که بر علاوه شاعری در خصاوت و وضع نیز صردی چیره دست بود، و در بلخ خلق را موعظه می نمود و محمد عوفی بمقابلات او ناول شده، و حکیم ابو بکر بن محمد بلخی معروف بوضعی بلخی که صردی شاعر و واعظ بود و در بلخ همیشه بوعظ می پرداخت و غیره وغیره.

قرن هشتم و عصر تیموریان :

بعداز وفات امیرتیمور گورگان درسته ۸۰۷ هشتصد و هفت هجری پسر وی شاهزاد میرزا که حکومت هرات داشت جانشین پدر گشته، هرات را مرکز سلطنت خود قرار داد و درمدت (۴۳) سال یاد شاهی خود (از ۷۰۷-۷۵۰) بر علاوه آنکه خراینهای پدر را ترمیم نمود، درباره علم و ادب نیز توجه خاصی گماشته، همواره به اعزاز و اکرام فضلا و اهل دانش میر داخت و از شعراء و دانشمندان حمایت و دستگیری نموده^۱ به اشاعه و نشر علوم و ادبیات شوق و دلچسپی زیادی داشت و بنا بران دربار او سرچون فضلا و دانشمندان دو زگار بوده و شخص او یکی از بهترین اخلاق تیمور و جانشینان او بشمار میرود. و هم چنان دیگر از شاهان کورگانی که مرکز سلطنت آنها در افغانستان بود، سلطان حسین میرزا باقرا است که او نیز از لحاظ خدمات خود در عالم ادب و ادبیات کم از شاهزاد نبوده بلکه بمراتب ازو بلند تراست و مدت سلطنت و حکمرانی او که از سالهای (۹۱۱ تا ۹۷۲) یعنی مدت (۳۹) سی و نه سال بود، یکی از روزوش ترین دورهای ادبی افغانستان بشمار میرود، که بعد از غنزویها در افغانستان بروی کار آمد. دربار وی بجمع فضلا و دانشمندان عصر بود و پای تخت آین شهر هرات یکی از بار و نق ترین مرکز ادبی بحساب میرفت. و از هرسو دانشمندان و شعراء بدر باروی رو آورده، از خوان احسان و اکرام او فیض ها میر دند و بصلات و جو اثر گران بهائی تأمل میشدند، وزبان بدح او کشوده تا کنون نام او را جاوید وزنده گذاشته اند.

وبر علاوه سلطان حسین میرزا خود نیز از اهل ذوق و ادب بود، طبعی موزون و فریحه سرشاری داشت و اشعار نیکو میسرود، چنانکه در اکثر از

تذکر کرها اشعار بنام وی دیده میشود. و همچنان از بزرگان آن دوره که خدمات شایانی به عام علم و ادب نموده وزیر نامی او امیر نظام الدین علی شیر نوائی (فقائی) است که از سر آمدن شعرا و دانشمندان عصر بود. پیشتر مقاومت دوره سلطان حسین بوی غائب است. وی در حسن تدبیر و امور جهانگرانی چنانکه از وزرای باکفایت آسیا بشمار میرود هم چنان در ادب پروری و فضل نیز یکی از رجال امی و معروف انصر دنیا است. و گمان نمیرود که از شعرا و فضلاً آن دوره و آن عصر کسی باشد که از خوان احسان و صرحت او حصه نگرفته، از جاییت و دستگریهای ادب پرورانه وی استفاده های بردۀ باشد. میر علی شیر چنانکه خود شاعر و اهل فضل بود، شعرا و اهل دانش را نیز بغایت دوست داشت و حتی المقدور از تهیه وسائل استراحت و خرسندی آنها خود داری نمیکرد و با نوع وسائل در فراهم آوردۀ خوشبودی و رضای قلبی آنها می کوشید. و ازین راه لحظه آرام نمیگرفت و ازان روت که شعرای زمان او پروانه وار در اطرافش تحشید نموده، در سایه الطاف و مهر بانیهای بزرگانه او بسر. می برند و در مدائح او قصائد غرائی سروده اند علی الخصوص بزرگواری بمثيل مولينا عبد الرحمن جامي که در مدح مشار البه قصائد گفت و از او ستایش فراوان نموده همیشه او را بنام نیک یاد میکنند. خلاصه اینکه اگر در ره سلطنت ملکشاه سلجوقی بوجود وزیر باکفایت و دانشمندی چون خواجه نظام الملک طوسی رونقی داشته و بدان می نازد، دربار سلطان حسین نیز بداشتن وزیری دانشمند و کار دانی، چون امیر نظام الدین علی شیر مبهات و افتخار نماید، بجاست.

قرن نهم و شعرای آن:

یکی از شعراء و نویسنده‌گان دوره شاهرخ میرزا مولینا یعنی سبیک است که از افضل خراسان بود. در نظم و تئور مهارتی بتمام داشت و گویند همچنین گاهی فارغ نبوده همواره به تصنیف و تأثیف می‌پرداخت. مشارا لیه ابتدا تقاضی تخلص می‌نمود و بعد ها تقاضی را بفتا حی مبدل ساخت و هم چنان در بعضی موارد خماری و اسراری نیز تخلص نموده است. واکثر با استقبال خواجه برآمده بسیاری از غزلهای آنچنان را جواب گفته است وفات مشارا لیه در سال ۸۵۲ هشتصد و پنجاه و دوی هجری با تفاق ییوسته، آثار زیادی از خود بیاد گار گذاشت که اسرارoz تقریباً بکلی از بین رفته. چون مثنوی خواب نامه او در تمیز رویا و در تئور کتاب شبستان خیال و حسن دل که در آن صور نهایت اشتهر داشته است.

و دیگر از شعرای زمان شاهرخ مولینا معمود عارف هروی است، که از مشاهیر شعراء در بار بود، و بواسطه فوت طبع و استعداد یکه در شعر داشت در نزد معاصرین خود بسلمان ثانی ملقب و معروف بود و چنانکه معلوم میشود دیوان غزلیات او نهایت مشهور بود. و همچنان در مثنوی سازی نیز به نهایت درجه مهارتی داشته مثنویات متعددی دارد که از مشاهیر آن ها مثنوی بوده بنام گوی و چو گان در نهایت وجودت و روانی که بد بختانه اسرارoz تقریباً همه بر باد رفته همچنین ازان بافی نیست و هم چنان نظر برداشت دولتشاه ملا ابد حنفی مذهب رانیز نظم کرده و ده نامه بنام خواجه پیر احمد که از وزرای شاهرخ میرزا زاست نیز گفته و در ان غزلها و مقطعات ملائم در ج نموده بود. و دیگر

از شعرای آن دوره جنونی اندخونی است که در هرات توطن گزیده بود . و بنابر خوش طبیعی و بذله گوئی که داشت اکثر از امرای آنصر هوا خواه او بوده حجت اورا از ته دل میخواستند و بد و گوش خاطری مرعی میداشتند ، بخصوص امیر غیاث الدین سلطان حسین بن فیروز شاه را در باره وی توجه و التفات خاصی بود . و امروز از اشعار او نیز چیزی بدست نمی آید . و هم چنان شاعری دیگر نیز در ان زمان بود معروف بمولینا یوسف امیری ، مشارالیه از شعرای معروف عصر شاهرخ بود و در ان عصر اشتهر کاملی داشت . و چنانکه مینویستند فناعت بدرجه اتم داشته آبروی خویش را در پیش هر کس و ناکسی نمیریخت ، نان خشک و زندگانی غربانه خود را بر طمعه گوناگون و حیات با اختیام دیگران ترجیح میداد . و با کمال استغنا زندگانی اسر می برد . و فضائل غرائی در مدح شاهرخ و با یسنقر میرزا وسائل شاهزادگان تیموری داشته که امروز جز اندکی ازان باقی نیست .

و دیگر از شعرای آن سامان بابا سودائی است . که اصل وی از ابیورد بود . ابتدا خاوری تخلص داشت ، لآ کن جذبه بوی رسیده ، چندین وقت در صغاری و بیانها مجذون و ارسر میبرد . و بدان سبب به باسودائی اشتهر یافت . در اوخر بدر بار اتساب یافته در مدح شاهرخ زبان بقصیده سرائی کشود .

هم چنان بنادر ادب پرور بهای شاهرخ شعراء و فضلای دیگری نیز آوازه او راشنیده از اطراف و حوشی خراسان و دیگر ممالک دور دست رو به رات آورده در خدمت او پیوستند و یا اینکه از دور با وزرا ، شاهزادگان و بزرگان سلطنت او ربط و خصوصیتی داشته اند و از جمله مشاهیر آنهاست مولینا غیاث الدین شیرازی که مرد دان او شاعر فرزانه بود و آقامالک بن جمال الدین فیروز کوهی معروف به

سالنامه «کابل»

امیر شاهی سبز واری که شاعری مجید بود چنانکه دروصفت اشعار او گویند که سوز کلام خسرو، ضراوت سبک کمال خجندی بالطائف وصفائیهای حافظه عمه در کلام او دیده میشد و مولینا حسن سلیمانی وسید شرف الدین رضائی سبز واری و یاد گار بیک و مولینا محمد کاتبی نیشاپوری که ازا جله شعر ای آنحضر بوده در ملازمت شاهزاده با یستقر میرزا بزمیرد. و مولینا علی شهاب الدین ترشیزی که مردی فاضل وهم شاعر بود و در زمان شاهرخ بمنتهای اعزاز و احترام زندگانی داشته و بخدمت شاهزاده محمد جو کی بپادر چندی در قندھار نیز بود حافظ حلوانی و طالب جاجر می صاحب مناظر گوی و چو گان که مشنوی مسد کور را بنام شهزاده علاء الدواه میرزا بن ابراهیم سلطان بر شننه نظم کشیده بود و خواجه گنود بر سر که او نیز از ما دھین شهزاده علاء الدله موصوف بود و مولینا سعی نیشاپوری که شاعری بغايت توانا و طبع نهايت روانی داشت چنانکه گويند در مشهد در محضر عمومی در عرصه يك شبانه روز بدون آنکه از جای خيرد سه هزار بيت منظوم ساخت. و همچنان از خطاطان آن را نيز بشمرد رفته به شش قلم خطي بغايت نيكو می نوشت. و لطفی شيرازی که از تربیه شده های با یستقر میرزا بود و اشعاری بغايت موزون و شبواني سر و د و قبر نیشاپوری ساکن هرات. و ظاهر بخاري و غيري و غيره.

و دیگر از نویسنده کان آن دوره شرف الدین علی یزدی است صاحب ظفر نامه در وقایع سلطنت تیمور. مشاهله در خدمت ابراهیم میرزا پسر شاهرخ میرزا مبیود و ظفر نامه را باشاره و خواهش او تالیف نمود.

و بر علاوه یک عدد عرقای دیگری نیز در آن زمان بهرات آمده در انشیر

افتامت گزیده بودند . چون سید قاسم انوار و شیخ نعمت الله کهربانی و شیخ فخر الدین حمزه آذری که مشارالیهم از معارف عرفای قرن نهم و بزرگان شعراً متصوفین بحساب میروند .

و دیگر از عرفای زمان سلطنت شاه رخ است ، خواجه محمد پارساو و یسر او ابونصر و خواجه لطف الله و شیخ زین الدین ابو بکر خوافی و سید صدر الدین یونس حسنی و امیر غیاث الدین محمد وغیره وغیره . وهمدران زمان عالم زبردستی در دربار شاهرخ بسر میر دمعروف به یوسف او بهی ، اصل وی ازاو به (علاء هرات) و از نخبه تلامیذ علماء سعد الدین تقیا زانی صاحب (مطول) بود و در سلک مدرسین ذامی مدرسه شاهرخ (واقع در محاذی قلعه اختیار الدین) انسلاک داشت و چنانکه مینویسنده باصر شاهرخ دران مدرس نخستین مرتبه درس او گفت وهم چنان مشارالیه را باشمس الدین محمد چری که از اکابر علمای آنحضر است معارضات بوده و در سال ۸۳۳ هشتصد و سی و سه هجری در هرات وفات نمود . وهم چنان یکعدد علمای دیگری نیز دران زمان بدر بار انتساب داشتند که بعضی آنها از افغانستان و برخی از ممالک دیگر بودند . چون شیخ محی الدین غزالی و رکن الدین محمد خوافی وابوالوفاء خوارزمی و کمال الدین حسین خوارزمی و صاین الدین علی اصفهانی و مولانا جمال الدین عبدالفارس سمرقندی و فضیح الدین محمد بن محمد بن علاء خراسانی و خواجه محمد اصغر و قاضی صدر الدین محمد بن فاضل قطب الدین عبدالله امامی هروی و جلال الدین محمد قلبی و خواجه عبدالقادر گوینده و شمس الدین محمد اوحد خطیب و شمس الدین محمد بن علی و عماد الدین عبدالعزیز ابهری و شهاب الدین عبدالرحمن لسان و برادر اعیانی مشارالیه جلال الدین عبدالرحیم صدر و مرتضی صاحف محتسب وغیره وغیره .

سالنامه «کابل»

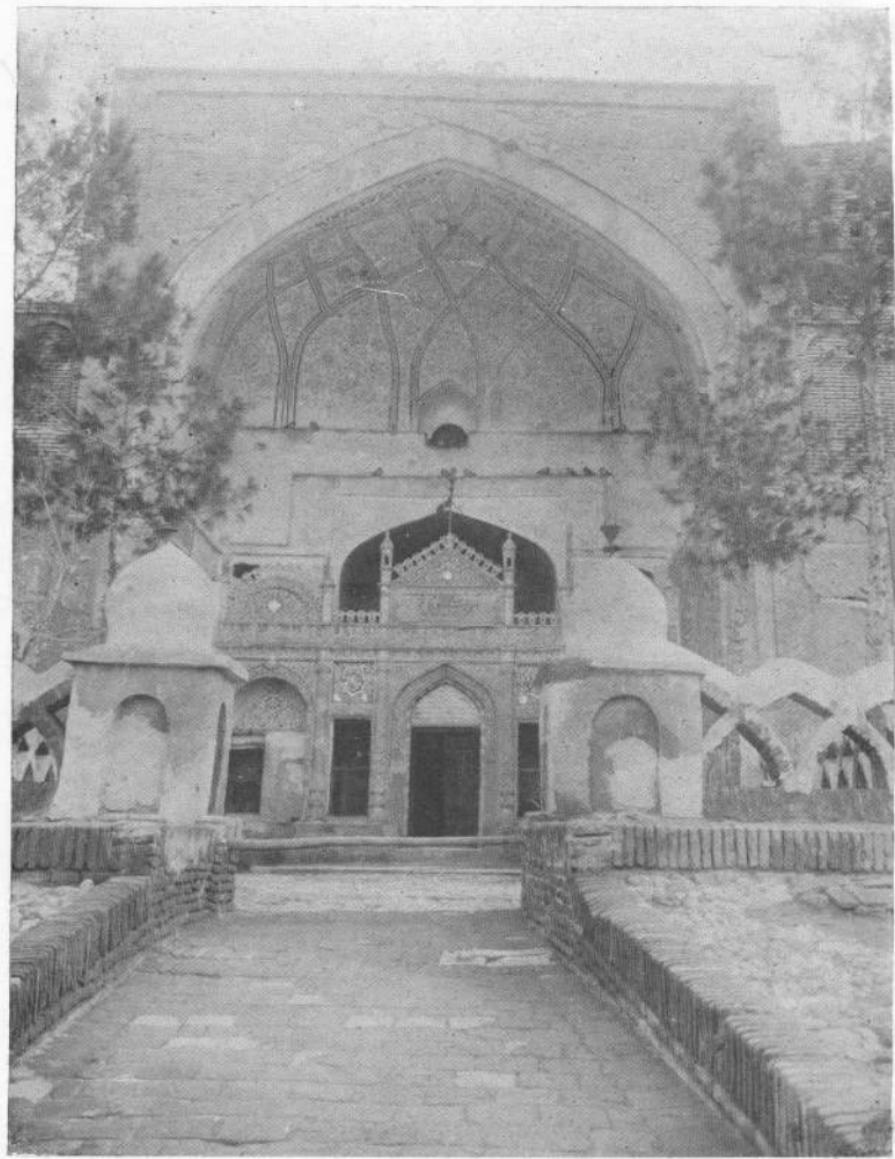
و همدران ز مان دو نفر خطاط دیگری نیز بنام شمس الدین و جعفر در هرات زندگانی داشته در حواشی در بار بسر می بر دید که آنها را نیز نباید فراموش کرد.

شمس الدین خطاط هر وی شاگرد مولينا معرف خطاط، از مشاهير خطاطان آن دوره بود. و گويند در اثر تشویق و توجه قرار گرفت که قطعات او درست بدست نمير سيد. و اكثراً از خطوط خوش را بنام يا قوت مستعصمی کرده باهله اين فن وامي نمود و بواسطه شاهت کلی که خط او بخط ياقوت موصوف داشت کس ملتقت اين نگرديده قبولش می فرمودند.

و هم چنان جعفر تبریزی که در انواع خط درجه کمال حاصل داشت. به تخصيص در نسخ و تعلیق نظیر او کسی دران ز مان دیده نمیشد و همه بخوش نویسي او اعتراض داشتند.

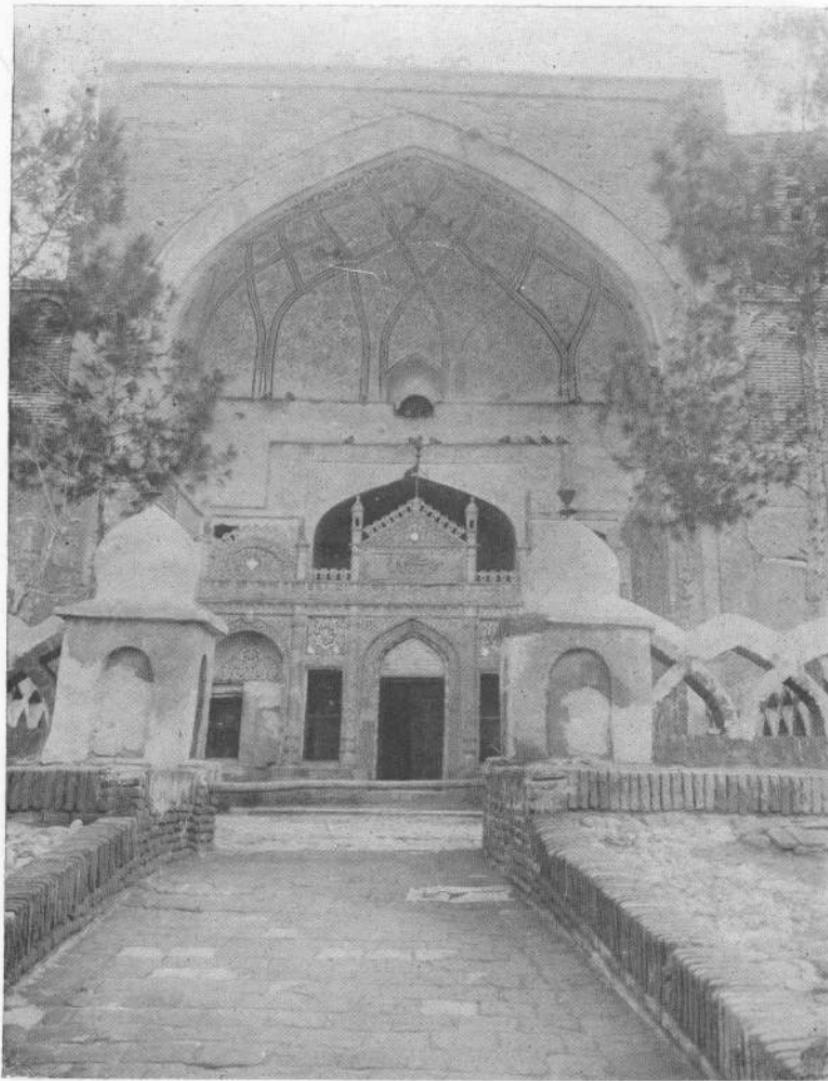
و دیگر از شعر اي قرن نهم افغانستان صاحب بلخي است، که بشريفي اشتهر داشت و دولتشاه او را ملک الشعرا نوشتند مشارالله مردي فاضل و در انواع علوم اديبه و شعر مهارتی بسزا داشته و هم چنان از طب و موسيقى نيز بيهوده. و بخدمت شاهان بومي بدخشان (که بالاخره بدست ابوسعيد گور گان منقرض شدند) بسر می برد و در مدح ايشان قصيدة ها گفته و هم چنان در مدح سادات تمدن نيز قصائدی داشته که حوادث سوء روز گار همه را از بين برده جز اند کي ازان باقی نگذاشته است.

و دیگر از شعر اي آن زمان على بن اسد بدخشاني سنت که مرد فاضلي بوده و مداحي شاهان بدخشان گرده است و تنها يك بيت ازو دیده شد.



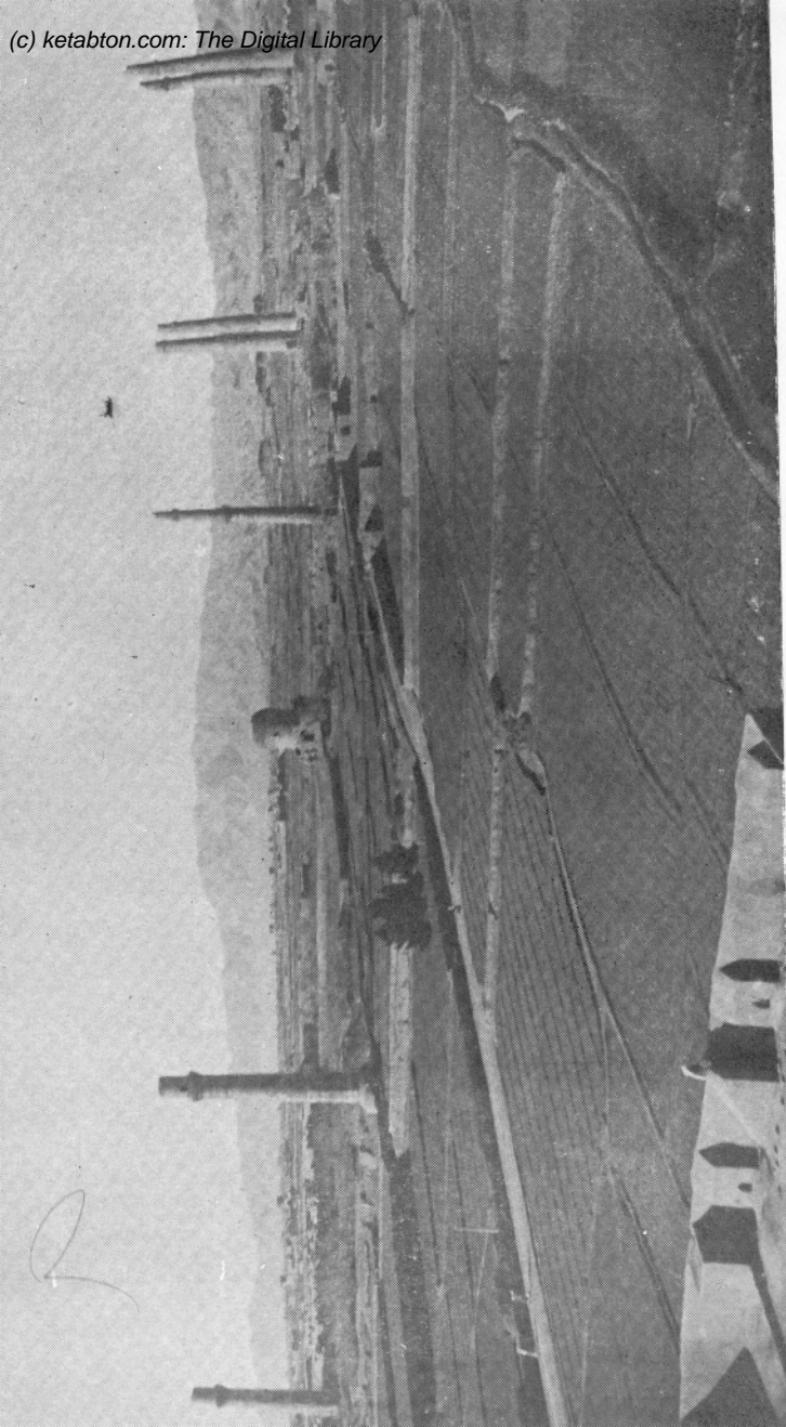
از مزارات مبارک هرات : مقبرة حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله
بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم

*Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête
musulmane) à Hérat*



از مزارات متبرک هرات : مقبره حضرت شهزاده عبدالله بن معاویه بن عبدالله
بن حضرت جعفر طیار رضی الله عنهم

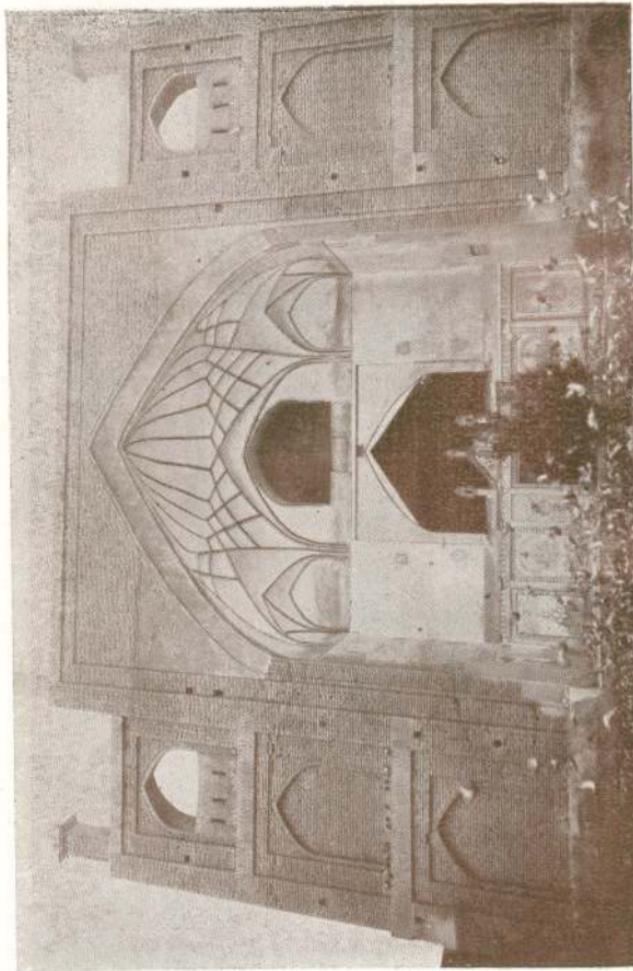
Mausolée d'un prince arabe Abdullah (du temps de la conquête
musulmane) à Hérat



از اینهه تاریخی هرات : منظره عمومی مینار های معلای شهر قدیم
Vue générale des colonnes monumentales de l'ancienne mosquée d'HÉRAT



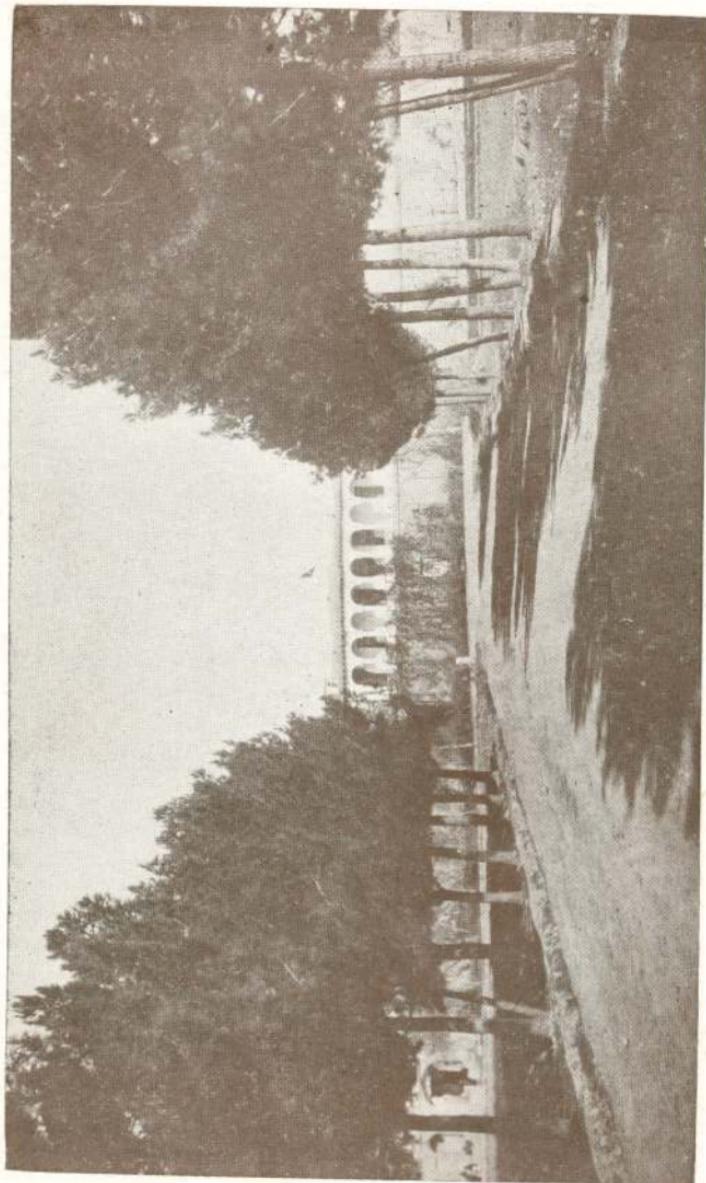
از مهارات هرات : مقبره حضرت خواجہ عبدالله انصار رحمۃ اللہ علیہ
Tombau du grand savant Khadja Abdulla Ansar à Hérat (II è. S.)



از منارات مبارک هرات : مقبره حضرت میر عبد الله الود شهید بن زید بن امام

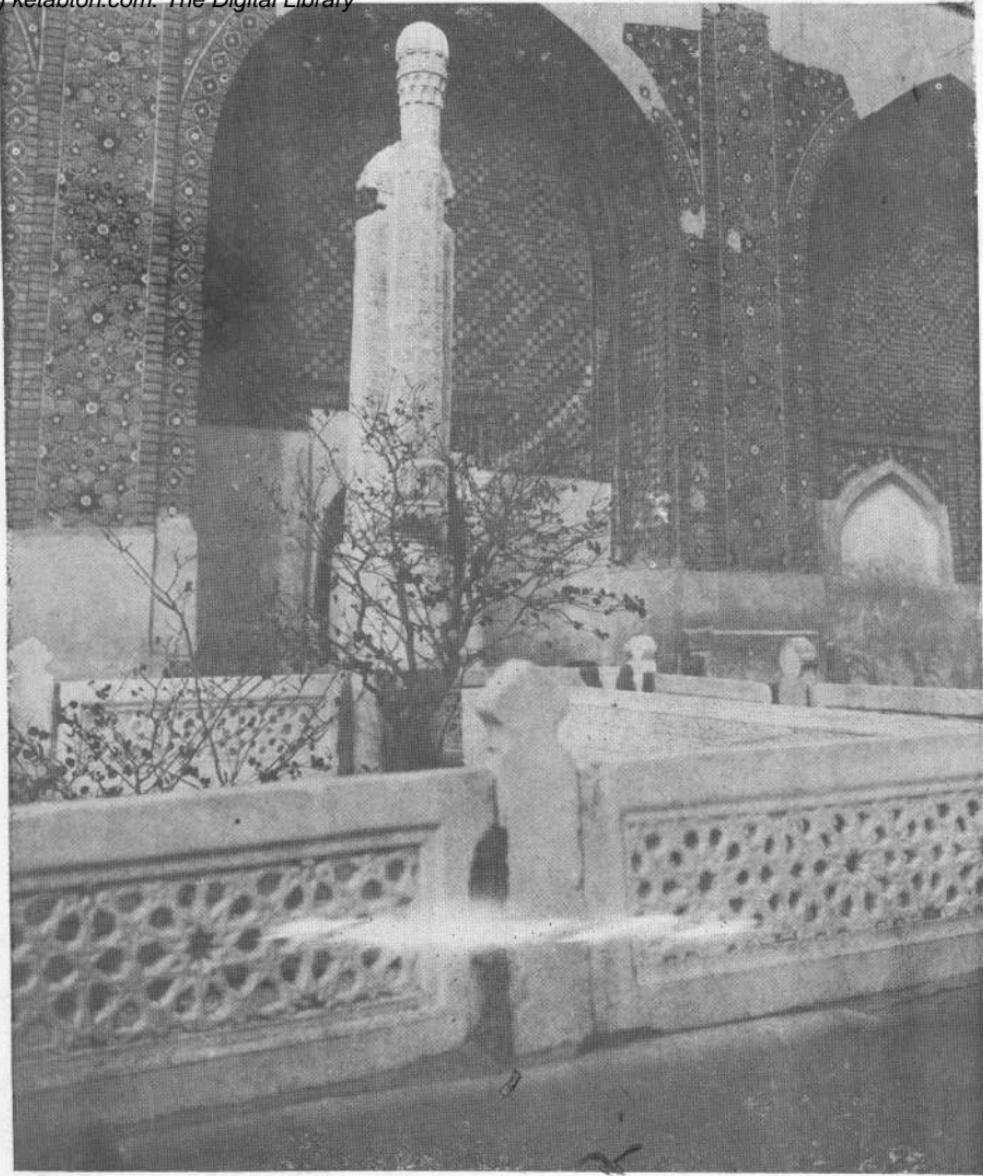
حسن رضی الله عنہم

Mausolé d'un prince arabe, Abdullah-ul-Ouahed (du temps de la conquête musulmane) à Hérat

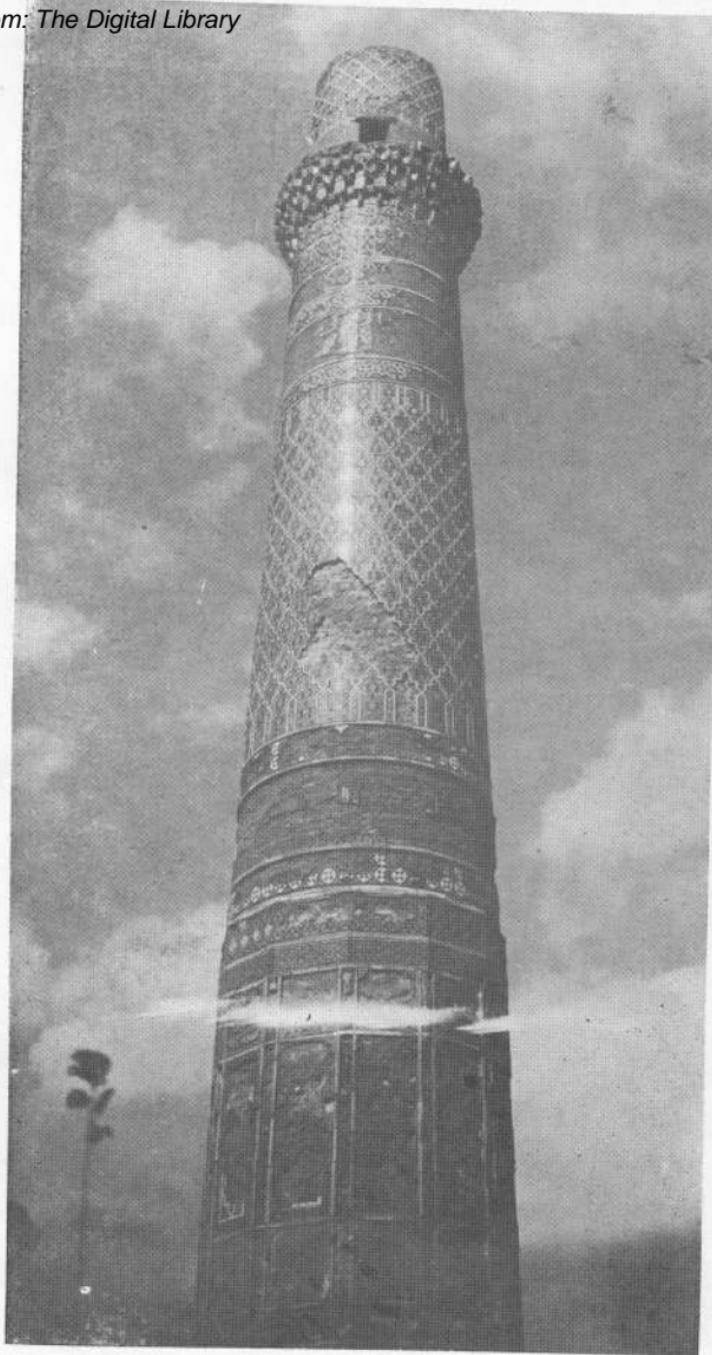


بکی از عمارت فشنگ هرات ، با غ شاهی و عمارت آن که در عصر وزیر نمیرخان ساخته شده .

Un joli villa à Hérat



از من ارات هرات : مقبره اعلیحضرت امیر دوست محمد خان
Mausolée de l'Émir Dost Mohammed Khan (19^e. S.) à Hérat



از آثار تاریخی هرات: یکی از مینارهای مصلای قدیم
Un des minarets de l'ancienne mosquée d'Hérat

و هکندا دیگر از شعرای قرن نهم افغانستان مولینا بدخشی است . که از جله فضلای نامدار عصر خود بود . پادشاه و بزرگان عصر او را مسلم مداشتند و هم چنان در سخن وری رتبه بس عالی داشته از سر آمدن شعرای دربار الغ ییگ بشمار میرفت . اصل وی از بدخشان است و بروز گار الغ ییگ کور گان در سمرقند رفته در آنجا توطن گردید و در دربار وی انتساب یافت وزبان به ستایش او کشوده ، قصائد غرائی در مدایع وی دارد . ازان چمله است قصيدة ردیف آفتاب او که به نهایت روانی وجودت بوده بهترین گواهی است بر لطافت طبع و قدرت فوق العاده او در چکامه سرائی واژ اشعار او نیز بغير از اند کی در دست نیست .

سلطان حسین میرزا و دربار او : یگانه وزیر دانشمند سلطان که هم شاعری نهایت بلیغ بود امیر نظام الدین علی شیراست . پدر او کچکینه بهادر از بزرگان الوس چفتائی بوده در زمان ابوالقاسم باپر تیموری و ابوسعید کور گان از مقربان دربار و در سلک معتمدین شخص پادشاه اسلامک داشت . امیراز او ائل جوانی و عنفوان شباب ذوق مخصوصی با در راک فضل و فراهم گرفتن علوم ادبی داشته و با وجود احتشام و گرفتاریهای اداری همواره از مطالعه دمی نیاسودی و بگفتن اشعار از حد فزون رغبت داشتی و همیشه از مصالحات ارباب فضل و دانش استفاده برده و از گفته های آنها ذخیرهای گران بهادر گنجینه سینه و دماغ اند وختی . تا آنکه در عرصه قلیلی استعداد ذاتی و ذوق سرشار او انکشاف نموده در همان آوان شباب و ریحان جوانی در جمیع فنون ادب و صنایع شعری لیاقتی بهر سانده ادیب وهم شاعر زبردستی گردید و در هر دو زبان فارسی و ترکی که در دربار آنوفت رواج کلی داشت ملکه شعری او قوت گرفته ، در سرودن انواع شعر

سالنامه «کابل»

مهارت و کفايتی بسزا يافته در ردیف شعر ای بزرگ و نامور اين دوزبان احراز شخصيت نمود ، همان است که در فارسي فناني و يافاني (وهو لاصح) و در اشعار تركي نوائي تخلص می نماید . از آنجايیکه شخص با بزميرزا پادشاهي سخن شناس و هنر پرور بود توجه خاصی در باره اين اميرزاده دانشور مبذول داشت و از هر حیث دوره سلطنت وی در باره اين میر مساعد افتاده و امور زندگاني امير دونق گرفته و هلال اقبال و طالع مشار عليه رو به ترييع گذاشت تا آنکه رفته در عصر سلطان حسين ميرزا به منتها درجه اعتبار هموج نموده به بزرگترین منصب آن زمان که عبارت از وزارت باشد نائل آمد و زمام امور جهانباني و اداره مملکت محروسه بکف با کفايت وی سيرده شد . از مزا ياي شگفت انگيز مشار عليه همان است که بر خلاف زمامداران عصور آخري ، اين رتبه بزرگ و وفور مشاغل اداري و سياسي هيچگاهی او را از اشغال در علم و ادب مانع نیامده ، سكته در يسرفت علمي و مطالعات ادبی اين مرد بزرگ وارد نگرد و او را از انجام مفکر هاي ادبی باز نداشت . و با وجود يك در اندر اكم امور اداري فرصت سر خار يden نداشت باز هم ميبيئيم که او از کوچکترین فرصتها استفاده نموده بهترین آثار ادبی خود را که ليلي مجنون است در ان زمان و در خلال همان مشاغل و گرفتاريهاي اتفوه بر شئه نظم در آورد .

وهم چنان بطور يك در بالا گفته آمد ، لحظه در بروش واستعمال فضلا و دانشمندان عصر خود اهمال نمی نموده ، هر فاضل و شاعر يك اندك احتساب دست تشكيل ستي و فافگي در خود كرده بود ، بدوازه باز اورومي آورد

و هیج نبود که ناکام برگردد . و بنابران شخصیت او مرجع علماء و فضلا بوده .
و داشتن از دور و نزدیک به آستان اور و آورده ، بمقاصد و آمال خود نائل
می آمدند . واخوان اکرام و احسان او بهرها می برند و هیج شاعری از شعرای
آنصر نیست که بخدمت او نرسیده و در مدح او قصائد نگفته باشد و همچنان اکثر
دقشود دیباچه اکثر از کتب معتبره ئیکه دران عصر تالیف یافته مزین بنامنامی
این را در مردم بزرگ است . چنانکه از معاریف نویسنده کان معاصر او دولتشاه
سمرقندی در تذکره و غیاث الدین در حب السیر بغايت درجه ازو مدح و توصیف
مینهایند و مرحوم میرخواند روضة الصفارا بصوابدید او تالیف نموده دیباچه آنرا
موشح ومنین بنام او ساخت و در انجا وهم در مقدمه و خاتمه های هر مجلد آن
زبان مدح او کشاده بایک لهجه غربی ازا و ادب پروریهای او صحبت میکنند .
واز اوصاف و صفات پیشنهاده وی تمجید می نمایند و اورا ولی نعمت خودخوانده حقوق
مادی و معنوی ویرا بدمه خود التزام می نمایند - و بروظاهر است که اینهمه وصف
و ستایش ایشان از میر هیج یاک جنبه سیاسی و غیره نداشته معزی از هر گونه
مداهنه و تعلق بوده - و علت آن همان بزرگواری و شخصیت ممتاز میر است
که ایشان را وجود نآ مکلف بادای فریضه وجودانی و اظهار حقیقت نموده است .
میر را از فضلای معاصر بمولینا عبدالرحمان جامی نسبت شاگردی بود .
و در باره او طرفه ارادت و اخلاق بمن داشته ، همیشه او را بضر احترام دیده
و بلکه پیشوای خود میداند . چنانکه از تحفه الافکار او معلوم است . و همچنان
مولینارا نیز با او چنان دوستی مستحکم و با نهایت صعیdet بود ، که با دوستی
ابنای این زمان قیاس نمیتوان گرد . و هم چنان میر را از عرف و سخن سرایان
گذشته به نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلي نیز ارادت و عقیدتی بتمام بود
و چنانکه از اشعار ترکی مشارالیه معلوم میشود ، همیشه این هرسه بزرگوار را

پیشتم اعظام دیده ، همه جا از اظهار اخلاص در باره آنها خود داری نمیکند و از روحانیت آنها استمداد نموده ، توقع حیات و دستگیری مینماید . و از همین جهه است ، که امیر در اشعار فارسی خود پیروی از سبک آنها نموده بسبک آنها فصائد و اشعار خود را می سراید . و هم چنان مبتنى بر اخلاص اوست در باره شیخ نظامی گنجوی ، که باستقبال خمسه نظامی بر آمده و بروایت دولتشاه امیر نوائی شخصتین کسی است ، که بر چنین فضی افدام نموده و هم چنان قصيدة معروف « بحر البار » امیر خسرو را جواب گفته و در جواب آن بعنای درجه کامیاب گشته و آنرا به « تحفة الافکار » موسوم ساخت چنانکه بدون شبه میتوان گفت که تا کنون کسی باین رشافت الفاظ ، استحکم ترکیب ، روانی عبارات ، یخته کی و متنات مضمون قصيدة مذکور را جواب گفته باشد نیست . و بعقیده بنده این قصيدة یکی از شاهکارهای بزرگتر ادبی آن عصر بوده و بهترین برها نیست برذوق سرشار ، وسعت خیال و فریحه توانای او در قصیده گوئی . امیر مذکور در تحفة الافکار (که هفتاد و سه بیت ازان بهارسیده) بایک لهجه صدق آمیزیکه حاکی از قلب رفیق و روح منائر او است ، شکایت از حبات نموده و بایک زبان پر درد و سوز ناکی پرده از روی حقایق بر گرفته ، دنیا وار اجیف آنرا که بشیزی نمی ارزد ، به نظر عبرت و حقارت دیده ، شروع بیک عده نصایح و اندرز های حکیمانه می نماید . و در همه آن ادعای خود را بطور مثل اثبات نموده گریز بمدح مولینا عبدالرحمن جامی می زند . و اورا دین ینا . خطاب نموده از تعداد او صاف او عقل خود را عاجز و فاقد می شمارد و در عین حال درد فقر و تمنای خود را بوصول در خاک آستان او اظهار نموده ، و در آخر وجه تسمیه این قصیده را به تحفة الافکار بیان کرده میگوید که « این قصیده

تاریخچه ادبیات افغانستان

را تخفه از بحر فکر تم گویان بخدمت اهداء مینمایم « وحقيقه در این فصيده خود که بر مذاق تصوف و اهل درد سروده است ، قيمتها كرده و داد سخن و سخن سرانى را داده است .

ولی درینگ که سلطان حسين قدريزين آدمى را نداشت در او اخر بنابر سعایت اهل غرض او را از چشم انداخت و به بهنه از دربار دور نموده بوزارت ولایت استرا باد مقرر کرد .

وبرعلاوه آنهمه فضل و دانشی که میر را بود ، در امور خبریه و فوائد عامه نيز خدمات قابل ستايشي نموده و همواره فواضل مال خود در امور مذکوره صرف نموده و محض جهه ببود احوال بني نوع به احداث تعمير و بقوع خير و غيره وغيره ميرداخت . واز آنجله احداث مسجد جامع ، مدرسه ، خانقاوه ، دارالشفاء و حمامی و غيره در من شهرهات وهم چنان تعمير قسمی از زرباطات منازل در اطراف هرات واحدات بقوعه و تعمير روضه عارف معروف شیخ فرید الدین عطار و شاه قاسم ازوار و غيره و غيره که مفصل ذکر آنها ابن مختصر را نشاید .

تو اسوقات او : تولد میر علی شیر در سال ۱۸۴۴ هشتصد و چهل و چهار هجری قمری بود وفات او مقارن است بصیغه يك شنبه يازدهم جمادی الاولی سال ۹۰۶ نهصد و شش هجری قمری . و از آثار گزیده اوست - بر علاوه غزلیات و فصائل فارسی و ترکی - مجالس النغایس (در ترکی) که اخیر الذکر عبارت است از تذكرة در شرح احوال شعر و فضلا و عرفای معاصر او و مرتب است به (۸) هشت مجلس و آن در (۱۸۹۶) هشتصد و نود شش هجری قمری اتمام یافته است و دیگر خمسه او در فارسی که باستقبال خمسه نظامی سروده شده و گویند از بین مثنویات خمسه

سالنامه «کابل»

او از همه بهتر لیلی و مجنون اوست که با کمال شیوه‌ای و لهجه شور اسکندری منظوم شده.

و دیگر از فضای آن نصر امیر نظام الدین شیخ احمد سهیلی است. که بعضاً سهیل و سهیلی نیز تخلص مینموده. وی از بزرگ‌ترین جغتائی است که خاندان وی از زمان تیمور تا عصر سلطان در دربار منسویت داشته متکفل امور و وظایف بزرگ‌تری دارای بودند. مشارالیه یکی از فضایی دربار سلطان حسین میرزا بوده، در شعری نیز استعداد و توان کافی داشت و همچنان از تصوف و عرفان نیز بی بهره نبوده، روی همرفه بعد از امیر علی شیر دومین شخصی از امراء داشتمد و ادب پرور در بار سلطان حسین نشمار می‌رود. مشارالیه در آ و ان جوانی بخدمت شیخ آذری رسیده و از همت آن بزرگوار در بی‌زه کرده و بصلحت و فرموده اوسهیلی تخلص خود را گذاشته است. سهیلی یکی از امراء نامی آن عصر بوده و همواره در باره اهل فضل و داشتمدان نظر اتفاقات داشته و همیشه بآن گروه محشور بوده، واز مقاومات ایشان بهره‌ها اند و خته و هیچ‌گاهی در حیات و پرورش آنها کوتاهی نکرده است، بنا بران چنان‌که در دربار قرب و منزلت تمامی داشت، در نزد اهل علم و فضای نیز معزز و مکرم بوده همه بنظر احترام بودی می‌نگریستند. سهیلی یکی از شعراء مقتدر و توانای آن نصر بوده و در فارسی و ترکی غزل‌بات و قصائد سروده و دارای دودیوان یکی فارسی و دیگری ترکی بوده است و هم چنان شعراء زمان نیز بوصفت او از زبان کشده در مدح او قصائد بسیاری گفته‌اند. واز معاریف مو لفین عصر، حسین واعظ کاشفی باشاره او کلیله و دمنه را باتلخیص و تهدیب مجددآ از عز بی فارسی ترجمه نموده و بلقب او موسوم ساخته انوار سهیلی نام نهاد.

ودیگری از امرای فاضل و شاعر در بار سلطان حسین میرزا خواجه افضل الدین محمود است که بر ته وزارت رسید و شعر فارسی نیکو می‌گفت . و دیگر خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید که او نیز رتبه وزارت یافت و بعضه بحضور سلطان تقریب کاملی جست و اشعار فارسی او در بعضی از آن کره ها بنظر میرسد . و دیگر امیر حسین جلایر است که از امرای آن سامان و شاعر خوبی بوده ، و همدران زمان فاضلی دیگری در دربار بوده معروف بخواجه آصفی که دولتشاه او را وزیرزاده و املح الشرا مینویسد ، و از معزز بن هرات بود و در دربار بکمال احترام میزیست و هم چنان آبا و اجداد او نیز همه در ازمنه تیموریان بر ته وزارت رسیده ، از حواشی و اطرافیان پادشاه بشمار رفته از اهل قلم و دیوان بودند . آصفی از امرای با کفايت و صاحب نفوذ در بار سلطان حسین است . سیاست و ادب یکجا در شخصیت او اجتماع نموده و شاعر تو ائمی نیز بود و اشعار آبداری داشته است ، که امروز جز اندکی ازان باقی نیست .

و دیگر از شعرای آن سامان فضیح الدین صاحب است که از فضلای عهد خود بوده در انشاء شعر و نظم قدرتی بسزادرشت به تخصیص درفن تعمیه یکی از سر امدان این فن بشمار رفته ، و هم چنان در بازی شطرنج مهارقی بهم رسانده بود . ابتدا با میر نظام الدین علی نوائی بسر برده از جمله ندماء و خواص او بود . و چون مردی خوش خلق و خوش صحبت بوده در مناج گوئی نظیری نداشت . همان است که اخبار خرافت طبع وی بسامعه پادشاهی رسیده ، کارش بالا گرفت تا آنکه در حضرت پادشاهی تقریب و اختصاص یافته ، کتابداری کتب خانه

پادشاهی بوی تقویض گردید . و بدین تقریب سکتب اعتبار نموده معزز و محترم میزیست .

وقایش بسال ۹۱۷ نهضتو هفده هجری قمری در استراپاد و قوع یافت .
مشارالیه را قصيدة غرائی بو ده در مدح امیر علی شیر که از یک مصراع آن تاریخ ولادت و از مصراع دیگر تاریخ وفات او می برآمد .

و دیگر از شعرای آن عصر مولینا کمال الدین بنائی است . وی از سر امدادان فضلا و هنر امدادان عصر بشمار رفته در اکثر از فنون ادب و شعب مختلف علمون متدالو آن زمان از هم کنان گوی سبقت ر بوده بود . به خصوص در غزل سرایی و متنوی سازی طبع دوانی داشته از شعرای متفنن و ناز کمال است . و از چند پیتی که ازو در بعضی از نزد کره ها بنظر میرسد ، افتخار شعری او بخوبی آشکار گشته ، سبک او همان سبک هلالی و معاصرین غزل سرای اوست .

و برداشت مرحوم واله در ریاض الشعرا ، هزار بیت از مشنونی بهرام و بهروز از واسطه که آنهم اشتباهآ در ذیل چهار هزار بیت دیگر مشنونی موصوف منسوب ببنائی گشته است . و الغیب عند الله . و هم چنین برداشت واله در دو بیت مرثیه عجیبی در وفات سلطان حسین گفته در روز مرثیه خوانی شعراء بخواند وهمه را بختنده آورده ، مجلس ماتم و سوگ را بمحفل شادی و سرور مبدل ساخت .
و دیگر از شعرای معروف آن عصر بنائی هروی است ، که برداشت خوندمیر در جیب السیر ، پسر استد محمد سبز معمار بوده و بدان سبب بنائی تخلص نموده است . و این سوای کمال الدین بنائی است . مشارالیه از شعرای مقتدر آن عصر است و بعلتیکه نهایت درجه هزال و شوخ طبیعت افتاده بود ، همه ازوی رنجیده

تاریخچه ادبیات افغانستان

خاطر گشته، هیچکس نبود که از زخم زبان او محفوظ مانده و غبار کد ورتی ازو بخار نداشته باشد. و این جسارت او بحدی بود که حتی بزرگان آنحضر نیز هدف او گشته از تیر زهر آسود زبان وی بدون جریحه نمانده اند. چنانکه گویند وقتی قصیده درمده امیر نظام الدین علی شیر ساخته از نظر وروی گذرانید و بعلتیکه صله دلخواه نیافت، مجددآ همان قصیده را پسر از اندک تحریف و تغیر الفاظ، بنام سلطان احمد میرزا (که از اقربای سلطان حسین میرزا بود) نموده، از اوصله دیگر دریافت و چون این قضیه بهمیر علی شیر رسید، طبیعی بود که از وی رنجشی نموده اظهار شکوه نماید و همان بود که بناهی به تقریب این رنجش و گرفتگی خاطر میر پیش از پیش متأثر و بغض آمده قطعه معروف خود را در هجو میر ساخت و خود روانه تبریز گردید و در آنجا بسلطان یعقوب پیوست. و تا حیات یعقوب در تبریز وخدمت او میبود. و پس از فوت سلطان یعقوب بجورآ بوطن اصلی خود هرات باز گشت. و چون دید که هنوز گرد کدورت از خاطر میر بر نخاسته است، بهرا س افتاده مجدد آتن بجلای وطن داده و اینمرتبه بماوراء النهر شناخت و بسمر قند بخدمت سلطان محمد میرزا پیوسته با او پسر می برد. تا آنکه پس از فتح آن دیار بدست محمد خان شیبانی در ذرمه خواص و مداحان او دا خل گشت و هم چنان بعد از مرگ محمد خان با اولاد و احفاد او بود. تا آنکه در واقعه قتل عام فرشی که در اثر استیلای امیر نجم ثانی (از سرداران اسماعیل صفوی) ظهور یافت در سال ۹۱۸ نهضد و هژده هجری قمری بقتل رسید. راجع به گشته شدن بنائی در واقعه قتل عام فرشی همه اتفاق دارند. ولی اینکه علامه میر غلام علی آزاد بلگرامی در ترجمه حال بنائی (در خزانه عاصره)

سالنامه «کابل»

واقعه قتل عام مذکور را در ۹۲۸ نهضد و بیست هشت نگاشته است، جای تعجب است و شاید که غلطی مذکور ناشی از سهو کتاب باشد و بقرار یکه مینگارد در آن زمان دیوان اشعارش در ماوراء النهر و خراسان مشهور بوده ولی اکنون همه ازین رفته بجزاندگی ازان باقی نیست. وخوندهیر مینو یسد که بنایی در اوآخر حیات به تبعیت دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی پرداخته، در غزلیات استقبالیه خود حال تخلص می نمود.

و دیگر از فضلای آن زمان مولینا کمال الدین عبدالواسع نظامی بن جمال الدین مطهر باخرزی است که از فضلای زمان بود در فن انشا و تحریر مکاتیب و مناسیر مهارت کامل داشت. چنانکه در اوائل حال به تحریر و قایع و حالات سلطان حسین مؤلف گشت. و چون در ایراد تشیبهات واستعارات از حد فرون مبالغات می نمود، سلطان سبک انشاءوی را به یستنید و او را ازین وظیفه سبکد وش ساخت. مولینا بر علاوه مهارتیکه در نثر داشته از کتاب و منشیان زبر دست بشمار میرفت، دارای طبع موزون و قریحة شعری نیز بوده، در مدح بعضی از بزرگان عصر چون خواجه رشید الدین عبدالمطلب و خواجه کمال الدین حسین پسران خواجه نظام املک فضائی دارد. که با منتهای بلاغت و فصاحت سروده شده. وهم چنان از آثار متchor او ترسلاحتی است که بنام خواجه زادگان مذکور تالیف نموده و در انصر اشتخار کاملی داشته است.

و دیگر از فضلای آن عصر مولینا میرحسین معمای است. که مدتها در مدرسه اخلاقیه ساکن بوده، در فن معما عدیل و نظریه نداشت. و در اثر ممارست و انهمات او در علوم عقلیه و نقلیه، معماهای او نیز اکثر علمی بوده حل آن به نهایت درجه مشکل و صعب می نمود. وفات مشارالیه در ۹۰۴ نهضد و چهار

هزاری فمری در اثر مرض اسهال بوقوع پیوسته، از آثار او در ساله بوده در فن معمما که جمیع فرمتهای منظوم و منثور آن از نتایج افکار شخص مؤلف بشمار رفته، و با کمال دقت و بلاغت نگاشته شده بود.

و دیگر از شعرای معروف آن عصر مواینا خسن شاه است که از بلغای شعرای آن زمان بوده و در بستان مضمونین ظرافت آمیز استعداد عجیبی داشته و هنگامه ها بر پامی نموده وهم چنان در مزاج گوئی وندیمی به شبوه آنهد، یگانه دهر بود و در ایام جوانی بملاذم سلطان محمد بن بایسفر میرزا بسر میرد. و بعد از شهادت شهزاده مو صوف مت وطن هرات گشته، همواره با سلاطین عصر میرد. گان زمان طریق اختلاط می پیمود. و بفراغت خاطر فندگانی بسر میرد. تا آنکه بروز گار سلطان حسین بخدمت میرعلی شیر پیوسته، از جمله خواص وندمای او گشت و بجهت تشحیذ خاطر میر در موارد مختلفه اشعار ظریفانه میسرود، و طبیعت مشارا لیه را بدان خوش میداشت. و فاتح در سال ۹۰۵ نهصد و پنج هجری فمری روی داده گویند متاجا وز از صد سال عمر دیده بود. از اشعار او جز پنج شش قطعه که در بعضی از کتب تاریخ دیده میشود چیزی دیگری باقی نیست.

و دیگر از شعرای آنهد مواینا ریاضی است. وی از مشاهیر شعرای خراسان بود و در نظم فتوحات ورؤس و قابع ایام سلطنت سلطان حسین می پرداخت و قسمی از آنرا منظوم ساخته بود. وهم چنان مشارا لیه در علم فقه نیز واقفیت تمامی داشته و مدقی بقضا اشغال داشت. از سال وفاتش اطلاعی بدست نیست و همچنان فتوحات نامه او نیز بکلی از میان رفته.

سازمانه « کتابل »

و شاعری دیگری نیز دران زمان بود معروف به مولینا پدخشی که از اساتذه فن معما بشمار میرفت . و بر علاوه دسترسی که در تعمیه داشته اوقات خود را بسروردن معیيات احصر نموده بود ، در غزل نیز استعدادی بهم رسانده اشعاری با کمال بلاغت و شیرینی موزون میساخت و بدین جهت مدت سی سال در خدمت امیر علی شیر نوائی گذشتانده و چندین رساله در فن معما و قواعد آن تالیف نموده بود که امروز بکلی ازین رفته حتی کسی نیست که نام آنرا بخاطر داشته باشد .

و دیگر از شعرای آن زمان خواجه ناصر الدین ابونصر مهنه است و نسبوی به خواجه مؤبد مهنه میرسد . مشارالیه در لطف طبع و صفاتی ذهن یکنای عصر بود و بنا بر وفور فضیلت و علم نسبت بسایر مشائیخ خاندان سلطان ابوسعید ابوالغیر امتیازی داشته ، در خراسان بعزم و با احترام زندگانی بسر میبرد و همچنان از عالم ادب و ادبیات نیزی بپرستن بوده بعضاً انشا و شعر می پرداخت و غزل های شیرینی و روانی موزون میساخت چنانکه بعضی اشعار بنام او دیده شده .

و دیگر از شعرای آن عصر خواجه ضیاء الدین میرم است . وی مردی شاعر وهم نزیستنده بود ، در علم سیاق مهارت کلی داشت . و در دیوان به سمت نویسنده گی حیات بسر برده ، در بزله گونی و حسن خلق زبانزد خواص و عوام بود . و در سروردن شعر نیز استعداد و توانائی داشته و اشعاری آبداری گفته است . که از لحاظ سلاست الفاظ و دقت معانی دران عصر مشهور بود .

و دیگر از شعرای آن عهد مولینا کمال الدین شاه حسین کامی است . که در فضیلت و ادب متزلات بلندی داشته ، و مسلم معاصرین وهم قصاران بود . بخصوص در نظم شعر و معما از سر براور دگان آن عصر بشمار رفته ، امیر علی

را در باره وی اتفاقات خاصی بود . و همواره از او حمایت و پرورش نموده بذریعه احسان و اکرام نامبرده را خوش و مشغوف میداشت . مشارالیه در اواخر عمر از هرات انتقال مکان نموده در او به بزندگانی دهقانی اشتغال ورزید و تا آخر عمر در آنجا بود . از اشعار وی جز اندکی باقی نیست .

و دیگر از شعرای آنزمان حافظ علی بن مولینا نور الدین محمد غوریانی است . مشارالیه در حسن خلق و لطافت طبع متصف بود ، چندی بمنصب صدارت و استادی ابو تراب میرزا انتساب داشته باشهزاده موصوف یکجا بسر می برد . حافظ علی در حدت ذهن وجودت طبع موصوف بود ، در علم عروض و صنایع شعری یاد طولانی داشته ، از فحول متخصصین این فن بشمار است . و قصيدة مصنوع سلمان ساوی را چهار نوبت تبع نموده و چند صنعت بر صنایع آن قصیده افزوده است . و هم چنان رباعیات و قطعات مزین به محسنات لفظی بسیار داشته که اکثر محتوی یک یادو یاسه صنعت از صنایع مذکوره بوده . از قبیل انواع صنعت تقلیب ، تجنبیس و مقطع و موصول (بد و حرف و سه حرف و چهار حرف) و غیره وغیره .

و دیگر از شعرای معروف زمان سلطان حسین میرزا ابا یقرا ، مولینا شهاب الدین احمد حقیری است . که وی از شعرای معروف آنحضرت بوده ، بسروden انواع شعر مهاری بسزا داشت . علی الخصوص در فن تعمیه که از ۱ سالنه آن فن بود . چنانکه در معما و قواعد آن رساله منظوم تالیف نموده که بهترین دلیلی است بر قوت طبع و ملکه شعری او . و هم چنان مشارالیه از بزرگان شعرای قصیده سرای فرن نهم است . و قصائد متعددی ازو در دست است .

که با کمال استادی و منتهای بлагت و انسجام منظوم شده و حاکی از پنجه گشیده طبع و مهارت کامل اوست در قصیده سرائی .

و دیگر از مشاهیر شعرای آنده سید قطب الدین جنابدی است که در قصاید میر جاج و در غزل انسی تخلص می نمود . وی در کمال استغنا وی تعلقی زندگانی داشته ، در گوشہ منزویانه بسر می برد . و دامن از جمیع علایق و آلایشات دنیوی برچیده ، بدنیا و مافیهای آن قیمتی نمیگذاشت . و تنها بمناسبت اهل بیت اکتفا نموده ، قصائد رشیقی در مدرج و منقبت ایشان سروده است . میر جاج باندازه در سخن وری و بدیهیه گوئی اقتداری بهم رسانده بود که گویند روزی در مجلس مولینا عبدالرحمن جامی سخن از قصیده گوئی و مهارت او بیان آمد . جمعی گفتند که وی بفضل سرائی کمتر اهتمام و توغل و رزیده مولوی در اثر آن چهل غزل از دیوان امیر خسرو انتخاب نموده بیوی فرستاد تا آنها را جواب گوید . میر تمامی غزلهای مرسوله را چنانچه باید تبع نموده موسوم به اربعینه ساخت و بمولینا از سال داشت .

لهذا مولینا بواسطه میرعلی شیر از سلطان حسین میر زاخواهش مند جائزه شد تا بمرصله گوینان داده شود . و همان بود که سلطان در صله آن یك طبق زدر سرخ و باره ابریشم و سه چهار غلام بتوسط میرعلی شیر بپیر جاج فرستاد . ولی او قبول نکرد . از سال تولد و وفات او اطلاعی بدست نیست و بعضی از قصائد او که از دستبرد روز گار محفوظ مانده در بعضی از تذکرها ببظر میرسد .

و دیگر از مشاهیر آنده مولینا خورمی هروی است . اصل وی از هرات و همدانجا نشو و نما یافتہ بمولینا جامی و میرعلی شیر نوائی معاصر بود و با ایشان

معاشرت داشته، و باد شاه واعیان روز گار اعزاز وی میکرده اند. و محترمانه زندگانی بسرمیرد. و فاقش نیز در هرات است. از اشعار او بجز چند بیتی باقی نیست. و دیگر از شعرای آن زمان میر محمد صالح که بعضی اورا امیر محمد صالح نوشته اند. وی از اخلاق امیر نور سعد بوده و در هرات تولد و همدرانجا نشود نمایافته، در امور اداری اشتغال و رزیده از اسرای نامدار عصر سلطان حسین میر زاده بشمار میرود. و هم چنان در شهر از تلامذه مو لینا عبد الرحمن جامی بوده و فنون ادب را از نزد آنجلناب فراگرفته اشعار نیکو میسرود است.

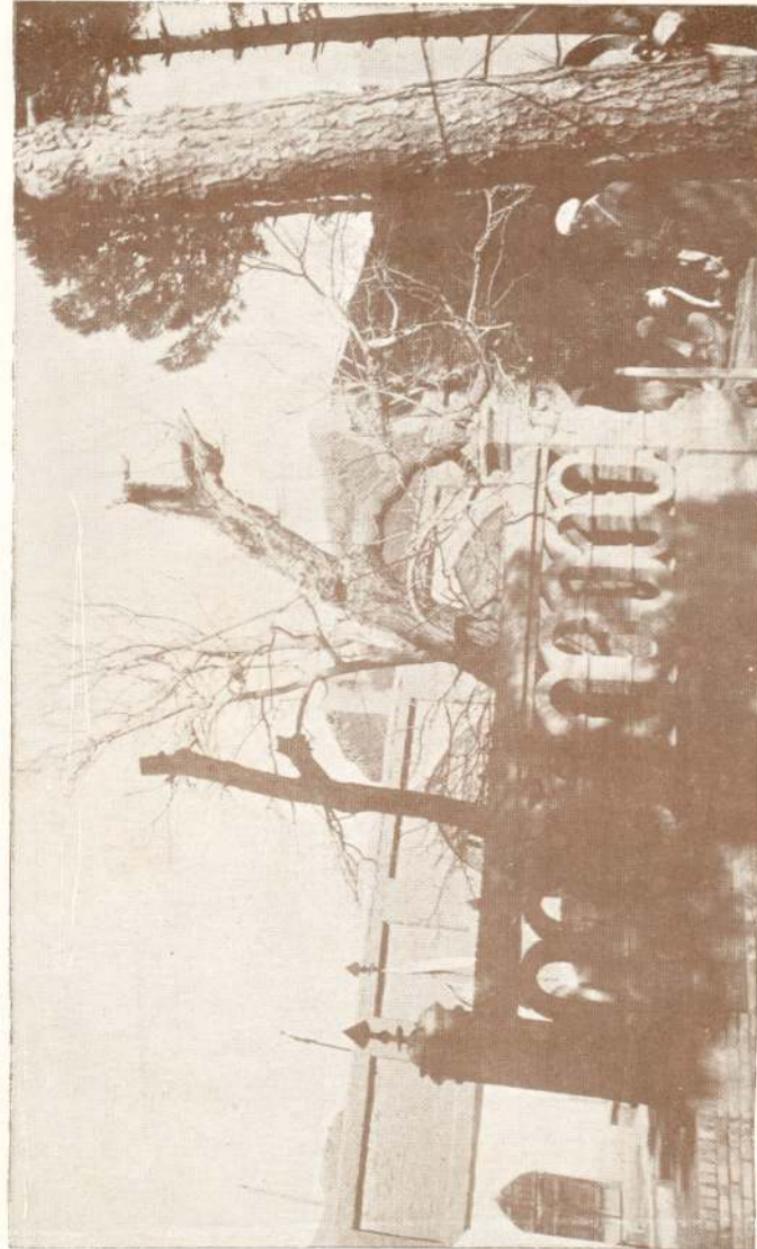
چنانکه میرعلی شیرنوائی ازو توصیف مینماید. برایت مرحوم واله داغستانی اسم امیر محمد صالح تخلص شعری اوست. وفاتش در سال ۹۴۱ هجری مصلوچهل و یک هجری قمری است و بعضی از اشعار او در بعضی از تذکره ها بنظر رسیده.

و همدران زمان بزرگوار دیگری نیز در هرات زندگانی داشت. معروف بمولینا نور الدین عبدالرحمن جامی. تولد وی بقراریکه خود میفرماید در جام ۱ است و این در سیو شعبان سال (۸۱۷) هشتصد و هفده هجری قمری بود. و بدآن سبب جامی تخلص میکرد. مشارایه در هرات نشو و نمایافته و همدرانجا تحصیل نموده و برای سلوک و عرفان افتاده و در مالک ماوراء النهر، عراق، حجاز و شامات سیاحتها نموده و فریضه حج ادا کرده و بخدمت بزرگان زیادی از فضلا، علماء، عرفان و مشایخ رسیده و از مصحابات و مفاوضات آنها بهرها گرفته، و مدت‌های مديدة در خدمت آنها بسر برده و ریاضات شاقه کشیده، و راه سلوک و معرفت بیمو ده تا آنکه خود نیز مقامی رسیده است. و از جمله معارف شیوخ است، یکی شیخ الاسلام سعد الدین محمد کاشغری که در سمرقند بخدمت آنجلناب مشرف گشته و دست ارادت داده و دیگری خواجه عبدالله احراری نقشبندی.

سالنامه «کابل»

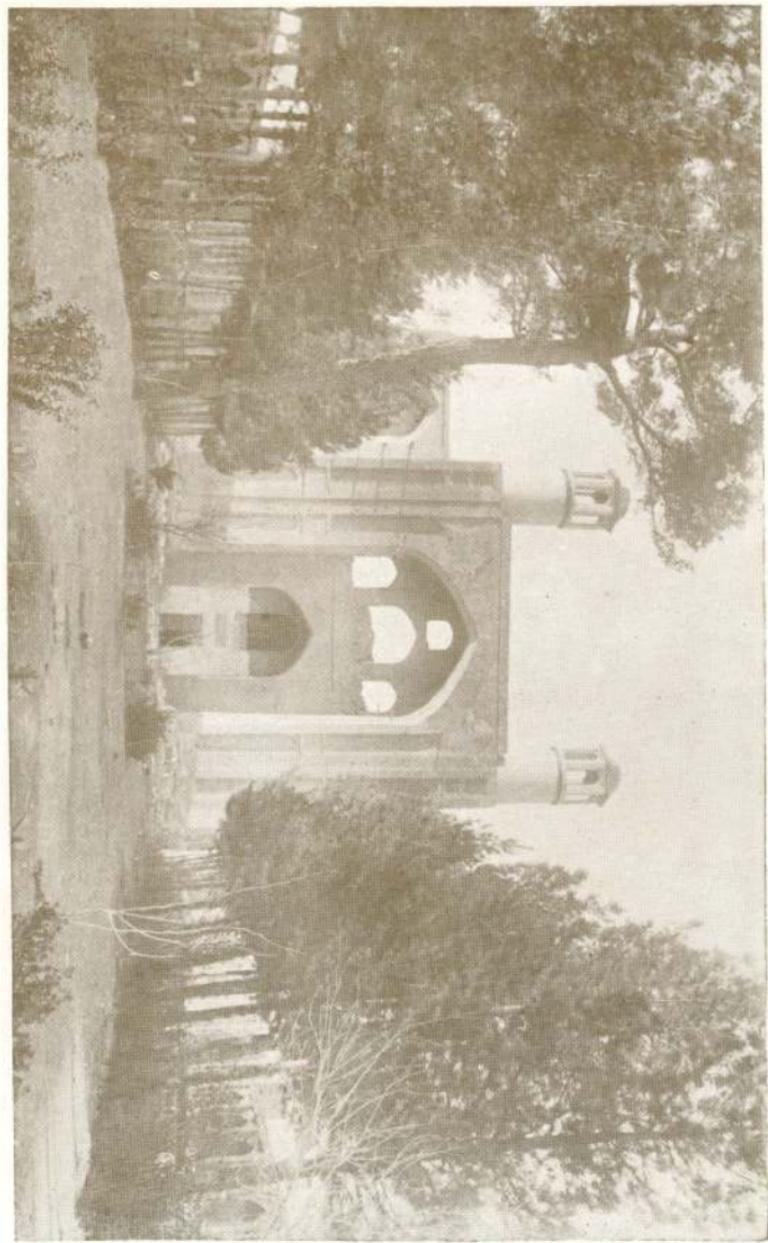
جامی از بزرگان شura و نویسنده‌گان قرن نهم هجری بوده و در علوم مختلفه دارای فراوان تصنیف است. و هر چند یکه مبتکر نیست باز هم یکی از علمای متبحر و مولفین ولود زمان خویش است. که هیچ یاک از معاصرین او در جامعیت و تقليد از قدما پایه او رسیده نتوانسته وبا بمثل او کامیاب نگشته است و در جمیع شعب علوم و فنون متداول آن عصر و زمان بطوریکه ممکن بوده است لیاقت و مهارتی بهم رسانده و درا کشته از آنها تالیفات مناسبی از خود بیاد گار گذاشته که نمیتوان آنرا فراموش نمود. و بدینجهت است که مصاداق نگینه درشتی از الماض در بین هم قطاران و معاصرین فاضل خویش میدرخشد و تا با مرور زمان او زنده و جاوید مانده و به نزد هر طبقه محبوب و شهرت کاملی دارد.

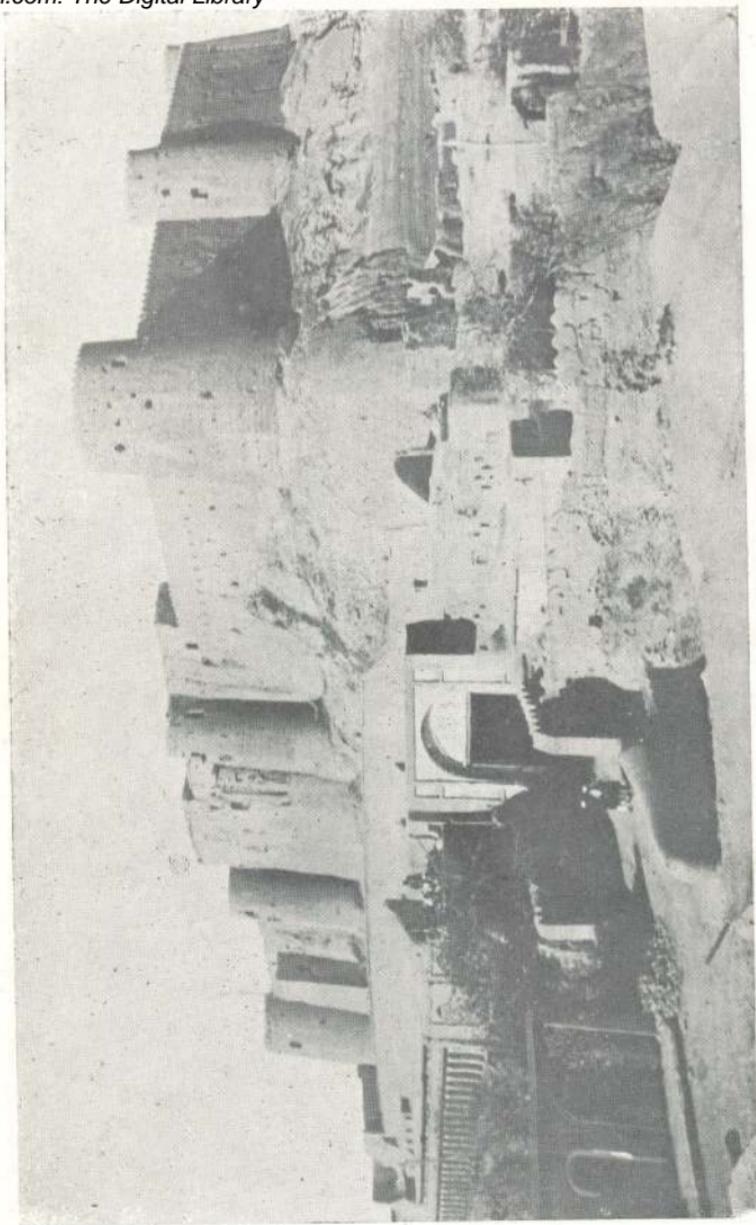
جامی از علمای با فیض عصر خود بود واکثریه از معاصرین او نسبت شاگردی بوی رسانده و از حضور او استفاده‌های علمی و ادبی نموده و بد ان سبب مرجع خواص و عوام بود. و همه دلزیز بسر میبرد. و در همه جا به نسبت سائر معاصرین فاضل خویش تقدیم داشته و همه بنظر احترام بوی مینیگر یسته اند. چنانکه یاد شاه وقت سلطان حسین با یقرا نیز به نسبت او کمال ارادت و اعتقاد داشت و همیشه اورا به بزرگواری و نظر اعتماد و اعتبار میبینید. و از همه پیشتر از بین رجال و اعیان روزگار سلطان موصوف امیر علی شیر است، که بر علاوه نسبت شاگردی بوی از معتقدین و مربیدان او بود، ارادت و اخلاص فراوانی بوی داشته، و چنانکه از حضور او بهره‌های علمی و ادبی گرفته از روحانیت او نیز استعداد مینموده، خود را گسترین اخلاص کیشان و بلکه خاک آستان او دانسته و بدان افتخار میکند. و بهر مقامیکه رسیده است همه را از فیض و برکت التفات او میداند، و وی را



از منارات هرات ، زیارت حضرت سلطان سید احمد کبیر (فنس الله سره المزیر)
Mausolée de SULTAN SAID AHMAD KABIR à HÉRAT (15 è. S.)

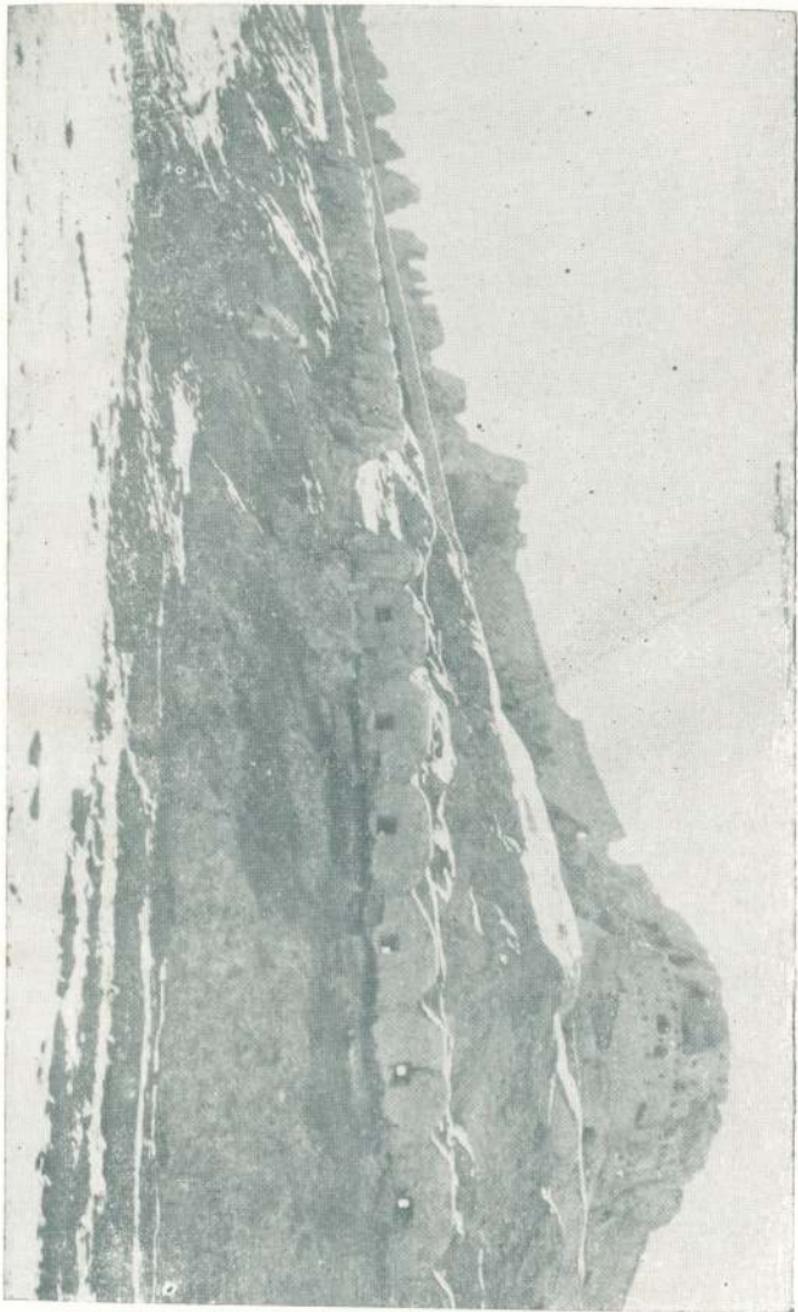
از اینسته تاریخی هرات، زیارت خواجہ عبدالولید احمد بن رجاء البروی متوفی در سنه ۵۲۴ هـ عمارت آن منسوب به امیر علی‌شیر نوازی





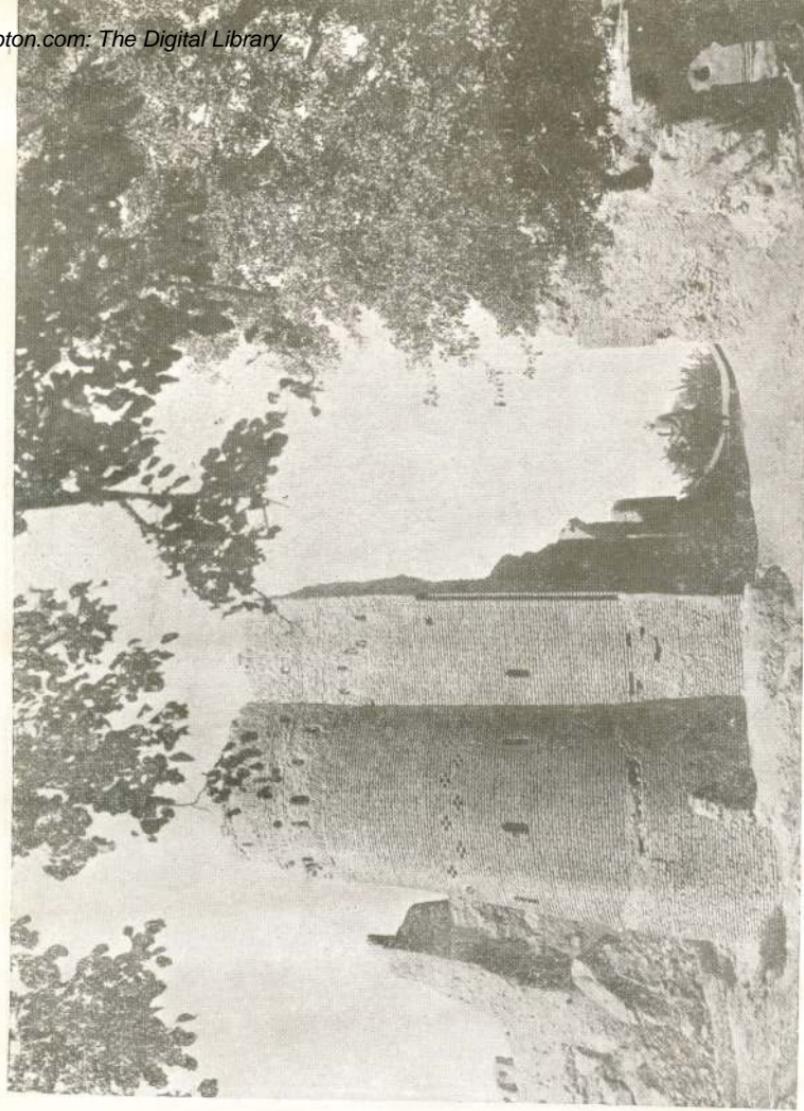
از اینها فدیعه هرات : قلعه اختیار الدین وارگت هرات
L'ancienne citadelle d'Hérat

از آثار تاریخی هرات: منظره عمومی دیوار شهر قدیم
Une vue de l'ancienne muraille de la ville d'Hérat





از اینیه تاریخی بلخ : یك قسمت از گنبد مقبره خواجہ محمد پارسا در بلخ که بزمان
عبدالله خان اوزبک تعمیر و در عصر عبدالمونن خان پسر او ترمیم شده (۱۶۰۰ ه)
Mausolée de Sultan Mohd Parsa à Balkh (16 è.S)



از اینجا تاریخی بلخ، دروازه نوہار واقع سمت جنوبی شهر
Ruines de l'ancien portail de Balkh nommé Nao-Bahar



از اینه تاریخی ولایت من ارشیف : بالا حصار قدیمی تاشقرغان (خلم قدیم)
L'ancienne forteresse de Tachkorgchan (ancien Kholv)

تاشقرغان نام قدیمی خلم است که از بلاد معمور و متمد
تاریخی افغانستان و در جوار بلخ واقع بوده
«هونتسین» زائر معروف چینی در حدود ۱۳ قرن
بیش ، از آبادانی و تمدن آن تأکیار وهم در
زمانه اسلامی دارای شهرت زیادی بوده
علماء فضلای معروف مثل ابوالا وجاع
(سعید) و (عنان الغلیلی) از آنجا
برآمده اند - تاشقرغان اصروزی
بعوض مرکز قدیم خلم در
اواسط قرن ۱۸ میلادی
ارطرف اعلیحضرت
احمد شاه غازی
تعظیر یافته
است

چه از لحاظ ادب و چه از حیث سلوك و عرفان از هم قطاران شیخ نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی دانسته، مساوی و همسر ایشان میشمرد. و هم چنان از نویسنده کان معاصر او چون صاحب روضة الصفا و دولشاه سرفندی وغیره نیز در آثار خویش از و بی نهایت وصف نموده و بمدح او تو ز با نند.

و علت اینهمه و جاهت او دران عصر احترام او درین معاصرین خویش و وصف و تمجید فراوان از وی هما نا رجحان و برتری اوست به نسبت سائرین اعم از یشکه علمی و ادبی باشد یا اخلاقی و غیره. چه اگر در تاریخ عصر او دقت شود، با جود وفور فضلا و سخن سرا یان باز هم از لحاظ جامعیت و اقتدار علمی و ادبی و کثرت تالیف در علوم مختلفه، بغیر او و کسی نیست که حقیقت مستحق چنین وصف و ستایشی باشد. و بالفرض اگر شخصی از معاصرین بوی فضیلت داشته است تنها از یک لحاظ و یک جنبه بوده در صورتیکه مشارالیه بچندین جیز دیگر به نسبت وی فاضل تر و باخبر تر است و بنابران هر آنچه که در رابط او در آن عصر گفته اند، همه بخط است و بلکه حق اورا ادا کرده اند.

جامی تنها شاعر نیست. بلکه شخص اورا یکی از نوادغ علم و ادب در آن عصر باید شمرد و هیچ یک شعبه از علوم متداول آن عصر نیست که مشارالیه دران تا لیفی ننگرده باشد.

و چنانکه در ادبیات فارسی از مبرز ترین شعرای عصر خود بو ده دارای آثار بزرگ و گران بهائیست دران، در عربی و ادبیات آن نیز استعداد و مهارتی بسزا داشته، گذشته از شاعری در نحو که از اهمیات علوم ادبیه

سالنامه «کابل»

است . یکی از نخاۃ بزرگ و بلکه از ائمۀ آن بشمار می‌رود . چه از شرحبیکه بر کافیه ابن حاجب بعربي نوشته ، و معروف بشرح ملاست بخوبی میتوان احاطه و تبحر او را درین علم و زبان عرب در یافت .

تمدن ادب تالیفات او را مطابق به عدده تخلص او جامی ۵ پنجاه و چهار کتاب نوشته‌اند که از مشاهیر آن است مثنویات سبع (معروف بهفت او رنگ) و فتحات الانس و مثنوی در تعریف مکله معظمه و غیره و غیره درفارسی . و شرح جامی در عربی و غیره و غیره . وهم چنان او را کلیات اشعاری است در فارسی که من کب از چهار قسم است ، که از حیث عذر و بت الفاظ ، حسن ادا ، رقت مو ضوع و روانی کلام از اشعار معاصرین او همتاز است . وهم چنان در تترفارسی نیز مشارایه مقام مخصوصی دارد و آثار متور او را از حیث بی‌تكلفی و بساطت و روانی عبارات ، بهترین نمونه تتر آن عصر باید اندگاشت . وفات او با تفاوت مورخین در هرات بسال ۸۹۸ هشتصد و نود هشت هجری با تفاق پیوسته و همبدرا نجات داده شد .

چون آوازه ادب بروزیهای سلطان حسین عالم کبر گشته در اکثر از نقاط آسیا فرارسید ، هیچ شاعری فارسی زبان در هیچ نقطه از ممالک همچوار نبود که خیال مسافرت هرات را بسر نداشته و آرزوی رسیدن بدر بار سلطان حسین را در دماغ نمی بود رانید و بطور یکه غزنه در دوره سلطان محمود و پسر او مسعود مرجع اهل علم و ادب گشته هر شاعر و فاضلی از ممالک نیز تو چه اهل فضل و سخن سرا یان را بخود جلب نموده ، از هر طرف ایشان را بسوی خود میکشید . و بهر وسیله که بود عده بزرگی از دانشمندان

و شعر از مالک دیگر رو بهرات آ وردہ ، بحضور او میر سیدند . و زبان بعدح سلطان عصر و سائز ارا کین سلطنت کشوده ، از انواع احسان و اکرام بزرگانه آنها کامها می گرفتند . و از صلات و بخششیای شاهانه بهره ها می بردنند . و در ان شهر طرح توطن ریخته ، حتی حیات خود را در دربار و مدح آنها با خر رسانده اند .

از نجمه است : هلالی جفتانی استرا بادی . نام او بدراالدین وا زعیان اتراء چفتا بود . مولدش استرا باد است و همدرانجا نشو نما یافته و در جوانی بهرات آمده و چنانکه مشهور است بخدمت میرعلی شیر رسید و اظهار موزونیت نمود . و از اشعار خود مطلعی برخواند . میرزا بیت او پستد افتابه از تخلص او جویا شد . گفت هلالی . امیر گفت نه « بدروی بدروی » . همان بود که امیر وی را مورد النقات قرار داده بطوريکه سزاوار بود ، درباره او احسان نمود و مکرمت ها فرمود .

و اینکه مرحوم واله داغستانی در ریاض الشعرا مینویسد (که او در اوایل حال اشعار هرزه و یعنی میگفته و مجلس آرایان اشعار او را در مجلس بر سیبل مضجعکه میخوانندند . تا آنکه امیر علی شیر ازین امر مطلع شده ، جهت حفظ شئون ادب ، اورانئیه نموده مانع میشود که بعد ازین چنین اشعار یعنی نگوید و ازین رو متاثر گشته سفر اختیار و چند سال به اکتساب ادب می پردازد تا کفاشی بهرسانده و ایس بهرات سراجعت و بخدمت میر میرسد و میرازو سوال می کنند که درین مدت شعری گفته است و او همان مطلع معروف خود را میغواند و میر مطلع او را پسندیده می پرسد چه تخلص میکنی او میگوید هلالی الخ و بعد از آن میر وجه معیشت او را بقدر کفا ف مقرر نموده

سالنامه «کتابخانه»

بمدرسه که خود ساخته بود به تحصیل او را می‌گمارد و بدرس تا کید میدارد. که هیچ یک نوع تقصیری در ترتیت وی نکند و مشارالیه مدت چهارده سال در آن مدرسه به تحصیل می‌پردازد. تا آنکه با کنساب فضایل و کمالات ادبی تا قابل آمده یعنی اقران ممتاز و سر بلند میگردد. معلوم نشد که واله از روی چه آنرا نوشته و مآخذ آن چه بوده است؟ و ظاهراً گمان کرده میشود که جنبه افسانوی آن به نسبت حقیقت پیشتر میباشد. چرا که در هیچ یک تذکره و تاریخی راجع به لالی چنین چیزی نوشته باشد بنظر نرسید. والتبغ عند الله.

رویه مرفه هلالی از شعرای مهر غزل سرای آنحضر است. وطبعی بغايت طیف داشته و در بست مضمون بدیع و دلکش عشقی، شیوه ای ادا، در دنای اله و رفت احساسات و تخیل در ردیف شعرای مهر غزل سرای آنحضر قرار گرفته و باجرئت میتوان گفت که کلام هیچ یک از معاصرین او درینباب بسوی رسیده نمیتواند.

ناگفته نماد هلالی یکی از بد بخت ترین شعرائی است که ما باحوال ایشان اطلاع داریم. و مشارالیه با اینهمه استعداد ولیاقتی که داشت همیشه در معرض هجوم مخالفین خویش فرار گرفته، هدف طعن ها و افتراء ها هم چشمان و ابناي روز گاری بود. و همواره چون سیهاب با یکعالم اضطراب و پریشانی بسرمی برد. گاه در خراسان و گاه در عراق میبود خرا ساینان او را راضی و عرافیان سنی اش میخواهند و چه استهزها و حقارت ها نبود که در حق وی معمول نمیداشتند. تا آنکه در زمان استیلای عبد الله خان از یک در هرات گرفت وی از مخالفین او را اتهام بر فرض نموده بخان مذکور رساندند که او را فضی است و هجو خان نیز گفت. فرمان قتل او صادر شد. و هر چندیکه مشارالیه در عندر خواهی خویش فصیده غرائبی

تاریخچه ادبیات افغانستان

در مدح خان موزون کرد، صد افسوس که جانی را نگرفت و همان بود که در چهار سوی هرات بسال ۹۳۰ نهصدویی هجری قمری خون او را رینختند. هلالی بر علاوه غزل سرائی در مثنوی سازی نیز مهارتی داشته و از عده آن بخوبی برآمده است. چنانکه بغیر از دیوان غزلیات او که مرتب است دارای سه مثنوی میباشد، کماز مشاهیر آن است: صفات العاشقین و شاهزادویش. و دیگر از چنین شعرها مولینا اهلی است که صاحب ایامق مغل او را توشیزی نوشته و مرحوم واله داغستانی خراسانی. وی سوای اهلی شیرازی و از شعرای مشهور سلطان حسین میرزا است و در دربار بر علاوه شاعری سمت نديمه نیز داشته و از مقربان او بوده است. و هر چند که در سخن بمولینا اهلی شیرازی نمیرسد، باوجود آنهم یکی از اسانده و شعرای مقتدر آن زمان بود و از سال و فاتح اطلاعی بدست نیست. و هم چنان از اشعار وی نیز چنانند که باقی نیست.

و دیگر از آن شعراء، آهی ترشیزی است که از ندمای سلطان حسین میرزا بود. و در خدمت وی اعتبار یافته حتی گویند که با مارت رسیده و آخر الامر در تبریز از ینجهان در گذشت. از اشعار وی بغیر از چند بیتی باقی نمانده است.

و همچنان یکمده شعرای متون سطحال نیز در آنصر زندگانی داشتند که بعضی از آنها از افغانستان و برخی از ممالک دیگرند و در هرات آمده بعضی متوطن و برخی چندی دران دیار بوده باز بموطن خود مراجعت نموده اند. چون اصغر میرزا که پسر خواجه غیاث الدین عزیز است. و شیخ فضل الله جمال الدین دهلوی که دران عصر چندی بهرات آمده و بخدمت جامی رسیده

سالنامه «کابل»

وايس بو طن خود مراجعت نمود. و خاک که معلوم نیست از کجاست؟ و صفاتی خرسانی و غضنفری که از معاصرین صفاتی است و قدسی و امانی متهدی و با با شهیدی که از شعرای امیر یعقوب تبریزی بود و بعد از فوت او بهرات آمده و بخدت سلطان و جامی ر سید و از سلطان التفات بسیار دیده و جامی او را استقبال نموده بالا خرمه بهند و ستان رفته و در گجرات وفات نمود. و قاضی مسعود فی که از ائمای عراق بود و در زمان سلطان حسین بهرات آمده و ملازمت امیر علی شیر اختمار نموده و چون در نظم اشعار مهارت داشته بنظم احوال سلطان حسین پرداخته و در ان باب در حدود دو هزار بیت بر شنۀ نظم کشیده و همچنان متنویات دیگر بنام یوسف و زلیخا، مناظره شمس و قمر و تبغ و فلم نیز دارد. و یوسف بدیعی که از ولایت اندجان است و در وقت سلطان حسین بهرات آمده و از التفات و اکرامهای شاهانه مستفید گشته و در عروض و صنایع شعری و فن معمای و قوف داشته و در تبیین قواعد معمای رساله نیز تالیف نموده و کمال الدین مسعود شیر وانی که از علمای معروف بود و در مدرسه گوهر شاد بتدريس می پرداخت و بر علاوه طبع شعر نیز داشته. چنانکه از اشعار او مطلعی در مجالس النفا فی مسطور است. وفاتش در ۹۰۵ هجری و پنج هجری. و فخر الدین علی پسر کمال الدین حسین واعظ کاشفی که منظومه بنام محمود وایاز داشته و در ۹۱۱ هجری و پایا زده وفات نمود و سیفی ماورالنهری که در آغاز جوانی بهرات آمده و بخدمت میر علی شیر پسر میرده و گاه گاه بلازمت آستان سلطنتی نیز میر سیده و در اوآخر وایس بوطن اصلی خود مراجعت نمود. و محمد طالب که در فن معمای از سر امدادان عصر بود و سالهای درازی بخدمت بدعی الزمان میرزا بود. و حسن علی که در سالی فضلا

و شعر امنسوب بود و اشعار سلیمانی و روانی داشته و واله هروی و ویسی هروی و یقینی هروی کے مولد و منشاء هر سه آنها هرات است . و مولانا مجذون بن کمال الدین محمود رفیق مشهدی که بر علاوه شاعری به طراحت طبیع و حسن خط نیز معروف بود . دوست سبز واری که در مدح سلطان حسین قصائدی داشته . وزلایی هروی و صبحی اویهی که از مصاحدین هلالی و هاتقی بود . وهاتقی جامی همشیره زاده مولانا عبدالرحمن جامی و مولانا فناوی و محمد جامی برادر کوچک مولانا عبدالرحمن جامی و سلطان محمد حافظ ندائی که مردی نهایت متقد و پرهیز گار بود ، اصل وی از اسفار هرات است و در عهد سلطان حسین شهر هرات آمده توطئن گزیده و بدان سبب هروی معروف گشته . او راست متنوی بنام راز و نیاز . و سرکش هروی که باهلاکی مشاعرات داشته و برخی اورا ابرهی نیز گفته اند . نظمی خراسانی و هراتی که با امبرعلی شیر معاصر بوده . و خواجه ایوب نمد کلاهی و مولانا اسمی و رضای کاشی که در هرات آمده بروز گار سلطان حسین فوت شد . و شمسی بدخشانی وصفی الدین یسرحسین واعظ کاشفی و صانع و صبحی و صدقی شاعر ساکن هرات . یوسف و صوفی مازندرانی که به رات آمده و در انجا اکتساب کمالات نموده و میر نظام الدین ضیائی و عشقی ساکن هرات که زمان ابوسعید سلطان حسین هردوا را دریافته . و عهدی که از کتابخان مشهور و معاصر جامی است . وسائل همدانی وسامی خراسانی و عالی خراسانی وفضلی هروی که با گلخانی در خیا بانهای هرات بهماجات و مناقشات می برد اخته . و قبولی که مردی فقیر بود . و میرزا ابراهم که بنابر مهارتیکه در نواختن قانون داشت بقانونی معروف گشته و بر علاوه شاعری از نویسنده کان آن نصر است . و قافعی و کاهی شاگرد ملامحمد بدخشی که شاعر

سالنامه «کابل»

بسیار تیز طبع بوده و کاتبی مشهدی و مائلی تاشکندی و مجاور میرزا و حافظ میر سیستانی و مولینا زاهد و نامی سبز واری که دستگاه تمامی در فن انشا و خط داشت و قلمی ساکن هرات و فاضن نظام الدین خراسانی و یقینی که از شعرای ذواللسانی است، در فارسی و ترکی اشعار زیادی داشته و جلالی و غیره وغیره.

و همدران زمان چند تن از خطاطان معروف نیز در دربار سلطان حسین میرزا بسر برداشتند. که از جمله معاریف آنهاست: یکی مولینا سلطان علی مشهدی، مشارالیه در خط نسخ و تعلیق باندازه چیره دست و ماهر بود، که گویند قطعات قلمی او بخطوط استادان متقدمین پشت پا میزد. و بروز کار سلطان حسین میرزا بنابر اشارت سلطان امیر علی شیر بکتابت نسخ شریقه میرداخت. وفات او در ۹۱۸ هجری در مشهد با تفاق پیو سه و هم چنان طبع شعر نیز داشته و گاهی بنظم اشعار اشغال میورزید.

و دیگر از خطاطان مشهور آن زمان سلطان محمد بن مولینا نورالله است که از عمده نستعلیق نویسان عصر خود بود و هم چنان سلطان محمد ختنان که سالها در هرات بسر برده و در آنجا توطن گزیده بود. و بکتابت نسخ شریقه مصروف بود. و یوسف شاه خطاط هروی که از خطاطان مقرر هرات و معاصر امیر علی شیر نیز داشته و کتاب تخلص میکند. و دیگر از مذهبین و نقاشان چیره دست آنحضر، حاجی محمد نقاش است که مردمی ذو فنون بود و در امور نقاشی و تذهیب و سائز شعب آن مهارتی بسزا داشت. و بخدمت میر علی شیر مدتدی گذشتا نده، بلکه چندی بسمت کتابداری او منصوب بود. و در باره فضائل او می نویسنده که چند گاه در

صد پیش از چینی فغوری برآمده بس از ارتكاب مشقت‌های پیشاپری درین راه تا اندازه بمقصد خویش نائل آمده ، تو انسنت ظروف و آوانی سازد که با چینی فغوری از اکثر جهت بغايت شبيه بود . وهم چنان نويسند از جمله شتراعات او دران عصر صندوقی بود در کتابخانه امير على شبر معروف بصندوق ساعت و دران مجسمه کوچکی تعییه نموده بود که چوبی در دست داشت . و چون يك ساعت از روز میگذشت آن پیکر يك نوبت چوب مذکور را به مقاوه ئی که در پيش او بود میزد . و در ساعت دوم دو مرتبه و در ساعت سوم سه مرتبه و قس عليهذا ، از وفات وی اطلاعی صحیحی در دست نیست . و دیگر از هنر میدان و مذهب آن زمان خواجه میرک نقاش است . که در تصویر و تذهیب مثیل و نظری نداشته و در فن کتابه نویسی از سرامدان عصر خود بود . اکثر از کتابه های عمارت آنوقت هرات بخط او است . و دیگر از مذهبین معروف و نقاشان چیره دست آنحضر استاد کمال الدین بهزاد است . که از سر برآورد گان این فن بشمار رفته ، مسلم زمان و مشاهیر دوران است . مشار الیه بخدمت امیر على شبر انتساب داشت و به یعن تو جه و توانیه آن را در سرد بزر گک در فن خود بمنتها درجه ترقی و پیشرفت نائل آمد . تآنکه یکی از اساتذه و نوابخ فن تصویر و تذهیب و سائز شب آن گردید . و بادشاه وقت سلطان حسین میرزا را نیز در باره او القات مخصوصی بوده . همواره مشمول عنایات خسروانه خویش فرار میداد .

و همدران ز مان عدد کثیری از علماء و فقهاء در هرات وجود داشتند که بعضی ایشان از افغانستان و برخی از اطراف و ممالک دور دست بهرا آمده در آنجا بسر می بردند و مقامات و مناصب بزر گک علمی و روحانی ر سبد

بسایه مراحم ماو کانه سلطان زیست می نمودند :
 چون امیر سید اصیل الدین عبدالله الحسینی که از وطن اصلی خود شیر از
 بهرات آمده رحل اقامت افگاند و هفتة یکبار مدرسه گوهر شاد آغا بوعظه
 و نصیحت خلائق میبرد اخ特 . و در علم فقیر و حدیث و اثناء بی نظر بر ده
 از مؤلفات اوست : کتاب درج الدرر درسیر آنحضرت صلی الله وعلیه وآله وسلم
 و رسالت مزارات هرات . وفاتش بسال ۸۷۳ هشتصد و هفتاد سه هجری قمری .
 و مولینا شمس الدین محمد تباد گانی که از خلفای شیخ زین الدین خوافی
 است . مشاریه از افضل روز گار بود ، فصیحه برده را نخس نموده و بر
 منازل السائرين شرح نوشته و همچنان در سروdon اشعار فارسی نیز استعد ادی
 داشته بسال ۸۹۱ هشتصد و نوادیک هجری وفات یافته و در خیابان هرات
 مدفون است .

وقاضی نور الدین محمد امامی که پسر بزرگ قاضی صدر الدین محمد بن
 فطب الدین عبدالله بود . مشاریه از فقهای معروف آنحضرت ودر فیصل قضایای
 شرعیه مهارتی بسزا داشته و بامانت و دینداری نهایت معروف بود . و بروز گار
 سلطان حسین میزا قضای هرات داشت . و با کمال جاه وجلال و پرهیز گاری
 آن وظیفه را بیش می برد . در ۸۹۱ هشتصد و نوادیک وفات کرد . و همچنان
 دو پسر مشاریه صدر الشریعه نور الدین محمد و جلال الدین محمود نیز
 از جمله معاریف آنحضرت بشمار رفته ، سلطان وقت را در باره ایشان التفاتی
 پنام بود .

وقاضی شمس الدین عبدالله بن جلال الدین ابوسعید بن شمس الدین عبدالله
 بن قاضی جلال الدین محمود امامی که مدته بروز گار سلطان حسین بقضای

تاریخچه ادبیات افغانستان

هرات منصوب بوده و بعد در مدرسه سلطانی به امر تدریس اشتغال داشت .
و حافظ غیاث الدین که از عمه محدثین آن زمان بوده ، از بزرگان ارباب
علم و عرفان بشمار میرفت . وهیشه در هرات بروز گار سلطان موصوف با فا دات
علمی مصر و قیت داشت (وفات ۱۹۷ هشت صد و نود و هفت ه - ق) .

و خواجه رضی الدین احمد جامی نامقی که تولیت او فرمانربیخ الاسلام بود
تعلق داشته در (۹۰۸) نهصد و هشت وفات نود . و خواجه ناصر الدین عبد العزیز جامی
که از عرفان و اهل سلوک بود وفات در (۹۲۰) نهصد و بیست هجری قمری .
وقاضی نظام الدین محمد بن شرف الدین حاجی محمد فراهی که اصل وی از فراه
ویدرش از اعاظم فقهای زمان ابو القاسم باقر میرزا بود . مشارا لیه همیشه باز هد
و تقوی بسر می برد . و برآ کشی از علمای سلطانی حسین تقوی داشته ، ابتدا
در مدرسه غایبیه و در مدرسه اخلاقیه هر ات به تدریس فیام می نو د .
تا آنکه در اثر وفور تکلیف سلطان عهده دار قضای هرات گردیده ، تا آخر
عمر بدان وظیفه اشتغال داشت و فاتح بسال (۹۰۰) نهصد هجری قمری .

و مولینا معین الدین فراهی برادر قضای موصوف که در بسیاری از فضائل
و کمالات دستر س داشت و خط بغايت نیکومی نوشته . وهیشه ایام جمعه بعد
از ادای نماز بمقصود ره جامع هرات بمو عظمه می برد . و بعد از فوت
برادر مدت یکسال قضای هرات را بنا بر تکلیف سلطان بولدار گشته بعد ازان
استفاده داد . از مؤلفات او ست معارج النبوة و فاتح در سنه (۹۰۷) نهصد و
هفت هجری .

ومولینا شرف الدین اسفرائینی متوفی در (۹۰۰) نهصد و شمس الدین محمد بن
شرف الدین عثمان معروف بمولینا زاده عثمان که از سرآمد علمای ماوراء النهر

بود و پس از ادای فریضه حجج بهرات آمده در آنجا توطن گزید و سالان درازی در مدرسه‌های سلطانیه و اخلاقیه بتد ریس اشتغال داشت. وفاتش در (۹۰۱) نهصد و یک هجری.

و قطب الدین محمد آدم طبیب و شیخ الدین حبیب‌الله طبیب و نظام الدین عبدالحی طبیب سمرقندی که از اطبای مخصوص شاهی بوده در علم طب و تمداوی اسراف مشکله کمال حذافت داشتند و شمس الدین محمد روحی از معارف مشایع و خلیل الله پسر مولینا فاضل سمرقندی و عبدالجمیل از دانشمندان و نظام الدین محمد عبدالحق از مفتیان معروف هرات و شیخ صوفی علی از عرفان و نور الدین محمد زیارتگاهی از مدرسین معروف مدرسه سلطانیه و شیخ الاسلام سیف الدین احمد که در فقه و تفسیر و حدیث یگانه عصر خود بود. و خواجه عماد الدین عبد العزیز مشتهر بمولینا زاده ابهری که از محدثین و فقهای معروف بوده در فقه شافعی و حنفی دسترسی بتمام داشت. و بنابر اشاره میر علی شیر مشکوٰة را شرح نوشته و بنام او هدیه کرده. و امیر کمال الدین حسین ابیوردی و امیر صدر الدین یونس بن امیر رضی الدین عبدالدول بن امیر معین الدین مرتضی حسینی که از مدرسین نامی مدارس بدیعیه و غایاثیه و سبز برآمان بود. و امیر صدر الدین ابراهیم مشهدی از مدرسین مدرسه سلطانی، بدیعیه و خاقانه اخلاقیه و مولینا فصیح الدین محمد نظامی که از حکما و ریاضیون معروف بود و حاشیه بر بالای هدایه الحکمه مینندی نوشته وار بین امام نوی و مائمه عوامل عبدالقاہر جرجانی را شرح نموده و حواشی بر بالای مختصر المعاوی و مطول تفناز ای نیز داشته. و مولفات وی در انصر بغایت درجه اشتخار یافته و همیشه طلبه از مطالعه مولفات وی استفاده هامی برند. و شیخ جلال الدین ابوسعید یورانی و شیخ

تاریخچه ادبیات افغانستان

فصیح الدین محمد و امیر نظام الدین عبدالقدیر از مشایخ و عرفان و امیر رضی الدین.
 عبدالاول بن نور الدین محمد امین بن امیر رضی الدین عبدالاول حسینی از
 مدرسین مدرسه غیاثیه و بذریعه. شیخ نور الدین محمد خوافی و شیخ ابوالوجد فارغی
 از مشایخ که طبع شعر نیز داشته. و صدر الدین محمد که بوفور فضائی و کمالات موصوف
 بوده در سلک مدرسه غیاثیه و اسلامیه انسلاک داشت. وزین الدین محمود
 و شیخ جلال واعظ و قاسم علی و شمس الدین برد عی و اسماعیل تبریزی و حاجی
 تبریزی و عصام الدین ابراهیم بن عربشاه اسفراینی و امیر جمال الدین عطاء الله
 رازی. و امیر نسیم الدین محمد معروف امیرک شاه و خواجه عبدالرحمان
 شمس الدین محمد حقی وغیره که از اجله علمای آنحضرت بودند. و چون این
 مختصر گنجایش مفصل احوال آنها را نداشتند بتد کار نام ایشان اکتفا رفت.

احوال نثر و نثر نویسان در عصر تیموریه : پس از جلوس شاهزاد
 میرزا تیموری در هرات چنانکه دیدیم در اثر توجه و تشویق مشارالیه و باز
 ماند گران اهل او، ادبیات این سرزمین نفس دو باره کشیده، آهسته آهسته
 باز رونقی گرفت. شعر و سخن سرایان سر ازون بو بازار سخن سرائی گرم ساختند
 و بدینوسیله نظم فارسی را که ابتر و بحال نزع اقتاده بود توانستند باندازمه
 استوار و اثراپاس آن جلو گیری نمایند. و به تخصیص در عصر آخرین
 جهانبان این سلسله چنان این فن تعمیم و رواج یافته مورد توجه قرار گرفت،
 که یکنون یشه و مر معاش مردم بشمار رفته، و سیله پیشرفت عامه الناس را
 فراهم میکرد. و هر کس جهت رسیدن مقاصد خویش جزاین چاره نمی برآمد
 و چون بدین سیله سهل و آسان بود، در جستجوی راه دیگری نمی برآمد
 بنابران بعضی طبقات بر جسته ارادی و برخی غیر ارادی باعث پیشرفت و حیات

سالنامه « کابل »

دوباره نظم بخصوص غزل سرائی گشته صرف نظر از بعضی نقا یصی که در جایش گفته آید ، خدمت معتبرهایی به عالم ادبیات کردند . و چون هیچ سلطنتی بنابر مقتضیات و احتیاجات خویش از دواوین رسالت و مالی و غیره مستغنى شده نمیتوانست ؛ و هم چنان پیشبرد امور دیوانی ممکن نبود مگر بوسیله منشیان و نویسندهای گان لائق و با کفایت . لهذا توجه و اهتمام سلاطین و پادشاھان در باره تشریف و مترسلین از و اجابت و دارای جنبه مجبوریت و احتیاجات آنی بود . برخلاف شعر و شاعری که همیشه جنبه تقریبی و تقلیدی داشته ، متنها چهه ابقاء نام و نشان از نوافل و جزء ترکیبات دربار بشمار میرفت ؛ آنهم در صورت تامین احتیاجات ضروری و فراغت از سیاست و سایر امور کشواری .

همان بود که سلاطین و شاهان گذشته در اثر همین سابقه طبیعی همیشه احتاج به نویسندهای گان و دیران زبر دست داشته و در باره آنها اعتنای کاملی می نمودند و در بار آنها هیچ گاه خالی از وجود چنین اشخاص فاضلی نبود . و همین گروه نویسندهای گان و دیران بودند ، که در پسانها علاوه بر ایفای وظایف دیری و انشا ، به تحریر و نگارش و قایع بزرگ زمان سلطنت و تاریخ سلاطین منسوبه خودها پرداختند و بدین وسیله تهداب ترقی را گذاشته از عوامل حقیقی تکون آن بشمار میرند . تا آنکه رفته رفته طبقات دیگر به تقلید آنها برخواسته چیز نویسی در تشریفاتی عام گردید و هر کس بقدر استعداد به ذوشان مولفات خویش پرداخته ، در نتیجه در قرن ۵ و ۶ تشریف و سمعت کاملاً یافت ، و در آن آثار قابل اعتنایی گردید آمد . بود که ناگهان سبل خروشان مغل همه را از بین برداشت .

. بنابران در دوره تیموریه هرات چنانکه نظام حیات دوباره اکتساب نموده به پیشرفت امید افزایی نائل آمد تا زیر جنبشی نموده ، در مورد تو جه قراد یافت . نویسنده کان چندی یا به عرصه حیات گذاشته ، مجدها با حیای سنت و شیوه گذشته گان برداختند . و بهم ایشان آثار گران بهائی در شر فراهم آمد که نمیتوان آنها فراموش نمود .

و از جمله این نویسنده کان که به نسبت سائرین حق قدامت داشته ، او لتر از همه مستحق تذکار است ، مورخ شهر اورالدین لطف الله معروف بحافظ آبرو است . اصل وی با تفاق مورخین از هرات است و همدرد انجا تو لد یافته و در همدان نشو و نما نموده و تحصیلات خود را با تمام رسانده ، ابتدا بخدمت امیر تیمور کورگان بیوسته و امیر را درباره وی التفات بی بایان بو ده همواره اورا در مجالس خاص پادشاهی بار داده و با استرضای خاطرش می گوشید .

پس از وفات تیمور بلا زمت شاهرخ شتافته ، در سنیک نه ما و خواص شهر اده با یستقر میرزا انسلاک یافت و بخد مت او معزز آنه میز یست وزبدة التواریخ با یستقری را بنابر خواهش و التماس شهزاده موصوف بر شئه تحریر کشید و معظم حوادث و وقایع جهان را از اقدم عصوز تا سال (۸۲۹) هشتصد و پیست و نه هجری قمری بر سبیل تفصیل دران درج نمود . وزبدة التواریخ یکی از مهمترین کتب تاریخ است . که در عصر تیموریان تالیف یافته . و فات مشاور الیه در شوال سال ۸۳۴ هشتصد و سی و چهار هجری قمری در زنجن با تفاق بیوست .

و دیگر از نویسنده کان معروف آنحضر کمال الدین عبد الرزاق بن

سالنامه « کا بل »

جال الدین اسحاق سرفندی است . پدرش جلال الدین اسحق سالها در ارد وی شاهرخ میرزا بنصب قضا اشتغال می ورزید و هم چنان امامت و پیش نمازی پادشاه نیز مخصوص وی بود . و در دربار بر علاوه توضیح مسائل ، بعضًا بقایت رسائل نیز می پرداخت . و در همان روز گار صاحب ترجیه عبدالرزاق در هرات تولد یافت و این مقارن بود با دوازده شعبان سال ۸۱۶ هشتصد و شانزده هجری فری .

عبدالرزاق پس از فوت پدر بسال ۸۴۱ هشتصد و چهل و یک هجری یکی از رسائل مولفه فاضی عضد الدین الجی که در معنی حروف و اسماء اشارت بود شرحی نوشته . و دیباچه آنرا بنام شاهرخ میرزا موشح و منین ساخته ، بدین تقریب باستان بادشاهی تقدیم و با نوع ملاحظات شاهانه مشرف گردید . و در قطار دربا یارن واعیان آنحضرت سرمیرد .

تا آنکه در اوخر ایام شاهرخ میرزا ، بر سالت در دربار ییجانگر ماموریت یافته ، بصوب هند شناخت و دران سفر حالات و قایع شگفت انگیزی بمشارالیه رو داده ، پس از گذشتاندن چندی دران سر زمین اسرار آلود و اس بهرات مراجعت نمود . و بعداز شاهرخ در زمان جانشینان او عبداللطیف میرزا و ابوالقاسم نیز چزواعیان و اطرافیان سلطنت بو ده ، مغز ایام اهل جبات می بیمود . تا که در جناد الاولی سال ۸۶۷ هشتصد و شصت و هفت هجری فری بروز گار سلطان ابوسعید کور گان بنصب شیخی خانقه شاهرخ میرزا انتصات یافته مدت (۲۰) بیست سال بدان امر اشتغال داشت . و فاتح در جناد الاخرای سال ۸۸۷ هشتصد و هشتاد و هفت هجری فری و قوع یافته ، تاریخ مطلع السعدین از وست .

تصاویر شاهان افغانستان

از سلسله سلاطین افغانستان: شاهان قدیم

Un des anciens souverains d'Afghanistan.



او تیم دوم یکی از شاهان باخته (بلغ)

(در حدود ۱۶۰ ق - م)

Euthydème II: un des rois de

Bactérienne (environ 160 av I. C.)

انجمن ادبی در نظر داشت تصاویر تمام شاهان وطن عنبر را از قدمیترین ادوار تا اصر و ز جم آوری و در سالنامه نشر نماید. اما چون تعداد شاهان افغان خلی زیاد و انجام این کار مشکلات زیادی داشته و قت زیادی لازم دارد فعلاً به نشر همان قسمتیکه جم آوری شده بود پرداخته امید واریم که در آینده به تکمیل سلسله شاهان وطن بتدریج توفيق یابیم. تاریخها نیکه در ذیل اسم شاهان نشان داده شده سالهای جلوس میباشد.

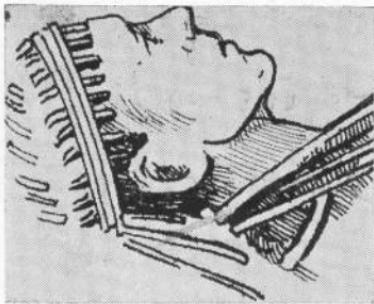
Nous nous sommes efforcé de publier les portraits des souverains d'Afghanistan depuis l'antiquité jusqu'à nos jours.

Nous publions ici les documents que nous avons pu réunir, et nous nous proposons de compléter notre série - qui est d'ailleurs assez vaste - dans l'avenir. Nous nous contenterons de donner les dates de l'avènement des souverains.

از سلسله سلاطین افغانستان : شاهان فجر
Les anciens souverains d'Afghanistan .

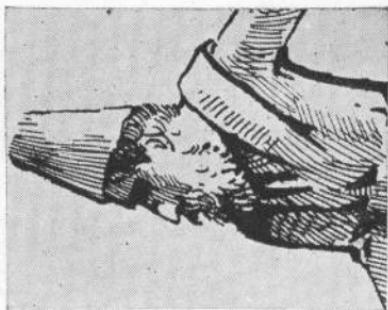


هرمايوس (در جمهور ۲۵ - ۰)
Hélioclès (env. 130 av. J.C.)



هرمايوس (در جمهور ۰ - ۲۵)
Hermaios (env. 25 av. J.C.)

از سلسله سلطان افغانستان : شاهان قدیم
Les anciens souverains d'Afghanistan.



کاشکای کبیر (از سلسله کوشانی)
• در حدود ۷۱ میلادی «
Kanishka de la dynastie des Kushanas
(env. 71)



مناندر (در حدود ۱۴۰ میلادی)
Menandre (env. 140)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغان که در خارج هم سلطنت کردند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays



سلطان محمود غزنوی شہنشاہ افغان (۸۳۸ھ - ق)
سلطان غیاث الدین غوری شہنشاہ افغان (۸۵۵ھ - ق)
Sultan Mahmood le Ghaznévide
Empereur Afghan (1192)

ار سلسله شاهان افغان و سلاطين افغان که در حارج مسلطن کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant regnés aussi
en dehors du pays



سلطان شهاب الدین غوری شاه افغان (۵۶۹ هـ - ق)
Sultan Chahabuddine le Ghouride
Empereur afghan (1173)

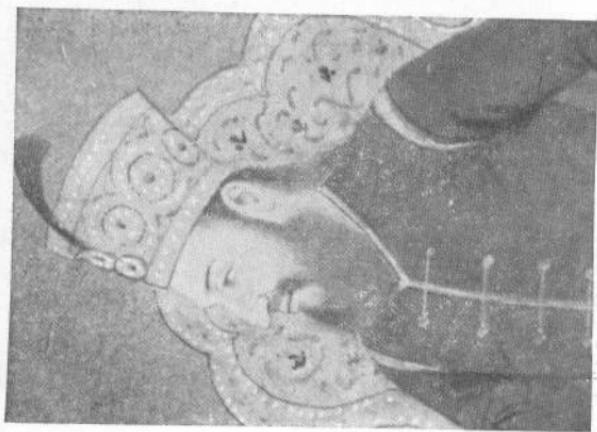


سلطان قطب الدین ایبک (۱۰۲ هـ - ق)
Sultan Kotboddine Aibak (1206)

از سلسله شاهان افغان و سلاطين افغان که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois Afghan ayant regnés aussi en
dehors du pays

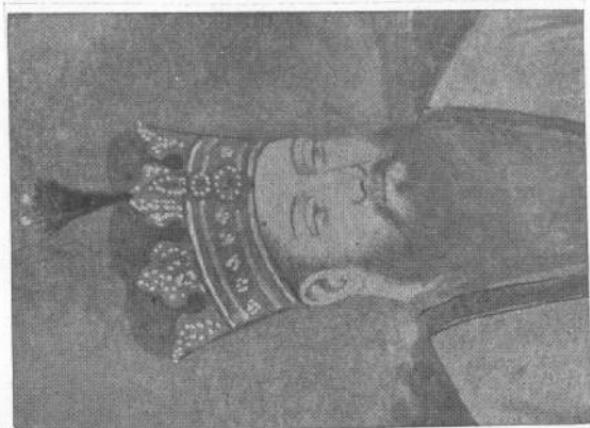


سلطان آرام شاه (۷۰۱ھ-ق)
Sultan Aram Choh (1210)



سلطان شمس الدین التمش (۷۰۷ھ-ق)
Sultan Chmsudaine Oultatmèche (1210)

از سلسله شاهان افغان و سلاطين افغاني که در خارج م سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant
regnés aussi en dehors du pays



سلطان رکن الدین فیروز شاه (۱۳۶۰ - ق)
Sultan Ruknoddine Férouz-Chah (1235)



ملکه رضیه (۱۳۶۰ - ق)
La Reine Razia (1236)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغاني که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays



سلطان معز الدین بهرام شاه (۱۳۷ هـ - ق)
Sultan Moazzoddine Bahram-Chah (1239)



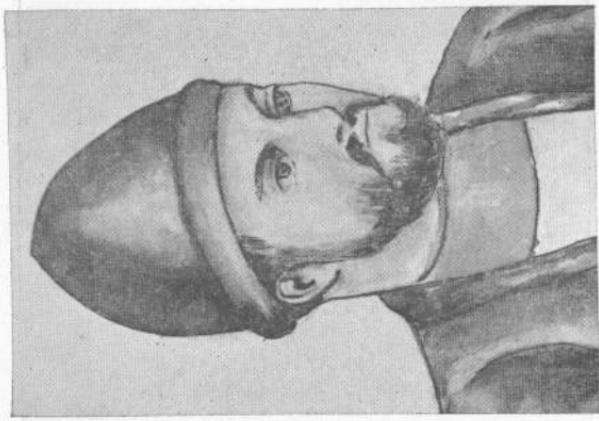
سلطان علاء الدین مسعود شاه (۱۳۹ هـ)
Sultan Ala-Uddine Mass-Oud Chah (1241)

از سلسله شاهان افغان و سلاطين افغاني که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi
en dehors du pays



سلطان ناصر الدين محمود شاه اول (١٢٤٦ - ق)
Sultan Nassreddine Mahmoud Chah (1246)
سلطان غياث الدين بلبان (١٢٦٥ - ق)
Sultan Ghiaissoddine Balbaranne (1265)

ار ساساہ شاہان افغان و سلاطین افغانی که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghan ayant régnés aussi en
dehors du pays



سلاطین معاشرین کیبار (۱۲۸۶ھ - ق)
سلاطین معاشرین خلیل شاهزاد (۱۲۹۵ھ - ق)
Sultan Moézzoddine Kaikobad (1287)
Sultan Atta-Ouddine Kheldji (1295)

از سلسله شاهان افغان و سلاطین افغاني که در خارج هم سلطنت کرده اند
Souverains d'Afghanistan et les rois afghanya ant régnes
aussi en dehors du pays



سلطان ابراهيم لودي (۹۲۳ھ - ق)
Sultan Ibrahim Lodi (1517)

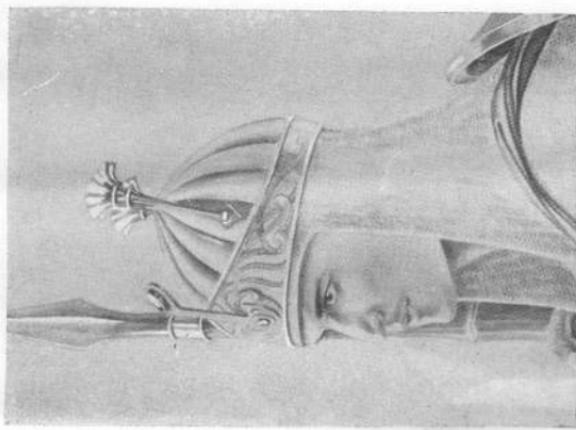


شیر شاه سوری شہنشاہ افغان (۹۴۶ھ - ق)
Cher Chah Soury Empereur Afghan (1539)

از سلسله شاهان افغانستان : هوتكی ها
Les souverains d'Afghanistan Les Hotokis



میر وس خان بایان هوتكی موسس سلسله
هوتكی ها (۱۷۱۵ - ۱۷۴۷)
Mir Ouais Khan Hotoki (1714)



شاه محمود هوتكی شاهزاده افغان (۱۷۱۱ - ۱۷۳۵)
*Chah Mahmoud Hotoki Empereur
Afghan (1722)*

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین مذوقانی

Les rois d'Afghanistan: Les Sadouzaïdes

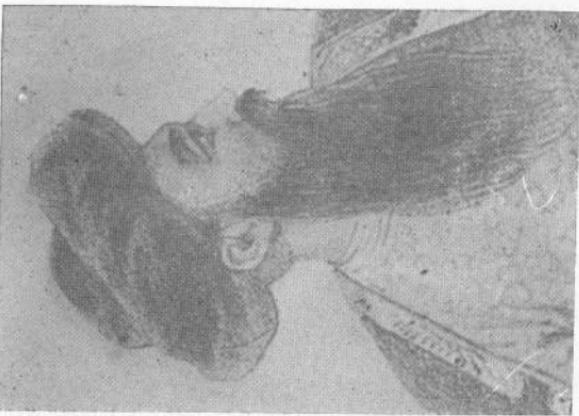


علیحضرت سیدور شاه غازی شاهنشاہ افغان (۱۷۱۵ - ۱۷۴۷)
S. M. Timour Chah Empereur Afghān (1773)



علیحضرت احمد شاه غازی شاهنشاہ افغان (۱۷۱۵ - ۱۷۴۷)
S. M. Ahmad Chah Empereur Afghān (1747)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطين سدوزائي
Les rois d'Afghanistan : Les Sadouzaides



اعظيم هاشم شاه شجاع (۱۸۱۰ - ۱۸۴۲)
S. M. Shah Choudja (1801)



اعظيم هاشم شاه زمان (۱۸۱۵ - ۱۸۷۰)
S. M. Shah Zaman (1739)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطین محمد زاده
Les rois d'Afghanistan : Les Mohammadzaides

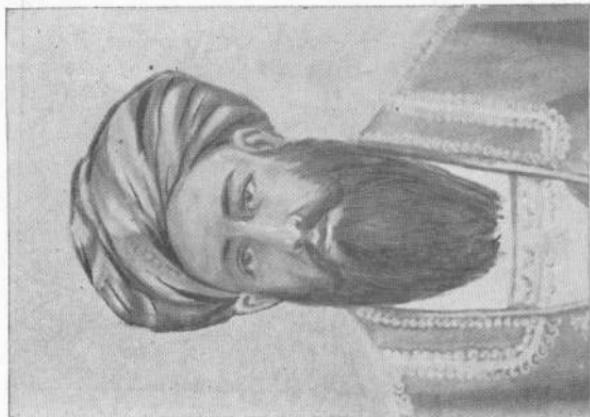


اعلیحضرت امیر شیر علیخان (۱۸۳۶ - ق)
S. M. Amir Cher Ali Khan (1836)



اعلیحضرت امیر دوست محمد خان (۱۸۲۶ - ق)
S. M. Amir Dost Mohmaed Khan (1826)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطين محمد راى
Les rois d'Afghanistan : Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر محمد افضل خان (۱۸۸۲ ه - ق)
اعلیحضرت امیر محمد اعظم خان (۱۸۸۱ ه - ق)
S. M. Mohammad Aazam Khan (1867) S. M. Amir Mohammad Afzal Khan (1865)

از سلسله شاهان افغانستان : سلاطين محمد راى
Les rois d'Afghanistan : Les Mohammadzaides



اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان (۱۲۹۶ هـ - ق)
S. M. Abdur-Rahman Khan (1879)



اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان (۱۲۹۱ هـ - ق)
S. M .Amir Mohammad Yakoub Khan (1879)

از سلسله شاهان محمدزاده افغانستان

Un des souverains d'Afghanistan



اعلیحضرت امیر حبیب الله خان شہید (۱۳۱۹ھ - ق)

S. M. Habibullah Khan (1901)

این کتاب یکی از بزرگترین و مهمترین کتب تاریخی است که در عصر تیموریان تا لیف یافته و مشتمل است بر وقایع و حوادث روز گار از زمان سلطان ابوسعید بهادرخان آخرين فرد دودمان چنگیز تا هنگام قتل سلطان ابوسعید کور گان و مولف بدینجهت آن را بمطلع اسعدین موسوم ساخت .
و دیگر از مورخین و نویسنده کان زبر دست روز گار سلطان حسین^۴ سید فخر الدین برهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود هروی بلغی بخاری است معروف با米尔 خواند . که در زمان خود بوفور اطلاعات تاریخی مشهور و از سر برآورد گان انشا و اهل قلم بشمار میرفت . و چنانکه از دیباچه روضة الصفا استنباط میشود ، مشارالیه بنا بر کثرت ذوقی که در تاریخ داشت ، همان است که در اواسط زندگانی بمعطاهه کتب مختلفه تاریخ جهان اشتغال ورزیده ، بجمع آوری اطلاعات نفیس تاریخی در حافظه می پرداخت . و بفراغ خور حال و استعداد خویش درین فن اکتساب شهرت نموده ، در جمع فضلا و ارباب دانش بنواذر حکایات تاریخی معروف گردیده همواره مورد استحسان و ستایش ایشان واقع میشد . تا که جمعی از دوستان خواهش مند نگارش تاریخی از وی شدند و مشارالیه پس از چندی بنا بر التماس آنها و صوابید امیر علی شیر و زیر (که صاحب ترجمه را در باره وی ارادت عظیم بود) اقدام به تالیف تاریخ خویش (روضة الصفا) نمود و بطهور یکه خود گفته کوشش داشت تابعهای ساده و بی تکلف خالی از هرگونه حشو و زوائد ، استعارات و تشبیهات فاموزون بسلک تحریر کشید . و همان است که نظر بقول مرحوم کاتب چلیه (در کشف الظنون) در مدرسه اخلاقیه واقع در کنار نهر انجبیل که از مبانی خیریه

امیر علی شیر بود ، بنویشتن آن مشغول گردید .
 مولف ، این کتاب را تائیمۀ جلد ششم بدون عارضه و پیش آمدی نوشته می‌آمد .
 قا آنکه دو شروع تحریر و قایع جلوس شاهرخ و بعدازان ، چنانکه خود در خاتمه
 جلد ششم مینویسد ، بخلاف ناگوار و درمان نایذیری مبتلا گشته ، ضعف جگر
 و درد گرده با اندازه بُوی استیلا یافته که مجال نشستن بخودنمی یافته ، اطیا بعالجه
 وی برداخته ، پیش از حدواندازه او را به پرهیز مقید ساختند . و روزانه
 سوای ۲ سیر (۱) گوشت و همان مقدار شوربا و یک عدد انار چیزی نیگری باو
 نمیدادند . وهم چنان بجای آب ، عرق کاسنی بُوی فرموده بودند . ولی با وجود آنهم
 در حابک علات مزاج و شدت درد روز بروز از توان وی کاسته هر دم به تحافظ
 جسم وضعف فوای او می افورد ، این مجلد را که بوقایع سلطان ابوسعید گور گان
 منهنجی میشود ، با تمام رسانید .

لا کن بروایت غیاث الدین خوندمیر در چیپ اسیر که نیره دختری
 میرخواند بوده ، سمت شاگردی بُوی دارد ، همان است که مشارالیه در او آخر
 حیات بعلتیکه میل ارزوا و گوشه کیری بُوی غلبه نموده بود ، از اختلاط
 و معاشرت با اینای روز گار کناره گرفته ، مدت یکسال در گازر گاه با مرار
 حیات مشغول بود . و بعای دت می برد اخت . تا آنکه در ماه رمضان ۹۰۳
 نهضت و سه هجری قمری در آثر مرض سوءالتیه بشهر مناجعت نموده پس
 از اتفاقی دو ماه در بستر ناتوانی در دوم ذیقعدۀ سال هذ کور رخت یاعالم
 آخرت گشید . عمرش در حدود (۶۶) شصت و شش سال بوده در منوار شیخ
 بهاء الدین عمر دفن گردید .

(۱) سیره رات ۲۴ مثقال است .

و دیگر از نویسنده گان عصر سلطان حسین ، معین الدین محمد اسفرازی است . که از عمدۀ متر سلان عصر خود بود ، در انواع انشاء لیاقتی به مردانه و از حمن خط بهرۀ تمام داشت ، نستعلیق بغایت نیکو مینوشت و اکثر او قات خوش باشد به تعلیم فواعد خطاطی می گذراند . وهم چنان طبع شعر نیز داشته و به نظم اشتغال میور زیده و اشعار او دران زمان معروف بود . از آثار او است یکی تاریخ هرات موسوم بروضات الجنات (فارسی) که در ۸۹۷ هشتصد و نود و هفت هجری تایف شده و دیگر رساله نیست منضم منشأت منا شیر و مکتوبات او که دران عصر بغایت اشتئار داشته و در میان مردم متده اول بود . و دیگر از نویسنده گان و مولفین آن عصر کمال الدین حسین واعظ کاشفی است . که مرد جامعی بوده به تخصیص در انشاء و نجوم از جمله سر بررا ورد گان بشمار میرفت . و اکثر از روزهای هفته را در مقامات معینه بوعظ می پرداخت . آوازی بغایت خوش و دلکش داشت . و همچنان طبع شعر نیز داشته و اشعار نیکو میسر وده . چنانکه امیر علی شیر نوائی در مجالس النقايس مطلعی ازو نقل کرده است .

وقات مشار الیه در سال ۹۱۰ هجری بوقوع بیوسته دارای مولفات متعدد بود که بحث در موضوع های مختلف، چون: جواهر التفسیر (معروف به تفسیر حسینی) و موهاب عليه، روضۃ الشهدا، مخزن الانشاء، اخلاق المحسینین، اختیارات و انوار سهیلی.

نا گفته نماند؛ نخستین کتبیک به ترجمه کلیله و دمنه پرداخت، نویسنده معروف عبدالله بن مقعم بود. که برای ابو جعفر منصور خلیفه عباسی آنرا از فارسی به‌مری ترجمه نمود. پس ازان درخلافت مهری در (۱۶۵) یکصد و شصت پنجم هجری

سازمانه « کابل »

عبدالله بن هلال اهو ازی مجد دا آنرا برای یحیی بن خالد بر مکی از فارسی بعربي نقل کرد . و همچنان در عصر سامانیان به امر نصر بن احمد سامانی (از ۳۲۱-۴۰۱ هجری) یکی از علمای آنحضر که اسم مشار الیه معلوم نیست بر ترجمه آن از عربی به فارسی برداخت و شاعر معروف سامانیان رو دکی آن ترجمه را نیکو بر شته نظم کشید . و بعد ازان در زمان غزنویان ابوالمعانی نصرالله بن محمد بن عبدالجعید مجدد باهی سپهرام شاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۴) از ترجمه عربی عبدالله بن مقفع آنرا به فارسی ترجمه نمود . چنانکه مشهور است به کلیله و دمنه بپرا مشاهی . و چون این ترجمه خالی از اطباب نبوده دارای الفاظ مغلبه بود ، همان است که مولینا حسین واعظ کاشفی ترجمه مذکور را بالتفصیل و تهدیل یمی که مناسب میدید تجدید نموده بنام امیر نظام الدین سهیلی (سابق الترجمه) انوار سهیلی نام گذاشت .

و دیگر از مورخین و نویسنده کان معاصر سلطان حسین ، غاث الدین بن بن همام الدین معروف بخواند امیر است . که نیزه دختری امیر خواند مؤلف روضة الصفا بود . تولدی در هرات است و همد رانجا نشو و نما و تربیه یافته و در سلک ادب و نویسنده کان روز گار بسر میرده و چنانکه از سیاق کلام او (حبیب السیر - واقعه وفات امیر علی شیر نوازی) استنباط میشود ، بخدمت امیر علی شیر میر سیده و تا آخر حیات میر در سلک اطرافیان او انسلاخ داشته واز او تربیه و نوازشها ذیده و غریق بحرا حسان و انعام او بوده . و بعد از وفات میر سرثیه اورا نیز گفته .

مشارالیه بعد از اقراض سلسله تبعوریان نیز مدتی در هرات بسر میرده . تا آنکه از ناگواری محیط آنحضر هرات و فشار رو حی و جسمی آن بتنگه آمده ، او نیز بعثت سائر هموطنان فاضل خوش بروای مهاجرت افتاده ، در

تاریخچه ادبیات افغانستان

اواسط شوال سال ۹۲۳ نهضتو سی و سه هجری قمری آنسر زمین را وداع گفت، روانه قندھار گردید و پس از مدت تقریباً هفت ماه سکونت در آنجا مجدد آماده مسافرت هند شد، و بtarیخ دهم جمادی الاول خری سال ۹۳۴ نهضتو سی و چهار از قندھار خارج گشته، پس از گذشتاندن مدتی در عرض راه و سیاحت، در چهارم محرم سال ۹۳۵ نهضتو سی و پنج هجری وارد آگره (که پایی تخت طهیر الدین محمد با بر بود) گردید. و چنانکه محمد فاسی هند و شاه فرشته (به نقل از رسالت واقعات با بری) مینگارد، در هشتم ربیم الاول همانسال در بزم طوئیکه با بر بشکرانه شفایاقتن خود از تبرزه (که در جمعه پیست و سیو م صفر سال مذکور برایش عارض گشته بود) در باغ هشت بهشت آراسته بود، مشاریه با مولیانا شهاب الدین معماقی و میرزا ابراهیم قانونی که از هرات آمده بودند، یکجا بحضور ریاض شاهی باز یافتند، نوازشات دیدند و در ردیف مقربان منسلک شدند، و تا آخر حیات در سر زمین هند بتوشی و فراغت می گذرانند. تا آنکه در سفر فضیل الدین محمد همایون بعنده که وی نیز جزو ملت مین رکاب بود، در سال ۹۴۲ نهضتو و چهل و دو هجری بعرض اسهال از یتحجهان در گذشت و حسب الوضیه نعش او را بدھلی آورده، در جوار مزار شیخ نظام الدین او لیا و امیر خسرو دفن نمودند. از جمله مؤلفات اوست: خلاصة الاخبار و اخبار الاخبار، منتخب تاریخ و صاف، مکارم اخلاق، مآثر الملوك و دستور الوزر و حبیب السیر و بر علاوه چند تن ذو یسند گان دیگری نیز دیان عصر بوده اند. چون معین الدین فرا هی صاحب معارج النبوة و مولیانا نور الدین عبدالرحمن جامی وغیره وغیره که تذکاری از آنها در بالا گرده آمد. «ناتمام»

قسمت اول این مقاله با فهرست مآخذ آن در سالنامه ۱۳۱۴ کابل نشر شده

بحث صنعتی

مکتب صنایع نفیسه

باقلم جناب محمد فدیر خان تره کی

اهمیت صنعت :

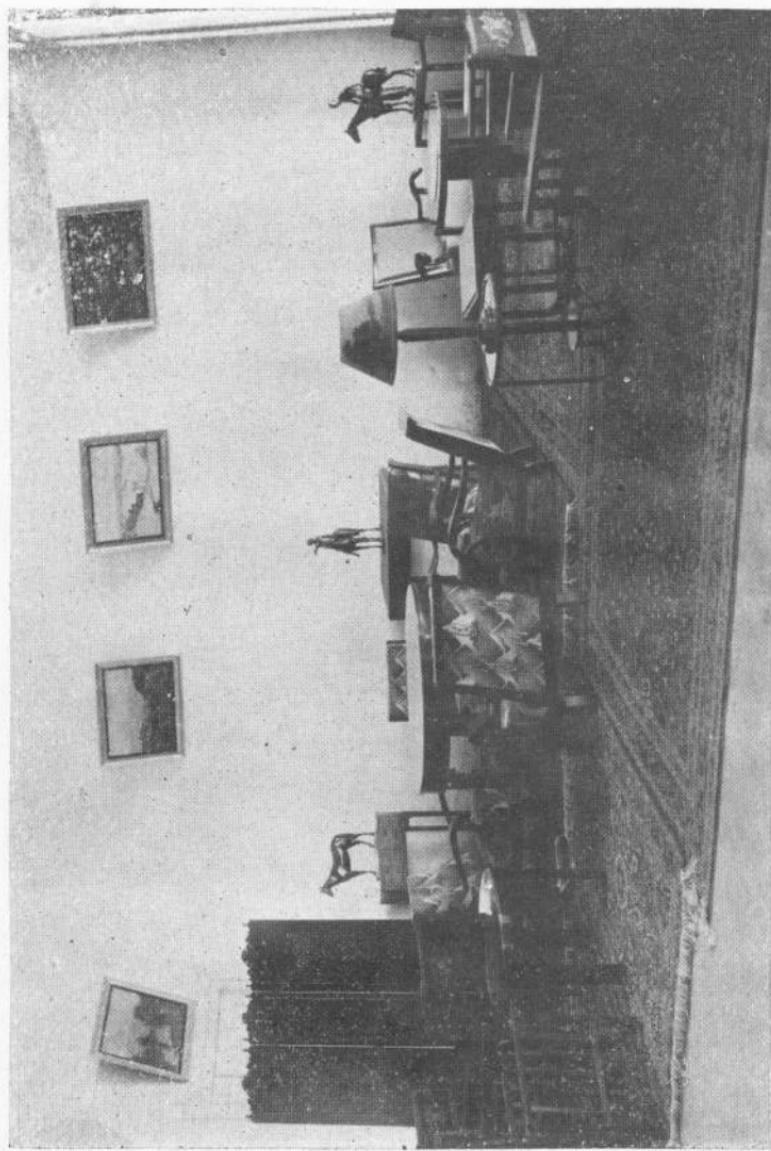
هر دوره که از حیات انسانها در سطح زمین میگذرد بر ذخائر فکریه و مادیه آنها افزود میگردد. انسانهای اویله چون دارای ذخائر فکری و مادی نبودند یعنی در افقکار آن ها چنان وسعتیکه به تبروی آن خود را از بیلیات و آفات حیات نجات بدھند و در لوازم حیات ایشان ذخایر یکه حواچ میرمه آنها رفع نند، وجود نداشت، لهذا منازل شان مقاره های کوه و اسباب و آلات آن ها از سنگک بوده است، ولی وقتی چندین قرون از عمر انسان پسر در روی زمین گذشت، تجارت زندگانی که مولد خواست نیک و بد روزگار است بر ذخایر فکریه (تعلیمات و تجارت حیاتی) و مادیه (اسباب و آلات مصنوعی که بذریعه آن حواچ خود را رفع نمودند) آن ها افزوده ایشان را مقندر نمود تا بقیه همان انساعیکه در فکر آن ها موجود بود بعضی آلات ابتدائی اختراع و سپس بدستباری همان آلات سامان بزرگتر و قیس تری اعمال نیایند مثل آتاوقتی انسان ها با فروختن آتش دست نداشته از گذاختن فلزات هم عاجز بودند ولی وقتی موفق به کشف آتش شدند بوسیله آتش موفق



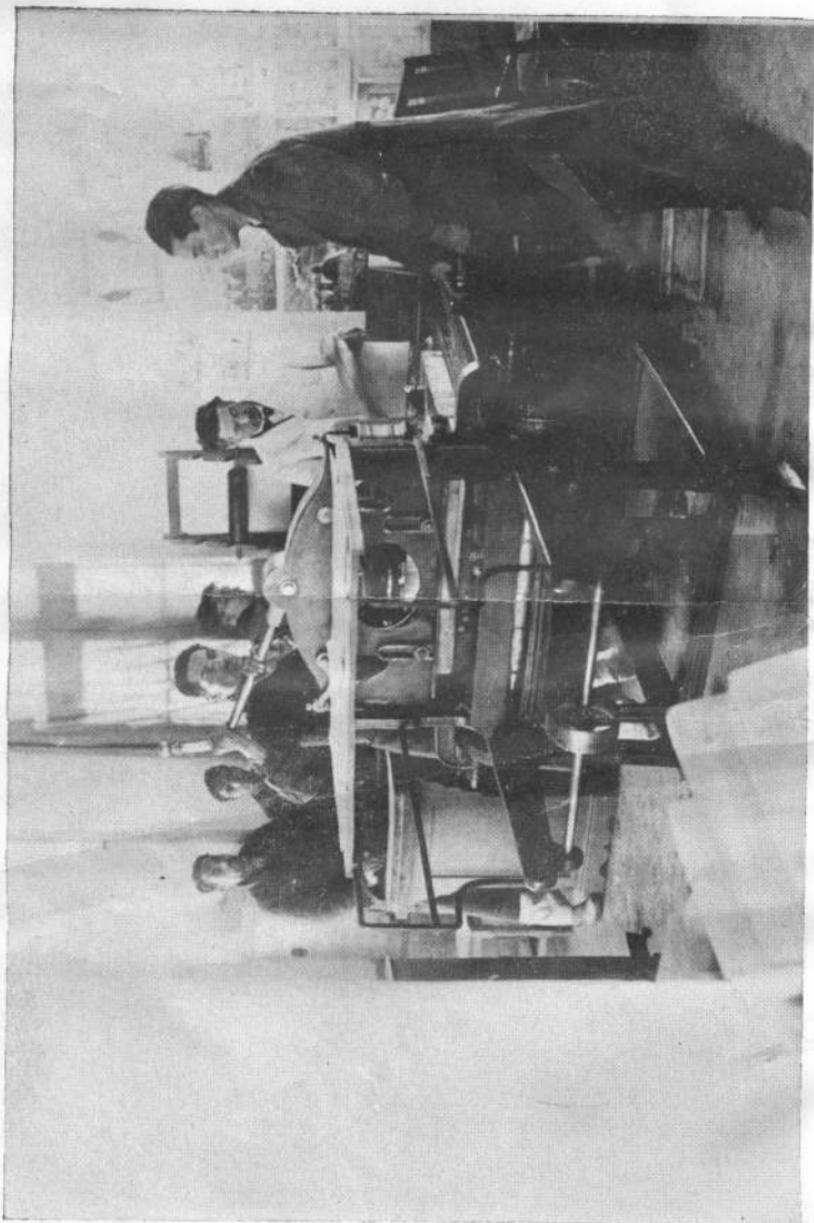
از مرا نات مه وزارت معارف، منظره عمومی مکتب صنا در کابل
Vue générale des batiments de l'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul.

Corridor supérieur de l'École des Arts et Métiers à Rabat
جناح ممتد في المدرسة العليا للفنون والحرف بمراكش

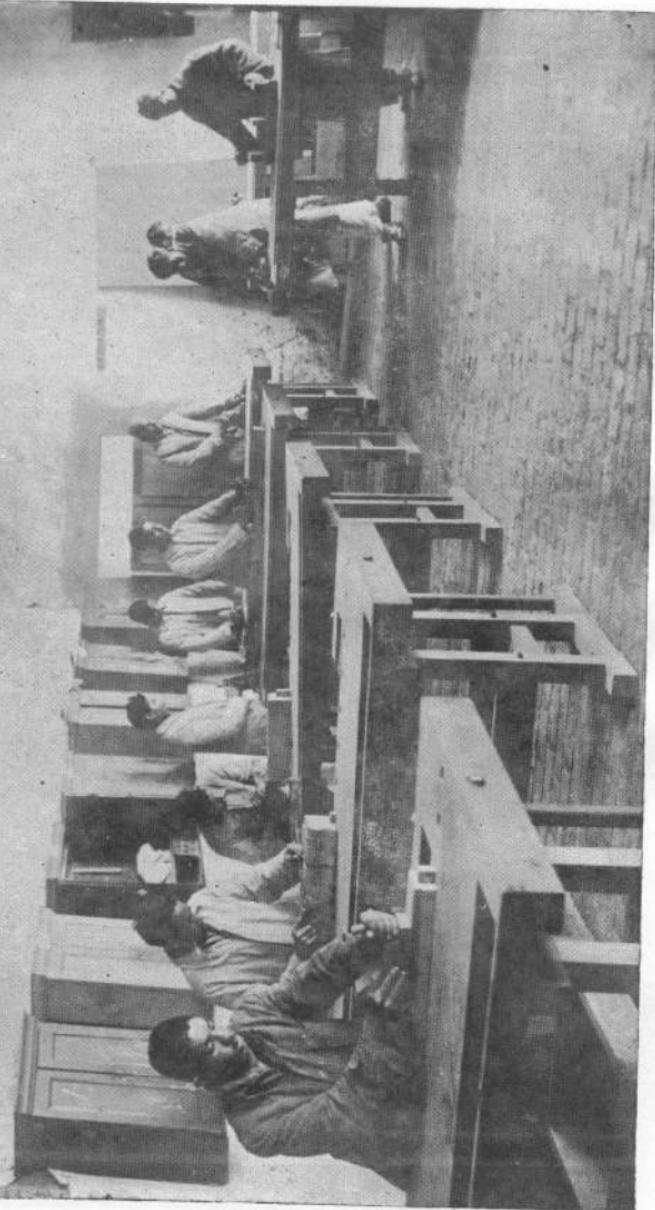




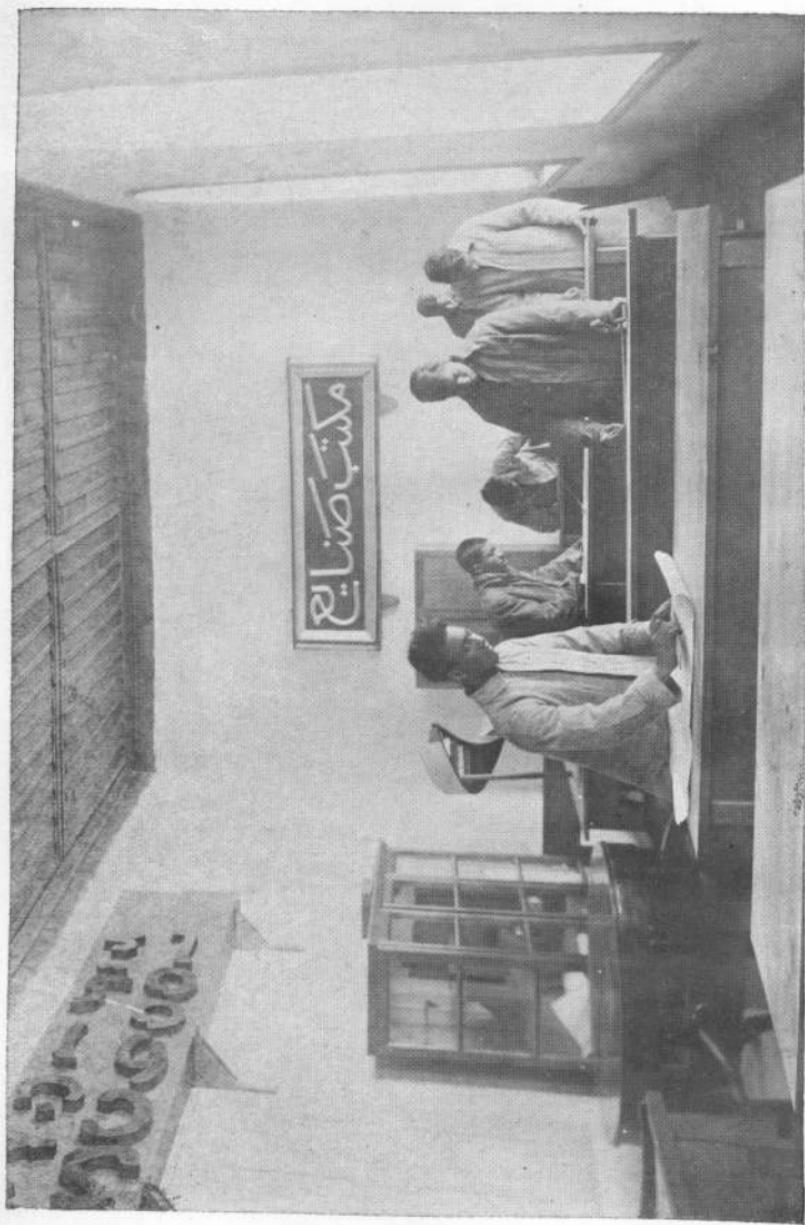
از کارروایی های وزارت معارف : اطاق نایش مکتب صنایع
L'Ecole des Arts et Métiers à Kâboul: Une vue la salle d'exposition.



از کار دوائی های وزارت معارف : شعبه جدیده ایالات میتوکانند پیوگراف مکتب صنایع در وفت چاپ فریمۀ ماشین . L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de littographie en plein travail .



از کار روانی های وزارت معارف : شعبه نجاری مکتب صنایع در دشت کار
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de menuiserie



از کار در ایشانی داری وزارت معارف : الاق رسم شعبه نجادی مکتب صنایع
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: La classe de dessin.



از کار روانی های و زارت معارف : شعبه رسما می مکتب صنایع
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de la peinture en plein travail



از کار روانی های وزارت معارف : صنف دشده اول قابن باز مکتب صنایع در حال کار
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe supérieure de tapisserie en plein travail

مکتب صنایع نفیسه

به گذاختن فلزات شده باان سبب دراعمال تمام ما بحاج کامیاب آمدند و این کامیابی ایشان ازیک طرف حیات آن هارامعنای و ماده مستریح گردانید و از طرف دیگر با انسانها نبرو داد تا بر همان وحش و سباعیکه قبل ایشان میتاخت غالب آمده راز طبیعت را تاحد مکنه کشف و تمام مواد مخلوقه را به مقاد خود استفاده قرار بدهند ، بعد ازین رفته تمدن رویه ترقی رفت و سیاست و عظمت ازان افراد و مملی شد که مرتبه علمی و صنعتی آنها به نسبت سائرین عالی تر بوده است زیرا صنعت تجارت را بوجود آورد و تجارت عامل تجمع یول شد و یول هم یکانه عامل عظمت و قدرت افراد و ممل معرف گردیده وجیزه داکه : « توانا بود هر که دافا بود » مصداق بخشید .

این است اهمیت صنعت ولی حالا بهینیم که (صنایع نفیسه) در زندگانی ما چه تأثیر دارد ؟ « داروین » فیلسوف انگلیس میگوید « ذوق ذینت و تحمل بر سائر حواچ دیگر در نزد انسان ها مقدم است چه من در ضمن تجارب خود که در اقوام وحشی مینمودم روزی با یک جمعیتی از انسان های بدی برخوردم و بر سیل تخریب پارچه سرخ (ماهوت) را که در نزد خود داشتم بیکی از انان دادم و انتظار میبردم که شاید آن فرد وحشی پارچه مذکور را در مقام لباس به بر کرده جسم خود را از تابش آفتاب سوزان برهاند ولی بر خلاف انتظار دیم که پارچه مذکور را تکه نمود و با قارب خود داد و آن ها همه آن را به مو های خود شان آویخته در مقام زینت و تحمل استعمال کردند . »

طوریکه از گفته بالا فهمیده میشود ، انسان فطرتاً فریفته جال و زیباتی است و همیشه میل دارد چشم از مناظر زیبا و وجودش از البسه نفیس و منزشن

سالنامه « کابل »

از لوازم و اثایه فاخره سهم داشته باشد زیرا بهمان اندازه که انسان حوای مادی دارد هم چنان دارای حوایج ذوقی و معنوی است و این حوایج او را (از یک جنبه) صنایع فنیسه رفع میکند. وازین جهه است که در هر دوره از مدینت های بشر به صنایع فنیسه اهمیت زیادی داده شده و در عصر حاضر هم اهمیت بزرگی بدان میدهدند و روز بروز نو اقص آن را رفع و زمینه ترقی مذکور را حاضر میکنند.

غیر از اهمیت بزرگی که صنایع فنیسه از نقطه نظر اقتصادی و تجارتی میدهدند صنایع فنیسه که فعلاً در دنیا مورد عمل است و خوش بختانه مکتب صنایع فنیسه ما هم در تحت همان دستاپر و اصول بر روی کار آمده است به شالوده های دقیق و متنین فلسفی و علمی انتکاء دارد چه :

از وقت مدینت یونان یعنی از همان آوانیکه افلاطون ، ارسطو و ... نظریه استنیک (بیدعیات) خودرا در صنایع اظهار نمودند ، باین طرف تا اکنون همیشه در زمینه صنعت دو فکر اساسی جریان دارد که یکی آن میگوید « صنعت برای زندگانی است » یعنی صنعت باید طوری باشد تا هر کدام آن در یک یا زمینه حیاتی ما تاثیری داشته حوایج ما را که در همان زمینه موجود است رفع کند و دومی میگوید « صنعت برای صنعت است » یعنی صنعت را بواسطه اینکه صنعت است و مظاهر زینت و زیبائی بوده روح ما از ان خط میبرد دوست داریم و از صنعت دیگر فائدۀ مد نظر ما نیست » .

دو به رفته هر دوی این افکار بر مبانی دقیق فلسفی و اجتماعی انتکا داشته میتوان از هر کدام آن مطالب مفیدی که برای زمینه مذکور روی دست داریم بیرون آورد . چه اگر مافرضآ صنعت را ارزوی رفع حوایج زندۀ گانی اهمیت بدھیم

و به تعبیر ارباب نظریه اول صنعت را برای حیات بدانیم از جنبه اینکه صنعت تمام حواچی روز مرد مارا رفع و خط فاصلی را یعنی زندگانی بدوی و حیات مدنی تشکیل میدهد، دارای اهمیتی است که شاید هیچ منکری نداشته باشد. وبالعکس اگر به نظریه دوم متکی شده بگوئیم که صنعت برای صنعت است و با آن بهمین نظر نگاه کنیم اهمیت معنوی آن زیاده تراز اهمیت مادی مذکور بوده موضوع صنایع نفیسه را مقبول تو مفید ترجمه مدد چه دارند گمان این نظریه میگویند:

انسان طبعاً متمایل به نفاست و همیشه ذوق شارد اوقات خسته گی دماغ را به نظاره چیز هاییکه زیبائی و جمال دران منعکس بوده مظاهر تحملات روح بشری باشد، سپری کنند، واژینجه است که وقتی انسانی در برابریک منظره فشنگی که قلم یاک صنعت کار ماهر وزیر دستی آن را بوجود آورده طبیعی ترین وضعیت زندگانی انسانی و عناصر دیگر مخلوق خداوندی را نمایش مدد، فرار میگیرد و یا از مقابله بناییکه دست مهندسین صاحب تخصص آن دا بر یانو ده باشد، رد میشود و یا با لوازم و اثاثیه که باجدید ترین و نفیس ترین طرزی ترتیب داده شده باشد مقابله میشود، تمام خسته گی های دماغی او که مولود مشاغل شافة زندگانی است، رفع و ساعتی عاری از آلام و مصائب دینیوی بسر میبرد.

مطالعه جمال و زیبائی در اخلاق و طرز حیات اشخاص هم مؤثر است چه وقتی انسان به مطالعه یاک اثر نفیس صفتی میریدارد، احساسات او رفق تو و ذوق بدیم او نموده، قساوت قلب و انجما دماغی او رفع و به عوض آن غریزه رأفت و عطوفت و استعداد ابتکار و ابداع در او تولید و وسعت

سالنامه « کابل »

می یابد ، وغیر ازین فوائد و مجازاتی که صنایع نفیسه از نقطه نظر فردی دارد ، دارای فوائد اجتماعی دیگری هم میباشد که اینک ملخصاً بدان برداخته میشود :

در جامعه که آثار نفیسه صنعتی زیاد باشد و در هر گوش و کنار آن اشخاص دارای این فن وجود داشته ارتاتی از خود بگذارند ، رفته رفته افرادی که در ان مملکت زندگانی دارند ، بهمان گونه اذواق نفیسه ممتاز شده ، نظافت ، پاکی و صد ها گونه عادات دیگری که همه آن ها در نزد قوانین شرعی ، اخلاقی ، مدنی از اعمال حسن و بسندیده میباشد مملکت ایشان میشود .

این بود نبندی از فوائد اقتصادی ، تجارتی ، اجتماعی ، بدیعی ، اخلاقی صنایع و صنایع نفیسه که بدان ها اشاره شد و البته مطالعه این سطور میتواند تا اندازه اهمیت مکتب صنایع نفیسرا که طرف توجه مخصوص حکومت متبوءه ما میباشد به مطالعین محترم خاطر نشان کند .

ابتدا تأسیس این مکتب و ترقیاتیکه دران بوجود آورده شده :

مکتب صنایع یکی از موسساتی است که بانی آن اعلیحضرت شهید غفار الله له میباشد چه اعلیحضرت شهید بمناسبت علاوه و ارتباطی که طبعاً به ترقی تمام شعب مملکت داشتند بتاريخ ۵ قوس سنه ۳۰۸ هجری ، شمسی این مکتب را بامید ایشان یکمدها ولادوطن درین موسسه علمی و صنعتی تربیه شوند ، تأسیس فرمودند . و امیدوار بودند که این مدرسه و سیله خوبی برای ترویج صنایع عصری در افغانستان خواهد گردید . این مکتب در همان سالیکه تأسیس کرده شد تنها دارای یک شعبه رسامی بوده است که عبارت از چهار صنف رشیدیه بوده و عمارتیکه

دران طلاب مذکور مشغول اخذ تعلیم بودند عمارتی بود در صحن همین عمارت موجوده مکتب که دارای هشت اطاق بود . و مدیر آن سر حومه و فیسر غلام محمد خان مقرر شدند که مشار الیه حقیقتاً در راه پیشرفت و ترقی این موسسه مطابق نظریات حکومت ترقیخوا ما زجاجات زیادی کشیده و تازمان فوت خود (زمستان ۱۳۱۴) در موسسه مذکور صرف مساعی مینمودند .

در سنه ۱۳۰۹ یک شعبه دیگر مسلکی هم تأسیس شد که آن شعبه عبارت از شعبه نجاری بوده است و برای این طلاب جدید در سمت غربی همان عمارت سابقه مکتب صنایع ، چند اطاق دیگری هم تعمیر شده دران اطاق ها ، یک عدد اولاد وطن برای آموختن صنعت نجاری بدست معلمین ماهر نجاری سپرده شد .

در سنه ۱۳۱۰ متصل همان اطاقها بسمت جنوبی عمارت سابقه مکتب صنایع چند اطاق دیگر هم برای شعبه قالین باقی تعمیر و در سنه ۱۳۱۱ اطاق های فوقانی عمارت مذکور نیز تکمیل و چند نفر معلم لائق قالین باقی از خارج برای آموز گاری صنعت قالین باقی بسبک جدید استخدام گردید و در همان سنه یعنی سنه ۱۳۱۱ یک عدد زیادی از طلاب برای آموختن صنعت قالین باقی به تحت هدایت و تعلیم معلمین مذکور به مکتب یذیرفته شدند . و در مدت سه سال تعلیم یک عدد زیادی از ابنا و حسن حسب تعلیم آموز گاران خارجی صنعت قالین باقی را باصول عصری آموختند . تاینکه امر و خوشبختانه دیده میشود که تمام آن طلاب بدون معاونت معلم و آموز گاری بکمال رشدات و مهارت تمام امور تعلیمی و فنی قالی باقی را از قبیل نیخ تابی ، یافت ، انتظام دستگاه ورنگ ریزی قالین و بافت قالین های برجسته گل و گلکیم و شترنجی

سالنامه «کتابخانه»

و بر حسب اجتهاد و ابتکار خود دستمال های گردن و تصویرت نمونه بعضی پارچه های لباس هم میباشد و هنوز دامنه ابتکارات شان درین زمینه ادامه دارد و انشا الله تعالى عن تعریف دارای یک عدد زیاد صنعت کاران ماهر قالین باف و لوازم دیگر آن پشته ترقی محسوسی را درین شعبه مشاهده خواهیم نمود.

در سنه ۱۳۱۲ فکری که در توسعی دادن شعبه مکتب صنایع بود ایجاب میگرد تا اولاً عمارت مکتب وسیع تر تعمیر گردد که بتواند حوالج شعبات دیگری را هم رفع نموده برای تعلیم طلاب زیاده تری گنجایش داشته باشد همان بودا که نقشه عمارت فعلی مکتب ترتیب یافته به صحنه اعلیحضرت همایونی بو اصل و در همان سال از سمت جنوی آغاز به کار گردیده متدرجاً در دو سال و چند ماه کار لایقطع، اطاق های فوقانی و تختانی مذکور - بجز بعضی جیزه های جزئی - اکمال گردیده بشکل یک عمارت جدید و عصری تعلیمی خوبی بزرگ که در آمد.

در سنه ۱۳۱۲ شعبه مستعجله نجاری و معماری هم تامیس و سروط مکتب صنایع گردید. این دوشعبه علاوه از تعلیم عملی نجاری و معماری، دروس فارسی، ریاضی، حسن خط و رسم هم میخوانند و یروغراام این دو شعبه از سه الی چهار سال سنتجده شده است. و این طلاب درین دوره تعلیمی خودها علاوه ازینکه به یک مقیاس زیادی از صنعت استفاده مینمایند، یک دوره تعلیمات ابتدائی راهنمفرمیگیرند، و مقرر گردیده است که برای این شعبه طلاییکه یزد یوفه میشوند باید اشخاص قوی و تنومندی بوده سن شان از ۱۸ کم و از ۲۵ زیاد نباشد.

در سنه ۱۳۱۴ یک شعبه دیگریکه عبارت از شعبه مهندسی باشد تاسیس گردید و برای تعلیم آن یک نفر مهندس جرمی استخدام گردید و ازان وقت تا ۱ کنون

یک عدد طلاب برای تعلیم مهندسی به مهندس مذکور سپرده شده است و قدر غنی شده که باید برای این شعبه طلاب بسیار ذکر و مستعدی قبول کرده شود که در رياضي دارای مهارت خصوصي باشند و درجه تعلیمات ایشان تارشديه سوم باشد - موعد تحصيل و پروغراام اين شعبه ۸ سال است .

یک شعبه دیگري بنام لیتو گراف يعني چاپ ساده و رنگ هم تاسیس و برای آموز گاري آن يك نفر آلماني صاحب تخصص درین زمينه ، استخدام شده و مشغول کار مي باشد و ۱۵ نفر طلاب و چهار فرمايشن کار و ريجك زن بروطبق هدایات متخصص مذکور در شعبه موصوف مشغول اخذ تعلیم است .

این بود ترقیاتیکه مکتب صنایع نفسه از بد و تاسیس خود تا اکشنون که عارضت از ۷ سال میباشد با آن نایل شده و چون مکتب صنایع نفیسه فعلاً دارای شبكاتی است که هر کدام آن بعد از آن که جواهر مملوک در نظر گرفته شده، بوجود آمده است، لهذا لازم میافتند برای اینستکه خو بتر توانسته باشيم نسب العین مکتب مذکور را به مطالعین محترم و اندود نمائیم، هر کدامی از شعب مذکور با وظیفه که در نظر دارند انجام بد هند، یگان یگان زیر مطالعه در آریم :

و ظائفیکه از هر شعبه مکتب صنایع انتظار برده میشود :

۱ - شعبه رسامي :

شعبه رسامي دارای دو صفت است: چهار رشدي و چهار اعدادي اين شعبه بعد از ضي ۸ سال تعلیم، جوانانی بیرون خواهد داده تمام باریکی های عامی و فني رسامي ما هر بوده بهتر بن مناظر دلربا و فشنگ اين

ملکت کوهستانی را که دارای مناظر دل را بای طبیعی بوده صاحب امتیاز مخصوص صنیعی میباشد، رسم و از وضو طبیعی و بی ساخت روستایی نیکه بارقه حقیقت ولعه استقامت و راستی از سیمای آنها تراووش میگند، بدینیان مدنی نما یندگی وبالاخره سبب معرفی نمودن صدها عوامل دل را بای طبیعی و بشری این همکات مبتکر و دست ناخورده که تا کنون با دست هیچ رسماً آشنا نیز ارد، خواهند شد؛ زیرا منظرة کدر تابلوی مرتبه یاک رسماً و طبی دیده می شود غیر ازان مناظری است که دست صنعت کار خارجی آن را رسماً نموده باشد. چه صنعت کار بومی چون به عوامل روحیه افراد داخلی و اوضاع مناظر خود پوره آشنا است، طریقه طبیعت وجوداً بیت آن را به صراتب بهتر از صنعت کاران خارجی درک میگند و همان مدرکات خود را به نوک خامه بروی صفحه کاغذ رسم نموده عواملی بر میانگیزند که از قلم خارجی ها ساخته نیست - ازین جاست که مناظر زیبایی وطن و چهره های مردانه و معصوم رجال تاریخی و فعلی این سرزمین که بدارانی وقار و هیئت مخصوصی امتیاز دارند، هم برای صحنه های تمثیلیکه در آتیه درینجا بوجو دارد خواهد شد، وهم برای کلکسیو نرهای خارجی و داخلی، محتاج یک عدد صنعت کاران مهر و رسماً های زبر دست داخلی است. وهمین است انتظاریکه از شعبه رسماً مکتب صنایع نقیسه برده میشود.

۲ - شعبه رنگمالی :

درین هیچ شک نیست که این مملکت هم چنانکه بدارانی فلاتات مهم صنعتی امتیاز مخصوصی دارد هم چنان به حائز بودن بناهای و اشجاریکه ازان ها الوان مختلفی به عمل میاید، دارای مقام بلندی است والبته اگر هم چنان که اکنون

سنجهده شده و در مکتب صنایع فنیسه یک شعبه رنگمالی را تاسیس کرده اند، اولاد این وطن بقواین فنی یکی و کیمیاوی و صورت امتزاج واختلال الوان و بدست آوردن الوان مخلوطه و متتنوعه بی بیرند، دران وقت شاید محتاج نشویم تا همان مواد ابتدائی را بخارج فی سیر یک افغانی فروخته و بعد از ساختن رنگ همان ماده را بصورت مصنوع دو باره متفاوت یک افغانی خریداری نمائیم؛ چون افغانستان خو شنجتنا نه متدرجاً یک مملکت صنعتی میشود و به انواع الوان احتیاج تامی دارد لهذا این شعبه مکتب صنایع یکی از غنایم فیتمدار روزگار است که اخیراً از توجهات حکومت متبعه بوجود آمده است.

۳ - شعبه نجاری :

شعبه نجاری بدو شبهه مقسم است: از فیل شعبه مستعجله و شعبه مسلکی؛ شعبه مستعجله نجاری دارای چهار صنف ابتدائی است و اشخاصیکه ازین شعبه خواهند برآمد امور نجاری را بصورت معمول و مرسومی انجام خواهند داد و چون غیر از نجاری مضامین فارسی، خط، ریاضی، ورسم راهم درس میخواهند لهذا یک نجار با سوادی خواهند بود ولی شعبه مسلکی نجاری؟ این شعبه دارای چهار صنف رشدی است و علاوه از نجاری مضامین: فارسی، ریاضی، مواد چوب، رسم، پروژکسون (فن نمایش در سطح) را هم درس میخواهند و نجاری که درین شعبه یاد داده میشود بصورت ظرافت و نازک کاری خواهد بود. افغانستان چون مملکتی است که جدیداً آغاز باصلاحات امور عمرانی و بلدی خود نموده است و از یک طرف حکومت با تمام قوا مصروف اصلاحات است و از طرف دیگر افراد مملکت هر کدام بواسطه تاسیسیکه اخیراً باد نیای مدنی نموده اند روز بروز بر عده منازل و مبانی عظیمه و عصری میافر ایند

سالنامه « کابل »

لهذا وجود اینگونه نجاران در مملکت کمال لزوم واهیت را دارد و این جهت است که بین شعبه مکتب صنایع فیسه میتوان اهیت بزرگی داد.

۴ - شعبه مهندسی :

این شعبه دارای دو صنف است وعلاوه از کار عملی گل کاری، دروس فارسی، خط، حساب، ورسم رایمابوزند واین شعبه مخصوص برای اجرای امور تعمیرات دولت میباشد.

۵ - شعبه مهندسی :

این شعبه یک شعبه بزرگ تعلیمی است که در آن طلاب خیلی ذکر و دارای استعدادی که درجه تعلیمات آنها اتصافی رشدیه سوم باشد و در ریاضی دارای سلطه و ملکه خوبی باشند پذیرفته میشوند.

میعاد تعلیم و پروگرام این شعبه ۸ سال است و درین مدت طلاب مذکور تمام علم مواد تعمیر را بصورت عملی و نظری یاد گرفته تعلیمات، ستاریک (علم تعادل و توازن) فن عمران، الجبر، حساب، هندسه، نقشه، پیماش، برآورد تعمیر، رایمابوزند وهم تمام عملیات را که مربوط به یک تعمیر جدید و عصری باشد عملاً باصول فنی فرا میگیرند و باین صورت این اشخاص میتوانند بعد از فراغ درو ره تحصیلات هشت ساله خود شان بطور مهندس و نگران تعمیر مستقلآ در تعمیرات مصروف کار و خدمت گردند.

طرز تعلیمات عملی و نظری این شعبه مقتبس از اصول و طریقه ایست که در اروپا موزد عمل میباشد.

چون عملیات عمرانی در افغانستان درین اواخر مخصوصاً در قسمت

تمیرات رسمی و دولتی از قبیل ساختمان مؤسسه های بزرگ صنعتی و فنی و تعلیمی و اداری شهر ها و منازل مهم اداری و امثال آن به مقیاسی روی دست است که با سابق هیچگونه قابل مقایسه نیست، لهذا مجبوری است تامباوی و عمارت مذکور باصول فنی و طرز جدید مهندسی باشد والا در عین اینکه بیم انهدام آن به مدت کمی متصور میباشد منازل یکه باصول فنی بنا شده باشد شاید بعد از یک مدت کم احتیاجی در انهدام آن و دو باره تعمیر کردن مذکور احساس شود چنانچه این خطره دلکشی از اشخاص حس کرده اند چه بسادی دهد شده است که شخصی در و هله اول که تهداب عمارتی را می گذاشت تمام مسائل مهندسی آن را نه سنجیده بود ولی وقتی بساقه کدام احتیاجی خواست آن را اصلاح کند مجبور گردید عمارت قدیم را خراب و سر از نو بنای آن را بگذارد . روی یه رفتہ چون ۱۰ روز دنیا دنیای علم است و هیچ شعبه از شئون زندگانی دیده نمی شود که از علم بی نیاز باشد، لهذا وجود مهندسین و معماران صاحب فن و عالم به پیشه و مسلک، همان طور یکه برای تمام دنیا ضرورت دارد برای اقفالستان هم که تازه دارد درین راه قدم بر میدارد ، از جمله ضروریات اولیه شمرده میشود. باینک از همین باعث است که در مکتب صنایع نفیسه شعبه را اختص بهمین امر نموده یک عدد نو باوگان را به تعلیم معماری و مهندسی و داشته اند تا در آینه فربی اقفالستان را ازین شعبه حیا تی اش بی نیاز گردانند .

۶ - شعبه قالین بافی :

این شعبه در اکثری ممالکی که دارای رمه و گله های گوسفند میباشد یکی از شعب بزرگ صنعتی و بزرگترین منبع عوائد ملی بشمار میرود

سالنامه «کابل»

شعبة که برای این صنعت در مکتب صنایع نفیسه تخصیص داده اند یاک شعبه مهم صنعتی بوده عبارت از ۷ صنف است که ۳ ابتدائی و ۴ رشدی مینباشد. درین شعبه تمام فنون و صنایعیکه به صنعت قالین با فی رابطه دارد به طلاق پاداده می شود و علاوه ازان طلاق مذکور، مضامین فارسی، حساب، رسم و حسن خط راهم درساً میاموزند. قا بعداز فراغ مکتب برعلوّه صنعت قالین، تعلیم متوسط عرفانی هم داشته باشند. طلایکه ازین شبہ فارغ التحصیل میشوند میتوانند مطابق خواهش خود کارگاه های قالین با فی در هر جا ساخته بطور آزادانه به صنعت خود مشغول گردند.

بنخیال عاجز و شاید به عقیده اکثری از مطلعین بعلت اینکه و ضعیت طبیعی و محیط جغرافیائی این مملکت برای پرورش رمه و گله های گوسفند بسیار مساعد است و محصولات پشم در افغانستان جزو عمده محاصیل ملی ما را تشکیل میدهد، تریهه صنعت قالین برای اولاد افغان دارای اهمیت بسیار بزرگی مینباشد زیرا اگر اولاد افغان این صنعت را طوریکه زنمای امور مملکت خواهش دارند و شعبه خصوصی را در مکتب صنایع نفیسه برای تعلیم این صنعت ایزادرفر موده اند، کما حقه بیاموزند و مواد ابتدائیه پیدا وار این وطن (پشم) رنگهای طبیعی را درین صنعت مصرف کنند، یقین است که پله صادرات مادربرابر تور یداد دیگر بسیار سنگین خواهد شد.

علمای اقتصاد میگویند: «بهترین موقع شناسی رای ملل همین است که آن ها از موادیکه خداوند در مالک ایشان عطا فرموده است حسن استفاده نمایند.» پلی راست میگویند. تاریخ شهادت میدهد که هر مملکت در هر دوره تاریخی

در زمینه پیش رفت شایان تقدیری نموده است که وضعیت طبیعی و بض ارضی
حملکت مذکور برای پرورش مواد ابتدائی همان زمینه مساعد بوده است و
این خود یک قانون طبیعی است که در تمام ملل گذشته و دول امریزه و شاید
ما لک فردا مورد تطبیق داشته و خواهد داشت^۱، ازین جهت است که بند
آنده درخشنانی را برای این شعبه صنایع نفیسه مشاهده میکنم.



این بود شعب موجوده و سرام مکتب صنایع نفیسه که برای وصول با آن
شب و روز مصروف مساعی است ولی حالا لازم میباشد بداین این مکتب
در آنجه هم خواهان ترقی و اتساعی هست؟

طور یکه جناب بر شنا مدیر با فریجه و ذوق مکتب صنایع نفیسه به بند
معلومات داده اند، این مکتب بهمان اندازه که درین عرصه هفت سال به ترقیات
فیر قابل فیاسی نائل شده است در نظر دارد که دامنه ترقیات خود را تعقیب
نموده در سال های آینه نیز هم چنان متدرجاً رو به تعالی و ارتقا سیر کند
چنانچه مواد آنجه در نظر است کسر از سال جدید سنه ۱۳۱۶ مورد عمل
گرفته شود.

شعبه خیاطی:

شعبه خیاطی در مکتب صنایع نفیسه تاسیس و عنقریب به تحت تعلیم یک
نفر خیاط متخصص چرمی که درین نزد یکیها میرسد آغاز کرده خواهد شد
و این شعبه بذریغه ماشین ها و سامان جدیدی آغاز به کار خواهد کرد.

شعبه بسته کاری :

در نظر است که در سال آینده (سنه ۱۳۱۶) دو صندوق طلب برای شعبه بسته کاری که جدید آزیراً مکتب صنایع نفیسه تاسیس میشود پذیر فته شده در تحت معلمی چهار نفر متخصص آلمانی که در سنه مذکور وارد میگردند، به تعلیم و اداشه خواهد شد. چنانچه برای این مأمول در سمت مشرفی مزار اعلیحضرت تیمورشاہ و قسمت شمالی ریاست بلدیه (باغ عمومی سابق) یک عمارت بزرگی جهت مکتب مذکور تهاب گذشته شده که انشا الله تعالی در سال آینده هم آن عمارت مکمل خواهد شد و هم طلاق مذکور ر تحت هدایت معلمین جرمنی آغاز به تعلیم خواهد نمود.

شعبه زرگری :

سنگیده شده است که در سال آینده یک شعبه زرگری هم برای تعلیم صنف ظروف سازی و ساختن اشیای لوکس (زینت) به سائز شعب مکتب مذکور ایزادرخواهد گردید. و با این فن زرگری در وطن عزیز ما بصورت عصری تغذیل وهم عمومیت لازمه را بیدا خواهد کرد.

اگر مطابق عزیز دقت فرمایند میتوانند درک نمایند که هر کدامی ازین شعب چون در اثر حوائج مملکتی بر روی کار آمده و میاید لهذا هر کدام آن در حیات ملی و امور مملکتی تاثیرات مهمی خواهد داشت.



از کار دوایی های سال ۱۳۱۰ وزارت معارف ، شعبه لینوا گراف (جاپ سنگ) مکتب صنایع (معلم المانی و

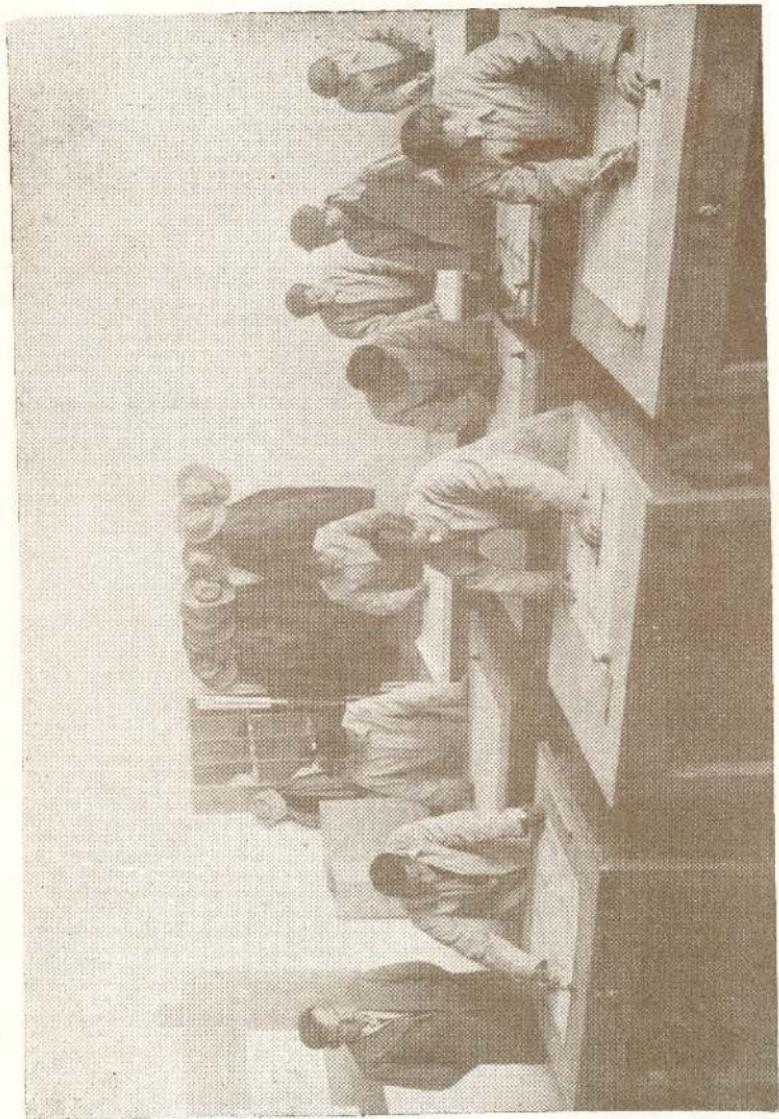
بکی از شاگردان مدوفت کارد)

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Le professeur allemand avec un des élèves de la classe
de lithographie.

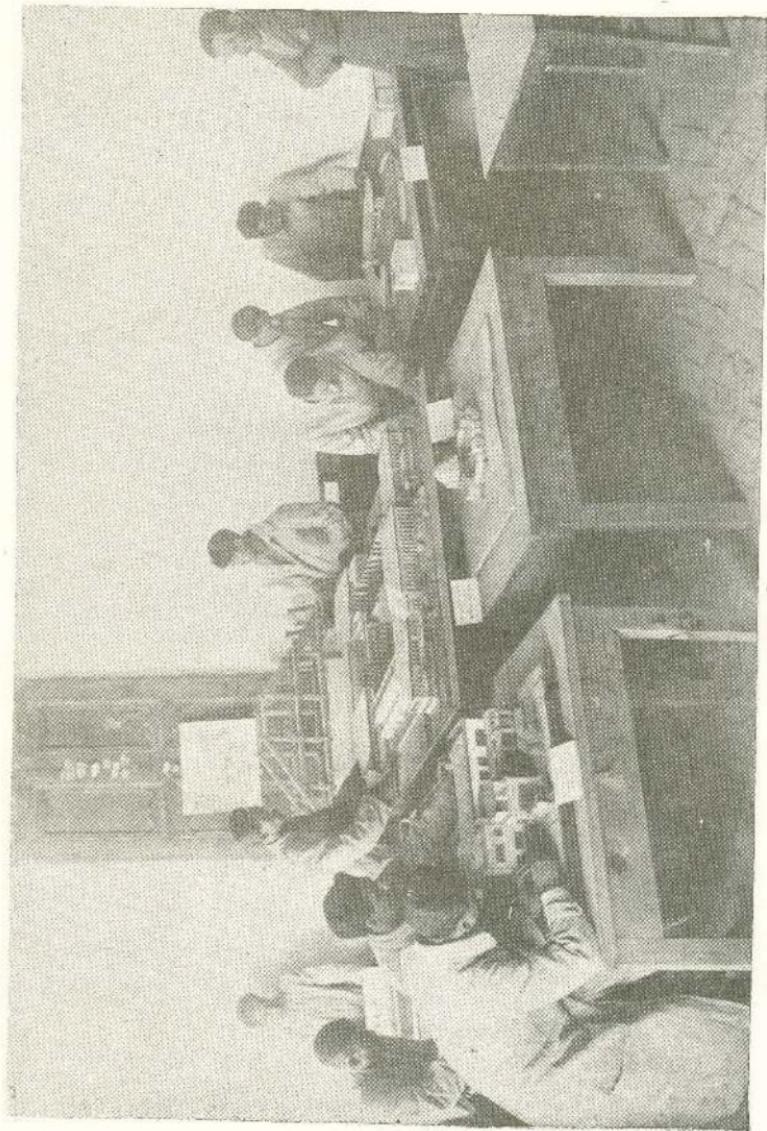


از کار روانی های وزارت معارف : شعبه جدیده االناسیون پیوگرافی (مشق بالای سنگه)

L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de littographie en plein travail



از کار در روانی های وزارت معارف ، صنعت مهندسی مکتب صنایع ندوت کار
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail



از کار روانی های وزارت معارف ، شعبه مهندسی مکتب صنایع در وقت ساختن نمونه های عمارت
L'Ecole des Arts et Métiers à Kaboul: Les élèves de la classe de l'architecture en plein travail

این بود خلص معلوماتیکه میتوان از مکتب صنایع نفیسه به عرض فارزین
و ساند، وچون این مکتب از یك طرف مورد توجه مخصوص ذات شاهانه میباشد
و از طرف دیگر در راس آن چنان عبد الغفور خان «برشنا» که یکی
از جوانان حساس و مطلع این خاک بوده اهلیت دار ترین فردی
برای این کار میباشند، جا دارند، مید است همچنان که از بد و تقریر
خود تطور محسوسی را در تمام شعب این مکتب بو هو در آورده اند،
در آئینه قربی مأمولی را که حکومت متبعه و او دلا حساس این وطن ازین
قیبل مؤسسات عمدی انتظار میبرند بسر آرند.



صنایع ظریفه هم مظہر و تجلی جمال طبیعت وهم معرف ذوق و مهارت افراد
نشر است.

« یکی از علمای معاصر »

بنام مسهم و معلومات طبقات الارضی حصص مختلف افغانستان

نقلم جناب محمد زمانخان متخصص،
و مدیر عمومی زراعت

مقاله که در ذیل این سطور درج میباشد، یک قسمت معلومات مفیدی را نسبت بزراعت و اوضاع طبقات الارضی حصص مختلف افغانستان در برداشت، این معلومات را نویسنده محترم در اثر گردش و معاینه شخصی خویش و پاره اطلاعات مو ثوق دیگر و از روی کتب معتبره فراهم نموده اند، تنها درین مقاله راجع با اوضاع زراعتی و طبقات الارضی ولايت کابل و ولايت مزار شریف و حکومت اعلای میمنه ذکری نیست که انشاء الله تعالی برای سال آینده نویسنده موصوف معلومات آن حصص را نیز گرد آورده، برای درج سالنامه ۱۳۱۶ حاضر خواهند فرمود. بنابران ذیلاً به ترتیب جغرافیائی حصص مشرقی و جنوبی و مغربی افغانستان را بی هم تذکار مینماییم. « انجمن »

چند کلمه بقسم مقدمه

در جهه تمدن و طرز معاشرت انسانها آنقدرها با استعداد و حاصلات
نباتات آن خلاقه مندی دارد که از داشتن انواع نباتات و خصوصیات
زراحتی یک مملکت میتوان به چگونگی ثروت و صنعت و تجارت آن مملکت
می برد . ساختمان طبقات اراضی یک مملکت نیز بالای نوع صنعت و مشاغل
ملت اثر دارد . مماییکه در آن از فیض و مساعدت آب و هوای معتدل و
بارانهای متواتر شرایط نموی نباتات گونه ای فراهم شده است فی الحقیقت
مالکی اند که در تهیه اسباب معیشت و وسایط ترقی ممکنه دست قدرت با
آنها کمک زیادی نموده است .

اگر نگاهی به ترقیات صنعت و تجارت موجوده دول متمدن نمائیم می بینیم
که کارخانه های بزرگ صنعتی و معاملات مهم تجارتی مخناج
بود او لبه کار که آنرا مواد خام نامند ، بوده ، تنها ایجاد
کارخانه های بزرگ برای یک مملکت کافی نیست ، بلکه مهم ترین همه مسائل
مسئله تهیه مواد خام است که پیشتر از همه جلب توجه رامیناید ، حال آنکه اکثر
مواد خام که اسر ور بتوسط آن فابریکه های دنیا بزرگ که ومحور تجارت عالم برآن
استوار است مدعای از انواع مواد حیوانی و نباتی بوده چون زندگی حیوان
ذیز بعیات نبات منوط است ، میتوان گفت که اساس ترقی موجوده تجارتی دنیا تهیه
مقادیر بزرگ مواد نباتی بوده ترقی امور زراعتی یک مملکت منتج برتری امور
صنعتی و تجارتی آن مملکت میگردد .

سالنامه « کابل »

وطن عن بیز ما افغانستان از جهت اینکه در منطقه متعدد است که ارض واقع بوده
وسایط نمای اکثر نباتات در آن مهبا است، از مالکی است که از نقطه نظر
زراعت خیلی مهم بوده مساعی که در توسعه امور فلاحتی درین خطه باک از
توجهات حکومت ترقی پرور ما بعمل می آید ذرا برع فلاخ و آرامی هموطنان مارا
تهیه خواهد نمود.

نباتاتیکه بحال طبیعی دریک منطقه دیده میشوند نباتاتی اند که از توسعه
زرع آن فوائد بزرگی به انسان رسیده زجات انسان به هدر نخواهد بود.
بالعکس آن قسم نباتاتیکه مصنوعاً از یک محیط دیگر داخل یک وطن کرده میشود
از لحاظ مخالفت آب و هواییین کلی نیست که از ترویج زرع و انتیاد مصنوعی آن
به محیط وطن نتیجه منتهی ازان گرفته شود.. دریک ناحیه زراعتی که آب و هوای
خصوصی دارد تنها آن نوع نباتات را در آن زرع باید نمود که بحال طبیعی
در آن ناحیه دیده میشوند . مثلاً آب و هوای قطعن و بد خشان برای زرع پنبه ،
کوکنار ، بادام و غله جات مستعد است از همه پیشتر باید دران نواح زراعت
اقسام نباتات فوق را ترقی بدھیم . لهذا برای دانستن خواص زراعتی یک
زمین و شرایط آب و هوای آن اول تراز همه باید دانست که نباتات طبیعی و مشهور
آن زمین کدام اند . درین نگارش بحث ما بالای این نکته مهم که (نباتات
مشهور افغانستان کدام است) بوده امید میرود که زجات ما منتج به استفاده
قارئین محترم گردیده بیحاصل نماند . ضمناً بعضی معلومات طبقات الارضی نیز
در مقاله هذا تحریر میشود .

۱ - حصص شمال شرقی افغانستان

توکیب کمیابی و خواص طبیعی و ساختمان طبقات الارضی یکچه زمین آنقدرها بالای تقریق و تعیین نباتات آن اثرا نداز است که بدون دانستن مسائل فوق استعداد و قابلیت زراعتی آن زمین را فهیدن مشکل است. یکی از عوامل مهمه حیات نباتات یک ناحیه شرایط آب و هوای آن ناحیه است که نوعیت و ماهیت نباتات آن را بدون دانستن آب و هوای نیز کسی فهمیده نمی نواند؛ لهذا بیشتر از تشریح اقسام نباتات لازم است راجع به اوضاع طبقات الارضی چیزی بنویسیم.

نواحی قطعن و بدخشان :

از نقطه نظر طبقات الارضی نواحی قطعن و بدخشان را مربوط به تشکلات دوره جدید (Néogéne) که متعلق بزمانه ثالث Tertiaire است دانسته در خصوص قابلیت و قوّه زراعتی اراضی حصص فوق چون هر کدام آن بحصه های متعدد و مختلف طبقات الارضی منقسم است، معلومات کافی که را در بر گیرد داده توانسته اینقدر ر گفته می توانیم که دوره نیوزن بد و حصه منقسم است: - (۱) میو سن Miocene و (۲) پلیو سن Pliocene . ساختمان طبقات الارضی بدخشان متعلق به طبقه هلو یسیان میوسن Helvétien de miocéne است لهذا عموماً اراضی بدخشان از (فلن Fluns) یعنی طبقه های آهکی Grés et Conglomérats تشکیل یافته که بعضی اوقات دانه های آن باهم چسبیده بصورت گوشه های نمک خصوصیت دارد چنانچه نمک زار بدخشان شاهد آن است. اراضی بدخشان برای زرعت

سالنامه « کابل »

نباتات تجارتی از قبیل گندم و کوکنار و لبلوبی فندی و اقسام دیگر غله جات خبلی مستعد است. از نقطه نظر طبقات الارضی اراضی قطعن با اراضی بدخشنان با بعضی استثنای آت محلی مشابه است و از عهد میوسن Miocene محسوب میشود. ترکیبات طبقات الارضی شهر خان آباد و اطراف آن نیز مانند بدخشنان از حیث خواص تحتالارضی بطبقة (هلویسان میوسن) متعلق ودارای دیگری‌ها آهکی و نمک زار است. رنگ نمک مذکور خاکی بوده ضخامت آن تقریباً بده متر میرسد.

از حیث زراعت در ولایت قطعن و بدخشنان دو قسم زراعت دیده میشود: یکی زراعت طبیعی که به آب باران بعمل آمده بواسطه رود بار آب یاری نمی شود و آن را زراعت للهی می گویند. و دیگری زراعت مصنوعی که آب یاری آن ذریعة انسان بعمل آمده بدون دادن آب رودبار امکان پذیر نیست که زراعت آبی نام دارد.

علاقه جات مربوطه قطعن :

در خان آباد حصة للهی کاری به نسبت آبی کاری زیاده تر است لا کن زراعت آبی کاری رو به ترقی است. للهی کاری بدخشنان عموماً بالای تپه ها بعمل می آید و آبی کاری آن در میدان ها می شود. در میدان های آبی گندم و جو و برنج لک و باریک و ماش و جواری و نیشکر و ینه و زغیر و حتا زرع می شود.

زراعت سبزیکاری نیز معمول است. لا کن شالی کاری زیاده تر است. در اراضی للهی: گندم، جو، نخود، کنجد، زغیر زراعت میشود. چیز یکم

نباتات مشهور افغانستان

مهم است فالایز للعی خربوزه و تربوز است : خربوزه للعی که بزمین های وسیع (ده ویران) زراعت میشود نسبت مقامات دیگر خوب تر و ناز کتر و شیرین ر میباشد. در نواحی خان آباد اراضی جنگلی که بالتدريج ذريعة اهالی به اراضی زراعی تبدیل شده مبرود زیاد است . لا کن محلاتیکه در آن جنگل های طبیعی و درختان قوی دیده می شود ، اميد است بتووجه حکومت ترقیخواه ما بتوصیع و ترقی آن پیشتر پرداخته آید . در خان آباد از قبیل فوا که توت و گللاس و زرد آلو و آلوچه کوک سلطانی و بهی و آلو بالو و سیب و ناک و عناب و سنجد یافت می شود. لا کن مقدار سیب و ناک اندک است . اميد است در غرس اشجار مذکور و تربیة آنها توجه پیشتر کرده شود .

برنج باریک خان آباد مشهور است . درین اواخر از فیض تو جه حکومت متبوءه مازراعت پنه و کوکنار در نواحی فطعن و بدخشان ترقی زیادی نموده است و بهزار ها خروار تخم پنه رایگان ذریعة باشک ملی باهالی تو زیع و زرع پنه عملى شده است .

در بغلان که برای زراعت لبلوی قندی از حيث داشتن آب و افر و حرارت کاف و میدان های زراعتی وسیع خیلی مساعد است لبلوی قندی جنس چکسلواکی و آلمانی بقسم تجربه زرع شده و نتیجه محصوله اطمینان بخش بوده است . مقدار قند در لبلوی مذکور هر ده و نیم فیصد بوده برای اینکه تعمیر فابریکه قند مفید ثابت شود خیلی اطمینان بخش معلوم می شود . نقشه (تکیو متر یک) بغلان نیز ذریعة وزارات تجارت گرفته شده شرائط موقعيت بغلان برای زراعت لبلوی قندی و تعمیر فابریکه قند سازی که حصه بزرگ احتياجات قند مملکت را رفع کرده میتواند خیلی مساعد است .

سالنامه «کابل»

در ده ویران و شوراب با اینکه ماش و شالی و جواری و دیگر انواع بنات بطور یکه لازم است میروید اما چنانچه بیشتر ذکر نمود یم مخصوصاً فالیز کاری و خربوههای آنجا از قبیل قندک و امیری و بخشی ییکی و تاش محمد کوسه وغیره شهرت تامی دارد.

اندراب:

ما بین دهات اندراب و سمندان سنگ‌های ساقی یعنی گرانیت Granites که سنگ خارا نیز نامیده می‌شود بقدار زیاد موجود است. درین گرانیت‌ها یمذکور سنگ‌های سلیت Shiste به ضخامت یک دسی متر تا چند متر مشاهده میشود.

به نزد یک سمندان سنگ سلیت و سلیت ابرک دار به استقامت جنوب و مغرب بقدار مهم بلاحظه رسیده است. در سنگ‌های سلیتی مذکور بقایای حیوانی دیده نمی‌شود. علاوه بر احجار فوق یاک گونه سنگ دیگر نیز دیده شده است که ریولت نام دارد و اجزایش کوارتر Quartz (لعل بدل) و آرتوز Orthose والیت Albite است. در اراضی اندراب کانلگو میرا Conglomerats یعنی ریگک و سنگ که بواسطه آهک با هم عجین شده زیاده است و اگر اجزای اراضی مذکور ریزه باشد زراعت اشجار منمر وغیره بنات نتیجه خوب میدهد.

ارتفاع محل اندراب (۵۶۰) فوت و حرارت تابستانش ۹۵ درجه فارن‌هایت است. خوست و فرنگی و خنجان ورباط نوبهار ورباط دشت شیر وتل میرغاز رباط‌های مشهور و جاهای صیفیه بشمار می‌رود، تل میر غازی بسیار سرد و

بالای آن حوض مصفا و در ختمهای بسیاری است . در فشلاق سراب اندراپ چشمۀ موجود است که از بدایع طبیعت و آتش جوشان است که نخم مرغ را در ظرف چهار دفقة می پزد .

در املاک آبی آن : گندم ، جو ، شالی ، برنج لک ، جواری ، باقلی ، ارزن ، مشنگ ، شاخل و شرشف زراعت می شود . در زمین های الی آن گندم الی و جو و نخود للی میکارند . لیکن املاک آبی اندراپ به نسبت الی آن پیشتر است . زراعت الی اندراپ مانند الی کاری خان آباد و نواح آن حاصل فراوان نمیدهد .

اندراپ سیب و نانک بسیار خوب و انگور و چهار مفر و زرد آلو و شفتالو و توت و خربوزه و تربوز وافر دارد ، آلوچه کوک سلطانی ، آلو بالو بمقدار کمتر موجود است . اهالی اندراپ اکثر از زراعت کسب معیشت می کنند ، هاوی اندراپ سالم و حتی به اندازه کابل تختین کرده می شود ، آب آن بسیار خوشگوار است . در مقامات بلند اندراپ بیاز و سیر کوهی و رو اش و شفاقل پسته و بادام نلخ و سمارق و قوزه فرنی و کدو گک که اهالی آنرا جوش داده و نمک زده مانند کچالو میخورند موجود است هنگ (انگو زه) که نباتیست طبی نیز بیدا میشود . بتنه هنگی ازده تاییست سانتیمتر از زمین بلند شده بر گهای طویل و برش دار دارد ، از دور بُوی بُنة مذکور محسوس میشود . اهالی بتنه مذکور را از حد ساقه قطع نموده بدور حصة مقطوع سنگها را میگذارند تا محفوظ مانده از حصة قطع شده لعابی می برآید نصواری رنگی که در این تماس هوا منجمد شده قابل جمع شدن را بیدا میکند . ماده نصواری رنگ مذکور هنگ است که بمقابل بسا اسرارض معدوی خصوصاً کرم معده و کرم

سالنامه «کابل»

بوده خیلی محب است، در اند راب و مر بو طات آن چمن های خوب و علف زار های مهم نیز موجود است که برای تربیه حیوانات اهلی مفید میباشد. شهرت اسب های اند راب نیز از همین حیث علف زار های و سیع کوهستانانش می باشد.

خوست و فرنگ:

خوست از چهار طرف محمد ود بکوهها بود خودش نسبتاً در زمین پست واقع شده است هوا یست چندان خوشگوار نیست در سردی سرد و در گرمی خوب گرم بوده ارتفاعش از سطح بحر (۵۴۰۰) فت میباشد لاکن چیزیکه مهم است این است که در اطراف و نواحش جنگلهای ارجه و دولانه و پیشال زیاد است. در فرنگ جنگلهای مذکور کمتر بمنظیر میباشد لیکن آب و هوای فرنگ نسبت بخوست خوبتر و مرغوب تر و ارتفاعش از سطح بحر (۵۸۵۰) فت است. در خوست و فرنگ زراعت للی موجود نبوده هر چه است آبی است. جو و گندم و شاخل و ارزن و شالی و برنج لک و رشته در آنجا زرع میشود. توت، گلاس، زرد آلو، شفتالو، انگور، سیب و چهار مغز بقدار زیاد و بهی بقدار کم موجود است.

غوری:

درجه حرارت غوری در تابستان (۹۹) فارنهایت (۱) و بلندی دهنۀ غوری (۲۵۰۰) فت است. اکثر اهالی غوری زراعت پیشه اند. سرتاسر غوری آبهای جاری دارد و در اراضی آن عموماً گندم و جو، ارزن، باقلی و مشنگ

(۱) مقیاس یامعلوم کننده درجه حرارت.

نباتات مشهور افغانستان

شاخل و پنیه و برنج باریک وغیره میروید از قسم میوه : انگور ، سیب ، توت ، ناک ، زردآلو ، شفتالو ، تربوز ، خربوزه یافت میشود، یسته و بزغنج و هنگ کنیز دارد که اهالی آن را جم نموده تجارت میکنند. آب و هوای غوری نهایت خوبشگوار ، اما هوايش در تابستان نهایت گرم است و یشه بسیاری دارد که مضرت که آن بدرجۀ است که خون اسپ ها را مکبده آنها را ضعیف و لاغر میسازد . بغلان از نقطۀ نظر ذرا عات و از اع نباتات با غوری مساوی است لا کن شالی کاری برنج باریک دران زیاده تر میباشد .

دوشی و کیله گی و تاله و بر فک :

ارتفاع تاله و بر فک از سطح بحر (۴۳۰) فت است. زراعت دوشی و کیله گی و بر فک بازراعت غوری مثا بهت دارد اما در دوشی برنج لک خوبتر میشود . قریب دوشی طبقات آهکی و تباشيری دیده میشود .

حضرت امام صاحب :

حرارت موسم تابستان این ناحیه ۱۰۴ درجه فارن های است . املاک للعی ـ کاری در ینجا معمول نبوده از جمله من رواعات آبی کاری جو ، گندم ، شالی ، جواری ، ماش و باجره ، زغر و روشه و نخود و کنجد و پنیه وغیره انواع تر کاری و فالیز تر بوزه و خربوزه است .

از اقسام فوا که مشهور ، توت ، زردالو ، شفتالوی بسیار و انگور ـند ک موجود است . به نزدیک در یای آمو به علاقه حضرت امام صاحب چنگل بزرگی است که تقریباً ۶۰ کیلو متر طول و از ۳ تا ۶ کیلو متر

سالنامه «کابل»

عرض دارد. در میان جنگل مذکور شکار آهو و گوزن و شیر و صرع دشتی و خر گوش و غیره ممکن است.

قند وز:

در موسم تابستان حرارت شهر قند وز و نواحی آن به ۱۰۳ درجه فارانهایت می‌رسد. مثل شهر یکه میگویند: گله می‌مرگواده فندوز برو» از حقیقت عاری است زیرا که قند وز از نقطه نظر مو قیمت و خوبی آب و هوا و قابلیت زرع اراضی خیلی جالب توجه است. قندوز کهن مدعای قلعه کهنه است که در جای بلندی واقع بوده، در سه طرف آن خندق‌ها و علاوه بر جهات کهنه و دروازه‌ها و پلا حصار به نظر می‌رسد. و نهر (کورتیه) مشهور بسیاه آب از بین قلعه و بالا حصار مذکور می‌گذرد و با آب خان آباد متصل شده بدریای کلان یکجا می‌شود. لکن فی الحال از توجهات حکومت ترقی بروور ما شهر جدیدی در قندوز تعمیر شده که دارای جاده‌های وسیع و دکان‌های جدید و عمارت‌های متعدد دی می‌باشد.

آینده عمرانات شهر جدید قندوز روبرویی است. اراضی قندوز برای زراعت هر گونه نباتات خوبی مستعد است. و املاک مذکور آبی است، زمین‌للی در قندوز پیدایش ندارد. در قندوز یک نهر از دریای خان آباد و دو نهر از دریای غوری آمده اراضی آن را آب میدهد، در قندوز موسوم باعی بیان چهل دختران موجود است که باع مذکور خیلی قدیم و متعلق به دولت بوده در وسط خود صفة وسیع دارد که وسعت آن ۳۰۰ متر بوده و ۵۰ متر ارتفاع آن است. از قسم غله جات گندم آبی وجو و چواری و برنج میکارند و حاصل فراوان می‌دارند. علاوه بران در زراعت نخود و کنجد و پنبه و بعضی ترکاوی‌ها نیز

نباتات مشهور افغانستان

مشا غلت مبورزند . زراعت پنجه در قندوز روبه ترقی است . اقسام میوه نیز در قندوز یافت میشود مثلاً انگور بسیار اعلی و سیب و نانک و انجیر و خربوزه و آلوچه کونک سلطان و توتوغیره . به لحاظ اینکه املاک آب و هوای قندوز برای زراعت بسیار قابلیت دارد ، زراعت این ناحیه نیز ترقی زیادی حاصل خواهد نمود . قندوز ، جنگلهای متعددی دارد یکی از جنگلهای آن شرقاً واقع بوده ۸ کیلومتر طول و ۸ کیلومتر عرض دارد . بطرف شمال قندوز دو جنگل دیگری است که یکی ۱۶ کیلومتر در ۳ کیلومتر است و دیگر آن ۱۵ کیلومتر در ۷ کیلومتر . در جنگلهای مذکور شیر و شغال و گرگ و مرغ دشتی و مرغابی و فاز و لگک لک و رو باه بکثرت وجود دارد . علاوه بر آن در جنگل سلان که تا رو د آمو امتداد یافته است گوزن هم دیده شده است . بلب دریا خان آباد در نواحی قندوز شکار سگ آبی نیز بعمل می آید . ماهیان بزرگ حتی بوزن دوازده سیبر (۸۰ کیلومتر) هم در دریا خان آباد شکار میشود . در کوه (فره ما تور) که بین قندوز و سلان واقع است ، جنگل پسته موجود است .

تا لقان :

موضعی است . وسیع و آب هوای آن متعدل است . باوجود یکه در ز مستان چند دفعه برف هم میارد لاکن به زودی آب شده از آن باقی نمیماند . آب های جاری و باع های متعدد و میوه های زیاد دارد . باع مشهورو وسیعی دارد که ۱ نوع اشجار در آن موجود و دارای حوض های مصنوعی است . به نزد یک تالقان در یاقوتی عبور میکشد .
زراعت نواحی تالقان دو نوع میباشد . یکی آبی و دیگری للهی .

در املاک آئی اکثر شالی کاری میشود، جو کمتر زرع میکنند، جواری و گندم و ماش میکارند. در اراضی للعی جو و گندم و زیر و ارز و فالبر خربوزه و تر بوز و پیبه و سنجید زرع میشود. لکن خربوزه تالقان بهتر و اعلی است.

در اطراف فرمی تالقان کسب نمودنی اهل دهقانی است. یکی از مردم طات تالقان موضع ناک آب است که بقرب آن یک چنگل از چه و بادام گلخ و زرشک و غیره موجود است. زراع گندم للعی و جو و زیر و فالبر کاری در آنجا رواج دارد. کلمگان: کلمگان این نام را بر این سایه ای که سایه هایی از چشمها بر روی سایه هایی از کلمگان میگردند میگیرند.

موضع دیگری است که از نواحی تالقان محسوب و ۴ کیلومتر دورتر از تالقان بحصة شمال واقع است، هوای کلمگان سرد و اطیف است و آبهای آن از چشم هاست. زراعت این موضع للعی است و جو گندم و زیر و فالبر کشت میشود. متأسفانه با وجود استعداد رمی و خوبی هوا غرس اشجار درین ناحیه بقدر کافی نشده است.

فرخار و ورسخ:

این دو موضوع علاقه داریهای سریوط حکومت تالقان است. درجه حرارت این دو مقام ۲۹ درجه فارنهایت است. فرخار آب و هوای خوب و بکابیل مشابه است دارد از تقاض آن از سطح پسر تقریباً ۴۴۵۰ فوت و بمقابلة ۴۰ کیلو متر از تالقان واقع است. کوهای فرخار دارای چنگلهای یسته و بادام تلخ و ارجه و ارغوان و بید و گز و زرشک است. شکار آهونیز در نواحی فرخار ممکن است. در حیث سبک وزرد آلو و گیلاس و شفتالو و ناک و انگور و چهار مغز و سنجید

نیات مشهور افغانستان

و آلوچه و بهی به تعداد کافی در فرخار موجود است: املائی فرخار آبی و لیتی است و مزروقات آن گندم و چووار زن و غیره و نخود و شاخن و شالی است.

ورسیج نیز آب و هوای مرغوب دارد و میوه های خوب در آن جاییداً میشود. در نواحی ورسیج درجه موسم به درجه (طرشت) موجود است، از طرف مغرب درجه مذکور آبی می آید که آبشر مرتفع و از رگی را تشکیل میدهد که برای فابریکه برق اهیت زیادی دارد.

کوههای ورسیج دارای جنگلهای ایست که در آنها درجه سرخ و بخمن و بمقام درجه گتو و بیبا سفیدارهای کلنان و قوی تر از چنان بسیار است و می خواهد در این سه ما در حوضهای ورسیج شکیار می شود. یک گونه لاله سفید هم در ورسیج موجود است که اهالی پنج آنرا که مشابه به پیاز است جوش میدهند و بعد ازان آنرا پوسته کرده میکوبند تا که بر نگاه نشانسته قوام گیرند. ماده نشانسته رنگ مذکور را بعد ازان در شیر جوش میدهند، یک خوردگی شیرین و خوش مزه ازان مانند شیر برنج و عسل بعمل می آید. علاوه بر آن کرفت و سمارق قرنی نیز در ورسیج بیدا میشود. اهالی ورسیج اکثر بدھانی مشغول اند. لیکن کاری شان کم وزدراحت آبی شان زیاد است. چو و گندم و ناقلی و مشتگ میگارند. فوا که درینجا به تسبیت فرخار کتر است.

نیز: در موسوم نایستان حرارت نهرین ۹۸ درجه است. موقعیت و آب و هوای مرغوبی را داراست، جنگلهای ایسته نیز زیاد دارد لاین باadam در جنگلهای مذکور

سالنامه « کتاببل »

اندک است ، اراضی اکثر للعی و یکمقدار کم آن آبی است . دره خواجه هجران یکمده رشگی است که مسافت ۱۰ کیلومتر دورتر از نهرین و قوع داشته دارای یک معدن زوغال سنگ است ، زمین های خواجه هجران با اعموم للعی و کمی از آن آبی است .

چا و اشکمش :

اراضی وسیع و چمن های بسیار و علف زارهای خوبی در جال و اشکمش موجود است ، چنگلهای ارچه و دولاته و بادام کوهی و پسته زیاد نیز دارد ، اراضی مذکور زیاده تر للعی است و کمی آبی . در اراضی مذکور گندم و جو و زیر ، نخود و شالی و پنبه و جواری میگارند . از قبل میوه ها : توت ، زرد آلو ، انگور و سبب یافت می شود ، شفتالو و خربوزه و تربوز نیز موجود است .

علاوه جات صربو طه بدخشان :

بدخشان یکی از علاوه جات مشهور افغانستان است که بسمت شمال مشرفی واقع بوده دریای پنج که دریای آمویه نیز نام دارد ، بجوار آن جریان دارد . در بدخشان اقسام پیدا وار مهمن گندم و جو و نخود و باقی و کوکنار و زیر و کلول و مشنگ و ارزن بعمل میآید . حصة اراضی للعی کاری زیاد است و در بعضی مواضع اراضی آبی نیز دیده میشود ، اما امتیاز مهم اراضی بدخشان این است که در زمین های للعی آن تقریباً هر گونه بناهات ذراعت شده میتوانند و هر رقم غله و هر قسم میوه خصوصاً در جرم و بهارک و زردیو و اشکمش و شفناک موجود است ، در بهارک و رستاق سیب آن شهرت زیادی دارد .

نباتات مشهور افغانستان

از جیش آب و هوا ، بدخشنان دارای جمیع شرایط مطلوبه بوده هوایش سالم و آبشن خوشگوار است . بنابران درین منطقه امر ارض کثیر دیده میشود ، و مواشی از هر نوع مثل بر ، و گوسنده و اسپ و غیره تربیه می شود ، گو سفند رفم (کدک) در بدخشنان مشهور و به نسبت قطفن زیاد تر است .
بدخشنان دارای کوهستان های زیاد است خصوصاً در اطراف شمالی و جنوبی خود ، لهذا مواضع برف گبر و سرد بسیار دارد .

از قسم معدنیات ، بدخشنان شهرت زیادی دارد . معدن لعل و لاجورد وجودن و سرب و گو گرد در آنجا موجود میباشد .

در محال راغ و یقتل و در واژ زیره که پیدا وار خبلی باقیمت است وجود دارد ، و در نواحی رستاق و در واژ عموماً پسته و بزغنج زیاده تر است . در بدخشنان خصوصاً در علافة در واژ گرگ و روباه و سیاه گوش و خفک زیاد موجود بوده پوست آن از جمله اشیای تجارتی باقیمت بشمار میرود ، کلک و چرده در تعامی مر بوطات بدخشنان خصوصاً در حدود کشم و درانم بسیار شکار میشود . در حصص هموار چرم افستین و در حصص بلند آن شقاول مقدار زیاد موجود است ، نباتات مذکور در طب اهیت زیادی دارد .

بنفسه و سمارق در جمیع نقاط بدخشنان دیده میشود . زرشک و فره قات نیز در ملحقات بدخشنان خصوصاً در زرد دیو زیاده تر موجود است . میله که برای امر ارض چشم خبلی مفید است در یامیرات و بروغیل و زرد دیو و شفنان و یوشیزه وافر است . و گاه ریوند هم به نظر میرسد .

در تمام نقاط بدخشنان گیاه (گور) نیز موجود است که برای معالجات طبی خلیلی مهد ثابت میشود . چیزیکه مهم است این است که در بدخشنان و نواحی

آن اراضی قابل اصلاح که بعد از مصرف و توجه لازمه قابلیت زراعت را پیدا کنند زیاد است و مادر اینجا مشهورترین مواضع آن را تحریر می‌دانیم، آن دارموصع بهارگ چائیست که مشهور بدهشت آفران بوده تقریباً ۱۰ کیلومتر طول و ۷ کیلو عرض دارد، و آوردن آب از دریاچه (وردوچ) برای خروج ساخت اراضی مذکور امکان پذیر می‌باشد،

- ۲: در مقام جرم یک دشت به نوهد یا شاه ناصر مشهور بدهشت (نیوچ) معروف است که اراضی هموار و منغوب دارد و از رود (یزغش) بر آن آوردن آب ممکن است، در تحت آب مذکور اگر آورده شود تقریباً ۱۰ هزار جزوی ب زمین آباد و قابل اثواب می‌شود.
- ۳: در اشکاشم زیانک نیز دشتی است که آب هم دارد اما قدیمی توجه لازم است که جوش و سبع تر و آش زیاده تو شود.
- ۴: در مشهد کشم دشتی فراخی است که آب و افر هم دارد و در تحت آنها یعنی مذکور گنجایش آبادی زیاد است.

حصه طبقات الارضی بدخشان متعلق به عصر نیوزن و سطی است *Néogène moyen* که بطور صریح تر بنام دوره (بلیوسن Pliocene) می‌شود. چنانچه طبقات امک بدخشان این نظریه را بنا بر میرساند در بعضی چاهها اراضی دشتی و دیگری که در آن سنگریزمهای زیاد موجود است دیده می‌شود که مخصوصاً چینیوشن علیا *Néogène supérieur* است که بطور صریح تر بنام میوسن Miocene می‌شود و در آن کثیر جاهای اراضی از آهک رسکی (یعنی رسک و آهک بلهم عجیب) ساخته شده است.

نباتات مشهور افغانستان

اینچندین اراضی متعلق به نیوژن و سطی یعنی پلیوسن میباشد.
 اراضی نیوژن یا جدید با شرط بودن آب بجهله اراضی
 حاصل خیزو قابل الزراعت محسوب است. چنانچه اراضی بد خشک و ملحقات آن
 اهن نکته نداریشند. فیض آباد است اکثر از این مساحت در این اراضی
 مرگز بد خشکان فیض آباد است اکثر از این مساحت از تراوی
 تابستان آن، به ۱۰ درجه فارن هایت بوده زراعت فیض آباد تمامی کاری است
 اما فوا که واشجار هم دارد.

ناحیه (ارگو) که ۵۹۳۰ فوت بلندی دارد و هواش به نسبت فضی باد سرد
 تراست، اراضی بسیار حاصلخیز دارد. اکثر لمی کاری دران مروج است.
 گندم لمی را اکثر در میزان و گتر در محل ثور و جوزا میباشد و تکه و زعفران
 و فالیز تو بوز و خر بوزه را نیز طور لبی میگارند، و حاصل آنرا در ماه سپتمبر
 و میزان میر دارند. در ارگو فوا که اکثر است، هوای ارگو سرد
 ویر گیر میباشد.

دره یقتل که از سر بو علات فیض آباد است، املاک لمی که دران گندم
 و جوز را غیر میگردند افزاید و زیر اعut آبی کمتر از ۱۰۰ متر است. فیض آباد هر
 چخصوص غله از نواحی یافتن و ارگو و درائی است. کشم و درائی
 کشم و درائی و تشگان:

ناحیه کشم از موقع کله گان بفاصله ۶۳ کیلو متر بسمت شرقی واقع است
 و ۲۸۰۰ فوت ارتفاع دارد و هوای خوب و سالم و فوا که می گویی را داراست.

سالنامه « کابل »

توت و زرد آلوی آن از همه جا بهتر است، زراعت جو و گندم و زیر
و غیره نیز مروج است.

موقع مشهد بمسافة ۱۲ کیلومتر از کشم دور تر واقع است و در از منه
سابق اراضی مزروعه و حاصلخیزی را دارا بوده است. کنون بواسطهٔ اعتمادی
اهالی به جبه زارها و چمن زارها و جنگلها تبدیل شده است. امید که از توجه
حکومت بزودی اصلاح و دوباره باراضی مزروعی تبدیل داده شود.

ناحیهٔ تشگان:

در میان درهٔ واقع است که در آن دریا جریان دارد و دو طرف درهٔ
مذکور درخت‌ها و آبادی دیده می‌شود. هواپیش برای زراعت مناسب است اما
اراضی که در آن کشت و کار شود بمقدار کافی موجود نیست، در ائم ناحیهٔ دیگری
است که نسبتاً زمین‌های مزروعی خوب تری دارد. لآن اکثریهٔ آن بصورت
جهه زارهای بوده هوای خوب ندارد، در جبال در ائم بیازو سیر کوهی هم موجود
است. زراعت در ائم به نسبت زراعت تشگان مهم تر و زیاده تراست،
در تشگان و در ائم و کشم علاوه بر گندم و جو و فالیز کاری
و شالی کاری و زراعت پنبه و نغود و ملش و شرشفت و شلفم نیز مروج است
توت و گیلاس و زردآلو و آلوچه و آلو بالو و آلو بخارا و سیب و ناک و
انار و بهی و انگور و خر بو زه و آر بو ز نیز در محلات مذکور پیدا شد
دارد و فوا که مذکور به فیض آباد بردہ می‌شود.

ناحیهٔ راغ:

در راغ املاک لئی زیاده و املاک آبی کمتر و اراضی مذکور حاصل
خیز است، جو و زیر و ارزن و کنجد بصورت لئی ذرع می‌شود. از جمله

نیاقات مشهور افغانستان

ترکار یهای شلغم و ترب نیز دارد . در قشلاق یا وان که سر بوط به راغ است و آب از دریا بزمین های شان میرسد ، توت ، زردآ لو ، شفتالو ، خر بوزه ، تر بوز نیز یافت میشود ، و در قشلاقهای دیگر که زراعت شان لملی است فوا که فیست ، لاکن درخت های بید و عمر دارد .

مال داری و تریه حیوانات نیز در راغ سروج است و از شبر آن رونگ ، قروت کشیده تجارت آن را به فیض آباد می کنند .

علاوه جرم :

علاوه جرم بفاصله ۴۸ کیلو متر از فیض آباد دور و بجنوب آن واقع است و از تقاضش ۵۶۰۰ فت است . اراضی وافر و هوای سر غوب و آب و هوای سرد دارد ، زراعت اهالی جرم اکثر گندم و کو کنار وزغ است . در بین جرم در یای کو کچه که اهالی در آن زر شونی می کنند ، روان است . اشجار و باغت کشیده در جرم دیده می شود . فوا که لذتی دارد . مثلاً توت و زردالو و سیب و ناک و شفتالو و گیلاس و آلو بالو و چهار مغز و آلوچه و شاه توت و غیره میوه هادر آن بسیار است . انگور و خربوزه و تر بوز آن کثیر است و اراضی آن خبلی حاصل خیز میباشد . ناحیه جرم آ بشمارهای زیاد دارد .

یکی از علاوه جات ملحقة جرم دره خاش است که تقریباً بفاصله ۲۴ کیلو متر از جرم دور تر بالای کوهی واقع بوده ۷۱۰ فت از تقاض و آب و هوای سردی را دارد . اشجار مبوه دارد ندارد و تنها درخت بید و سفید از در آنجا موجود است . زراعت شان گندم و جو است وللمی کاری به نسبت زراعت

سالنامه «کابل»

آبی زیاده تر بوده مرا غزارها و چونها و چرا گاهای خوبی را مالک است. زراعت کوکنار نیز رواج دارد. درستگاب وردوج که یکی از ملحقات جرم محسوب است بیو و گندم و باقلی و ارزن و مشنگ و کلول در برج حمل و هور زرع می شود.

بهارک و دره زردیو : بهارک باارتفاع ۵۰۰۰ فت و آب و هوای خوش واقع است. دریای زردیو در عرض راهش دیده می شود و علاوه بر آن برای مذکور یک جنگل ژرشلک و سیاه خار و دیگر درختان جنگلی نیز موجود است. در جنگل مذکور خوک نیز دیده می شود. علاقه زردیو شمالاً و جنوباً واقع بوده آبریزه اش از سرغلان و با غرده می آید. در بهارک و زردیو توت و زرد آلو و شفتالو و آلو بالو و بهی و سیب و انگور و ناک بسیار خوب بیدا می شود. توت و گیلاس آن در آخر ماه یوزا پخته می شود، در سرغلان تنها چهار مفرخ حاصل می دهد و دیگر فوا که ندارد، و ممکن که دیگر فوا که نیز در آخر در صورتیکه غرس اشجار آن شود بخاصل برسد.

گندم وجو و شالی در بهارک کمتر می شود، اما زراعت کوکنار زیاده تر است و در سرغلان بنابر سردی هوا زراعت کوکنار ممکن نیست لآن کن گندم وجو و ارزن و باقلی پشتز است.

زیباک : ارتفاع زیباک ۹۲۵۰ فت است. از زیباک تا اشکاشم ۳۶ کیلومتر مسافة

نباتات مشهور افغانستان

است. پیشوای سردی هوا و باد های مختلف ۱ کشتر میزد و عاتی این علاوه تلف می شود. فواکه در آنجا پیدا نمی شود و تنها درخت یید و عمر عمر و سیاه خار یافت می شود.

اشکاشم :

این علاقه ۹۴۰۰ فت ارتفاع دارد و ۲۰ کیلومتر از زیبالت دور است. در اشکاشم یکدشت کلان بزرگ فشلاق ترمت قابل آبادی است در اشکاشم گندم و جو و زینه و زعفران میکارند. واخان :

هوای واخان سرد است و برف و باد بسیار دارد. به ایام توز و جوزا اهالی آن مشنگ و گندم و جو و باقلی و کلولون میکارند و در آخرین ماه سنبله و میزان حاصل می بودارند. ۱ کشتر چون بارندگی زیاد باسردی شدید صادر گردد حاصلات اراضی اکثر تلف می شود.

پامیر، حوزه :

شرقی و غربی افتاده علف زارها و چراگاهای بسیار درین حصه موجود است. لیکن کشت و زراعت و درخت مطلقاً دیده نمی شود چون برف و سرمه زیاد دارد امکان ندارد که درخت به پخته کی برسد و همچنین زراعت غله جات لامکن است. مقام شور خورد اولین منزل پامیر است. ۲۶۵۰ افت ارتفاع و بود پاری دارد که بدین طرفة آن درخت های طوس و یید چلب توجه را مینمایند.

سالنامه « کابل »

لنگر ، منزل دومین آن است که ۲۵ کیلو متر از شور خورد دور تر واقع و ۱۲۹۲۰ فت ارتفاع و مو قعیت وسیع و چمن های بسیار را مالک است . بعد از لنگر محل (برای گنبد) است که در آن هفت گنبد دیده میشود . اراضی وسیع و چمن های کلان دارد .

اند میین :

منزل چهارم پا میر است که ۱۳۸۰۰ فت ارتفاع دارد و بنا صله ۴۵ بیلومتر از گنبد دورتر است خود اندهیان بیک مقام وسیع در یکدشت و سیع و چمن های زیاد واقع است .

پا میر کلان :

پا میر کلان نیز مانند پا میر خورد مدعای ایک دره وسیع است که دارای علف زارها و چرا گاهای زیاد بوده درخت ندارد .

شقنان :

از سر بو طات حکومت واخان و پا میرات است . آبادی شقنان بدامنه کوه واقع و زمینداری و زراعت شان اندک بوده فوا که در آنجا موجود است ، توت ، زرد آلو ، سیب ، ناک ، شفتالو و چهار مفرغ است ، گندم جو ، ارزن ، باقلی ، مشنگ و کول در ثور و جوزا زرع و در سنبله و میزان درو میشود . در شقنان علف را بصورت عجیبی حفاظت میکنند : علف را بالای بامها به طرز درستی چیده همان طور میگذارند تا موسم سرما بالای آن برف بیارد ، همان حصة بامرا که علف بر آن است از طرف زیر سوراخ نموده علف را ذریعه سوراخ مذکور برای حیوانات خود میکشند باین قسم علف تقریباً تازه میماند .

نماتات مشهور افغانستان

لو سخ :

ناجیه است مر بوط به شغنان و ۸۵۰ فت بلند و ۲۴ کیلومتر دور از شغنان است. اراضی وسیع و غله خبزی را دارا میباشد.

انداج :

محل دیگری است که ارتفاع آن ۸۶۰ فت است و مساقش از لرسخ در حدود ۳۰ کیلو متر است و علف زارها و درختهای سیاه خار و زرشک و یخمن و بید بسیار دارد.

در واژ :

زراعت مردم درواز اکثریه گندم و جو و ارزن و باقلی و منگنه است و در بعضی جاها پنبه نیز زرع میشود. توت و گیلاس و آلو بالو و ناث و انگور و انجیر و بهی نیز بکثرت بعلاحظه میرسد.

رستاق :

رستاق ۴۷۷۰ فت ارتفاع دارد و حرارت تابستانش ۹۵ درجه فارنهایت است. در رستاق گندم، جو، زغر، پنبه، خربوزه و تربوز بطور للعی کشت میشود. هر قدر که در زمستان برف و در حل باران زیاده شود زراعت رستاق خوبتر میباشد. توت و زرد آلو و گیلاس و آلوچه و آلو بالو و سیب و ناک و انگور و بهی و خربوزه خوب و تربوز و افر دارد.

چاه آب :

بدون فضلاق تختنی در چاه آب فضماً آب جاری موجود نیست و زراعت

مردم للمی است و آب خوراکه شان از جاه است. گندم، چو، پنبه،
ذغیر و نخود زراعت میکنند.

بنگی قلعه :

املاک و سیع و چنگل زار دارد، شالی کاری و زراعت گندم و چو
و ذغیر و جواری در آنجا مروج است، و قالین کاری نیز میشود. از
حیث معلومات طبقات الارضی چیز یکه راجح به ذو احی خشان بیشتر تخریز
داشته ایم بالای تمامی علاوه جایی که فو فا به نزد کار خصوصیات زراعتی
و اقسام نباتات آن پر داختیم، قابل تطبیق است.

حصص منشر قی افغانستان

به نسبت کمی ارتفاع (۶۰۰) متر و فربود بودن به هند که اریمالک حاره
میباشد آب و هوای جلال آباد گرم است، اکثر نباتات مناطق گرمسیر در آنجا
یافت میشود که مشهور ترین آن قرار ذیل است:

۱، نارنج: نارنج چلال آبادترش است بنابران مصرف کم دارد، لیکن در دیگر
همالک اقسام شیرین آن که خیلی لذیذ است موجود میباشد. ممکن است تخم
انواع شیرین را بخلاف آباد بکاریم و با نارنج های ترش را از نوع شیرین
بیوند کنیم و یا نهال های نارنج شیرین را بخواهیم. از آب فارنج ترش پاک قسم
تیزاب Acide oxalique (ایسید او گران لیک) میتوان کشید که بعد از
متبلور شود آن را بقیمت بلند بخارج میتوان بفروش رسانید. بوست نارنج ترش

وطنی ما یکقدار زیاد عطر دارد که ماده دهنی است که بفرانسوی (اسانس) میگویند و در میان سلول های یوست نازیج بوده در اثر فشار بیرون می جهد و در خارج از آن عطر و بعضی مواد دیگر میگشند.

درخت لیمو؛ در جلال آباد دو قسم لیمو دیده می شود که هر کدام آن خورد بوده شکل مندو و یوست نازک و بوی خیلی تیز دارد ، تحفظ آن تا دیر مدت امکان پذیر است و فوائد طبی خوبی زیاد و تجارت آن در خارج اهتمت بسیاری را داراست درختان این نوع در جلال آباد کم است و امید میروند که در آینده در از دیگر بباتات مفید جلال آباد توجه حسوسی بکار برده شود . قسم دوم لیمو فی الحقیقت (سیترون) نام دارد و رنگی زرد دلکش و اکثر شکل خروطی و بر سطح یوست خود داهای بر جسته معدد دارد . یوست این نوع چندان بوی تیز ندارد ، کلکت آست ولیموی مذکور خواص طبی نوع اول را دارا نیست .

درخت خرما؛ این درخت خرما را درخت حزارت زیاد و همچنان آب بکار دارد . از آن تا ۲۰ متر از تقاض و برگ های طویل شانه مانند دارد . اگر بواسطه داه بخواهند که درخت مذکور را حاصل نمایند بعد از ذه سال حاصل خواهد داد .

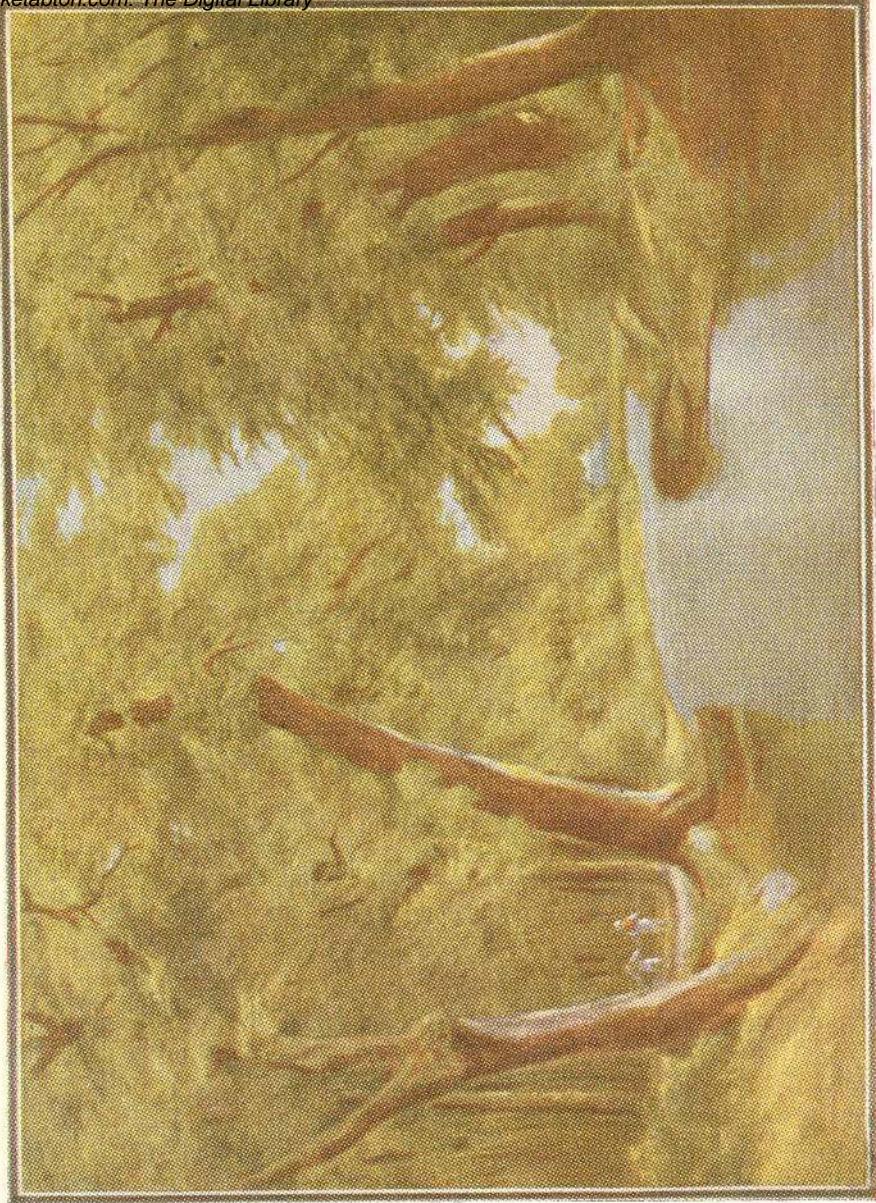
درخت خرما دو جنس دارد یعنی جنس نر آن علیحده و جنس ماده آن علیحده است . بسا اوقات جنس ماده و بسا جنس نر آن به تعداد چند درخت در کدام ناحیه موجود بوده ، دائم الاوقات لا حاصل مانده است که مردم سبب آن را نداشتند ، بنابران بالای درختان ماده اکثر آلات تند بکر درخت نر را جدا نموده می آورند ، تاده های زرد منی نباتی مذکور باعث بار آوری درختان

سالنامه « کابل »

ماده گردد . نوده های بیخ جوش خرما بعد از چهار سال سر حاصل می آید
درخت خرما از ۶۰ تا ۹۰ سال قابلیت حاصل دادن را دارد .

در یکجرب زمین از ۴۰ تا ۵۰ اصله درخت غرس شده می تواند و فی
درخت ۵ سیر حاصل میدهد . باین حسات فیسال از یکجرب ۲۰۰ سیر خرما
که قیمت آن تقریباً ۳۰۰۰ افغانی شود حاصل می توان کرد ، هیچ یکدم درخت
مشر همچه حاصلی داده نمی تواند ، جمع اوسط حرارت روزانه که برای درخت
خرما لازمی است از جوزا تاقریب بیست و پنجهزار سانتی گرید میباشد . در جلا آباد
و در باغهای دولتی بطور متفرق یک یک درخت آن دیده می شود که اکثر آن
میوه نمی دهد ، یعنی میوه اش بدراجه اخیر پخته گی نمیرسد . بنابران درختان
مونث غرس شود و نیز چون در راه رطوبت هوا در میان باغات زیاد بوده روشنی
و حرارت کافی برای درختان خرمای جلال آباد نمیرسد ، لهذا باید که آنها
را در خارج شهر در میانها وسیع پر حرارت و پر روشنی غرس نمایند . در یکی
از باغات جلا آباد ملاحظه نمودم که میوه ها را پیشتر از پخته شدن در میان
خریطه های بور یا نی داخل میکنند و سرخریط ها را میدوزند . باینصورت
درجه حرارت زیاد شده خرما پخته میشود .

۴ - درخت زیتون : درخت زیتون نیز حرارت زیاد و رطوبت کم
لازم دارد ; در هر جا که تاک و انگیر نتجه خوب میدهد و اگر زمستان
آن سردی زیاد ندارد ، درخت زیتون حیات کرده میتواند . در یکی از باغات
دولتی جلال آباد یک یا یه فوی و سالم درخت زیتون پذیر ایست ، میوه آن
میسازد که زراعت درخت زیتون در مشرفی امکان پذیر است ، میوه آن
به سنجید مشابه ورنگ سبزدارد ، و چون فشارش دهنده ازان تبل زیتون



از مناظر کابل، اثر خانم بکی از محصلین شعبه رسمی مکتب صنایع
Paysage de Kaboul; Peint par une des étudiants de l'Ecole des Beaux Arts.

نباتات مشهور افغانستان

می بر آید که خیلی خوش طعم و گوار است و هاضم غذا و مشتهی و یک اندازه مسهل نیز میباشد . وزن خسته مبوه (۱۰۰ / ۲۵) است و وزن حصة نرم آن به ۱۰۰ / ۷۵ میر سد . در جلال آباد و قندھار و تکاب و بعضی حصص سمت جنوبی از زراعت درخت زیتون نتایج بسیار خوبی بدست خواهد آمد . ارتفاع لازمه اراضی زیتون از ۸۰۰ و ۸۰۰ متر تجاوز نمیکند . ا نوع آن زیاد است چنانچه در فرانسه زیاده از صد قسم آن وجود دارد .

زمین های گرم و آفتابی را زیاده تر دوست دارد . از نقطه نظر طبقات الارضی اراضی صوانی و زمین های آهکی را یکسان می پسندند تنها زمین های رسنی و مرطوب را دوست ندارد .

علاوه بر اشجار فوق درخت ستره ، منه ، مالته ، چکوتره و نهال نیشکر وغیره موجود است . در زراعت نیشکر باید کوش زیاد شود زیرا نیشکر جلال آباد که از آن شکر کشیده میشود اگر یک کار خانه قند سازی در جلال آباد نصب شود قند و شکر اعلی ازان بدست خواهد آمد . چنانچه نصب کار خانه مذکور از طرف حکومت مقبوعه ما زیر نظر است .
از جمله نباتات زینتی و خوشبو اقسام ذیل دیده میشود :

- ۱ - علاسکی : - نباتیست که برگهایش با برگ که بید مثابه دارد و برای کناره های جویها و حفاظت باغات خیلی مفید است .
- ۲ - درخت بیبل : - درختی است که تن بزرگ و سرخ رنگ دارد و برگهایش با پانچه مشابه است .

سالنامه «کابل»

- ۳ - درخت پنهان : - که از میوه های درازخنروطی شکل آن ماده پنهانند
که از آن در امور نساجی کار گرفته میشود، حاصل میشود.
- ۴ - درخت هزار ریشه : - از بالای درخت متذکر ریشه های متعدد د
 جدا می شود که مانند طناب ها بطرف زمین آوینخه میباشد.
- ۵ - درخت گل بید : - بر گهایش باید مشابهت دارد و گل های سرخ
گلاب مانند می کنند.
- ۶ - درخت بلوط آستریا : - بر گهای خبلی خوش ساخت و مو زون
دارد. میوه اش بصورت فرصنای پهن و مدور بنظر میخورد، گلهایش برای
قوه باه مدد می کنند.
- ۷ - درخت کیکر - درختی است زینتی که گلهای مجرعنی زرد و
گلوله دارد، بر گهایش با بر گهای اکاسی مشابه است.
- ۸ - درخت مرچ : - بر گهایش مرکب است و شکل شانه را دارد.
میوه هایش بصورت خوش های تسبیح مانند دیده می شود.
- ۹ - درخت کج نیمال : - درختی است زینتی و درخت ارغوان مشابه
دارد. بعضاً میوه اش را پخته میخورند و در طبع نیز از آن کار میگیرند.
- ۱۰ - درخت سری : - بر گهایش با بر گهای درخت اکاسی مشابه
دارد و گلهای خوش رنگ آبی نمای نرم داشته برای زینت
باغات مرسوج است.
- ۱۱ - درخت جو گلنده : - بر گهایش مرکب بو ده دو دفعه مقطوع
است و خبلی خوشنما میباشد، میوه اش بصورت فرصنای مدور بنظر می آید.

نباتات مشهور افغانستان

۱۲ - درخت مجنون بید : - شاخچه های آویزان و میوه خوشتهی و نسیع
مانند و مقبول دارد .

۱۳ درخت ناجو : - فسمی است از صنوبر برای زینت با غها خیلی خوب
است . دائم سبز بوده ا کثر اقسام آن را بصورت چوب و هیزم می سوزانند .

۱۴ - درخت جامنو : - دارای میوه های مخصوص انگور مانند است .

۱۵ - درخت ایلتسیس (او کلیتو س) : - درختی است خیلی قوی
و بلند و عمر دراز دارد . برگهای آن با برگهای درخت بید مشابه است
لا کن به نسبت برگ بید طویل تر بوده ا کثر بصورت قوس خمیدگی دارد .
برای خشک ساختن اراضی مرطوب و خندقی خیلی مهم است ، در برگها پیش
بلک خوشبوئی بسیار خوب موجود است که ازان عطر هم درست میکنند .
برگهای ایلتسیس برای دفع ریزش و ضيق النفس خیلی مفید است .

۱۶ - مور پانگک : - که مانند صنوبر دائم سبز است و میوه های مدور
سخت دارد و برای زینت با غها بکار میروند .

۱۷ - درخت گندیری : - که با درخت بید مشابه است دارد و دارای
گلهای خیلی فشنگ و برگ کلفت است .

۱۸ - بر بعله : - این درخت بدبو ارهاو درخت ها بالا میشود و مانند ارغوان
گلهای سرخ دارد .

۱۹ - درخت یام : - بادرخت خرماء مشابه است لا کن قدش پست تو برای
زینت در باغها و گلدها نهایی بزرگ تریه میشود .
علاوه بر بنات مناطق گرسیز که در فوق ذکر شد ، در حصص مشرقی افغانستان

سالنامه «کابل»

اکثر بنا تات مناطق معتمده از قبیل گندم وجو و جواری وارزن و باقی و مشنگنه وغیره و از قسم میوه جات توت و آلوچه و زرد آلو و انگور و امثال آن نیز بعمل میآید، انگور جلال آباد از سبب زنبور خیلی صدمه میبیند، اصول تریت انگور چنان است که تا کهارا برداخت های نوتوت بالا میکنند. تا کستانها پیشتر در دلاعه ریگ شاهزاد خان که نزدیک جلال آباد است وجود دارد. لیکن در مزروعات سمت مشرقی آنچه از همه مهمتر میباشد، برنج است که در حصص جلال آباد و بهسود و لنجان و کنرا وغیره بقدار کثیری کشت میشود و حاصل آن در کابل و باقی حصص افغانستان ارسال میگردد؛ برنج باریک جلال آباد از جمله برنج های خوب تمام دنیا بشمار میرود و با اکثر برنج های اعلی هند همسری میکنند.

در کوه های خوگیانی و ما ماما خبل و حصارک وغیره جنگلات مهم بلوط کوهی و خنجر و صنوبر و سرو وغیره به نیما نه کشیری وجود دارد که برای ساختن زوغال و سوخت بمصرف میرسد.

سرخ رودکنرها و رودات علاقه جات سرسبز و شاداب سمت مشرقی بشمار میرود و دارای مزروعات مناطق معتمده میباشد، در کنتر برنج الک پیشتر و جواری زراعت عمده محسوب میگردد.

علاوه لغمان:

لغمان خیلی حاصل خیز و شالی کاری در آنجا زیاد است، در دره لغمان انگور کوهی وجود دارد که خود رو و پوست آن کلافت تراز انگور اهلی است. در لغمان و اکثر حصص مشرقی کار زراعت بواسطه گوا و میش اجرا میشود.

نورستان :

که مشتمل بر دریه های متعدد و دامنه آن تا بالای پینچشیر بسمت شمال افغانستان امتداد یافته ، علاوه کوهستانی بسیار دشوار گزدازی است که قسمتی از آن که عبارت از حصص اسما را باشد یو شیده از جنگلات نستر و ارجه و بلوط وغیره است ، و باقی حصص نورستان رادره های سبز کوهستانی تشکیل داده ، اراضی هزار رود خیلی کم میباشد ، در دره های نورستان نیز درختان بادام کوهی و جوز و انار خود رو بمشاهده میرسد .
در چلال آباد و سرخ رود و علاوه جات خو گیانی و اکثر حصص سمت مشرقی تریه زنور عسل رواج داشته حاصلات مذکور را تجارت میکنند .

حصص جنوبی افغانستان

از لحاظ تقسیمات جغرافیائی ، افغانستان بهه حصه مختلف منقسم است :
اول سلسله کوهای شمالی . دوم سلسله کوهای جنوبی . سوم سطح مرتفعه
میان سلسله کوهای شمالی و جنوبی واقع است .

قسمت اعظم آن بنام دشت یاد میشود . در یای هلمند این سطح مرتفع دشتی را بهو حصه تقسیم میکنند :- بطرف مشرق ریگستان و بطرف مغرب دشت مرگو و اراضی سیستان که نسبتاً سطح اراضی آن پست است . بطرف جنوب مغرب سیستان ، آبایستاده هامون هلمند و گودزره دیده میشود . بسیار ممکن است که این هر دو غدیر در ابتدا یکی بوده بعد از آن در اثر تغییر زیاد آب و حرارت بلند ، یکجا موقود شده باعث ایجاد یاک فقط خشکه مفصله

سالنامه « کابل »

ما بین خدیر های مذکور گردیده باشد. منع خدیر گود زره از آبخیزی های هامون هامند است در وقت سیلابها.

ثابت شده که سیستان بیش از ترکتازی های چنگیز خان و تیمور از جمله قطعات حاصل خیز سرسیز و آباد ایشیا محسوب بوده و در اثر حمله های ناگهانی و نخراب فاتحین فوق الذ کر بند ها و نهر ها منهد شده اهالی آن بر یشان و منتشر و باطراف عالم مهاجر شده بلاد معموره طرفین در یای هلمند بصورت دشت های ریگی بی حاصل مبدل گردید است.

به حرص کوهی جنوی بعضی جنگلها موجود است که در توسعه و حفاظت آن باید توجه لازمه شود.

از حیث طبقات الارضی اراضی سیستان و قند هار و بعضی حرص دیگر جنوی متعلق به عصر تباشیری متوسط Cretacé moyen است. عصر تباشیری یکی از تقسیمات سه گانه زمانه تانوی است. و یکحصه سیستان و قند هار دارای اراضی متعلقة عصر Pliocène زمانه ثالث نیز می باشد که اسم علمی آن Pontien de pliocène است چنانچه سنگریزنه زار ها و کانگلو میرات های اراضی مذکور شاهد آن است.

سمت جنوی

در اراضی ههوار سمت جنوی گندم و جواری و جو میکارند. زراعت ترکیاری بیشتر چندان صریح نبود. لیکن توسعه و ترقی آن هر سال زیاد شده می رود. پس درینجا چیز یکه مهم است تذکار

انواع اشجار جنگلی و بنا تات و حشی است که در جنگل های سمت جنوی پیدا می شود . داشتن اقسام درختان جنگلی خلی مهم است زیرا که جنگل بالذات ثروت بزرگی است که بسا اختیارات نوع بشر توسط آن تأمین می گردد . بهزار ها خروار چوب سوت و مقدار کلی چوب چهار تراش و مقادیر مهم زغال که از سمت جنوی وارد کابل می گردد منبع دیگری بجز جنگلهای جنوی ندارند . قیاس کنید که در انہدام و ضیاع جنگلهای سمت جنوی چقدر خسارت بود طن عاید خواهد شد و در ترقی و تجدید تو سعه جنگلهای مذکور چقدر بر ثروت طبیعی وطن خواهد افزود . از همین رو همیزه منافع زیاد جگل است که مال را فه در حفاظت آن یک اداره پولیس مخصوص و اضباط و انتظام مکملی ترتیب داده اند . در کوه های جنگلی سمت جنوی بنا تات جنگلی متعدد و مختلف بصورت

غلو یافت می شود :

در محلات مرتفعه جبال مذکور (۴۰۰۰ تا ۸۰۰۰) فt ، درختانی که به نظر می خورد از جمله بنا تات مخروطی الا نمار اند . لفظ مخر و طی الا نمار از ان جهه به اشجار موصوف اطلاق یافته که مبوه های شان بصورت مخروطی می باشد درخت سرو و صنوبر واپسیا و ملز از جمله درختان مخروطی الا نمار بشمار می رود و در علاقه جات جنوی پیدا شد دارد .

یکی از درختان مشهور سمت جنوی درخت چلگوسا زه است که نام لا تینی آن (Chilgosa pine) Pinus Gérardiana می باشد . دیگر از اشجار مهم جنگل های کوه های جنوی درخت صبر است

صلاتا مه « کابل »

Paris chacry . درخت بلوط نوع دیگر درخت جنگلی است که چوب آن از حیث سوخت خیلی باحرارت و با دوام میباشد .

Larix Harch که مقدار های مهم آن از سمت جنو بی و ارد مرکز شده بهصرف سوخت و تعمیرات میرسد درختی است خیلی مفید و مهم که در از دیا د تعداد و توسعه جنگل آن باید کوشید .

علاوه بر اشجار فوق بخصوص جنگلی سمت جنو بی در بعضی نقاط چهارمفر و نالک وحشی نیز موجود است . یکی از درختان مفید ، درخت زرشک است که میوه آن برای رفع مرض یرقان خیلی مفید میباشد . میوه خشک مذکور را چون میده کشند به میده غوره انگور مشابهت دارد . و در طعام مانند ماده مشتهی استعمال می شود . لیمو و بادام و حشی نیز در جنگلات مذکور پیدا شیش دارد .

درخت چهارمفر و بلوط وحشی نسبتاً باارتفاع کمتر و بدرجۀ دوم دیده می شود .

تاك و حشی و درخت استرا گل و درخت نیل با یکدیگر بطور مخلوط بافت می شود . از بعضی اقسام استرا گل یک قسم گند می کشنند و بیخ یا پلک نوع آن برای دفع مرض پیچ بکار میروند . تخمیناً باارتفاع ۳۰۰۰ فت درخت زیتون جنگلی و اقسام گل و حشی مثلاً گل گلاب و حشی وغیره پیدا میشود .

درخت اکاسی (Acacie) « اقا قبا » و درخت گیپر و درخت هناب به مقدار زیاد موجود است . در حرص من شرقی کو سفید درخت یا م نیز موجود بوده برای دفع بعضی امراض مفید است .

نباتات مشهور افغانستان

بعضی اقسام گل و حشی مثلاً جرین و حشی، گل گلاب و حشی نیز یافت میشود.
درخت ارغوان که درختی است زیبته نیز در جنگل‌های مذکور پیدا می‌شود.

بعقامتات پست ترین حصص غربی کوه‌های مذکور، بدون علف و بعضی به های خورد چیز دیگری دیده نمی‌شود. در حصه‌های میدانی بعضی به های خاردار مثل شتر خار و بته اشقار وغیره موجود است که از نقطه نظر زراعتی چندان اهمیتی ندارند. بعضی نباتات طبی مثل حرمل که برای دفع وجمع مقاصل بکار می‌آید و افستین که بمقابل تپ لرزوه و اراضی معده استعمال میشود نیز بلاحظه بیوسته است. در اراضی مزروع علاوه بر گندم وجو و جواری، بعضی درختان میوه دار از قبیل توت و چهار مفر نیز موجود است.

جون حرص مهمن رعایت سمت جنوبی درین کوه‌های جنگل دار و سرسبز آن میباشد، معلومات قلیلی که بالای جنگل‌های آن سمت داشتیم فوقاً تحریر نمودیم. اراضی هموار زراعتی خیلی کم است. ثانیاً اقسام نباتات مزروع آن خیلی محدود بو ده، منحصر به گندم (خیلی کم) وجو و جواری (بعد از دیده) است. در سمت جنوبی مقدار زیادی عمل جسم آوری میشود که مردمان جنوبی برای تجارت بکابل وغیره نقاط میفرستند.

ولایت فندهار

چنانچه پیشتر تحریر نمودیم، یکحصه مهم فندهار از جیت طبقات الارضی متعلق به عصر تباشيری متوسط (Crétacé moyen) است. یکحصه اراضی فندهار بزماهه ثالث نیز متعلق میباشد. شهر فندهار که از دریای ارغنداب اراضی آن آبیاری میشود آب فراوان و هوای گرم دارد و گندم وجو

و جواری و ارزن و بافلا و مشنگ و انواع ترکاری از قبیل شلغم و کچا لو و پیاز و بادنجان رومی و زردک و لبلبو و بادنجان سیاه و غیره در اراضی مذکور زرع میشود - گندم و جو در تیر ماه کشت میشود و در ماه جوزا درو میباشد . ولی هوای قند هار برای دوسرت به بعمل آوردن غله جات گرمی کافی را ندارد . در موسم تابستان باران خیلی به ندرت میبارد لیکن در زمستان و اوایل بهار باران های فراوان بازدیده بعضاً موجب حدوث سیلا بهای نیز می شود ، و در اویل بهار است که رود های مهم و لایت قند هار از قبیل رود تونک و رود ارغسان و رود ارغنداب و رود هلمند و غیره شعبات آن پر آب و بعضاً طوفانی می شود .

شهر قند هار :

آب و هوای نسبتاً خوشگواری دارد . درجه حرارت در تابستان به ۱۰۷ درجه فارنهایت و در زمستان به پنج درجه بالغ می گردد . برف خیلی به ندرت می باشد ، یخ بندی صحیح هیچ گاه اتفاق نمی افتد . باران زیاد می شود و در طول سال ارتفاع آب باران به (۱۰۵) سانتی متر بالغ میگردد .

شهر قند هار در حقیقت عبارت از یک منطقه آبادی است که در میان دو حصه دشت و ریگستان (یعنی ریگستان سمت جنوی و دشت سمت شرقی آن) افتاده فوق العاده شاداب و سرسیز میباشد . قسمت بزرگ این حصه آباد یوشیده از نخلستان ها و تا کستانها است و باقی آن را اراضی کشتی تشکیل داده . در اراضی کشتی که تقریباً با تمام آبی است غله جات و سبزی کاری مختلفه که در فوق ذکر شد بکثرت بعمل می آید ، و نخلستان های قند هار که مهم ترین آن نخلستان پنجوانی و افع در غرب شهر و نخلستان

ار غنداب است مر کب از درختان مثمر از قبیل درخت انار و انجیر و ناک و زرد آلو و آلوچه و سیب و شفتالو است . در حوالی فندهار ، باغ در طرف ۳ و ۴ سال سر حاصل می آید و عموماً در ساختهای با غها چنین ترتیب میگیرند که یکدرخت زرد آلو یا انار و یکدرخت شفتالو غرس می کنند و درخت شفتالو از همه زودتر بر سر حاصل آمده مدت ۶ و ۷ سال عمر می کند و بعد پیر شده قطع میگردد و نا آنوقت دیگر درختان انار و زردالو بر سر حاصل آمده دوام مینمایند و بعضی درجای درختان مقطوعه ، درختان شفتالوی جدید شانده می شود : چون درخت شفتالو طبعاً کوچکتر بوده ، جای کمی را میگیرد بنا بران تا چندین سال به درختان انار و زردالو مزاحمتی نمیرساند و خودش نیز از سایه آنها آنقدر متاثر نمی گردد .

قسمت جنوبی شهر قندهار عبارت از تا کستان بزرگ است که خشک آبه نام دارد و انواع انگورهای اعلی ، در آن جابعمل می آید . در قندهار متجاوز ۲۰، ۳۰ قسم انگور وجود دارد که مهم ترین آن شندو خانی ، اهل ، صاجی ، کشمی و انگور آجبوش است ، و این انگورها که اکثر آن کشمی ساخته میشود ، بمقدار کثیری تازه و بقسم کشمی بخارج فرستاده میشود ، همچنین دیگر میوه جات قندهار از قبیل انار که قلم بزرگ میوه جات تازه قندهار تشکیل داده در نهاست ورنگ و مزه و بزرگی باهترین انارهای عالم همسری می کند ، بمقدار فراوانی بخارج و داخل ارسال میگردد . خوش بختانه بتوجه حکومت متبعه ما از چند سال به اینطرف شرکتی برای صادرات میوه قندهار بنام شرکت « پیشون » تشکیل یافته که برای افرودن و اصلاح باربندی وغیره ترقیات میوه قندهار داخل افدامات میباشد و اکنون از یکطرف موفق به افراش قیمت

سالنامه « کابل »

فروش در خارجه و از طرف دیگر موفق به تهیه قطعی های یا کیزه و فشنگک برای میوه خشک فندهار (از قسم انگور آجوش ، انجر و شکر باره) گردیده و نیز بتازگی ماشین حفظ میوه در انجبا بکار افتاده که میوه جات فندهار را از شفقات او و شلیل وزرد آلو و ناک و سیب و غیره در قطعی های حلیبی به اصول صحی محفوظ کرده بطور (کو نسره) بخارج و داخل ارسال و تجارت خواهد شد اراضی للهی کاری چندان وسعت ندارد .

محلات اطراف فندهار از قبیل دلهه و خاکریز وغیره در شرایط حاصل خیزی و نوعیت بناهات خود شبیه خود فندهار میباشد ، تنها ریاستان سمت جنوبی (طرف سین بولدک) یعنی قلعه جدید ، عاری از درختان و بناهات مختلف است .

فلاط :

فلاط اراضی و سیع و شادابی دارد که بیشتر از رود ترمه و ارغسان مشروب شده ، در آن زراعت غله جات بمقدار کثیر بعمل می آید ، بادام فلاط خیلی مشهور است . آب و هوای فلاط نسبت به فندهار سرد تر و ملائم تر میباشد ، در دره رود ترنک درختان خنجدک بصورت خود رو و جود دارد ، و در دشت های اطراف فلاط و نزدیک فندهار به های خود روی مهم از قبیل سولانک که از آن در صابون سازی و ساختن پلی استفاده بعمل می آید بکثرت میرود .

با غهای بادام فلاط مقدار کشی بادام را به ای تجارت خارجه تهیه مینماید . وزوز بروز با غهای بادام رو بفروزنی میباشد .

پشت رو د :

علاوه پشت رو د و گر شک و زمیند اور از لحاظ آب و هوای نسبت قندهار گرم تر و خشک تر است ، زراعت غله جات در آنجا امکان یافتن و اراضی مذکور از دریای هلمند و انہار مختلفه مشروب میباشد . از حیث درختان گر شک تقریباً مشابه مرکز فندهار بوده زمین آن استعداد پرورش انواع میوه جات را دارد : انار و توت و زرد آلو بکثرت یافت می شود ، شکار از قبیل تارو و سیسی و غیره و شکار ماهی درین علاوه ممکن است .
علاوه گرسنگ خشک تر بوده ، در آنجا درختان خرما نیز بقسم خود رو دیده می شود .

اروز گان :

اراضی اروز گان مختلف بوده فستی از آن سرد شیر و بر فکیر و باقی معتدل بوده پیشتر کوهستانی و زمین آن استعداد پرورش گندم وجو و جواری و بعضی نباتات مناطق معتدل را دارد ، درختان نسبتاً کمتر و میوه بمقدار کمی یافت می شود ، اروز گان از دو سمت به سطح صرفق مرکزی اتصال داشته ، از لحاظ آب و هوای نباتات و حیوانات پیشتر تابع منطقه مرتفعه مذکور میباشد .

فراء وجخانسور و سیستان

اراضی فراء حاضراً چندان حاصل خیزی نداشته ، زراعت غله جات در تمام قسمت های آن امکان پذیر بوده ، از قسم درختان نیز فراء فقر است .

سالنامه « کابل »

و فقط درین اواخر از توجه حکومت متبوعه ما انواع درختان منمر و غیر آن در آنجا از فندهار و کابل و هرات نقل داده شده که امید است به زودی در تمام جهان مذکور انتشار یافد.

اشجار سابقه را پیشتر در ختن توت تشكیل داده است و تاک و غیره میتو جات لطیف از سبب سیاه باد کمتر بعمل می آید.

دشت بکوه مملو از بته های خود رو منجمله یوشیده از نر گس دشتی و گاه تیولان یعنی زبق خود رو و غیره است. و در اوائل بهار لا له نیز در آن بکثرت میروید.

چخانسور و سیستان مرکب از اراضی حاصل خیز و سبع دشتی است که برای زراعت پنهان کمال موز و نیت را دارد و بتوجه حکومت خیر ما آشمند دامنه زراعت پنهان در آن علاوه وسعت یافته تخم پنهان بر مبنی داران بقسم را یگان تقسیم میشود. نباتات چخانسور پیشتر، نباتات خود روی وحشی است. از قسم اشجار، درخت گز بسیار زیاد است و برای ساختمان خانه های چوبی مخصوص مردمان چخانسور و هم برای سوختاندن بکار میروند.

حصص مغربی افغانستان

شهر هرات :

ارتفاع شهر هرات ۸۰۰ متر است، زمستانش به نسبت زمستان کابل قدیم ملایم تر بوده برف زیاد نبی بارد، و برف به زودی آب می شود. هرات آب کافی دارد و منبع اکثر جوهرهای مزارع آن هری رود است. بادشیدیدی دارد که با وجود نقاوئص جزئی برای آب و هوای هرات فواید زیاد میرساند،

لا کرن برای وفور آب باید که بازان در اوائل بهار زیاد باشد و رنمه مقدار آب متوسط خواهد بود ، هرات محدود از کوه ها و تپه ها است .

در کوه های هرات انواع متعدد اشجار جنگلی موجود است مثلاً بادام کوهی و سیاه چوب که از آن شبر خشت بعمل می آید . در اراضی قابل الزراعت هرات درخت زرد آلو و بادام و انار و آلو بالو و ناك و توت پنیر می آید ، اقسام اشجار غیر مشرم مثلاً بید و چنار و ناجو که بحد ود زیارت حضرت خواجه عبدالله انصار علیه الرحمه یک عدد زیاد آن موجود است نیز دیده می شود . از قسم غله جات گندم و جو و جواری و ارزن کاشته می شود .

قسم گندم زعفرانی و شانازی هرات مشهور است و قد گندم زعفرانی بیک متر مبرسند . زراعت تریاک و بنبه نیز میشود و سبزی جات آن کلم و کدو و سبزی پالک و کرم و زردک و تراطیزک و لبلو و غیره است .

علاقه باد غیسات :

بسمت مشرقی و مغربی و شمالی آن تپه ها و دره های خاکی است که اکثر آن سرسبز است . آب حصه باد غیسات فرآوان است لاؤن در بهار بعضی اوقات قلت پیدا می کند . کندن کار بینابرخاکی و نوم بو دن اراضی نواح مذکور ممکن است و نتیجه خوب میدهد ، لاؤن زمین چون شوده دارد آب آن نیز شور مزه میباشد . برف میبارد لاؤن به زودی ذوب شده مدت زیادی دوام نمی کند ؛ چنانچه تحریر شد بسمت مشرقی و مغربی و شمال باد غیسات تپه های متعددی است که بالای آنها درختان غلوی پسته

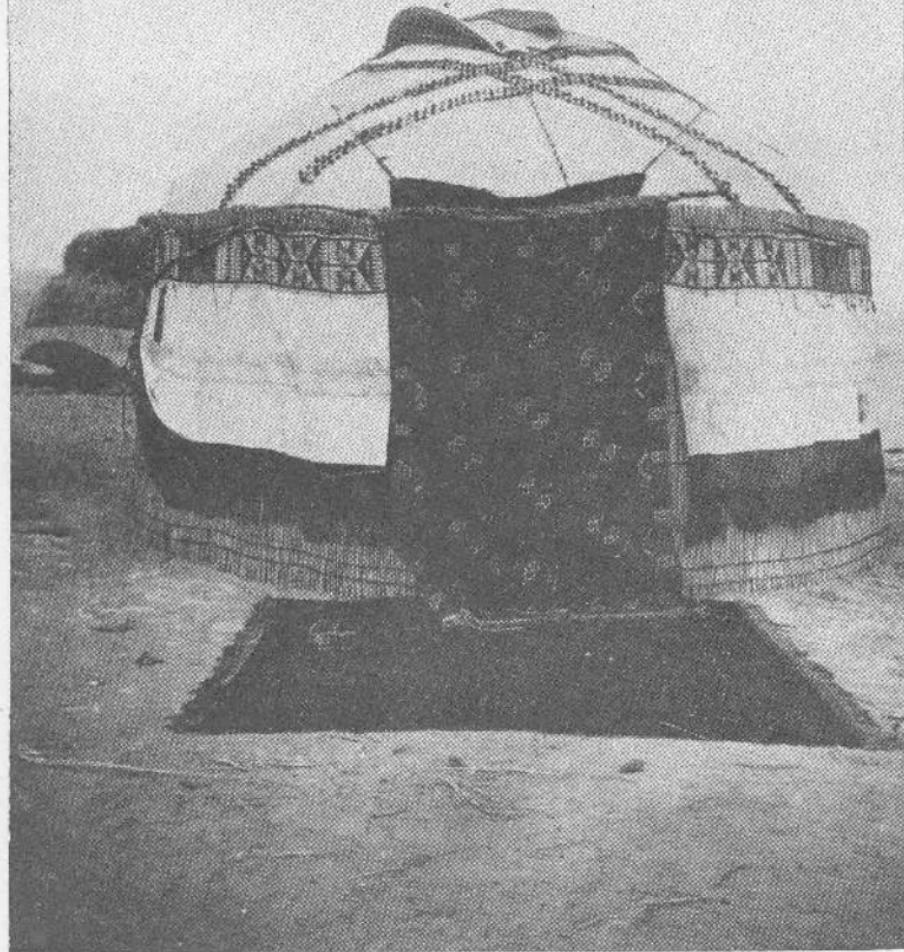
سالانامه « کا بل »

دیده می شود ، زراعت گندم وجو و فالیز کاری خربوزه و تربوز هم در نقاط خالی از جنگل تپه های مذکور می شود ، اراضی باد غیسات چون از خلوط خاک رست (رس) وریگ ک عصر جدید زمانه ثالث (شوزن) تشکیل یافته لهذا برای زراعت خیلی مستعد و قوی است . در میان دره های حدود باد غیسات که اهالی در آن مسکن ندارند نیز درختان پسته یافت می شود .

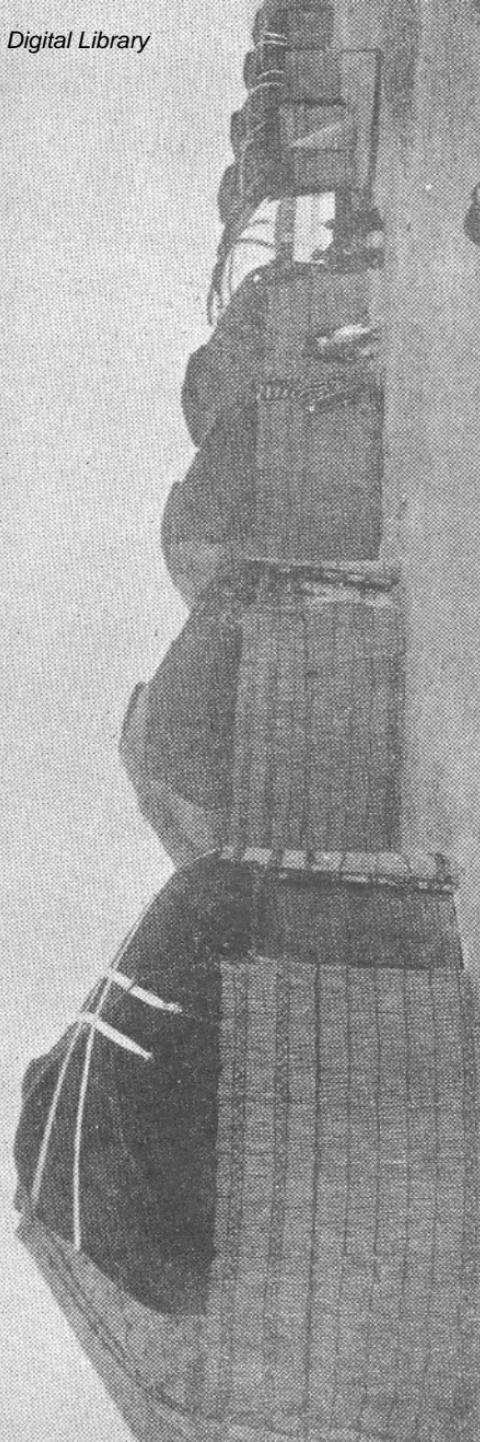
اهالی باد غیسات که در دره های شاداب جا گرفته اند اکثر بنابر وفور چرا گاهای و علف زارها به تریه حیوانات زیاده ترشفل داشته به نهال شانی و با غبانی چندان توجه ندارند ، با آنهم به زراعت گندم وجو و بعضی اقسام سبزی جات نیز میردازند ، درخت زردا لوبادام و ناک و انگور و توت و انار نتیجه خوب میدهد .
بسمت جنوبی باد غیسات هرات ، تپه ها و کوه های زیاد است که در آن جنگل های مهم از چه دیده می شود ، در میان دره ها بقرب مجراهای آن اهالی مسکن گزیده باوجودی که اراضی جاهای آن خیلی مستعد بوده زراعت انواع بنا تات و درختان میوه دار ممکن است تنها به زراعت گندم وجو و فالیز کاری و کمی کوکنار مشا غلت میورزند .

مرغاب :

اطراف و نواحی مرغاب دارای هوای معتدل و آب فراوان است ، لا کن باوجود زیادت آب اراضی مزرعی آبی آن کم است و آب بی فائده صرف می شود . علاقه مرغاب اکثر سنگ زار یعنی کوهی است و بنام سریل و دوزق دره و فقریه پنیرک ولاه بای موسوم است . مهملات فوق الذ کر دارای اشجار پسته وارچه و سیب و ناک کوهی بادام وغیره اشجار جنگلی بوده ، طول حصة



خرگاه یکی از کلان شوندگان قبائل شمالی افغانستان
La tente d'un des chefs des tribus du nord d'Afghanistan



جیات فیض مل صنعت شاپ افغانستان در دشت

La vie des tribus du nord d'Afghanistan dans la plaine

نباتات مشهور افغانستان

جنگل مذکور از سریل تلاله بای تختینا ۱۵۰ کیلومتر است. در ناحیه پتیرک بعضی اقسام نبات طبی مثلاً کلیوره و بودینه کوهی که افغان های آن ناحیه آن را (شمبوی) مینامند و دیگر نباتات طبی بکثرت بیدا میشود. دو نبات طبی فوق الذ کر برای هاضمه خیلی مفید است. در نواحی حکومت مرغاب گندم و جو و کو کنار و اقسام سبزی جات و اشجار متمر مثلاً تاک و درخت زرد آلو و بادام و انجر و انار و سیب و بیهی و آلو بالو و غیره نتیجه خوب میدهد واهالی نیز اقسام اشجار مذکور را غرس نموده اند. زمین نواحی مرغاب برای زراعت اشجار مشمر و سبزی جات مستعد است. نواحی شهره رات خصوصاً از جیث جنگلهای پسته خیلی مهم است بنا بر این بالای جنگلهای پسته هرات بطور مفصل تردد بلطف معلومات خود را تخریر میدارم : -

جنگلات پسته باد غیسات :

جنگلات مذکور به محل مربوط باد غیسات واقع است: قلعه نو و کشک و مرغاب. بزرگی درختان پسته نقاط مذکور به بزرگی بادام میرسد و دانه های پسته ضخیم و در وقت پخته شدن خندان میشود.

۱ - جنگل پسته قلعه نو : - بطرف شرق جنگل مذکور در یاری مرغاب و نجفی و بطرف غرب آن خواجه چکاب و سر قول از بک و یک حصه سرحدی فاصل خاک دولتین افغانستان و شوروی واقع است، بطرف شمال جنگل مذکور علاوه چنگورک و چاه اشکه و سنگه خاک بیر زال و دهنه آ بشاره است که مر بوط حکومت قلعه نو و همچو اسراحد میباشد.

بطرف جنوب آن علاقه تکاب مقر و چشم دزدک و دهنہ کته قول و آب کمری و فریه هده و کوک چانیله دیده می شود.

سالنامه «کابل»

مسافه جنگل پسته قلعه نو شرقاً غرباً تخمیناً ۲۰۰ کیلو متر و از شمال
جنوب ۱۰۰ کیلو متر است. از مسافت طول و عرض مذکور داشته
می شود که جنگل مذکور چقدر سطح و سیعی را مالک است و از حاصل گرفتن
اصولی پسته و بزرگ نجیج آن چه مفت بزرگی بوطن عاید میگردد. حفاظت
جنگل مذکور و جلوگیری از قطع و خصوصاً سوختاندن در خنان آن یکو از
وظائف بزرگ ملی ساکنین مذکور بشمار میروند تا با توجه حکومات محای
در حفظ و ترمیم جنگلات مذکور کوشش نمایند.

۲ - جنگل پسته مرغاب :

شراکه به تکاب عالم مرغاب حکومتی مرغاب و غرباً به نجج آب و دریایی مرغاب
و سهل و دریایی مرغاب اتصال داشته و شما لا متصل است به تخت خاتون قلعه
و همچنین فلم بلاق که همچوار خط فاصل حکومت مرغاب و میمه میباشد و جنو با
به بند لاله بای مرغاب اتصال دارد. مسافه جنگل پسته مرغاب از شرق
نهره ب تقریباً ۲۰ کیلو متر و از شمال تجنوب تخمیناً ۷۰ کیلو متر است.

۳ - جنگل پسته علاوه دارای گلران : - علاوه دارای گلران مرغاب
حکومت کشک و وسعت جنگل مذکور متوسط است. جمع نقاط علاوه دارای
گلران جنگلی بوده مگر مع الاست ببعضی جاهای آن را در وقت انقلاب قطع
وارهایی آن را بمزروعات گندم و قالیز که (دیمه) نامیده می شود تبدیل نموده
اند. از چکاب تا آب باریک تخمیناً بفاسله ۳۰ کیلومتر جنگل را بدیمه تبدیل
نموده اند. در جنگل پسته مرغاب علاوه بر درختان پسته، درخت سیب و نارنگی
و بام وارچه و سرو وغیره نیز موجود است. اسباب تخریب جنگل نواحی هرات
چند چیز است: - اول خود اهالی یکجنسه جنگل را برای محروم قات خود

نباتات مشهور افغانستان

قطع میکستند . باز هم اگر درخت را بقدر چند سانتی متر بالای زمین توسط اره قطع کنند خسارة زیاد بجنگل عاید نخواهد شد زیرا کذاز تقاطع مقطوع نوده های جدید سر زده هر کدام بعد از چندی درختی خواهد شد . لآن عموماً در نواحی جنگل ، درختان را کاملاً از بیخ میکشند و زمین را بخاره تبدیل میکنند . وا سطه دوم ضیاع جنگلهای پسته ، جیوانات اهالی است که نوده های خورد شاخصه های بیخ جوش را بدندان قطع میکنند . اهالی به حفاظت جنگلهای پسته میلی ندارند و به غرس اشجار منظر مثلاً سبب و ناک وغیره نیز شوک نشان نمی دهند . اگر هر سال اهالی یکمقدار پسته را بزمین یافشان نند چقدر برای خود شان و وطن نتایج نیک حاصل خواهد شد .

در دشت های هرات بنا ت خود روی طبی و غیر طبی از فیل نر گس و حشی و زنبق کوهی و بته شتر خر و ساجق و غیره بکثرت میروید .



وزریش و سرتیپیه بدبونی

نہضت سپورت در افغانستان

ارسالی جناب محمد یعقوب خان کنندگش
منشی انجمن المیک

سپورت که فوائد بیشمار آن بهمگان آشکار است از چند سال باشتر طرف
با یک ترتیب خوب و اصول صحیح در جریان افتاده نه تنها دسته طلا و
شاملین صنف عسکری با آن مشغول گردیده اند بلکه تمام مامورین و زارات
و حتی از صنوف غریب پیشه نیز با آن همارست بیدا نموده اند، چنانچه
میدان های متعدد سپورت در هر گوشه و کنار مملکت احداث گردیده و
عصرها هزار ها نفر با یک شطارت و ذوق مخصوص به سپورت مداومت دارند.

در اثر ذوق اهالی و توجه مخصوص دولت، سپورت در تمام مملکت تعیین
یافته و با لآخره موسسه بنام انجمن ملی او لمیک در تحت سرپرستی اعلیحضرت
المنوکل علی الله و ریاست ع، ج ۱، نشان والا حضرت وزیر صاحب
حر بیه از سه سال باشتر طرف در کتابل تشکیل و شبیات آن در صنوف عسکری
و غیره دایر گشته است.

نهضت سپورت در افغانستان

این انجمن از بد و تاسیس خود پیشافت شایانی نموده و ورزش کارانه آن در بازیهای سپورتی جشن استقلال وطن و تور نمتن های داخلی ، و اعنام تیم تحویل دیه بفرض بازی فت بال در هند و آخرا هیئت او لمیک در بازیهای او لمیک یا زد هم بین الملکی که در بر لین انقاد یافت بموجب دعوت کومیته اداری بازیهای او لمیک شامل گردید و علاوه ازان هیئت او لمیک افغانی غیر از آلان در ممالک مختلفه اروپا دعوت شده و یا بازیهای مختلفه با تیم های سپورت اروپائی داخل مسابقه گردیده که اینک تفضل آن ذیلاً ذکر میگردد :

هیئت او لمیک افغانی که بفرض شمولیت در بازیهای او لمیک در آلان اعزام شده اند اسامی شان اینست :

رئیس هیئت : عصمت شهزاده محمد یوسف خان رئیس تربیه حیوانات منشی و منتظم هیئت : ش. محمد یعقوب خان کنند کمتر سکرنتر اداری انجمن او لمیک .

اعضاء :

ص، عبد الواحد خان تر جان زوارت حریه .
ش، ظبیر الدینخان مدیر کلوب عسکری .
ش، محمد اعظم خان معلم مکتب رشدیه حریه
ص، فاروق شاه خان معاون ریاست تربیه حیوانات
غ، خان محمد خان تولیمشر فرقه شاهی
جناب جمال‌الله بن خان متعلم
« شجاع الدین بن خان »

سالنامه «کابل»

جناب محمد آصف خان متعلم

«سعادت الملوك خان»

«سلطان محمد خان»

«سید محمد ایوب خان تاجر»

«عبدالفارخان کاتب تعمیرات وزارت حریمه

ب، نوروز علی خان بلوکمشرو وزارت حریمه

«فضل حسین خان بلوکمشرو منظم کلوب عسکری

«سید علی بابا خان بلوکمشرو احتیاطی وزارت حریمه

جناب سید علی عطاء خان از افراد فرقه اول قول اردوان مرگزی

این هیئت که اسمی نان در فوق ذکر شد بتاریخ ۱۲ حمل ۱۳۱۵ از

کابل حرکت نموده و مدته بفرض مشق و تمرین در پشاور توقف ورزیده بعد

از ان عازم اروپا گردیده اند. در هند پیش آمد خویی باهیئت مذکوره شده

و همچنین حین و رود در پاریس از طرف هیئت استقبالیه انجمن هاکی فرانسه و

و نهایت انجمن بین المللی هاکی پندیرانی شده اند.

هیئت انجمن اولییک افغانی در پاریس ۹ روز توقف ورزیده و درین مدت

سه دفعه بازی اشتغال و رزیده اند که یکی آن در شهر لیل و دوی آن در خود

پاریس بوده است. و درین سه مسابقه دوی آن بنفع فرانسه و یکی آن بغالیست

تیم افغانی تمام شده است.

از فرانسه هیئت افغانی وارد پراگ که مسکن چکوسلواکی شده و ۲۶ روز

در آنجا توقف ورزیده و در شش مسابقه شمولیت و رزیده اند. هر دو مسابقه

مساوی و در چهار مسابقه ثانی تیم افغانی موفق و غالب شده است.

نهضت سبورت در افغانستان

درین توقف در برآ گئ تیم افغانی در دریسیدن آلان دعوت شده و باشیم دریسیدن نیز مسابقه نموده در نتیجه هیچگدام موفقیت بر دیگری حاصل نکرده است. تیم اولییک افغانی از برآ گئ به ویا نه (سرکز آستربا) حرکت نموده و در آنجا دو شب اقامت داشتند. درینجا در مسابقه ها کی بر تیم و یا نه تیم افغانی غالب آمد. پس ازینجا بسویس عازم شدند در آنجا مسابقه بنفع تیم سویس تمام شد. از سویس به آلان حرکت کردند در شهر ما تر، بین تیم افغانی و تیم ماتر مسابقه بعمل آمد و در نتیجه هیئت افغانی بر تیم ماتر غالب آمدند. تیم افغانی غیر از ماتر در دیگر شهرهای آمان نیز مسابقات پرداخته است ازین قرار :

کریس ناخ، کولان، مایان، لایزینگک، میگدا برگک، گورلیز، او لم، وارمنر، ار فورت، هانوور، همبر گک، شتاو، بریمن.

قبل از اعقاد مسابقات اولییک، هیئت افغانی بوج دعوت هالند به هالند رفته و در آنجا هشت روز توقف داشتند. در مدت هشت روز مسابقه بین تیم هالند و تیم افغانی اتفاق افتاده و بنفع تیم هالندی انجام یافته.

از هالند دوباره به آلان مراجعت کردند. طرز پذیرایی خلی دوستانه و قابل تماشا بوده است چنانچه هیئت اولییک افغانی کمال رضائیت دارند.

بروز ششم افتتاح اولییک، مسابقه اول هیئت افغانی با تیم دنمارک بعمل آمد در نتیجه طرفین ۶-۶ گول نموده و بازی مساویانه تمام شد.

دو روز بعد آن مسابقه با تیم آلانی بعمل آمد. هیئت افغانی مغلوب گردید اما در مسابقه که با تیم بلجیم نمودند تیم افغانی ۱-۴ بالای بلجیم غالب شد. کذا

سالنامه «کابل»

تیم امریکارا نیز ۳- مقابله صفر مغلوب نودند.

در نتیجه بازیهای اولیبا افغانستان درجه پنج یافت و نسبت باین موفقیت از طرف رئیس انجمن ها کی المان یک کپ (۱) یال لیوتی به انجمن ها کی افغانستان اعطاء گردید.

در تور نمث ها کی ۱۳ ملل مختلفه شرکت نموده و نمره هائیکه حاصل نمودند باینقرار است؛ هندوستان نمره ۱ - المان نمره ۲ - هالند نمره ۳ - فرانسه نمره ۴ - افغانستان نمره ۵ - هشت ملل دیگر اینها هستند؛ چاپان، سویس، دنارک، اتازونی، بلجیم، اطریش، هنگری.

در عموم بازیهای اولییک آلان در جه اول و اتازونی حایز درجه دوم گردید.

بعد از ختم اولیبا، هیئت افغانی بوجب دعوت انجمن برطانوی (کاونسل) به لندن رفته و هشت روز در آنجا اقامت ورزشی داشتند و درین مدت سه دفعه مسابقات پیمان آمد در یکی غالب و در دو مغلوب شدند.

سپس از لندن عازم وطن شده و در قاهره با نفری عسکری بریتانیا داخل در دو مسابقه ها کی شده و در هردو تیم افغانی غالب گردیده است. و در پورت سعید نیز تیم افغانی با کلوب یعنی الملکی آنجا داخل در مسابقه ها کی شده بالای کلوب مذکور تیم افغانی ۱۱ مقابله صفر غالب آمد. کذا در پورت سعید در مسابقات تیشن و بلیارد نیز تیم افغانی موفق بقابلیت گردیدند.

تیم اولییک افغانی بعد از شش ماه مسافرت و ایس بوطن مراجعت کرده و نسبت باین موفقیت که حاصل نموده بودند مورد تقدیر و احترام عمومی واقع

(۱) کپ؛ جام ظفر.

نهضت سپورت در افغانستان

شدند. زیرا درینمدت تیم مذکور داخل در چهل و پنج مسابقه شده و از انجمله در بیست و نه مسابقه غالب و در یازده مغلوب و در پنج مساوی مانده اند. البته کسانیکه تاریخ سپورت ونهضت آنرا در افغانستان میدانند این موقعيت تیم اولیلک افغانی را بسی تقدیر و تمجید خواهند نمود.

اعزام تیم (محمودیه) بفرض فت بال در هند

بقرار تصویب انجمن ملی اولیلک افغانستان تیم محمودیه بتاریخ ۱۷ جدی در تخت اداره عالیقدر محمد فاروق خان معاون منشی انجمن اولیلک عازم هند گردیده و مصارف هیئت تیم محمودیه را که در « پشاور، لاہور، جا لندھر، پتیاله، لدھیانه، دھلی » و دیگر بلاد مشهور هند بازی کرده اند اعیان حضرت همایونی از یوں شخصی خود پرداخته اند. نتیجه مسابقات هیئت افغانی در هند ازین فرار است :

تیم	افغانی	مقابل	افغان کلب پشاور	۱-۱ مساوی
»	»	»	ایدورد کالج «	۱-۳ غالب
۱-۴ مغلوب	»	»	اسلامیه کالج «	۱-۱ غالب
۰-۳ غالب	»	»	چیفس کالج لاہور	۲-۱ مغلوب
۱-۲ غالب	»	»	اسلامیه کالج «	۱-۱ مساوی
۱-۱ مساوی	»	»	کورنمنت کالج «	۰-۲ غالب
۱-۲ غالب	»	»	ایفسی کالج «	۱-۱ مساوی
۰-۱ مغلوب	»	»	دی ای وی کالج «	۱-۱ مساوی
۱-۲ مغلوب	»	»	تیم منتخب بنالندھر	۰-۱ مغلوب

سالنامه « کابل »

تبیم افغانی	مقابل	تیم منتخبه	لدهیانه	۲۰	غالب
۱۲	»	»	دارالعلوم دهلي	»	»

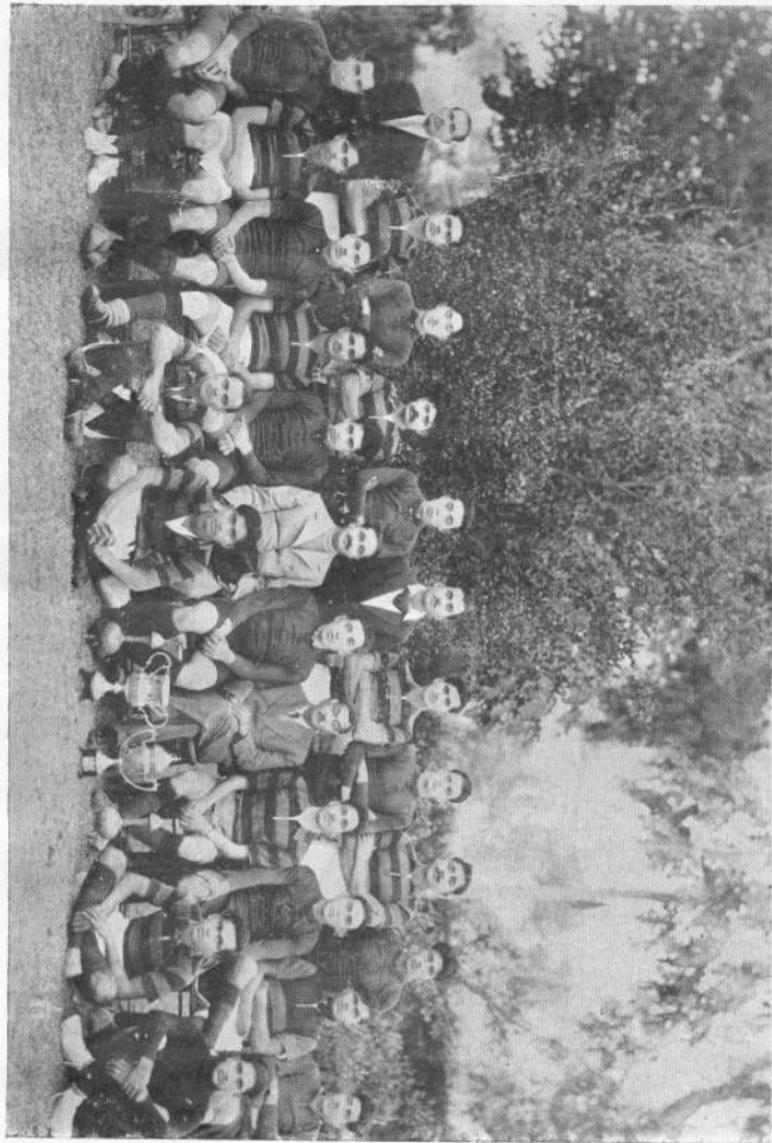
تور نمث های داخلی

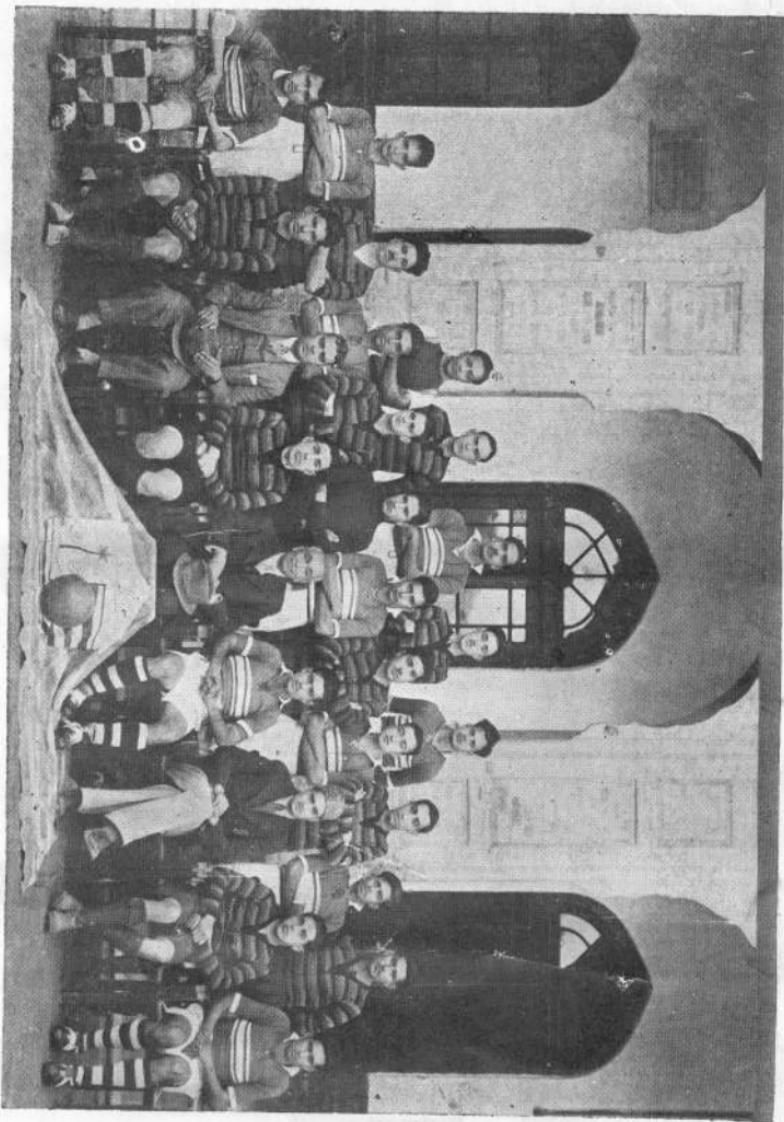
امسال تور نمث شاه محمود در بازی هاکی در میدان سپورت کلوب حریه بار سوم بعمل آمد ، مساوی تیم های قطعات مختلفه عسکری ، معارف ، مکتب حریه ، یک تیم از فرقه غزنی نیز در تور نمث مذکور شمولیت داشت . تیم قول اردوی مرکزی کابل در تور نمث ، سوم دفعه موفق به درجه اول گردیده و این موقعیت او قابل تعجیل است .

در جشن استقلال

درجشون سال هقدم استقلال رسم گذشت پرشکوه از وزشکاران افغانی بحضور اعلیحضرت همایونی و عموم وزرا و طبقت اهالی به نهایت انتظام و قشنگی بعمل آمده و مورد تقدیر از خود ویگانه واقع شدند . حقیقتاً منظره پرشکوه و لطیف این روز ، نهضت سپورت را در افغانستان آشکار ساخته و دلها را بی اختبار سرور و فرحت می بخشید . ما از خداوند متعال درز بر سایه اعلیحضرت همایونی ترقی این رشته را نیز خواستار بوده و طول عمر اعلیحضرت ترقی خواه خود را از خداوند مسئلت مینهایم تادر هر باب در انتظار از خود ویگانه ملت افغان آبرو مند باشد .

وړیکا دان افغانی در هد، ټیم او لیلېت فت بال افغانی هر اه ټیم متعجبه اسلامیه کا لج لا هور





در زمکاران افغانی در هند، تیم اولیلک فٹ بال افغانی هر راه یم متنجنه شهر جا لند هر
Les footballeuses afghanes de Djalinhar (Inde)

پیش‌فهای اقتصادی افغانستان

بقلم سید قاسم رشتیا مهتم سالنامه

برهیچکس یوشیده نیست که در دنای امروزه اقتصادیات مقام بسیار بزرگی را در حیات ملل و ترقی سویه مدنی جوامع شری اشغال کرده، اساس تمامی پیش‌فهای مادی و معنوی جهان بسته به چگونگی اوضاع اقتصادی آن میباشد. بلی در هیچ قسمی نیست که این عامل مهم ربط و تأثیری نداشته باشد. ازینجهت است که ملل عالم با سرگرمی فوق العاده و علاوه مندی روز افروزی بسوی بهبود و ترقی اقتصادیات خویش متوجه گردیده درین راه همه گونه مساعی را بخر جمیعتند. سر چشمۀ تمام سعادت و بختیاری حتی منبع فوت و ظفر مندی را دران میدانند. اقتصادیات عموماً به سه قسم عمده منقسم گردیده و در سه شکل علیحدۀ مشخص عرض اندام میکند: تجارت، فلاحت، صناعت. هر یکی از این اجزای سه‌گانه اقتصاد اگرچه بذات خود یک شعبه بسیار بزرگی را تشکیل داده قسمت عمده فعالیت بشتری دران سر کوز میباشد ولی در عین حال یکی با دیگر خود ربط زیادی داشته بمد و مقدم هم بشمار میروند. و بنابران هرگاه در یک مملکتی هرسه شعبه‌متذکرۀ فوق یعنی تجارت، فلاحت و صنایع روبروی باشد، حتماً آن مملکت بشاهراه ترقی و تکامل سر راست بوده، روز بروز بد ارج بلندتر پیشرفت و بختیاری خواهد رسید والبته بالعکس آن بالعکس است. اما این نعمت عظمی که عبارت از موجود بودن هرسه اجزای اساسی اقتصادی در یک مملکت باشد، نصیب تمام ممالک نبوده، یک مملکت اگر برای یکی از شعب سه‌گانه فوق

سالنامه «سابل»

مساعد باشد، برای اجزای باقیمانده مزبور مساعدت نمی‌داشته باشد. بلکه یک علاقه برای زراعت و فلاحت خیلی استعداد داشته بالمقابل صنعت دران از سبب عدم وجود مواد خام امکان ترقی راندارد وبالعکس منطقه دیگری دارای منابع طبیعی و معادن و مواد خام کثیری بوده اما فاقد اراضی زراعی می‌باشد ویا بالاخره با وجود داشتن مواد خام واستعداد زراعی موافع طبیعی وغیر طبیعی در راه ترقی تجارتیش واقع بوده، هر قدر سعی می‌کند برای پیداوار خود بازارهای فروش مناسبی نمی‌یابد مثلاً مالکی که در دور ویا او واقع می‌باشند از همان اجناس پیداوار او بکثرت داشته، اختیاجی به خریداری اموال مملکت مذکور نمیداشته باشد و فرستادن پیداوار مذکور بهم‌الک دورتر از لحاظ مسافت زیاد و مشکلات حل و نقل وغیره، پرخراج و مشکل می‌باشد، ازین رودر دنیا خیلی کم مالکی وجود دارد که از این هر سه نعمت بدرجۀ کافی برخور دار بوده، هم در زمینه زراعت و فلاحت اراضی مستعدی را دارا وهم از جنبه صناعت مواد خام لازمه را مالک وهم از رهگذر تجارت حائز تمام شرایط مطلوب باشد، حقیقت این طور مالک را باید مالک (متاز) و (برگزیده) نامید، خوشبختانه افغانستان عنیز مابتمام معنی یکی از این مالک متاز یا برگزیده بشمار میرود و حضرت خداوند جل و علی شانه در ردیف بسانument های مادی و معنوی که باین خاک عطا کرده، شرایط اقتصادی آن رانیز امتیاز خاصی بخشیده است، زیرا طوریکه بچشم سرمی بینیم علاوه از آنکه وطن محظوظ ما در بهترین حصۀ منطقه معتقد له واقع و دارای ساختمان کو هستانی و آب و هوای لطیف و گوارا و آب های جاری فراوان و اقسام اراضی مختلف اشرایط و بالجمله تمامی صفات و خواص لا زمه یک منطقه آباد و بختیار می‌باشد، مخصوصاً برای پیشرفت و ترقی هر سه شعبه-

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

اقتصادیات یعنی زراعت، صنعت و تجارت بقدرت دلخواه مستعد است. درین قسم گمان می‌کنم اراده همچ دلائلی لازم نباشد چه چله‌های سرسبز و دره‌های شاداب و دشتی‌ای وسیع و دریاهای متعدد و چشمه‌های فراوان و آب و هوای معقول افغانستان که لازمه ترقی و توسعه زراعت و تریه مواسی است، بامنا به طبیعی دست نخورده و معادن پیشمار یکه کار آمد پیشرفت صناعی میباشد و بالاخره موقعیت جفرافیائی ممتاز افغانستان بتواند داشتن باعلاقه جاییکه در شرایط پیداوار کاملاً با او مغایر هستند و بالجمله پیداوار خاص و نادر الوجود آن در نزد هیچکس مجهول و قابل انکسار نمیباشد. پس با این شرایط اگر استعداد و آمادگی ملت افغان را نیز بآن پیغاییم بجز نت میتوانیم ادعای کنیم که وطن عزیز ما از همه جهت برای پیشرفت و ترقی پیش از هر مملکتی مساعدت داشته جملگی عوامل ترقی و تکامل دران موجود و مهیا میباشد و دیری نخواهد گذشت که این مملکت به یاری خداوند متعال و مساعی فرزندان لائق و رجال بهبود خود در شاهراه ترقیات مدنی و پیشرفت‌های مادی و معنوی سرراست و بهدهای سریع و متین بسوی شاهد سعادت و بختیاری که درخور آنست گامزرن خواهد شد انشا الله تعالی. آنچه این آینده درخشان وطن عزیز مارا پیش نظر مجسم می‌سازد، همانا توجهات و مساعی است که خوشبختانه از چند سال با ینظر ف در اُر نظریات و طنخواهانه حکومت متبعه و حسن استقبال و همکاری ملت افغان، در تمام امور مملکتی بالخاصة درشعب اقتصادی مبدول گردیده و میتوان گفت که از حالا افغانستان عزیز واردیات مرحله نهضت جدید و می‌ساخته گردیده است. چنانچه شواهد این نهضت جدید اقتصادی را ذیلاً بطور خلص از نظر خوانندگان عزیز

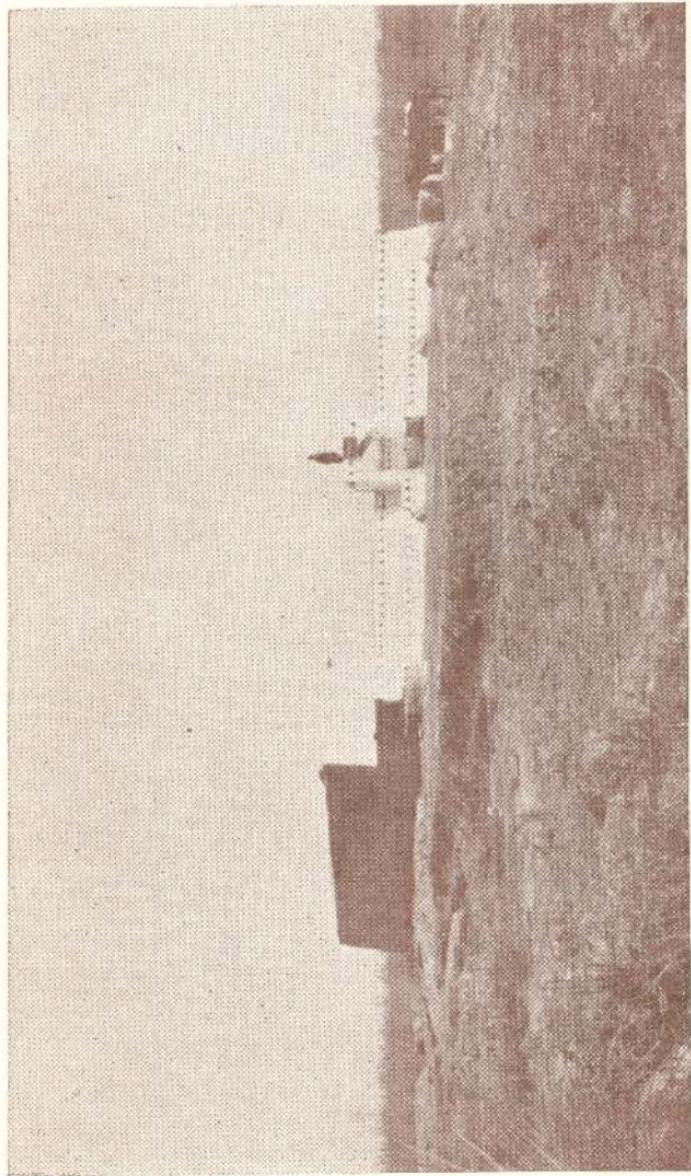
سالنامه «کابل»

گذارش خواهیم داد. واقعاً اگر انسان یک نظر سرسراً بطرف حالت چند سال قبل افغانستان و بالخاصة او ضایع اقتصادی آن یندازد و پیگوئی گی حالات امر و زده را تاباً ساق مقاومت نموده، فرق واردہ را بیش نظر خود خود مجسم نماید، بخوبی فهمیده میتواند که حقیقت اجرای چنین یک تغیر بزرگ و عمده درین قدر یک مدت کوتاه آنهم در ضمن قلت وسائل، زحمت و فعالیت مخصوصی را ایجاد کرده و عاملین این نهضت نو و بی سابقه حقیقت قابل تحسین و در خور هر نوع ستایش میباشد.

علی‌ای حال، بر ویم بسوی مطلب خودمان که عبارت از معروف و تشریح پیشرفتهای اقتصادی اخیر افغانستان میباشد، برای این مقصد اولتر از همه لازم است که برای خاطر نشین ساختن مطالب خود همان تقسیمات سه گانه اقتصادیات را که عبارت از فلاحت، صناعت و تجارت است، اساس قرار داده هر شعبه را علیحده با تصورات و ترقیات آن تند کار نمائیم؛

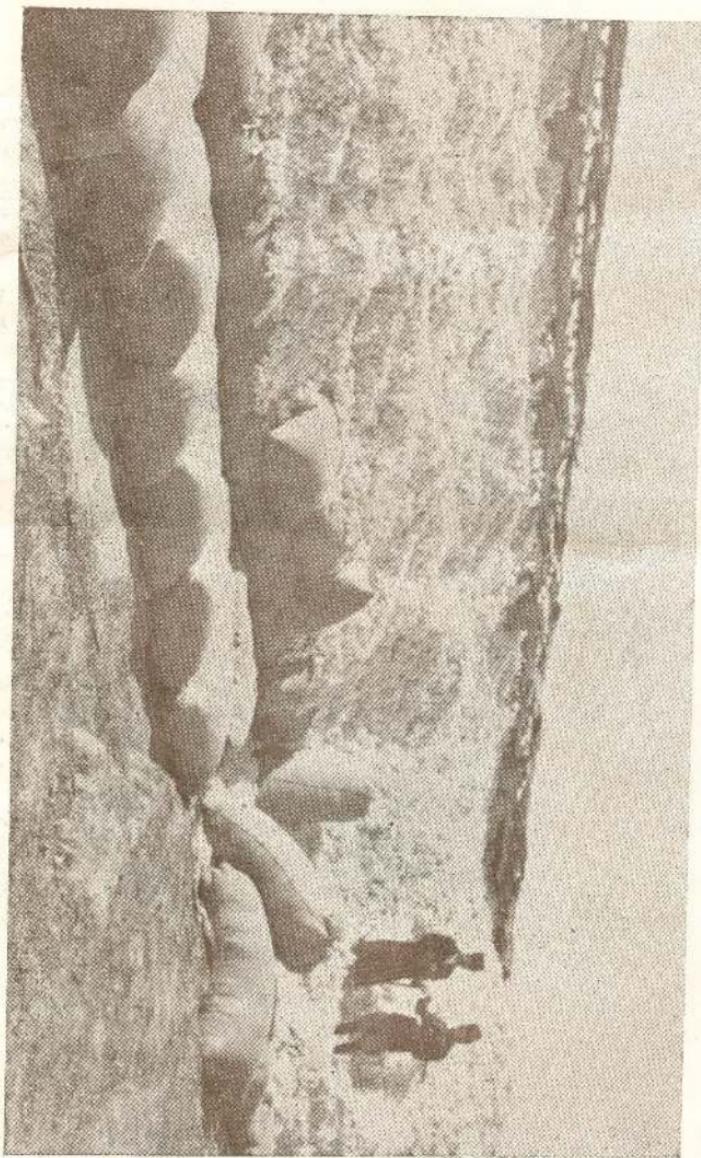
الف : در رشته فلاحت :

افغانستان طوریکه در بالا اشاره کردیم یک مملکت زراعتی است که زمین‌های وسیعی را مالک بوده، اگر در طرز آبیاری واستفاده از رودخانه‌ها و چشمه‌های فراوان آن مطابق اصول امر و زده و کار گرفتن از وسائل جدید و فنی، اقدامات بعمل بیاید، اراضی وسیعی مستعد زراعت و پرورش موادی خواهد شد و تقریباً تمام زمینهای مملکت قابل کشتمندی واستفاده خواهد گردید از اینست که از بد و جلوس مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت محمدناصرشاه غازی فقید، راجعه ایجاد بندها و کشیدن نهرها توجه مخصوصی مبذول گردیده درظرف ۷ سالیکه از آن عصر منقضی شده یعنی در ۴ سال سلطنت



نموده های سرحدی در زد باتری آمو (نهاد پکه نوت در ولایت فغان و بدخشان)
*Types des postes militaires nouvellement construits au bord de l'Amou-Daria
(prov. de Kataghan-Badakhchan)*

کام بېه در ولايت قطۇن و بې خەمان كى خىصىرس ما دىرىت اسىت
Transactions de coton pour l'exportation (Prov. de Kataghan-Badakhchan)



پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

اعلیحضرت شهید و ۳ سال فرما نفر مائی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در سر تاسر افغانستان (۷) بندجید تمیر و (۲) بندسابقه اصلاح و تکمیل گردیده است که اکثر آنها پیاپی تکمیل رسیده و باقی تحت کار بوده تا ۲۰۱۳ سال دیگر خاتمه خواهد یافت و مجموعاً (۶۴۵۰۰۰) جریب (۱۳۰۰۰ هکتار) زمین را جدید مزروع می‌سازد. علاوه برین (۵) نهر جدید در فضمهای مختلفه وطن عنیز ما حفر و احداث شده که روی هر فنه نهر های ذکور نیز قابلیت مشروب ساختن (۳۵۰،۰۰۰) جریب (۱۰۰۰ هکتار) زمین را دارا می‌باشد که جمع کل زمینهای قابل الزرع جدید به (۹۰۹،۵۰۰) جریب (۲۰۱،۰۰۰ هکتار) زمین بالغ گردیده و اگر برای کشتمندی (۵) جریب زمین یک نفر سنجیده شود، تمام این اراضی جدید الزرع روی هر فنه (۹۰۰،۱۹۱) نفر از اهالی وطن عنیز را مشغول کار و صاحب معیشت خواهد ساخت.

از طرف دیگر درین دوره برای تعديل اصول زراعت بطریعی عصری و اصلاح تربیه حیوانات، مؤسسات مهم از فیل مکاتب زراعت و باغهای نباتات و مؤسسات تربیه حیوانات و نسل گیری تأسیس یافته و نیز برای ایجاد جنگلها و تعمیم نهال شانی و مشجر ساختن مملکت اقدامات بسیار جدی بعمل آمده که از اثر آن نه تنها مقدار کلی نباتات جدید در مملکت وارد گردیده بلکه در ظرف چند سال اخیر متوجه از (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) درخت جدید در سر تا سر مملکت غرس شده است که فسمتی از آن بصورت جنگل و باقی بصورت باغات و در اطراف راه ها و جاده ها و نهر ها و غیره می‌باشد.

همچنین در فسمت تربیه حیوانات و تکثیر حیوانات مفیده و اصلاح و تعديل نسل های حیوانات اهالی و حایث حیوانات وحشی قابل استفاده،

درین دوره بسا افادمات اساسی بعمل آمده که اگر به چند کله تمام آن را خلص کردن بخواهیم باید تذکار نمائیم که از برکت تدایر اتخاذ شده، درین ۷ سال اخیر تعداد حاصلات یوست قره کلی که مهمترین قلم صادرات مملکت و بزرگترین پشمۀ عوائد ملی ماراتشکیل میدهد، سالانه از (۲۰۰،۰۰۰) به (۱۰۵،۰۰۰) جلد زیبده - همچنین اجناس عالی حیوانات اهلی از قبیل گوسفند (مرینوس) «برای اصلاح یشم»، واسیها و گاوها و طیور مختلفه به مقصد نسل گیری از خارج وارد و بتعمیم آن که منجر باصلاح نسل حیوانات افغانی بشود تو جه خوبی مبنی ول گردیده.

از طرف دیگر برای توسعه زراعت پنه در سرتاسر افغانستان مساعی و تشویقات فوق العاده بعمل آمد حتی مقدار (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) سیر (۳۴۵۰) تن خصم پنه اعلی (امریکائی) به زارعین مفت تقسیم شده و خوشبختانه زراعت پنه که امریوزدردینیا یکی از بیادوار مهمن و قیمت داربشار رفته خردباران زیاد دارد، خلبی ترقی کرده ودامنه این ترقی بطورناخدودی بسط و توسعه خواهد یافت. چنانچه قرارسنجشکه بعمل آمده حاصلات پنه سال ۱۳۱۶ بالغ بر (۵۰۰،۰۰۰) سیر (۴۰،۵۰۰) تن) خواهد شد.

ذیلاً موسسات فلاحی را که درین عصر ایجاد و تاسیس و اصلاح و تکمیل یافته فهرست وارنام می برمیم:

الف بند ها:

- ۱ - بند قرغه - ۲ - زنه خان - ۳ - بند سرده - ۴ - بند میلهفو -
- ۵ - بند سرخاب - ۶ - بند خروار - ۷ - بند میمه - ۸ - بند سراج غزنی - ۹ - بند بالتو.

ب نهر ها:

- ۱ - نهر سراج جلال آباد - ۲ - نهر سراج فند هار - ۳ - یک نهر

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

- در سمت غربی - ۴ - یک نهر در سمت مشرقی - ۵ - نهر خیر آباد مزار شریف .
 ج - مؤسسه اصلاح و تعديل زراعت و تربیه حیوانات :
 ۱ - مکتب زراعت - ۲ - مؤسسه زراعت و تربیه حیوانات وافم
 خواجه ملا - ۳ - مؤسسه تربیه حیوانات و نسل گیری وافم علی آباد -
 ۴ - باعث نباتات وافم رفقی سناتور یم - ۵ - مؤسسه پله کشی .
ب : در شعبهٔ صنایع و فتوون :

میتوان گفت که صنایع از مدت چند قرن به اینطرف در مملکت عنیز ما تقریباً بکلی مرده و نه تنها صنعت‌های قدیم که در ادوار تاریخی اسباب شهرت و افتخار افغانستان را فراهم ساخته بود ، باابر عدم توجه مردمان تماماً از بین رفته و چندان اثری از آن باقی نمانده بود ، بلکه صنایع جدیده نیز ابدآ وارد مملکت نشده یک تعداد مختصر صنایع ابتدائی که بحکم ضرورت دوز مرده باقی ما نده بود هم یک حالت بسیار ناقص و بصورت بسیار قدیمی بوده هیچ ارزش واستفادهٔ صحیحی را ارائه نمیکرد - تا آنکه در تاریخ ۵۰ سال گذشته ، حکومت افغانستان برای بار اول به سوی صنایع جدیده متوجه گردیده برای ایجاد بعضی کارخانه جات عصری جهه رفع حوا نیچ مهنة دولتی و تاسیس صنایع مختلفه اقدام نمود و از اثر آن متوجه گردیده تعداد کارخانه جات اسلحه‌سازی و پشمیته باقی و چرمگری و بوت دوزی و بسته کاری و ضرابخانه وغیره در مملکت قایم و دایر گردیده پاره احتیاجات ملی مارا رفع نمود .
 اما نهضت حقیقی صنایع نیز در عصر موجوده بیدا شده و در ظرف هفت سال گذشته چندین کارخانه مهم و بزرگ مطابق جدید ترین اصول صنعتی و فنی در افغانستان وارد و اکثر آن تکمیل و افتتاح گردیده و بعضی هم

سالنامه « کارخانه »

تحت کار میباشد و نیز با موسسات صنعتی دیگر در شرف و رود و تاسیس است که مهمترین موسسات صنعتی این دوره را ذیلا ذکر میکنیم :

۱ - کارخانه بزرگ نساجی :

کارخانه بزرگ نساجی برای ساختمان پارچه های پنبه ئی که فوق العاده طرف احتیاج ما بوده سالانه متوجه وزارت (۱۰۰۰۰،۰۰۰) افغانی از سرمایه ملی برای آن بصرف میرسد - و این کارخانه بزرگ مشتمل بر (۲۰۰۰) دستگاه برقی بوده ، بعد از جریان ، تمام احتیاطات اهالی وطن عزیز ما را در قسمت پارچه های پنبه ئی رفع کرده می تواند و برای خریداری این کارخانه شرکت بزرگی به سرمایه (۵۱،۰۰۰،۰۰۰) افغانی بنام (شرکت نساجی) تاسیس وازیکسال با ینظر خریداری این کارخانه از آمان صورت گرفته و نیز برای تعییر محل نصب آن در حصة بل خمری (در راه کابل و ولایات شمال) که حائز شرایط لازمه تدویر کارخانه برقی است اقدامات لازمه بعمل آمده - این کارخانه حقیقتاً یکی از مهم ترین موسسات عام المنفعه صنعتی و اقتصادی است که در افغانستان بوجود میآید و البته پس از جاری شدن آن که برای دو سال آینده در نظر است ، اقلام مبلغ (۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی سرمایه ملی که حاضراً صرف خریداری پارچه های پنبه ئی میشود بعیوب مبادله مانده برای دیگر اصلاحات و پیشرفت های وطن بخارج خواهد رسید .

۲ - کارخانه پشمینه باقی قند هار :

پارچه های پشمی در افغانستان از سبب سردی هوا فوق العاده طرف احتیاج بوده ، حاصلات پارچه های وطنی از قبیل گرگ و بره و غیره برای احتیاجات تمام اهالی بهیچ وجه کفایت کرده نمیتواند - حتی کارخانه پشمینه باقی

بیشتر فتهای اقتصادی افغانستان

قدیمی که ۳۰ سال پیشتر تا-سیس یافته نه از روی وسعت و نه از روی قوت و فعالیت وجود دید بودن بهیچوجه ملاو رارفع کرده نمی تواند، واژ طرف دیگر اصول شستن و تهیه پشم در مملکت از قدیم بصورت ابتدائی بوده، علاوه از آنکه باوجود اعلی بودن پشم، پارچه های خوبی از آن ساخته شده نمی تواند، برای صادرات نیز پشم افغانی بصورت ناموزونی بار بندی میگردد. بنا بر این جهات بود که چند سال قبل یک کارخانه بزرگ پشمینه با فخریداری و برای تاسیس آن در شهر فند هار که مرکز بزرگ پیدا وار پشم است ترتیبات گرفته شده، اکنون کارخانه مذکور بیانه تکمیل رسیده و این کارخانه نه تنها همه فرم پارچه های پشمی را یافته می تواند بلکه اول پشم را شسته را شست و شو کرده، سپس فشار داده بعد او توکشیده بخوبی، مطابق میل پارچه های مطلوب را از آن می باشد - گویا این کارخانه یک کارخانه مکمل است که از یک طرف تقریباً تمام احتیاجات اهالی وطن عزیز ما را در قسمت پارچه های پشمی و از مواد خام پیدا وار خود مملکت رفع کرده از آن رهگذر مبلغ (۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی را که سالانه طور او سط برای خریداری پارچه های پشمی داده می شود، بجزیب اهالی مملکت باقی می گذارد و از طرف دیگر اصول شست و شو و بار بندی بشم صادراتی را نیز بمردمان داخلی می آموزد.

۳- کارخانه نخنا بی و پارچه با ف جبل السراج :

نخ علاوه از اینکه برای همه اقسام پارچه های بافتی طرف احتیاج میباشد، مقدار کلی آن برای احتیاجات متفرقه نیز بصرف میرسد و ازین رو جریان ویشرفت کاخانه نساجی بزرگ فوق الذکر و بسا کارخانه جات

سالنامه «کابل»

و موسسات پارچه باقی دیگر مملکت و احتیاجات متفرقه اهالی مر بوط به کارخانه نختا بی میباشد و این کارخانه که از چهار سال به اینطرف تحت ساختمان گرفته شده اکنون کار نص ماشین های آن نیز به عمل آمده و تا چند روز دیگر افتتاح خواهد شد. کارخانه مذکور مشتمل بر (۸۷) پایه ماشین برقی بوده، علاوه بر نیزه ریسمی پارچه های یینه‌ئی مختلفه از قسم جیم، چیت تسر نخی و غیره نیز باقته میتواند و در جوار کارخانه برق جبل السراج تاسیس یافته که قوه برق خودرا از کارخانه مذکور حاصل خواهد کرد.

۴- مکتب صنائع :

این موسسه برای احیا و پیش رفت صنائع مو جو ده و ایجاد و ترویج صنائع جدیده عصری است، اگرچه در جزو تشکیلات معارف مهم مملکت عنیز ما محسوب وازمدت ۶ سال به اینطرف روی مکتب رسامی سابق تاسیس یافته، در حقیقت در حیات اقتصادی و مخصوصاً صنعتی افغانستان تأثیر زیادی داشته در عین زمان یکی از موسسات بزرگ صنعتی وطن مانیز بشمار میرود و نظریات اساسی مهمی که برای توسعه و ترقی این مکتب اخیراً بوجود آمده آینده درخشنانی را برای موسسه مذکور پیش یینی میکند و حاضراً شبكات مختلفه آن از قبیل: رسمی، نقاشی، نقشه‌کشی، مهندسی، نجاری، معماری، رنگک مالی، رنگریزی، قالین باقی، طباعت، خیاطی، بسته کاری وغیره اهمیت بزرگی را برای ترقیات آتیه افغانستان ارائه مینماید.

۵- صنائع محبس مركزی:

محبس مركزی که از ۳ سال به اینطرف به اصول عصری تعمیر و در آن برای اصلاح احوال محبوسين و مشغول کردن و عادی ساختن آنها به مشاغل

مختلفه ، اساس همه قسم صناعی و حرفت‌های یدی گرفته شده ، امروز یکی از موسسات صنعتی بزرگ مملکت ما گردیده و روز بروز دامنه پیشرفت و ترقی این موسسه کسب افزونی مینماید . چنان نیجه تنها از اسم بردن شعبات عمده صنعتی مذکور اهمیت حاضر و آتیه صناعی محبس مرکزی در نظرخواهد گرفت . عزیز روشن خواهد شد :

- ۱ - کارخانه تسر بافی پشمی و نخی ۲ - کارخانه شطرنجی بافی
- ۳ - کارخانه گلیم بافی ۴ - کارخانه قالین بافی ۵ - کارخانه الچه بافی
- ۶ - کارخانه خیا طی ۷ - کارخانه بوت دوزی و سر اجی ۸ - کارخانه کیا غذ سازی ۹ - کارخانه کاشی سازی ۱۰ - کارخانه آهنگری و حلی سازی ۱۱ - کارخانه نجاری و خرا دی ۱۲ - کارخانه نگریزی ۱۳ - کارخانه نل و خشت سمنتی ۱۴ - کارخانه تابلو نویسی ۱۵ - کارخانه بنیان و جراب بافی و غیره و غیره شعبات مختلفه دیگر .

این چند موسسه که ذکر کردیم ، عبارت از موسسات صنعتی مهم و درجه اول بود که در ظرف ۷ سال اخیر در افغانستان بوجود آمده ، باقی موسسات مختلفه صنعتی جدید التاسیس این عصر را ذیلاً بطور اختصار نام می‌بریم :

- اول - کارخانه ترمیم موتو و بسته کاری : دارای ۱۸ یا یه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن ۱۰ جولای ۱۳۱۱ (حاضراً دو کارخانه ترمیم موتوردر کابل موجود است ، یکی کارخانه دولتی و دیگر متعلق بانک ملی)
- دوم - دو کارخانه صابون سازی که روزانه (۳۰۰۰) کلچه صابون تبار می‌کنند - تاریخ افتتاح ماه جوزای ۱۳۱۱ - سوم - کارخانه حکا کی و سنگ تراشی و سنگ لاجورد - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ - چهارم - کارخانه تبل کشی

از بناهات - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۱ - پنجم - کارخانه نجاری مركب دارای (۲۵) پایه ماشین - تاریخ افتتاح اول فوس ۱۳۰۹ (حاضر آسه کارخانه نجاری در مركب کابل موجود است : کارخانه نجاری مركب ، کارخانه نجاری دارای القتون دارای (۱۳) پایه ماشین بر قی تاریخ افتتاح ۱۴ عقرب ۱۳۱۱ و کارخانه نجاری مکتب صنائم) - ششم - کارخانه جراب و بنیان باقی دارای (۱۶۵) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن ماه فوس ۱۳۰۹ - هفتم - کارخانه دکمه سازی دارای (۱۲) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن اول فوس ۱۳۰۹ - هشتم - کارخانه چرمگری (بصورت ملی و غیر از کارخانه چرمگری و بوت دوزی سابقه است) دارای (۶) پایه ماشین برقی - تاریخ افتتاح آن سال ۱۳۱۴ - نهم - کارخانه بیخ سازی (در قندهار) تاریخ افتتاح بعد از تکمیل سال ۱۳۱۵ - دهم - کارخانه حفظ میوه (کنسروه) وغیره (در قندهار) دارای (۱۱) پایه ماشین - تاریخ افتتاح ثانوی پس از تکمیل سال ۱۳۱۵ - دوازدهم - کارخانه برق قندهار - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۴ - سیزدهم - کارخانه برق هرات - تاریخ افتتاح سال ۱۳۱۵ . وغیره وغیره مؤسسات خود و بزرگتر ...

از طرف دیگر راجع به استخراج معادن افغانستان که ترقی صناعی بدون آن امکان یافتن نیست درین دوره اقدامات زیادی بعمل آمده واژاً این مساعی ناکنون متعطل از (۳۰۰) معادن مفیده از قبیل معدن طلا ، نقره ، ذغال سنگ ، نفت ، آهن ، من و بسا معدنیات مهمه دیگر کشف و نمونه های همه آن ها در موزه اقتصادی وزارت تجارت برای نمایش گذاشته شده که برخی تحت استخراج گرفته و هم برای استخراج بخشی دیگر از معادن مذکور مخصوصاً

بیشتر فتهاي اقتصادي افغانستان

چشميهای نفت که جهت استخراج آن باشرکت «النداکسیلو دیشن کپنی» امریکائی بتازگی قرارداد شده و معادن جنوب که یاک شرکت مختلط افغان و المان باستخراج آن اقدام خواهد کرد، اقدامات بعمل آمده که عنقریب پس از تصویب یافتن قرارداد های مذکور از طرف شورای ملی افغانستان نتایج خوبی از آن ظاهر خواهد شد و برای ملت و مملکت فوائد بیشماری خواهد رسانید.

علاوه برین در قسمت صنایع ، مطابق نقشه های حکومت متبعه ، برای تدویر چند کارخانه مهم دیگری نیز اقدامات شده که هریک بذات خود در بهبود اوضاع اقتصادی مملکت رول مهمی بازی خواهد کرد ، مهمترین این کارخانه جات که برای خریداری و تورید آن اقدامات لازمه اتخاذ گردیده عبارت است :-
از کارخانه نزد گک قند سازی ازلبلبو که قلاً تجارب زرع لبلبو نیز در ولایت فقطن بعمل آمده و این کارخانه پس از نصب و بکار افتادن تقریباً تمام احتیاجات ملی را در قسمت قند و شکر که سالانه مبلغ (۱۳،۰۰۰،۰۰۰) افغانی برای تورید آن از خارج بصرف مبرسد ، تکافو خواهد کرد . و این غیر از کارخانه قند سازی سابق است که از نیشکر قند استغراج میکند و پس از ترمیمات لازمه آنهم جریان خواهد یافت . و دیگر کارخانه سمنت سازی که بادر نظر گرفتن توسعه و ترقی عمرانات عصری احتیاج روز افزونی برای آن محسوس میشود ، و حاضراً هم سالانه متجاوز از (۱۰،۳۰۰،۰۰۰) برای خریداری سمنت از خارج بصرف مبرسد (و این غیر از کارخانه سابق سمنت سازی است که خیلی کوچک و دارای شکست و رخت زیاد میباشد و آن نیز تکمیل خواهد یافت) و دیگر کارخانه بزرگ برق آلمی بقوت (۳۰۰۰) کیلووات برای تنویرات و تدویر کارخانه جات آتیه کابل و نواحی آن که کارخانه برق بمقام وردک نصب خواهد شد . اضافة

برین خریداری و تورید یک مطبوعه عصری و مکفی تمام حواچ مطبوعات و غیره احتیاجات طباعتی مدلست - و یکدستگاه بزرگ لیگراف بی سیم و یک مرکز بزرگ رادیو و یک مؤسسه اکسپریز را نیز در ردیف کارخانه جات و مؤسسات صنعتی جدیده که عنقریب یا به تکمیل خواهد رسید باید حساب کرد.

ج : در شعبه تجارت

بهمه کس معلوم است که اصول تجارت در افغانستان تا همین ۶۷ سال پیش کاملاً بصورت ابتدائی و تقریباً بحال خود بخودی بوده، ازین رو علاوه از آنکه بحال ملت و مملکت و اقتصاد ملی فائدۀ صحیحی نمیرسانید، چون روز بروز روابط با خارجه توسعه یافته، در دیگر ممالک عموماً اصول منظمی در تجارت قائم و جاری بوده و نیز تجارت خارجی از اوضاع یا خبری تجارت و عدم انتظام تجارت ما استفاده کردن می خواستند، لهذا صدمات شدیدی بر پیکر اقتصادیات ما وارد و حتی از اثر آن علاوه بر امور اقتصادی مملکت امور مالی و منجمله پول افغانی نیز صدمه می خورد و روز بروز بحران اقتصادی و صدمات واردہ کسب شدت میکرد - این احوال بقدری او اوضاع اقتصادی افغانستان را باریک میساخت که از یکطرف روز بروز نرخ مبادله پول افغانی تنزل مینمود و از طرف دیگر عوائد تجارتی بصورت روز افزون کمتر شده رفت، قسمت بزرگ آن در جیب یک دسته تجار ییگانه میریخت - چنانچه کم کم نزدیک بود استقلال اقتصادی ما از دست رفته تجارت خارجی همه تجارتی را بگف خود بگیرند - واقعاً اگر احوال اقتصادی سالهای اول بعد از انقلاب و آنهم مشکلات و بحران های واردہ پیش نظر آورده شود، بخوبی فرمیده خواهد شد که حقیقت برای تبدیل دادن آن اوضاع و رفع بحرانات مذکوره مسامی و زحمات

و عنز م و ثبات قابل تقدیری بصرف رسیده است تا او ضاع تجارتی و مالی همکلت از آن حال فلا کت با تنظام و استواری امر و زه واصل آمده -
بنابرین جهات بود که حکومت خبیر ما بفسکر چاره جوئی او ضاع تجارتی و مالی افتاده ، او لتر از همه تشکیل یک موسسه ملی بزرگ را بصورت بانک
و شرکت لازم داشته در سال ۱۳۱۱ اساس بانک ملی را گذاشت و متعاقب آن توجه مخصوصه خود را بسوی طرح یک نقشه اساسی اقتصادی مبدول
کرده ، به تطبیق اصول (اجماع سرمایه) ک در صور حاضر بزرگترین
وموثرین عوامل بهبود و پیشرفت اقتصادیات تشخیص داده شده ، پرداخت .
چنانچه روی این نظریه از آن وقت تا کنون متباوز از (۵۰) شرکت و
تجارت خانه در سر تاسر همکلت عنیزمه نائیس یافته که سرمایه بخوبی فعلی این
شرکت ها متباوز از (۹۰۰۰۰۰۰) افغانی میباشد - حکومت برای تشویق
و ترغیب و هم جهت امداد و کمک شرکتهای مذکوره یک حصه امتیازات
و انحصارات را که بحال ملت نیز اثرات ناگواری اندخته نتواند ،
بشرکتهای تجارتی داده و بالمقابل از آن ها تعهد اتی مبنی بر ترقی دادن
 الصادرات و اصلاح اصول تجارتی شان گرفته است . علاوه برین شرکت های
تجارتی برای نوید کار خانه جاتی نیز اقدام کردند و بالجمله از اثر
این اقدامات از یک طرف دست تجارت خارجی از تجارت افغانستان کشیده
شد و قسمت بزرگ تجارت همکلت باعامله داران اصلی سرو است گردیده
و از طرف دیگر صادرات و طن عنیز روز بروز چه از احاظ گفت و چه
از احاظ کفیت کسب ترقی نموده است . و با درنظر گرفتن دیگر تسهیلاتی که
از رهگذر نامین امنیت و احداث جاده ها و تمدید خطوط تبلگراف و تیلفون

وغیره برای بسط و توسعه تجارت بعمل آمده، میتوان گفت که امر و ز اصول تجارت در افغانستان کاملاً تبدیل گردیده و مطابق اصول عصری در آمده است. علاوه برین بتوجهات حکومت متوجه و مساعی موسسات تجاری مشکلات تجارتی ما با مالک خارجه تا اندازه زیاد رفع و اصول سهمیه تجارتی با برخی از مالک مرتعی الاجرا گردیده.

خلاصه، ۱- گر پیشرفت های امور تجارتی افغانستان را که درین دو راه ۷ سال گذشته بعمل آمده بچند جمله خلاصه کردن بخواهیم باینقرار خواهد بود:

۱- اصول تجارت مملکت از حالت ابتدائی و خود بخودی نصورت عصری در آمده و همه معاملات عمده روی یک نقشه صحیح و سنجش موثوق بعمل می آید.

۲- دست دلالان و تجار ذات اینینی که ما بین تجار افغانی و کارخانه داران یا تجارت خانه های معامله کننده، واقع و حائز بودند از کار کشیده شده، اکنون اکثر تجار افغانی چه در خرید و چه در فروش را سآ و بلا واسطه با معامله داران اصلی خود ها که عبارت از کارخانه های بزرگ و معتبر دنیا میباشد، در تماس میباشند، و خوب دشان همه قسم های معامله راستجده مینوایند.

۳- موازنۀ صادرات و واردات بوسیله منع واردات بیزوم و ترقی صادرات.

۴- اجتماع و تمرکز سرمایه است که تجارت و سرمایه داران و عموم افراد مملکت عنیز نظر بمساوعی و تشویقات حکومت بسوی این عامل مهم پیشرفت ها و عملیات اقتصادی یعنی (اجتماع سرمایه) متوجه گردیده، در ظرف مدت کوتاهی به تعداد زیاد مؤسسات شرکتی خورد و بزرگ را در هر گوشه و کنار مملکت برای مقاصد تجارت صادراتی و وارداتی تأسیس کرده اند و عموماً ملقت شده اند که سرمایه بزرگ به نحو بهتر و بخرج و خوف اکثر

یزیرقتهای اقتصادی افغانستان

امور اقتصادی را انجام داده توanstه رفاه عمومی را تامین میکند - از اینست که امر وز علاوه بر بانک مرکزی که از لحاظ اهمیت سرمایه خود و هم از رهگذار عملیات و اقدامات خویش مهمترین موسسات اقتصادی مملکت ما بشمار میرود، چند اتحادیه های شرکتی دیگر که در ان چندین شرکت های خود و بزرگ اجتماع نموده، نیز بوجود آمده و با سرمایه جات عمدی و تشکیلات وسیع برای ترقی تجارت وطن عنیز ما تحت پروگرام اقتصادی مجوزه حکومت مشغول کار میباشند و روز بروز نتایج تازه تر و رضایت بخش تری را از حسن عملیات و اقدامات خود ها به قاد ملت و مملکت عرضه میکنند.

همچنین در فرم امور مالی که آنهم در ذیل شق تجارت ذکر شده میتواند، طوریکه در بالا اشاره کرد به حکومت متبوءه ما درین چند سال اخیر افادا مات قابل قدری را بعمل آورده که مهمترین آن عبارت از استقرار نزخ مبادله (افغانی) و قبول معbar طلا و ترویج بولهای کاغذی است، که هریک از این تشبیثات با قبول زحمات زیاد و پس از سنجشهای طولانی و عمیق و اخذ ترتیبات و تدایر اساسیه بحمل آمده و خوشبختانه طوریکه می بینیم از مدت تقریباً ۲ سال با ینظرف از یک سو بول افغانی از حالت بحران خود خارج و دریک معیار متوسطیکه هم برای صادرات و هم برای واردات کمال مساعدت را دارد، استقرار پیدا کرده و نزخ مبادله مستقلی را به قابل رویه هند و بالواسطه بمقابل بسا اسعار خارجه دیگر مالک شده، از دیگر سو بولهای کاغذی که در ار و پا بکمال دقت و قشنگی بطبع رسانیده و ازد وسال باینسو در معرض جریان میباشد، بمقابل یک ذخیره بزرگ فلزات قیمتی و اسعار معتبر خارجی که صهامت چلندا آن بشمار میرود، در معاملات سهولت فوق العاده بیش کرده و از همه جهت موجبات مسرت و رفاهیت و اعتماد ملت افغان را حاصل گردیده.

سالنامه «کابل»

در پنجا برای معرفی مؤسسات مهمه تجارتی و طن عنز بزر تنها اسمای شرکت های عمده تاسیس یافته کی این عصر را با ندازه سرمایه و ظایف اساسی آن ها اسم برد ، از ذکر اسماء و تفصیلات باقی شرکت های داخلی که از گنجایش مقاله ما بیرون است صرف نظر مینهایم :

- ۱ - بانک ملی بسرمایه مجموعی (۲۴۰۰،۵۳۲) افغانی که در تمام امور اقتصادی مملکت دست دارد (سرمایه معاینه آن ۳۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی مینباشد
- ۲ - شرکت اتحادیه شمالی بسرمایه مجموعی (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که کار صادرات یوست قره کلی و پشم و یشه و لایات شمالی و واردات رخت باب و کلوش و غیره را میکند .
- ۳ - شرکت اتحادیه هرات بسرمایه مجموعی (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی برای صادرات قوه کلی و پشم و غیره و واردات اموال ذرعی و غیره .
- ۴ - شرکت نساجی بسرمایه مجموعی (۵۱،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که بصورت اسهام متمرد جم آوری میشود . این شرکت برای تدویر کارخانه بزرگ پارچه باف است که شرح آن در قسمت اقدامات صنعتی آمده و بسیاری از تجار مملکت دران شریک مینباشند .
- ۵ - شرکت پشتون (قندھار) بسرمایه مجموعی (۱۰،۶۷۳) افغانی که کار صادرات میوه خشک فند هار و واردات پترول و شکر کار آمد ولایت فند هار را میکند .
- ۶ - شرکت وطن (قند هار) بسرمایه مجموعی (۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که کار صادرات پشم ولایت فند هار و فراه و واردات اموال جایانی را مینماید .
- ۷ - شرکت صابر بسرمایه مجموعی (۶،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که کار یوست قوه کلی را میکند .

پیشرفت‌های اقتصادی افغانستان

- ۸ - شرکت دیانت بسر مایه (۱۰۰۰۰۰۰۰) افغانی کار یوست فره کلمی رامیکند
 ۹ - » برادران » » (۱۰۰۰۰۰۰)
 » » توکل (۱۰۰۰۰۰۰۰)
 » » قناعت (۱،۲۵۰،۰۰۰)
 » » کوشش (۱۰۰۰۰۰۰۰)
 » » رشتیا (۲۰۴۹۶۰۰۰)
 » سلامت (۱۰۱۰۰۰۰۰) [»
 » ارادت »]
 » سعادت (۱۰۵۹۵،۰۰۰)
 » صداقت (۱،۱۱۰،۰۰۰)
 » اخلاص (۱،۱۲۵،۰۰۰)
 » میمت (۱۰۰۰۴۰۵۰۰)
 ۲۰ - » قالین باقی (۲۵۰،۰۰۰) » برای اصلاح و ترقی قالین
 ۲۱ - » تریاک (۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰) » برای صادرات اصول تریاک

علاوه بر این در فسمت تجارت و ترقیات آن باید تند کار نمود که آنچه پیشرفت‌های مذکور را به نحو واضح تر و صریح تری بیان ثبوت میرساند، همانا افزونی روز افروزی است که در ظرف این ۷ سال اخیر در میزانه تجارتی یعنی سر جم واردات و صادرات مملکتی بعمل آمده چنانچه اگر به احصای تجارتی این دو ره نظر بیندازیم مشاهده میکنیم که سر جم کل تجارت ما از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل اضافه شده: -
 در سال ۱۳۱۰ (۴۴) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۴۲) فیصد و در سال ۱۳۱۲

سالنامه «کابل»

(۲) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۵) فیصد و با در نظر گرفتن افزونی دو سال اخیر میزان کل تجارت افغانستان در سال ۱۳۱۵ متجاوز از (۳) برابر سال ۱۳۰۹ می باشد.

این بود خلاصه پیش‌فتهای اقتصادی مهمه که در ظرف ۷ سال گذشته در مملکت عنیز ما بوجود آمده . اما ناگفته نهاند که همچنانکه عوائد ملی و اقتصاد عمومی نظر به تحریکات فوق ترقی کرده ، عایدات حکومتی نیز طبیعاً از هر جنبه کسب افزونی نموده است . چنانچه از یک طرف محاصله گرد کی در اثر ترقی روز افزون معاملات تجارتی و نیز در نتیجه تدایر صیدیعی که از طرف حکومت در قسمت جلوگیری از تجارت گیری و رفع غیره نواقص گمرکی و تدوین تعریف اصولی بعمل آمده ، نسبت به سال ۱۳۰۹ علی الترتیب در سال ۱۳۱۰ (۱۰) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۳۰) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۰) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۱۶) فیصد و در سال ۱۳۱۴ (۲۵) وبالآخره در سال ۱۳۱۵ (۴ و نیم) فیصد افزود گردیده که به اینقدر جمع محصولات گمرکی سال ۱۳۱۵ در حدود (۳) برابر جمع محصولات سال ۱۳۰۹ میباشد . همچنین دیگر عوائد دولتی از قسم مالبات و محصول مواشی و غیره چشمehای واردات نظر به افادمات و اصلاحات حکومت متبعه و حسن انتظام امور مملکتی و مساعی مامورین مربوطه از سال ۱۳۰۹ به بعد یکسال به نسبت سال قبل به ترتیب ذیل افزوده شده است : در سال ۱۳۱۰ (۹) فیصد و در سال ۱۳۱۱ (۲۴) فیصد و در سال ۱۳۱۲ (۱۲) فیصد و در سال ۱۳۱۳ (۲۷ و نیم) و در سال ۱۳۱۴ (۲۵) فیصد و در سال ۱۳۱۵ (۲۷ و نیم) فیصد و بصورت مجموعی در سال ۱۳۱۰ به نسبت سال ۱۳۰۹ بقدر (۱۴۰) فیصد ترقی کرده . همچنین

بودجه مملکتی سال بسال موازنه لازمه را دارا گردیده است.

در خاتمه باید تند کار کرد که این ترقیات و پیشرفت‌های اقتصادی در خشان و نمایانی که درین دوره بعد از انقلاب نصیب افغانستان عنزیر گردیده و ماشمه از آن را بصورت مجلل، ذکر نمودیم و چشم هر فرد وطن خواه از خواندن و دیدن آن روشن میگردد، در ضمن مشکلات جدی که از اثر بدایت کار و نبودن وسائل لازمه و تنگی وقت و عدم تجربه و غیره وجود دارد، بعمل آمده و بنابران زجاجات و عرق ریزیهای رجالی که آن را بوجود آورده اند بالخاصة مساعی شباروزی رجل نامدار افغانستان حضرت اشرف والا حضرت سردار محمدهاشم خان صدر اعظم و باقی اعضای کابینه دولت و دیگر مامورین مملکتی در نظر از خود و بیگانه نهایت درجه قابل تقدیر بوده و ضمناً به عموم فرزندان و علاقه مندان و بهیخواهان این خاک امید میدهد که مطابق همین پروگرام و خط مشی پیغاضه که اکنون مورد توجه و سر دست حکومت متبعه ما میباشد وطن عنزیر روز بروز به ترقیات و پیشرفت‌های اقتصادی و مدنی بزرگتری ذاتی گردیده مدارج ترقی و تعالی را خواهد بیمود و مخصوصاً اقداماتیکه حاضراً در نظر میباشد از قبیل استخراج معادن و چشم‌های نفت و غیره موجبات سعادت و رفاهیت ملت و پیشرفت و کامگاری مملکت افغانستان را فراهم خواهد ساخت انشاء الله تعالى.

درین این مقاله صورت پیشرفت و کار روانی های سال ۱۳۱۵ موسسات مهمه تجاری وطن را به ترتیب همه ساله تحت عنوان « شرکت های تجزیی » برای مزید استفاده فاربن گرام درج میکنیم:

شرکت‌های تجاری

بانک ملی افغان

خوش بختا نه بانک ملی که مهمترین موسسات اقتصادی مملکت ما بشمار میرود در سنه ۱۳۱۵ پیش از سالهای قبل پیشرفت‌های مهمی کرده و موقعیت بسیار بلندی را در روابط و معاملات خارجۀ خود احراز و بنظر یه و توجه هیئت محترم دولت پلانهای اقتصادی خود را که مراد از اجتماع سرمایه، تشکیل شهرت‌های اتحادیه، انتظام تجارت سمت شمال، استقرار نزد افغانی، توسعه زراعت پمه، تشکیل یک شرکت بزرگ نساجی، تنظیم فروش قره کمی، تشکیل شرکتی برای صادرات تریاک، تحدید واردات در مقابله صادرات، تأسیس یک فابریکه مهم تورمیم موتو وغیره میباشد صورت مطلوب صد فیصد عملی کرده که مانحصرآ بشرح بعضی از جملات فوق بعنوان آن قاریبین محترم خود را مطلع می‌سازیم:

تشکیلات بانک و طرز اداری و سیستم حساباتی آن:

بانک ملی در اوائل سال ۱۳۱۵ حسب تصویب مجلس هیئت مدیره خود، شرکت اسهامی را که مراد از شق تجارت و انتظامات و فابریکات باشد از خود مجزا نموده و تمام سرمایه را بیان شرکت اسهامی مبلغ بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی بنا فع مختصی (کریدت) یعنی اعتبار داده و این شرکت را در تحت اثر

شرکت های تجاری

یکسفل معاون مشمول که از اعضای هیئت مدیره بانک باشد جداگانه
دایر و بشعبات ذیل تقسیم نموده :

الف : ماموریت تجارتی که این ماموریت به سه شعبه تقسیم میشود .

ب : ماموریت انحصارات که این ماموریت به دو شعبه منقسم است .

ج : « ترمیم موثر » « »

د : « نساجی » « »

ه : مدیریت پترول که به دو شعبه : اجرائیه و کنترول تقسیم شده .
ریاست بانک ملی افغان :

الف : مدیریت کنترول و تلقیش عمومی که مرکب از شعبه است .

ب : ماموریت تحریرات و مامورین که « از ۲ »

ج : « اوراق که عبارت از ۲ شعبه میباشد .

د : مدیریت محاسبه بانک به شعبات ذیل منشعب است :

شعبة اطراف ، شعبه مرکز ، شعبه خزانه ، شعبه قراردادهای تجارتی .

ه : ماموریت اجرائیه و تحریرات بانک .

اعتبارات داخله و خارجه بانک :

به نسبتی که بانک ملی اعتبارات خود را با اکثر بانکهای مهم قایم
ساخته پیش نهاده از سایر بانکهای دنیا برای اعطای گردید (اعتبار)
بیانک و ارتباط معاملات آن حاصل گردیده و برکن بانک ملی تحت غور
است ، همچنین طور یکه بانک ملی در داخل مملکت برای تهیه و فراهم آوری
و سایل جدید روح تعاون اقتصادی مصروف بوده در تمام شهرهای داخل
مملکت شعبات دارد ، در خارج هم لحظه در خصوص توسعه معاملات خود فرو
گذاری نکرده بانکهای زیادی را طرف معامله خود قرار داده در شعبات
خارجی خود هم اصلاحات متعددی اجرا نموده است چنانچه در سنه ۱۳۱۵

سازمانه « کامل »

(ونشتورک بانک در مسکو) و (ایمپریل بانک آف انڈیا در پشاور) جدیداً حساب مستقیعی بنام بانک ملی افغان (کابل) باز نموده و حالاً بانک در بانکهای ذیل حساب جاری دارد .

لندن : « ویستمنستر بانک لندن » Westminster Bank Lm'd, London برلن : « دویچه بانک » Deutsch Bank و « دسکو تو گز لشافت » Disconto Gesellschaft

باریس : « ویستمنستر فارن بانک لیتد » Westminster Foreign Comptoir « کنتوار ناسیونال دی کونت دوی پاری » Bank, Paris nationale des comptes de Paris .

بعشی : « امریکن اکسپرس سکونی انکور بوریند » American Express National Company Inc, Bombay « نشنل سٹی بانک آف بیویارک » City Bank of New-York, Bombay Comptoir nationale des comptes de Paris, Bombay .

مسکو : « ونشتورک بانک » .

پشاور : « ایمپریل بانک آف انڈیا » .

از طرف « فیدرل ریزو بانک بیویارک » Federal Reserve Lloyd's Bank, New-York

New-York هم یشنها داتی اخذ گردیده که هنوز تحت غور است . نمایندگیهای خارجہ بانک ملی فرار ذیل اند که هر کدام ایشان بانکهای متعدد دیگر داخل معامله میباشدند :

نماینده گی لندن، نماینده گی برلن، نماینده گی کراجی، نماینده گی پشاور، نماینده گی چمن .

شرکتهای تجارتی

و فعلاً صدور چک و حواله بیلگر اف را بتام مرا کن خارجه و بجمعیت
اسعار مروجہ عالم صادر کرده میتواند.

و هکذا دوائر حکومت و شرکت‌های تجارتی وبالآخره اکثریه از اهالی
و تجار واشخاص خارجه در باشک حساب امامت و جاری داشته باهترین اعتبار
و اعتماد روز افرون معملاً خود را باشک و سعی داده اند که اینک نمونه
از حسابات ۴ ساله باش و اذیلاً بلافحظه قارئین محترم خود میرسانیم:

سال ۱۳۱۲: تعداد حساب جاری و دیده (۵۶)

مجموعه اوسط مبلغ حساب جاری و امامات (۶۰۷۶۰۸۶۵) افغانی و ۷۸ پول

سال ۱۳۱۳: تعداد حساب جاری و دیده (۱۱۷)

مجموعه اوسط مبلغ حساب جاری و امامات (۱۷۰،۳۳۰،۲۳۷) افغانی و ۶ پول

سال ۱۳۱۴: تعداد حساب جاری و دیده (۱۷۶)

مجموعه اوسط مبلغ حساب جاری و امامات (۵۱،۸۲۸،۷۲۲) افغانی و ۶۴ پول

سال ۱۳۱۵: تعداد حساب جاری و دیده (۲۱۰)

مجموعه اوسط مبلغ حساب جاری و امامات تقریباً (۵۶۰۵۰۰۰۰۰) افغانی.

در تعداد فوق قابل توجه اینست که اکثریه دوائر ملی (شرکت تنویرات
ریاست بلدیه و غیره) هم تسهیلات داد و ستد بانک ملی را مورد استفاده خود
قرار داده عائدات و مصارف خود را ذریعه خزانه بانک ملی اجرا میکنند.

انتظام تجارت سمت شمال:

تمام طبقات ملت مظلوم بودند که تجارت سمت شمال افغانستان که تماس
بدولت جاهیر اشتراکیه شور ویه داشت خبایهای نظم بوده و اغلب تجارت
افرادی بدون فهمیدن بمفاد و ضرر خود تجارت می‌نمودند و در نتیجه عده‌منی

سالنامه «کابل»

رابخاطر داریم که متوجه بضرر فاحشی شده سرمایه خود و یکعده تجار دیگر را بیاد نداشته اند. این تجارت رو بهم رفته باصطلاح تقریباً (جنگ دادن بخت رطاع) به طبقه تجار مافعف شده بود (که تفصیل آنرا در تحت عنوان قرارداد تجاری بانک ملی و سو افغان ترک) جدا گانه واضح تر شرح میدهیم. بانک ملی پس از حصول اجازه از هیئت محترم دولت در اوائل سال ۱۳۱۴ شروع باقدامات عقد یک قرارداد سه ساله راجع بخرید و فروش مال التجارة افغانی و شوروی با اداره سو افغان ترک (یک اداره که در روسیه شوروی طرف تجارت با افغانستان است) نموده، پس از امضای این قرارداد بانک مجبور بود که برای اجراء عملی شدن آن شرکت‌هائی با صول تجارت عصری با تنظام صحیحی در تحت کنترول خود بزار، هرات، قندهار بشرط ذیل تشکیل بدهد:

در مزار شریف شرکت اتحادیه شمالي بسر مایه پانزده ملیون (۱۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که سی و شش لک (۲۶۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانک ملی خریداری کرده - برای صادرات پیمه و یشم. در هرات شرکت اتحادیه هرات بسر مایه پانزده ملیون (۱۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که سی و سه لک (۳۳۰۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانک ملی خریداری کرده - برای صادرات پیشم و فره کلمی.

هکذا در هرات شرکت صادرات تریاک بسر مایه یکنیم ملیون (۱۰۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی که شش لک (۶۰۰،۰۰۰) افغانی از اسهام آنرا بانک ملی خریداری نموده - مخصوصاً برای صادرات تریاک (مطابق مقررات بین المللی). در قندهار شرکت وطن بسر مایه پنج ملیون (۵۰۰،۰۰۰) افغانی که یازده

شرکتهای تجارتی

لک و بیست و پنج هزار (۱۰۱۲۵۰۰۰) افغانی از اسهام آن را بالک ملی خریداری نموده برای صادرات پشم و همچنین در نظر است شرکت مذکور صادرات یعبه را که با توجه به سردار محمد داؤد خان فرقہ مشر و نائب الحکومه فند هار در سال ۱۳۱۶ به ترتیب صحیحی در توابع فند هار و چخا نسوز سر ر شنة زراعت آن گرفته شده مطابق هدایت بالک ملی اجرا کشد .

برای شرکت های جدید تشکیل فوق الذکر بالک ملی اعتبار (کریدت) زیادی باشد از بیست و پنج میلیون (۲۵۰۰۰۰۰۰) افغانی داده است تا عند الامتناع شرکت های مذکور ازین کریدت خود استفاده کرده بتوانند .

قرارداد تجارتی بالک ملی واداره سو افغان ترک :

قبل از سلطنت اغای حضرت نادر شاه شهید امور تجارتی فیباین افغانستان و روسیه بصورت طبیعی (خود خود) بوده بلکه بطرف تنزل تدریجی سیر مینمود خصوصاً صادرات افغانستان اطراف روسیه سالانه به بیانه وسیعی کسر میکرد و عوامل حقیقی ابن خسرو را که بطرف ما وارد بود بصورت اختصار در نکت ذیل خواهم یافت :

۱ - تغیر سیستم و روشیم تجارت در روسیه جدید که آنها کل تجارت خود را با فغانستان بصورت مرکزیت جریان میدانند و ما بالعکس بصورت یاشان و متفرق و انفرادی - وابن دو اصول متصاد نمیتوانست اصلی را پیدا نماید که همیشه فائمه طرفین دران تأمین گردیده باشد .

۲ - چون تشکیلات اساسی تجارتی را دارا نبودیم لهذا صادرات ما بسم روسیه در تنزل و روسها چون دارای تجارت مرکزی بودند همیشه تعقیب توسعه صادرات خود را با فغانستان داشتند .

۳ - مسئله اساسی دیگر اینست که چون افغانستان قبل از سلطنت اعلمیحضرت نادر شاه شهید دارای تشکیلات اقتصادی نبوده لهذا همه چیزها باصول طبیعی صد سال قبل مانده بود وار یکطرف مملکت بی در بی درامور و روابط تجاری خود با خارج صدمه میدید و از طرف دیگر در تحت اثر فشار سرمایه و تجارت اجنبي دست تجارما از کار کشیده و در نتیجه تجارت افغانستان یکدم سقوط کرده استقلال اقتصادی آن از دست میرفت.

لهذا روا بط حسنہ مملکتین افغانستان و روسیه، طرفین را وادرساخت که با مورتجاری خود غور نموده اصولی را اتخاذ کنند که رفع نوافض ارتباط تجارتی را حائز و هم سیستم متغیر دو ائم تجارتی با همدیگر بهتر شود - بنابران موافقه تجارتی بتاریخ ۲۵ ثورین بانک ملی و (سو افغان ترک) منعقد و برای مسعود سه سال که از ۱۱ جوزا ۱۴۱۵ (اول جون ۱۹۳۶) شروع و در نیمة چوزای ۱۴۱۸ (اول جون ۱۹۳۹) خاتمه می یابد اموال واردات و صادرات تجارتی ذیل را شامل است :

۱ - اموال صادراتی افغانستان :

پنبه	-	۱۴,۴۰۰	تن
تریاک	-	۹۰	»

یشم بصورت ناشسته	-	۲۹,۰۴۰	»
------------------	---	--------	---

کل قیمت هر سه قلم	-	۱۰۰,۳۵۴,۰۳۸۰	دلار طلائی
-------------------	---	--------------	------------

۲ - اموال وارداتی از روسیه :

قند و شکر	-	۲۵,۰۲۰	تن
پترول	-	۵,۱۰۰	»

شـرـکـتـهـاـیـ تـجـارـتـی

تبل خاک	-	۵۰۰۰۰	تن	
کلوش	-	۳۴۰۰۰	زوج	
تخم یقه	-	۹۲۰	تن	
تکه کستان (برای بارگاهمه)	-	۶۹۰۰۰	متر	
سیم آهنی	-	۳۵۲	تن	
سمنت	-	۱۰۰۰۰	»	
افسام آهن	-	۲۰۰۰۰	»	
موتر	-	۱۵	عراده	
سامان کارخانه یقه پاک کننی	[۲	کارخانه	
روغن کشی و عدل و بندی				
مال ذرعی	-	۱۳۵	۸۰۰	انده
کل قیمت واردہ	-	۱۰۰۳۴۳۸۰	۱۰۰۳۴۳۸۰	دالر طلائی
با هر فرار داد مدنگ کور در نتیجه، هر کدام نقطه نظر خود را برای خود تأمین نموده به تفصیل ذیل:				
نقطه نظر روسیه:				
الف: کارخانه داران روسیه الحال برای مدت سه سال میدانند که در کدام ماه کدام مالی را با افغانستان تحویل و کدام مالی را از افغانستان مبیگرنند و قیمت آن بالغ برجه مقدار بیول است.				

ب : اصول « استندرد » دراموال معامله شده کامل رعایت شده .
 ج : اصر و ز دیگر رو س ها باهر تاجر انفرادی که همچو وقت نمیتوانست
 تعهدات خود را صدق فیضدا یافتدار سروکاری ندارند ، رویه ضمانت بانک ملی را

سالنامه « نابل »

در صحت و عملی شدن قرار دادها بر سر موعده حاصل و اطمینان کامل پیدا نموده که در موعد سه سال تجارت آن بصورت نقشه که در فرار دادها وضع گردیده صورت پیدا نماید یعنی مواد خام حاصل و در عرض مواد صنعتی خود را میدهد. نقطه نظر ما :

الف : از دیاد صادرات مخصوص مواد زراعتی مانند تریاک و پمه که از یکطرف احتیاج مارا از اینکه حلالده و مال وارد مینمودیم مرفع و از طرف دیگر مشکلات دهاین ما که تنها مشغول زراعت جو وکند و همیشه در عسرت گرفتار بودند برای مدت سه سال رفع گردیده .

ب : روسیه قبول نموده که سیزده و نیم میلیون (۱۳،۵۰۰،۰۰۰) افغانی نسبت به سنه گذشته قیمت اموال صادراتی مارابلند برده و قیمت اجناس و اراداتی خود را تنزل بدهد .

ج : روسیه قبول نموده که در سر سرحدات خود و یا در خود افغانستان نه اینکه بادیگر هیچ تا جر افرادی معامله نداشته باشد بلکه از مالدار و وابدیه نشین ها که اموال خود را بچرا گاه ها میبرند نه مال بخرد و نه بفروشد .
د : کل حساب داد و ستد در بانک ملی مرکزیت داده شده و باین نسبت بانک ملی موقع پیدا میکند که عملی شدن قرار دادها و صحت رفتار طرفین را کنترول نماید .

ه : روسیه قبول نموده که بعد ازین تاریخ هر قدر قره کلی که از افغانستان خرید نماید در عرض طلا تأثیر بکند نه مال .

و : روسیه قبول نموده که عوض قند و شکر و پترولی که تا حال با افغانستان می فروخت و طلا اخذ مینمود ، بعد ازین تاریخ عوض طلا پشم و تریاک تحويل بگیرد .

شرکتهای تجارت

ز : موافته های مذکور برای تشکیلات جدید انجادیه های بیت شمال و هرات امداد نموده که آنها زودتر میتوانند موافق تجارت فیبا ین را رفع والبته رفع این موافق بر قبیله طرفین تمام نمیشود .

ح : طرفین در مدت سه سال از هر قسم تنزل و ترقی که همیشه به تجارت افری انداخته و کاهگاهی هم تجارت را بطرف پیران میکشاند «صیون گردیده» اند فیروز برای مدت سه سال برای کل واردات و صادرات طرفین قیمت های معینی را تعین و آنرا مراعات خواهند نمود .

تأسیس شرکت نساجی با سرمایه ۵۱ میلیون افغانی :

چون جزو مهم واردات مملکت اموال ذرعی و محصول تکه های پهنه نی میباشد و از طرف دیگر احتیاجات ماجهت واردات اشایی دیگر مثل ماشین باب اذاسله و موتر و پترول وغیره لوازم حیاتی در تزايد است ولزجهت دیگر برای تروتمند ساختن اهالی پیدا نمودن کار لازم میباشد - لهذا برای توازن واردات و صادرات مملکت و پیدا نمودن کاربرای ملت ، بانک ملی شروع بطالعات در اطلاعات عملي نمودن این پلان نموده ، پس از مشاوره با متخصصین نتیجه را بانک ملی بحضور هیئت محترم دولت تقدیم و تشکیل شرکت نساجی را با سرمایه پنج میلیون (۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی تعین و اسهام آن فرادر ذیل تقسیم گردیده .

۱- حکومت متبوع عما ده میلیون (۵۰،۰۰۰،۰۰۰) افغانی

۲- بانک ملی هشت و نیم هزار (۸،۵۰۰،۰۰۰)

۳- شرکت هایی که پوست قره کلی با آنها با تخصار داده شده و لازم شروع امسال از هر جلد پوستی که بخارج جمل میدارند سه افغانی سهم شرکت نساجی

سالنامه « کابل »

دواخريداری میکشند - هشتاد میلیون (۱۸۰۰۰۰۰۰) افغانی .
۴ - بتدربیج ذریعه بانک ملی بفروش خواهد رسید - پانزده و نیم میلیون
(۱۵،۰۰۰،۰۰۰) افغانی .

جله ۴ فلم فوق : پنجاه ویک میلیون (۵۱،۰۰۰،۰۰۰) افغانی .
مجموع ۵۱ میلیون افغانی شرکت نساجی درسه سال اول در تحت نگرانی
بانک اداره میشود . بعد از سه سال کاراداری شرکت مذکور باساس اصولنامه
اساسی آن به هیئت مدیره اش سپرده خواهد شد .

توسعه زراعت پنبه :

میتوان بانک ملی را او لین سری تو سعه زراعت پنبه در وطن عن بن ما
معروفی کرد . چه مملوکت سر سبز و شاداب ما از هر حیث مستعد به تو سعه
زراعت است مخصوصاً زراعت پنبه . و اصریوز حاصلات پنبه اهمیت و مقام خاصی
در صنایع دنیا دارد - بانک در اواخر سال ۱۳۱۴ (باندازه ۷۲۰) خر وار
(۳۰ تن) از بهترین تخم یمه امریکائی که در زراعت جنوب روسیه مرسوج
است وارد کرده در توابع ولایت قطعن و مزار شریف توسط شرکت شمالی مجانی
بدهافین تقسیم در سال ۱۳۱۵ حاصل فوق التصوری از زراعت مذکور تتجه گرفته
شده و شرکت اتحادیه شمالی برای زراعت سال ۱۳۱۶ ترتیبات مفیدتری در نظر
گرفته و یقین وائق است که با توجه مخصوص و ، ج شهر محمد خان نائب الحكومة
قطعن و بدخشان بذر تخم یمه سه مقابله سال گذشته توسعه پیدا کند .

قرار یکه توسط متخصصین فنی یمه حاصله زراعت سمت شمال افغانستان
معاینه شده از قسم بهترین یمه ها است . برای مخلوق یمه ذریعه زا هوت ها
(ماشین های برقی) و آنده بندی آن ماشین های برقی فشار ، شرکت شمالی یک

شرکتهای تجاری

بلان وسیعی را تصمیم گرفته و در بودجه خود مبالغ هنگفتی را منظوری داده است که تفصیل آن علیحده بصورت واضح تر بلافحظه قارئین محترم رسانیده میشود .
استقرار نرخ افغانی :

علاقة متدان اقتصاد بیان خواهد داشت که مردم اساسی تأسیس بانک ملی که (او لا بنام شرکت سهامی یاد میشد) تماوی بحران پول افغانی بوده است . زمامداران بانک در اولین مرحله تدبیقات خود تشخیص عوامل بحران را علت نقص صادرات دانسته در قدم اول خود بدون اینکه مداخلتی در استقرار نرخ و بدست گرفتن کنترول اسعار بخوایند ، چراه اساسی برای حل این مطلب سنجیده آن را درز مرۀ اقدامات فوری خود گفتند . چنانچه بواسیله توسعه زراعت یمه و ازدیاد صادرات تریاک که در احصائیه صادرات ما سابقه نداشته و بدست گرفتن کنترول فروش یوست قره کلی (که یکی از ا源泉 عمده صادرات است) در داخل و خارج از صدور مبالغ هنگفت پول نقد در مقابل وارد کردن بعضی اجناس جلوگیری کرده و بالاخره در برج عقرب ۱۳۱۴ چنانچه قارئین محترم شرح آنرا در سالنامه ۱۳۱۴ مطالعه فرموده اند بانک ملی استقرار نرخ افغانی را دفعتاً با وجود تنزل فاحش کلدار برای مدت شش ماه بدست گرفت . و در این مدت او لین تجارب عملی خود را در اطراف جلوگیری از تنزل افغانی و بدست گرفتن احصائیه واردات و صادرات حاصل نموده پس از آن باجرای عملی ساختن منظور خود مصمم گردید و در برج جوزای ۱۳۱۵ یعنی نهادی به هیئت محترم دولت تقدیم کرده واستقرار نرخ افغانی را به میعاد غیر محمد ودی متقبل گردید و حکومت متبعه هم نظریه بانک را تائید و منظور فرموده در مجلس عالی وزرا در ماه جوزا این پیشنهاد بانک تصویب

سالنامه « کابل »

فرموده شد . اینک متتجاوز از ۱۸ ماه از استقرار نرخ مسکوک افقانی و محدود ساختن خرید و فروش آن بیانک ملی میگذرد و با نک کا میباشد این سرما خود را به قاد اقتصادی و طن تکمیل کرده و درین مدت مبالغ هنگفتی را از ذخایر اسعار خارجه خود طلا ، نقره ، بحکومت خرید اردی و ارد ساخته در مقابل مسکوک افقانی گرفته است .

بانک ملی به تناسب استقرار نرخ کلدار برای اینشکه خرید و فروش اسعار خارجه مروجہ تمام ممالک را به نرخ (بورس) های دنیا اجرا کرده حتی الامکان از سو استفاده غیر جلوه گیری نماید ، در با نک یک شعبه مخصوص برای وضع وترتیب نرختنها تشکیل داده که وظیفه این شعبه سنجش صحیح نرخ اسعار خارجه و طلا ونقره باساس تبلیگراهای واردہ از روی نرختنها بورس لندن به نسبت نرخ کلدار و استقرار افقانی میباشد که وقاً فوقتاً تعییر و تبدیل نرخهای اسعار خارجه را از روی بورس صحیح لندن اصلاح و بروز نامه و مراجعت آن و شعبات خود اطلاع میدهد .

از طرف دیگر مأموریتی از طرف بانک ملی در گمرک کابل و فندهار تاسیس گردیده و همچنین در نظر است بهرات وغیره نقاط نیز مأموریت‌ها دایر گردد و اینها موظف اندگه کنترول واردات و صادرات را نموده تصدق و اجازه محصول همان اموال واجناس وارداتی را بدند که قیمت آن اسعار خارجه از بمال مای خریداری شده باشد یا اینشکه بالمقابل اموال صادراتی داشته باشد .

سیتم محاسباتی وطرز دفتر داری بانک :

بانک ملی حتی الامکان نصب العین دارد که مأمورین صحیح ولا یقی پیارک استخدام کرده و آنها را تحت تعایم و تریه بگیرد . چنانچه یکنفر متخصص

شرکت‌های تجارتی

دفتر را از خارج مستخدم کرده و کورس بانکی را مفتوح نموده و مامورین بانک را در زیر اثر آن وادار به تعلیم دفترداری نموده و فعلاً دفتر بانک باصول دفاتر بانکهای امریکا (ژور نال مجلد امریکائی) یعنی دفتر داری دو طرفه (دلیل انتری سیستم) جاری است.

همچنین در سال ۱۳۱۵ کورس اقتصاد سیاسی رامفتوح ساخته مامورین بانک و بعده از مامورین وزارتها و دوازهای حکومت را برای تحصیل دروس اقتصاد سیاسی در تحت اثر و تعلیم (موسیو منچولی) مشاور مالی وزارت مالیه وادار به تعلیم نموده و یکمدتی کورس مذکور دایر و در نتیجه (۹۰) فیصد از شاملین کورس کامیاب شده شهادت‌نامه گرفتند.

هیئت مدیره و مامورین غالی رتبه بانک ملی :

الف : هیئت مدیره :

ع ، ص عبدالمجید خان رئیس .

« ، دوست محمدخان ایماق معاون شبکات تجارت و انحصارات «شرکت اسهامی» .

« ، غلام حیدر خان مختار زاده معاون شق بانکی .

« ، سید کریم خان .

« ، حاجی عبد الغالق خان .

« ، محمد عمر خان (رئیس شرکت اتحادیه شمالی) .

« ، خیر محمد خان .

دب : مامورین شبکات هر کفری بانک :

ص ، محمد موسی کاظم خان مدیر تفتیش و کنترول

« ، محمد عمر خان ، مدیر محاسبه بانک .

« ، غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .

سالنامه « کابن »

ص ، غلام علیغان سر خوش مامور او را ق ریاست .

« ، غلام بہا الدین خان مامور تجارت .

« ، محمد موسى خان مامور انحصارات .

« ، عبدالمجید خان مامور اجرائیه .

« ، محمد زمانخان مدیر شرکت بطرول .

« ، امیر الدین خان مدیر شرکت نساجی .

« ، عبدالکریم خان احراری مامور فابریکه ترمیم موتور .

ج : مدیران بانک در داخل مملکت :

ع ، حاجی گل محمدخان در فندهار .

ع ، سید کریم خان در هرات

ص ، شاه محمد خان در اند خوی

د ، محمد امین خان در مزار شریف

« ، صالح محمد خان در فراه

ص ، سید احمد خان در مینه

« ، محمد عثمان خان در غزنی

« ، عنیز الله خان در جلال آباد

« ، غلام رسول خان در گردیز .

« ، یاپنده محمدخان در خان آباد

« ، عطا محمد خان در مقر

د : مدیران بانک در خارج :

ع ، خان محمد خان در پشاور

ع ، خیر محمد خان در کراچی

ص ، عبدالرؤوف خان در برلن

ص ، محمد یعقوب خان در لندن

« ، محمد عثمان خان در پاریس

« ، صلاح الدین خان در چمن

« ، رحیم آفای احمدی در کرکی

« ، سید عبدالوهاب خان در کشکی

« ، عبدالحسین خان علی او ف در مرن

شرکتهای تجاری

بیلанс سال ۱۳۱۴ بانک ملی افغانی

سرمایه و قروض :

۱ - سرمایه معین (۳۵،۰۰۰) سهمی سهم یک هزار افغانی ۳،۰۰۰،۰۰۰ - افغانی

الف : اسهام فروش شده ۱۵،۸۸۸،۰۰۰ - افغانی [جمله ۳۵،۰۰۰،۰۰۰] ب : اسهام فروش ناشده ۱۹،۰۱۲،۰۰۰ - »

سرمایه با (۱۱/۱۱۷۱،۰۵۳۳) مقادیر ۱۳۱۴ مساوی (۲۴،۰۵۹،۰۵۳۲) - »

۲ - قروض - الف ، حساب جاری ۴،۱۳،۰۲۹۴/۷۱ - »

الف : قروض میعادی وغیره ۶۲/۱۰۹ - افغانی [۱۴۰۴،۱۰۹/۶۲] ب : تعین کله دار ۱۰۵،۰۰۰/۰ ۲۹،۰۵۴،۱۰۹ - »

» جمله ۴/۳۳ - ۴۳،۶۵۴،۴۴۰ - »

» ۱۸،۰۱۷۴،۰۳۲۸/۱۲ طلبات و مترقبه

» ۵۱،۰۸۲۸،۰۷۴۲/۲۰ جمله

» ۴۰،۰۰۰،۰۰۰

از بابت نقل شد سهم

» ۸۶،۰۸۲۸،۰۷۴۲/۴۵ جمله

» ۱۱/۱۱۷۱،۰۵۳۳ - »

از بابت منافع ۱۳۱۴

» ۹۵،۰۰۰،۰۲۷۵/۵۶ جمله

موجود و جایداد :

۱ - موجود :

الف : نقدی و قیمت اسعار خارجه ۵۰،۸۴۹،۰۷۷۷/۷۴ - افغانی

ب : قیمت جنسی اموال تحویل خانه ها ۵۹/۰۲۶،۰۷۱۰ - افغانی ۹۰،۰۲۶،۰۷۱۰/۷۵ - »

ج : « » اثاثه ۱۲۱،۶۵۱/۱۶ - » ۹۰،۱۴۸،۰۳۶۱/۷۵ - »

» جمله ۱۴،۹۹۸،۱۳۹/۴۹ - »

سالنامہ «کابل»

۲ - جایداد:

ذمه کی دوائر حکومت از بابت ۱۹۰۴۸۹۰۶۱۱/۷-افقانی
قیمت تخفین کلیدار وغیرہ ۴۱۰۴۰۰۵۲۴/۹۹
ذمگی معاملہ داران ودیون ۸۰۰۰۰۲۰۱۳۶/۶-افقانی
اسهام پرداخت ناشدہ ۱۹۰۱۱۲۰۰۰
جملہ ۹۵۰۰۰۰۲۷۵/۵۵ منافم و مضار بشکل مشروح :

الف : مناقم :

شمعة ناٹ

شعبة داخليه مفاصيل تجاري

» خارجه »

5

JOURNAL OF CLIMATE

54

— 1 —

جملہ شد ۶/۴۳ - افغانی ۱۱،۸۷۰،۸۵۴

شرح مضمار :

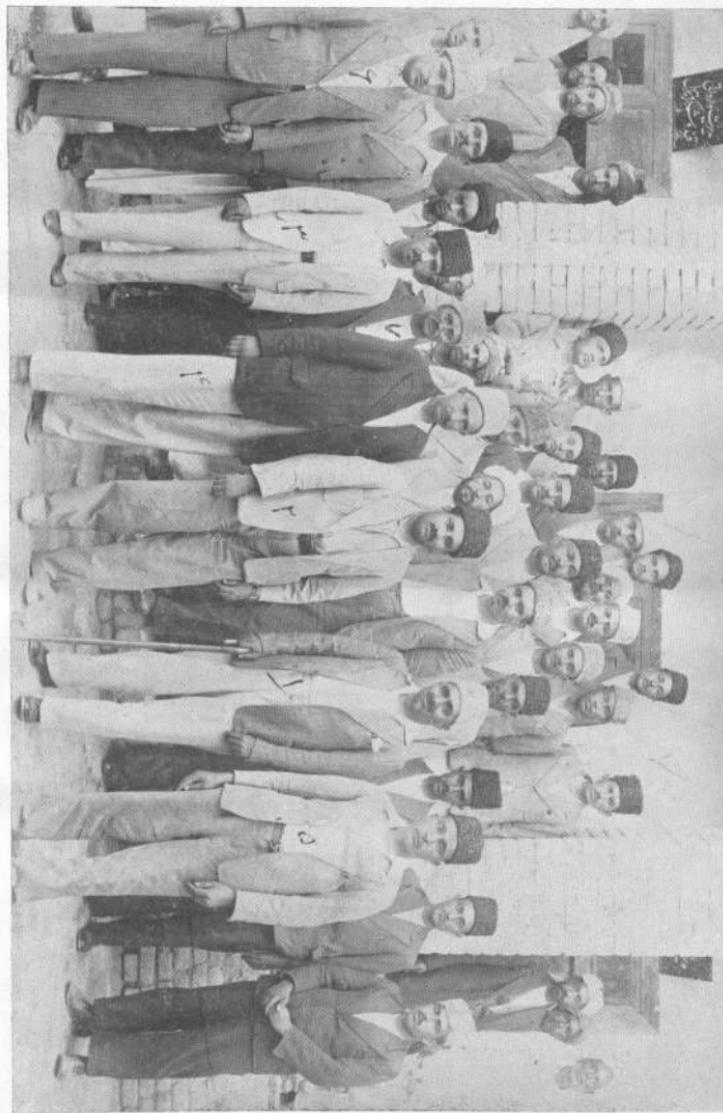
از بابت معاش و مصارف و ضرر متفق فرقه ۳۵، ۲۴۳، ۶۶۶ - ۳۰۴، ۳۲۱ / ۳۵ - افغانی د ۴۷۰، ۶۵۰/۰ د ۴۷۰، ۶۵۰/۰ د

مذاق خالص :

دیوچه اریاب اسهام ۸۰۰۸۱۷/۷۷۸-۸۰۰۸۱۷/۱۱-افقانی

شہری اتحاد کے شعبہ

* - شهرستان اتحادیه شمالی که در اثر توجیه حکومت متبوعه ما و اتحاد و اتفاق



هیئت اداری شرکت احصایی شمال : ۱-ع، من محمد عمر خان رئیس ۲-ع، خبر محمد خان مدیر عمومی
بانک ملي، ۳-ع، عبدالاحد خان مدیر عمومی حکمی و کنترل شرکت ۴-ع، عبدالعزیز خان
مدیر شعبه اول صادرات ۵-ع، سید ابراهیم خان مدیر دوم صادراتی ۶-ع، جمال الدین خان
مدیر شعبه سوم واردات ۷-ع، سید اقبال خان مدیر شعبه چهارم و دار دانی

Les membres du conseil d'administration de la Société Coopérative du Nord à Mazar-e-Charif.



نایندگی شرکت اتحادیه شمال در کابل : در وسط جناب نظام الدین خان
ناینده - طرف راستش جناب عبدالحکیم خان معاون - طرف چیش
جناب محمد عمر خان مأمور معاشه

Les représentants de la Société Coopérative du Nord à Kaboul

شرکتهای تجارتی

بعضی شرکت‌های کوچک کوچک و تاجران ولایات شمال در برج دلو ۱۳۱۴ بسربالیه پانزده میلیون (۱۵۰۰۰۰۰۰) افغانی در منازر شریف تأسیس و در ماه جولی ۱۳۱۵ رسماً افتتاح گردیده بود، اکنون که یکسال از تأسیس آن میگذرد در اثر جدیت و فعالیت مأمورین خود نتایج خوبی داده و مطابق مرآمیکه دارد، نایل موقبیت و پیشرفت‌های قابل ملاحظه گردیده است که اینک ما ذیلاً خلاصه آن را از نظر قارئین محترم گذارش میدهیم:

الف - تشکیلات شرکت و وظائف شعبات مختلفه آن :

شرکت اتحادیه شمالی امور خود را پنج‌هار شعبه منقسم نموده و هر شعبه یک شق کار شرکت را عهده دار میباشد - اسمای آمرین شعبات چهار گانه و وظائف واجرا آت هر یک از شعبات مذکور قرار ذیل است :

رئيس شرکت : ع ، ص محمد عمرخان (سابق نایب‌نده تجارتی در لندن) .
مدیر عمومی محاسبه و کنترول ع ، عبدالاحمد خان .
شعبات چهار گانه شرکت :

مدیر شعبه اول صادراتی : ص ، عبدالعزیز خان تاجر کابلی .
وظیفه شعبه اول واجرا آت آن : - کار پنهان تعامی و لایات شمالی و خریداری یکصدهزار (۱۰۰،۰۰۰) یوست قره فلی است - به این تفصیل ، ذرع و جمع آوری پنهان سال ۱۳۱۵ که تهم پنهان از طرف شرکت اتحادیه شمالی مجاناً برای زراعین تقسیم شده یکی از اقدامات بزرگ شرکت اتحادیه شمال بشمار می‌رود، و خوشبختا نه در همین سال اول شرکت موفق شد که قسمت بزرگ مقدار مطبوعه صادرات پنهان را که با مالک خارجه قرارداد شده بوقت لازمه تهیه و تدارک کند . والبته در سال ۱۳۱۶ نظر به اقداماتیکه در تمام

سالنامه «کابل»

صفحات شماری بالغاصه درقطفن برای افزونی حاصلات ینبه بعمل آمده ، مقدار پمه نسبت به سال ۱۳۱۵ بسیار ترقی خواهد کرد و موجبات استفاده اهالی و زارعین و شرکت را بیش ازپیش فراهم خواهد ساخت ، علاوه‌تاً شرکت اتحادیه شماری ینبه را از اهالی باینه دانه خریداری کرده وسیس ذریعه ماشین‌های مخصوص آن را از پنهانه دانه جدا نموده و بخارج صادر مینماید . شرکت در سال ۱۳۱۵ چندین دستگاه ینبه یاکی از خارج وارد نموده بکار انداخته است که فعلاً درولایت مزار شریف وقطفن مشغول کار میباشد ، اما از تجربه که برای شرکت حاصل شده ماشین‌های فعلی برای سال ۱۳۱۶ گفایت کار را خواهد نمود ، بنابران شرکت ازحالایک تعداد ماشین‌های ینبه یاکی جدیدرا از خارج خواسته است وهم شرکت درنظر دارد که در سال ۱۳۱۶ ماشین‌های روغن کشی یاکی وغیره ماشین‌های تکار آمد ینبه را در مزار شریف و ولایت قطفن بکشت دایر کند چنانچه کارات مذکور از حالا آغاز گردیده .

مدیر شعبه دوم صادراتی : ص ، عبدالرحیم خان تاجر مزاری .

وظیفه شعبه دوم واجرا آت آن ، خریداری وجمع آوری تمام پشم فرهنگی و عمرانی وغلزانی است باخریداری یکصد هزاریوست (۱۰۰۰۰۰۰) فرهنگی به این تفصیله در خریداری وجمع آوری یشم طور یکه از طرف ریاست شرکت ترتیبات لازمه گرفته شده بود در سال ۱۳۱۵ بجمع آوری و خریداری پشم و لایت شماری آن پلانها ئی که در نظر بود عملی شده و خریداری پشم وشتن آن یکصورت صحیح اجرا گردیده و شرکت موفق شده توافت است که پشم را شسته و ذریعه ماشین‌های مخصوص بار بندی نموده بصورت اصولی بخارج صادر نماید .

مدیر شعبه سوم وارداتی : ص ، جمال الدین خان تاجر مزاری .

شرکتهای تجاری

وظیفه شعبه سوم وارداتی واجرا آت آن : - وارد نمودن اموال ذرعی و کلفس را بری از خارجه باین تفصیل :

شرکت اتحادیه شمالی مصارف اجتناس و کلفس روسی را در ولایات شمالی از روی سنگش تحت یک نقشه و پروژه اساسی اقتصادی در آورده و اجتناس لازمه اهالی را به اوقات معینه ضرورت آن وارد نموده وبالای اهالی یک نزخ منابع و مستقل بفروش می رساند ، که به نسبت ترتیب سابق خیلی بهتر و مساعدتر میباشد .

مدیر شعبه چهارم وارداتی : ص ، سبد اقبالخان تاجر منزادی .
وظیفه شعبه چهارم وارداتی واجرا آت آن : وارد نمودن بطرول و قند و شکر و تبل خاک است باین تفصیل :

امور شعبه چهارم نیز تحت یک نقشه صحیح اقتصادی از طرف ریاست شرکت در سال ۱۳۱۵ به کمل موفقیت اجرا گردیده و قابل اطمینان است .
ناینده شرکت اتحادیه شمال در کابل : ص ، نظام الدین خان تاجر منزادی .

ب : - منافع شرکت اتحادیه شمالی در سال ۱۳۱۵ :
شرکت اتحادیه شمالی با وجود اینکه سال ۱۳۱۵ سال اول کار آن است باز هم به اثر جدیتی که از طرف شعبات آن بعمل آمده استفاده های خوبی بدست آورده که ذیلاً شرح داده میشود :

میزان مقادیر یکساله شرکت فرار اندازه که شده متباوز از (۶۵ فیصد) اصل سرمایه خواهد بود - البته تفصیلات منافع شرکت پس از تکمیل بیلانس بصورت صحیح معلوم خواهد شد .

درخانه باید اضافه کرد که این شرکت مهم که برای اصلاح و تنظیم و تحریک دادن تجارت مواد مهم صادراتی همکلت تاسیس یافته یکی از موسسات

سالنامه «کلین»

مهمه اقتصادی مملکت بشمار رفته نتایج بسیار مطبوعی از آن مأمول است که این موقیت های یکسانه اول آن امید های زیادی به بهی خواهان وطن میدهد .
شرکت پشتون فندهار

شرکت پشتون فندهار که اکنون سومین سال حیات خود را بر رسانیده وارد مرحله چهارم خود میشود ، همچنانکه در سال های گذشته مشاهده کردیم ، مطابق اساسنامه و مرا migliه نسبت به اصلاح و ترقی صادرات مبوبه های فندهار دارد روز بروز دامنه اقدامات خویش را درین راه توسعه داده و از طرف دیگر تشکیلات و سرمایه و تعداد شرکای خود را نیز افزوده است . علاوه برین شرکت مذکور در داخل امتیاز یکه برای وارد کردن شکر و تبلیل پترول و سائز روغنیات موثر دارد ، به وارد کردن مقدار کافی شکر و تبلیل وغیره اشیای فوق الذکر پرداخته . اقدامات عمده شرکت مذکور در سال ۱۳۱۵ قرار ذیل است :

الف تاسیسات جدیده :

۱ - نصب بیکارانداختن یک فابریکه جدید حفظ میوه تازه (کنسروه) که فابریکه مذکور در سال ۱۳۱۵ بطور نمونه - یک مقدار قطعی های مبوبه سربسته را تهیه کرده که در ان همه اقسام میوه جات اعلا و مشهور رفند هار از قبیل شفتالو ، زردالو ، آلوچه ، ناک ، سیب ، وغیره باصول فنی و صحی محفوظ گردیده و قطعی مذکور نیز همراه مارک (نشان تجاری) مخصوص و فشنگ برای جلب مشتریان تهیه شده است .

۲ - بکار افتدن ماشین قطعی سازی برای حفظ میوه تازه که مقدار زیادی قطعی های فلزی ساخته و سر آن را باصول فنی بسته کرده است .
۳ - بکار افتدن فابریکه بین سازی که در اوائل سال ۱۳۱۵ در فندهار

شرکتهای تجارتی

بعریان افتاده و در تمام مدت گرما بقدار کافی بخ برای مصرف محلی تهیه نموده است . وجود این فابریکه در قندهار که بوقت تابستان هوای آن کسب حرارت میکشد ، نهایت مفید و قیمتی شمرده میشود .

۴ - بکار افتدن ماشین یا کردن میوه خشک .

۵ - تاسیس یک کارخانه بزرگ وطنی برای تفریق اقسام میوه و پر کردن قطعی ها وغیره که دران یک عدد عمله مطابق استعداد و قوای خودها مشغول کار میباشند - درین مورد باید دانست که فقط های فشنگی که برای میوه جات خشک قندهار از قبیل اقسام کشمکش و آبجوش و شکر پاره (زردآلوی خشک) وانجیر وغیره ، تهیه شده ، برای جلب مشتریان بسیار مؤثر ثابت خواهد شد . چنانچه از حلا باوجود بدایت کار فیمت یک یوند (قریب یک باو) میوه که در داخل قطعی باصول صحیح حفظ شده از قیمت میوه معمولی خیلی اضافه شده است .

ب : اجرا آت امور اداری و اقدامات متقرفة تجارتی :

۱ - ترتیب بیلانس سالانه شرکت که بوقت مقرر حسابات پکساله سنجر و تصفیه شده : فائدۀ خالص (۳۷) فیصد تعیین و به عموم شرکاء اعلان گردید که هر کس مطابق دلخواه خویش منفعت مذکور را اخذیا باسهام خویش اضافه کرده میتواند و هم هر شریک حق دارد که یک قسمت یا تمام سرمایه خویش را واپس بگیرد .

۲ - انعقاد مجلس سالانه که مقارن نشر بیلانس انعقاد یافته دران از عموم شرکا دعوت بعمل آمده بود و در همین مجلس معاملات شرکت توضیح و نظریات و اقدامات آینده شرکت از نظر شرکای مذکور گذشتانده شده نظریات و اقدامات پیش نمادی هیئت مدیره شرکت که دایر بزر تو سیع شباهت شرکت در داخل و خارج و اصلاحات مختلفه مفیله و تورو یا ماشینها و کارخانه

سالنامه «کابل»

جات مختلفه بود ، پس از مباحثات لازمه به تصویب رسیده ، اعلان گردید .
 ۳ - تجدید و تمدید امتیاز شرکت ، که پس از ختم سال مالیاتی شرکت
 و تو تیپ بیلانس سال ۱۳۱۵ ، چون دوره سه ساله امتیازات شرکت
 با ول جمل ۱۳۱۶ خاتمه می یافتد ، شرکت عرب‌ایضی بحضور حکومت تمدید
 و دران حسن کار روانی خوبش را شرح داده ، تمدید امتیازات خود را آمنا
 گرد و حکومت پس از مطالعات لازمه امتیاز صادرات میوه خشک را برای
 هشت سال و انحصار شکر و پترول و سائر روغنیات موترا را برای سه سال
 دیگر تجدید و تمدید نمود .

۴ - ترقی قیمت فروش میوه جات در خارج ، با اقدامات عاملانه شرکت
 پیشتون در سال ۱۳۱۵ قیمت فروش میوه جات قند هار اضافه به ترقیاتی که
 در سال گذشت نموده بود (و ما آن را در سالنامه سال ۱۳۱۴ ذکر
 کرده ایم) باندازه (۳۰) فیصد دیگر نیز ترقی کرده است .

- ترقی مقدار صادرات میوه ، بنابر تشویقانیکه از طرف حکومت و
 شرکت پیشتون بعمل آمده و نظر به ترقیاتیکه در ظرف دو سال گذشته در
 قیمت فروش میوه جات قند هار رخ داده ، در سال ۱۳۱۵ مقدار صادرات میوه خشک
 قند هار نسبت به سالهای گذشته باندازه (۲۰) فیصد ترقی کرده است که دامنه
 این افزونی سال بسال و سعی پیشری خواهد یافت .

شرکت تنویرات

شرکت تنویرات که یکی از موسسات عام امنیتی مملکت مامیباشد و از
 سالیان درازی مشغول کاربوده سال بسال به اثر زحمت کشی مأمورین و حسن نظریات
 شرکای خود حائز پیشرفت های روز افزون گردیده در سال ۱۳۱۵ قدم

شرکتهای تجارتی

ها ای مهندسی در راه رفاه عمده و توسعه امور خویش برداشته است که ذیلاً مختصر آن از نظر قارئین گرام گذارش داده می شود :

۱ - پیشتر ها چون اصول دفتری و حسابی شرکت تنویرات به اصول سابقه جریان واژین ناحیه تصفیه حسابات و معاملات مشترکین برق هرسال تا هجره ماه به طول می انجامید ، در سال ۱۳۱۵ از توجهات عالیه و نظریات بهی خواهانه حکومت مقدس ومصلح ما به اثر پیشنهاد صداقت‌آب محمد نعیم خان انجمنیر ریاست شرکت تنویرات ، صورت حسابات واردات شرکت بروی یک اسا س صحیح و اصول عصری طرح ویس از منظوری مقامات رفیعه صلاحیت‌دار و ملاحظه متخصص مالی وزارت مالیه اصول حسابیه جدید از ماه جوزای ۱۳۱۵ بکار افتاد .

اصول حسابیه جدید نه تنها اصول حسابات سابقه را به اصول عصری تحول داده بلکه در تحریم اجرا آت و تصفیه حسابات واقعی افتاده شرکت نیز موجد نتائج و فوائد بسیاری گردیده . چنان‌نچه باصول تازه حسابی یول باقی بندمه مشترکین برق بطور قطع باقی نمیماند . و تا کنون که از بکار افتادن حسابات جدیده ده ماه سپریست امور حسابیه شرکت بطور اطمینان بخش جریان داشته ویش میرود .

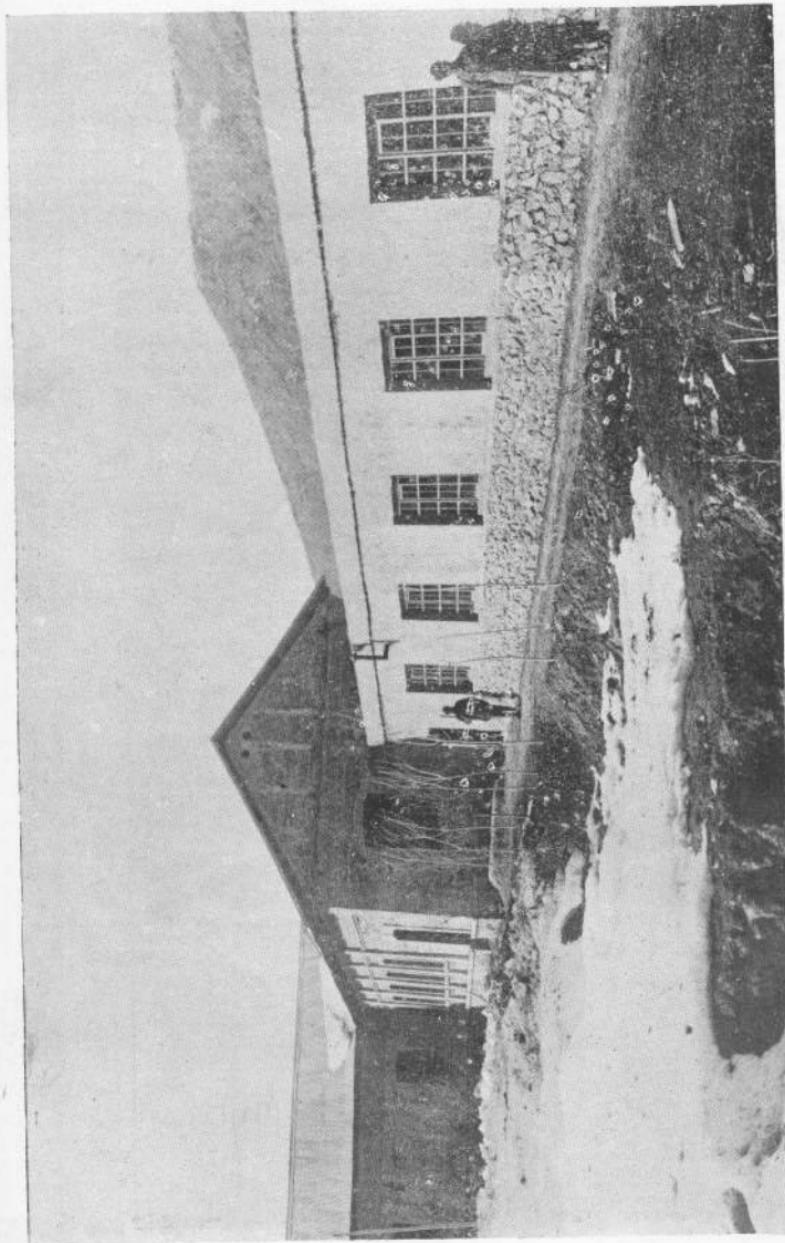
۲ - چریقه یک بر یک رنیم و بر دوی برق که از بد و تاسیس این موسسه در صورت عدم تأثیر محسول بوقت معینه ، از اهالی مشترکین برق اخذ و با یول اصل محسول نوا مآ تحویل میشد ، درین سال نظر به عاطفه بلا نهایه حکومت متبعه خیر اندیش موجوده ما و نظریات شرکت تنویرات کاملاً لغوقار داده شده که این القای چریقه برق نه تنها به رفاهیت مشترکین برق انجامیده بلکه به فیصله حسابات و سهولت کار این موسسه نیز مساعدت بزرگی به مردم می‌رسیده است .

۳ - اداره فنی ریاست شرکت تنویرات در سال ۱۳۱۵ در رشته امور فنی

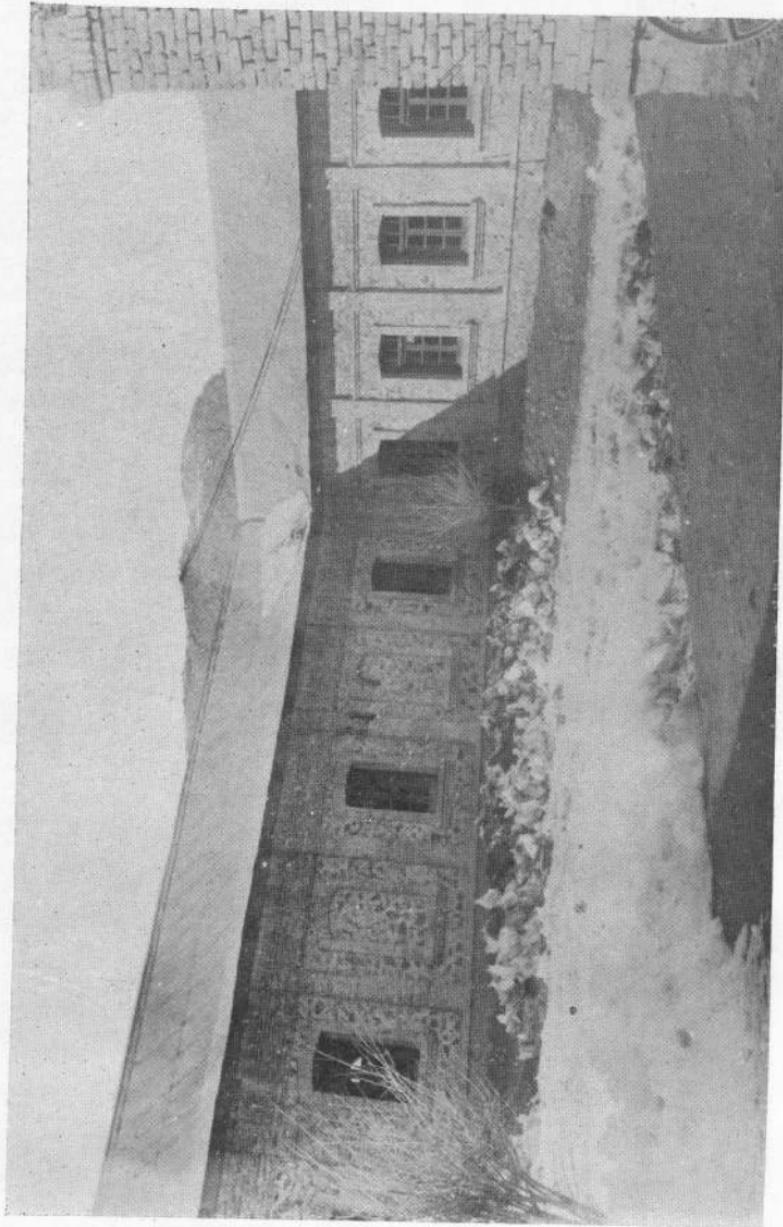
به یک سلسله اصلاحات سیمهای عمومی برق موفق و ازین پهلو در انسداد از از تجاوزات و اضافه ستانیهای پاره مشترکین برق اهتمام زیادی بگزار برد .
۴- عایدات شرکت تنویرات نیز نسبت به سال های گذشته در سال ۱۳۱۵ اضافه و بر عکس صرفیه برق کم بوده است .

شرکت چرم گری

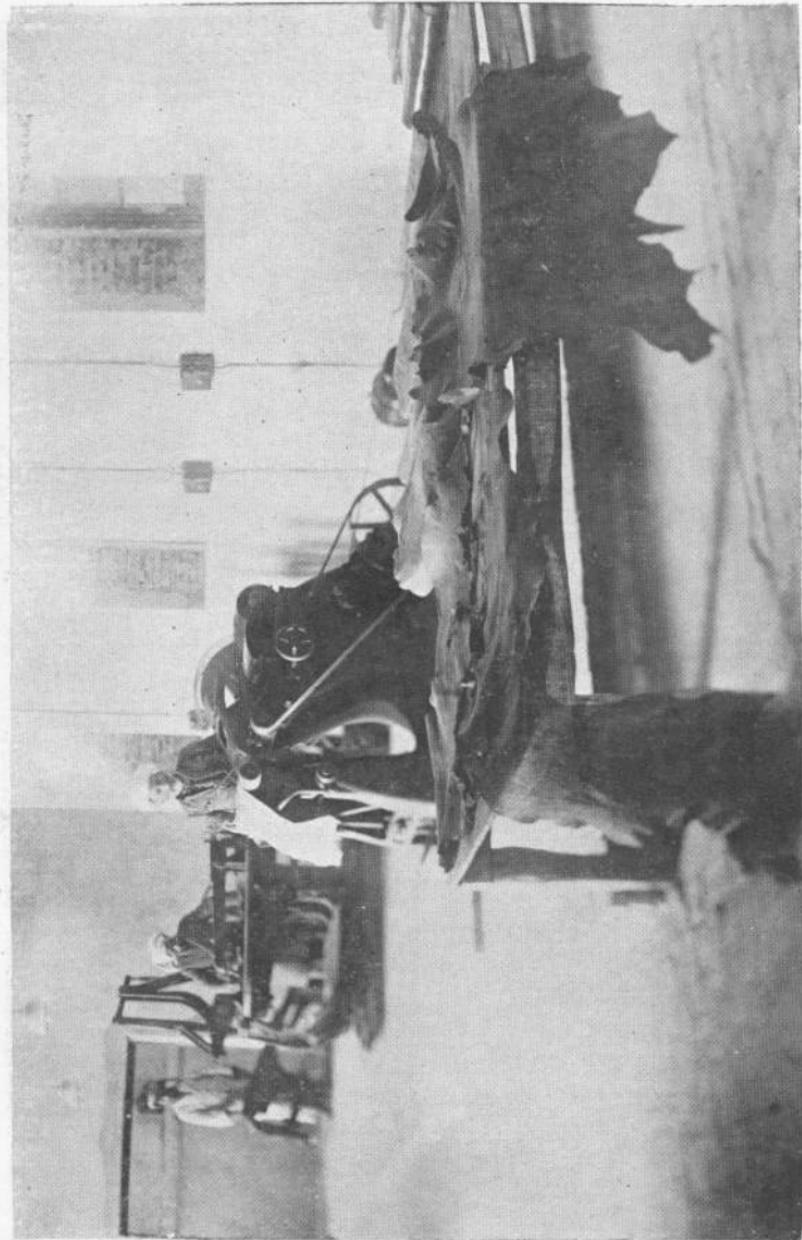
این شرکت که از چند سال به اینطرف در مرکز کابل تاسیس و برای تورید یک فابریکه عصری جهت پخته کردن و تیار نمودن چرم و تعمیر عمارت لازمه آن اقدامات نموده بود ، در سال ۱۳۱۵ موفق به جاری ساختن فابریکه و ختم عمارت آن گردیده ، نظر به اصلاحاتی که در امور مند کور بعمل آمد و اکنون کار پخته کردن چرم و فروش آن در داخل بصورت سریع و اطمینان بخشی در جریان میباشد ، و روز بروز دامنه پیشرفت این موسسه و سعت یافته می رود . حقیقتاً شرکت و فابریکه چرمگری برای وطن غرب زمایکی از موسسات خبلی قیمت دار بشمار می رود ، زیرا هر کس میداند که در افغانستان مقدار بزرگی چرم خام به عمل می آید ، ولی تا چندی قبل اصول پخته کردن آن بصورت قدیم بوده اکثر چرمها خام بخارج صادر می گردید و بقیمت نازی بفروش میرسید و بالقابل همه ساله مقدار کلی چرم پخته از خارج بقیمت نسبتاً گرانی وارد مملکت می شد . امید است که این موسسه با توجه و پیشرفت هایی که در خور آن است از یکطرف اصول پخته کردن چرم را در مملکت تعديل و از طرف دیگر مارا از وارد کردن مقدار کلی چرم خارجه مستغنى سازد ، چنانچه از حال قسمی از احتیاجات دولتی و اهالی را محصولات همین فابریکه تهیه می گشند . سرمایه شرکت پرمگری عجالتاً یکصد و نودووش هزار (۱۹۶۰۰۰) افغانی



از موسسات مهمه من کو : هنفظه عمومي عمارت جديداً التعمير و بريكيه جرم کري
Une vue des batiments de la nouvelle fabrique de tan à Falout

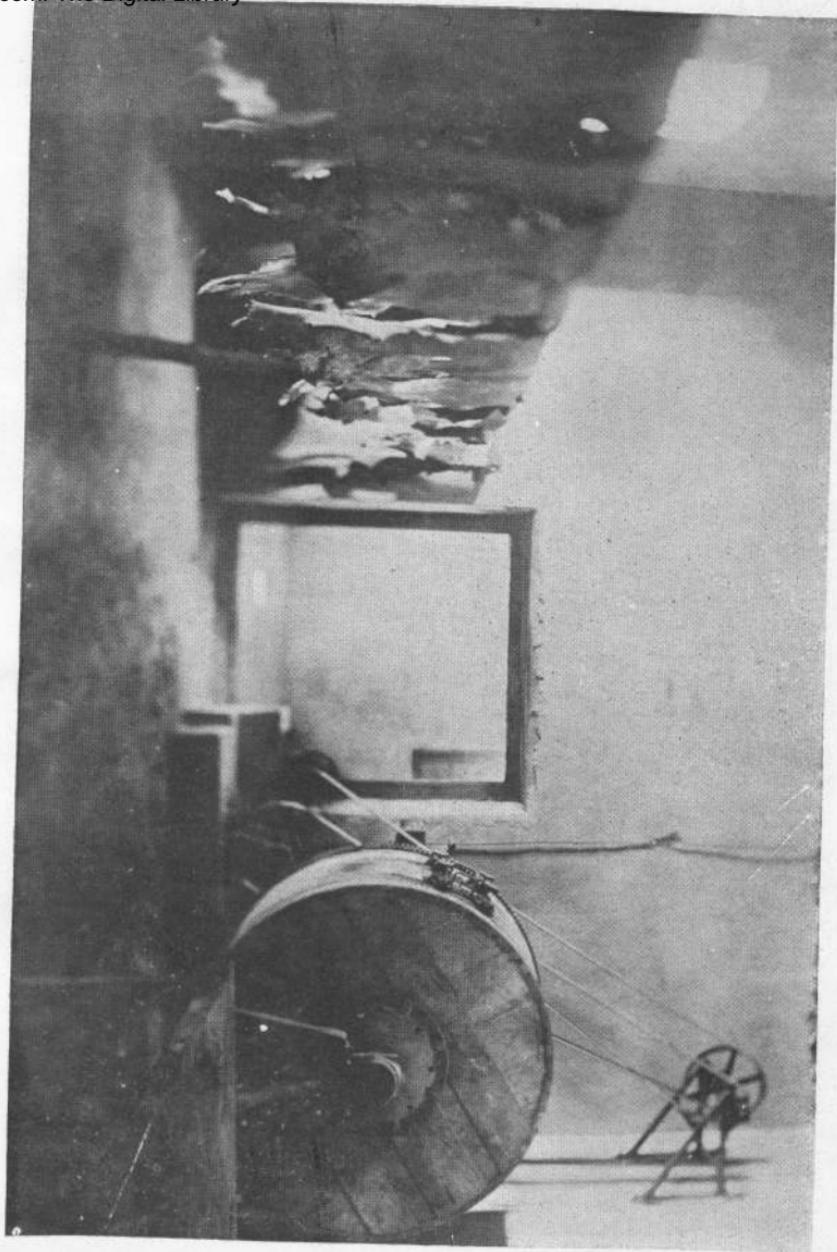


از موسسات مهمه ص کنر ، منظره خارجي پاـ قسمت از عمارت جديـه التعمـر باـريـكـه چـرمـگـري
Une vue des batiments de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul



از مؤسات مهندسی صنعتی ، فابریکه جرم گردی ، منظره داخلی اطاق ماشین های تراش کردن و جلا دادن و کش کردن جرم
Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul

از موسسات مهمه سه کر، ناریک، چرمگری: منظره داخلی اتاق پخته کردن و خلاط ساختن چرم



Vue interne de la nouvelle fabrique de tannerie à Kaboul

حفظ الصّم

لاغری و چاقی

امروز از بسکه توجه مردم بسوی مسئله لاگری و چاقی مهظوظ شده است، این موضوع یکی از موضوعات مهمه اجتماعی گردیده و حاضراً در تمام هما لکه زیاده از نصف نقوص جوان خواه زن و خواه مرد باشد سعی دارند که خود را از حالت موجوده خود لاگر و یا فر به بسازند، اما باز هم اگر به غور دیده شود غلبه بطرف اشخاصی است که میخواهند لاگر شوند. مقصود از بن کوشش دو چیز است. یکی صحی و دیگر تفتی. صحی از بن رهگذر است که لاگری و چاقی مفرط هر دو برای وجود مضر و زندگی اشخاص را ناگوار میسازد و تفتی هم از بن جهت است که مردمان میخواهند دارای اعضای مناسب بوده و به جامعه خوب و زیبا جلوه کشند درینجا ناگزیر آین را هم باید خاطر نشان نمائیم که این نهضت به نسبت مرد ها در زنها بیشتر واقع شده است.

گفته می اشخاص زیاد از وضعت خود راضی نبوده و کوشش می کشند

فر به با لاغر شوند، ولی این را هم باید بدانم که اکثر مساعی هر دو فرقه من بور نا کام مانده و به نتیجه مطلوب نمیرسد. زیرا در بد و خلقت اشخاص طوری بد نیا می آیند که استعداد یک اندازه چاقی معین را داشته و ازان درجه لاغر شدن و یا چاق شدن شان یک اندازه زیاد مشکل چه بلکه بحال میباشد. درین گفایت موضوع راثت نیز دخیل است و بسا اشخاص از طرف والدین خود، ترکیب جسمانی معینی را دارا بوده خیلی بزر حت از آندر چه چاق و لاغر شده می توانند، ازین است که در تمام دنیا شور و شر بزرگی در سرو سائل مجرب برای چاقی ولا غری جریان دارد. ولی جای تأسف است که ازین طریقه ها و علاج ها تا کنون یکی هم چنانچه باید و شاید جواب مسئله را بدستی چاده نتوانسته و اسباب رضایت مشتریان را فرموده است. بلکه هر یکی در جای لیکه زاده تحقیقات و تجارب قیمتداری میباشد ولی فقط یک عدد محدودی مفید ثابت شده. بدیگران هیچ یاک اُرنیکی نمی بخشند، علت این گفایت طوری است که چاقی ولا غری در حقیقت معلوم بکدام علت صحیح مخصوص و معین نبوده بلکه نتیجه کوائف مختلف است که بر حسب اشخاص فرق میکند، و به این واسطه یک دوا به هیچ صورت نمی تواند که در همه اشخاص یکسان تأثیرات گوا را و مفید را وارد بسازد. بهمین جهات از ۱۰ تا ۱۵ سال به اینطرف که مسئله چاقی ولا غری بسیار عام شده است همین وضعیت هیجان و یقین اری درین مردمان طاری بوده و خپلی کم اشخاص بمقصد اصلی خیویش مطابق دلخواه نایبل شده است. و دیگران یک حالت اسقنا کی شب و روز عقب مقصود نایاب میگردند. بدون آنکه هیچ گاهی آن را بدست آورده و یا افلاؤ نزد یک آن بر سند.

حفظ الصحة

بنا بر جهات فوق الذ کر (انجمن تحقیقات صحی در کنله های مختلفه) که در خوا نسہ شهرت زیادی داشته و راجع به حفظ الصحه عمومی مشغول تجارب میباشد . درین باره توجه مخصوصی بکار برده و اخیراً رساله کوچکی بنام (راز لاغر شدن و چاق شدن) نشر کرده است که مخلاص مقاد آزا را راجع به این دو مسئله فوق الذ کر درینجا اقتباس مینماییم :

پیش از داخل شدن در اصل موضوع باید دانست که چاقی و لاغری در افراد ، معلول به علل بسیار مختلف میباشد که احصاء آن بچندین جمله محدود و امکان ندارد ، ازین رو یافتن علاج و دوانی که برای همه کس جهت فربه شدن یالاغر شدن مفید ثابت شده بتواند ، نیز خیلی مشکل بلکه محال است ، و تنها راهیکه برای نیل به مقصد مد نظر میتوان گرفت عبارت از بکار بردن دو اصل ذیل میباشد : برای لاغر شدن باید بدن و جهازات جسمی را زیر فشار گرفت تا در عملیات آنها سکته گری پیش شده نشو و نمای بدن تاحدی کند و بلکه متوقف گردد . برخلاف برای چاق شدن ، باید بدن و جهازات مختلفه جسمی را بوسانی غیر عادی تقویه کرد تا در نشو و نما ، سرعت و فعالیت محسوسی رخ بدهد . در حقیقت این دو اصل طریقه های اساسی عمدت برای مقصد فوق میباشد و باید شخصیکه میخواهد به این مقصد نایل شود ، بادر نظر گرفتن اصل های مزبور شروع باقدامات کرده و یکی از آن را بکار ببرد . معهدا این را هم باید ناگفته نگذاریم که عمل کردن هر دو اصل من بور کار آسانی نبوده و چون خلاف جریان طبیعی میباشد ازین جهت عکس اعمل هایی بظهور میرسد که عموماً مضر تمام میشود بنا بر این لازم است با احتیاط رویه اعتدال و ترجیح به و معلومات به این کار اقدام شود .

ذیلاً راجع به این مقصد یک سلسله سفارشات را که انجمن تحقیقات صبحی در اثر مطالعات و سیعه خویش ترتیب داده و منتظری و تجارت علمی میناشد بطور خلص ذکر مینماییم :

آسان ترین طریقه لاغر شدن :

کسانیکه میخواهند از حالت چاقی به لاغری برستند باید نکات ذیل را بدقت ملاحظه و حفظ کرده و با نهایت صراحت عملی سازند، بلکه تاموفع رسیدن به مقصد باید این سفارشات را سر مشق زندگی خویش فرار بدهند و باید این هم در نظر باشد که بی خوصله شدن در چنین موضع غیر از اتفاف بیموجب وقت فائمه دیگری ندارد و خواهی نخواهی دو باره این کار را نکرار کردنی مینمایند، یک نکته قابل تذکر دیگر این است که معهولاً لاغری همان اندازه را میگویند که مدن یک تناسب فتشنگک حاصل کرده و اعضا با هم نواخت خوبی پیدا میکنند و در هیچ فسمت از وجود چربی اضافه احساس نمی شود . برای لاغر شدن طور یکه معمول است خود را عذاب کردن هیچ ضرورت ندارد ، مثلاً غذا نخوردن ، آب نتوشیدن ، از صرف قند و آندیه لذیذ خود داری کردن ، دویدن وغیره همه بی ازوم و بلکه مضر است . بالمقابل نکات ذیل را رعایت باید کرد : غذا بقدر کفايت باید خورد ، اما کمی بیش از آنکه اشتها بسر میرسد ، دست از غذا باید کشید ، و در شابروز اگر یکوقت غذا به اشتهای تمام و بقدار نسبتاً زیاد خورده شده باشد ، از یکوقت غذا خوردن دیگر صرف نظر بهتر است مثلاً اگر شخصی چاشت خوب بخورد شب بجز کمی میوه و یا ماست چیز دیگر میل نکند ، نوشیدن آب در بین نان مجاز است اما فقط برای رفع

ا حتیاج ، یعنی یک و یا دو جر عه که شکم نه پندد . صبح پیش از صرف صبحانه و شب قبل از خواب نوشیدن یک گلیاس آب شیر گرم که جر عه آشامیده شود مفید ثابت شده و در عین حال معده را هم همیشه فرم و ملایم نگه میدارد ، نان خشک هبج خورده نشده ، و یا صبح یا عصر به متدار کم صرف شود ، از صرف مشروبات الکلی قطعاً باید اجتناب شود ، صبح باید بزود از خواب برخیزد بدون اندک تأمل از بستر یائین شده ، چست و چالاک بستر خود را خود جم و پس از ارادی فرایض بند کی در یک زینه بالا شده یک پوری سوزن باریک را در پله های مختلف زینه تیت نماید و آنوقت با نهایت حوصله مندی یات یک دانه سوزن را برداشته و هر کدام را در حالیکه قد راست ایستاده شود در پوری بگذارد و دوباره خم شده این عمل را تکرار کنند تا تمام سوزن ها در پوری جمع گردد ، این ورزش در عین حال هم برای صحت و هم برای لاغر شدن بسیار مفید و محبوب است .

اما بشر طیکه بهمین طریق فوق اجرا کرده شود ، در جمله ورزشها ریسمان کشی و خیز زدن و حرکت دادن دست ها در حال تنفس (ادمان) مفید است . اما از همه مهمتر قدم زدن روی پنجه پایی میباشد که به تدریج روزانه مدت دوام آن افزوده شود ، لیکن بر عکس آن ، دوین باندازه که نفس بسوی زمین نفع ضرر پیش می کند ، همچنین دیگر ورزش ها را بحدی باید اجرا کرد که خستگی زیاد از آن احساس بشود وبالاخره در روز یا کدام روز یکی دو ساعت با غبانی خیلی مفید میباشد که در اجرای آن بعم دقت و هوصله تمام بکار برد شود .

این بود یک سلسله سفارشات مجری که برای لاغر شدن تعین گردید ،

البته کسانیکه باجرای آن مبادرت ورزند ، علاوه بر اینکه مقصد خوش در ظرف یک مدت کوتاهی نایل می گردند ، از سبب مراعات های صحی زیادی که در آن بعمل آمده صحبت شان نیز مختل و صدمه دار نمی گردد و طوریکه دردیگر طریقه های لاغر شدن معمول است از لذات زندگی هم محروم نمیشوند . بلکه صاحب یک حیات منظمی می گردند که برای آینده آنها نیز نفع زیاد پیش می کنند .

آسان ترین طریقه برای فربه شدن :

اشخاصیکه فربه شدن میخواهند باید نکات ذیل را بدقت و توجه تمام مراعات کنند :

غذای بسیار مقوی ولی سریع الهضم خورده شود ، از قبیل شیر و مرکبات شیر ، سبزیجات برنج و حبوبات ، تخم مرغ و گوشت شکار وغیره . غذا مبده ناشده به معده نزود ، نوقات خوردن افلا در روز ۴ مرا نبه (صبح چاشت ، عصر ، شب) و بفو اصل کمتر از ۴ ساعت باشد ، مختصراًی ورزش خفیف و مخصوصاً قدم زدن از طرف صبح و عصر مفید میباشد . لیکن از خسته گی کاملاً اجتناب باید داشت ، زیرا در وجود تو لید سمیت کرده از فربه شدن جلو گیری بعمل میآورد ، خواب افلا ۸ ساعت بوده و اگر ممکن باشد بقدر یک ساعت دیگر هم از طرف روز باید خواهدید . زیرا خون را زیاد میسازد کسانیکه چافی را اثر تبلی و عدم حرکت میدانند و در اشتباه میباشند ، اگر چه درین حالت انسان بطور محسوسی چاق می شود اما چافی مزبور عارضی بوده و بمجرد چند روز ترک دادن تبلی رفع میگردد و نتیجه بدست نمی آید حالانکه مقصود ما ازان چافی است که دوامدار باشد و بجای چربی که از اثر تبلی در بدن

پیدا میشود، خود انساج و سلول های بدن و بالجمله عضلات کسب قوت و نشو نما کرده چاقی را تشکیل میدهد. بنا بر آن بر علاوه سفارشات فوق باید صبح وقت ترک کردن بستر یک گیلاس آب سرد (نه آبیکه از آنرا اند اختن یعنی سرد شده باشد) بتوشد و متعاقب آن مقداری راه برود و بعد بسته الغلافه سعی کنند که تخلیه معده خوب بعمل آید، روز سه مراتبه تخلیه معده برای صحت خوب و در چاقی موثر است. همراه ناشتا (صبحانه) مقدار شیر، تخم مرغ و قند و یا عسل و مسکه صرف باید کرد. چه درینوقت که معده خالی میباشد، پیش از ساعت اوفات صلاحیت جذب مواد مفیده و ویتامین ها را داشته درنشو و نما اثر کلی می اندازد. قند بالاعوام برای چاق شدن مفید است لیکن افراط دران مرض (قند) را بوجود می آورد که آنهم از خواص چاقی است. استعمال مبوه جات تازه مخصوصاً آنچه عصاره آبگین دارد، مثل، انگور، مالته، ستره و ناک، سبب خربوزه وغیره فوق العاده مفید بلکه برای چاق شدن از ضروریات است. وقت خوردن مبوه، هیچ قیدی ندارد، صبح همراه ناشتا، چاشت، پیش یا بعد از نان، عصر و ش، همه وقت میتوان آنرا صرف کرد، روغن زیاد و گوشتش های کلفت برای معده مشغولیت و زحمت زیاد فراهم کرده چنانچه باید نتیجه درنشو ونمای بدن ثاردار و مضر تمام می شود. در خاتمه باید ملتفت بود که همچنان یکه تفریح و تفرج در چاقی اثر نیک دارد، خستگی جسمانی و روحانی از دادن نتیجه خوب جلو گیری میکنند.

فقدان اشتها و علاج آن

خشک بودن زبان یا عدم نظافت آن (یعنی وجود ماده مخاطیه در سطح زبان) بهر سبی که باشد موجب فقدان اشتها می شود و واژ همین یک چیز

سالنامه « کابل »

بسیط که جز تنظیف دهان علاج دیگری ندارد امراض مهمی بیدا شد و تاینکه پدرجه نهانی میرسد.

تدخین و مسکرات ، مخدرات ، التهاب من من معده ، امراض مسری از هرقیل که باشد ، سل شش ، سرطان معده ، نور استانا و هستر یا (از جمله امراض عصبی نیز از عوامل عمده فقدان اشتها بشمار میروند .

اشتها متوقف به حاسه ذوق و حالت عصبية و نقیسه است پس اگر بوا سطه کثرت افزار غدد مخاطیه زبان ، سطح زبان را یک طبقه مخاطیه بو شاند اثر عصبی را که حاسه ذوق به افزارات معده دارد معطل ساخته و بواسطه آن اشتها ضعیف میشود .

فقدان اشتها از امراض شایعه از مرض نوراستنی است که در نتیجه دو حالت نشأت می نماید : اول هبوط عصبی عمومی که یکی از امراض متابیز این مرض است . دوم اقدام خود مريض به تقلیل و تبدیل غذايش بواسطه اینکه مرض او غادتاً توأم با امراض سوء هضم میباشد ، انقاشه غذا یک علت بزرگی از موجبات ضعف اشتها میباشد .

فرار یکه تجربه شده میگویند دیر خوردن غذای مؤدی به فقدان اشتها میگردد و این گویا نشان میدهد که خود غذا اشتها را تحریک میکند .

علاج فقدان اشتها را میتوان به علاج اسباب و موجبات آن خلاصه کرد . مثلاً به ازاله طبقه که زبان را می بوشاند ممکن است ذریعه محلول کار بونات درسود (پلی) یا خمیره های عادی دندان پرداخت . علاج عادات مضر ه مثل تدخین و امثال آن نیز بوسیله امتناع یا اعتدال ، شده میتواند .

التهاب مزمن معده مستلزم علاج غذائي ودوائي مناسب است .
 تبها نيز غذاي مایعی بکار داشته وبايد به تنظيف دهن ذريعة يك دوائي
 نظير گلپرین بوريکي يرداخته شود . درسل شش هم بايد اهتمام واعتناي
 زيادي را بحال اشتها بکار برد ، زيرالاغرشنن يكى از امراض عادي اين مرض
 است وضعف اشتها لاغری مذكور را مضاعف ميسازد در حالكه تقدیمه يكى
 از مهمترین وسائل علاج درین مرض و خيم میباشد . اما حالات عصبية که موجب
 ضعف و فقدان اشتها میشود در پهلوی علاج آن بوسيله ادویه يك علاج نفساني
 دقیق نيز لازم دارد . و در علاج حالات عادي فقدان اشتها بعضی ادویه بسيط
 مثل یكی از آنتور دونر او میك (Teinture de noi vomique)
 و امثال آن کافی شمرده می شود .

بدبوئی دهن

يك چيز يك موجب اذیت و انزجار خود شخص و مخصوصاً دیگران میشود
 بغير ، يارا نجه کريمه دهن است ، چنانچه هر فرد ما گاهی به اشخاصی تصادف
 کرده خواهیم بود که با وجود عدم ابتلاء بکدام علت ظاهری بوی بدونفرت
 آوری از دهن شان خارج می شود ، حتی در غالب او قات خود اين اشخاص
 هم ملتفت تقاضه خود نه شده و بر وي مخاطب خود ها تنفس خويش را مید مند
 بی ايشکه اعتنائی به افر جار آنهادشته باشند .

در ينجا مقصود ما از بوی بد ، رائحة مستكرهی نیست که از کشافت یعنی
 بيدا شده و یا ايشکه بواسطه خوردن زياد سیر و ییاز و افراط در شرب الکل
 و امثال آن میباشد . بلکه غرض ما صحبت کردن در اطراف رائحة کريمه

سالنامه « کابل »

نفس است که از اختیاراتی که در کدام موضع بنیه بیدامیشود بوجود می آید بطور عمومی مقر این اختیارات در طرف مقدم فناز هضمی و تنفسی میباشد . غالباً بدبوئی از تحلل اجزاء غذایه که در دهن بعد از صرف غطام باقی میماند ، و صاحب آن ملتفت نگردیده و با خراج آنها ذریعه شستن دهن و یا تقطیر آن بایکی از مرکبات تقطیر کننده افدام نگردد میباشد ، بید ۱ میگردد و عادتاً این رائمه در موقع صبح پس از بیدار شدن از خواب حس شده و در صابان دندان های کرم خورده و فاسد بسیار ملاحظه می شود . زیرا دندانهای فرسوده و سریض ذرات غذا را در کما ویدگی ها و خالی گاهای خود حفظ کرده و باختصار آنها کمک می کنند و به ندرت اتفاق می افتد که دندانهای سالم موجب اختیار بقا یای غذا گردد .

برای بیدا شدن رائمه کریهه موجبات و علل دیگری مثل امراض معده موجود است ، مثلاً اگر معده ضعیف بوده و تمدد حاصل کرده باشد اغذیه در آن به سهولت دچار اختیار و ترشی شده و گازها تکوین میباشد ، با لآخر این گازهای بد بو ذریعه آروغ از دهن خارج شده و تنفس را به انتهای درجه کریه و متغیر میسازد .

بسیاری امراض حلق و حنجره و شش مثل تقرحات و سرطان و التهاب شعبی منته نیز رایجه نفس را کریه میسازد .

معالجه :

اگر مبتلای این بد بوئی دهن بمعا لجه این علت خویش افدام و اهتمام نگردد و یا آن را نداند ، باید رفقا و دوست هایش با لطف و ملایمت او را

ملتفت سازند تا هم صحبتان خود را اذیت ننماید . علاج این عارضه هم از روی علت آن کرده می شود مثلاً اگر رائیحه از عدم التفات به نظافت دهن فشأت کرده باشد ، باید دهن از طرف صبح و شام و بعد از غذا با مطهرات معروف که در بازار فروخته می شود شسته و تقطیر کرده شود .

اگر دندانها فاسد و کاویده شده باشد باید یک آن اونت بد-کستور دندان مرما جعه شود تا بعده لجه و اصلاح آن پیر دارد و اگر همچو جب بیدا شدن بوی بد اصابت معده به کدام عارضه باشد باید به معالجه آن اقدام شود ، والتبه و قبیله عارضه من بورفع شد رائیحه هم مفقود میگردد . ولی بعضی حواس دیده می شود که در آن ها رائیحه کریهه جز بعد از یک زمان طولی بصورت دیگر زایل نمی شود . از فیل امراض معده . در این چنین احوال باید مسکنات دفع کشته رایحه استعمال شده و دهن با پر منگناس دوپو تاس (پنج قطره از محلول تیره رنگ آن در یک فاشق آب) یا کلورات دوبوتاس (۱۰ دل ۱۰۰) یا سائر مطهرات شسته و غرغره کرده شود . استعمال فرصلهای کاشو و فرسهای خوشبو کشته دهن را هم بعضی توصیه مینمایند ولی بهترین رایحه محلول (جوزیرین دانور) است کمحتوى بورات سودا و متول میباشد و کوکائین دخلی در عمل زائل ساختن رایحه ندارد ولی بورات سودا و مخصوصاً متول ضد عفونی گفته می شود . بهر حال باید فراموش نشود که استعمال این محلول و امثال آن از شستن دهن با مطهرات و برس (مسواك) کردن دندان بعد از هر غذا صبح و شام و همچنان معالجه سیبی که موجب ایجاد این رایحه شده میباشد شخصی را مستغنى ساخته نمی تواند .

سرمهشق زنده گانی

پرورام صحبت یومیه را به ۳ قسمت طرح کن :

هشت ساعت بخواب ، هشت ساعت کار کن ، و هشت ساعت دیگر را

به استراحت ، ورزش و هوا خوری ، خوراک و غیره گذران .

موقع بیدار شدن از خواب :

روپوش بستره و لحاف را در مقابل پنجه یا محلی که هوای آزاد در آن
بوزیده بتواند بگذار ، زیرا ضیا و هوا آنها را تطهیر مینماید و در شست و شوی
آنها تعجیل کن . موقع بیدار شدن از خواب یک گیلاس آب سرد نوشیده
و سپس یکربع ساعت را برای تمرینات بدنی (بالاچشمۀ اینکه در موسام تابستان
پنجه ها را هم باز گذاشته و در اثاثی اجرای تمرینات فقط یک بینان نازک
در بر داشته باشی) در اطاق نخصیص بده ، این تمرین عبارت از اجرای
چهار حرکت بوده ، و هر یک ازان باید ۴ دقیقه وقت بگیرد به این تفصیل :
حرکت اولی : در حالیکه جا بجا ایستاده میباشی مثل اشخاصیکه در آب
شنا می کنند حرکت کن و درین اثنا از راه ینی به تنفس عمیق مشغول شو .
معلوم است که تنفس بد و حرکت اجرا میشود که یکی آن ادخال^{*} هوا
درشش (شهیق) و دیگری اخراج آن از ریه (ذفیر) میباشد . درینوقت
حرکت شهیق را در حین دور کردن بازو ها و حرکت دومی (ذفیر) را
در اثاثی نزدیک شدن آنها اجرا کرده و این عملیه را ده مراتبه تکرار نما .
حرکت دومی : تخته به پشت در روی زمین دراز بکش و قد مهایت را
در حالیکه بدن تمامًا منضبط و هموار باشد در ریز میز و یا چیز دیگر بطوری
بگذار که نتوانی آنها را در وقت اجرای حرکت بلند نمائی ، سپس بدون

حفظ الصحف

استعانت دست های خوش بلند شو و بهمین طریق دو مرتبه خود را به پشت بیندار و این را ده مرتبه تکرار کن.

حرکت سومی : ایستاده شده شانه راست خود را با دست چپ و شانه چپ را با دست راست قایم بگیر، بعد نصف بالائی (نه) جسم را یکمر اتبه بطرف راست و یکمر اتبه هم بطرف چپ بحدی خم کن که فریبا گاهو یا یکدست و گاهی با دست دیگر زمین را مس کرده بتوانی و این حرکات را نیز تا ده بار اجرا نما.

حرکت چهارمی : پس از ایستاده شدن پاهای خود را محکم بر زمین گذشته و دست های را بهر دو یهلو بیا و بیز . آنگاهه تنه ات را یکبار بطرف چپ و بار دیگر بطرف راست بدون اینکه قد مهایت بیجا شود دور بده و این را هم ده دفعه تکرار نما.

بعد ازا جرای این حرکات بدنت را با یکدستمال در شت ماش بده.

تنظیف جسم :

دندان های را بو سیله مساوک (برس) و خمیر مخصوص دندان یا کرده و سپس با آبیکه در آن چند قطره آب مخصوص تنظیف دندان مخلوط شده باشد مضمضه نما . بعلاوه در سال یکم را تبدیل دندان صراحت کن تماماده حجری و کلسیو را که در روی آنها تکوین و تایخ شان را فرا گرفته میباشد برداشته و بدین وسیله از خرابی و کرم خوردگی دندانهایت جلو گیری نماید . همین طور مو هایی را نیز بایک برس در شت برس کرده و سرت را هم در هفته دو دفعه با صابون بشوی و بد رستی آنرا

خشک کن (خانمها بهتر است هفتة یک بار سر خود را با صابون بشویند) هفتة دوم راتبه در موسم تا بستان و هفته یکم راتبه در موسم زمستان با آب گرم و صابون غسل کن و اگر متعسر نباشد هر روز غسل کن ، این غسل بر علاوه دوش (شاور) است (در صورتیکه به آن معتاد باشی) زیرا دوش در تنظیف جسم دخالتی نداشته بلکه دوران خون را تحریک و اعصاب را قوی میسازد .

غذای صبح :

تا آنکه یک ساعت کامل از برخواستن از خواب نگذرد ناشنا مکن و بایست غذا یست در ینوقت شیر ، یا فرهود و و یا چای همراهی یک یا دو دانه تخم مرغ و یک پارچه نان باشد .

تدبر یومی منزل :

بغاید مه تعلیمات بدده که بستر خوابت را وقتی مرتب کنند که دو ساعت از برخواستن از خواب گذشته باشد (برای اینکه درین مدت لوازم بستر ه بکلی از هوا و نور آفتاب سیر و مشبع گردد .) همچنین به او بفهمان که به جاروب کردن اطاق وغیره پیش از آنکه آنها را آپیاشی نکرده باشد قیام ننموده و هکندا روی امتعه و اثاث الیت را بایک تکه نمناک و بالک بدون تکان دادن آنها تنظیف نماید ، تا غبار در داخل اطاق بلند نشود . و هر گاه که تکان دادن یکی از اثاث الیت لازم شود در آن صورت باید آن را بدون ازینکه از پنجرة خانه تکان بدهد در بیرون کشیده ویس از اجرای این کار واپس بجایش بگذارد .

بهترین طریقه برای دور ساختن گرد و غبار همان آله مخصوصه (جار و برقی است که فعلا استعمال آن در دنیا منتشر شده است) به علاوه تمام اطاق های خانه باید یو میه هوا داده شده آبهای کشیف و سائر نایاکی های هر یک از آنها دور گرده شود .

با لای دستر خوان :

ناخنها را همیشه گرفته و نظیف نگهداشته و دست هایت را قبل از نشستن بالای دستر خوان با صابون شست شو نما تا میکرو بها و جراحتیم مضربه که در آن چسبیده باشند دور شوند .

غذا را به آهسته گی و تأنی خورده و آن را خوب بجو ; زیرا جوین نصف هضم است ، همین طور در وقت نان آب زیاد منوش بلکه مقدار آن را بقدر امکان در ینوقت کمتر نما ، نان را تاحدی مخور که تماماً سیر شوی بلکه دستر خوان را در حالی ترک کن که کمی اشتها در تو باقی مانده باشد .

اگر بدخانیات عادت داشته باشی آن را در اتفاقیکه پنجره ها و در واژه های آن باز باشد استعمال کن ورن او لا منافذ اطاق را باز گرده سپس به این عمل اقسام نما . زیرا دخانات همانطوریکه برای معتادین آن ضرر دارد برای کسانی هم که به آن عادت ندارند بیشتر مضر ثابت میشود .

در روز :

۱ : پنجره های اطاق را بقدر امکان باز بگذار (بشرطیکه هو ا بسیار سرد و یا بسیار گرم نباشد)

۲ : از دخول آفتاب در داخل اطاق جلو گیری نکرده و از طرفی خودت

سالنامه «کابل»

هم نزدیک پنجه ها و دور از روشی بکار مشغول مشو .

۳ : در انتای کار گاه گاهی اعضای خویش را نظیر اشخاص مانده ویکار ممتد کن یعنی کهالی کشیده و از راه ینی تنفس عمیق نما .

۴ : کم از کم روز یک ساعت را به او خوری در فضای آزاد یا با غ و با بایسکل سواری تخصیص بده و عملیه تنفس را دائماً از راه ینی اجرا کن .

ین دو غذا یعنی صبح وچاشت و شام میتوانی آب زیاد بنوشی مگر یک ساعت قبل و دو ساعت بعد از نمان از نوشیدن آب خود داری نما .

بیشتر ازان کداخ بستر خوابشوی او لادندان هایت را با برس (مسواک) تنظیف و سرت را شانه نموده و دست و رویت را خوب بشوی و سپس به این کار مبادرت نما .

دروقت خواب پیراهن فراخ و وسیعی را از یارچه های نازک و لطیف بیوش تا تمام اعصابیت مستریح و آزادانه حرکت کرده بتواند . البته لباس شینه باید غیر از لباس های روزانه ات باشد . همین طور بیشتر به پهلوی راست خواهد شد و در زمستان و بهار در حالیکه بستر خوابت معرض بجریان هوای نباشد ، پنجه های اطاق را باز بگذار .

قوانین صحیحه عمومی :

ماکولات : در روز بمقدار قلیلی از گوشت تازه یا به عوض آن ماهی و تخم مرغ صرف نموده و سبزی جات تازه یا خشک بیشتر استعمال کن زیرا سبزیجات جسم را نظیر گوشت تقدیم کرده ولی با اندازه گوشت ضرر ندارد . از طرف از استعمال گوشت های ماهی هائیکه در قطی ها (تصویرت کونسرво) بفروش میستند خود داری نما .

اگر خواسته باشی همه روزه در غذایت مکرونی (یک نومی از آس ادویه‌ای) صرف نما ، در خوردن مبوءه جات رسیده و تازه خواه آن را می بزدی و یا اینکه غیر مطبوع خ میخوری پیشتر انهمات و مداومت نما ، فقط در غذا نمک زیاد استعمال نکن ، ذیرانه نمک زیاد بگرد ها ضرر میرساند .

مشروبات :

آب از بهترین مشروبات است اگر از صفائی و یا کی آیکه طرف استعمال قرار گرفته است مطمئن باشی از جوش‌نخوردن آن بزوا مکن ورنه بالات خم و صه فاتر (صاف) آنرا از صافی واگذران و اگر آله فلتر دردست رست موجود نباشد در آن صورت آب مذکور را بقدر ۳ ربع ساعت بجو شان تا کاملاً پاک و عاری از شوائب گردد .

نوشیدن جو شانده های گرم امثال جو شانده های با بونج و خطمنی در زمستان مفید است اگر خواسته باشی می توانی درین وقت از چین جو شانده ها صرف نمائی .

لباس :

ملاحظه اینکه ایست و سیم و فراح باشد ، در زمستان فلا نل های ضخیم و کثافت و در تابستان نازک و نرم بیوش و برای بظاون گاس استعمال آن نه سکرند .

هر گاه موسم تابستان باشد اطفال را برخلاف لباس های سیاه و تاریک البسه دوشق و سرخ و نگ بیوشان زیرا البسه سیاه حرارت را جذب مینماید و از طرف مگذار درین اوقات اطفال جوراب استعمال نمایند .

خانه :

درخانه ات دایماً ملا حظه تهويه ونظافت آن و نيز ملاحظه دخول افتاب را بصورت فراوان داشته باش .

اطاق خواب :

اطاق خوابت باید در موسم تابستان بسم شمال و در موسم زمستان طرف جنوب و شرق واقع باشد ، فرش اطاق اگر بجای قالین و گلیم مشمع و امثال آن باشد بهتر است ، زیرا گرد و خاک ازان بلند نشده وبسهوت از آن تقطیر شده می تواند .

مستراح :

در مستراح باید مراعات نظافت خیلی بعمل آمد و نيز منفذ های آن دائمآ باز گذاشته شود .

در فوق اجلااً طرز معيشت صحی را شرح دادیم تا برای اشخاصیکه علاقه به صحت و سلامتی خویش دارند به حیث يك دسته العمل بالا نهاده يومیه بوده و برطبق آن رفتار فرمائید .

شفاء لکنت زبان

لکنت نوعی از قفالت زبان است که مانع حرف زدن صحیح و روان میشود . درین باره خبری در مجله علمی انگلیسی انتشار یافته است که عبارت از قیام بعضی از اطبای انگلیسی یک تجربه عجیب میباشد که به شفای لکنت

زبان منتهی می شود . و این تجربه عبارت از بادست و پا حرکت کردن مبتلای این عارضه است در مو قع حر فزدن ، که در حین حر کت گرفتگی زبانش رفع میشود . یک عدد از اطباء این طریقه را در بیست و چهار نفر مبتلای این عارضه تجربه کرده و تمام آنها در اثنا ی راه رفتن بادست و پا باطلافت زبان حرف زده میتوانند .

تو جیه و تعلیل این ظاهره عجیب ممکن نیست و احتمال دارد لکن از فشار دموی که بعضی اجزای دماغ را متینج مینماید نشأت کرده و یا کدام نوعی از تشنج باشد که یک عامل مو قتی و منبه خلایای عصب مو جب آن گردد و این عامل منبه هم نتیجه تمدد مو قتی در مجرای نازک خون در دماغ باشد ، در بنصورت وقتیکه شخص ایکن بادست و یا یش حرکت می نماید فشار خون در دماغش تخفیف یافته و تشنج هم مو قوف میگردد . و خوبیکه موجب تمدد مجرای نازک خون شده می باشد منصرف شده و ایکن میتواند باطلافت زبان تکلم نماید .

قوایین صحیه برای موسم تابستان

بهترین طریقه برای عدم احساس حرارت تابستان اعتدال خوراک و عدم افراط در اغذیه آزوچ مثل گوشت ها و ترجیح دادن سبزیجات و میوه بر سائر ماکولات است .

در حرارت شدید بهتر است مقدار خذائی را که عادتاً در سائر مواسم میخوریم کمتر نمائیم چنانچه خود طبیعت هم همین خواستش را دارد . و می بینیم

که اشتها در تابستان خیلی کتر از زمستان بوده به ندرت وافع می شود که انسان در حرارت شدید بسیار گرسنه شود، از اغذیه چرب بی دار و مواد شحمیه مثل مسکه و قند و امثال آن خود داری شود. زیرا این اغذیه تا بزرگسازی درازیاد حرارت دارد.

قوایین صحیه که باید درین موسم ازان بیش وی نمائیم خیلی ها بسیط است ازینقرار:

برای اینکه برد سر و آفتاب خوردگی دچار شویم باید در موقع تردد از تابش حرارت آفتاب بالای سر ذریعه پتری یا کلاه های آفتابیگر خود را محافظه نمائیم. برای اینکه عرق زیاد از وجود ما خارج نشود باید از تمرينات عضله شدیده و گردش در آفتاب خود داری نمائیم. در موسم تابستان غالباً استعمال عیسک های سبز و یا مایل بسیاهی موافق به حفظ الصحة چشم است، مخصوصاً در خارج شهر و محله هایی که در آن روشنایی زیاد موجود میباشد زیرا حرارت آفتاب و انگاس به زین و چیز های سفید رنگ در چشمها بسیاری اشیاء صیکه عادت به روشنایی تپن نمیداشته باشد موثر واقع می شود. بهترین طریقه برای جلوگیری از تشنجی عدم نوشدن آب یعنی دو غذاست زیرا انسان هر قدر آب بنوشد احساس بکرمی و حرارت پیشتر شده میرود همچنان از صرف مشروبات بسیار سرد و بیخ دار خود داری لازم است. آنکه نوشیده می شود باید بطور معتدل سرد بوده و خالی از بیخ و برف باشد، و درین حال لازم است که آب به تانی و جرعه جرعه نوشیده شود، حتی الامکان اگر آب همراه غذا نوشیده شود بهتر بوده و فرضاً اگر بعضی مشروبات بسیار سرد را بوسیله نیچه بلوری که اکثر آن در قهوه خانه ها استعمال

می کشند بنو شند آنقدر ضرر ندارد زیرا به این گفایت شخص آشامنده مجبور می شود آب را باتانی نوشیده و مایع در معدّه گرم او به تن پیج داخل شود. در حالت عرق نیز از نوشیدن آب زیاد خود داری لازم است، و اگر اتفاقاً در حالت عرق آب نوشیده شود باید از معروض شدن بجریان هوا اجتناب کرده شود. زیرا درین حال خیلی بوجود مضر تمام می شود. بعد از گردش زیاداً گر بنوشیدن آب احتیاج واقع شد باید یکریغ ساعت انتظار کشیده و بعد آب نوشیده شود. هکندا بعد از نوشیدن آب بلا فاصله بگردش برآمدن مناسب نیست.

در روز چند صربه غذای باید خورد؟

سر بازهای ممالک مشرقی قدیم در ۲۴ ساعت شبانه روز فقط دو دفعه غذا مینخوردند. درحالیکه بطور مجموعی مردم روز ۳ مرتبه صبح، چاشت شام غذا صرف می نمایند. بعضی از علمای صحی درین مورد بتجربه جدیدی قیام کرده و بکار گیرها می اینکه در مجموع مقدار غذا در هر ۲۴ ساعت چیزی بیغرا یید پنج دفعه غذا میدهند گویا زیادت دفعات خورانی بر یادت مقدار آن سربو ط نمیباشد یعنی عرض اینکه شخص ۳ مرتبه بقدارهای زیاد غذا صرف نماید. بهین غذا را به پنج قسمت کوچک تقسیم کرده و صرف نماید، تا معدّه آنها را بسهولت هضم کرده بتواند.

ویتامین (ج)

ویتامین (ج) عموماً به نمو و حفظ الصحّه مساعدت کرده و مخصوصاً به صحّت دندان‌ها و بیره‌ها مفید واقع می شود. این ویتامین در میوه‌های جات و

مائنامه « کابل »

جبات و مخصوصاً صَوْبَ ، سبزی پالک ، شلمه ، بیاز بکثرت موجود است . حاضرآ علماء در نتیجه تجارت خیلی و سیعی موفق به اکتشاف طریقه شده اند که بو سبله آن می توان این و یتامین را در بقولات و میوه جات که در قطبی ها نگهداشته می شود خفظ نمایند .

پاک کردن دندان

در شبا روز اقلایک مرتبه پاک کردن دندان بوسیله مسواک یا برس و چند بار دیگر همراه آب یا آب مخصوص تطهیر دهن لازمی است . اما مسواک یا برس باید از بالا به پائین روی دندانها حرکت داده شود نه در امتداد دندانها زیرا درین صورت بیره ها را مجروح و بمرور زمان بین دندانها را برخن و سست میسازد و نیز باید پس از ختم عمل پاک کردن دندانها ، بیره ها از تمام جهات همراه دستمال نرم و پاک بطرف دندانها پائین آورده شود تا بیره دوباره بجا ای اصلی خویش فراگرفته نیجاشود .



بیاواشتگی سومند

قابل استفاده خانهای خانه دار

رنگ آمیزی مصنوعی گلها

رنگ کردن گلها یکی از مشغولیات نفیس خانگی بشمار رفته نتائج آن خیلی خوشگوار و طرب خیز میباشد . رنگ طبیعی گلها در عین حال بکه بسیار مطبوع و دلپسند است ، ولی انسان بشوق میافتد که رنگ آنها را تبدیل داده ، چیز های شگفت انگیزی بدست بیاورد ، مثلاً داشتن گل نرگس سرخ و سبز و بنفش یا آذوقی بسیار شیرینی است که هر کس را دامنگیر می شود . همچنان بدست آوردن گل یتونی سبز و یا زرد خبلی طرف میل میباشد ، برای این کار از مدت ها است در بی اشیف اند ولی تا کنون آنچه کشف گردیده نتائج بسیار مختصر و ناکاف داده که چنانچه باید شوق و آرزوی باطنی شاقبن را تسکین و تسلي داده توانسته است .

خبرآ در دارالتجربه زراعتی پاریس که مخصوص تحقیقات علمی جدید راجح به نباتات است ، یک سلسله تجارب جدیدی درین مورد بعمل آمد و چنان ادویه کشف شده که می تواند بقرار دلخواه گلها را رنگ تازه و خوش

فمایی بدهد ، ادویه مذکور عبارت است از رنگ (انالین) که در مقدار کمی
الکل (اسپریت) محلوت کرده ، گلها را بصودت سافه های جدا گانه
برای گذاشت در گلدانها تیار می کنند و بمجرد بریدن پیغ سافه ، در محلول
مذکور داخل نموده میگذارند تمام طبق دلخواه رنگ بردارد ، تماشای این عمل
نیمه کیمیاوی هم دل چسب است ، زیرا ابتدا در ظرف چند دقیقه که محلوت
مذکور از راه سافه به برگها و گلها میرسد ، رگ های کوچک کوچک گلها
را رنگدار ساخته سپس به تدریج و رفق های برگ گل را رنگ آمیزی میکنند
و بصورت یک قسم پرداز قشنگ رنگ به تمام حرص گل برگ ها تقسیم میشود
وقتیکه رنگ را خود شخص مطابق ذوق و مبل خود کاف دانست آنگاه سافه
های مزبور را از محلول مذکور خارج ساخته در یکظرف محتوی آب صاف فرار
میدهد تارنگ مذکور ثابت و محکم شود ، زیرا این آب بعد از رنگ در برگ
های سافه بالا میرود عقب رنگ را بسته واژ پائین شدن آن جلوگیری به عمل
می آورد زیرا که آب تا قبل تراز الکل بوده الکل در آن حل نمیشود . به این
قسم گلها مطابق خواهش شخص رنگ آمیزی شده ، میتوان آنها را برای
ترین خانه بکار برد . علاوه بر این محلول مذکور بقسم یک ضد عفو نی نیز
کارداده از فاسد شدن و بزرگی سریع گلها چلوگیری
به عمل آورده ، مدت دوام آنها را بیشتر میسازد . رنگ
انالین یک صفت دیگری که دارد این است که به تناسب مدت دوام کردن
گلها رنگهای مختلفی به گلها داده این رنگ ها از بخش کم رنگ تابنش نبره
و از گلابی کمر نگک تا سرخ تیز و ارغوانی فرق میکنند و باین صورت
همراه افاین میتوان زیاده از ده رنگ مختلف و قشنگ را بدهست آورد .

یادداشت‌های سود مند

در تجارت ا خبر که درین باره بعمل آمده بات دوای دیگر را نیز کشف کرده‌اند که (فیوشین) نام دارد و بقسم عام در دواخانه‌ها بفروش میرسد وهم دررنگهای مختلفه بکار رفته نرخ نازلی دارد، فیوشین چندین برنگ دیگر را بوجود می‌آورد و مناظر فشنگی تولید می‌کنند. از طرف دیگر توجه که مردمان تمام دنیا مخصوصاً خانهای خانه دار در دنیای مغرب بطرف رنگ آمیزی‌های مصنوعی گهان نشان داده‌اند سبب شده که اینکار مورد توجه خاصی قرار گرفته و آخراً در پاریس دکانهای گلفر وشی صدھا رنگهای مختلفی بوجود آورده و گهانی تیره رنگ را نیز بواسطه رنگهای تیره تغییر رنگ داده‌اند، و حتی بعضی موفق شده‌اند که رنگهای جوهری معمولی را نیز پس از میده بیزی زیاد در الکل حل کرده بکار پرند و به این قسم هر رنگی را که میل داشته باشند بست بیاورند. گل‌هائی را که به سهولت میتوان رنگ کرد طبعاً عبارت است از گلهای سفید و نیم رنگ از قبیل نرگس، یتونی‌ها، چربینها، شبوها... وغیره ولی طوریکه گفته شد بطریق فوق میتوان تمام گلهای را رنگ آمیزی مصنوعی نمود شاید به زودی برگ کوساوه‌ها را نیز بتوان مطابق داغخواه تغییر رنگ داد.

رفع رطوبت از دیوارها

اکثر مردمان از رطوبت دیوارهای خانه شکایت دارند و این رطوبت که در صحنه خانه هم میباشد بواسطه فرش سمنت و تبلیل کردن یکمقدار خالک از صحنه مزبور اصلاح شده ولی رطوبت دیوارها بدیگر قسم رفع نشده صسب خرابی رنگ و سفیده و سیمه گل شده، علاوه بر این همه وقتی روی فرش

سالنامه «کابل»

از سبب آن خاک می ریزد، برای دفع این علت علاج آسانی بدست آمده است؛ یکچهه پارافین (دوای معمولی که در دوا فروشی بفروش میرسد) و ۳ حصه ر و غن قطران یعنی فیر (که در تعمیرات برای اندودن چو بها بیکار می برند) را بهم مخلوط کنید، طریق مخلوط کردن این است که هر دو جزء، من بور را در ظرف انداخته کمی بالای آتش خفیف میگذارند تا آب شود، آنوقت همراه یک چوب کوچک شور می بند. تا بهم مخلوط گردد، چون این ماده در اثر دیر ماندن سخت می شود، لهذا باید در وقت استعمال دو باره آن را بطریق ذیل گرم و مایع کرد؛ ظرف را که این دوا در ان است چند دقیقه در یک دیگ آب گرم فرار بدهند بقسمیکه از حرارت آب، نرم و آبگین شود - این ماده که بواسطه مو یاک رنگک مالی و اگر دیوار بسیار خورده شده باشد بذریعه گلما له بنانی بدیوار زده می شود از یکطرف رطوبت منزبور را می چیند و از طرف دیگر نیگذارد که از ذیر طبقه دوای منزبور نم خارج شده یادیوار را بوده و خراب کند. در تقاطعه رطوبت زیاد است در سال یک مرتبه تکرار عمل لازم خواهد بود.

باز کردن سر بوتل

اکثر اوقات سر یوش بوتل های شیشه ای و مساله ای و غیره آنقدر محکم میشود که باز کردن آن بادست مشکل و همراه آلات فلزی از سبب شکستن بوتل و تیت شدن محتوی آن خطر ناک میباشد. درین طور اوقات سر بوتل را میان دو یله در واژه فرار داده یله ها را بهم پیش بیاورید. و زمانیکه سر بوتل بفشار میان چوب دو یله در واژه قایم شد، خود بوتل را آهسته

یاداشتهای سودمند

آهسته بهر دو طرف بچور خانید . بزودی سر بوتل باز میشود اما در چرخ
دادن احتیاط کنید تا در وقت باز شدن محتوی بوتل نریزد .

نگهداری مشکوَلَه آب گرم

مشکوَلَه آب گرم علاوه بر آنکه در اکثر اوقات بقسم علاج در تخفیف
آلام جسمانی مورد استفاده قرار میگیرد ، در موقع سرما برای گرم کردن
جای (بستر) نیز خیلی بخوبی کار داده انسان را در خنکهای اول و اخیر
زمستان و اول بهار از داشتن بخاری مستثنی میسازد . اما نگهداری مشکوَلَه
آبگرمی قدری مشکل است زیرا بزودی از اثر ریزش آب داغ خشک
شده یاره و از کار می برآید . برای آنکه مشکوَلَه بسیار دوام کند ،
هیچگاهی دران آب جوشان نیندازید و از آب پر نیز نگنبد بلکه بقدر سه
ربع آب دران ریخته قبل از بسته کردن ، هوای داخلش را خارج ساز ید
یمنی مشکوَلَه را از زیر قدری فشار بدهید تا آب بحصة نوله آن برسد و در
همین حال سر پوشش را محکم کنید . باینقسم مشکوَلَه چندین سال کار
مبدهد و خراب نمیشود .



پخت و پز

پختن فاصله

روغن ، دنبه ، گوشت ، سوربای بخنی ، بادنجان رومی ،
یکباو ، سخورد ، سه پاو ، سه پا و ، سه پا و ،
پیاز ، فاصولیه ، نمک ، صرچ سرخ تازه ، نار صلی یا گشنیز ،
یکباو ، سه پاو ، آمنقال ، آدانه ، آمنقال ..

اول روغن داغ کرده شود بعد دنبه ریزه کرده بهمراه قدری نمک بروغن
انداخته شود بعد که دنبه سرخ شد گوشت را شسته انداخته شود توشت که
آب خود را خشک کرد پیاز را چهار تکه کرده انداخته شود و سور بدنه
تا که همراه گوشت بونگ گ باダメ شود . بعد آب بقدر ضرورت انداخته
شود که گوشت کمی نرم شود بعد نصف با نجفان رومی را آب کشیده همراه
کوفته های گول در میان آن بیندازند تا خوب شور با شود .

اگر چه در افغانستان اصول مترب در اوزان و مقادیر رواج دارد ولی
محض استفاده عموم طبقات درینجا اوزان و مقادیر سابقه نشان داده شده ولی
هر کس میداند که ۰ گرام یک متنقال و یک متر مساوی ۱۵ بار یعنی یک بار
کم بیک گز است .

کتاب لو له

یکچهارک گوشت استخوان کشیده را یخنی کنند که آب آن نمایند بعد آن را از ماشین گوشت کشیده و سه خورد پیاز خام را هم از ماشین مذکور بکشند بعد هر دو را یکجا کنند که مخلوط شود بدینوجه :

دنبه گوشت یخنی شده، گشنیز، مرج سرخ نمک، هیل کلان، سیر تخم مرغ
یکپاره ۳ متفاوت، ۳ متفاصل، ۶ متفاصل، ۲ متفاصل، ۱ متفاصل ۵ دانه

کاهی تخم کهتر بکار میشود. باید قوام گذشته باشد نظر باشد
مصالح مذکور را زردی و سفیدی تخم مرغ دران مخلوط کرده بعد بدست
خود نویه کرده خواه کلان خواه خورد باشد آن را بروغن در کراهی المونیوژ
دسته دار سرخ کنند.

چتنی آلو بالو

آلو بالو، بادام تاره مفتر، هیل خورد، سرکه یا آب لیمو یا آب غوره
یکپاره یا یک خورد نیم متفاصل

قرار خواهش، مرج سرخ یاسیاه هر کدام مطلوب باشد نیم متفاصل. گشنیز
تازه بقرار خواهش خواه داخل بکنند و خواه نکنند یک متفاصل.

آوشی بودنه و مرغ

بودنه، زیره سبزه سرخ شده، سیاه دانه درست
سی قطعه دو متفاصل دو متفاصل

حلبة درست ، هیل کلان سرخ شده ، میخک سرخ شده
 دو مقال دو مقال یاک مقال
 اوری درست ، جلوتری یعنی بسباسه سرخ ناشده ، زرد چوبه مرچ سرخ و کشنیز و سیر
 دوم مقال یکدرم
 پهار خواهش ، اما کشنیز سرخ شود . نمک بقدر حاجت تبل شرشف و سر که
 بقدر ضرورت میده شود .

اول بودنه هارا با ب صاف جوش داده یخنی نمایند دوم سرکه را بجوشانند که
 از چهار حصه سه حصه بماند سیوم تبل را صاف کنند چهارم تبل صاف شده را
 بدیگ انداخته پنجم حلبه درست را به تبل مذکور سرخ نموده ششم بو دنه
 های یخنی شده را بالای آن انداخته قدری سرخ کنند هفتم زرد چوبه و
 مرچ سرخ و کشنیز و نمک و سیر را داخل کرده فدری فدری سرکه انداخته
 اجوش بد هند تا وقتیکه گوشت بودنه ها را شود بعد از آن باقی سرکه را
 انداخته اوری و سیاه دانه درست و جلوتری میده شده وزیره و هیل کلان
 و میخک را داخل کرده چند جوش داده فرود آورده بر تبان اندازند . مگر
 تبل و سرکه مذکور اینقدر باشد که بقدر دو انگشت در مرتبان از بو دنه ها
 بالا باشد . اگر بودنه کم و زیاد باشد از غفار مقداری جز و مذکور و
 عددي بودنه مصالح مذکور را نیز کم و زیاد کنند .

تبستی پو دین

ساختن پختن نان آن :

فند میده ، آرد نرمیده ، تخمیم ،
 نیم پاو نیم پاو ده دانه

اول زردی تخم را همراه قند میده خوب مخلوط کنند بعد ازان آرد
ترمیده را همراه زردی تخم و قند مخلوط یک جا کرده خلط نمایند و سفیدی
تخم هارا کف کرده یک جا کنند و درجا می که بر و غن چرب کرده باشد
بیندازند و سرجام سردیگی گذاشته برخ و ج آتش مانده برسرش نیز آتش
بیندازند تا پخته شود .

شوربای یخنی جوش داده و فاصوله را بالای همان گوشت بدیگ انداخته
شوربای یخنی و آب بادنجان رومی بکجا جوش داده بالای آن انداخته شود
جوش داده شود تاوقتیکه آب آن کم شود بعد گشنبیز رومی و مرج تازه را
خلال کرده بیند ازند بعد چند دانه بانجان رومی دیگر را دو دو حصه کرده
بالای آن چیده شود و بر آتش نرم بگذارند تا وقتیکه پخته شود .

چشمی زرد آلو

زرد آلو خلال کرده ، سرکه ، گر اعلی ، زنجیبل ، مرج سیاه ، سیادانه ،
یکسیر یکسیر دونیم پاو ۱۰ متفاصل ۵ متفاصل ۳۰ متفاصل
مرج سرخ ، نمک ، سیر خلال کرده
۵ متفاصل ۲۷ متفاصل ۱۰ متفاصل

اول سرکه را صاف نموده با آتش بگذارند گر اعلی دران داخل نموده گرم
نمایند تا که گر درسر که آب شود بعد ازان سرکه را صاف نمایند . زرد آلو نیم
پخت را خلال نموده دران بیندازند سیر را خلال کرده مرج سرخ و نمک زنجیبل
مرج سیاه را در آن مخلوط کنند بعد خوب جوش داده تاوقتیکه زرد آلو نیم
پخت خوب نرم شود و مزه همه مصالح و سرکه و زرد الو باهم یک شود .

پرا کری

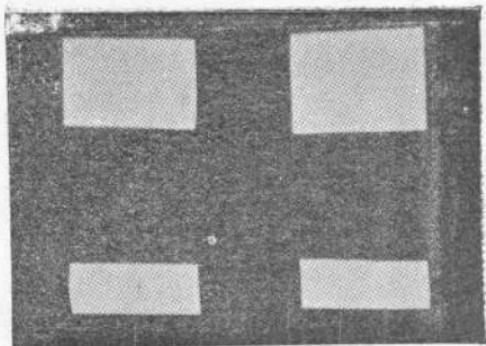
آ خورد بادام و یک خورد پسته را در آب گرم انداخته بادام و پسته را از پوست
 جدا کنند که مقشر شود بعد ازان در گندله کوفته و میده شود مساوی آن قدر
کوفته واز میده یعنی کشیده بعد بادام و پسته و فند و دانه هیل را کوفته همه را
نمخلوط کرده در گاسه چینی بگذارند - در نیم چهار یک آرد ترمیده بقدر یک سیم خورد
روغن صاف کرده انداخته دست مالی کرده و آب انداخته مثل که برای یوری
سمبوسه آرد تیار مبکنند بعد ازان بقدر اندازه یوریها آرد تیار کنند
هر گاه یوری خورد باشد بقدر ۶ نخود وزن هر گاه کلان باشد نیم متنقال
از همان بادام و پسته و هیل که در گاسه چینی گذاشته است انداخته دهن
یوری را بسته کنند مثل سبوسه که درین انداختن روغن باز نشود .
در گراهی آهنی میان روغن اعلو سرخ کرده یوریها را ۱۵ خواه اضافه
انداخته بخوبی کنند .

نسخه جلدی اشتق

اشتق ، خرمابدون خسته ، کشمکش سرخ . خلال ادراك
۵ متنقال ، ۲۰ متنقال ، ۲۰ متنقال ، ۸ متنقال
سرچ سرخ بقدر خواهش ، نمک بقدر ضرورث ، سر که بقدر حاجت ، اشتق
شب بسرکه تو شود که برای فردا نرم باشد .

اختراعات و اکتشافات

تلوزیون در میدان عمل



از اختراعات مهمه و خوبی
دانشگی عالم امر و زی ،
یکی هم «تلوزیون» است
که قام آن کمایش بگوش
هر کس رسیده و مفکرۀ
از ان دارند ، و در سالنامه
سال اول کابل هم از چگونگی
آن تذکاری رفته .

تلوزیون که عبارت از دیدن
اشیا و اشخاص و یا گزارشات
یا نمایش ، از فاصله
بعید است ، روز بروز
در ساحة تکامل پیشرفت
آمده افرادی نموده و
متخصصین علاوه مند آن ،
همواره در ساخت دستگاهی
که بتوان بذریعه آن



عکس (۱) - عکس (۲)

سالنامه «گابل»

اشبارا از دور دیده و حرکات و مکنات و آواز آنرا استماع نمود،
مصطفوف مساعی بوده اند. اینک در اثر این مجهودات، بالاخره به عملی
ساختن این نظریه
و نمایش آن بعرض
عموم، کامیاب هم
شده اند، چنانکه درین
تازه گبهای (در امّه)
نمتصوص نمایش تلویزیون
در لندن در اطاقی که
دستگاه فرستنده را دیو
وتلویزیون وجود داشت
بعرض تمثیل گذارده شد
و از اطاق دور دست
دیگری که دستگاه آخنده
رادیو و تلویزیون قرار
داشت، عملیات نمایش
من بوررا به بسیار خوبی
و بدون کموکاست دیدند
و شنیدند.

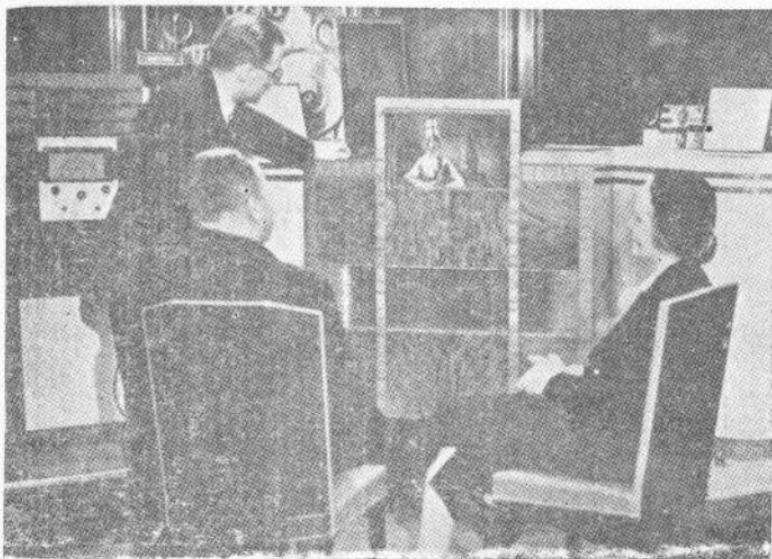
کنون این دستگاه
جدید تلویزیون، مراحل
اشکالات خود را



عکس (۳) - عکس (۴)

اختراعات و اگتشاؤات

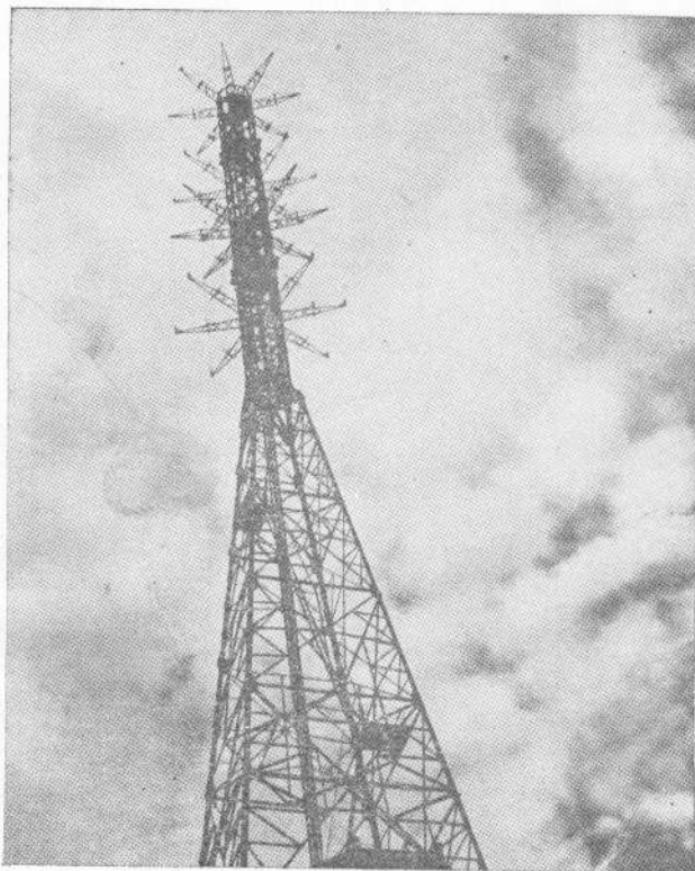
بیموده و عنقریب در بازار تجارت عرض اندام خواهد نمود . در آن وقت ، بد داشتن چیزی دستگاهی ، شما میتوانند سینمای ناطقی در خانه خود داشته باشید ، بر حسب میل ، در امه و نمایشاتی را که در دنیا خارج بقرار یرو گرام های معینه ، اجرا شد نی است ، برای این مشاهده اماید در آغاز یک نمایش ، چیزی که در روی پرده دستگاه تلویزیون خود



تماشا کننده گران روی پرده مناظر مختلف را می بینند خواهید دید ، عبارت خواهد بود از روشنی سفید یکه شروع نمایش را نشان میدهد (چنان نکه در عکس اول می بینید) دوم ، نوع اصول تلویزیون را خواهید دید « چه تلویزیون عجالتاً بدو اصول ساخته شده « اصول

سالنامه « کابل »

مارکونی - و اصول بیرد « عکس دوم) بعد شخصیگه خاص حکریه یك دراهم



برج هوائی دستگاه تبلی و یزیون

اختراعات و اگتشافات

را اعلام میدارد، در نظر شما جلوه گر خواهد شد (عکس سوم) - و سپس اصل نمایش آغاز خواهد نمود - و تمام گزینه ارشات بک در امه را در حالیکه در خانه خود استراحت نموده اید، تماشا خواهید کرد (عکس چهارم و عکس پنجم). ولی عجا لذاً منتظر عام شدن، این گونه دستگاهه باشد.

طیاره است یا موثر؟

در امریکا یک قسم طیاره جدید اختراع شده که بنویس (اتوشیرو)



طیاره است یا موثر

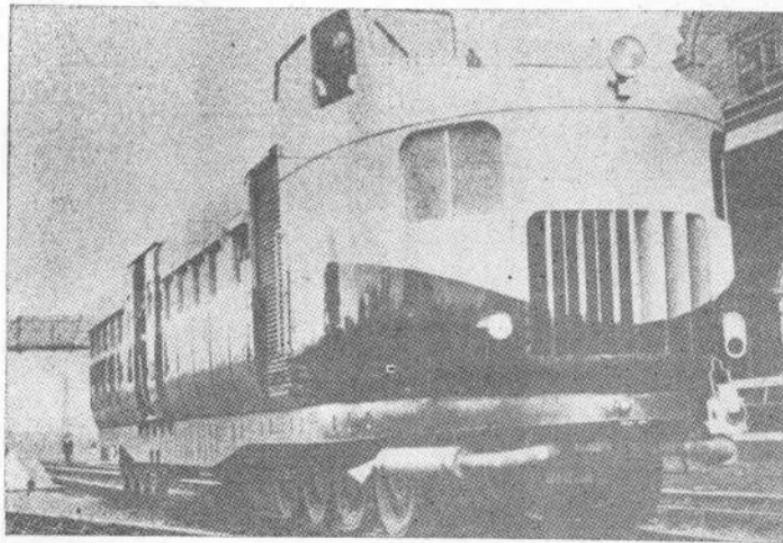
شهرت دارد، این قسم طیاره ها بخط مسقیم در جو فضا صعود کرده میتوانند.

سالنامه «گایل»

تیز در طرق و شوارع میتوان آنرا مانند موثر معمولی استعمال کرد و اگر در حین زمان رانندگان میل کنند در فضای برو از نماید پروا نه آنرا چالان نموده فوراً به هوا پرواز مینماید.

قطار بی صدا

آخر افطار جدیدی اختراع شده که عرباهای آن از رابر و آواز حرکت



قطار بی صدا

آن شنیده نمی شود. این قطار را در اسکنند تجربه نمودند بکامیابی تلقی شد، این قطار عبارت از عرباه است که در آن ۵۶ نفر سوار میشوند، اطاق راننده آن در قسمت بالائی قرار یافته است.

اختراعات و اگنشافات

موتر دو چرخه

اخيراً در لندن موتروکوچکی ساخته اند که فقط دو چرخ (عراده) دارد



موتر دو چرخه

وروی آنها بدرستی حر کت میکند . این موتر از روی بزرگی خود ۴ برابر خود را از موتر معمولی است و بقیمت بسیار نازلی بفروش میرسد . در پهلوی آن اوتوبوس شهری بزرگتر را تماشا کنید !

موتر سی ا فنازگی ؟!

گرانی قیمت موتر و مصرف سوخت آن کارخانه های موتر سازی را

سالنامه د گاپل

بخيال انداخته است که در صدد رفع اين تقاضا برایند و در نتیجه اخیراً اين
موتر (تصویر پهلو) را برای آزمایش ساخته اند قیمت

آن سه دالر (۳۰)

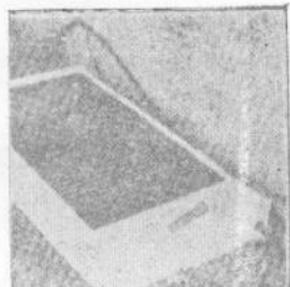
افغانی باست و با يك
کیلو متر تبل ۱۶۰
کیلو متر را طی
میکند و سرعت
متوسط آن در
هر ساعت ۶۰ کیلو



موتر ۳۰ افغانی کی
آلہ اعدام مگس

amerikaniyan az hegrom mags متذمی شده و در صدد اختراع آلہ اعدامی

این حشره برآمده اند و در نتیجه جمعه که از
سیم های بر قمی یوشیده شده است اختراع
کرده اند . بعض اینکه مگس روی آن فرار
میگیرد فوراً مو میرد و بین سیم های زیر
جمعه می آند .



ماشین تشخیص امر ارض

اخیراً نمایش فوق العاده تعجب آوری

آلہ اعدام مگس

آخر اغاث و اکتشافات

در لندن یا برصغیر ظهور نهاده و عده زیادی از علماء در تماشای (طبیب بر فو) مات و ممبوث کرده است . مقصود ازین نما یعنی تشخیص امراض بر قی بوده سرچشم این اختراع شگفت انگیز است که امراض بشری موجودات الٰهی در ظرفیت بر قی عضو مریض را فراهم می آورند .

بنابرین اگر ماشین فوق الذکر به بدن مریض وسل شود بو سبله تشخیص میزان جذب برق توسط این ماشین فوراً عضو مریض معلوم میشود .

آیا کرها خواهند شنید ؟

دراستورات اظهار مبدأ را کافی است در کرها بجای گوش عضو مصنوعی دیگری قرار دهیم که قابلیت جذب تأثیر امواج صوتی را کدر تمام بدن منتشر شده داشته باشد .
بنا بر این نظریه اسبابی توسط خود داکتر ساخته شده و در آنها یک قدری گوششان سنگین بوده است نصب و با کمال شکفتی ملاحظه شده که سنگینی گوش بکلی بطرف گردیده است . ممکن است ترمیماتی که بعد از در اسباب اختراقی فوق الذکر بعمل آید موجودات تسهیل شنوانی را در کره فراهم آورده ممکن بحال آن همانی که اصلاً کر میباشند نیز مفید واقع گردد .

تا نک جدید

در جنگهای اخیر ایضاً تامک های جدیدی که در معرض استفاده گذارده شد از جمله ، تانک پل دار بود . خاصیت این تامک عجیب این است که در موارد لازمه میتواند پل فولاذي

سالنامه «کابل»

محکمی بوسیله چرخانیدن یک چرخی از خود خارج نموده و بدین وسیله روی رودخانه کوچک و نهر بزرگی را سد کنند. بنابراین عبور نفرات از روی آن آسان میشود. این تانک برای مالک کوهستانی تهاجم درجه مفید میباشد.

بایسکل پره دار

یک فرمانخترع فرانسوی اخیراً موفق به ساختن بایسکل عجیبی شده است. در مقابل دسته (هندل) بایسکل مذکور یک ملحخ سه یقه بزرگی ساخته شده است و زنجیر چرخ بعوض اینکه متصل بچرخ عقب باشد بالعکس متصل بملحخ بوده و بواسطه حرکت رکابها (پادان) همان ملحخ بسرعت زیادی میچرخد و بنابراین وسیله حرکت بایسکل را فراهم میآورد - فئّه بایسکل مذکور اینست که اولاً سرعت آن بیش از بایسکل های معمولی میباشد و ثانیاً یازدن آن بعراحت آسانتر بوده شخص را زود مانده و خسته نمیسازد.

بشارت به عقیم ها

قراریکه اطلاعات جمعیت کیمیاوی امریکا نشان می دهد جدا کردن ویتامین ینجم که موسوم به ویتامین (E) است صورت علمی پیدا کرده است، و بواسطه این ویتامین است که جنس اثاث حامله شده یا تولید می نمایند.

قوت این ویتامین طور یکه دیده شده خیلی ها زیاد است، بعد یکه ترزیق ۳ میلیگرام آن به بعضی از حیوانات عقیم، عقامت شان را بر طرف کرده و باز آن حامله شده زائیده اند. قراریکه تجارب نشان مدهد این ویتامین تاثیر زیادی در زن های عقیم (ستنه) هم دارد.

قوای حربی دول

(از روی شایعات جامعه ملل)

تعداد عساکر

اتحاد شوروی	۱۰۳۰۰۰۰۰
ایران	۸۰۰۰۰
فرانسه	۷۴۰۰۰۰
المان	۶۰۰۰۰۰
چین	۵۰۰۰۰۰
انگلستان	۲۰۰۰۰۰
امریکا	۱۵۰۰۰۰
(همراه عساکر مقیم جبهه)	
(بدون عساکر مأورای بحر)	

تعداد طیارات

روسیه	۲۰۰۰۰
ایطالیا	۱۰۹۰۰
انگلستان	۱۰۸۰۰
فرانسه	۱۰۸۰۰
امریکا	۱۰۲۶۰
المان	۱۰۰۰۰
چین	۹۰۰

جهازات بحری

	انگلستان	اتازونی	فرانسه	جاپان	ایطالیا	المان	
۲	۶	۱۰	۱۱	۱۷	۱۴	جهاز بزرگ جنگی	
۱۲	۱۹	۱۸	۲۴	۳۷	۵۴	کروزر (هر فم)	
۱۱	۱	۲	۸	۶	۱۰	راکب طاره	
۱۶	۱۲	۳۵	۲۹	۱۲	۱۷	جهاز رهنا	
۱۲	۵۴	۳۹	۶۷	۶۲	۸۹	محرب	
۶۴	۶۶	۸۳	۰۰	۳۶	۵۳	تحت البحری	
۱۷	۴۲	۹	-	-	۶	جهاز ساحلی	

جهازاتیکه در سال ۱۹۳۷ ساخته میشود

	انگلستان	اتازونی	فرانسه	جاپان	ایطالیا	المان	
۲	-	-	-	-	-	-	جهاز بزرگ جنگی
۲	۳	۲	۴	۸	۶	کروزر جنگی	
۱	-	۰	۲	۱	-	-	راکب طیازه
۱۰	۸	۱۲	۱۱	۲۰	۹	محرب	
۱۴	۱۲	۸	۱۰	۶	۳	تحت البحری	

پښتو خنگو و نزو؟

لکن کچه با پیشخانه

هکلچتایخ پامواوکرو خرېنکه چدن روئه اقام او مل د دنیا هغه اقام او مل د چې لېخوانی لويو
مزاد او قومو خې بیل سوی او خاوندان ڈکوبني کوئي قومیت او ملیت ګزیدل دی په هغه اندازه ددوی
ژبې هم هغه شرې دی چې په دستنیو دوړوکن لداسی او لويو ژبوخې بیل سوی او مستقل شخصیت ټه
مندل دی دی.

هړه ځی چې مستقیماً د انسانا فولالی (اجتاعی)، ژوندون سره اړۍ لري د اجتماعی ژوندون زوکړۍ (مولو)
او د تطوار او تکامل و ناموس ته تل مطیع او پرمان وړونکه د، نو هکله چې شرې هم د انسانا فولو ژوندون سره نېږد
سراپه اوږد لري په اختیا کېن د تحول او تکامل ووي، او هملازې چومن وړخ په دنیا کېن لوړ مقام لري او
دلی او فی هستی خاونده ده خوپیږي څخواه هیڅ کلندوه اوکوه هم د فقار و ناقاف په دول او سیاه د علم سره
هیڅ او نه ده لوده لکد: فرانه، انګلیسی، جورمنی ژبې او د دوی په خیر، هکله چې دېشر مدیلت پرمخ وکار
او د معارف خلائنه دیوه د دنیا په هموکوئې کېن بلداړنډ سووه ژبې هم په مختیا (ترق) وکړو او ورو و پېختیل
والک (استقلال) خاونه سووا او دېلې ژبې د باهاری پېښې له لاؤې سه څخدا ماماو.

په دے وخت کېن چې له په مرغه د پښتو ژبې سره زنده او اصلاحات په نظر کېږدی او د ژوندان سباب نه
ړاغذېږي، فوښانی چې یوه لزوه کتند د ژړو د تکامل په تا رسېنکن زموږ حوصله ته کې او له په څخه د ژبې
په ژوندان کېن په علی اصولو سه موږ د تجربې څېښتناو وکړزوي. نو دادی چې لاندې په لندې دولو د دخنو
مهموټ بود تکامل په تایخ کېن سترګ رغې وو ترڅوچه و پوهېږو چرد سه ژبې ترڅه وخت رسیت
وړکړی سوی او لد پاړ د ژوندان ټه چا او خد وخت او په خرد دل خدمت او کارکې دی
او موږ خپله شرې (پښتو، خنگو، ویالو).

سالنا مرد «کابل»

هر کلہ چڈا روپا تائیخ کو راو دملتو دادیا تو تائیخونہ نے تنظیری و دینوں

دار و پاری: چ پہ منزفی قرن کن پر قوال اروپا کب لائیق شربہ او دا حال د، نیانش^(۱)

تزوہ پرے پورے وہ، هر کلہ چ در نہا نہ لیجی و مانگدایطا لایا خھر پر مخلید و سو او دیبی دیوی^(۲) (دانسته)

مشہور شا عزادیطا لایا بلکو، موہبہم لا زنگ کوچ مبداء د خبلو تحقیقا تو ایطا لایا وکرزو.

دایطا ایا ملی شریہ: د خلو لسم قرن پر اول کب بیوہ سرمی او دلیک شربہ پر قول اروپا کب لائیق

نلیڈہ کیدہ او توں کتابوندہ هبیاب کنچ رو دلائیں پر خط او شربہ لیکل کیدہ پاپ او درہ بہانو دلے

علاوہ پر وحافی چوپر (خدمت) دلیکنے دنہ (وظیفہ)، هم ترسیم رسول دیرکتا بوندے ولیکل او خسار نے

کرو، ددے لیکون کوششی پرچ دبڑے اما سو لردے چ د علم او د بلیت پر ترقی کب نے خدمت کا وہ اودکنا^(۳)۔

پر لیکل کب نے زیارکین (جذک)، چ پہنچ وخت کیں مطبعہ نہ توں کتابوندہ پلاس اوقلم لیکل کیدل، مکد خپلے

ملن شی پر ژوند کب نے هیچ توجہ و فکر نہ دلہو د جذک، هفہ د منزفی قرن او سید و نکی دار و پا نکل اپشاک

کنو، او خپل خانو نے لخبلو پلڑا و نیکہ کانو خھپاڑا او کمبل او ویل برئے چھنہ کا چ پلڑا او نیکہ

کانو موندی کری موہبے هم باید و نکو جذک، بیریل چ پہ کم نا یوہ اخند شنی او پی آخرت کب نے پعڑا ب

کر کنی - پر دغ و خت کب نے چ د (دانسته) ایطالیا لوی شاعر و زبیدی ای او وہ وستہ لد تھیل غنٹے

پر محیزی شروع و کیو ایوہ کمیدی^(۴)، نے د (دیویں) پر نامہ ولیکل دا پر ھفر کب نے قول دایطا لوی شربہ

دلغا تو او اصطلاحات رعابت وک، داد دانتہ کیدی چ دایطا لایا پاشہ لیکل سوے وہ ایطالیا پر خلق او

جلسو کب نے دول دول اغیزہ وکو، خنوبہ بد و ویل جذک، ویل نے چ د استپخوانی او میراثی شربہ پر نیوہ

او کمیدی نے پر ایطا لوی شربہ ولیکل، نو خلق چ عوماً پلا لائی شربہ پوھیہ او د لائیں دشہ بندال نے

پر جرا اقہمیت د پارے ما نہ دامتہ دا کمیدی نے پر دی پس نظر و کتلہ او دے منلہ خونکانو، چ پتارا^(۵)

او بوكاس نے مشران وہ ددے کمیدی تقلید نہ تو، دانہ پر سبب هفو سخن ملامتیو چ د خنولی خواہ

^(۱) نیانش هفہ دوڑو د چ پہنچ کب لار و پا ادبیات اور، لع ترق دکڑا او لہو جیٹ فا بلہ استفادے وکھندا.

^(۲) هفہ در اے اونقلو ندی چ سرمی خوشحالو.

پہستو

پر وہ پیلے کیتے، کروخت چرنے خپلہ بلکہ کیدی پنام در جنم لیکلا جیراں ڈ، چپ کمہ شہر نے ولیکی پردے وخت پر ایطا لیا اور سوتہ لہھغا رپا پا کر، ملکوں کیں برباد فکر پس اسوجہ هفتہ فکر (ہیومانیزم یعنی ثروت و ستو) فکر وہ هکلچا ساس دھیومانیزم دعوای مودت شہر اہمیت اوغرو والی و نوٹے فکر دانتہ و خیالات تو تھے مرستہ (کمک) و کمک اور اخلاق دادا شہ پڑا لٹکا اوبوکا س ددہ پر پل روان سوہ اوپہ فلوران کین، یوم کرنا پاہ ددے نظریہ پنامد ہیومانیزم (HUMANISME) تاسیں سو، کھڑھم دا تولنہ لکدا تاتھ دایطا لیا دمل شری بہ شرونڈکین تارہ نشوہ اور دملی شری شرونڈون ڈ دخیلہ دنی (وظیفہ) دوھم درجہ بالد مکبہ کام دیر خدمت ایطا لیا دملی شری بہ شرونڈکین وکی۔

بایدو ایوسو لردے چر دملی شری بہ شرونڈون پا ایطا لیا کبر دانتہ او ددہ داثار سوہ یو خاصے پیا سو بیائے ہم دونہ پالٹھ نہ کیدہ جکھ پر ہھ وخت کین ملیت او وطنیت دوئے مفہوم نہ دل بلوہ۔ پارا روپا کین دا ذہنیت یوہ او بددہ نہماں غصو وہ او ادبی مسلکوں لکد ہیومانیزم اور کلائینری او اونور ہڑھچ پردے نہماں نکین ونڈہ سوہ تولوہ دسے ذہنیت سو جکھو کولہ۔ علی او ادبی انہنوند روح روح دبڑیک۔ مخصوصاً اختراع دمطیعے چ دنخاسم قرن پہ نیئی کیش چرد (کوتبرگ) نامی اخواہ اختراع سو سے وہ لیویٹے خواہ تھے ادبیات لووکیں اول بدلے خواہ تھے دنوہر ملاؤ دخیلہ شری بہ شرونڈنہ پام کجکہ، پفرانس کین (پلیا) انجمن تاسیں سو اور فرانس شہر تھے تریویٹے اندازے پورے دروزہ اوپہ خپل جو منی شہر ترجیح کی۔

دفرانسہ ملی شہر : دفرانس معروف دوہم (د صنعت او ادبیا تو پہ ترقی او شرونڈکین انبتاہ او ویستوب، دفرانس پر حملکت کین وہ سوتہ لایطا لیا خندرا غلہ جکہ، پہ شپا ارس (۱۶) قرن کوئی نہ لیکونکی لک: (بلہ) او (مونتن) اولوی شعر لکد: (مارو) او (رونسار) شرکنی سوں هکلچ دوی ہم لکدا ایطا لیا مشہور شاعر دانتہ او ملکر ج دھنود منزی قرن دثونڈ سخن تپراوہ او پخوانی ملی ادبیا تو تھے مینہ درلووہ: نولی چارو چہ دکھ شعر و ادب بنا غلوکیو ہھ دفرانس دشربی غور و کول وہ جکھ، پھری

سالنامہ "کابل"

او ملکی ددوي چهور و ستدار دے نے داد بیا قوپہ دو گرگیں پہنہ کبی بوده غورہ او کبلی پارے اور آنار نے لیونافی اور ہما خند و اخیتے او هغہ نے دفرانہ پربوہ (حالصہ) شہر ترجمہ او پہلے نے روان سوہ پردے وخت بنس و چھ وطن دوست لیکونکی موسم پہ (ژوول) لمی پلاٹی یسوہ (تراڑدی) (۱) دفرانہ پہ شہر و لیکلہ او خپڑے کمہ او دا اخیلہ تراڑدی نے پہ حضور دھف وخت دپادشاہ (دوم ہانزی) ہم و سوہ دلیوے خوارہ دھانزی دپادشاہ انہ پہ الطافوس لوری و گنیہ او لہ بخواہ نے دوطن واولاد و ترثیب دژوند میسہ و زندہ کمہ جنک دا طبیعہ چ یونوی او بکر عسل هر کلہ چرد پادشاہ خوبن امنظور ہی او پہ درہ مسٹر کہ ورنہ کوری ہر و مر و هغہ کان چہلہ نیز دے یا لرے دھف علکتوکوئی خوٹے وس وی هاند (کوشش) کوئی چرد دوی ہم هفہ علی یاد دھف علی پہول وکی او دپادشاہی پہ الطافوس لوری سی نو دے عامل پہ پلیو (پیروی) سرو و چرد نے لیکونکو غوندے یعنی دملی شری پا لنکو و اس پہ وار دیریست دکی او د میسہ پہ اغیزو اوزرہ ترددے کسان او پہ پالنا او پام لہنہ دد و ہم ہانزی چہ پادشاہ وخت و دفرانہ شری خصل ملی مقام و نیو .

پہ دے وخت کہن چنی پر دے وہ چہ دفرانہ شہر پلیک (قطار) کبی دنونہ پیش بود لو رقمام او منزلت خاوند سی لہ بلا مرغہ دھف ملکت پہ لیکونکو بکن ہنے کان گرگن سول او لب لب نے ددے ماشوم چہ غورہ نتھے چہ پہنچو و دیریوی او کیت مت دفرانہ دمیلت دول و مومی دلاینی لفاثا تو اکلمو پہ کرکو لوسرے نے بیا ملاوہ ما تکی تر خوچ ن سوچ ہم دشیب علاما او مو جیں چہ غواری دن روتے دفرانہ دشیب خچلہ (بحث) وکی والے چہ دفرانہ پہ شہر کبی دو و قویہ (سیدہ) دلاین دژ بے کل سول یو پہ منزفی قرن کیں او دوہم دانتبا اپہ دوڑہ کبی .

د اوضاع ترھفہ نہ مانے پورے وہ چھلوی ۱۳ دفرانہ پادشاہ او کلاسیک (۲) ادبیات چ پہ هف وخت کبی خصل لو رقمام او عظمت تر سیدلی وہ ہم پردے واسطہ و چ نسبت ترثی تد (۱) هند لے اونقلوین چرسی غم جنوی . (۲) دادیں سلکو خجیو مالک دی چپہ ۱۷ قہ کبی پہ فرانہ کی لوری ہی صہبہ تر سیدلی وہ او بیا شے خلخال کے رومان تپریزو دا پیچلہ نیت سو .

پیشتو

دعکری دا وضع او تبیئے پرس کولواونورالوس (اجتماعی) مستلو باندی بخت و او هفه خدمت چه زبی ته بنا یو اے نکی، نولا نہرو چریوہ طبقہ پیاسوے واسے ترخچ وانقصان لئے میخ خدا آخستی واسے اودڑبی دپر مختیا دکرئے پاک کری ولے - دغروہ چریوہ دلداد یبی یعنی شکلک بورا د فرانس داد بیا تو پرگلا نو پر الوقسوے .

دے د بنحو شاعر انواریکونکو د لے ورو ورو د فرانس پر ادیا تو کبین بشہ بربیا لی توب اونفوڈ خرگندکی او ترد سے حادتے بُری و مند چر د فرانس داد بیا قوتاک لارئے وکرزاولہ اودڑبی پر نظم او نہ کبین نے پر عوض دھفہ زیر و کہ و تعبیر اقا و اصطلاحات د لا یین او یونانی د فرانس کبلي اپیوں عبارت استعمال کی .

داد بخوا دیا نو تولنہ بدیوہ معارف دوست سری پکوکر کبین چرد (ما رکیز دول نویسیہ) پر نام د فرانس پر علکت کبی او سیدہ سو کیدا او اخلاقی او ادبی مسئلے بهئے خبری او پر دے مکوکبین و تبا (منع) وہ چر هفہ عامیانہ تعبیرات چر دیلیک (کتبی) ادبیات و مانوی پر شریہ کبین نے سراوری، حق دے بنحو تولنے چسل نوم (پرہ سی یوز) (۳) کبینبود او قول کارئے د فرانس دڑبے بوبہ دل وہ .

پر دے وخت کبین چردے شخو (مکر ترمہ نزیاتی) چسل عمر دمل شربی پہ شرونڈ باندھتے تری (حصر) وہ اودھلیت دوستی پکارکبیں نے چسل طاں دود کری او شہرت نے پرہ و خا چبورسوی د صرف علا (صروفون) او د فرانس د علی جرگے (اکادی) اعضا ہم تری ووتل - ترخچ د دے غیر ہم تو بنحو سو ملا و تری او مرستہ وکی نورا وہ چر د دوی سو نے ملکری وکری او اکثر د نور و زب و هفہ لغات او اصطلاحات او کلات چر پر منزی قئے او د انباء پر د و کبین د فرانس پر شریہ کبین کدسوی وہ وسے یہ ستل او پر دے صورت نے چلد شربہ بوبہ او ادبی او درباری شربہ وکرزاولہ او وسے تاکل و روستہ لد می خندھ کولوا عیا نوا شار افوا د علما او فضلاؤ تولنے د فرانس پر بوبہ شربہ خبرے کوئے یونانی

(۱) اصطلاحاً مصلیعیناً و دا صلاح غوبنستونکو تر ویل کیزی .

سالنا مدد «کابل»

اولاً تینی لغات یوائے پہنچوا وو گرو خلقو کبین پا نرسو :

(روزہ لا) چھفے وخت دعلم او خندی لیکچر: «بی تعلیم خلق تا سول عمل اوفضلا او فریبیه سوی خلقو خخند کلاتین دکلما تو پہ واسطہ بدلے ولائے سوائے جمک: بی تعلیمان پہنچلو خجو وکپن کلاتین لغات استعمال لوی نورانی دلغا تو استعمال پی خجو او مجلسو کبین پڑھیعہ دبوئے فرانسوی یولہ آدا بو خخند شر وندون (معاشرت) کنل کیدہ .

«پیشیلو چرد فرانس اکادمی تاسیں کمہ لمی نصب العین ئے داوه چربايدا اکادمی فرانس دشہ بدلغا تو یوکتاب جو را ارتیب او تدوین کی هر کلمہ چرد پیشیلو دا اکادمی تاسیں کمہ او دا دنہ (وظیفہ) ئے ورتو تنا کلہ چملی پی بد فرانس دژبی یوقا موس حاضروی هفدوی لیکونکی (ولتسر) وویل: «د اکچن ہیئت چہ قولنہ ئے بولی دفعہ بشر د گلو غتمی د جمک دیرلوی اینا غلی سری ددے تو لئے پہ کتہ خدمت کوی» او د فرانسل بل پیاروی لیکونکی (مولیہ) ولیکلچر: «انسان د هفت شی چہ پہ لاس را مستل (تحصیل)، فے دیر غواری بايد د پا د شاہ د حضن د مجلس مینہ وی جمک، پہ بیٹھ خاکی کیں لکدا مجال س صحیح او رشتیا تصویب نہمنہ کیوی» ددے دو پیارو فرانسوی لیکونکو د یلو خخند چرم بئے د فرانس دادیا تو پہتا بیخ کبین ترا بادہ پا نہ وی جو تیبی چو افلام د پیشیلو پھنگ نہ مانکن تر خمدلک پورے د فرانس دیوہ اولا د ورنہ تہ نیز دے وہ او تدوین دیوہ نوی کتاب دلغا تو دیوہ سے تازو شرہبے لپا و چھ غواری هفت شر وندی و گزروی او بہیت ورکی خوند لو قیمتہ (گرانہا)، او امید ورکوونکی دی؟

پہ دے خاۓ کب نو ہم اجازہ غواری چھ هفت دوں انفارات او سلہوی چہ ولتسر او مولیہ پہ واسطہ د اکادمی تاسیں د فرانس پہ تا بیخ کبین پیشیلو تہ منی نہ ہم هفت انفارات اعلیٰ حضرت شہید (محمد نادر شاہ) حجۃ اللہ علیہ تھیپ بافی د پیسو د الجمن او د پیسو د شری د شر وند مری دی ونم نہ لنه پڑھ داچ و وستہ لتأسیس او تشکیل خخند اکادمی او هفت اصلاحات چردے تو لئے د فرانس پہ شرہبے کبین وکو د فرانس شرہبے تر دے حائ پورے غلچہ (قوی)، او قواناسو کچیرے دھف ملکت

پیشتو

داد بیان تو تایخ و پلتم سولید کیبری چدرو رسته لهنده تایخ خن دئے دکلاسیک اور رمانیک او نور ادبیا تو پر دگر کبین، هنده آثار پرینیو دلچه ترا بابه بد فرانس پر تایخ کبین خانے دسرهوری (افخانس) اوس ہم سر لد دے چد دفرانس شریہ چیل لو ری مقام او حاصلے تر رسید لے ده او پر قلعو علی او فنی موضوعات کبین دپر لغات و اصطلاحات تو خاوندہ ده بیا ہم دفرانس او لا دھنی غافل نہ دی پر لغات کبین علاوه پر پام لزنه دا کادمی نور مطبوعات ہم سته چھ مخصوص مخونہ تے پر نامہ د (فرانس دشہر بے ساتھ) وضع کری او پر ہنفوکبین د تخصیص خا وندان ها ند (سعی)، لری کچیرے بلدر شریہ پہ واسطہ دخنولغانو دفرانس پر شرب کبین کیہ سی دی سچی محی و ننسی.

بانی بنا غالی لو ستو نکی لدپور تدقیقیل خن و پوہیہری چرد داد فرانس شریہ چرد لغات و اصطلاحات پر اعتبار او دیروالی سر د علم او معابر نن و سخ دلقو لوش روپہ سکھن خانے لری، ترڅولر لسم قرن پورے لهستی خن دلخدا او بر مندو وہ، او پہ او ۱۳۷۰م قرن کبین دلا یعنی او یونا فی دیر لغات او اصطلاحات پر کبین کدو و او یونه بو به شریہ نور تر ویله کیده.

دا و یوہ تایخ دفرانس دشہری چد دپراند او پہ اختصار سوئے بیان و سو، فواوس موبہم ہیلد کولا ی سوچنزو پورا لتوونکی تو کر (سل)، بد دیو سے شرندی او علی او فنی شری (گرانپیستو) خاوندی او پر وہ نازیبی؟ ہو کے نرمود دمشرا فاقد امارات، او قود والی چرد دے ملت په او لا د کبین او س مندہ سوی دی داد ھیلے شغلہ زمود په شریہ کبین خلاند اور ہنار کوی که خدای کول.

در روسی محلی شریہ؛ لری باید و وا یوچ روسی شرہ د اسلا و دشہری یوہ خانگدہ ل جمله شخص د (۱۴۴) ملیونو خلق تو چرد اسلا و په شرہ و شیپری (۷۷) ملیون نفوس یوائی در روسی په شری خبر سے کوئی او دا (۷۷) ملیون نفوس چہ بو به روسی شریہ لری (۷۰) ملیون نہ په هدغ معروف روسی شری چر (سپینہ روسی)، ئے بولی چیل کریت بريا کوی (مطلب دا کوی) (۱)، او د اطبیع د چہ په هر موقع کبین جزو د کل تایخ وی لهنفو دول د ول او بی شمار و لمجو او زبو خنچہ په یوہ ملکت کبین مروج وی هنفو لجھه

(۱) د بحد رشدی اندی د احصائی شن جغرافیہ د سے وکتلدی سی.

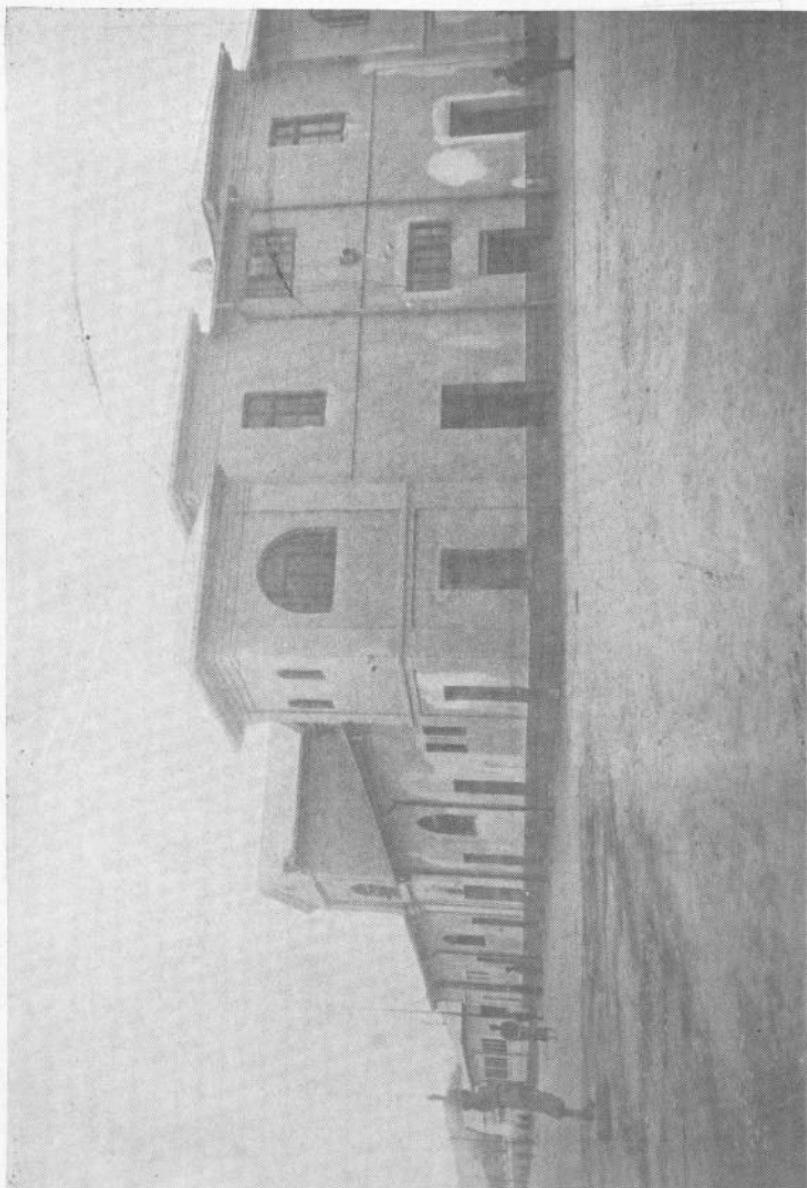
سالنا مدد «کابل»

اوژب غور کیپری چار دیو سے خواہ بولوی تا بدملت پر کویا ندوی اولہ بدلے خواه هفہ لجھ ددر بار یانو
اومنزافو لمحجہ وی حکمہ پردے خامے کین دو لوی او ند کرن ووکی (لایتھیر) دلیلو نستہ چمھیخ
منطق خنی هی توہہ کیدا سے نئی مثلا :-

(۱) اجتماعیات داسی قوانین او فوامیں لی چرانا نخنی هی توہہ کیدا نئی او ندئے دنکل بیولائے
او ندئے نوامیں بدلولا سے سی، او اجتماع تل تریکارہ اسپا بوا عللو لا ندے هفہ شایع شندی
چار طبیع منطقیہ قوانینو سلسو رائے ولری، نوہ کلہ چمھیخ پردے خیرہ بايد و منوجہ جزو
دکل تایع، یوالسی (اجتماعی)، قانون دی، او بیا هر کلہ چو جو خود دے قانون و متن سونو هر و مرد
بايد و وايو چار بشریت لو برحمل پردے والک لری چار خلہ شرب، ادبیات او خپل هشی پر لجد
برحد و منی .

(۲) سر جبڑہ چار دھلوا کدار انداو اوضاع او عادا تو پینیہ (تقلید) کوی
جگہ، چار دربارہ حلقو دمعا شرت طرز، دخڑا اصول او فور عرفانی اوصاف دیرلور او خوابہ
او پوضاحت سودی، او دسرا یا فوشر وندون بیله ساری او سادہ شوندون بل خدن لعی او وکری
تل وس کوی چار دھنوا طواروا و عادا تو پینیہ وکی چه وا کدار ان هفہ اطوار صفتیں سوی دی -
نو پر دے سبب سر هر کلہ چرتایخ پلمتو وینوئے چبہ پر هر خامے کین دن باری لمحہ پر فور لمحو غور
سوے او سمجھ لمحہ کر زید لے - او قول دفتری چاری، مطبوعات، وینا وسے (نفق) او خطابے پھغ
لمحہ کیری، فود غد دول دی داصلی وسانویں (غلبہ) او غورہ والی پرسپینور وسانو اود دوی
درشی پیژن دل پر سیمت سو .

پر هر جا کلہ چار زموبد تمہید تردے خايد او بود سوا و جوت موكہ چار طبیع تگ (جریان)
درشی بہ حال کین دار نگدی، بیرتہ خپل مطلب تر کرن و او وايو:-
دکن ازی (اماہت)، لرمی تاسیں خنہ پر وسیہ کون د میلا دی تر لسم قن پورے کے خدمہ دو سیہ
ریہب موجودو امانہ دانوچری (حروف) درلود چاروس نے لری او ندئے صرف او خود لروده وروستہ



از موسسات و عمارات جدید وزارت مهارف : عمارة سینمای کابل

Nouvel immeuble du cinéma à Kaboul



از موسسات جدیده کابل : عکاسخانه و معازه ملی واقع بازار شاهی تملق چناب صاحب اد خان عکاس
Studio moderne nouvellement construit à Kaboul

پیستو

لهم چه پلس قلن کبیں لوی (ولادعیہر، کناز، یعنی دروسیہ حکملان سود و رسیہ ملت ہم مناسب) پاٹرچرد، دبائند ف دولتوسوئے مومند اونگ در لاتک چردر و سانوا خارجہ دولتوسو منہ سو بت پرستخ پرینہودہ اونا زل سوی کتا بوتھے میں وکی اود اور تو دوکن مذہب چہ پرشق وہما کبیں رواج وہ وے ماندا ورسیہ ملکت دروستہ لدے خاوند ادبی شریے اود ادیاتو سویہ دے دول چصد اسلا وی پاپولخواه انجیل شریفے اسلا و پرداد فی شرب ترجمہ سو ایوه روحانی فلسفہ جو (سن سیریل، موسوم وہ اود اسلا و دقومر روحانی نہیں بلکہ یہ الف باشہ د (سیریل الف) پرنا مامتاختر لکھ کر اود نون ورخی دروسیہ او صرب او بلغار دالف با اساس نئے کہ بینو دنور کل چدد اسلا و شربی اوصوصا در ورسیہ شاہ، پرسوری کبین د عیسوی دین اود سیریل پرمانہ الف با خاوند سے سوکے طبیعی و چدد ادبیا تو لخواه ہم نصحت وکی ۔

لمریل کتب نصحت: هر کلچر و سان د الف بایا و ندان سوہ - در در و روکونی او علم اپیو کیں خونگذ سوہ اولیٰ و اسرتے پرسی لمحچ چہ دکناری (امیری) پہ در بار کبین جہرے پہ کیدے لے دیں و سری یو لخواه دیکھ کا بوند (سن بولیس شریذون) اود (کیف دا پوشوندون) اود (ویلا دی میر مونو ماک، وصیت نامہ) اود (پاپانو در نہیں سیاحت) پرنا مذشر سوہ کر خدم اکثر طالب نے دینی و اعا پا ادبی لحاظ اولیٰ و اس بوریل در شبی اوابد، کیدکا نے سی چرد ہنہ ملک ایسا تو اود شربی دترقی پر تحقیقا تو کبیں لوی سند وی - باید چہ دا ہم بی ویلو پرینڈ دوچرد ادب او زبی دا وہ نصحت دی چہ پرسی دوسلہن کی پر ہفتہ ملک کنہ منہ سویعنی دروستہ لدو قفو، چر عیسوی دین نفوذ مونگلک او الف با ایجا دسوہ دا پورتہ کا بوند لیکل سوی دی، خسرو نکچہ د تو کلیکونکی (رات عنون) لیکی امویں ہم پورتہ عرض وکی چدد ادبی تملک خاص پہ اعیانو اوال دار انوکبیں رہا ج دلود اود ہنفو د احسان تو اعطا طفو شرح دہ ند کبستو اونا زل خلق تو.

در وستہ لدے چہ رسی شرب اود ادبیا تو کہ شریبا بیت اوصورت و موند اونپڑ کبیو چہ ور و ور خل نیم گھری حال بور کی اویو والرخان بشپر والی تدو رسی، رسی ملکت پر و پیریو

سالنامہ د کابل

(بھو) او جھولکہ تاما روفور لیتا سوا دھنے ملکت ادبی شرمندون بیا پسلگیو، او هفہ لمحی حال تیری
خیکن چردروں نور خلقو ادبی شرمند کلیسا خنزہ کری و پس لر پرو اولتار (گھٹتا عج) دلوڑ
خلقو پیاسی اوسکی چارو بیاد اوی شرمند وظیفہ کلیسا اور حا نیونوئه وسپا رسوہ۔
کرشم پلھی وارکن دے یو (تھاجاتو) دروسیو ذری بی اصلاح احوال دادیا تو ترقی خو نیو۔
اما دوس ملت بیاهم صفت ملادفات او جکھے چرد بنیں دماقا لی او وطن دروغتیا دپا بروکیے
دروس درشی او ادیا تو پر محکم بینے بل فصال کسی بیو دھنے خال دروسی ذری فشوہ چرتھنخ خشت
دلخاتوا جبلو دیو دلوڑ حیثیت هیچ و حکم، هعنوکسا فوج خوشیکلا وسے اوسے او داحملہ
پرچل وطن او هفت دملکت دا کا دوطن غوبستونکی هاندئے ولیدنود هعنوشلپ دا محدود و
لغاتو خنچ جملیئے پرمذھی کتا بوكنی یکل کیدل یادھے روئی پر جھر و کین استعمالوں غور
حملو پیسولے اوپا لفاثت ئے دساریا نو دشمنوں او زیست خنچ پور کہہ یونشرے دکترہ
سر او زیست چرلہر حیث دروسی ذری د تکامل سبب سوا هدا وہ چہ مشہور از شونہ پر نامہ (ایکو)
د جنگ منقبتوں) اوو (دیمیتری دوسکوبیا لی قوب) پرسنے ۱۳۸۰ کنکنیکل سوا د دو اثر شخچیوں دیک
چردروں شرہ د دے یادسو عواملو پرا تریشد حلا بربالی او د استقداد خا وندیسوہ۔
پر خلور لقمن کیں هفت وخت چربیاں سلطان محمد د اسلام عسکر پا لوہ سوا استانبول فتح کی او
اسلامی جہاں نیو وکی بیغ نے دنصلی صلیب پر خاں پر شرقی سو ماکن (بیزانس یا لفی استانبول)
و بختی، بیزانس چینو اوسیدو تو کوچ د اسلام فورئے پر خلوقو سرہ و کین د غوبست او د بربالی
عثماني سلطان جو غنی پرچل ورمیز ما یسوند بیزانس ئے پریسو، یوہ برح ایطا لیا او فورئے اروپا تھے
والوں او خدا وسی تمهیله و ووئ او هلتہ میشت سول۔ درود د امراض طوری دا وبد دے نرمائے
او د معارف د نیب دے والی پر سبب، دے تلوں کو دنیا ئی کمالا تو بر خدا د لبوده خدا نگہ چہ پہ
ایطالیا کن د انتباہ د دوڑھے لوئی سبب وکنریل پر وسیہ کنہم نریات پر عرفانی خلستو، چدو
وکیو، یوہ سری چہ (سیلوہ ستر) نومیک او لد غومہا جریو خنچ وہ یوکا ب ئے د (دوسو ترئے)

پہنچ تو

پہنچ تو ملک کا ایک کتاب سے نئے نواع اور ونڈھدھت دروسیہ و شریف اواذیا تو تدوکی ۔
غور و کتاب چہر پکوسیہ کبین دشی اواذیا تو پہنچ اساتھ ولیکل سوادھھت ملکت ادا فی اولیانی
پہنچی نھضت کبین ۷۷ ق (۱۵۶۴ع) ساری (اظہر) نذر لود (حوالی نامہ) کتاب وہ چہر پہنچتہ
کبین یعنی پر (۱۵۶۴ع) کبین لیکل سوی وہ ملک دا کتاب پہنچتہ انداز چردھھت ملکت پر ادبیات کی
غور و الی ری پواسطہ گاؤچ چلیکونکی دلیک تقدیرت پہ دستے کتاب کبین بھوولی جی او درجے
دنزاکت کچنی پر دستے پہنچتہ کبین سری لیدلا جی ۔

پہنچاں رو سیہ ملکت کر خدمہ تر ۱۵۹۴پورے دژستے اواذیا تو لوحیت خان پورہ کیا ہم
پہنچ ددی چہر گرام (صرف و نخو) نے نذر لود لکھ دیوے گرام گرام ونکی شربی دھیثیت ا و
اعتبار خاوندہ نوہ ۔ دا وہ چہر انقصان ہم پر (۱۵۶۱ع) کبین لمیتھ خا خیست سوادھو روی
شربی گرام پر (۱۵۶۱ع) کبین وسانو ویکی او چھوڑتے کی وروستہ لطف دروس مخفی لو مردی
سری چر فورمٹ (لومونوسوف) (Lomonosoff) اودھھت ملکت دادا رہ
العارف خاوندی بشپرئے کی ۔

دایشیا رجی:

عربی شریدر : عربی شریدر یہ پنجوانی شریدر اور ختنگ چہر داشتہ موبہ مسلمان افوتہ دینی اور مذہبی
غور و الی ری هملہ رنگہ پہ شرق کبین شریدر کا وہ چرد تندن دلوی ترقی یعنی دشلم قرن (۲۰)
ادبی اور علمی جوائیخ اوا ویتا پورہ کوئی امداد شربی دنکا مل پہ تابیخ کبین یوہ شرکنہ سلسہ پردازی پے
کولا نسو تکہ عرفان زادہ داسلام دمدینیت پہ تابیخ کبین لیکی ۔

رجاھلیت اعراب پہ شعر خطابت، فصاحت اول بلا غت کبین دلوی مرتبے خاوندان وہ اول
سری بہ خیل زوی تشعر او خطابت درزدہ کا وہ اور دیروں بنے کا وہ چردزوئے شاعریا لاخیج
تکد دوی شعر او خطیباں ساقونکی ذعر زانہ موس او خادمان دعا موگنل کچیرے پر کوکلی

او تبریک شاعر یا خطیب شرکنوارے فوہضہ کلی او تبریدیرہ سلوٹ پر کولہ اوددہ دعڑت لپارم بہئے خواہ عوقی میلمستیا وسے ورکولی۔ او دخیلبا نوا شعراء پر میسخ کبن بمشاعرے او مسابقہ کیلئے مشمول چھپر کے مسابقو او مشاعر کن ترقوہ غور و سوی واسے دھضہ شعر بے پر مکہ معظمه کنیں خواہ او قتل بس دھضہ عزت او احترام کا وہ، ترقوہ مشہور دسوق عکاظ مسابقہ چھڑاں فومد ویری شاعران بدھلتہ قولیدل او مسابقہ او مشاعرے بے سروکولے (ملفات سبعہ) هم ددے دوڑے نہ سہ ده۔

ورہستہ لدے چڑا سلام لم رخوت او د عربستان شبہ جزوئے پر چل غور زنا کع او قرآن کیم نہود پر یعنی بحضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم نازل سول پارم ددے چ دقرآن کیم آی تو نزد غلط لوستلو خند و ساتل سی بیاد عربی پر شردہ پار خنجوہ سوہ کر خدم دعیب شربی دخوئے وضع کیدل دقرآن دلفظی صحت و ساتنی لپارم و اما بر سیرہ پر ہند دژبی دارت والی دپارہ هم لویہ ملکبی و گزیں او وہفہ دجالہیت ددوڑے و شر بی ترئے دا یوں عظمت ورک چپر لہ هفہ داسلام دعلی لویتیا او عظمت پر دوڑ و کبن دشائغ فلاسفہ، متکلین اونعلائی ضروریات تے پرنسپ دوڑ پورہ کا وہ۔

لوی صفت چ عربی شرہبی او وہفہ تے دارت والی غورہ دلیل باید و گنہوں ہند دادی جہڑے ژبی تل د علم و مود ترقی او تعالیٰ پر من کبن خان شرکنڈ کرم جمادی مثل اہuem او هم اصطلاح چپر مدن دنیا کنیں نوئے و مندے سی او د عربی پر شرہبی کن قابل دنقل وی پر عربی کنیں دھنود قلول خانگواد دعوی اصطلاح پیدا کیوی: نول دے جمہت دی چ عربی دیرلس نیم قرن دشقت علی او ادبی شرہبی او شائی چ در شرق شربی ہیشیخ کله ددے ژبی لہاحتیاج شخزوہنگارے نہی۔ کبکب

تو مرکی شریم: هر کلہ چ انسان د ترکو د شربی او داد بیا قوتا بیخ گوری کولاں سی چ د قرکو پڑیا خوبی سی بیلے لیجی او ادبیات لکھ: او یغور، او گوز، چختائی، آذربی او پیدا کی او داقو لے لجی او ژبی او ادبیات دتا بیخ پر پانوکین پاندی یوا خی هفہ شرہبی چ من و سخ شرون دی د تو کر

پہستو

پرملت کب ویلکیبوی عثمانی شہریہ کے چردان اطول (آسیا صنیف)، دقوکا فوجوب (مخصوص)، شہریہ - فوجوب هم ددے شہری پرشا او خوا کب خصل مطالعات لیکو:-

خنگہ چہارینہ ۃ حلمہ Hilmah یکی، ہند وخت چرد سلحو قیانو حکومت آسیا صنیف رہہ
و رسیدہ اوفارہی شہریتے خپلہ بھی اولی شہرتا کلی وہ پہ آسیا صنیف کبین مولتا وہ دلکیونضت
شگنگہ ساودے نصبت خل مطلب پرسکنہ دقوکو دشہ شوندوں مقر کرہی اون اود آسیا
صنیف و ملوک الطوائف پر علاقوکن درور و فارسی۔ شہری دمیٹھ خذ واخیستہ سوہ اوادبی اثرات
پترکی شہری شگنگہ سول دروستہ شوند خند شہری، دقوکو دملت پر زریکبین بلہ رنپا پیدا سوہ چہ
ہند ناعلی نصبت اود اسلام علوم موئخہ فائدہ اختل و او دوی سہ دلا سہ اسلامی کتابوں
لعری خند پر تورکی ترجمہ کریم دا نصبت یواٹھے پہ یوہ ولایت کب نروہ دا آسیا صنیف پر قولو کیتوں
خرگندسو.

لمری سری چرد خارجی شہو خنگہ پر تورکی شہری کتاب ترجمہ کی دموانا سلطان ولدنزوی وہ
چرد پلار در تصوف مسالک نہ لہرے خواہ پر لیک اور ترجمہ کبین رؤسست او پہ ترکی شہری چھوکی
او دوهم سری چرد ترجمہ کار پر تورکی کبین وکی (شیخ احمد عیسیوی) وہ چرد فلک نامہ (منطق
الطیر) پر تورکی شہری ترجمہ کی.

ترخوچرد عربی درشی فنفوڈ پر تورکی کبین دیروہ او اکثر و علاوی علی، فلسق او دکلام
کتابوں پر عربی شہری یکل نودا نصبت ہم یوہ او بده زہانہ دعوی دعلی اواد بی دنفوڈ ترخوچرد
عمتیزاوہ ترجمہ دعیسوی پر خلو لسحقن کبین سلطنت والبریالی (فاتح) سلطان محمد ملہ ورسیدا
او دد سے سلطان پر زمانہ کبین پر تورکی کی داسے نصبت شرگند سولکہ چرد نسا نس دوڑ پهارو پا کبین وہ
خکہ پر دے دوڑ کبین یو عالمد (اسعد لاقدی) پر نامہ پیل سواووسے غویستل چرد یونان فلسقہ
پر تورکی شہری کبین دا خلکی نو دا وہ چرد اس طوک کتاب (سہادا الطیبی) متنون نہ چہ پر عربی او یونانی
شہری موجودوہ سو تطبیق کریم او یونان کتابیتے پر تورکی کبین دکتاب استماینہ) پر نامہ ویلکی

وروستہ لدے بیا ہم روح پر روح دن کو دزبے دعماً اولیکونکو نہ دیر بکھ اور تن جھے شام جو نہ
زیارتوب وکی او قورکی شہر پر تباہی سچ سودھتی اوقوت خاوندہ کیجئے ددے نہ ملے پھر وخت بکھ چوکی
شہر پر پیسو دریہ خلیکونکو دے هیله سو پر خپلا شا لور و بیتی عربی افغانی لغات والفالاط
بندے ذوق کی دشنبے پر قالب کہنی دقوکی شہری دجلہ اوعبا تو سر کدوں نو پیدے سبب سو پرو فیسو
کو پر لو زادہ خوادیکی چمپہ توکی کہنی وہ سبکتیاک پیدا سویو دیسطر قورکی چرد بیل پر نسبت سو
بویو و اوبلکو توکی چمپ عربی افغانی دکلما تو لغا تو خنڈر کو کو .

ذوق کی شہر دلعت لمی کتاب : دن کو پر شہر کہن چلمی او غوره دلغت کتاب لیکلی سوی دی محمود
کاشغری دلغت کتاب د (دیوان اللغات التورک) پر نامہ دی او دوہم کتاب پر دے شہر کہن هنہ
کتاب فی، چھ عاصم افندی پر ۱۲۳۰ کہن د (سجد الدین فیروز) مشہور قاموس د اوقیانوس پر نامہ ترجیح کی
اوہ کلہ چ داسئی پی عربی، فارسی، فرانسیسی روپی وہی دقوکی شہری نہ ہم پر دیر سلاست
زندہ وہ ایار ۷، زمزہ لغات نئے دعا مو قورکا فو خنڈر کوئی او د کتاب د نورہ لغا تو سوئے مقابلہ
کر فویو پیور او غوره دلغت کتاب نئے جور کی او د علوم لغات نئے دزمائے د تالا کیدو
خنڈ و ساتل - وروستہ لدہ بل سوی چھ حسین بن خلف فو مید د تبریز (برہان قاطع)
نئے پر ترکی ترجمہ کی اوھ لغت نئے قورکی لغت پیلاک - پر دوی پسے پلہ پسے نورہ شہر پوہانولکہ :
شمیں الدین سای، معلم ناجی، رائف بخارت او مثل دلوی پر قورکی شہر کہن دیرو اودول دوں
دلعت کتاب ہون جو یورکیل او د اشہر نئے دلوں تیا او قوت خاوندہ وکر زونہ .

کخشہم دقوکیہ دادبی پر معروفہ دوڑہ کہن چپنا مدد (ثروت فنون کورنی) یادینی دشنبے
پر شروند او د املا د طرز پسماں (اصلاح کہن دیر سے خوئے لگید لی او د صرف و خویزیات
کتابون جو سوی مکدر خاٹی دلہ والی پر واسطہ دی دن ولو تفصیل پر لینو، معدہ د غواص
او د تورکی دزبی اوسنچے حال او دا چھ ھنگ ملت نن روح پر خپلہ شہر کہن خمکوئی او لائے کم
لوہ مقام ترسوی ترهف عنوان لاندے بھئے چر (پیشوں نگہ وہیزو) خدجت وکد .

پہستو

دفارسی شاہر، دفارسی شریہ چون سوچ معمول او جھرے پر کھپری دعری اور چلوی شربی دترکیب
شنجورہ سوے اولیجی تاپے نے دادو چہ پر ۲۰۳ هجری کین صفاریا نو پر خراسان کی اوپر ۲۷۹ هجری
کہن سا ما نیا نو پر بلخی اساس د سلطنت کھینبود دے دو روکونزیو ته مغد وخت پر لاس در غنی چہ
چلہ دفارسی شربی اوچل ملی ادبیات و روزی - هفتوہ چد فارسی شربی وروستہ د مصہتا یعنی
خند دھستی اوژوند خاوند سوہ او د صفاریا نویا لعنص د سا ما نیوشانو تو رسی عکا کند
چر قول لکڑ دوی دفارسی دزبی پڑوند کیں و فارسی شرب دیر بیننا پر خیر عام والمندہ کی
اوپر لبر ملہ کیں دپر لویشاعران او نتالیکونکی پر کیں شرکن سوہ پر دے صورت سوچہ :

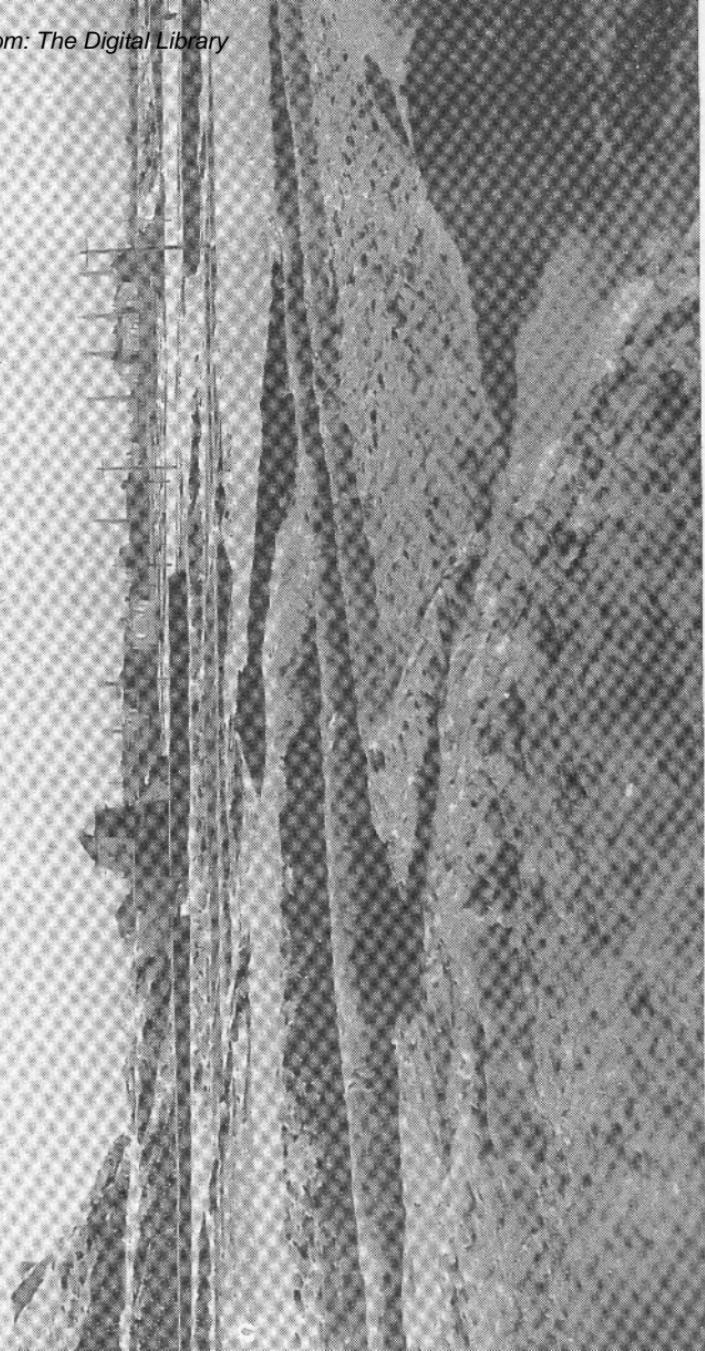
دفارسی نثر - آقای نقیبی د ایران دادبیانو پر تایمیخ کہن لیکی، ترھفہ خایہ چہ موبخیر د
فارسی دنثارلیجی اثر چہ با تردی د خلمہ قرن پر اول کہن دی، ترد سے وراندے خہ
نبان نے چہ باتہ دی فقط خو جملہ دی چہ عربی یا ایرانی مؤلفینو پر هفوکتا بونکن
چہ پر عربی لیکلی تقل کری دی او داهم جوتہ خبر ده چہ هر و مر پر دوہم قرن کیں دفارسی نثرو حکم
(بجا فرید)، دماء (فروز دین)، نزوی چرد بندی عباس د خلافت تھنڈی پر ۱۳۲ هجری نویشین
پر خراسان کی راہیوست کتاب نے ہم پر فارسی شربی لیکلی وہ اویائی د (منگ)، کتاب د مہندی
خند پر فارسی توحید کی پر خلمہ قرن کیں د سامانی دشا ہافو د مسلوپ پر کتابیوہ
دفارسی پر شرب کیں تا لیف سوہ او هفہ خدم چہ پر دے تالیفا تو کیں دپر غور و دی هفہ کابوہ
دی چہ دلغت د کتاب پر نامہ شرکن سوی حکم : دلغت د کتا ب تالیف یوھے ٹب تله
حضرت شیعیا نو شخذی لکھ (تاج المصادر)، چہ و تالیف نسبت نے (ابو عبد اللہ عصر)
د (محمد رودکی)، نزوی تہ کوی بل دلغت د کتاب چہ پر دے دورہ کیں لیکلی سوی دفارسی دلغت
ھفہ کتاب دی چہ (حکیم ابو حفص) د (احوص سعدی)، نزوی تالیف کہی او روستہ
لد سے نور دپر کتابوند لکھ دابو الفاسم عیسی (د علی نزوی)، دلغت د کتاب او دابو المؤید بلخی
مؤلفات او نور د اسی کتابوند، دپر شرکن د او ولیکل سوہ او د فارسی شربت دلوفی او لوپتے

مرتبے خاوند کو اوددے خاتم سلسلہ چه دفارسی دشنبے دلکور والی دپارع کیدہ او بردہ سوہ ترخوچ دسلطان محمود غزنوی پرمہانہ کبر دده پمارادہ دفارسی دشنبے لوی اثر آبدہ، یعنی شاہنامہ فرزندوں نظم کرو اود فارسی دشنبے داستقلال بنائے چہ ترین روئی لیسا کیجی کہنکہ کرو۔

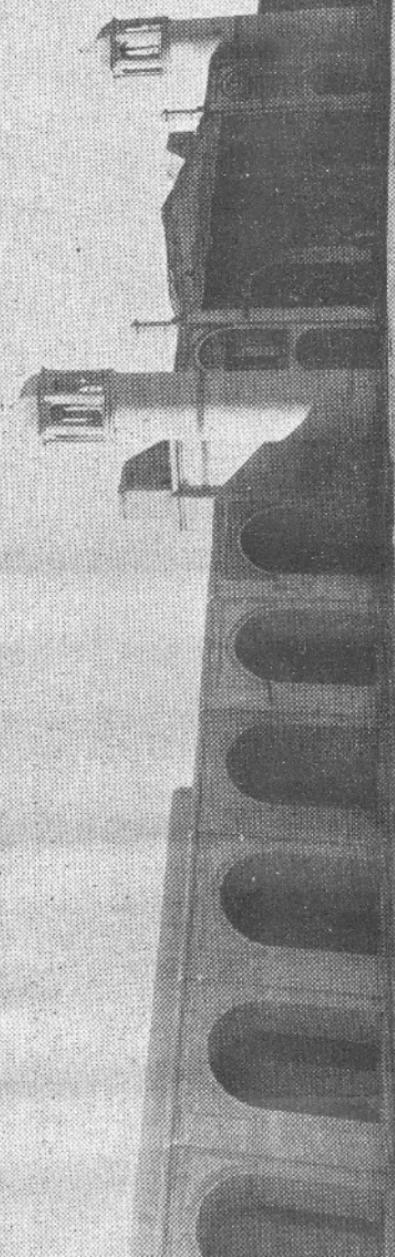
باید یوں یلو پاہ نسی چہ دفارسی شعر اور خدمت دفارسی شربی دناداہی پہ تینکواں کین لہ نہ لیکونکو مخنے غورہ اولور دی حکمہ:
 دفارسی نظم : دقولونڈ کرو لیکونکو پر تصدیق سو لمی سی چہ پر دفارسی شرب شعروفتہ اود ائے جوتہ کرو چہ دفارسی شرب دشعر ویلو اسقلاد لری حنطلہ باد غیسی و، چہ پر ۲۱۹ کین مہساوارلمیری هری چہ پر سیستان کین دفارسی پرشرب شعروواہر محمد وصیف سکنی زنیتی چہ پر سنہ ۲۰۳ کین لے دیعاقوب صفاری پر ملاح کنہ شعروواہر امامثاں دروی۔

وروستہ لدے چہ دفارسی پرشرب کین دویلو او جزو دگھرت سودا سو دشرا ڈاویو یونکو شمیز دیرسوچ دخیال دغولی مخنے وتله بخردہ حکمہ: هفہ وخت چہ دیریم قرن پاسی تہ ورسیہ او خلدر قرن شروع سولہ یو سے حواہ فارسی شعر خیل انتہائی لور والی تہ ورسیہ او لدبلے حواہ کنہ دشعا اور دو فے نریا قوب وکچہ دسری داگان وہ چہ پ دے نہماں کہ هر خردی کرندی دشعر لگیا قوب (مشغولتیا) دی نور خمنستہ، او دھفہ نہماں د پادشاہانو پر درب اکیں شعر ااویونکی دلمہ مقام او عزت خاوندان و لکھ نصرت احمد ساما فی چہ دفارسی دادیا تو او زب تائیخ باید تل دده پر نام سلوٹی وکی حکمہ: دده دربار کوکی دشعر اور دہیارا و دفارسی دشنبے دترویج ا او ڈوندلہ میری حائے وہ۔

وروستہ رہفہ دفارسی دشنبے ادبی او معنوی خاشرہ بڑیک اودے مرتبہ تہ ورسیہ۔



از مناظر هرات : وضیعت دودنای شهر نو
Vue générale de la nouvelle ville d'HÉRAT



از عمرانات جدید هرات : مسجد عبید کاہ در شهر نو
Grande mosquée nouvellement construite à HÉRAT

پیشتو

بنائی دپاسنی بیان خذ پوهیدل سوی وی چداوسنی فارسی همه شریبدہ چرد عمرتے
 ۱۱-۱۲ سوکاله (کیری اووسی ندسته ترهفه ندوه - اما داچه نن ورخ دایران ملت دفارسی
 و شربی ترڅه خدمت کوی او شنگنه سروزی دپیشتو در فرنې پر عنوان کښ به لډیان وکړه:
 داوه د خنځی شریود تکامل یوه لندو تاير ینځی چرډ مثال په دل می پورت د عرض کړو اوس
 اجاءه غواړی چې پیشو جلوکش دپیشتو در شربے د اصلاح په باره کښه علی قیسوانین ولیکم
 اومقالا ختم کړه:

پیشتو شنگه و فرنې؟ دپیشتو خوبه شریبدکه نوی زیپیدل ما شوم - اوس غواړی چې د ده طن
 د پووه او بلاد و چې پرسکښن ئې لهجه مرغه د ملکت لمی سری (المتوکل علی اللہ اعلیٰ حضرت محمد ظاهرا ثنا
 شناغلی یادشاہ افغانستان) خانے لري در روزنه په غیښ کښ حکای او مهارے ترویسي
 او د پیشتوون دا ولا د دلیک (کتبی) او وینا (شفاہی) شریبد و ګزرنې - هر ټله چرددے شربی
 د المی تا پو دی چرخ پروده سچ کچیره سچیم او علی لار ده سه وتک ترجوته نهی شنائی چې
 په ملکه او رکښ به په کلمه او استونزو کبیسیونې او یسا پیځونقصانو خواوند وي - فوشنګه کچې
 ما شوم درونزه او تریلې په وخت کښ پیځون قیود اتو سو مقید وي شریبد هر ټله چه د تخلو په
 حال کښ وی ځنو قیود اتفاقه اړه (احتیاج) وي او کمن، بنائی چه تادا شې پرست اساس
 کبیسیو ده سی او خالی له نقصان خذ ندوی - نوله ده سه جهته موږ خان پور ګنډه چرد شریف
 دعلم (فیلولوژی) د ځنوعلا او تحقیق کوونکو د فک په استناد سو دپیشتو شربی (دیاره ځنټندا بر
 غوره کو چې بر اړوالي (تطبیق) نه په ده شریبد که دغور و شریو امکان لري - داد چې شرع
 په مطلب کیری:

پیشتو شربی ترد صرف و خنځو افره - که دپیشتو در فرنې په اسا س کښې پېښه اتفاقیق و سی په میکسوا چې از د صرف او خنځو
 لري ټه لويه هستي خواوند ده مثلًا تېږد یې چې په افالو صفا تو ضمانه رواو.... کښ انتظام د مخصوص غږ خواوند ده دنکه کړو
 تایندې په قواعد کښ چې دیرے ټې لکه توړ کړی و فسا رسی او

چند لیک او جزو پوخت کبن مخصوص فرقا و خوند لیکونک او ویونک ته ورکوی یعنی کسی مذکوری ضمیر هم مذکوری او کلاسم مؤنث وی ضمیر هم مؤنث و ته را جمع کیوی یا که موصوف مذکوری صفت نه مذکوری او که موصوف مؤنث وی صفت نه هم مؤنث را جمع او هم نویشند :-

اسم	غوبی - غوا
اوین - اوپسہ	ضمیر
وزر - وزہ	(ھنے - ھنے) (دی - دا)
ذکر	مؤنث
دالرگ سم دی -	دالبنت سہم دہ
داغنوری خوبی دی -	داغنا خوبی بردہ
داکتاب سپینی -	داکتاب سپینی وہ
دنیدا اس دنکر دی -	دنیدا آس پر دنکر وہ
دعمر و خوبی قوری -	دیکر غور و قور و دہ
دا صفت قلم سوی -	دا صفت شواف سو وہ
زیلکو ترہ والا می -	دا کو ترہ والا رہ
زیل سری وواہد -	زیل سری و وہاں
ہنائی چولہ پورہ مثالو خذہ و پوہیلہ سی چور دا شہد صرف و مخول خواہ مخن پروی و زیبو خصوصاً شفی بیٹی	فل - فاعل سے لم مفعول او ضل جملہ فعلیتہ
خورہ میں اوبنے والی لڑی - کچیرے صرفی او خوبی تو این نے سر قول سی کید لاسے سی چور صرفی او خوبی محیط	کلاماً فعل - فاعل سے لم مفعول او ضل جملہ فعلیتہ
برتیو لو علی او ادی حوا جھوچا پیرسی دا سرخ ہم باید و کچڑو نہ نواہم چوپ بستوڑی ترکو فوئی صرف	کچڑو کیشیں پت غور اور سرہ رسیلہ صرف و مخول رع
رخنجو ہوسی بلکہ غوارہ ما او وہم چوپ بستوڑیہ پہ خپلان تکیشیں پت غور اور سرہ رسیلہ صرف و مخول رع	مخفی صرف و مخود سے تدوین سی - احتیاج پہ نہ دوں پورے کوئی او بنا ائے چوپ دے دو لہنگا

ابن جن چهدا کار باید وکی هیچ کلمه نہ و پر یعنی بری فوله هفته لنجن اوله معموکا انو شخه چ غونستونکی دند
چار بی دی او د صرف و مخود تدوین و خت لری پر دیره بیرو د صرف و مخود تدوین هیله لری.

دعا موظفو بی پھلو لغافوکین بلقنه او رائیستانا بلدو (غیر ما نوس)، لغافو او پیده کار بزبل دھفو،

هر کل چهارانان د پیشتو پیه شرب کش شرم پلتنه کمی او د عادی لیک او جزو شخچه هم روح خ نے
استغا لوب خرکبسته کلامی او غل (سریش)، او شتقا اوقه هو تیار و گفتور (کنخ)، ترچ د پیشتو
در شجعه هیر سوی لغات پر لایه دی و رسیده ی گوئی چه په دیره بیا (معفتون)، گخو برا برسوی دی او
اکثر هفته لغات چه په و بیلو کین عادی گمل کیزی او زه مونه پر شرب کی فسته په دسته گتوکین ئه
سوند کاسے سو مثللا (جوئند)، چه دواخخ، معلوم، مبرهن پر خای ده یاد (وھار)، اصطلاح
چه په خانے کمی د (هفته کار بز و چر یوکال او بله ری، او بیوكال نے نز لری، وید کیزی یاد (اشنیف)
لغت چه هغورو بیوت چ زری سے اوله کامه و تلی وی او بیا و تکوئی سی وید کیزی، همبار نگه په هره
گوینه دملکت کمی پر زیر و ساری او محل لغات، اصطلاحات ستة چه د پت والی په
واسطه موب کمان کو و چ شرب د لغات نز لری - نوه کله چه خبر په دسته خیر ده موب خنکه وکو؟
در شروع علم (فیلولوزی)، په دسته باب کمی موزونه بشه لار بنهودلی او زیرمه کوئی چه ترهفه حده
چه وس وی با در شر بے د تاکلو (خصوصی)، خرو (ناینگان)، په ذریه با یار د پیشتو انجمن دا یو
خری د تشویق او خریص په رسیده د مل شرابی و خدمت تپلاس راولی، هفته اصطلاحات
او لغات چه مثللا په قندها رکبین ستنه په مشرقی کمی فسته یا په مشرقی کمی فسته په قندها رکبین فسته
یا په جنوبی کمی فسته په فور و پیشتوکین فسته سول غونه کی - او هر کله چه دا منه په قول ملت
اسمه لری او هر شوک چ پیشتوون دی او په هر کله بیت کمی چه میشت دی داعمدهه قبولی فو رسیده یو
دیفنه د که پا مر لزبل هیچ د ول مصارف ز غواصی که موظف انجمن داغوره او دیره لوبیه وظیفه
مگر په کمی مسو آسانه پر طحان و منی او د خیل عملی حکمت په واسطه په دسته موضوع کمی اقدام
وک په لور ملکه کمی بخیل مطلب ته و رسیده ای او حسما په خیال په دسته کار رکبین د بروی او مؤثر

خُری دوکا یاقود اخبار و ارد معارف مدیران دی.

داملا او مرسم الخط دیووالی لزوم پریلیک کین ۱-

کرد خلای رضاوه دھکومت په پام لزمرم بنا فی چه پیستو خوبه شریه به لبی مده کین و کتابو،
اخبار او بخلو خاوند سی، پیستو در شبی اخبار زند اوا نجمن دیستو مکلف دی چه داملا
په دیووالی کین و میل او پام وکی ۰

یا پېبل عبارت سرهفه بھی چپه حنولغا توکن د حنوا قومو په ویلو کن تو پیلری لاسکه
او پشتم (بدلیله)، حنوتوره (حروف)، پېبل توری (حروف)، او خرنگ چه پریلیک کین نرم پیچونیو
ادیبا نفاو او مشر افوا (خلای دیے په دوئی رخت وکی) په هفه وخت کین پیستو دیووالی او د
وحلات په لحاظ سرهفه مختلف فید لغات چه په جو تر سرم الخط یکلک او د اخلاق ئے له
میسخ غذ آخیسق او پیستو بلا استشا که مغربی دی یا مشرقی که جنوبي یا فرس، قولو منلو او د
پخوسوکلو را پدے خواه سروج او معصوم دی وسائل سی او هر سری حانته بیل سیلکارونه
نسی فوهه مطلب چه پیستو در وند خندر و هفه مطلب تربه په بیره و رسید و مشاؤ ۰
دیووه علی او ادبی اثر خندر یههم دمشرق او هم دغربی او جنوبی او هم منطقی قوموند کته واخلي او هم
به په پوهه پری - هر کل چه داد پیستو در شریے لمی پر مختیاده او روح په روح په کو ژبه
کین گنهه در سی کتاب او مطبوعا تو د ہر بیری نوباید هفه لغات چه په دیے کتاب او مطبوعا تو
کین را مستل کیږی کا ملا داملا او مرسم الخط دیووالی لحاظ دیے و سو نکه: (پیشنهاد
شاید گرفتن به میل - چو پرشد نشا یا لکھشتن به پیل)

دلخاتو د وضع کولو د پاره لار :

هر کل چه انان د شریوتا یعنی گوری او هفوسل یو تر چه دیے ژبو تیری کری دی نظر آچوی
نود او رجوت می چرسیده حنوزه چوچ عادتاً اساسی او د شریومندی بلی کیږی لکه د آریه، سایی،
اسلا او ژیف او د دوی خیر نوره تولے شری چه ن د نیا ملل جرے پر کوی هفه شریب دی چ

پنستو

پر تائیخن سلیوکس پا اثر دیوے سلسلے سیاسی و اجتماعی عوامل اوایجا باقتو پر وجود اغلى می لد دے
خند شرکنگی بزی چجالفات چہر داڑبی لئی قول هف لغات دی چہر پا اثر دار تیا وضع سوی و بیو دینہ
تسلیک دیوے ژب کری او تیوے درجے دھنے ژب دھنل واکی تاداے گز زیدلی - هر کله چہا اوس
خنی ژبی لخنو لفاظ تو خند محرومی او لمپارم دپور کولو دچنلے ارتیا بسلے ژبی ولغا تونه لا س د
فقرنی - نو دا نے سبب سوچ دنیا میلت غونستونکولو پارم دد دے چہر دھنل ژبی چنل واکی
(استقلال) ہم لکھنل نور ملی چنل واکی وکتی - پر پور کولو دچلو نیکرو لفاظ نے پیدہ (نیع)
وکم او خلہ ژبیوہ وی، اوں رفع دادود عام او قولدہ هنہ مل لچ غواری دخل اجتماعی پر صلاح دھنے
کیں تو پخواہ یہنگ کاس کنہ بودی پہ لمی پلا کیں نشخیلے ژبی تر پام او خند کریا ۔

مجکد: کھلوک دقوکریہ دخلور کا لو پخواہ مطبوعات او دا ایران دیوہ کاں پخواہ مطبوعات
و گورج داوینا بور جوت دسی مثلًا دقوکریہ پر مطبوعا تو کس کہ شور و گور و ینوچ پر دسخوکلو
کہن دھنل ژبی پا اور می دی لقا شرمندی کمی دی ہدرا نگہ ایران - او دا چردخنگہ دوی دا چارو کیہے
بیل بحث دی چڑھتے باید عرض وکم: -

خلوک کا لو پخواہ پر قور کیہ کیں یو الجمن پرنا مرد (دیل کور لٹائی - Dil KOROLTAI) یعنی
در شریے لو یہ گر کہ - تأسیس سووا او خچ روہید ونکی سی نے پر صفت دعضویت پر جر کیں یو تاکل
او دے جرج کی پکار پیہسہ (مشروع وکم) لفظ وخت تراوسہ کے جر کی دھنل ژبی نیم گئی لغات یا پہ
واسطہ دھنونزی لفاظ توجہ دیا ده وتلی او پر یہ نیو سوی اویا پر وسیلہ دنوی ترکیبی لانا تو پور و پور
پور کوی مثلًا دغد (کور لٹائی) لغت نزوی تور کی لغت وہ چہ دھنلو دیری (تحاجمات) پر دوڑی
خصوصا دچنگیں پہ لمی جرج کیہ کیں چرد چنگن نوم نے (حکما لاعظم) لانوہ گئی (تمو چین) بالہ
کیدہ استعمال سوی وہ اوس تو کفا فو هغد لغت دلوئے قولی یا المئے جرج کی پر معنی و مانا و ہدرا نگی نور
اویا هر کله چرد ا الجمن نزار او پخوانی قاموسونہ ولہو ا وچنل نیم گرمی لغت تبل لغت وہ مندی -
دنوی لغت و حور یہ دتر پار وک او د مرکب مخز دالفاظ او کلاما تو بل لغت جو مرک لکھ (اوچوی)

(ج)

چه طیار سے تروائی اور دے لغت ترکیب دادی چہ، (اوچک) د تو رک پرشہ بکب الوقتو عوائق او معنی د فاعلیت د کوئی هر کلمہ نئے چرد (اوچو) او (جی) کلمات سو بیو خا مے کوئی دیبا رے معنی خوبی خیستہ همدا نہ کی دی قول چہ دی الجھن خپلے شربی تجویت کری اوہم نے کہ سوچ پر سوچ دیروی.

اما ایران؟ پر ایران کبس پرس سرکال بیوہ اکادمی پر نامہ د «فہنگستان» تأسین سوہ اوپہ هستہ اکادمی کیں فاضل اپیا اوری سیوی پر غصویت و تاکل سوہ اوہ لھنہ وخت چرپہ دے ملکت کیں دا اکادمی پر اینستدسوہ - پر دے باب کیس نئے غورم خدمت وکی اوپیزخواں لغات نئے چردیا دہ وتلی و شوندی کوئی اونوی لغات نئے چردش ب پوها نو پر علی قوانینو مسند دی وضع کئی مثلًا؛ پر خای دا اصل هر بیانی (دیریا ایشان)، اوپر خای د قشوں فی (اہریش)، اوپر خای د گرا وزنی (سرہمناد) اوپر خای د پلیسی مخفی فی کارا کاہ اوپر خای د کشیک چسی (نکجبان) او..... را وستل.

بنائی چرانداز د لغا تودگر نرولو (تصرف)، د نوع لغات د جو مری و بولہ پارے اوژوندی کول درہم و د لغا تو خنچ چ پورہ و پسول سوہ و پیر نالہ سی چرد دے اکادمی اصول دنری و لغا قو پرش وند اود نوی لغات اوپیچورید و کیں خردول دی؟

هر کلمہ چرد دقوکی شربی لوئی جرک او دا ایران د شربی اکادمی یو لغت وضع کی او اعلان نئے وکی دھنے و سی تول جاندا و بھلی هفہ لغت منی او استعمالوی نئے.

هر کلمہ چنوي علوم او مخصوصاً د امزونیت (تجربہ)، علوم د آنزو مولیبنت پر پری یتندگاری او د دنیا د ملتو اوقمو خوبیونه (ریویہ) فوری قوموا و ملتو تدار آنزو مولیبنت او د کوئی د گردی فوہم و هم کر غواچہ چ خپلے ملی شہ پر پسیو درہ و او د ہستی او لوہ تیاخاوند نئے کویلہ د دے مالکو، د تجربے (نکراس) بلوفہ نڈلو - هر کلمہ چرد اول ده فون یونیونکی یوچ د پیستو الجھن پر ملکتیا اونظر لانے سے دھفو قضا چرد د کار و پری د چخوایون لغات اوپیچر زندگن او فنوی لغات د وضع کو لوڑھفہ حلا چروس وی او فرمود ایتیا پور کوئی او فرمود محیط موبہ تصلاح لکوی - وس وکی او د ملیت پر مینہ کاروکی.

نوع لغات چنگر وضع کمی؟ د شربی الجھنونه د نوع لغات د وضع کو لوہ پر وخت کیں پر واصلہ د چر لغت

پیشتو

دلول ملت مال اود تقول ملت ارتیا پرسو کیری عجور دی چهار دنوی لانا تو پر وضع کلوکن دقول ملت هر آن
تندگوئی او دعا مام کشند دادول کیری چه همه کان چهار دنوی لفت پر وضع کلوکن موظف دی بولشد
فهرست جور ک اوا علان نئ کی شلا و لیکچ «دد سے لفاقت پر خاتے، ثروت، اقتصاد، تربیت، اجتماع
او... لفت غوارو او رتہ اریوباید هر خواجہ خلندکر و لیک او دے قوئی تئے را استوی، هر کلچہ چدا علا
لد سے قوانی، نشیر بونی جواند اور جملے مخصوصاً هفہ جملہ جماد سے الجمن شخن خپن بزی دا علان پر خپلو
مسلسلو کنوبن تقول ملت تدرسوی - هر کله چ دایوہ اجتماعی مؤسسه ده او تقول ملت پر کن بونی از حق
نو هفہ، خبر او خی پوهید و نکح مدت هر خواجہ خلند نظیر پر دے باب کن و درکوی او هفہ لفات پر چ
زندہ وی او غواری چ دے لفاقت پر خاتے استعمال کی لیکی نئے او الجمن تئے تئے را استوی
الجمن هم پر یو تا کلکل روح توله هفہ پر زرے چھڑا غلی دتلو عاماً عضاً پیغ کن لوں اعضاء ھفتول
لغفات کوئی هلغت چ پر فور و غور او مناسبی منی نئے او همیت و درکوی او جواند اور جملو تب خبر و کوئی چهند
لفت پر هفہ دو لاستعمال کی ۔

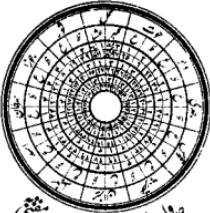
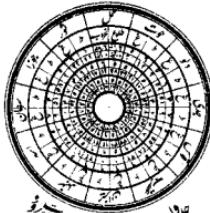
لکچہ زمورو پستوانجن هم دانظر یه پنظر کنلری .

در یو لعاتو دمنلوار: سولردست چه دنیا دخیل شد په خپل واکی کیش تودوالی او در یو قصیب شنی خشنگ چیزین الملل علاقت اور رابط انسان افونتیو طبیعی امردی او خشنگ چه هر ملکت در پرداز مطلع سالند په خپل ملکت کیوسنی گزرو لا ی هدرا نگد لمنلو خندخون پر دیوان اتو هم خان ساتلاس نهی- اودالغا بر غلب اعلی و فن لغات وی چه کمزول (تحییف) نهی په بلدریش کین خر خونه هم زلای- او هدرا نگد لغات هکله چه په علم او فن موادی و علم و فن حوت وطن نداری نوعی دنه په ملکت کین بلکچه دعلم و فن مع نزیبول کیهی خود نو گزرو لاے- مثلا له هده وخت خنچه افغانستان په بنه درق او دعزنافی تکامل په پت کین ایشی او دینا دیور و ملت توسرئی على او فن مناسیات یعنی کری او ددویح علم او فن خنچه گند آخلى- دیرانات دی چله خانچ خندد على او فن کتا روا عن انصار صرسزه صوبید ملک ترار غلی او دعوا مو په شربکن شئ وی دیشخ چنلو لکه مو، هوتل، یلگون، تلغراف او په سورن فوره تعجیزه- اوں که مور و غواچه دا تول لغات او اصطلاحات

دیپسود شریبے خود یا سوار پر خانے فور لفادات استعمال کو تیر تردے چہلور بڑھ پیر ندلی (مانوس) لئتا
ہے لاس سیاسویں ای چہلخونی نورتے ستو نہیں ہم لای پینی ہی۔ مثلاً اول دموتر کلمہ چہ مورتے اتو موسیں اسٹھم
تھیں اماور تیرے مولیفت گز زیدیں جنک کہ بندہ شرور و گور و موقوفہ گز زیدیں تک ماشین تریل کیہی چہ پر یوہ
صنعتی اونچ دستکاہ کبین وی او ھف دستکاہ چلوی اوحچ و قرفہ ماشین تراوی چہ را تو موبیل پا چنگیں
وی نیچپڑا تو موبیل تھی موترا وابو پر حقیقت کبین دادڑی چل مال گز زیدیں فور ارنگ لفادات خندنگہ چہ دی ای بد
ھفتے و ساتو ھنڈا رنگدی را فور پورت لفادات اور دوی خیر۔

دبیلے ٹبے دلفا تو متل یا پا آسان عبارت سو نفوذ دیویے ٹبی پر بلدر شر بدرو لوی عامد لری چہ یو یا ھنفو
سیاسی نفوذ اونغور والی دی چہ یو قوم کئے پر بیل قوم کوی ککد مغلن پھوپا نفوذ چہ پر اسیے در بلواد اود
ٹبی نہانے ٹراوی دا اسیا پا شریو کبین ستد لکھ (قا بوجی) چتر اوسدے موہ پر چند مخا و کبین ایو
یاد قاچا چکھے ترین روحی نزوب دکھمکھ پا اصطلاح کبین وید کیہی اود دوی پر شیر فور۔ بلاعی، ادبی و
قی نفوذ دکھکه لا یعنی ایونا فی شری چہ دار و پا پا اوسنے ٹبی کبین اد اسرا پا درش بی علی اونچ اصطلاحات اولغا
دا اسیا پا اوسنے ٹبی کبین یاد عربی شری نفوذ پر فارسی، هندی، قوکری اونغور..... کبین ستد اود اد اول
نفوذ دنے غیشتی اونتینگ دی چہ خلاصی ٹخنی مسلک دی ملائی ٹیلکون، پوستہ، تلکاف لامھن لفادات تو
خند دی چہ دار و پا دافن متل بر مولو یا یعنی کم و بیو و غوار و چہ دا قول پیشتو خند دغور جھوپر خانے فور
لفادات و تاکو ہیر کیا او استونزہ دہ جنکہ، چہ فور لفادات ددے لغا تو پر خانے چہ نز و بیو پر شریکن
اذ بے مقام اونھنوس غیر مندلی د اغبرا اوندیت لہ شریف خند باسی اود ونے چہ دا لفت و گھر پر ہنڈل لیں
لفت ٹپر خانے نسوا ھام کو کھے۔

داهم دیلو چھو جو دہ چہ کلچھ چھو دار پا داشبے علی اونچ لفادات تو نہ مجبو بیو دوئے مینہ بایل کبین ٹنکو چھو دود
او راج پر کھا (مد)، او دا ہم او علاقی پر خانے (انتست)، او د طالع پر خانے (شان)، ووا یا وھن لفادات چہ رکھا
پھو بیو آسانی پیپتکو ٹیکنے کبھی ہور تھے چھل ملہی شری کبکو اوندیلہ چہ، تلادر بیو لانا تو تریکو ٹانے مانکو
دا وہ یو سلسہ مطالعاتا چہ پا ٹھے باکید عکھن کہ بنا چہ خدمہ فوڑھا ملہ ہی چکڑی، پر شنکن ایو ولی لکھ عاملی میہار
کبین اجور سوکنیا بولیکل اونور..... اما یو عامل بیل دی چھچا پا خیاں تر قلوب اعلانو غور و دی وھنے دادی چہ دا دل سیکن کٹکری
و ٹونک دو ہر زنے تر تاکل چھ علاوہ پر یم اونھن اوقابیت پچھے کشہ کبین ولی، یو بیو مینہ دھلیت اونگ ٹبی ددوپی سری
کبیر وی اونھان دکھنی دھنی
او د پار د دام پیٹھی وی۔ ھکلا چا اصلاح دھنی بیل د گھ عاملو امکان نے لری فورا عامل بایل پا شری داصلخ اونڈنلہ سو
العمل پر ٹرام کبکن پیدا نہ ستر کر وکل سی پیچک دوں سر د پیٹتو شری بیوہ ادبی او دیکش شریب د پیٹتو قوم و کھنپسی ولنے اتفاق۔



محل ملاعی مدارکه و عشانیت مشقی
محل طلاق و غرور دیگر ایام پیش از خود

سالنامی ۱۳۱۶ هجری شمسی

برای سال ماهه ۱۳۱۵ کابل امداد	حکم	ش	جواز	سلطان
عمر	اصل	بلند	پیران	عمر
جوت	جودی	دو	سلیمان	حکم
قوس	بندی	چند	پیران	برای سال ماهه ۱۳۱۵ کابل امداد
دلو	دو	چند	جواز	سلطان
چوت	چند	چوت	حکم	عمر
پیران	بندی	چوت	سلیمان	عمر
سلیمان	چند	چوت	جودی	جوت
اصل	بندی	دو	چند	پیران
عمر	چند	دو	چند	چوت
جواز	چند	چوت	چند	سلیمان
سلطان	چند	چوت	چند	اصل

غلطناهه سالنامه کابل

۱۳۱۰

صفحه	سطر	غلط	صحیح
:	۱۰۱	بلندیهای و ضعیت	بلندیهای طبیعی
۱۰	۴	غلام بهاو الدین	غلام بهاو الدینخان
۱۷	۱۵	من او شریف	من ار شریف
۱۸	۹	صاحب منصبان	صاحب منصبان
۲۳	۱۲	حبيب الله خان	حبيب الله خان
۲۹	۱۷	مدیر تدقیق	مدیر تفتیش
۳۰	۶	معاون اول و وکیل ریاست	معاون اول
۵۰	۱۶	تلگراف	تلگراف
۵۱	۹	محمد شریف	محمد شریف خان
۵۳	۱۶	سفیل	کفیل
۵۶	۷	محمد اکبر خان	محمد اکبرخان
»	۲۱	سر کاتب تدقیق	سر کاتب تفتیش
۵۹	۷	عبداللطیف خان	عبداللطیف ان
۶۰	۲۰	محمد فخر خان	محمد فجیر خان

صفحة	سطر	غلط	صحصح
٦٩	١	مجلس عال اعيان	مجلس عال اعيان
»	٤	عبد الرحيم خان	عبد الرحيم
٧١	١٠	مدير عمومي محاسبه	مدير محاسبه
٧٨	١٨	نوونه	نوونه
»	٢١	٢	غور
٨٣	١٣	غود	غور
٨٦	١٩	نائب بحکومه ها	نائب الحكومة
٨٩	٢٠	منظمنا	منظماً
٩١	١٩	بليس	بليس
٩٤	١١	موزنیت	مزونيـت
٩٦	١٤	مرتکبین	مرتكـبـين
١٢٠	٩	تجارـتـى	تجـارـتـى
١٢٢	١٦	تبخـير	تبخـير
١٢٣	١	بند سـرـخـاب	بـنـدـ سـرـخـاب
١٤٠	١	ترـفـى	ترـفـى
١٤١	٤	نـختـهـ پـلـ	نـختـهـ پـلـ
١٤٣	١٧	باـيجـاتـ فـنـى	باـيجـاتـ فـنـى
١٤٧	١٧	هـكـذـ	هـكـذـ
١٥٠	١١	مسابـهـ رـامـينـوـانـ	مسابـهـ رـامـينـوـانـ
٢	كـردـ	ترـمـيمـ كـردـ	ترـمـيمـ كـردـ

صفحه	سفل	غاط	صحيح
۱۰۲	۱	و خمیه امراض (محرفه)	و خمیه امراض (محرفه)
۱۰۴	۱۱	بدست میباشد	بدست میباشد
۱۶۰	۷	جغ آوری	جغ آوری
۱۹	۱۹	با مورین	با مورین
۱۶۱	۱۱	چیغک	چیغک
۱۷۰	۸	یلک قوه خا	یلک قوه خا
۱۸۷	۱۰	حکم فرما بود	حکم فرما بود
۱۸۸	۱۹	ابادنی	ابادنی
۱۸۹	۹	متاسی	متاسی
۱۹۳	۸	وارد	وارد
۱۹۶	۳	کذلت و ترجمانی	کذلت و ترجمانی
۱۹۷	۱۸	بوارا کین	بوارا کین
۱۹۹	۱۶	ورزش کاران ها	ورزش کاران ها
۲۰۰	۱۰	منطقه جشن و سایر	منطقه جشن و سایر
۱۰	۱۸	سال گرمه مبلاد	سال گرمه مبلاد
۲۰۴	۱	رسیده	رسیده شده
۲۰۷	۱۱	قرار دند	قرار دند
۲۱۰	۱۳	به اقسام مساعد	به اقسام مساعد

صفحه	سطر	غاط	صحیح
۲۱۰	۱۴	موجب آبیاری زراعت	موجب آبیاری زراعت
»	۱۴	و ایاری زراعت موج.	و فراوانی آب
»	۱	به	از
»	۱۱	در	بارت از اختلافی است
۲۱۷	۱۴	صرف	صرف
»	۱۰	صرف	صرف
»	۱۴	مونتر	مونترو
»	۱۵	و فائده	فائده
۲۲۰	۱۷	پلایموث	پلیمیث
۲۲۳	۱۸	نظر پاره	نظر پاره
۲۲۴	۶	ژردا	نزادا
۲۲۰	۱۹	روپت	روپت
۲۲۶	۸	جارج	خارج
۲۲۷	۲۰	فر	فیز
۲۳۷	۲۱	ملک	ملک
۲۳۹	۱۹	بنقتل	بقتل
۲۴۰	۷	برگترین	بزرگترین
۱۴۹	۲	وند سر	وندر
»	۵	»	»
»	۶	ثراین	اثر این
۲۵۳	۱۷	نمکت	نمکت

صحيح	غلط	تعداد	صفحة
روابط	روابطه	۱۱	۲۰۶
تسليحات	تسليفات	۲۱	۲۰۸
میخواهد	بالواسطه	۱۶	۲۰۹
هایلند اسال مبانع هنگفتی	-	۱۴	۲۶۵
در راه تسليحات خود			
نیز صرف کرده			
هایلند	هالین	۶	۲۶۶
مبوزه ها	ومبوزها	۰	۲۶۹
تابلو ها	بلوها	۲۰	۲۷۰
او	و	۱۶	۲۷۱
ناظم	فاطم	۲۰	۲۷۹
شاملو	شابلو	۲	۲۸۱
چیری	چیری	۱۱	۲۹۱
ورفتن	از گفتن	۹	۲۹۳
رابطه	واسطه	۲	۲۹۶
در یکی از شمارات	شمارات	۹	۲۹۹
پیشتر	پیشتر	۳	۳۰۲
خواهم	خواهیم	۱۱	«
نمیدهد	نمیداد	۳	۳۰۳
میشود	نمیشود	۴	»
موزیم	موزم	۱۳	»

صفحه	سطر	شاط	صحيح
۳۰۴	۱۱	نشاق	نشان
۳۰۸	۱	غریبی	غمای
۳۰۹	۶	صدوقچه	صدوفچه
۳۱۰	۱	اخواهید	خواهد
۳۱۳	۳	پروش	پروش
۳۱۵	۴	قهرمان	قهر
»	۱۶	راجیوت	راجیوت
۳۱۶	۱۷	(۱)	(۲)
۳۲۶	۱۲	اختلافه	ختاطه
۳۲۷	۱۷	كتاب	مجله
»	»	Antiquary	Antiquary
»	۱۸	عتیقات	عتیقه شناسی
۳۳۱	۱۰	برهم زده	برهم زد
۳۳۲	۰	مجسمه	مجسمه
»	۹	هنر مدنیه	هنر مدناده
۳۳۴	۱۸	کلا	کلاه
۳۳۵	۱	ساله	ساله
»	۱۶	بخوی	بخوی
۴۳۷	۸	Nleogène	Neogène
۲۴۲	۹	علی بهاء الدین	علی بن بها الدین
۳۴۳	۱	چندان	چندی

صفحه	سطر	غلط	صحيح
۳۴۳	۱۵	تر حذ	تر مذ
۳۴۵	۱۱	مفقود بود	مفقود و
»	۱۵	بی آب خشکیده	بی آب و خشکیده
»	۱۶	گشته است	گذشته است
»	۱۹	ک د آ لو	کرد آلو
۳۴۶	۵	مناسب	متناسب
»	۱۷	بلوغ	بسن بلوغ
۲۰۰	۴	احسام	حسام
»	۱۳	توقفی	توقفی
۳۵۱	۱۴	که مشار اليه	که مولینا مشار اليه
۳۵۲	۶	مرتجی	مرتجمی
۳۵۳	۲۰	زمان	زبان
۳۵۴	۳	یا آنکه	و یا آنکه
»	۱۶	المعروف ابن	المعروف با بن
»	۲۱	شيخ	شيخ
۲۰۶	۱۴	ولداند	لذا ند
۳۵۷	۹	از او بادی	اشارة بحیات او
»	۱۲	عارف	عارف
»	۲۰	یا	ما
۳۵۸	۸	خلقها	حیله ها
»	۱۰	در عان	در نهان
۳۵۹	۴	به تحقیق	محقق

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۰۹	۹	افزاید	می افزاید
۳۶۰	۲	جامه	جامعة
۳۶۳	۱۶	نبوده است	نیست
۳۶۶	۹	ولی	وهمچنان
۳۶۷	۳	که و مرکز	و مرکز
۳۶۸	۴	وحدت	وحدت دهن
»	۱۸	بریعی را	ریبعی را
۳۷۰	۲	تجربید	تجرد
»	۵	اردات	ارادت
»	۹	کس	کسی
»	۱۲	سالهای	از سالهای
۲۷۱	۲	حتی	و حتی
»	۲	موضوع	موضوع و کلام
»	۴	تونا	توانا
۳۷۵	۱	اشعار	اشعاری
»	۲	به علم	به عالم
»	۴	فناوری	فنائی
»	۱۱	ازین راه	درین راه
۳۰۷	۲	حجت	صحبت
۳۷۸	۱۳	جای خبزد	جای خوش بر خبزد
۳۷۹	۱۶	عبدالفار	عبدالغفار

صفحه	سطار	غاط	صحیح
۳۸۱	۱۴	فرام گرفتن	فرا گر فتن
۳۸۲	۱۹	نمی نمود	نمی کرد
»	۲۰	ذ فکی	فافکی
۳۸۳	۴	قصائد	قصائی
»	۱۰	مبکتند	مبکد
»	۱۱	منایند	می نمایند
»	۱۲	»	»
۳۸۵	۱۰	واز آنجلمه است	وازا نجمله است
۳۸۹	۶	تغير	تغير
»	۱۴	بماوراء النهر	بماورا النهر
۳۹	۹	وجلات	زمان
۳۹۲	۳	یا حصر	حصر
»	۱۲	انشاه شعر	انشاء شعر
۳۹۶	۱۳	تقديم	تقدیم
۴۹۷	۶	عصر احترام	عصر واحترام
۴۰۲	۱۳	تبیین	تبیین
۴۰۴	۴	ذواللسانی	ذو المسانین
۴۰۶	۵	صلی اللہ علیہ	صلی اللہ علیہ
»	۱۰	حسین میرزا	حسین میرزا
۲۰۸	۴	وشیخ الدین	ومسیح الدین
»	۱۴	عبدالدول	عبدالاول

صفحه	سطر	غط	صحیح
٤٠٨	١٨	میندی	میندی
»	»	نودی	نودی
»	٢١	بی برند	بی برند
٤١٢	٨	المی	المی
٤١٣	٦	فخرالدین	فخرالدین محمد بن
»	٢٠	کشید	کشید
٤١٦	٦	او المانی	ابوالمعانی
»	٩	مقتبه	مقلده
٤٣٠	١٦	طیمی	طیعی
٤٤٠	١٦	میر غازی	میر غازی
٤٤٤	٤	سرگ - میمچواهی	سرگ میمچواهی
٤٤٤	٨	کور تیه	کور تیه
٤٤٨	٩	پیوا	پیوا
٤٦٨	١	Paris chaceyparis	chaceyparis
٥٣٩	٥	تخبلة	تخبلة
٥٤٠	١	شد	میشود
»	٦	لقبسه	نقسیه
٥٤١	٨	Noi	Noix
٥٤٤	١٦	ذفیر	زفر
»	١٧	»	»
٥٤٧	١٥	دخنات	دخانیات

فهرست مضمون

سالامه کابل

۱۳۱۵

صفحه	صفحة	مضمون	صفحة	مضمون
	الف	تشکیلات ولایات و حکومات اعلا		مقدمه
۴۵	۱	ولایت کابل		پاد شاه افغانستان
۴۰	۳	ولایت قند هار		افغانستان
۴۷	۹	» هرات		تشکیلات محلکتی
۵۰	۹	» مزار شریف		صدارت عظمی
۵۱	۱۱	» فقطن و بدخشان		وزارت حرب
۵۳	۲۰	حکومت اعلای مشرقی		خارجہ
۵۴	۲۷	» جنوبی		داخلہ
۵۵	۲۸	» مینه		»
۵۶	۲۹	» فراه و چخانسور		مالیہ
۵۷	۳۲	تشکیلات دوائر ملی		معارف
۵۹	۳۵	ریاست عالی شورای ملی		تجارت
۶۶	۳۷	» اعوان		فوائد عامہ
۶۹	۴۰	» بلدیه کابل		صحیہ
۷۱	۴۲	تشکیلات دوائر حضور		بست وتلگراف و تیلفون
۷۱	۴۴	وزارت دربار		دیانت مسقفل (مبايعات - نسل گیری)

صفحه	صفحه	مضمون
۲۱۱	۷۲	دارالتحریر شاهی
۲۶۹	۷۴	سریاوریت حری حضورهای اینی
۳۰۱	۷۵	مجر آت دو زمکنی
۳۴۲	۷۵	امور حربیه
۴۱۸	۸۲	ه خارجه
۴۳۴	۸۶	ه داخنه
۴۸۰	۹۶	ه عدیه
۴۸۷	۱۰۱	« ملیه
۵۰۸	۱۰۷	ه معارف
۵۰۸	۱۱۹	« تجارت و فلاح و صناع
۵۲۲	۱۴۰	ه فوانیه عزمه
۵۲۸	۱۵۱	ه صحیه
۵۳۰	۱۶۳	ه مخبرات
۵۳۲	۱۷۳	اخطاری دشان
۵۳۲	۱۷۴	اجرا آت دوازه ملی
۱	۱۰۲	مجلس شورای مدنی
۵۴۳	۱۷۵	مجلس اعیان
۵۵۰	۱۷۵	امور بلادیه کابل
۵۶۰	۱۸۰	ه جاریکنار
۵۶۵	۱۸۰	مظہرات و رض
۵۷۵	۱۸۲	کور دیرو میث
۵۷۷	۱۰۵	و قمع مهمه داخنی

فهرست تھاویر

سالنامہ کابل

۱۳۱۵

صفحہ

تصاویر

- ۱ اعلیٰ حضرت ہما یونی
۲ » شہید
۴ از مناظر شهر کابل
» » »
۶ » جلال آباد
۱۰ والا حضرت صدر اعظم صاحب
۱۲ » وزیر صاحب حریمہ
۲۲ » سردار شاہ ولی خان غازی
۲۸ وزیر خارجہ - وزیر داخلہ
۲۹ وزیر عدلیہ - وزیر معارف
۴۶ تجارت - « فوائد عامہ
۴۷ صحبہ - « پست و تکریف
۶۶ رئیس شوری - رئیس اعیان
۶۷ وزیر دربار - سرمنشی حضور
۷۴ یع، ج محمد حیدر خان نمایندہ جامعۃ مملک
» ص محمد اکبر خان مصاحب حضور ہما یونی
» امین اللہ خان معین عدیہ

سالانه « کابل »

صفحه

تصاویر

۷۰

ع، ش محمد قاسم خان قوماندان فرقه قطعن

» « عبد ا لغفور خان سر يا ور حر بي حضور

» « عبد ا القوم خان قوماندان فرقه غزن فني

» « ص عبد الرسول خان رئيس مباريعات

» « محمد عليخان مستوف هرات

» « محمد كريم خان مدير عمومي سياسي

چناب عبد الله خان دكتور معادن

» «

موزيك سالون مخصوص وزارت حريه

اوكستراي هارموني » «

منظرة عمومي مکتاب حر يه

فرار گاه فرقه تو بچي

فشله دو منزله فرقه تو بچي

سمت دا خلي فشله تو بچي

دروازه بزرگ فشله تو بچي

موقع تو يها در قشنه تو بچي

درخ دا خلي يك قسمت از قشله تو بچي

موقع تو يها درون فلمه » «

قوماندي نی عسکري فرقه قطعن

چهاونی عسکري در خن آباد

۸۴

جلسه سلامه جامعه ملل

کينفرا نس بين الملل جلوگيري ادویه مخدوده

مجلس عمومي جامعه ملل

صفحه

تصاویر	
۱ جلاس عمومی سالانه جامعه ملل	۸۴
فابریکه نسا جی محبس کا بل	۹۰
مدخل عمومی و برج کنگره دار محبس	»
عمارت نائب الحکومگی هرات	»
مکتب در شهر نو هرات	»
دیاست بلدیه هرات	»
کارخانه برق در هرات	»
یکی از بازارهای جدید شهر نو هرات	»
بازار نو در حکومتی غور یان هرات	»
عمارت تلگرا فخانه صرکنی مینه	»
حکومتی پشتون کوت مینه	»
یک حصه از کتابخانه معارف	۹۸
منظرة خارجی کلوب معارف	»
دائلی مکتب حبیبه	»
عمارت مکتب زراعت	»
بند سرخاب	۱۲۲
بند فرغنه	»
بند خروار	»
موذة اقتصادی وزارت تجارت	۱۳۸

صفحه	تصاویر
۱۳۸	خبر به خانه کیمیا
»	مقبره باپر شاه در کابل
»	حوض سنگی در جوار مقبره باپر شاه
۱۴۴	یک حصه از کارخانه پاشینه باقی قند هار
»	یکی از عمارت حکومتی در قند هار
»	ماشینهای فشار پشم
»	کارگاه های بافت
»	ماشینهای مالش و آرایش پشم
»	اطاق پشم شوئی
»	ماشین آهار دادن تار
»	ماشینهای مالش و آرایش خشک و شکنجه
»	» »
»	» » مر طوب
»	رنگ ریزی
»	منظرة عمومی فابر یکه نختابی جبل السراج
۱۴۶	یکی از عمارت شخصی در قند هار
»	بازار جدید التعمیر قند هار
»	بازار توپخانه قند هار
»	پل فراه رواد
»	هوتل عصری در هرات

فهرست تصاویر

صفحه	تصاویر
»	یل مالان هرات
»	گمرک مرکزی هرات
»	شفا خانه شهر نو هرات
»	بازار شهر نو هرات
»	منظاره عمومی شهر هرات
»	یکی از بازارهای جدید خان آباد
»	بان غ عمومی خان آباد
»	عمارت مدیریت خارجه مینه
»	یکی از عمارتات دولتی »
»	موقع تعمیر فابریکه برق وردک
»	عمارت مهندسین در وردک
»	برج برق متصل وزارت حریه
»	اطاق پخته کردن چرم در فابریکه چرمگری
»	مناظر داخلی فابریکه نختابی جبل السراج
»	» » » »
۱۷۰	تلگرافخانه شهر نو هرات
»	» بیسم هرات
»	قسمت شمالی شهر مینه
»	هتل عصری در مینه
»	قهقهه خانه دارالفنون

سالنامه « کابل »

صفحه

	تصاویر
۱۷۰	هوتل عصری دراند خوی
»	عمارت دستگاه آخذه تلگراف بیسمیم کابل
»	» « صادره » د »
۱۷۸	بازار جدید خیابان
»	» « و دیوار دریا
»	حمام قلعه باقر خان
»	فسقه مسجد پل خشتی
»	منظرة عمومی بازار باغبان کو چه
»	پل قلعه محمود خان
۱۸۴	ع، ج کویرسکی سفیر شوروی
»	« دوفور دولپار وزیر مختار فرانسه
»	« پترو کوارونی « ایطالیا
۲۰۰	اعلیحضرت همايونی بروز جشن استقلال سال ۱۸
»	والاحضرت وکیل صاحب « «
۲۱۰	مرحوم سید شریف خان سریاور
»	« آدم خان مشاور صدارت
»	« سید عبد الله خان مدبر عمومی سیاسی
»	« عذایت الله خان محصل مکتب طبی
»	« سید حامد خان دوا سار
۲۲۸	والاحضرت ولیعهد ایران
»	منظرة افتتاح خط آهن ایران
»	مرحوم آقای داور وزیر مالية ایران

صفحه	تصاویر
۲۲۸	دا کتر شخت وزیر اقتصاد المان
»	مرحوم آقای نظام الدین حکمت وزیر پست و تلگراف ایران
۲۳۲	از مناظر انتخابات هند
»	عروسی شهزاده خانم زولیانا
»	کامینیف
»	ترونسکی
»	ذینو و یف
»	سوکو لینسکوف
»	راداک
»	پانا کوف
۲۳۶	سمیر نواف رئیس نقشه پنجالله شوروی
»	لیتو ینوف کمیسر خارجه شوروی
»	مجلاتونک کمیسر صنائع شوروی
»	حکمت سلیمان رئیس وزرای عراق
»	جنرال بکر صدقی محرک انقلاب عراق
»	یاهین پاشا هاشمی رئیس وزرای مرحوم عراق
۲۴۲	ملک فاروق شاه مصر
»	« فواد شاه قبید مصر
»	مرحوم سعد زغلول
»	شهزاده محمد علی رئیس مجلس نیابت سلطنت مصر

سالنامه « کامل »

صفحه	تصاویر
۲۴۲	امضای معاهده انگلیس و مصر
»	» فرانسه و سوریه
»	نیاپند گان سلاطین عربی در بیت المقدس
۲۴۳	توقف رشدی آراس وزیر خارجه تور کیه جزال چنگ هسوایما کی محرک انقلاب چین جنرال هداشی رئیس وزیر ایران » چیزگی کی شک دیگنا تور چن
»	امضای معاهده امن و جایان
»	خانم سویس
»	ایدورد هستم یاد شاه محلیون انگلستان
»	خابواده سلطنتی انگلستان
»	نیوانل چمبر لین و ذیر مالیه انگلستان
»	آستن چمرین وزیر خارجه فقید
»	لارد لنشگو نائب السلطنه هند
»	لدون بلوم رئیس وزیر ایران
»	سانکر و وزیر داخله سابق فرانسه
»	مدابو وزیر خارجه فرانسه
۲۵۴	روزولت رئیس جمهور امریکا
»	مارشال ریدز سگلی یو لندی
»	شوشنگ رئیس وزیر ایسلند
»	بک وزیر خارجه یو لند
»	یک منظمه از مجلس سلامه حزب نازی

تصاویر

تصاویر

- ۲۵۱ نطق معروف موسویانی در میلان
- » کوانت چبانو وزیر خارجه ایتالیا
- » راس امر و فائد جبشه
- » گرگز یانی نائب السلطنه جبشه
- » راس ناسیم سردار فقید جبشه
- ۲۶۰ آزادانه رئیس جمهور اسپانیه
- » کابالبرو رئیس وزرای اسپانیه
- » جنرال فرانکو رئیس انقلاب یونان ایانیه
- » دل دی ویرا محرك انقلاب اسپانیه
- » اولين ملاقات جنرال فرانکو و جنرال مولا
- ۲۸۴ دهلهیز سختانی موزه کابل (هیئت عتیقه شناسی فرانسه و افغان ۶ قطعه)
- » اطاق هد درموزه کابل
- ۳۰۰ سنگ هفت قلم در گزارش گاه هرات
- » عمرت مکدان در هرات
- » سنگ تاریخی مصلای هرات
- » سنگ هفت قلم نظری سنگ مقبره سلطان حسین مرزا
- ۳۱۶ لوحة ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸
- ۳۲۲ » و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶
- ۲۴۰ » و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴
- ۳۴۸ مقبره حضرت مو لینا جامی در هرات

تصاویر

صفحه

- | | |
|-----|---|
| ۴۴۸ | گنبد مقبره اولاد اسینقر مرزا در مزار شریف |
| » | سمت جنوبی مسجد جامع هرات |
| » | مسجد و با غ صوف اسلام در هرات |
| ۳۸۰ | منظره عمومی مینارهای مصلای در هرات |
| » | مقبره حضرت خواجہ عبدالله انصار « |
| » | » عبد الواحد الشهید « |
| » | باغ شاهی در هرات |
| » | مقبره امیر دوست محمد خان در هرات |
| » | یکی از مینارهای مصلای قدیم « |
| ۳۹۶ | زیارت سلطان سید احمد کبیر در هرات |
| » | » خواجه عبدالولید « |
| » | قلعه اختبار الدین « |
| » | منظره عمومی دیوار شهر قدیم هرات |
| » | گنبد خواجه محمد پارسا در بلخ |
| » | در واژه نوبهار در بلخ |
| » | دخمه منسوب باولاد سلطان سنجر در مزار شریف |
| » | بالاحصار قدیمی تاشقرغان |
| ۲۱۲ | تصاویر شاهان افغانستان (یوتیدم دوم) |
| » | هليو كلس - هرمایوس |
| » | ميناندر - کانشکا |
| » | سلطان محمود غزنوي - غیاث الدین غوري |
| » | شهاب الدین غوري - قطب الدین ایلک |

صفحه

تصاویر

- آرام شاه - شمس الدین التمش
رکن الدین فیروز شاه - ملکه رضیه
- معزالدین بهرام شاه - علاء الدین مسعود شاه
ناصرالدین محمود شاه - غیاث الدین بلبن
- معزالدین کیقباد - علاء الدین خلجی
ابراهیم لودی - شیخ شاه سوری
- میرودس خان هوتكی شاه محمود هوتكی
اعلیحضرت احمد شاه اعلیحضرت تیمور شاه
- » شاه زمان » شاه شجاع
» دوست محمد خان » شیر علیخان
- » محمد افضل خان » محمد اعظم خان
» محمد یعقوب خان » عبدالرحمن خان
- » حبیب الله خان
- منظرة عمومی مکتب صنائع
- دهلیز فرقانی » »
اطاق نماش » »
شعبہ لیتو گرافی » »
اطاق رسم شعبہ نجاری » »
شعبہ رسامی » »
قالین بافی » »
لیتو گرافی » »

صفحه	تصاویر
»	شعبه لتوگراف
»	صف مهندسی
»	»
۴۲۰	نقشه - افق نسان
۴۶۰	از منظر کابل
۴۷۶	خرگاه یکی از گلان شوند کان مردمان شمالی افغانستان
»	جیات فسائل صفحات شمالی افغانستان
»	فالین باقی در داشت
»	فالین باقی در آند خوی
۴۸۴	ورزشکاران افغانی در هند
»	ورزشکاران افغانی در هند
۴۹۰	تهانه یکه توت در ولاست قطعن
»	گدام پنه در قطعن
۵۲۴	هیئت اداری شرکت اتحادیه شمالی
»	نمایندگی اتحادیه شمالی در کابل
۵۳۲	منظرة عمومی عمارت فابریکه چرم گردی کابل
»	» خارجی
»	» داخلی
»	» د
۵۸۲	عمارت سینمای کامل
»	عکس سخانه و معازه عصری در کابل
۵۹۲	منظره عمومی شهر نو هرات
»	مسجد عیدگاه شهر نو هرات
۶۰۰	تقریم سال ۱۳۱۶

Table des matières

	page
Préface	(الـ) A
Biographie de Sa Majesté	(۱) ۱
Afghanistan	(۲) ۳
Organisation administrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	(۳) ۹
Activité des administrations gouvernementales	(۴) ۷۵
La presse afghane	(۱۸۰) ۱۸۰
Corps diplomatique à Kaboul	(۱۸۱) ۱۸۲
Principaux événements de l'année en Afghanistan « « « dans le monde	(۱۸۰) ۱۸۵ (۲۱۲) ۲۱۱ (۲۶۱) ۲۶۹
Musée de Kaboul	(۲۰۱) ۳۰۱
Sculpture ancienne d'Afghanistan	(۲۱۱) ۳۴۲
Histoire de la littérature d'Afghanistan (2e. partie)	(۲۱۲) ۴۱۸
École des arts et métiers de Kaboul	(۲۱۳) ۴۳۴
Les principales plantes d'Afghanistan	(۲۱۴) ۴۸۰
Mouvement sportif en Afghanistan	(۲۱۵) ۴۸۷
Les progrès économique réalisés en Afghanistan pendant les 7 dernières années	(۲۱۶) ۴۸۷

	page
Activité de la Banque Nationale Afghane	(۰۰۸) 508
» des principales sociétés commerciales	(۰۲۴) 524
Hygiène pratique	(۰۳۳) 533
Quelques renseignements utiles	(۰۰۵) 555
La cuisine	(۰۶۰) 560
Les inventions nouvelles	(۰۶۰) 565
Les forces militaires des principaux états	(۰۸۰) 575
Comment devons nous développer la langue Pouchtou (en pouchtou)	(۰۷۷) 577

اعلان

ذو اینکه خواهش خریداری این سالنامه و سالنامه های گذشته و یا اشتراك
مجله « کابل » را داشته باشد آدرس ذیل مراجعه فرمائید : **کابل** جاده
لرگه **العنی ادبی کابل**.

Avis

Tes personnes désireuses d'acheter le présent
ALMANACH ou les Annuaires de la REVUE DE
KABOUL ou de s'abonner à la REVUE DE KABOUL,
sont priées de s'adresser au : **CERCLE LITTÉRAIRE
DE KABOUL** (Kaboul-Afghanistan)



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library